

فقهاء محدثان و اصحاب حدیث

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فن ششم - از مقاله ششم

از کتاب الفهرست

در اخبار علماء و نام کتابهاییکه تصنیف کرده‌اند

مشمول بر

اخبار فقها و اصحاب حدیث

اخبار سفیان ثوری

سایمان بن سعید بن مسروق ثوری ، از فرزندان ثور بن عبد مناة بن اد بن طابخه بن الیاس بن مضر بن معد بن عدنان . و گفته‌اند در بنی ثور سی نفر بودند که هیچ‌یک از آنان کمتر از ربیع بن خثیم نبود . و همه در کوفه زندگانی میکردند و در بصره حتی یکی از ایشان دیده نمیشد .

سفیان ثوری درحالیکه از دولتیان پنهان شده بود ، در بصره وفات یافته ، و در شب همان روز بخاک سپرده شد . و این واقعه در سال یکصدوشصت و یک بود . و سفیان در آنوقت شصت و چهار سال داشت . زیرا در سال نودوهفت بدفیا آمده بود . و بوصیت او عمار بن یوسف

کتابهایش را پاک کرده و بسوزانید ، سفیان بازمانده نداشت و یگانه پسر وی پیش از مرگش وفات یافته . از این جهت وصیت کرد که دارائی و اموالش را بخواهرش و فرزندان او دهند . و سعید بن مبارک را از ارث محروم داشت . این کتابها از اوست : کتاب الجامع . الکبیر - بیکرة حدیث و گروهی ، چون یزید بن ابوحکیم ، و عبدالله بن ولید عدنی ، و ابراهیم بن خالد صنعانی ، و عبدالملک جدی - و از مردم غیر از یمن - حسین بن حفص اصفهانی ، معاذ بن عمران موصلی . عبدالعزیز بن ابان ، عبدالصمد بن حان ، زید بن ابو زرقاء ، قاسم بن یزید جرمی ، آنرا از وی روایت کرده اند . کتاب الفرائض . کتاب رساله الی عبادالارسونی . کتاب رساله ...

ابو عبدالرحمن

محمد بن عبدالرحمن بن مفیره بن ابوذیب ، از بنی عامر بن لوی ، و از فقها و محدثانی است ، که متصدی قضاوت بود . وفاتش در سال یکصد و پنجاه و نه ، و این کتابها از اوست : کتاب السنن - مشتمل بر تمام کتابهای فقه ، از صلوة ، طهارت ، صیام ، زکوة ، و مناسک ، و غیره .

عبدالرحمن

ابن زید بن اسلم ، برده عمر بن خطاب ، که در آغاز خلافت هارون الرشید در گذشت . این کتابها از اوست : کتاب النسخ و المنسوخ . کتاب التفسیر .

عبدالرحمن

ابن ابوزناد ، و نام ابوزناد ، عبدالله بن ذکوان بود ، و ابوزناد از فقهاء و محدثان است که در سال یکصد و هفتاد و چهار در بغداد وفات یافت . این کتابها از اوست : کتاب الفرائض . کتاب رأی الفقهاء الشیعة من اهل المدينة و ما اختلفوا فيه .

عبدالملک

ابن محمد بن ابوبکر بن عمرو بن حزم انصاری ، از قاضیان هارون بود ، و در سال یکصد و هفتاد و شش در بغداد وفات یافت . و از کتابهای اوست : کتاب المغازی .

عبدالمك

ابن عبدالعزیز بن جریح، بردهٔ خاندان اسید بن ابوالمیس بن امیه، کنیه اش ابوالولید و در سال یکصد و پنجاه وفات. و این کتابها از اوست: کتاب السنن - مشتمل بر کتابهایی که در سائر کتابهای سنن است، مانند طهارت، صیام، صلوٰة، زکوة - و جز اینها.

سفيان بن عيينه هلالی

برده . . . که در سال یکصد و هشت و هشتاد وفات یافت، و فقیه بسیار خوبی بود، کتابی از وی دیده نشد، فقط از وی چیزهایی شنیده شده، و تفسیرش معروف است.

مغيرة بن مقسم ضبی

بردهٔ ضبیان، مکنی بابوهشام، در سال یکصد و سی و هشتاد وفات یافته، و از کتابهای اوست: کتاب الفرائض.

زائدة

ابن قدامه ثقفی، از ثقفیان، و کنیه اش ابوصلت است، و در جنگ حسن بن عطیه با رومیان در سال شصت و یک، یا شصت، در روم وفات یافت. و این کتابها از اوست: کتاب السنن - مشتمل بر کتابهایی است که در کتاب سنن آورده میشود.

محمد بن فضیل

ابن غزوان ضبی، بردهٔ ضبیان، مکنی بابوعبدالرحمن، که در سال یکصد و پنجاه وفات یافته، و این کتابها از اوست: کتاب الطهاره، کتاب الصلوٰة، کتاب المناسک، کتاب الزکوة بهمین ترتیب تمام کتابهای فقهی تا باخر، بهمانگونه که در کتابهای سنن میباشد، و نیز کتاب التفسیر، کتاب الزهد، کتاب الصیام، کتاب الدعاء.

یحیی بن زکریا

ابن زائده ، مکنی بابوسعید ، در سال یکصد و سی و سه در مدائن^۱ وفات یافته ، و قاضی آنجا بود . از کتابهای اوست : کتاب السنن - مانند سائر کتابهای سنن .

وکیع

ابن جراح بن ملیح رؤاسی از بنی عامر بن صعصعه ، مکنی بابوسفیان ، که در محرم سال یکصد و نود و هفت ، هنگام مراجعت از حج ، در فید^۲ وفات یافت ، و از کتابهای اوست : کتاب السنن - مانند سائر کتابهای سنن .

ابونعیم

فضل بن رکیب^۳ ، برده طلیحة بن عبیدالله تیمی : وفاتش در سال دو بیست و نوزده ، و این کتابها از اوست : کتاب المناسک . کتاب المسائل فی الفقه .

یحیی بن آدم

کنیه اش ابوزکریا ، برده خاندان عقبه بن ابومعیط ، و در سال دو بیست و سه در قم الصلح^۴ وفات یافته ، و این کتابها از اوست : کتاب الفرائض - بزرگست . کتاب الخراج . کتاب الزوال .

ابن ابو عروبه

نامش سعید ، و نام ابو عروبه مهران ، و کنیه اش ابونصر است ، وفاتش در سال یکصد و پنجاه و هفت بوده ، و از کتابهای اوست . کتاب السنن - مانند سائر کتابهای سنن .

اسماعیل بن علیه

و علیه مادرش بود ، پدرش ابراهیم ، برده بنی اسد ، و مکنی بابو بشر است . ولادتش در سال یکصد و شانزده ، و وفاتش ، در ذیقعده سال یکصد و نود و سه در بغداد بود ، و

۱- مدائن شهر است در ۲۶ کیلومتری جنوب شرقی بغداد که سابقاً بآن تیسفون میگفتند و محل قشلاقی پادشاهان ایران بود (ر.ک. قاموس الاعلام ترکی) .
 ۲- فید - نام جائی است در راه مکه (معجم البلدان) .
 ۳- ف (دکین) .
 ۴- ر.ک. صفحه ۵۵ این کتاب .

هشتاد و سه سال و چند ماه زندگانی کرد .

این کتابها از اوست : کتاب التفسیر . کتاب الطهارة . کتاب الصلوة . کتاب المناسك .

ابراهیم بن اسماعیل

کنیه اش ابو اسحاق ، ولادتش در سال یکصد و پنجاه و دو ، وفاتش در سال دویست و هجده ، و از کتابهای اوست : کتاب

روح بن عباده قیسی

مکنی با بومحمد... وفاتش بعد از سال دویست بود، و از کتابهای اوست : کتاب السنن .

مکحول شامی

برده زنی از هذیل بود . و در سال یکصد و شانزده وفات یافت . این کتابها از اوست : کتاب السنن فی الفقه . کتاب المسائل فی الفقه .

اوزاعی

عبدالرحمن بن عمر ، و پدر عمر ، از قبیله اوزاع بود . اوزاعی در سال یکصد و پنجاه و نه وفات یافت، و این کتابها از اوست : کتاب السنن فی الفقه . کتاب المسائل فی الفقه .

ولید بن مسلم

مکنی با بوالعباس ، برده قریش ، و در سال یکصد و نود چهار هنگام برگشتن از حج وفات یافت . این کتابها از اوست : کتاب السنن فی الفقه . کتاب المغازی .

عبدالرزاق

این همام بن نافع صنعانی ، مکنی با بوبکر ، برده حمیر . در سال دویست و یازده وفات یافت . و این کتابها از اوست : کتاب السنن فی الفقه . کتاب المغازی .

هشیم

ابن بشیر سلمی ، مکنی با بومعاویه ، برده بنی سلیم . در سال یکصد و هشتاد و سه در بغداد

وفات یافت . و این کتابها از اوست : کتاب السنن فی الفقه . کتاب التفسیر . کتاب القراءات .

یزید بن هارون

برده بنی سلیم ، و کنیه اش ابو خالد در سال دویست در واسط^۱ وفات یافت . و از کتابهای اوست : کتاب الفرائض .

اسحاق ازرق

ابن یوسف ، کنیه اش ابو محمد . در سال یکصد و نود و پنج در واسط^۲ وفات یافت . و این کتابها از اوست : کتاب المناسک . کتاب الصلوة . کتاب القراءات .

عبد الوهاب

ابن عطاء عجلی خفاف مکنی بابونصر ، از مردم بصره است که بعد از سال دویست در بغداد وفات یافت . این کتابها از اوست : کتاب السنن فی الفقه . کتاب التفسیر . کتاب الناسخ والمنسوخ .

ابراهیم بن ظهیمان هروی

این کتابها از اوست : کتاب السنن فی الفقه . کتاب المناقب . کتاب العیدین . کتاب التفسیر .

حسن بن واقد مروزی

این کتابها از اوست : کتاب التفسیر . کتاب الوجوه فی القرآن . کتاب ...

عبدالله بن مبارک

مکنی بابو عبدالرحمن ، که در سال یکصد و هشتاد و یک ، هنگام برگشتن از جنگ با دشمنان دین ، در هیت^۳ وفات یافته ، و این کتابها از اوست : کتاب السنن فی الفقه . کتاب التفسیر . کتاب التاریخ . کتاب الزهد . کتاب البر والصله .

۲۰۱- ر.ک. بصفحه ۲۴۱ این کتاب .

۳- هیت شهر است بر فرات ، در نزدیکیهای بغداد و بالای انبار (معجم البلدان) .

فیریایی بزرگ

مصاحب سفیان ، از مردم قیساریه^۱ نامش ابو عبدالله محمد بن یوسف بن واقد فیریایی ، یکی از کوفیان است که در سال ... وفات یافته ، و این کتابها از اوست : کتاب التفسیر . کتاب الطهاره . کتاب الصلوة . کتاب الصیام . کتاب الزکاة . کتاب المناسک . و بهمین ترتیب تا آخر تمام کتابهای فقهی .

عبدالله بن محمد

ابن ابوشیبه ، از محدثان صاحب تصنیف است . و در سال دو بیست و سی و پنج وفات یافته ، و این کتابها از اوست : کتاب السنن فی الفقه . کتاب التفسیر . کتاب التاریخ . کتاب الفتن . کتاب صفین . کتاب الجمل . کتاب الفتوح . کتاب المسند فی الحدیث .

عثمان بن ابوشیبه

از محدثان صاحب تصنیف است ، و در سال دو بیست و سی و هفت وفات یافته ، و این کتابها از اوست : کتاب السنن فی الفقه . کتاب التفسیر . کتاب العین . کتاب المسند .

محمد بن عثمان

ابن ابوشیبه ، وفاتش در سال دو بیست و نود و هفت ، و از کتابهای اوست : کتاب السنن فی الفقه .

احمد بن حنبل

ابو عبدالله احمد بن حنبل ، و این کتابها از اوست : کتاب الملل . کتاب التفسیر . کتاب الناسخ و المنسوخ . کتاب الزهد . کتاب المسائل . کتاب الفضائل . کتاب الفرائض . کتاب المناسک . کتاب الایمان . کتاب الاشریة . کتاب طاعة الرسول . کتاب الرد علی الجهمیة . کتاب المسند - مشتمل بر چهل هزار و اندی حدیث .

۱- قیساریه نام دو محل است یکی در فلسطین و یکی در آسیای صغری - اناطولی - (ر.ک. معجم البلدان) .

احمد بن حنبل پسر بنام عبدالله داشت ، که مرد موثق بوده ، و حدیث را از وی سماع دارند . و پسر بنام صالح بن احمد داشت . که پسرش زهیر بن صالح بود و در سال سیصد و سه وفات یافت^۱ .

اثرم

از اصحاب احمد بن حنبل ، نامش احمد بن محمد بن هانی ، مکنی بابوبکر ، از مردم اسکاف^۲ بنی جنید است و در وفات یافته ، و این کتابها از اوست : کتاب السنن فی الفقه بر اساس مذهب احمد و شواهد او از حدیث . کتاب التاریخ . کتاب العلل . کتاب الناسخ والمنسوخ فی الحدیث .

مروزی

احمد بن محمد بن حجاج ، از پیروان مذهب احمد بن حنبل ، وفاتش در و از کتابهای اوست : کتاب السنن بشواهد الحدیث .

اسحاق بن راهویه

و نام راهویه ، ابراهیم بن . . . مروزی است . وی از بزرگان اصحاب احمد بن حنبل بود . و در ... وفات یافت ، و این کتابها از اوست : کتاب السنن فی الفقه . کتاب المسند . کتاب التفسیر .

ابو خیشمه و فرزندانش

ابو خیشمه زهیر بن حرب ، در سال دوست و سی و چهار در گذشت ، و این کتابها از اوست : کتاب المسند . کتاب العلم .

۱- وفات خود امام احمد حنبل در سال ۲۴۱ است ، و قبرش در مقبره باب حرب غربی بغداد ، بالای مقابر قریش - کاظمیه ، قرار دارد (ر.ک. دلیل خارطة بغداد ص ۳۲۸) .
 ۲- اسکاف - علیا و سفلی از نواحی نهر روان ، میان بغداد و واسط بوده و اسکاف علیا معروف با اسکاف بنی جنید است . (ر.ک. معجم البلدان) .

پسر ابوخیثمه

ابوبکر احمد بن زهیر بن حرب ، از محدثان اخباری ، و فقیه بود . وفاتش در سال دویست و هفتاد و نه ، و این کتابها از اوست : کتاب التاریخ . کتاب المنتمین . کتاب الاعراب . کتاب اخبار الشعراء .

پسر ابوبکر

ابو عبدالله محمد بن احمد بن زهیر بن حرب ، همپایه پدر بود ، و در ... وفات یافته ، و این کتابها از اوست : کتاب الزکوة و ابواب الاموال بعلمه من الحدیث . کتاب التاریخ که بدست نیامده و یا باتمام نرسانید .

بخاری

ابو عبدالله محمد بن اسماعیل بن منیره بخاری . از علماء محدثان مورد اعتماد ، و این کتابها از اوست : کتاب التاریخ الکبیر . کتاب التاریخ الصغیر . کتاب الاسماء والکنی . کتاب الضعفاء . کتاب الصحیح . کتاب السنن فی الفقه . کتاب الادب . کتاب التاریخ الاوسط . کتاب خلق افعال العباد . کتاب القرائة خلف الامام .

معمری

نامش حسن بن علی بن شیب ، از محدثان فقهاء ، و از کتابهای اوست : کتاب السنن فی الفقه .

ابوعروبه

نامش حسین بن مودود حرانی است و حدیث مشایخ را تصنیف میکرد ، و جز آن کتابی ندارد .

مسلم بن حجاج

ابوالحسین قشیری نیشابوری ، از محدثان ، و علماء حدیث و فقه است ، و این کتابها

از اوست : کتاب الصحيح . کتاب الاسماء و الکنی . کتاب الاوحاد . کتاب المفرد . کتاب التاريخ . کتاب الطبقات .

علی بن مدینی

و جایش پیش از این موضع است

بن عبدالله بن جعفر مدینی ، از محدثان و عالم بحدیث ، که در سرمری^۱ روز دوشنبه سه روز بآخر ذی‌قعدة سال دویست و پنجاه و هشت . در سن هفتاد و دو سالگی ، وفات یافته و این کتابها از اوست : کتاب المسند بعلله . کتاب المدلین . کتاب الضعفاء . کتاب العلل . کتاب الاسماء و الکنی . کتاب الاشریة . کتاب التنزیل .

یحیی بن معین

در سال دویست و سی و سه وفات یافته ، و از کتابهای اوست : کتاب التاريخ - و آنرا اصحابش تألیف نموده‌اند و تألیف او نیست .

سریح^۲ بن یونس

ابوحارث مروزی ، از زمره محدثان مورد اعتماد ، و فقها ، و قاریان است . وفاتش در ... و این کتابها از اوست : کتاب التفسیر . کتاب الناسخ و المنسوخ . کتاب القراءات . کتاب السنن فی الفقه .

حفص ضریر

ابوعمر حفص بن عمر ، از بصریان ، و بزرگان محدثان است . وفاتش در و این کتابها از اوست : کتاب احکام القرآن . کتاب السنن فی الفقه .

فضل بن شاذان

و پسرش عباس بن فضل

فضل ، هم از شیعیان ، و هم از سنیان بشمار میرفت . شیعیان ویرا از خود میدانستند ،

۱- سرمری همان سامراست (ر.ک. بصفحة ۲۵ این کتاب) .

۲- ف (سریح) .

وما نیز ویرا در اخبار شیعیان ذکر نمودیم. و حشویه^۱ ویرا از خود دانند. و در باره حشویه این تألیفات را دارد: - کتاب التفسیر. کتاب القراءات. کتاب السنن فی الفقه. پسرش عباس بن فضل این تألیفات را داشت....

ابراهیم حریمی

ابو اسحاق ابراهیم بن اسحاق بن ابراهیم بن بشیر بن عبدالله، از بزرگان محدثان است که معرفت بحديث داشت، و عالم، و پارسا، و عارف بلفت بود. او و عبدالله بن دیم مروزی، از حافظان قرآن بودند. ابراهیم در سال دویست و هشتاد و پنج وفات یافت، و این کتابها از اوست: کتاب غریب الحدیث - از این کتاب اینها انتشار یافت: مسند ابوبکر، مسند عمر، مسند عثمان، مسند علی، مسند زبیر، مسند طلحه، مسند سعد بن ابوقاص، مسند عبدالرحمن بن عوف، مسند عباس، مسند شیبۀ بن عثمان، مسند عبدالله بن جعفر، مسند مسور بن مخزوم، زهری، مسند مطلب بن ربیع، مسند سائب مخزومی، مسند خالد بن ولید، مسند ابو عبیده بن جراح، مسند معاویه و دیگران، مسند عمرو بن عاص، مسند عبدالله بن عباس، مسند عبدالله بن عمر خطاب، مسند موالی.

و این آخرین قسمت آن کتاب است، و پس از آن، این کتابها نیز از اوست: - کتاب الادب، کتاب المغازی، کتاب التیمم.

مطین بن ایوب^۲

ابو جعفر محمد بن عبدالله بن سلیمان حضرمی، از محدثان مورد اعتماد است. و ولادتش در... و وفاتش در سال دویست و نود و هشت، و این کتابها از اوست: - کتاب السنن فی الفقه، کتاب التفسیر، کتاب المسند، کتاب تفسیر المسند، کتاب الادب.

فیریایی کوچک

ابو بکر جعفر بن محمد بن حسن فیریایی، از مشایخ دنیا فرا گرفته بود، چون بهمه جا

۱ - شهرستانی در ملل و نحل ص ۱۱۷ گوید، - حشویه نامی است که اشعریان بگروه جبریان داده‌اند، و خیرالدین زرگلی در اعلام ج ۶ - ص ۲۵۲ در شرح حال ابن ندیم - از ابن حجر نقل کرده، که او - ابن ندیم - سنیان را حشویه، و اشعریان را مجبره مینامید. و در لنت، نام گروهی است که ظواهر را گرفته، و تمایلی بتجسم و غیره دارند (اقرب الموارد).

۲ - ش - روی (ابن ایوب خط کشیده).

رفت ، و در آخرین روز سال سید وفات یافت . و از کتابهای اوست : کتاب السنن مشتمل بر کتابهای زیادی در حدود پنجاه کتاب .

شبيب عصفري

نامش خلیفه بن خباط^۱ از مردم بصره ، و این کتابها از اوست : کتاب الطبقات . کتاب التاريخ . کتاب طبقات القراء . کتاب تاریخ الزمنی والمرجان والمرضى والعميان . کتاب اجزاء القرآن و اعشاره و اسباعه و آیاته .

کچی

نامش ابومسلم ، و پدرش از... بصره آمد ، و خانه از کج و آجر ساخت . و به کار گران میگفت ، کج کج - یعنی کج بکار ببرید ، و این گفته بر او مانده ، و کچی نامیده شد . ابومسلم از بزرگان محدثان با بهترین اسنادها بود . و ولادتش در . . . و این کتابها از اوست : کتاب السنن . کتاب المسند .

ابن ابو داود سجستانی

نامش سلیمان بن اشمث بن اسحاق بن بشیر بن شداد ، و شداد ، ابوبکر... بن سلیمان بن ابوداود^۲ است . این ابوداود ، از بزرگان محدثان ، و فقهاه مورد اعتماد بود . و ولادتش در سال ... و وفاتش در سال سید و شانزده ، و این کتابها از اوست : کتاب التفسیر ، و این کتاب را وقتی تألیف کرد ، که ابو جعفر طبری کتاب خود را تألیف نمود . و بزرگترین کتاب ابن ابوداود ، در حدیث است . کتاب المعاصیح فی الحدیث . کتاب المصاحف . کتاب نظم القرآن . کتاب فضائل القرآن . کتاب شریعة التفسیر . کتاب شریعة المقاری . کتاب الناسخ و المنسوخ . کتاب البعث و النشور .

ابو عبدالله

محمد بن مخلد بن حفص عطار ، از محدثان مورد اعتماد است . و در سال دو بیست و سی و سه بدنی آمده ، و در سال سید و سی و یک وفات یافت . این کتابها از اوست : کتاب السنن فی الفقه . کتاب الاداب . کتاب المسند - بزرگ است .

محاملی

قاضی ابو عبدالله حسین بن اسماعیل بن محمد ضبی ، از موثقان است ، و در سال دویست و سی و پنج بدنیا آمده ، و هشت روز با آخر ربیع الثانی سال سیصد و سی وفات یافت ، و این خبر را در کوی و برزن بغداد جار زدند . و بر روی زمین محدثی بآن اسناد و راستی و درستی و پرهیزکاری دیده نشد . از کتابهای اوست : کتاب السنن فی الفقه .

جعفر دقاق

از حافظان حدیث ، و بعد از محاملی ، در راستی و درستی و پرهیزکاری ، یگانه بود وفاتش در سال سیصد و سی و از کتابهای اوست

ابن صاعد

ابو محمد یحیی بن محمد بن صاعد ، برده منصور ، ولادتش در ... و در سال سیصد و هیجده وفات یافت . و این کتابها از اوست : کتاب السنن . کتاب المسند . کتاب القراءات .

بنوی

ابوالقاسم عبدالله بن محمد بن عبدالعزیز بنوی ، معروف باین بفت منیع ، در سال دویست و چهارده بدنیا آمده ، و در سال سیصد و هفده درگذشت ، و این کتابها از اوست : کتاب المعجم الکبیر . کتاب المعجم الصغیر . کتاب المسند . کتاب المسند علی مذاهب الفقهاء .

ترمذی

نامش محمد بن عیسی بن سوره ، و این کتابها از اوست : کتاب التاریخ . کتاب الصحیح . کتاب العلل .

ابن ابوثلیج

ابوبکر محمد بن احمد بن محمد بن ابوثلیج کاتب . هم از شیعیان ، و هم از سنیان بشمار میرفت ، و شیعه بودنش بیشتر نمود داشت ، و از سنیان روایات زیادی نموده ، و در این معنا تصنیفاتی هم دارد ، و از مردمان متدین ، و با فضل و پارسائی بود ، و پیش از این ما ذکر کردیم از او نموده ایم ، این کتابها از اوست : کتاب السنن والاداب علی مذهب العامة . کتاب (الفضائل) فضائل الصحابة . کتاب الاختیار من الاساتید .

طبری و اصحاب او
و شراة و فقهاء آنان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فنی هفتم = از مقاله ششم

از کتاب الفهرست

در اخبار

علماء و نام کتابهاییکه تصنیف کرده‌اند

طبری و اصحابش

محمد بن اسحاق ندیم گوید: بگفته ابو الفرج معاف بن زکریاء نهروانی، وی ابو جعفر محمد بن جریر بن یزید بن خالد طبری آملی است که علامه با عمل، و امام آن عصر و دوران، و فقیه زمان خود بود. ولادتش در سال دویست و بیست و چهار در آمل^۱، و در سال سیصد و ده بسن هشتاد و هفت سالگی وفات یافت. حدیث را از مشایخ با فضل مانند محمد بن حمید رازی، و ابو جریح، و ابو کسریب، و هناد بن سری، و عباد بن یعقوب، و عبیدالله بن اسماعیل بن موسی، و عمران بن موسی قزاز، و بشر بن معاذ، فرا گرفته، و بر داود فقهر قرائت داشته، و فقه شافعی را در مصر از ربیع بن سلیمان، و در بغداد، از حسن بن محمد زعفرانی؛ و فقه مالک را، از یونس بن عبدالاعلی، و بنی عبدالحکم محمد، و عبدالرحمن،

۱- آمل، از شهرهای بزرگ طبرستان - مازندران - است (ر.ک. لغتنامه دهخدا).

وسعد ، و پسر برادر وهب ، و فقه عراقیان را ، از ابو مقاتل در ری آموخت . و استادان بزرگوارى را در مصر ، و شام ، و عراق ، و کوفه ، و بصره ، و ری ، دیده ، و در تمام علوم ، علم قرآن ، و نحو ، و شعر ، و لغت و فقه ، متفنن بوده ، و محفوظات بسیاری داشت .

ابواسحاق بن محمد بن اسحاق بن یمن گفت : شخص موثقى برايم نقل کرد : ابوجعفر طبرى را در مصر دیده بود که بروى شعر طرمح ، یا حطیثه را - این تردید از من است - میخواندند. و من بخط او کتابهای زیادی در لغت ، و نحو ، و شعر ، و قبائل دیده ام . در فقه مذهب و رویه مخصوص بخود داشت. و کتابهایی در آن تألیف کرد، و از آن جمله: کتاب اللطیف است که مشتمل بر چندین کتاب ، بپیکره کتابهای فقهاء در مبسوط بود و شماره آن کتاب البسيط فى الفقه ، که با تمام نرسانده ، و از آن کتابها اینها در دست مردم است : کتاب الشروط الكبير . کتاب المحاضر والسجلات . کتاب الوصايا . کتاب ادب القاضى . کتاب الطهارة . کتاب الصلوة . کتاب الزکاة . کتاب اللطيف فى الفقه - مشتمل بر... کتاب التاريخ - که قطمان^۱ بر آن فزوده شده . و آخرین املائی که در آن دارد ، تا سال سیصد و دو بوده ، و بهمین جا قطع شده است .

گروهی این کتاب را مختصر نموده ، و مستندات آنرا حذف کرده اند ، از جمله ، مردیست معروف بمحمد بن سلیمان هاشمی ، و يك نویسنده دیگری که به ... معروف میباشد . و از مردم موصل ، ابوالحسن^۲ شمشاطی معلم ، و مردی که معروف بسلیل بن احمد است . و گروه دیگر از همانجائیکه مانده ، تا این زمان ما چیزهایی بر آن افزوده اند که قابل استناد نیست ، زیرا کسانی نیستند که از دولتیان مطلع ، و یا از دانشمندان باشند .

کتاب التفسیر - بهتر از آن تألیف نشده ، و گروهی آنرا مختصر نموده اند ، مانند ابوبکر بن اخشید و دیگران . کتاب القراءات . کتاب الخفيف فى الفقه . نازکست . کتاب المسترشد ، کتاب تهذيب الآثار - پایان نرساند ، و آنچه از آن بدست آمده و من یاد دارم... کتاب اختلاف الفقهاء - و از این کتاب هم آنچه بدست آمده

۱ - قطمان قبیله‌ای از قبایل عرب است (منتهی الارب) .

۲ - ف (ابوالحسین) .

فقیهان ب‌مذهب او

که از اصحابش بودند

علی بن عبدالعزیز بن محمد دولابی^۱. و این کتابها از اوست: کتاب الرد علی ابن المغلس. کتاب فی بسم الله الرحمن الرحیم. کتاب القراءات. کتاب اصول الکلام. کتاب افعال النبی صلعم. کتاب التبصیر. رساله الی نصر القشوری. رساله الی علی بن عیسی. رساله الی بریر الحرمی^۲. کتاب المسئله فی اقتراض الاماء. کتاب الاموال الاکبر - نایاب. کتاب الاموال الاصغر. کتاب الاموال الاوسط. کتاب عبارة الرؤیا. کتاب اثبات الرساله. کتاب رساله کذبها. و در این معنا در ادب النفوس خبری روایت شده، که فاطمه و علی علیهما السلام، از خدمتکاران خود نزد پیغمبر علیه السلام شکایت کرده‌اند، و پیغمبر گفت: دروغ می‌گوئید.^۳

و نیز از اصحاب او که فقیه در مذهبش بود، ابوبکر محمد بن ابوثلح کاتب است، که این کتابها از اوست

و از اصحاب او: ابوالقاسم ... عراد است که این کتاب از اوست: کتاب الاستقصاء فی الفقه. و رساله‌های کمی نیز دارد. از جمله

و از اصحاب او: ابوالحسن احمد بن یحیی بن علی بن ابومنصور منجم، از متکلمان است، که پیش از این گفته شده، و این کتابها از اوست: کتاب المدخل الی مذهب الطبری و نصره مذهبیه. کتاب الاجماع فی الفقه علی مذهب ابی جعفر.

و نیز از فقهاء مذهب او، ابوالحسن دقیقی حلوانی طبری است، و این کتابها از اوست: کتاب الشروط. کتاب الرد علی المخالفین.

و از اصحاب او، ابوالحسین بن یونس است. که نامش ... و از متکلمان بوده، و در کلام کتابهایی داشته، و در فقه نیز این کتاب از اوست: کتاب الاجماع.

و از اصحاب او، ابوبکر بن کامل است، که نامش در مقاله اول آمده، و بر مذهب طبری

۱ - دولاب نام دو محل است یکی در شرق بغداد. و یکی از دهات ری است

(معجم البلدان). ۲ - ف (الحزمی).

۳ - در حاشیه دارد (مقابله با دستور مصنف گردید و صحیح است. و له الحمد)

این تألیفات را دارد: - کتاب جامع الفقه . کتاب الحیض . کتاب الشروط . کتاب الوقف .
 و همچنین، ابواسحاق ابراهیم بن حبیب سقطی طبری، که از مردم بصره بود و تاریخی
 بدنیاله کتاب ابو جعفر نوشته ، و متضمن مقدار زیادی از سرگذشت ابو جعفر و اصحابش بوده ،
 و این کتابها از اوست: کتاب الرساله . کتاب جامع الفقه .
 و از اصحاب او مردیست معروف باین اذنونی ، نامش... و از کتابهای اوست
 و مردیست معروف باین حداد، نامش... و از کتابهای اوست....
 ابوالفرج معافا گوید : ابو مسلم گچی در فقه بابو جعفر طبری تمایل داشته ، و در
 سن ابو جعفر بود .

معافا نهروانی قاضی

در زمان ما

ابوالفرج معافا بن زکریا ، از مردم نهروان^۱ ، در مذهب ابو جعفر یگانه عصر خود
 بوده ، و تمام کتابهای او را از حفظ دارد . و باین وصف ، در بسیاری از علوم ... متفنن
 و آزموده و در آنها انگشت نما بوده . و بسیار باهوش و ذکاوت و خوش حافظه ، و سریع الجواب
 است . و ولادتش در سال ...^۲ و در فقه و جزآن ، تا این زمان ، بطوریکه بیاد دارم، این
 تألیفات را دارد : کتاب التحریر و المنقر^۳ فی اصول الفقه . کتاب الحدود و العقود فی اصول الفقه .
 کتاب المرشد فی الفقه . کتاب شرح کتاب المرشد فی الفقه . کتاب المحاضر و السجلات . کتاب
 شرح کتاب الخفیف للطبری . کتاب الشافی فی مسح الرجلین . کتاب الشروط . کتاب اجوبة الجامع
 الکبیر لمحمد بن الحسن . (کتاب اجوبة المزنی علی مذهب الطبری) . کتاب الرد علی الکرخی
 فی مسائل . کتاب الرد علی ابی یحیی البلخی فی اقتراض الاماء . کتاب الرد علی داود بن علی .

۱- نهروان دهستان بزرگی میان بغداد و واسط است (معجم البلدان) .

۲- ف (وله... سنة) ش (ولد سنة) .

۳- ش (التحریر و المنقر) .

کتاب رسالته الی العنبر القاضی فی مسئله (فی) الوصایا . کتاب فی تأویل القرآن . کتاب الرسالة فی واو عمرو . کتاب القراءات . کتاب المحاوره فی العربیه . کتاب شرح کتاب الحرمی^۱ . کتاب رساله عمر . و خود او بمن گفت ، که پنجاه و اندی رساله در فقه، و کلام، و نحو، و جزاینها دارد^۲ .

۱- ف (الحزمی)

۲- ش- در حاشیه دارد (و از بهترین کتابهای او، که مصنف بیاد نیاورده - کتاب الجلیس والانیس است که مشتمل بر فضائل بسیار، و اخباری نیکو، و چیزهای سودمند دیگر است) ولی فلوکل این را در متن کتاب آورده است .

(تقفی بالله وحده)

بسم الله الرحمن الرحيم

فنی هشتم - از مقاله ششم

از کتاب القهرست

در اخبار علماء و نام کتابهاییکه تصنیف کرده‌اند

فقهاء شراة^۱

کتابهای این گروه پنهان بوده ، و کمتر بدست آید، زیرا همه مردم کینه آنان را بدل دارند، و بدنیال آزارشان هستند. و با این وصف مصنفان و صاحبان تألیفی در فقه و کلام داشته‌اند، و این مذهب در جاهائی مانند ، عمان^۲ و سجستان^۳ و شهرهای آذربایجان ، و نواحی سن^۴

۱- شراة- خوارچرا گویند (اقرب الموارد).

۲- عمان دهستانی عربی است در کنار دریای یمن و هند (معجم البلدان) ولی امروزیکی از ممالک عرب بشمار میرود .

۳- رجوع کنید بصفحة ۲۱ همین کتاب .

۴- سن - بکسراول شهر است بردجله بالای تکریت (معجم البلدان).

وبوازیج^۱، و کرخ جدان^۲، و تل عکبرا^۳، و حزه^۴، و شهر زوره^۵ انتشار دارد.

واز فقهاء برجسته آنان

جبیر بن غالب

مکنی بابو فراس است، که فقیه، و شاعر، و خطیب بود. و این کتابها از اوست :
کتاب السنن والاحکام . کتاب احکام القرآن . کتاب المختصر فی الفقه . کتاب الجامع الکبیر
فی الفقه . کتاب رسالته الی مالک بن انس.

قرطوسی

ابوالفضل، از مردم نواحی (تل) عکبرا^۶ کتابهای زیادی دارد، از جمله : کتاب
الجامع الکبیر فی الفقه - مشتمل بر چندین کتاب پیکیکه کتابهای فقهاء است. کتاب الجامع الصغیر.
که تکیه گاه اصحابش میباشد. کتاب الفرائض. کتاب الرد علی ابی حنیفه فی الرأی . کتاب الرد
علی الشافعی فی القیاس .

ابوبکر بردعی

از همین گروه بوده، و نامش محمد بن عبدالله است . و من در سال سیصد و چهل، او
را دیدم، و با من مأنوس و متظاهر بمنصب اعتزال بود، ولی از خوارج و فقهاء آنان
بشمار میرفت، و بمن گفت چندین کتاب در فقه دارد که پاره از آنها را چنین نام برده:

- ۱ - بوازیج - شهر است نزدیک نکریت، در دهانه زاب سفلی که بدجله میریزد
(معجم البلدان).
- ۲ - کرخه جدان - نزدیک بخانقین است (منتهی الارب).
- ۳ - تل عکبرا - جائیست نزدیک عکبرا که بآن تل عکبرا گویند (معجم البلدان).
- ۴ - حزه - نام سه محل است . یکی جائیست میان نصیبین - و رأس عین - و یکی شهر
شهر کوچکی است نزدیک اردبیل - و یکی هم در حجاز است (معجم البلدان).
- ۵ - شهر زور دهستان وسیعی است میان اردبیل و همدان (معجم البلدان).
- ۶ - عکبرا بضم اول - از نواحی دجیل است . و تا بغداد ده فرسنگ فاصله دارد (معجم
البلدان).

کتاب المرشد فی الفقه . کتاب الرد علی المخالفین فی الفقه . کتاب تذکرۃ التریب فی الفقه .
 کتاب التبصر للمتعلّمین . کتاب الاحتجاج علی المخالفین . کتاب الجامع فی اصول الفقه .
 کتاب الدعاء . کتاب الناسخ والمنسوخ فی القرآن . کتاب الاذکار والتحکیم . کتاب السنة والجماعة .
 کتاب الامامة . کتاب نقض کتاب ابن الروندی فی الامامة . کتاب تحریم المسکر . کتاب الرد علی
 من قال بالمتعة . کتاب الناکثین . کتاب الایمان والنور .

ابوالقاسم حدیثی

اورا دیدہ ام . مردی بود زاهد ، ومتظاهر بخشوع ، مذهبش را آشکار نمی کرد . ولی از
 بزرگان خوارج و فقهاء آنان بشمار میرفت . این کتابها از اوست: کتاب الجامع فی الفقه .
 کتاب احکام الله عزوجل . کتاب الامامة . کتاب الوعد والوعید . کتاب التحریم والتحلیل .
 کتاب التحکیم فی الله جل اسمه .

هفتمین جزء

از

کتاب الفهرست

در اخبار مصنفان قلماء و متأخران

و نام کتابهاییکه تصنیف کرده‌اند

تألیف

محمد بن اسحاق ندیم معروف بابوالفرج

بن ابویعقوب وراق

حکامخط للمصنف
عبد محمد بن اسحق

نمونه‌ایست از خط نویسنده نسخه
چستریبتی و تقلیدی که از خط
مصنف کرده است

مقاله فلاسفه - از کتاب الفهرست

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مقاله هفتم - از کتاب الفهرست

مشمول بر :

اخبار فلاسفه و علوم باستانی و کتابهاییکه

در این باره تصنیف کرده‌اند

در سه فن - فن اول

در اخبار فلاسفه طبیعیین و منطقیین

و نام کتابها ، ترجمه‌ها ، و شرحهایی که موجود بوده ،

و یا ذکری از آن شده و وجود ندارد ، یا موجود بوده و سپس نایاب شده‌است

در آغاز این مقاله حکایت‌هایی را از گفته

علما نقل مینمائیم :

ابوسهل بن نوبخت^۱، در کتاب النهمطان گوید: علمی گوناگون، و انواع کتابها رو بفرزونی گذاشت، و از وجوه مسایل و مآخذیکه بدست آمده، و ستارگانهم بر آن دلالت دارد، چنین برمیآمد که حوادثی قبل از ظهور اسباب و موجباتش، و قبل از معرفت مردم بآنها، در شرف وقوع بوده، چنانکه بابلیان^۲ در کتابهای خود آن را بیان داشته. و مصریان از آنان آموخته، و هندیان در شهرهای خود بآن عمل نمودند. و مردم همچون بشر اولی بودند که هنوز دست بگناهی نیالائیده، و بکارهای زشت و پلید آلوده نگشته، و در منجلا ب نادانی و جهالت نیفتاده بودند. ولی همینکه در آنان و اندیشه و آرزوهایشان کج روی و سرگشتگی راه یافت. بطوریکه رفتار و کردارشان در کتابها ثبت رسیده از بی خودی در در وادی ضلالت و گمراهی حیران و سرگردان گردیده. و دانش و معرفت از خاطرشان زدوده گردید و مدتها روزگار را بهمان احوال و منوال گذراندند. تا آنکه در میان اعقاب و بازماندگانشان مردمان مؤید و موفقی پدید آمد که بفکر و اندیشه در گذشتههای خود و سنجش و دانستن آن فتاده، و دریافتند که در گذشته نسبت بدنیا و شئون آن چه علوم و معارفی بوده، و مردمش در چه احوال و شرائطی زندگانی داشتند، و مواضع افلاک آسمان، و راهها، و درجات^۳، و دقائق^۴ آن. و منازل علوی و سفلی با مجاری و ناحیههایش چگونه بوده است. و این امر در دوران پادشاهی جم پسر اونجهان^۵ بود، که دانشمندان بآن پی برده،

۱ - فضل بن ابوسهل از منجمانی بود که در دارالحکمه بکار ترجمه از فارسی عبری اشتغال داشت. و در سال ۸۱۵ میلادی (۱۹۳ هجری) وفات یافته و از تألیفاتش جز مقدار کمی از کتاب النهمطان فی معرفة طالع الانسان، چیزی بمانست نیامد. (اعلام المنجد)

۲ - بابل ناحیه ایست که کوفه و حله در آن بوده، جادو و شراب را بآن نسبت دهند بقولی دماوند. و بگفته ابوالحسن، بابل کوفه است، ابو مشر کلدانیان را اولین سکنه آنجا دانسته، و بعضی گفته اند نوح علیه السلام اولین کسی است که بعد از طوفان در آنجا مقیم گردید و آبادی آنجا بوی نسبت داده اند. (معجم البلدان)

۳ و ۴ - درجات و دقائق که جمع درج و دقیقه است از اصطلاحات منجمان در تحدید طول و عرض جغرافیائی بوده، و درجه گردش یکشنبه روز آفتاب در فلک بمساحت بیست و پنج فرسنگ است. هر درجه بیست دقیقه، و هر دقیقه بیست ثانیه و هر ثانیه بیست ثابسه، بهمین گونه هر چه بالا رود، تقسیم شده است. (معجم البلدان ص ۳۹)

۵ - جم یا جهشید پسر یونجهان، و معرب آن و یونجهان است (یادداشتهای گاتها

تألیف استاد پورداود ص ۴۲۵)

و در کتابها آورده و توصیف نموده ، و در توصیفات خود ، آن دنیا و جلالتش را ، و اسباب اولیه و تأسیاتش را ، و ستارگان ، و گیاهان ، و دواها ، و تعویذاتی را که مردم در راه آرزوهای خود ، از خیر و شربکار میبردند ، توصیف نموده و سالیان درازی را بهمین گونه گذراندند تا پادشاهی بضاك بن کی^۱ .

دیگری جز ابوسهل گفته است : ده آك بمعنی ده آفت است که عرب آن را بضاك نامید .

برگردیم بسخنان ابوسهل- کی رسید ، که در حصه مشتری ، و نوبت ، و ولایت ، و قدرتش بر آن دوران بود . و او در زمینهای سواد^۲ شهری بنا کرده ، و نام آن را از نام مشتری در آورده ، و آن را جایگاه علم و علماء قرار داد . و دوازده کاخ بشماره برجهای آسمان در آن برپا نموده ، و هر کاخی را بنام برجی نامید . و برای کتابهای علمی خزینه- هائی در آن بساخت ، و علما را در آن کاخها منزل داد .

دیگری جز ابوسهل گوید : هفت خانه بنام ستارگان هفتگانه بنا کرده ، و هر خانه آنرا بیک نفر اختصاص و خانه عطارد را ویژه هرمس^۳ نمود و خانه مشتری را بئینکلوس ، و خانه مریخ را بطینقروس مخصوص داشت .

برگردیم بسخنان ابوسهل: و مردم سرسپرده و مطیع آنان شدند ، و شنوائی از ایشان داشته و بدستورشان کارهای خود را روبراه مینمودند ، زیرا آنان را در علم و مال اندیشی بالاتر از خود میدانستند . تا آنکه پیامبری در آن زمان ظهور کرد ، و آنان منکر او

۱- در نسب بضاك میان نسابان اختلاف است ، بعضی گویند ، اصل او از یمن بوده ، و نسب او ، بضاك بن علوان بن عویج یمنی و خواهرزاده جمشید بود . و نسابان پارسی نسب او را چنین گفته اند : بیوراسف (نام بضاك) بن امر ونداسف بن دینکان بن و بهرسك بن تازین نوارك بن سیامك بن میشی بن کیومرث- و شاید از نقطه نظر اینکه سلسله پدران بضاك بکیومرث میرسیده او را بضاك پسر کی گفته اند (لغتنامه دهخدا ص ۱۹) .

۲- رجوع شود بصفحه ۲۰۴ همین کتاب .

۳- هرمس- یکی از علماء افسانه ایست - و افسانه او از قرن سوم بعد از میلاد در اسکندریه پیدا شد . و در قرن چهارم کمال یافت ، تا آنجا که بسیاری کتب بنام او مشهور گردید . چنانکه ایامیلیخس عدد آن را دوهزار ذکر کرده ، و در کتب فلاسفه و حکما ، سه هرمس آمده ، و هرمس الاول که پیش از طوفان نوح میزیست ، و هرمس الثانی که بعد از طوفان در آغاز بنای بابل زندگی میکرد ، و هرمس الثالث که بعد از طوفان در مصر بر میبرد و استاد ، اسقلیبوس طبیب افسانه بود . (ر.ك تاریخ علوم عقلی تألیف استاد دکتر صفاح ج ۱ ص ۷۸) .

شده ، و علمشان بآن پایه فرسیده بود که ویرا بدرستی دریابند ، و از این رو ، در میانشان آشفتنگی وجدائی و اختلاف در عقیدت پیدا شده ، و هر يك از آن دانشمندان بشهری روی آورد تا در آنجا اقامت نماید ، و پیشوای مردمانش گردد . و در میان آنان دانشمندی بنام هرمس^۱ که از همه خردمندتر ، و عالمتر ، و باهوشتر در کارها بود بمصر درآمده و بر مردمش حکومت یافته ، و دست بآبادی و عمران آنجا گشوده ، امور مردم را اصلاح ، و توانائی علمی خود را آشکار ساخت ، و همانجا مانده ، و بیشتر اوقاتش را در بابل میگذرانید . تا زمانیکه اسکندر پادشاه یونانیان برای هجوم بایران از شهریکه رومیان آنرا مقدونیه^۱ نامند بیرون شد ، و او کسی بود که گرفتن فدیة^۲ را که در مملکت فارس و بابل معمول بود ، روا و جایز نمیدانست . و دارا پسر دارا شاه را بقتل رسانید ، و بر قلمرو او استیلا یافته ، مدائن را ویران ، و کاخهاییکه بدست دیوان و سرکشان ساخته شده بود خراب کرده و ساختمانهای گوناگون آنرا که بر سنگها و تخته‌هایش انواع علوم نقش و کنده‌کاری شده بود با خاک یکسان نمود . و با این خرابکاریها ، و آتش سوزیها ، هماهنگی آنرا بهم ریخته و درهم کوبید و از آنچه در دیوانها و خزینه‌های اسطخر^۳ بود رونوشتی برداشته ، و بزبان رومی و قبطی^۴ برگردانید ، و پس از آنکه از نسخه برداریهای مورد نیازش فراغت یافت ، آنچه بخط فارسی که بآن کشتج^۵ میگفتند در آنجا بود ، بآتش انداخته . خواسته‌های خود را از علم نجوم ، و طب ، و طبائع گرفته ، و با آن کتابها و سائر چیزهایی که از علوم ، و اموال ، و گنجینه‌ها ، و علما بدست آورده بود بمصر روانه داشت . و چیزهایی درهند و چین ماند که پادشاهان ایران در دوران پیامبر خود زردشت^۶ ، و جاماسب حکیم^۷ نسخه برداری نموده ، و بآنجا فرستادند ، زیرا پیامبرشان زردشت و جاماسب . آنان را از کردار و رفتار اسکندر زینهار داده ، و گفته بودند که پیروزی با وی خواهد بود . و او

- ۱- مقدونیه - Macédoine از ممالک قدیم اروپا و در شمال یونان است (لاروس).
- ۲- فدیة - چیزیست که کسی برای نجات خود از اذیت و آزاری میدهد (اقربالموارد).
- ۳- اسطخر- یا اسطخر نام یکی از قدیمترین شهرهای ایران . و در ۵۳ کیلومتری شرق شیراز است (معجم‌البلدان)
- ۴- قبط - یا - فقط نام مردم قدیم مصر ، و امروزهم بگروهی از نژاد همانها گویند که بر نصرانیت باقیمانده‌اند (قاموس‌الاعلام ترکی)
- ۵- رجوع شود بصفحة ۲۳ همین کتاب .
- ۶- رجوع شود بصفحة ۲۱ همین کتاب .
- ۷- در سنت زرتشتیان جاماسب از خاندان هوکوه در اوستا برادر فرشوستر بود ، و هردو وزیر کی گشتاسب بودند (لغتنامه دهخدا)

تا آنجا که بتواند از علوم و کتابها ربوده و بشهر خود روانه خواهد کرد ، از این جهت در عراق علم رو باندرا س گذاشته و از هم پاشیده شد ، و علما با هم اختلاف پیدا کرده ، و از میان رفتند . و در مردم حالت تعصب و طرفداری پیدا شده ، و هر دسته‌ای برای خود پادشاهی برگزیده ، و بملوك الطوائف شهرت یافت .

ولی مملکت روم که پیش از اسکندر ، در اختلافات ، وجدائی ، و کشمکش بسر میبرد بزیر پرچم يك پادشاه درآمد ، و همه با هم متحد و یکدل و يك زبان شدند ، اما مملکت بابل بهمان بیسر و سامانی و فساد و ناتوانی باقیمانده ، و مردمانش مقهور و مغلوب ، نه قدرت دفاع را از خود داشتند ، و نه میتوانستند ستمدیده را در پناه خود نگاهدارند . تا آنکه اردشیر بن بابک ، از خاندان ساسان پیاداهی رسید . و آن پراکندگیها ، وجدائیها را مبدل به اتحاد و یگانگی نموده ، دشمنان را سرکوب کرده ، و بر شهرها استیلا یافته ، و مردم را بدور خود جمع کرده ، و آن تعصب و دسته بندیها را از میانشان برداشت ، و همینکه زمام کلیه امور را بدست گرفت ، مردمانی را بهند و چین و روم فرستاد تا از تمام کتابهاییکه نزدشان بود نسخه برداری نمایند ، و بچستجوی مقدار کمی هم که در عراق بود برآمده ، و همه آنها را جمع آوری کرده . و از آن پراکندگی در آورده ، و اختلاف و تباینی که در آنها پیدا شده بود برطرف کرد . و پسرش شاپور نیز ، پس از وی ، همین رویه را دنبال نمود تا آنکه تمام آن کتابها بپارسی و بهمان سورتی درآمد که در زمان هرمس بابلی پادشاه مصر بوده ، و دوریتوس سریانی ، و فیدورس یونانی از شهر آتینی^۲ معروف بشهر دانش ، و بطلمیوس اسکندرانی و فرماسب هندی آن را شرح و بهمان گونه که خودشان آنرا از روی اصل آن کتابها که در بابل بود فرا گرفته بودند ، ب مردم آموختند .

و پس از او ، کسری انوشیروان نیز برای علاقه و محبتی که بعلم و دانش داشت ، بجمع و تألیف آن کتابها پرداخته ، و بآن عمل میکرد . و در هر دوره ، و زمانی مردم تجربیاتی تازه ، و علوم نوینی دارند که زائیده گردش ستارگان در برجهای آسمان ، برای اداره زمان ، بامر خداوند متعال میباشد .

گفته‌های ابوسهل باینجا پایان یافت .

اسحاق راهب در تاریخ خود گوید ، بطولوماوس فیلادلفوس ، که از شاهان اسکندریه بود ، در دوران پادشاهی خود ، بچستجوی کتابهای علمی پرداخت ، و این کار را در عهده مردی بنام زمیره گذاشت ، و او گوید که پنجاه و چهار هزار و یکصد و بیست کتاب جمع آوری

۱- ف (التجارب) ن (والتجارب)

۲- همان شهراتنه پایتخت یونان است .

کرده ، و پادشاه گفت . هنوز هم مقدار زیادی از این نوع کتابها در سغد ، و هند ، و جرجان ، و ارمان^۱ ، و بابل ، و موصل ، و نزد رومیان باقی مانده است .

حکایت دیگر

ابومعشر در کتاب اختلاف الزیجات چنین گوید : پادشاهان ایران با اندازه بنگاهداری علوم و باقیماندن آن بر روی زمین علاقمندی داشتند که برای محفوظ ماندن آنها از گزند و آسیب زمانه ، و آفتهای زمینی و آسمانی ، گنجینه کتابها را از سخت ترین و محکمترین چیزی برگزیدند که تاب مقاومت با هر گونه پیش آمدهی را داشته و پایداری و دوامش در مقابل سیر و گردش زمانه زیاد بوده ، و عفونت و پوسیدگی کمتر بآن راهداشت . و آن پوست درخت خدنك^۲ بود که بآن توز گویند . چنانکه هندیان و چینیان ، و مردمان سائر ملل و اقوام در این کار از آنان پیروی نموده ، و حتی برای سختی و محکمی ، و همچنین نرمی و دوامی که داشت کمان تیراندازی را نیز از آن ساختند .

و پس از آنکه بهترین وسیله را برای نگاهداری علوم بدست آوردند ، برای یافتن بهترین جا و محل ، بجستجوی زمینها و شهرستانها برخواستند که بهترین آب و هوا را داشته باشد و عفونتش کمتر ، و از لرزش زمین و فرو ریختگی بدور و در گلش آن چسبندگی باشد که ساختمانها برای همیشه استوار و پایدار بماند . و پس از آنکه همه جای مملکت را کنجکاو و جستجو نمودند ، در زیر این گنبد کبود شهرستانی را با این صفات ، جز اصفهان نیافتند ، و در آنجا نیز بتمام گوشه و کنارها رفته و بهتر از رستاك^۳ جایی ندیدند ، و در این رستاك، همین محلی را که ، پس از سالیان دراز در آن شهر جی بنا شده ، موافق منظور خود یافتند . و بتهندژ^۴ که میان شهر جی قرار داشت ، آمده ، و علوم

- ۱- فرهنگ نفیسی ارمان را نام شهری نوشته وقاموس الاعلام ترکی زیر کلمه-ارمنت - چنین دارد در ساحل رود نیل نزدیک خرابهها شهرسیبه قصبه ایست که در زمان بطاله و رومیان، شهر بزرگ و مشهوری بنام ارموننیلس بود و در جای دیگر کلمه ارمان را نیافتیم .
- ۲- خدنك بروزن یلنك نام درختی است بسیار سخت که از جوب آن نیزه و تبرزین اسب سازند (برهان قاطع بتصحیح آقای دکتر معین) .
- ۳- جی بکسراول و سکون ثانی ولایت صفاها نرا گویند عموماً . و بلوکی از بلوکات آنرا خصوصاً (برهان قاطع بتصحیح آقای دکتر معین) .
- ۴- قهندز معرب کهن دژ اسم عام است بنام قلعه قدیم، و علم برای چند قلعه قدیم است (برهان قاطع بتصحیح آقای دکتر معین) .

خود را در آنجا بودیت گذاشتند که تا زمان ما باقی و پایدار ماند. و نام این محل سارویه^۱ بود، و از خود این ساختمان مردم بسازنده و پایه گذار آن پی بردند، زیرا در سالهای گذشته گوشه^۲ از این ساختمان ویران گردیده و در آن سفی^۳ نمایان شد که با گل سفت^۴ ساخته شده بود و در آن کتاب زیادی از کتابهای پیشینیان دیده شد که تمام آنها بر پوست خدنگ^۵ در علوم گوناگون باستانی بخط فارسی باستانی نوشته و در آنجا گذاشته بودند، از این کتابها مقداری بدست کسی رسید که توانائی خواندن آنها را داشت، و در آن نوشته از برخی شاهان ایران یافت که چنین بود: بطهمورث شاه، که دوستدار دانش و دانش پژوهان بود خبر دادند که يك حادثه آسمانی در مغرب هویدا شود که بارانهای متوالی، و با دوام آن بدرجه افراط و برون از حد معمول و متعارف میباشد. و از آغاز پادشاهی وی، تا اولین روز ظهور این حادثه منبری دویت و سی و یکسال و سیصد روز خواهد بود، و منجمان ویرا از همان اوائل پادشاهی از این پیش آمد بر حذر داشته، و بسیار ترسانده و گفتند دنباله آن تا آخر مشرق کشیده خواهد شد و او بمهندسين دستور داد، که در تمام مملکت جایی را پیدا کنند که از حیث خوبی هوا، و زمین بر همه جاها برتری داشته باشد و آنان زمین همین ساختمانی که معروف بسارویه و تا این ساعت در میان شهر جی بر پاست پسندیدند. سپس امر کرد ساختمان محکمی در آنجا پایه گذاری کنند، و پس از فراغت از این کار امر کرد آنچه در خزانه از علوم گوناگون موجود است بر پوست خدنگ نوشته و در آن ساختمان جای دهند، تا پس از بر طرف شدن آن حادثه مغربی، آن علوم برای مردم باقی بماند. و در میان آن کتابها کتابی منسوب بیکی از حکماء باستانی بود که دارای ادوارسین^۶ برای استخراج سیرستارگان و علل حرکتشان بوده، و مردم دوره طهمورث و پاریان پیش از آنها آنرا ادوار هزارات مینامیدند و بسیاری از علماء هند و پادشاهانی که در آن مملکت بودند و همچنین پادشاهان فارسین باستانی، و کلدانیان قدیم که اولین سکنه حومه بابل بودند، گردش سیارات هفتگانه را از آن استخراج مینمودند. و این زیج را از میان سائر زیجهای آن زمان، بدین جهت برگزیدند، که در آزمایش از همه صحیحتر، و مختصرتر از همه بود. و منجمان آن زمان زیجی از آن استخراج،

۱- سارویه نام جایی در کهن دژ اصفهان است (لغتنامه دهخدا).

۲- سخ بفتح اول و سکون ثانی نوعی از عمارت طولانی و دراز را گویند و آنرا بمری ازج خوانند (برهان قاطع بتصحیح آقای دکتر معین).

۳- ف (من طین الشقیق) ن (من طین السفتق) که مراد همان گل سفت است.

۴- ادوار - یا ادوارسین، دوره ایست که احکامیان و منجمان برای هر ستاره از بدو

خلقت تا با امروز قائل شده اند، و بفارسی آن را هزارات گویند (لغتنامه دهخدا).

و آنرا زیج شهریاری - یعنی پادشاه زیجها - نامیدند . این بود آخرین گفته ابومعشر .
 محمد بن اسحاق گوید : یکی از اشخاص موثق بمن خبر داد که در سال سیصد و پنجاه
 هجری . سنی خراب گردید که جایش معلوم نشد . زیرا از بلند بودن سطح آن ، گمان
 میکردند که توی آن خالی نبوده و مصمت است ، تا زمانیکه فرو ریخت ، و از آن کتابهای
 زیادی بدست آمد که هیچ کس توانائی خواندن آنها نداشت ، و آنچه من با چشم خود
 دیدم ، و ابوالفضل بن عمید در سال چهل و اندی آنها را فرستاده بود ، کتابهای پاره پاره
 بود که در باروی شهر اصفهان میان صندوقهایی بدست آمد ، و بزبان یونانی بود و کسانی که
 آنها میدانستند ، مانند یوحنا و دیگری آنها را استخراج نموده و معلوم شد که نام سربازان
 و جیره آنان است . و آن کتابها چنان متعفن بود که گویا تازه از دباغی درآمده ولی پس از
 آنکه یکسال در بغداد ماند . خشک شده و تغییر کرده و عفوئتش بر طرف گردیده ، و پاره از
 آنها اکنون در نزد شیخ ابوسلیمان موجود است .
 گویند ، سارویه یکی از بناهای محکم باستانی است که ساختمان معجزه آمیز دارد ، و
 در مشرق همانند اهرام مصر در مغرب ، از حیث عظمت و شگفتی است .

حکایت دیگر

در قدیم آموختن حکمت قدغن بود ، مگر برای کسانی که اهلیت و قابلیت دانستن آنها
 داشته ، و معلوم شده باشد که طبیعتاً استعداد فرا گرفتن حکمت را دارند . و فلاسفه در
 زائجه کبیکه خواستار آموختن حکمت و فلسفه بود نظر مینمودند ، و اگر در آن زائجه وجود
 استعدادی از همان آغاز ولادتش دیده میشد ، او را استخدام نموده و بوی حکمت میآموختند ،
 و در غیر این صورت از آموختن حکمت بوی خوداری مینمودند .

پیش از دیانت مسیح علیه السلام ، میان یونانیان ، و رومیان فلسفه جلوه داشت . و همینکه
 رومیان بنصرانیت گرویدند ، آنان را از فرا گرفتن فلسفه منع کردند ، و کتابهای آنها یا
 سوزانیده ، و یا در مخازنی نگاهداری نموده ، و مردم را از سخن در فلسفه باز میداشتند .
 چون فلسفه را مخالف شریعت میدانستند .

ولی پس از مدتی رومیان دوباره بمذاهب فلسفه روی آوردند ، و سببش هم این بود
 که لیولیانس پادشاه روم که در آنطاکیه^۱ اقامت داشت ، تا مسطیوس مفسر کتابهای ارسطو را
 بوزارت برگزیده ، و هنگامیکه شاپور ژوالاکتاف^۲ بقصد لیولیانس بسمت روم رفت

۱- آنطاکیه Antioche در شمال سوریه و شهرستانی از حلب است (قاموس الاعلام ترکی).

۲- شاپور بابای فارسی بروزن لاهور نام پادشاهی اردودمان اشک بن یافت بود و در دوره
 او زکریا شهید شد . و او را شاپور ژوالاکتاف میگفتند برای آنکه عربها را که میگرفت
 شانهایشان را در آورده و رها مینمود . (برهان قاطع بتصحیح آقای دکتر معین) .

تا زمام امور آنجا را بدست آورد ، لیولیانس با خبر شده و او را دستگیر نمود ، باختلاف روایاتی که در این باره شده ، و پس از آن لیولیانس بایران تاخته ، و بجندیشاپور که رسید بزرگان ، و سرکردگان و بقایای نگهبانان سلطنتی را در حصار انداخت ، چنانچه امروزه رخنه در آنجا بنام رخنه رومیان موجود است. و در پای آن حصار مدتها متوقف مانده و نتوانست آنرا بگشاید ؛

شاپور در کاخ لیولیانس زندانی بود ، و دختر لیولیانس برای عشقی که با او پیدا کرد ویرا رها داشته ، و اوهم درخفا از شهرها گذشته و خود را بجندیشاپور رسانیده و بشهر درآمد . آمدن او موجب قوت قلب یاران و هوادارانش گردیده ، و آنرا بفال نیک گرفته ، همه از خانهها در آمدند ، و برومیان تاخته ، و لیولیانس را اسیر نمودند ، و شاپور او را بقتل رسانید . در باره جانشین او میان رومیان اختلافی پیدا شده ، و قسطنطین بزرگ که در اردوی رومیان بود هواداران بسیاری داشته و چون مخالفانش توانائی مقاومت با وی را نداشتند ، و اوهم مورد مهر و عنایت شاپور بود ، شاپور ویرا بجانشینی لیولیانس برگزیده ، و باین کار رومیان را منتدار خود ساخت . و بآنان راهی را نشان داد که بروم برگردند . بشرط آنکه در جای هر درخت خرمائی که از زمین حومه شهر و سائر شهرها کنده شده یکدرخت زیتون بکارند ، و از روم کسانی را روانه دارند که خرابکاریهای لیولیانس را ترمیم نمایند و اسباب و لوازم کار را نیز با خود داشته باشند ، قسطنطین تمام آن شرطها را قبول ، و بان عمل نمود .

در دوره قسطنطین نصرانیت بهمان وضع سابق برگشته ، و ممنوعیت کتابهای فلسفی ، و ضبط آنها ، صورت گذشته را پیدا کرد که تاکنون هم بهمان حال باقیست . و ایرانیان در قدیم از فلسفه و منطق چیزهائی را بیپارسی در آورده بودند ، که عبدالله بن مقفع و دیگران آنها را بعبری ترجمه کرده اند .

حکایت دیگر

خالد بن یزید بن معاویه را حکیم آل مروان میدانستند ، وی ذاتاً با فضل بود و اهتمام و محبت زیادی بدانش و علم داشت . و چون بفکر ساختن کیمیا افتاده بود ، امر کرد گروهی از فلاسفه مصر را که عربی میدانستند ، احضار نمایند ، و از ایشان خواست کتابهای کیمیا را از زبان یونانی و قبطی بعبری برگردانند ، و این اولین مرتبه بود که در اسلام

۱ - جندیشاپور از شهرهای خوزستان است که شاپور پسر اردشیر آنرا بنا نمود ، و اسیران روم و قسمتی از سپاه خود را در آنجا نگاه میداشت (معجم البلدان) .

از زبانی بزبان عربی ترجمه گردید. و پس از آن دیوان^۱ را ترجمه نمودند، و این ترجمه در زمان حجاج بود که از فارسی بعربی برگردانده شده، و مترجم آن صالح بن عبدالرحمن است که برده بنی تمیم و پدرش از اسیران سجستان^۲ بوده، و نزد زادانفرخ پسر پیری کاتب حجاج، بکار نویسندگی در عربی و فارسی اشتغال داشت و دل حجاج را بدست آورده بود. صالح بزادانفرخ گفت، من بوسیله تو بامیر راه یافته‌ام، و حالا مشاهده میکنم که امیر را بمن تمایلی است و بیم دارم که مرا بر تو مقدم دارد، و این مقام و منزلتی که داری از دست بدهی، زادانفرخ گفت، چنین گمانی را نداشته باش، زیرا او بمن بیشتر احتیاج دارد، تا من با او، چون جز من کسی دیگر نمیتواند حساب او را نگهداری نماید. صالح گفت، بخدا سوگند، اگر من بخواهم، میتوانم حساب او را بعربی برگردانم، زادانفرخ از او خواست چند سطر بی عربی در آورد، او هم این کار را کرده، و زادانفرخ با او گفت، بهتر است چندی تمارض نمائی، صالح نیز بیبها نه بیماری از خانه بیرون نیامد، تا آنکه حجاج پزشک مخصوص خود، تیادورس را بعیادت او فرستاده و او هم صالح را بیمار نیافت، زادانفرخ که از این ماجری باخبر شد، دستور داد از خانه بیرون آید. از اتفاق در فتنه ابن اشعث^۳ زادانفرخ از جاییکه بود، بقصد رفتن بخانه بیرون آمده و در راه کشته شد، و حجاج صالح را بجای او گذاشت. و صالح جریان مذاکرات خود را با زادانفرخ درباره نقل دیوان از فارسی بعربی بوی گفته، و حجاج تصمیم باین کار گرفته، و از صالح آنرا خواست.

مردانشاء پسر زادانفرخ بصالح گفت، با دهویه، و ششویه چه میکنی، گفت آنرا ده، و نصف ده^۴ مینویسیم. گفت با ویده^۵ چه خواهی کرد، گفت مینویسم، و باز گفت، وید همان

۱ - دیوان کتابچه نام لشکریان و کسانی است که چیزی دریافت میداشتند، و نیز بجای اطلاق میشود که در آن بدهاوی رسیدگی و فیصله نمایند، و یا در کارهای سیاسی گفتگو و مذاکره کنند (اقرب الموارد).

۲ - رجوع شود بصفحه ۲۱ همین کتاب.

۳ - عبدالرحمن بن اشعث در دوره حجاج شورش برپا کرده که در نتیجه مغلوب شده و بقتل رسید (اعلام رزکلی ج ۲).

۴ - دهویه، و ششویه بمعنی عسروسدس است و چون در صدر اسلام کتابچه‌ها مالیاتی عرب بزبان فارسی بود، و در اسلام خمس و زکوة از منابع درآمد بشمار میرفت، و خمس در فقه بشی قسمت منقسم میگردد، ظاهراً در فارس برقم ششویه نگاهداری میشد و مؤید این معنی گفته صالح است که گوید بجای دهویه و ششویه، ده و نصف ده مینویسم، و نصف ده خمس است که همان خمس مالیاتی میباشد (رک کتاب الخمس شرایع ص ۵۰).

۵ - وید همان اند - پارسی است که بعربی نیف است.

نیف است، و اضافاتی است که افزایش پیدا میکند تا به ده برسد. مردانشاه گفت، خداوند ریشه تورا از بیخ و بن در آورد همچنانکه قاری را از ریشه در آوردی، و ایرانیان صد هزار درهم بوی میدادند بشرطیکه تظاهر بجز و ناتوانی از انجام این کار نماید. ولی صالح پافشاری نمود چون حجاج مهلتی در انجام آن معین کرده بود.

عبدالحمید گوید، خداوند صالح برکت دهد که منت فروانی بر نویسندگان گذاشت. اما درشام، دیوان بزبان رومی بود، و از دوره معاویه بن ابوسفیان، سرجون بن منصور، و پس از او منصور بن سرجون آنرا مینوشتند، و در دوره هشام بن عبدالملک بصری در آمد، و مترجم آن، ابوثابت سلیمان بن سعد برده حسین متصدی اداره رسائل عبدالملک بود، و بقولی، ترجمه آن در دوره عبدالملک بعمل آمد، زیرا او از سرجون بن منصور پاره چیزها خواسته بود که سرجون انجام نداده، و عبدالملک آنرا بدل گرفته، و در این باره با سلیمان گفتگو و مشورت نموده، و سلیمان بوی گفت، من آن را بصری در آورم، و بتنهائی از عهده اینکار برآمد.

ذکر اسباب زیاد شدن کتابهای فلسفه

وسائر علوم باستانی در این شهرها

یکی از آن اسباب

مأمون در خواب دید مرد سپید روئی که سرخ قامیش بیشتر بود با پیشانی فراخ و ابروانی پیوسته، و از جلوسر کم مو، و دیدگانی شهلا و شمائلی زیبا بر تخت خود نشسته. مأمون گوید، چنان مینمود که من در مقابل او ایستاده‌ام، و هیبت او مرا گرفته است. پرسیدم تو کی هستی. گفت ارسطو. من بسیار شادمان گردیده و گفتم ای حکیم سئوالی دارم، گفت بگو، گفتم زیبائی چیست، گفت هر چه که عقل آنرا زیبا داند، گفتم پس از آن، گفت آن که شرع زیبایش خواند، گفتم پس از آن، گفت آن که جمهور مردم زیبا شمرند، گفتم پس از آن، گفت دیگر پس از آنی ندارد. و بروایت دیگر - گفتم پیش از این مرا آگاه بدار، گفت رفیق راهت را چون زرناب نکهدار و بیگانگی خداوند ایمان داشته باش.

و این خواب یکی از اسباب نشر کتابهای فلسفه گردید. و مأمون از راه مکاتبه که با پادشاه روم داشت در مقام استفاده برآمده و از او خواست که اجازه چند نفری را بروم

۱- در نسخهای خطی و چاپی - القهرست - دارد: من: منحك في الذهب فليكن عندك كالذهب. ولی در کتاب اخبار الحکما، قفطی، بنقل از ابن ندیم دارد: من يصحبك في الذهب فليكن عندك كالذهب. که در میان عرب مثل معروفی است. و صحیح هم همین است در تجدید مورد توجه قرار دادیم. (ر.ک. اخبار الحکما، قفطی ص ۲۹).

روانه دارد تا از علوم باستانی که در خزائن آنجا بود چیزهایی را انتخاب، و با خود بیاورند. پادشاه روم، در ابتدا روی موافقت نشان نداده، ولی بالاخره پذیرفته و جواب مساعد داد. و مأمون گروهی را مانند حجاج بن مطر، و ابن بطریق، و سلما متصدی بیت الحکمه، و چند نفر دیگر را بدان سوی روانه داشته، و آنان نیز چیزهایی انتخاب نموده، و با خود آوردند که با مأمون همه آنها ترجمه گردید. و گویند، یوحنا بن ماسویه نیز از جمله آن فرستادگان بروم بود.

محمد بن اسحاق گوید: از جمله کسانی که کوشش و اهتمام زیادی در آوردن کتاب از روم، داشتند، محمد، و احمد، و حسن فرزندان شاکر منجم بودند که شرحی خواهد آمد و اینان از بذل مال در این راه درینی نکرده، و حنین بن اسحاق و چند نفر دیگر را بروم فرستاده و آنها کتابهایی شکفتانگیز، و تصنیفات غریبی را در فلسفه، و هندسه، و موسیقی، و ارثماتیکی^۱ و طب، با خود آوردند. و قسطاین لوقا بعلبکی نیز چیزهایی با خود آورده بود که پاره را ترجمه کرده و پاره را برایش ترجمه کردند.

ابو سلیمان منطقی سجستانی گوید: فرزندان منجم، بگروهی از مترجمان، چون حنین بن اسحاق، و حبیش بن حسن، و ثابت بن قره، و دیگران، ماهیانه در حدود پانصد دینار برای ترجمه و اشتغالشان باینکار میدادند.

محمد بن اسحاق گوید، در يك مجلس همگانی از ابو اسحاق شهرام شنیدم که میگفت، در روم بنمکده ایست که از قدیم ساخته شده، و دری بزرگ از دو لنگه آهن دارد که مانند آن دیده نشده، و در زمان قدیم که یویانیان ستاره، و بت پرست بودند، آن را گرامی داشته، و در آنجا بدعا و قربانی مشغول میشدند. من از پادشاه روم درخواست نمودم که آنها برای من بکشایند، وی امتناع کرد، چون از زمان گروش رومیان بنصرانیت، درهای آنها بسته بودند، ولی من اصرار ورزیدم. و پا نر می چه بوسیله نامه، و چه هنگام ملاقات، شناها آن درخواست را دنبال نمودم، تا آنکه قبول نموده و امر کرد آنها برای من بکشایند، و من ساختمانی دیدم که از مرمر، و سنگهای بزرگ رنگارنگ بنا گردیده، و کتیبه ها و نقشهای فراوانی داشت که در زیبایی مانند آنها دیده و شنیده نشده، و کتابهایی در آنجا دیدم که با اندازه بار چندین شتر - و این جمله را آنقدر افزود تا گفت، بار هزار شتر بود، پاره پوسیده، و پاره بحال خود باقیمانده، و پاره راهم موریانه خورده بود، و در آنجا آلات و اسباب شکفت- انگیزی برای قربانی دیدم که از طلا، و چیزهای ظریف ساخته شده بود. پس از بیرون

آمدن من از آنجا دوباره آن درها بسته شده ، و باین کار منت زیادی بر من گذاشتند . و گوید این امر در دوره سلف الدوله پیش آمد ، و آن ساختمان تا قسطنطیه سه منزل فاصله دارد ، و در مجاورت آن گروهی از صابئیان کلدی زندگانی مینمودند . و رومیان بآنان آزادی مذهب داده ، و از ایشان جزیه میگرفتند .

نام مترجمان بزبان عربی

اصطغفن قدیم: مترجم کتابهای در کیمیا و غیره ، برای خالد بن یزید بن معاویه .
ابن بطریق: که در دوره منصور ، بدستور وی ، پاره از کتابهای قدیم را ترجمه نموده ، و پسرش ابوزکریا یحیی بن بطریق در خدمت سهل بن حسن بود .
حجاج بن مطر: برای مأمون چیزهایی را تفسیر کرد ، و مجسطی و اقلیدس را او ترجمه نموده است .

ابن ناعم ، نامش عبدالملیح بن عبدالله حمصی ناعمی .

سلام بن ابرش ، از قدماء مترجمان دوران برمکیان و بگفته آقای ما ابوالقاسم عیسی بن علی بن عیسی ایده الله ، سماع طبیعی را او ترجمه کرده است . حبیب بن بهریز . مطران موصلی مفسر چندین کتاب برای مأمون . زوریا ، بن ماجوه ، ناعمی حمصی . هلال بن ابوهلال حمصی . تذاری . قیثون . ابونصر بن باری بن ایوب . بسیل مطران . ابونوح بن صلت . اسطاث . جیرون . اصطغفن باسیل ، ابن رابطه . تیوفیلی . شملی . عیسی بن نوح ، قویری ، نامش ابراهیم ، مکنی بابو اسحاق . تدرس سنقل . داریع راهب . هیبا . بشیون . صلیبا . ایوب رهاوی . ثابت بن قمع . ایوب و سمان که برای محمد بن خالد بن یحیی بن برمک ، زیج بطلمیوس و چند کتاب باستانی را ترجمه کردند . باسیل ، که در خدمت ذوالیمینین بود . ابن شهدی کرخی ، که ترجمه های بسیار بدی از سریانی بعربی دارد ، و از آن جمله کتاب الاجنه بقراط است . ابو عمرو یوحنا بن یوسف کاتب ، نیز از مترجمان و کتاب فلاطون فی آداب الصبیان ، ترجمه اوست . ایوب بن قاسم رقی ، مترجم سریانی بعربی ، و کتاب ایساغوجی را او ترجمه کرده است . مرلاحی ، که در زمان ماحیات دارد ، و سریانی را بخوبی میداند ، ولی در عربی الفاظ زشتی بکار می برد . و نزد علی بن ابراهیم دهکی ، بکار ترجمه از سریانی بعربی مشغول بوده ، و ابن دهکی ترجمه هایش را اصلاح مینماید ، داریشوع که از مفسران سریانی بعربی ، برای اسحاق بن سلیمان بن علی هاشمی بود . قسطابن لوقا بعلبکی (بنوشته ابن ملطی ، کنیه اش ابوسعید)

ترجمه‌اش بسیار خوب و در یونانی، و سریانی و عربی فصیح بود، و چیزهایی را ترجمه کرده، و ترجمه‌های زیادی را اصلاح نموده، که ذکرش در شرح علماء صاحب تصنیف خواهد آمد.

حنین، اسحاق، ثابت، حبیب‌عسی بن یحیی دمشقی، ابراهیم بن صلت، ابراهیم بن عبدالله، یحیی بن عدی تغلیسی، کسانی هستند که ما پس از این بذکرشان خواهیم پرداخت، زیرا دارای مصنفاتی هستند. انشالله.

مترجمان فارسی بعبری

ابن مقفع، بجای خود گفته شد. بیشترین افراد خاندان نوبخت، که در پیش ذکری از آنها شده و در آتیه نیز ذکرشان خواهد آمد. انشالله، موسی و یوسف. پسران خالد، که در خدمت داود بن عبدالله بن حمید بن قحطبه، بکار ترجمه از فارسی بعبری اشتغال داشتند. تمیمی، نامش علی بن زیاد، و کنیه‌اش ابوالحسن، از مترجمان فارسی بعبری بود، و زیج شهریار را او ترجمه کرده. حسن بن سهل، که ذکرش در اخبار منجمان خواهد آمد. بلادری احمد بن جابر که پیش از این گفته شد. از مترجمان فارسی بعبری بود، جبلة بن سالم، کاتب هشام که نامش گذشت. از مترجمان فارسی بعبری بود. اسحاق بن یزید، ترجمه هائی از فارسی بعبری دارد که از آن جمله، کتاب سیرة الفرس - معروف به خداینامه^۱ است و از مترجمان فارسی: محمد بن جهم برمکی. و هشام بن قاسم، و عیسی کردی و زادویه بن شاهویه اصفهانی، و محمد بن بهرام بن مطیار اصفهانی، و بهرام بن مردانشاه، مؤبد شهر شاپور^۲ از شهرستان فارس، و عمر بن فرخان، بودند، و ما در اخبار مصنفان عمر بن فرخان را ذکر خواهیم نمود.

مترجمان هندی و نبطی^۳

منکه هندی، در دسگاه اسحاق بن سلیمان بن علی هاشمی، بود و از هندی بعبری ترجمه مینمود.

ابن دهن هندی، متصدی بیمارستان برمکیان، از مترجمان هندی بعبری بود.

۱- ف (اختیارنامه).

۲- ف (نیابور).

۳- رجوع شود بصفحة ۱۹ همین کتاب.

ابن وحشیه از نبطی بمری ترجمه میکرد و گفته اند ترجمه های زیادی داشته ، که ذکرش خواهد آمد . انشاالله .

اولین سخنگو در فلسفه

در محضر ابوالقاسم عیسی بن علی از ابوالخیر خمار پرسیدم ، اولین سخنگو در فلسفه چه کسی بود ، گفت ، فروریوس صوری در کتاب التاریخ خود ، که بزبان سریانی است ، گوید اولین فیلسوف ، از فلاسفه سبعا^۱ ثالس بن مالس املیسی بود و از این کتاب دو مقاله بمری ترجمه شده است . این گفته را ابوالقاسم تصدیق کرده ، و در آن تردید و شکی نداشت .

بعقیده دیگران ، اولین سخنگو در فلسفه ، بوئاغورس بن میارخس ، از مردم سامیا بود . فلوطرخس گوید : بوئاغورس اول کسی است که در فلسفه سخن گفته . و آنرا فلسفه نامیده و رساله های داشت که معروف بذهبیات بود ، زیرا جالبینوس از جهت تجلیل و احترام او آنها را با طلا نوشته است . و من از تألیفات بوئاغورس این کتابها را دیده ام : رساله او در سیاست عقلیه . رساله او بمتهمرد سقلیه . رساله او ببقانی در استخراج معانی ، و از این رساله ها گاهی نسخه های بتفسیر املیخس بدست آید .

و باز گوید : پس از او ، کسبکه در فلسفه سخن گفت سقراط پرسقراطیس ، از شهر آتنه ، شهر معروف بشهر علما و حکما بود ، و بسیاری از گفتارش تدوین^۲ نگردیده ، و آنچه بدست آمد . مقاله ایست در سیاست . و رساله در سیرت نیکو که آنرا نیز از وی دانسته اند . و بحکایت دیگر ، سقراطیس که معنایش نگهدار تندرستی است از مردم آتنه ، و زاهد و خطیب ، و حکیم بوده . و برای مخالفتش با یونانیان بقتل رسیده ، و سرگذشت آن معروفست و پادشاهی

۱ - فلاسفه سبعا ، یا حکماء سبعا بگروهی از فلاسفه اطلاق میشود که در قرن ششم قبل از میلاد بودند .

اولی -	Bias de priene	بیاس دپریین .
دومی -	Chilons de lasdémone	شیلن دلآسه دمون
سومی -	Cleobule de lindos	کلبول دولیندوز
چهارمی	Periander de corinthe	پریاندر دو کورینت .
پنجمی -	Pittacos de mityline	پتیاگوس دو میتیلین .
ششمی -	Solon d'athenes	سولن داتن .
هفتمی -	Thalis de Milet	تالس دوملیت (راك). لاروس فرانسه ، زیر

۲ - ف (لم یدرؤا) ش (لم یدون) .

کلمه Sage (Sage)

که در کشتن او مداخله داشت ارتخاست بود^۱ و افلاطون از اصحاب او بشمار میرفت ، و بنوشته اسحاق بن حنین مدت زندگانی سقراط باندازه زندگانی افلاطون بود ، و در جای دیگر گوید ، افلاطون هشتاد سال زندگانی نمود.

افلاطون

از کتاب فلوطرخس

افلاطون پسر ارستن ، و معنایش فسیح^۲ است. ثاون نام پدرش را اسطون دانسته و گوید که وی از اشراف یونان بشمار میرفت ، و در اوائل عمرش بشعر تمایلی داشته ، و هنرمندی زیادی در آن پیدا کرد .

و پس از آنکه بمجلس سقراط درآمده ، و عیب جوئی او را از شعر دید ، دست از شعر برداشت و پیر و نظریه فیثاغورس در اشیاء معقوله گردیده ، و چنانکه گویند ، هشتاد و یکسال زندگانی نمود، و ارسطو شاگرد او بود ، و از وی آموخته ، و جانشین او گردید .

اسحاق گوید: افلاطون از بقراط آموخته ، و در سال تولد اسکندر ، وفات یافت، که سیزدهمین سال پادشاهی لائوخوس^۳ بود. و ارسطو جانشین او گردید ، و در آن زمان پادشاه

۱- عبارت متن عربی چنین است ، وكان الملك الذي تولى قتله ارتخاست . و معلوم نیست که ابن ندیم در این بیان چه منظوری داشته ، زیرا ارتخاست همان پادشاه ایرانست که در تاریخ باستانی بنام (ارت خستره Artexerexes) پادشاه هخامنشی آمده و این اردشیر که بدر از دست معروف بود در سال ۴۲۴ قبل از مسیح در گذشت و سقراط در سال ۴۰۰ و بقولی ۳۹۹ ق.م کشته شد ، و اگر بگوییم مراد ابن ندیم اردشیر دوم است که در سال ۴۰۴ بتخت سلطنت نشسته و تا سال ۳۶۲- یا ۳۶۰ ق.م حکومت داشته و همزمان با قتل سقراط بود این اشکال پیش آید که در آن زمان یونان تحت سلطه ایران نبود تا اردشیر را در قتل او مداخله باشد (ر . ک . لغتنامه دهخدا . و کتاب زندگانی سقراط بزیان فرانسه تألیف آندره کرسون چاپ پاریس) .

۲- فسیح- گشاده و فراخ (منتهی الارب).

۳- لائوخوس اردشیر سوم است که نامش اوخس بود و تصور میکنند یونانی شده هوك است و او پس از آنکه بتخت نشست خود را اردشیر و در ۳۵۹-۳۵۸ ق.م بتخت سلطنت نشسته و در ۳۳۸ ق.م وفات یافت (لغتنامه دهخدا زیر اردشیر سوم) .

مقدونیه فیلیپس پدر اسکندر بود و بنوشته اسحاق ، افلاطون هشتاد سال زندگانی نمود.

تالیفات افلاطون از روی ترتیبی

که ناون ذکر نموده

کتاب السياسة - بترجمه حنین بن اسحاق . کتاب النوامیس - بترجمه حنین ، و یحیی بن عدی .

ناون گوید : افلاطون کتابهایش را از قول دیگران نقل کرده ، و هر کتابی را بنام آن کسی نامید که برای او تألیف کرد. بدینگونه: قول سماه تا اجیس - در فلسفه. قول سماه لاکس - در شجاعت. قول سماه ارسطو - در فلسفه. قول سماه خرمیدس - در عقاب. قول سماه القیبیادس - در زیبایی . قول سماه اوتودیمس . قول سماه غورجیاس . قول سماه افیا . قول سماه اوین . قول سماه فروطاغورس . قول سماه اوثوفرن . قول سماه قرطن . قول سماه فاذن . قول سماه تا اطاس . قول سماه فیلوطفون . قول سماه قراطولس . قول سماه سوفطس . و بنوشته یحیی بن عدی دیدم که اسحاق ، سوفطس بتفسیر امقیدورس را ترجمه کرده است . قول سماه طیماوس - که یحیی بن عدی اصلاحاتی در آن دارد . قول سماه فرمانیدس - که جالینوس مجموعه از آن دارد . قول سماه فدرس . قول سماه مانن . قول سماه مینس . قول سماه ابرخس . قول سماه مانکسانس . قول سماه اطلیطقوس .

گذشته از آنچه که ناون ذکر نموده ، من نیز این کتابها را دیده ام ، و شخص موثقی هم بمن گفت که آنها را دیده است . کتاب طیماوس - سه مقاله - بترجمه ابن بطریق ، و حنین بن اسحاق ، و یا حنین ترجمه ابن بطریق را اصلاح کرده است . کتاب المناسبات . و بنوشته یحیی بن عدی . کتاب فلاطن الی اقرطن فی النوامیس . و باز بنوشته یحیی بن عدی . کتاب التوحید و قوله فی النفس والعقل والجوهر والمرض . کتاب الحس واللذة - یکمقاله . کتاب طیماوس - که فلوطرخس بر آن سخنانی دارد ، و بنوشته یحیی . کتاب سطس - ترجمه مسیو دریوس - همچنین بنوشته یحیی . کتاب تأدیبات الاحداث . و رساله های دیگر هم دارد که در دسترس همه است . ناون گوید: افلاطون برای خواندن کتابهایش ترتیبی داده بود، باین معنی هر چهار کتاب را برای يك مرتبه ، که آنرا چهار چهار مینامند، و اسحاق راهب گوید : در دوران ارطخاشت

معروف بدراز دست افلاطون مشهور و معروف گردید .

محمد بن اسحاق گوید : این ارطخاست پادشاه ایران بود ، و با افلاطون هیچگونه رابطه نداشته ، و همان گشتاسب شاه است که زردشت بسوی او رفت^۲ . کتاب فلاطن اصول الهندسه - ترجمه مطا^۳ .

اخبار ارسطو^۴

معنای ارسطو دوستدار حکمت است . و او را فاضل کامل ، و التام الفاضل نیز می‌گفتند وی پسر نیکوماخس پسر ماخاون^۵ ، و از فرزندان اسقلبیادس ، مخترع طب برای یونانیانست و این را بطلمیوس غریب نوشته ، و گوید مادر ارسطو ، افسیطیا بود که با اسقلبیادس میرسید . ارسطو از مردم اسطاغاریا^۶ بود ، که شهر یونانی است . و پدرش نیکوماخس پزشک فیلیپس پدر اسکندر بود ، و خود او از شاگردان افلاطون بشمار میرفت ، و بگفته بطلمیوس ایمان او با افلاطون در اثر الهامیت که خداوند در معبد بوئیون باو نمود . ارسطو بیست سال بآموختن اشتغال داشت و در غیاب افلاطون و زمان رفتنش بسقلیه^۷ جانین

۱- ارطخاست دراز دست همان اردشیر اول (ارتخستره) است که در سال ۴۲۴ ق.م در گذشت و با در نظر گرفتن تاریخ ولادت افلاطون که در سال ۴۲۹ ق.م بوده سستی این گفتار آشکار میشود (ر.ک. تاریخ ایران باستان ج ۲ ص ۹۵۱ - و تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی ج ۱-ص ۹۲) .

۲- این قسمت از گفته ابن ندیم در عدم ارتباط پادشاه ایران (اردشیر اول) با افلاطون صحیح است زیرا بطوریکه اشاره شد دوره زندگانی این دو نفر مختلف است . ولی اینکه گوید: او (یعنی اردشیر اول) همان پستاسب یا گشتاسب میباشد که زردشت بسوی او رفت صحیح بنظر نمی‌آید ، زیرا اولاً اردشیر اول از هخامنشیان بوده و گشتاسب از سلسله کیان است ، ثانیاً قدر مسلم در نظر مورخان ، ظهور زردشت در قرن شش قبل از میلاد بوده ، و اردشیر اول در اوائل قرن پنجم قبل از میلاد وفات یافته ، و بمقیده استاد دکتر معین . ممکن است این اشتباه از اینجا پیدا شده باشد که بهمن پسر اسفندیار پسر گشتاسب را نیز دراز دست می‌گفتند (ر.ک. گاتها ص ۲۶-۲۹ . و مزدیسنا ص ۷۶-۱۶۷) .

۳- ف (قسطا) .

۴- در متن عربی ارسطالیس است ولی چون - ارسطو - بیشتر در زبانها متداول است ما درهمه جا بذکر این نام اکتفا کردیم .

۵- ش (ماخازن)

۶- اسطاغاریا - Stagire از شهرهای مقدونیه و وطن ارسطوست (اعلام لاروس) .

۷- سقلیه - Sicile جزیره بزرگیت در دریای مغرب - مقابل افریقا (ر.ک. معجم

البلدان) .

او در دارالتعلیم بوده ، و گویند ، در سی سالگی بفلسفه پرداخت و از بلغاء و مترسلان ، و بزرگان دانشمندان یونان بعد از افلاطون ، و سائر علماء گذشته بشمار میرفت ، و در فلسفه مرتبتی بلند ، و در نزد پادشاهان مقام و منزلتی ارجمند پیدا کرد ، اسکندر کارهایش را بنظر و صوابدید او انجام میداد . و نامه‌هایی در سیاست و جز آن با اسکندر نوشته است ، که از آن جمله رساله در سیاست است که چنین آغاز میشود : اما شگفتی از مناقب ، و بزرگواریت ، برای تواتری که دارد ، از میان رفته . و مانند چیزهای قدیمی شده ، که مردم بآن خو گرفته ، و تازگی شگفتی بخشی ندارد ، و تو مصداق این مثل همگانی هستی ، که ستایشگرانت در غو نیستند . و در همین رساله دارد - اگر سختیها ، و دشواریها مردم را بستوه آورد . برای چاره جوئی بجنب وجوش در آیند ، ولی همینکه ، آسایش و راحتی یابند ، حرص و آرزوی بیشتری پیدا نمایند ، و پرده شرم و حیا را از رخساره بردارند ، و از این جهت وقتیکه در آسایش و راحتی غنوده اند بی اندازه نیازمند بنظم و آئین باشند . و باز گوید : بیایید و هم پیمان شوید که ، دشمنان را بیازارید ، و پشیمان شدگان را ببخشید ، و با اعتراف کنندگان مهربان باشید ، و با دسیسه کار بد رفتاری کنید ، و سرکشان را بجان هم اندازید ، و حسودان را بخشم در آورید ، و با ابلها بردبار ، و با تندروان با وقار باشید . فتنه جویان را کوچک شمرد ، و از بدگویان دوری جوئید . کارهای پیچیده را بوقت دیگر گذارید ، و در کارهای روشن عزم و تصمیم بکاربرید ، و کارهای مشکل را مورد گفتگو و مباحثه قرار دهید . از اینها که بگذریم ، در مصاحبت با پادشاهان ، راز دار ، و راهنما ، و ستایشگر ، و ملازم خدمت باشید ، که شاهان ستایش را شایسته خود ، و بردگی را برای مردم پسندیده دارند .

این سخنان با اینکه از زبانی بزبان دیگر در آمده در منتهی درجه حکمت و بلاغت ، و پراز معانی نغز بوده چه رسد باینکه از زبان گوینده اش شنیده شود .

گویند پس از مرگ فیلیپس ، اسکندر پادشاهی رسید . و همینکه بجنک و ستیزه با سائر ملل برخواست ، ارسطو از وی کناره گیری نموده ، و روی بخدا آورده ، و بآتنه رفته و در آنجا دارالتعلیم را ساخت . و آن جایی است که فلاسفه مشائیین^۲ بآن نسبت داده میشوند و بنای رسیدگی بمصالح مردم ، و دستگیری از بیچارگان را گذاشته ، و شهری در اسطاغریا ساخته ، و سرگذشتهای زیادی دارد که ماسمه از آن را ذکر نمودیم ، وفات ارسطو را در سن شصت و شش سالگی ، در اواخر دوره اسکندر ، گفته اند ، و بقولی وفاتش در آغاز

۱- ف (بالاذن) ش (بالاذی) .

۲- مشائیین - عنوان شاگردان ارسطو میباشد ، چون ارسطو هنگام درس راه میرفت (لغتنامه دهخدا) .

پادشاهی بطلمیوس لاغوس بوده ، و ثاوفرسطس ، پسرخواهرش ، جانشین او در دارالتعلیم گردید .

وصیت ارسطو

غریب گوید^۱، ارسطو هنگام وفات گفت : وصی دائمی من در تمام آنچه از من باقی بماند ، انطیطرس است. و تا زمانی که نیکانر بیاید ، ارسطومانس، و طیمرخس، و ایفرخس، و ذیوطالس ، اید بکارهایی که احتیاج برسدگی دارد ، اهتمام ورزند و چنانکه شاید و باید در امور خانواده من ، و اربلیس خدمتکار من ، و سائر کنیزان و بردگان ، و هر چه که بجا گذاشته ام ، بذل عنایت نمایند ، و اگر برای ثاوفرسطس ممکن باشد که با آنان همکاری نماید دریغ نداشته باشد، و همینکه دخترم بسن رشد رسید ، نیکانر باید سرپرست کارهای او باشد. و اگر مرگ او را ربود خواه شوهر کرده و یا نکرده باشد ، و فرزندی هم از او بجا نمانده باشد سرپرستی و رسیدگی بکارهای پسر من نیکومانس، با نیکانراست ، و در این باره وصیت من با او این است، که کارها را مطابق میل خود ، و بطوریکه شایسته اوست ، انجام دهد . و اگر پیش از ازدواج با دخترم، و یا پس از ازدواج با او نداشتن فرزندی از وی نیکانر از دنیا رفت، و در کارهای مربوط بمن وصیتی کرد، آن وصیت نافذ و مجراست . و اگر بدون وصیت از دنیا رفت، و برای ثاوفرسطس امکان داشت که جانشین او گردد، کارهای پسر من ، و سائر باقیماندگان من با او بوده ، و اگر نخواسته باشد ، اوصیائی که نام بردم باید در آن کارها با انطیطرس مشورت نموده ، و هر چه را که باتفاق رأی دهند ، درباره بازماندگان من عمل نمایند . و اوصیا. و نیکانر باید نسبت باربلیس خواسته‌های مرا در نظر گیرند ، چه او بر من ذیحق بوده، و میدیدم که چگونه در خدمتگذاری بمن اهتمام دارد ، و کارها را موافق میل قلبی و شادمانی من انجام دهد. از این جهت سعی کنند که نیازمندیهایش را برآورده دارند، و اگر خواست شوهر نماید ، جز ببرد قاضل و دانشمندی او را ندهند، و با او بجز آنچه که دارد، يك طالنتن^۲ نقره ، که یکصد و بیست و پنج رطل^۳ است ، با سه کنیزکی با انتخاب خود او با کنیز و غلامی که دارد ، با او بدهند، و اگر دوست داشته باشد که در خلق پس اقامت نماید ، خانه

۱ - ظاهراً مراد بطلمیوس غریب است .

۲ - طالنتن - Talantune - وزن قدیم است که در یونان برای طلا و نقره بکار

میرفت (لاروس) .

۳ - رطل - معادل دوازده اوقیه است (اقرب العوارید) .

من که دارالضیافه و کنارباغ است از او بوده ، و اگر خواست در شهر اسطانغریا زندگانی کند ، خانه‌های پدران من در اختیار اوست، و هر خانه‌را که پسندید اوصیا باید تمام نیازمندیهای را که او اظهار میدارد برایش انجام دهند .

اما درباره خانواده و فرزندانم ، من لازم نمیدانم تذکری درباره نگاهداری از آنها باوصیا ، بدهم . و نیتانر باید اهتمام ورزد که برده من مرقس را ، با هرچه دارد ، و بکیفیتی که مایل است شهرش بازگرداند . و کنیزك من، اما رقیس را آزاد کنند. و اگر پس از آزادی بخواهد در خدمت دختر من باشد ، تا زمانیکه شوهر اختیار کند ، پانصد درخم^۱ با همان کنیزکی که از خود اوست باو بدهند و بتالیس ، همان دخترکی که بتازگی بملکیت ما در آمده ، یکی از بردگان مارا با هزار درخم بدهند . و بیسیس بهای يك برده داده شود که برای خود خریداری نماید ، سوای آن برده که بهایش بوی داده شده بود و بجزاینها نیز اوصیاء چیزهایی را بوی ارزانی دارند، و همینکه دخترم ازدواج کرد، بردگان من، تاجن، وفیلن، و اولمبیوس^۲ باید آزاد شوند، پس اولمبیوس^۳ نباید فروخته شود. و هیچیک از پسر بیچکانی که در خدمت من بودند نباید فروخته شوند . بلکه در سر خدمت باشند تا زمانیکه پیایه مردان بزرگ برسند ، و همینکه بان پایه رسیدند . باید آزاد شوند ، و بهریك بتناسب شایستگی و استحقاقی که دارد . چیزی داده شود . انشاالله . و یکفته و نوشته اسحاق ، ارسطو شصت و هفت سال زندگانی نمود .

ترتیب کتابهای او در منطقیات

و طبیعیات، و الهیات و خلقیات

سخن درباره منطقیات او که هشت کتاب است

قاطیفوریاس^۴ یعنی مقولات ، با: ی ارمانیاس^۵ یعنی عبارت . انالوطیقا^۶ یعنی تحلیل - القیاس . ابود قطیقا^۷ که انالوطیقای دوم، و بمعنی برهان است . طویبقا^۸ بمعنی جدل . سوفطیقا^۹

۱- در اخم - یاد رهم - کلمه یونانی و پنجاه دانیق است (المنجد) .

۲-۳- ف (اربلیس) و در تعلیقات فلوکل-اولمبیوس .

۴- Catégories - ۵- Parihermenias

۶- Analytica-Priora

۷- Apodictique - یا - Analytica-posteriora

۸- Topica - ۹- Sophistica

بمعنای مغالطه. ریطوريقا^۱ بمعنای خطابه. ابوطيقا^۲ که بآن بوطيقا نیز گویند، و بمعنای شعراست.

سخن درباره قاطیغوریاس

بترجمه حنین بن اسحاق

کسانیکه آنرا شرح و تفسیر کرده‌اند: فرفورئوس، اصطفن اسکندرانی، لینس، یحیی نحوی، تامسطیوس، امونیوس، تاو فرسطس، سنبلیقوس، و ثاون نامی، بسریانی و عربی که از تفسیر سنبلیقوس اضافاتی بر آن دارد. و از تفسیرهای شکفت انگیز قطعه‌ایست که با مبلخس نسبت داده‌اند، و شیخ ابوزکریا گوید، که احتمال می‌رود آن را بنام املیخس جعل کرده باشند، زیرا در ضمن گفته‌های اسکندر چنین چیز را دیده‌ام، و شیخ ابوسلیمان گوید: ابوزکریا در صدد ترجمه آن کتاب بتفسیر اسکندر افرودیسی بود که در حدود سیمدورقت، و از کسانیکه این کتاب را تفسیر کرده‌اند، ابونصر فارابی، و ابوبشر متی هستند، و از این کتاب خلاصه‌ها و مجموعه‌های مشجر و غیر مشجر از گروهی مانند، ابن مقفع، و ابن بهرئز، و کندی، و اسحاق بن حنین، و احمد بن طیب، و رازی است.

سخن درباره باری ارهینیاس

حنین آنرا بسریانی، و اسحاق اصل آنرا بعبری ترجمه نمود. مفسران آن: اسکندر، که تفسیرش نایاب است، یحیی نحوی، املیخس، فرفورئوس، و مجموعه‌های اصطفن، تفسیر چالینوس که غریب و نایاب بوده^۳ و قویری، و متی ابوبشر، و فارابی، و تاو فرسطس، و کسانیکه آنرا مختصر کردند: حنین است، و اسحاق، و ابن مقفع، و کندی، و ابن بهرئز، و ثابت بن قره، و احمد بن طیب، و رازی.

سخن درباره انالوطیقای اول

تیادورس آنرا بعبری ترجمه کرده، و گویند آنرا بحنین عرضه داشت که اصلاح نماید، و حنین يك قطعه از آنرا بسریانی در آورد، و اسحاق بقیه آنرا بسریانی در آورد.

مفسران آن : اسکندر و تفسیر دارد . تا اشکال حملیه^۱ که یکی از دیگری بهتر بوده . و ثامسطیوس تمام آن دو مقاله را در سه مقاله تفسیر نمود . و یحیی نحوی آنرا تا اشکال حملیه^۲ تفسیر نمود و قویری نیز آنرا تا سه مقاله و ابو بشر متی دو مقاله تمام را تفسیر کرده است ، و کندی نیز تفسیری از این کتاب دارد .

سخن در باره ابود قطیقا که

انالوطیقای دوم است

قسمتی از دو مقاله آنرا حنین بسریانی ترجمه کرده ، و اسحاق همه را بسریانی در آورد ، و متی ترجمه اسحاق را بمری بی برگردانید . مفسران آن : ثامسطیوس شرحی بر تمام این کتاب دارد . و اسکندر شرحی بر آن دارد که نایابست . و یحیی نحوی نیز آنرا شرح کرده ، و ابو یحیی مروزی که متی این کتاب را بر او قرائت داشته بود سخنانی در آن دارد . و ابو بشر متی ، و فارابی ، و کندی نیز شرحی بر آن دارند .

سخن در باره طویقا

اسحاق از این کتاب ترجمه بسریانی دارد ، و یحیی بن عدی ترجمه او را بمری بی در آورد دمشق هفت مقاله از آنرا ترجمه کرده ، و مقاله هشتم آنرا ابراهیم بن عبدالله ترجمه کرده ، و از ترجمه های قدیم نیز گاهی بدست آید . مفسران آن : یحیی بن عدی در مقدمه ترجمه که بر این کتاب دارد ، گوید : من تفسیری از گذشتگان بر این کتاب نیافتم ، جز تفسیر اسکندر از قسمتی از مقاله اول ، و مقاله پنجم ، و ششم ، و هفتم ، و هشتم . و تفسیر امونیوس از مقاله اول ، دوم ، سوم ، و چهارم . و در تفسیر خود اتکاء بچیزهایی داشتم که از تفسیر اسکندر ، و امونیوس فهمیده بودم . و عبارت مترجمان این دو تفسیر را هم اصلاح کرده ام . و تفسیر یحیی از این کتاب در حدود هزار ورق است .

و بگفته دیگری جز یحیی : امونیوس چهار مقاله اول را شرح کرده ، و اسکندر چهار مقاله آخری را شرح نموده تا دوازدهمین موضع از مقاله هشتم . و ثامسطیوس باقی مواضعها را شرح کرده است . فارابی هم تفسیری از این کتاب ، و هم خلاصه از آن دارد . و متی مقاله اول را تفسیر نموده ، و اسحاق مقدار براه که امونیوس و اسکندر تفسیر نموده اند ترجمه کرده ، و ابو عثمان دمشقی نیز ترجمه از این کتاب دارد .

۱-۲ - در متن فلوکل - الاشکال الجملیه است ولی صحیح آن - الاشکال الجملیه - است که از مصطلحات علم منطق است ، در (ش) نیز - الاشکال الجملیه - است (ر. ک.) تاریخ الحکماء قفلی ص ۳۶ -

سخن درباره سوفسطیقا

بمعنی حکمت ممو^۱ه

ابن ناعمه ، ومتی آنرا بسریانی گردانیده ، ویحیی بن عدی از تیوفیلی^۲ بعربی ترجمه کرده است. مفسران آن: قویری تفسیری بر این کتاب دارد. و ابراهیم بن بکوس عشاری از راه اصلاح ترجمه عربی ابن ناعمه، ترجمه از آن بعربی درآورد. و کندی نیز این کتاب را تفسیر کرده ، و گفته اند که در موصل تفسیر اسکندر از این کتاب دیده شده است .

سخن درباره ریطوریکا

یعنی خطابه

یک ترجمه قدیمی از آن بدست آمد که گویند اسحاق آنرا بعربی درآورد ، و ابراهیم بن عبدالله آنرا ترجمه کرده ، و ابونصر فارابی تفسیری بر آن دارد ، و نوشته از احمد بن طیب دیده ام که ترجمه قدیمی این کتاب در حدود یکصد ورق است .

سخن درباره ابوطیقا

یعنی شعر

ابو بشر متی آنرا از سریانی بعربی نقل کرد . و یحیی بن عدی ترجمه از آن دارد ، که گویند متضمن سخنانی از تاسطیوس نیز میباشد ، و بقولی آن را بتاسطیوس بسته اند. و از این کتاب کندی مختصری درآورده است .

سخن درباره کتاب السماع الطبعی

بتفسیر اسکندر

در هشت مقاله

محمد بن اسحاق گوید : آنچه از تفسیر اسکندر افرویدی موجود است ، مقاله اول

۱ - مموه - چیز منشوش و ناراست (فرهنگ نفیسی)
 ۲ - تیوفیلی ظاهراً منسوب بتیوفیلی مترجم باشد که نامش در اسامی مترجمان ذکر شده است .

از قصه^۱ گفتار ارسطو در دو مقاله است و مقاله اول ، و پاره از مقاله دوم موجود است که ابوروح صابی آنرا ترجمه کرده ، و یحیی بن عدی آن ترجمه را اصلاح نموده است ، و مقاله دوم از قصه^۲ گفتار ارسطو را در يك مقاله تفسیر کرده ، که حنین آنرا از یونانی بسریانی در آورد ، و یحیی بن عدی بمری ترجمه نمود . و شرح مقاله سوم از قصه گفتار ارسطو پیدا نمیشود . اما مقاله چهارم را ، در سه مقاله تفسیر کرد ، که مقاله اول و دوم و قسمتی از مقاله سوم آن تا - الکلام فی الزمان ، موجود بوده ، و قسطا آن را ترجمه کرده ، ولی ترجمه که ظاهراً موجود است ، ترجمه دمشقی است . و مقاله پنجم از گفتار ارسطو را در يك مقاله تفسیر کرده ، که قسطا بن لوقا ترجمه از آن دارد . و مقاله ششم را در يك مقاله تفسیر کرده ، و قسطا آنرا ترجمه نموده ، و مقاله هشتم در يك مقاله تفسیر کرده ، که چند ورقی از آن موجود است .

سخن درباره کتاب السماع الطبيعي

بتفسیر یحیی نحوی اسکندرانی

محمد بن اسحاق گوید : ترجمه که قسطا از این کتاب نموده تعالیم آن بوده ، و ترجمه عبدالملک بن ناعمه ، غیر از تعالیم است . و ترجمه قسطا نیمی از کتاب است . که چهارمقاله بوده ، و نیم دیگر آن ، که چهارمقاله است بترجمه ابن ناعمه میباشد .

سخن درباره السماع الطبيعي

بترجمه گروهی از فلاسفه که متفرقند

تفسیر مقاله اول ، و دوم و سوم و چهارم آن از طرف فرفورئوس ، موجود است ، که بسیل آن را ترجمه نموده ، و ابوبشر متی تفسیری از تفسیر ثامسطیوس از این کتاب بسریانی دارد ، که قسمتی از مقاله اول آن بسریانی موجود است . و ابو احمد بن کرنیب قسمتی از مقاله اول ، و قسمتی از مقاله چهارم را ، تا - الکلام فی الزمان - تفسیر کرده ، و ثابت بن قره قسمتی از مقاله اول را تفسیر کرده ، و ابراهیم بن صلت از مقاله اول این کتاب ترجمه دارد ، که من آنرا بخط یحیی بن عدی دیده ام .

وابوالفرج قدامة بن جعفر نیز قسمتی از مقاله اول سماع طبیعی را تفسیر کرده است .

سخن در باره کتاب السماء والعالم

این کتاب در چهار مقاله است ، و ابن بطریق آنرا ترجمه : وحنین اصلاح کرده است . ابوبشر متی بخشی از مقاله اول را ترجمه کرده ، و اسکندر افرویدیسی بخشی از مقاله اول را شرح نموده ، و ثامسطیوس شرحی از تمام کتاب دارد ، که یحیی بن عدی آنرا ترجمه یا اصلاح نموده است . حنین نیز در این باره چیزی دارد که همان مسائل شانزدگانه است . و ابوزید بلخی مقدمه این کتاب را برای ابوجعفر حارث^۱ شرح کرده است .

سخن در باره کتاب الكون والفساد

حنین آنرا بسریانی ، و اسحاق . و دمشقی آنرا بعربی برگردانیده ، و گفته اند ابن بکوس نیز ترجمه از آن دارد . اسکندر تمام این کتاب را شرح کرده ، و متی آنرا ترجمه نموده ، و قسطا مقاله اول آن را ترجمه نموده است . امقیدورس شرحی بر این کتاب دارد که اسطاط ترجمه کرده ، و متی ابوبشر ترجمه از آن دارد که ابوزکریا هنگام نظر آنرا اصلاح کرده است . و در این اواخر ، شرحی از ثامسطیوس بر کتاب کون و فساد بدست آمد که یکی بزرك و یکی کوچک است ، و یحیی نحوی شرحی بر تمام کتاب کون و فساد دارد که عربی آن در خوبی پپای سریانی نمیرسد .

سخن درباره کتاب الاثار العلویه

امقیدورس شرح بزرگی بر آن دارد ، که ابوبشر متی^۲ آنرا ترجمه نموده ، و طبری تعلیقاتی از طرف متی بر آن دارد . و اسکندر آن را شرح کرده که بعربی ترجمه شده و بسریانی ترجمه نشده و پس از اینها یحیی بن عدی آنرا از سریانی بعربی ترجمه کرده است .

۲- ش (الطبری) .

۱- ف (الخازن) .

سخن درباره کتاب النفس

این کتاب در سه مقاله است . و چنین تمام آنرا بسریانی درآورد ، و اسحاق آنرا ترجمه نمود ، جز مقدار کمی را ، بعد تمام آنرا در نهایت خوبی ترجمه کرد . و ثامسطیوس تمام این کتاب را شرح کرده ، که اولی در دو مقاله ، و دومی در دو مقاله ، و سومی در سه مقاله است .

و بخط یحیی بن عدی خواندم که امقیدورس یک شرح سریانی بر آن دارد ، و يك شرح بسیار خوبی نیز هست که آنرا بسنبلیقوس نسبت میدهند ، که بسریانی بوده ، و برای اثناوالیس شرح کرده است . و عربی آن نیز پیدا میشود . اسکندرانیان^۱ از این کتاب خلاصه دارند که در حدود یکصد ورق است . و این بطریق مجموعه از این کتاب درآورد و اسحاق گوید : من این کتاب را از نسخه بسیار بد خطی بعربی ترجمه کردم ، و پس از سی سال يك نسخه بسیار خوبی بدست آوردم که ترجمه اولی را با آن مقابله نمودم ، که همین شرح ثامسطیوس بود .

سخن درباره کتاب الحس والمحسوس

این کتاب در دو مقاله است . و ترجمه قابل اعتمادی از آن بدست نیامده ، و کسی هم ، بودن چنین ترجمه را ذکر نکرده ، و همینقدر گفته اند که طبری تعلیقات کمی از طرف ابوبشر متی بن یونس بر آن دارد .

سخن درباره کتاب الحیوان

این کتاب در نوزده مقاله است که این بطریق ترجمه نموده ، و ترجمه سریانی آن گاهی پیدا میشود که بهتر از ترجمه عربی است . و بخط یحیی بن عدی در فهرست کتابهایش خواندم که این کتاب مجموعه هائی از قدیم دارد ، و نبقولاوس نیز آنرا خلاصه کرده است . ابوعلی بن زرعه شروع بترجمه و تصحیح آن بعربی نموده است .

سخن درباره کتاب الحروف

معروف بالاهیات

این کتاب بترتیب حروف یونانیان ، و اولی الف کوچک است . و اسحاق آنرا ترجمه

۱- اسکندرانیان بعلماء حوزه علمی اسکندریه اطلاق میشود (ر.ک. تاریخ علوم عقلی و تمدن اسلامی ص ۱-۸) .

کرد و تا حرف مو-۱- از آن موجود بوده، و ابوزکریا یحیی بن عدی ترجمه نموده است. و حرف نو-۲- در زبان یونانی بتفسیر اسکندر یافت میشود و تمام این حروف را اسطاث برای کندی ترجمه نموده، و سرگذشتی هم دارد. ابوبشر متی مقاله ل- بتفسیر اسکندر را- که یازدهمین حرف است. بعربی در آورده. و حنین بن اسحاق نیز آنرا بسریانی گردانیده، و ثامسطیوس تفسیری از مقاله ل- دارد، که ابوبشر متی آنرا ترجمه نمود، و شملی نیز ترجمه از آن دارد. و اسحاق بن حنین، چندین مقاله آنرا ترجمه کرده، و سوریانوس، مقاله ب- را، ترجمه نموده، و عربی آن در دست است. و من این را بخط یحیی بن عدی در فهرست کتابهایش دیده‌ام. و از کتابهای ارسطو، که یحیی بن عدی در فهرست کتابهایش ذکر کرده: کتاب الاخلاق - بتفسیر فرفورئوس، دوازده مقاله. بترجمه اسحاق بن حنین است. و نزد ابوزکریا چندین مقاله بتفسیر ثامسطیوس، بخط اسحاق بن حنین بود. که سریانی آن در دست است. کتاب المرآة - ترجمه حجاج بن مطر - کتاب اثولوجیا^۳، و آنرا کندی تفسیر کرده است.

ثاوفرستس

یکی از شاگردان، و پسرخواهر ارسطو، و از اوصیائی بود که ارسطو برگزیده و در دارالتعلیم پس از وفات ارسطو جانشین وی گردیده، و این کتابها از اوست: کتاب النفس - یکمقاله. کتاب الانار العلویه - یکمقاله. کتاب الادب - یکمقاله. کتاب الحسن والمحسوس - چهارمقاله. و ابراهیم بن بکوس، آنرا ترجمه نمود. کتاب ما بعد الطبیعه - یکمقاله، بترجمه ابوزکریا یحیی بن عدی. کتاب اسباب النبات - بترجمه ابراهیم بن بکوس. و تفسیر بخشی از مقاله اول آن بدست آمده. و باو نسبت داده اند که کتاب قاطینوریاس را نیز تفسیر کرده است.

دید و خس بر قلس افلاطونی

از مردم اطاطریه^۴ و یحیی نحوی در مقاله اول از ردی که بر او دارد گوید: او در

۱-۲- حروف یونانی است. ۳- Theologie - ربوبیت.

۴- در کتاب تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی تألیف استاد دکتر صفا دید حس، بیزنطی

از مردم لیکه ذکر شده است (ر.ک. کتاب تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی ص ۱۰۱).

دوره دقلطیانوس قبطی، بلکه در آغاز سیصدمین سال پادشاهی او، زندگانی میکرد، و صحیح هم همین است^۱.

کتاب حدود اوائل الطبيعيات. کتاب الثمانیه عشر مسئله، و یحیی نحوی ردی بر آن دارد. کتاب شرح قول فلاطن ان النفس غیرمائه^۲ سه مقاله. کتاب الثالوجیا یعنی ربوبیت. کتاب تفسیر و سایا فیثاغورس الذهبیه - در حدود یکصد ورق، و سریانی آن، که برای دخترش تألیف کرده بود یافت میشود، و ثابت سه ورق از آن را ترجمه کرده بود که از دنیا رفت و ناتمام ماند. کتاب الجواهر العالیه - یکمقاله. کتاب برقلس فی الشعر مسائل^۳، و برقلس را دیادوخس، یعنی عقیب افلاطن نامند. کتاب الحیز الاول. کتاب المسائل الشعر المعضلات. کتاب الجزء الذی لا یتجزی. کتاب فی المثل الذی قاله فلاطن فی کتابه المسمی غورغیاس - در سریانی است. کتاب تفسیر المقالة العاشرة فی السیر. که سریانی آن در دست است. کتاب برقلس الافلاطونی موسوم - بسطوخوسیس الصغری. کتاب برقلس فی تفسیر فادن فی النفس. سریانیست، و ابوعلی بن زرعه بخش کمی از آنرا به عربی در آورده است.

اسکندر افرویدی

در دوره ملوک الطوائفی، پس از اسکندر بود، و جالینوس را دیده و با او معاشرت داشته، و او را رأس البغل لقب داده، و در میان نشان کینه‌ها و ستیزه‌هایی بود، و ما کتابهایی را که او در شرح کتاب ارسطو داشت، ضمن اخبار ارسطو ذکر کرده‌ایم. ابوزکریا یحیی بن عدی گوید: من شرح اسکندر را بر تمام کتاب السماع، و کتاب البرهان، در میراث ابراهیم بن عبدالله ناقل نصرانی دیدم و هر دو را بیکصد و ده دینار بمن عرضه داشتند، من هم رفتم که برای یافتن آن دینارها شیوه بکار برم و همینکه برگشتم دیدم آنها را با کتابهای دیگر بیک مرد خراسانی به هزار دینار فروخته‌اند. و شخص دیگری غیر از او که مورد اعتماد است بمن گفت این دو کتاب در آستین جا میگرفت و قابل حمل بود.

ابوزکریا گوید: من از ابراهیم بن عبدالله خواهش کرده بودم که فص سوفسطیقا، و فص الخطابیه، و فص الشعر، ترجمه اسحاق را در پنجاه دینار بمن دهد، و او فروخت و هنگام مرگ آنها را در آتش انداخت. تألیفات اسکندر: کتاب النفس - یکمقاله. کتاب الرد علی جالینوس فی التمكن - یکمقاله. کتاب الاصول العامة - یکمقاله. کتاب عکس المقدمات -

۱- ف- این قسمت را ضمن رد یحیی نحوی بر کتاب الثمانیه عشر مسئله آورده است.
 ۲- ف- (غیرمائه) س- بی نقطه و در اخبار الکحماء قفطی- غیرمائه - است (ر. ک. اخبار الکحماء ص ۷۹).
 ۳- در ترجمه پس و پیشی در ذکر این کتاب شده است.

یکمقاله. کتاب مبادی الكل على رأى ارسطاليس. كتاب فى ان الموجود ليس مجنس للمقولات. العشر - (یکمقاله) كتاب العنايه - یکمقاله. كتاب الفرق بين الهبولى والجنس. كتاب الرد على من قال انه لا يكون شئى الامن شئى. كتاب فى ان الابصار لا يكون الا بشعاعات تنبث من العين والرد على من قال بانبثات الشعاع - یکمقاله. كتاب اللون - یکمقاله. كتاب الفصل على رأى ارسطاليس - یکمقاله. كتاب المال يخوليا - یکمقاله.

فر فور یوس

پس از اسکندر و پیش از امونیوس است، و از مردم شهر صور^۱، و بعد از جالینوس بود. و کتابهای ارسطو را - چنانکه در جای خود گفته ایم - تفسیر نموده، و جز آنها، این کتابها از اوست:

کتاب ایساغوجی فى المدخل الى الكتب المنطقية. كتاب المدخل الى القياسات الحملية. ترجمه ابو عثمان دمشقى. كتاب العقل والمقول - بترجمة از قدیم. کتابین له الى انا بوا^۲. كتاب الرد على نبحسوس^۳ فى العقل والمقول - هفت مقاله بسریانی. كتاب الاسطقات - یکمقاله بسریانی. كتاب اخبار الفلاسفة. ومقاله چهارم آنرا که بسریانی بود من دیده ام.

امونیوس

اسحاق بن حنین در تاریخ خود گوید: که او از فلاسفه بعد از جالینوس بود، و کتابهای ارسطو را شرح کرده، و ما در ضمن بیان کتابهای ارسطو بآن اشاره نمودیم. جز آنها، این کتابها نیز از اوست: کتاب شرح مذاهب ارسطاليس فى الصانع. كتاب فى اغراض ارسطاليس فى كتبه. كتاب حجة ارسطاليس فى التوحيد.

نامسطیوس

وی منشی و کاتب لیولیانس بود که بعد از جالینوس از نصرانیت بمنهپ فلاسفه برگشت و مادر بیان کتابهای ارسطو اشاره بشرحهای او از کتابهای ارسطو نمودیم، و این کتابها نیز از اوست: كتاب الى ليولانس فى التدبير. كتاب النفس - در دو مقاله. رسالة الى ليولانس الملك.

۱ - صور - شهر مشهوریست که مشرف ببحر الشام است و در دوران عمر بن خطاب فتح گردید (معجم البلدان) ۲ - ف (کتابان الى انا بوا) ۳ - ش (لیحسوس).

نیکولائوس

مفسر کتابهای ارسطو، که ما در جای خود تفسیرهای او را نیز ذکر نمودیم و جز آنها این کتابها نیز از اوست: کتاب فی جمل فلسفة ارسطاليس فی النفس - یکمقاله، کتاب النبات - چند مقاله از آن در دست است. کتاب الرد علی جاعل الفعل والمفعولات شيئاً واحداً. کتاب اختصار فلسفة ارسطاليس.

فلوטרخس

کتاب الاراء الطبيعية . مشتمل بر آراء فلاسفه در امور طبيعيات ، در پنج مقاله ، که قسطابن لوقا بعلبکی آنرا ترجمه کرده است . کتاب الی موریالیا فیما دله علیه من مداراة العدو والانتفاع به . کتاب الفضب . کتاب الرياضة - یکمقاله بسریانی . کتاب النفس .

امقیدورس

مفسر کتابهای ارسطو، بود و ما در جای خود اشاره بتفسیرهای او نموده ایم. و جز آنها از وی کتابی در موضوعات دیگر بدست نیاورده ایم .

دیافرطیس

بنوشته یحیی بن عدی : رسالته الی دیمقراطیس فی اثبات الصانع .

انافرو دیطوس - و کتابهایی که دارد

بخط یحیی بن عدی خوانده ام : کتاب تفسیر کلام ارسطاليس فی الهالة و قوس قزح - بترجمه ثابت بن قره .

فلوטרخس دیگر

و از کتابهای اوست : کتاب الانهار و خواصها وما فیها من العجائب والجبال وغير ذلك .

اخبار یحییٰ نحوی

یحییٰ شاگرد ساواری، و در بعضی از کلیساهای مصر اسقف بود، و مذهب نصرانیان یسوعی را داشت، و بعد از عقیده نصاری در تثلیث برگشت. کشیشان جمع شده و با وی بمناظره درآمدند، که بر آنها پیروز گردید، آنان از راه خواهش و تمنا پیش آمده، و از وی خواستند که از آن عقیده دست بردار و اظهاراتی نداشته باشد وی پایداری نموده، و از عقیده خود رجوع نکرد. و آنها هم ویرا برکنار کردند، زمانیکه عمروعاص مصر را گشود، در حیات بود^۱ و نزد عمروعاص رفت، و او گرامیش داشته و منزلتی برایش قائل گردید. و بر کتابهای ارسطو تفسیرهایی دارد که ما در جای خود ذکر کرده ایم. و بجز آنها، این کتابها نیز از اوست: کتاب الرد علی برقلس - هجده مقاله. کتاب فی ان کل جسم متناهی ققوته متناهیة - یکمقاله. کتاب الرد علی ارسطالیس - شش مقاله. کتاب تفسیر ما بال لارسطالیس العاشر - مقاله بردفیها علی نسطورس. کتاب بردفیها علی قوم لایعترفون - دو مقاله و مقاله هم در رد اشخاص دیگر. و بر کتابهای پزشکی جالینوس نیز تفسیرهایی دارد که ما در شرح حال جالینوس، بآنها اشاره خواهیم کرد.

یحییٰ نحوی در مقاله چهارم از تفسیریکه بر کتاب السماع الطبیعی دارد، در الکلام فی الزمان - مثالی آورده، و گوید: مانند همین سال ما، که سیصد و چهل سه دقلطیانوس قبلی است. و از این بیان چنین فهمیده میشود که فاصله میان ما و یحییٰ نحوی سیصد سال و اندی بوده، و ممکن است که در اوائل حیاتش باین تفسیر پرداخته زیرا در دوره عمروعاص حیات داشته است^۲.

نام فلاسفه طبیعیین

که زمان و مراتبشان مجهول است

ارسطان - مؤلف کتاب النفس. بیطوالس - مؤلف کتاب اسرار الطبیعه، در یکمقاله. طوریس، مؤلف. کتاب الرؤیا، در یکمقاله. ارطامبدورس صاحب کتاب الرؤیا - مؤلف کتاب

۱ - ش - در میان کلمه یحییٰ و نحوی بخط دیگر دارد (بن عدی).

۲ - زندگی یوحنا فیلوپونوس اسکندرانی که نزد مسلمین بیحییٰ نحوی اسکندرانی معروف شده، هنگام فتح مصر بدست سیاحیان عرب (۶۲۴ میلادی) مورد تردید است یحییٰ از شاگردان امونیوس سرهرمیاس (اواخر قرن پنجم) رئیس یکی از مدارس اسکندریه، و از افلاطونیون جدید بود، و در نیمه اول قرن ششم شهرت بسیار داشت. بنابراین زنده بودنش در اواسط قرن هفتم دور از عادت است. (بامختصر تفاوتی از تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی ص ۱۰۳ نقل شد).

۳ - ظاهراً ابن ندیم درباره حیات یحییٰ در دوره عمروعاص باین قسمت انگاه داشته است.

تفسیر الرؤیا ، در پنج مقاله ، مترجمه حنین بن اسحاق . فرفوربوس ، اسقف نوسا - مؤلف کتاب طبیعه الانسان . بطلمیوس غریب ، از مجیان ارسطو ، و ناشر محاسن او - مؤلف اخبار ارسطاليس و وفاته و مراتب کتب . ثاون - از طرفداران جدی افلاطون - مؤلف کتاب مراتب قرائة کتب فلاطون و اسماء ماصنفه . و در پشت يك کتابچه بخط بسیار قدیمی دیدم که نوشته بود : نام کتابهای فلاسفه را در منطق و سایر موضوعات فلسفی تفسیر کرده‌اند . ثاوفرستس . اودیمنس . ارمینس . یوانیوس . ایامیلخس . اسکندر . ثامسطیوس . فرفوربوس . سنبلیقس . سوریانوس . ما کسیمس . ارامیس . لوقیس . نیکسراطس . فلوطینس .

اخبار کندی

ابویوسف یعقوب بن اسحاق بن صباح بن عمران بن اسماعیل بن محمد بن اشعث بن قیس بن کندی بن معدیکرب بن معاویه بن جبلة بن عدی بن ربیعة بن معاویه بن حارث بن معاویه بن کنده ، و او ، ثور بن مرتع بن عدی بن حارث بن مرة بن ادبن زید بن همیسع بن زید بن کهلان بن سبابن یشجب بن یعرب : فاضل دهر ، و یگانه دوران خود در دانستن تمام علوم قدیمه بود . ویرا فیلسوف عرب میخواندند . و کتابهایی در علوم گوناگون ، چون منطق ، فلسفه ، هندسه ، حساب ، ارثماطیقی ، موسیقی ، نجوم ، و جز اینها ، دارد ، و مرد بسیار بخیل و باخاستی بود .

و اینکه ما او را پیوست بفلاسفه طبیعیین آورده‌ایم ، برای رعایت تقدم و موقعیت او در علم بوده ، و در اینجا تمام تصنیفات او را ذکر مینمائیم .

نام کتابهای او در فلسفه

کتاب الفلسفة الاولى فیما دون الطبيعيات والتوحيد . کتاب الفلسفة الداخلة والمسائل المنطقية والمعتماسة وما فوق الطبيعيات . کتاب رسالته فی انه لاتنال الفلسفة الا بعلم الرياضيات . کتاب الحث علی تعلم الفلسفة . کتاب ترتیب کتب ارسطاليس . کتاب فی قصد ارسطاليس فی المقولات اياها قصداً والموضوعة لها . کتاب مائیه العلم و اقسامه . کتاب اقسام العلم الانسی . کتاب رسالته الكبرى فی مقياسه العلمی . کتاب رسالته بايجاز فی مقياسه العلمی . کتاب فی ان افعال الباری جل اسمه كلها عدل لاجورقيها . کتاب فی مائیه الشئى الذى لانهاية له وبأى نوع يقال لانهاية له . کتاب رسالته فی الابانة انه لايمكن ان يكون جرم العالم بلانهاية و ان ذلك انه هو فى القوة . کتاب فی الفاعلة والمنفعله من الطبيعيات الاولى . کتاب فی عبارات الجوامع الفكرية . کتاب مسائل سئل عنها فی منفعة الرياضات . کتاب فی بحث قول المدعى

ان الاشياء الطبيعية تفعل فعلا واحداً بايجاب الخلقة ، كتاب فى اوائل الاشياء المحسوسة .
رسالته فى الترفق فى الصناعات . رسالته فى رسم رقاع الى الخلفاء والوزراء . رسالته فى
قسمة القانون . رسالته فى مائة العقل والابانة عنه .

کتابهای او در منطقیات

کتاب رسالته فى المدخل المنطقى باستيفاء القول فيه . کتاب رسالته فى المدخل
المنطقى باختصار وايجاز . کتاب رسالته فى المقولات العشر . کتاب رسالته فى الابانة عن قول
بطليموس فى اول كتابه (فى) المجسطى عن قول ارسطاليس فى انالوطيقا . (کتاب رسالته فى
اختيار الكتب الاربعة) . کتاب رسالته فى الاحتراس من خدع السوفسطائين . کتاب رسالته
بايجاز و اختصار فى البرهان المنطقى . کتاب رسالته فى الاصوات الخمسة . کتاب رسالته
فى سمع الكيان . کتاب رسالته فى عمل آلة مخرجة الجوامع .

کتابهای او در حسابيات

کتاب رسالته فى المدخل الارتماطيقى - پنج مقاله ، کتاب رسالته فى استعمال الحساب
الهندى . چهار مقاله . کتاب رسالته فى الابانة عن الاعداد التى ذكر فلاطن فى كتابه السياسة .
کتاب رسالته فى تأليف الاعداد . کتاب رسالته فى التوحيد من جهة العدد . کتاب رسالته فى
استخراج الخبيثى والضمير . کتاب رسالته فى الزجر والغال من جهة العدد . کتاب رسالته
فى الخطوط والضرب بعدد الشعير . کتاب رسالته فى الكمية المضافة . کتاب رسالته فى النسب
الزمانية . کتاب رسالته فى الحيل العددية وعلم اضارها (کتاب الدوار و همزح - قديمى و
در نهايت نيکوئى^۱) .

کتابهای او در کريات^۲

کتاب رسالته فى ان العالم وكلما فيه كرى الشكل . کتاب رسالته فى الابانة عن انه ليس
شئ من العناصر الاولى والجرم الاقصى غير كرى . کتاب رسالته فى ان الكرة اعظم الاشكال
الجرمية والدائرة اعظم من جميع الاشكال البسيطة . کتاب رسالته فى ان سطح ماء البحر
كريا . کتاب رسالته فى تسطیح الكرة . کتاب رسالته فى الكريات . کتاب رسالته فى عمل
السمت على كرة . کتاب رسالته فى عمل الحلق الست و استعمالها .

۱- ش - کلمه دارد غير مفهوم که بجای آن نقطه گذاشتيم و بخط نویسنده کتاب نیست .

۲- ف (الكريات) .

کتابهای او در موسیقيات

کتاب رسالته الكبرى فی التألیف . کتاب رسالته فی ترتیب النغم الدالة علی طبایع الاشخاص العالیه و تشابه التألیف . کتاب رسالته فی الايقاع . کتاب رسالته فی المدخل الی صناعة الموسيقى . کتاب رسالته فی خبر صناعة التألیف . کتاب رسالته فی صناعة الشعر . کتاب رسالته فی الاخبار عن صناعة الموسيقى .

کتابهای او در نجومیات

کتاب رسالته فی ان رؤیة الهلال لا تضبط بالحقیقة و انما القول فیها بالتقریب . کتاب رسالته فی مسائل سئل عنها من احوال الكواكب . کتاب رسالته فی جواب مسائل طبییة فی کیفیات نجومیة . کتاب رسالته فی مطرح الشعاع . کتاب رسالته فی الفصلین . کتاب رسالته فیما ینسب الیه کل بلد من البلدان الی برج من البروج و کوكب من الكواكب . کتاب رسالته فیما سئل عنه من شرح ما عرض له الاختلاف فی صور الموالید . کتاب رسالته فیما حکى من اعمار الناس فی الزمن القدیم و خلافها فی هذا الزمن . کتاب رسالته فی تصحیح عمل نمودارات الموالید والهیلج والکدخداء . کتاب رسالته فی ایضاح علة رجوع الكواكب . کتاب رسالته فی سرعة ما یرى من حركة الكواكب اذا كانت فی الافق و ابطاؤها کما علت . کتاب رسالته فی الابانة عن الاختلاف الذی فی الاشخاص العالیة . کتاب رسالته فی الشعاعات . کتاب رسالته فی فصل ما بین التسییر و عمل الشعاع . کتاب رسالته فی علل الاوضاع النجومیة . کتاب رسالته الی الاشخاص العالیة المسماة سعادة و نحاسة . کتاب رسالته فی علل القوی المنسوبة الی الاشخاص العالیة الدالة علی المطر . کتاب رسالته فی علل احداث الجو . کتاب رسالته فی العلة الیها یكون بعض المواضع لا تکاد تمطر .

کتابهای او در هندسیات

کتاب رسالته فی اغراض کتاب اقلیدس . کتاب رسالته فی اصلاح کتاب اقلیدس . کتاب رسالته فی اختلاف المناظر . کتاب رسالته فیما نسب القدماء کل واحد من المجسمات الخمس الی العناصر . کتاب رسالته فی تقریب قول ارشمیدس فی قدر قطر الدائرة من محیطها . کتاب

رسالته في عمل شكل الموططين . كتاب رسالته في تقريب و ترالدائرة . كتاب رسالته في تقريب و ترالتسع . كتاب رسالته في مساحة ايوان . كتاب رسالته في تقسيم المثلث والمربع و عملها . كتاب رسالته في كيفية عمل دائرة مساوية لسطح اسطوانة مفروضة . كتاب رسالته في شروق الكواكب و غروبها بالهندسة . كتاب رسالته في قسمة الدائرة ثلاثة اقسام . كتاب رسالته في اصلاح المقالة الرابعة عشر و الخامسة عشر من كتاب اقليدس . كتاب رسالته في البراهين المساحية لما يعرض من الحسابات الفلكية . كتاب رسالته في تصحيح قول اسقلاوس في المطالع . كتاب رسالته في اختلاف مناظر المرآة . كتاب رسالته في صنعة الاسطرلاب بالهندسة . كتاب رسالته في استخراج خط نصف النهار و سمت القبلة بالهندسة . كتاب رسالته في عمل الرخامة بالهندسة . كتاب رسالته في استخراج الساعات على نصف كرة بالهندسة . كتاب رسالته في السوانح . كتاب رسالته في عمل الساعات على صفيحة تنصب على السطح الموازي للافق خير من غيرها .

كتابهائ او در فلكيات

كتاب في امتناع وجود مساحة الفلك الاقصى المدبر للافلاك . كتاب رسالته في ظاهريات الفلك . كتاب رسالته في ان طبيعة الفلك مخالفة لطبائع العناصر الاربعة و انه طبيعة خامسة . كتاب رسالته في العالم الاقصى . كتاب رسالته في سجود الجرم الاقصى لباريه . كتاب رسالته في الرد على المنانية في العشر مسايل في موضوعات الفلك . كتاب رسالته في الصور . كتاب رسالته في انه لا يمكن ان يكون جرم العالم بلانهاية . كتاب رسالته في المناظر الفلكية . كتاب في امتناع الجرم الاقصى من استحالة . كتاب رسالته في صناعة بطليموس الفلكية . كتاب رسالته في تنامي جرم العالم . كتاب رسالته في المعطيات . كتاب رسالته في مائة الفلك واللون اللازم الازوردي المحسوس من جهة السماء . كتاب رسالته في مائة الجرم الحامل بطباعه . كتاب رسالته في العناصر الاربعة . كتاب رسالته في البرهان على الجسم السائر و مائة الاضواء والاطلام .

كتابهائ او در طبيات

كتاب رسالته في الطب البقراطي . كتاب رسالته في الغذاء والدواء المهلك . كتاب رسالته

فی الابخرة المصلحة للجو من الوباء . کتاب رسالته فی الادویة المشفیة من الروائح الموزیة .
 کتاب رسالته فی کیفیة اسهال الادویة و انحدارا الاخلاط . کتاب رسالته فی علة نفث الدم .
 کتاب رسالته فی اشفیة السموم . کتاب رسالته فی تدبیر الاصحاء . کتاب رسالته فی علة بحارین
 الامراض الحادة . کتاب رسالته فی نفس العضو السریس من الانسان والابانة عن الانسان^۲ .
 کتاب رسالته فی کیفیة الدماغ . کتاب رسالته فی علة الجذام و اشفیته . کتاب رسالته فی عنة
 الكلب الكلب . کتاب رسالته فی الاعراض الحادثة من البلغم و علة موت الفجأة . کتاب رسالته
 فی وجع المعدة والنقرس . کتاب رسالته الی رجل فی علة شکاها الیه . کتاب رسالته فی اقسام
 الحمیات . کتاب رسالته فی علاج الطحال الجاسی من الاعراض السوداویة . کتاب رسالته
 فی اجساد الحیوان اذا فسدت . کتاب رسالته فی قدر منفعة صناعة الطب . کتاب رسالته فی صنعة
 اطعمة من غیر عناصرها . کتاب رسالته فی تغیر^۳ الاطعمة .

کتابهای او در احکامیات^۲

کتاب رسالته فی تقدمة المعرفة بالاستدلال بالاشخاص العالیة علی المسائل . کتاب
 رسالته الاوله والثانیة والثالثة الی صناعة الاحکام بتقاسیم . کتاب رسالته فی مدخل الاحکام
 علی المسائل . کتاب رسالته فی المسائل . کتاب رسالته فی دلائل النحسین فی برج السرطان .
 کتاب رسالته فی قدر منفعة الاختیارات . کتاب رسالته فی قدر منفعة صناعة الاحکام و من
 الرجل المسمى منجماً باستحقاق . کتاب رسالته المختصرة فی حدود الموالید . کتاب رسالته
 فی تحویل سنی الموالید . کتاب رسالته فی الاستدلال بالكسوفات علی الحوادث .

کتابهای او در جدلیات

کتاب رسالته فی الرد علی المنانیه . کتاب رسالته فی الرد علی الثنویة . کتاب رسالته
 فی الاحتراس من خدع السوفسطائیین^۴ . کتاب رسالته فی نقض مسائل الملحدين . کتاب رسالته
 فی تثبیت الرسل علیهم السلام . کتاب رسالته فی الفاعل الحق الاول التام و الفاعل الثانی
 بالمجاز . کتاب رسالته فی الاستطاعة وزمان کونها . کتاب رسالته فی الرد علی من زعم ان للاجرام

۱- ف (وانجذاب) . ۲- ف (... والابانة عن الالباب) .

۳- مراد احکام نجومی است . ۴- ظاهراً مکرر . و در ضمن کتابهای

فلسفی آمده .

هويتها في الجوتوقفات . كتاب رسالته في بطلان قول من زعم ان بين الحركة الطبيعية والعرضية سكون . كتاب رسالته في ان الجسم في اول ابداعه لساكن ولا متحرك ظن باطل . كتاب رسالته في التوحيد بالتفسيرات^١ . كتاب رسالته في بطلان قول من زعم ان جزاء لا يتجزى . كتاب رسالته في جواهر الاجسام . كتاب رسالته في اوائل الجسم . كتاب رسالته في افتراق الملل في التوحيد و انهم مجمعون على التوحيد وكل قد خالف صاحبه . كتاب رسالته في التمجيد . كتاب رسالته في البرهان .

كتابهائ او در نفسيات

كتاب رسالته في ان النفس جوهر بسيط غير دائر موثر في الاجسام . كتاب رسالته في مائة الانسان والعضو الرئيس منه . كتاب رسالته في خير اجتماع الفلاسفة على الرموز العشقية . كتاب رسالته فيما للنفس ذكره وهي في عالم العقل قبل كونها في عالم الحس . كتاب رسالته في علة النوم والرؤيا و ما يرمز به النفس .

كتابهائ او در سياسيات

كتاب رسالته الكبرى في السياسة . كتاب رسالته في تسهيل سبل الفضائل . كتاب رسالته في دفع الاحزان . كتاب رسالته في سياسة العامة . كتاب رسالته في الاخلاق . كتاب رسالته في التنبيه على الفضائل . كتاب رسالته في خير فضيلة سقراط . كتاب رسالته في الفاظ سقراط . كتاب رسالته في محاوره جرت بين سقراط وارثيجانس . كتاب رسالته في خير موت سقراط . كتاب رسالته فيما جرى بين سقراط والحراس^٢ . كتاب رسالته في خير العقل .

كتابهائ او در احداثيات

كتاب رسالته في الابانة عن العلة الفاعلة القريبة للكون والفساد في الكائنات الفاسدات . كتاب رسالته في العلة التي لها قيل ان النار والهواء و الماء والارض عناصر لجميع الكائنة الفاسدة وهي وغيرها يستحيل بعضها الى بعض . كتاب رسالته في اختلاف الازمنة التي يظهر فيها قوى الكيفيات الاربع الاولى . كتاب رسالته في النسب الزمانية . كتاب رسالته في علة اختلاف انواع السنة . كتاب رسالته في مائة الزمان والحين والدمر . كتاب رسالته في العلة التي لها يبردا على الجو ويسخن ما قرب من الارض . كتاب رسالته في احداث الجو . كتاب رسالته في الاثر الذي يظهر في الجو ويسمى كوكبا . كتاب رسالته في كوكب الذوابة . كتاب رسالته

فی الکوکب الذی ظهراً و رصده ایما ما حتی اضمحل . کتاب رسالته فی علة البرد المسمى ببرد المعجوز . کتاب رسالته فی علة کون الضباب والاسباب المحدثه له فی اوقاته . کتاب رسالته فیما رصد من الاثر العظیم فی سنة اثنتین و عشرين و مائتین للهجرة .

کتابهای او در ابعادیات

کتاب رسالته فی ابعاد مسافات الاقالیم . کتاب رسالته فی المساکن . کتاب رسالته الکبری فی الربع المسکون . کتاب رسالته فی اخبار ابعاد الاجرام . کتاب رسالته فی استخراج بُعد مرکز القمر من الارض . کتاب رسالته فی استخراج آلة و عملها ۱ استخراج بها ابعاد الاجرام . کتاب رسالته فی عمل آلة يعرف بها بُعد المعاینات . کتاب رسالته فی معرفة ابعاد قلال الجبال .

کتابهای او در تقدّمیات

کتاب رسالته فی اسرار تقدمة المعرفة . کتاب رسالته فی تقدمة المعرفة بالاحداث . کتاب رسالته فی تقدمة الخبر . کتاب رسالته فی تقدمة الاخبار . کتاب رسالته فی تقدمة المعرفة فی الاستدلال بالاشخاص السماویة .

کتابهای او در انواعیات

کتاب رسالته فی انواع الجواهر الثمينة و غيرها . کتاب رسالته فی انواع الحجارة . کتاب رسالته فی تلویح الزجاج . کتاب رسالته فیما یصبح فیعطی لونا . کتاب رسالته فی انواع السیوف والحديد . کتاب رسالته فیما یطرح علی الحديد والسیوف فلا تثلم ولا تکل . کتاب رسالته فی الطائر الانسی . کتاب رسالته فی تمریح الحمام . کتاب رسالته فی الطرح علی البيض . کتاب رسالته فی انواع النحل و کرائمه . کتاب رسالته فی عمل القمقم التباح . کتاب رسالته فی العطر و انواعه . کتاب رسالته فی کیمياء العطر . کتاب رسالته فی صنعة اطعمة من غیر عناصرها ۲ . کتاب رسالته فی الاسماء المعماة . کتاب رسالته فی التنبیه علی خدع الکیمیاثین . کتاب رسالته فی ارکان الحیل . کتاب رسالته الکبيرة فی الاجرام الفائضة فی الماء . کتاب رسالته فی الاثرین المحسوسین فی الماء . کتاب رسالته فی المدو الجزر . کتاب رسالته فی الاجرام الهابطة . کتاب رسالته فی عمل المرايا المحرقة . کتاب رسالته فی سمار المرأة . کتاب رسالته فی اللفظوهی ثلاثة اجزاء اول وثانی وثالث . کتاب رسالته فی الحشرات مصور عطاردی .

۱- ف (یظهر) .

۲- ف (حتی لا) .

۳- ف (نمویخ) .

۴- ظاهراً مکرر است و در طبیات آمده .

کتاب رسالته فی علم حدوث الرياح فی باطن الارض المحدثه کثیر الزلازل والخسوف^۱. کتاب رسالته فی جواب اربع عشر مسئله طبیعیات سئل عنها بعض اخوانه . کتاب رسالته فی جواب ثلاث مسائل سئل عنها . کتاب رسالته فی قصة المتفلسف بالسکوت . کتاب رسالته فی علة الرعد والبرق والثلج والبرد والصواعق والمطر . کتاب رسالته فی بطلان دعوی المدعیین صنعة الذهب والفضة و خدعهم . کتاب رسالته فی الوفاء . کتاب رسالته فی الابانة ان الاختلاف الذی فی الاشخاص العالیه لیس علة کیفیات الاولی كما هی علة ذلك فی التی تحت الکون والفساد .

شاهرمان ووراقان کندی

حسنویه ، نفلویه ، سلمویه ، و یکنفر دیگر بهمین وزن . واز شاهرمان او احمد بن طیب است که ذکرش خواهد آمد ، و ابومعشر از او آموخته است .

احمد بن طیب

ابوالمیاس احمد بن محمد بن مردان سرخی ، از منسوبان کنندی است ، که بر وی قرائت داشته ، و از وی آموخته ، و برای بستگی که بکنندی دارد ، ویرا در اینجا ذکر نمودیم . وی در بسیاری از علوم باستانی و عرب متفمن ، و دارای معرفتی نیکو ، و قریحه سرشار ، و تصنیفات و تألیفات خوبی بود . در ابتداء آموزگار معتضد ، سپس از ندماء و خاصان او گردید ، و معتضد رازهای درونی خوی را بوی میگفت . و در کارهای مملکت با وی مشورت میکرد ، ولی دانش وی بر عقلش فزونی داشت ، و همین بستگی بمعتضد منجر بقتلش گردید ، زیرا معتضد رازی را که ارتباط بقاسم بن عبدالله ، و بدر ، غلامش داشت ماو گفته بود ، و بر اثر حيلة که قاسم بکار برده و مشهور است ، آن راز برملا و آشکار گردید ، و از این جهة معتضد او را در اختیار آن دونفر گذاشت ، و آنها هم پس از تصفیه اموالش ، ویرا بزندان انداختند ، و در هنگامیکه معتضد برای فتح آمد و جنگ با احمد بن عیسی بن شیخ حرکت کرد ، گروهی از خوارج و زندانیان دیگر از زندان فرار کردند ، و مونس الفحل رئیس شرطه ، که در غیاب معتضد کارها را رسیدگی مینمود ، همه را دانه دانه دستگیر ساخت . احمد از جای خود حرکت نکرد . بود باین امید که وسیله نجاتش بشود ، ولی همین کار سبب قتلش گردید ، زیرا معتضد بقاسم دستور داد صورتی از نام کسانی که استحقاق

مرکب دارند تهیه نماید ، تا از نگرانی قلبی درباره آنها درآید ، قاسم آن صورت را تهیه و بامضاء معتضد رسانید ، و پس از امضاء نام احمد را در آن گنجانیده ، و او نیز کشته شد . وقتی که معتضد جوایای او شد ، قاسم خبر کشته شدنش را داده و آن صورت را مقابلش گذاشت ، و او هم انکار نکرد ، و بدینگونه کسی که در بلندی جاه و مقام با آسمان رفته بود ، در سال ... سرنگون گردید . و این کتابها از اوست : کتاب مختصر قاطیفوریاس . کتاب مختصر کتاب بارمیناس . کتاب مختصر انالوطیقا الاول . کتاب مختصر انالوطیقاالثانی . کتاب الاعشاش و صناعة الحبة الکبیر . کتاب عش الصناعات والحبة الصغیر . کتاب نزهة النفوس - که تمامی آن در دست نیست . کتاب اللهو والملاهی - درغنا و مغنیان و منادمت و مجالست و انواع سرگذشتهای شیرین و نمکین . کتاب السیاسة الکبیر . کتاب السیاسة الصغیر . کتاب المدخل الی صناعة النجوم . کتاب الموسیقی الکبیر - در دو مقاله که بخوبی و جلالت آن تألیف نشده است . کتاب الموسیقی الصغیر . کتاب الارتماطیقی - در عدد و جبر و مقابله . کتاب المسالك والممالك . کتاب الجوارح والصيد بها . کتاب المدخل الی صناعة الطب و در آن ردی برحنین بن اسحاق دارد . کتاب المسائل . کتاب فضائل بغداد و اخبارها . کتاب الطبیخ - و آنرا برای معتضد روی ماهها و روزها ، تألیف کرد . کتاب زادالمسافر و خدمة الملوك - دو مقاله نازک . کتاب المدخلی الی علم الموسیقی . کتاب آداب الملوك . کتاب الجلاء والمجالسة . کتاب رسالته فی جواب ثابت بن قره فیما سئل عنه . کتاب مقالته فی النمش والكف . کتاب رسالته فی السالکین^۱ و طریف اعتقاد العامة . کتاب منفعة الجبال . کتاب رسالته فی وصف مذاهب الصابئین . کتاب فی ان المبدعات فی حال الابداع لامتحركة ولا ساکنه .

قویری

نامش ابراهیم و کنیه اش ابواسحاق . از کسانی است که منطق را از وی میآموختند . و در شمار مفسران بود ، و ابوبشر متی بن یونس^۲ بر وی قرائت داشت . این کتابها از اوست . کتاب تفسیر قاطیفوریاس - مشجر . کتاب بارمیناس - مشجر . کتاب انالوطیقای اول - مشجر . کتاب انالوطیقاالثانی - مشجر . و کتابهایش مورد توجه نیست ، زیرا عباراتش منلق و سبک است .

ابن کرنیب

ابواحمد حسین بن ابوالحسین اسحاق بن ابراهیم بن یزید کاتب ، معروف بابن کرنیب ،

از بزرگان متکلمان بود که پیروی از مذاهب فلاسفه طبیعیین داشت . و برادرش ابوالعلاء از علماء هندسه بود که ما در جای خود خواهیم گفت ، اما خود ابو احمد بسی نهایت با فضل و با معرفت و متبحر در علوم طبیعی باستانی بوده ، و در سال ... در گذشت . این کتابها از اوست : کتاب الرد علی ابی الحسن ثابت بن قسرة فی نفیه وجوب وجود سکونین بین کل حرکتین متضادین . کتاب مقالة فی الاجناس والانواع وهی الامور العامیه .

فارابی

ابو نصر محمد بن محمد بن محمد بن طرخان ، نژادش از فاریاب^۱ خراسان ، و از برجستگان در صنایع منطق و علوم باستانی بود و این کتابها از اوست : کتاب مراتب العلوم . کتاب تفسیر قطعة من کتاب الاخلاق لارسطاليس . فارابی تفسیرهایی از تألیفات ارسطو دارد ، که در دست مردم موجود و متداول است . کتاب القیاس - قاطینوریاس . کتاب البرهان - انالوطیقا الثانی . کتاب الخطایه - اروطوریکا . کتاب المتالطین - سوفسطیقا . که مجموعه مانند است . و در منطق مجموعه‌های کوچکی نیز دارد .

ابویحیی مروزی

این شخص بر ابو بشرمتی بن یونس قرائت داشته ، و از قاضلان سریانی بود ، و آنچه در منطق و جز آن دارد سریانی تألیف کرده و از پزشکانی بود که در مدینه السلام شهرت داشت .

ابویحیی مروزی دیگر

باقضای مقام او را ذکر مینمائیم ، چون طبیب و عالم بهندسه بود .

تک دانه کتابهاییکه مؤلفان آنها متفرقند

کتاب السرب المظلم فی سر الخلیقة (تألیف یلوسوس)^۲ کتاب مرولس^۳ فی تدبیر المنزل . کتاب ...

۱- فاریاب ناحیه ایست در ترکستان کنار نهر سیحون و بنوشته یاقوت حموی طول و عرض آن در حدود یکروز راه است . (قاموس الاعلام ترکی) .

۲- ف (علوسوس) و پس از کتاب دوم آنرا آورده .

۳- ف (روفس) .

متی بن یونس

ابو بشر متی بن یونس، که همان یونان است، و از مردم دیرقنی^۱، و از کسانی بود که در اسکول مرهاری^۲ تربیت شده، و بر قویری، و بنیامین، و ابو احمد بن کرنیب قرائت داشته. و تفسیرهایی از سریانی به عربی دارد، و در عصر خود ریاست منطقیون را داشت. از تفسیرهای اوست: کتاب تفسیر الثلاث مقالات الاواخر من تفسیر ثامسطیوس. کتاب نقل کتاب البرهان الفص. کتاب نقل سوفسطیقا الفص. کتاب نقل کتاب الکون والفساد بتفسیر الاسکندر. کتاب نقل الشعر الفص. کتاب نقل اعتبار الحکم و تعقب المواضع لثامسطیوس. کتاب نقل کتاب تفسیر الاسکندر لکتاب السماء - که ابو زکریا یحیی بن عدی آنرا اصلاح کرده است. و متی تمام چهار کتاب منطوق را تفسیر نموده، و مردم در خواندن بآنها تکیه کنند و از کتابهای اوست: کتاب مقالة فی مقدمات صد ربها کتاب انا لوطیقا. کتاب المقایس الشرطیه.

یحیی بن عدی

ابو زکریا یحیی بن عدی بن حمید بن زکریاء منطقی، که در زمان ما بر پیروان و اصحابش ریاست دارد. قرائتش بر ابو بشر متی، و ابو نصر فارابی، و گروهی بوده و یگانه دوران خود میباشد و مذهب نصرانیان یعقوبی را دارد. روزیکه در میان وراقان بودیم، و من ویرا از زیاد نوشتن ملامت مینمودم بمن گفت: از صبر و حوصله من توجه شکفتی و تعجبی داری، من از تفسیر طبری دو نسخه بخط خود نوشتم و برای پادشاهان اطراف فرستادم، و از کتابهای متکلمان با اندازه نسخه برداری کرده‌ام که از شماره بیرونست، و بیاد دارم که در حیات خود شب و روزی نگذشت که من صد صفحه یا کمتر ننوشته باشم. و تولدم در سال ... بود.

وی در سال .. وفات یافت، و از کتابها و ترجمه‌های اوست: کتاب تفسیر کتاب طویبقا لارسطالیس. مقاله فی البحوث الاربعه. کتاب رسالته فی نقض حجج کان انفاذا الرئیس فی نصره قول القائلین بان الافعال خلق الله و اکتساب للعبد^۳.

۱- دیری است در شانزده فرسنگی بغداد و جزء نهر و انست و تادجله يك ميل فاصله دارد و معروف بدیر مرهاری بوده و بآن دیر اسکول نیز گویند. (معجم البلدان)
 ۲- اسکول مرهاری در دیرقنی نزدیک بغداد است که دانشمند و مترجم شهیر متی بن یونس در آن تربیت شده (تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی ص ۱۵- و ۸۳) و احتمال میرود که کلمه (اسکون) دنبال (دیر) در معجم البلدان (اسکول) باشد که -ل- آن تصحیف شده است.
 ۳- ف (... بان الافعال لله تعالی والاكتساب للعبد).

ابوسلیمان سجستانی^۱

ابوسلیمان محمد بن طاهر بن بهرام سجستانی ، واز کتابهای اوست : مقاله فی مراتب قوی الانسان و كيفية الانذارات التي ینذریها النفس مما یحدث فی عالم الكون .

ابوزرعه

ابوعلی عیسی بن اسحاق بن زرعه بن مرقس بن زرعه بن یوحنا ، در زمان ما حیات دارد ، ویکی از برجستگان علم منطق و علوم فلسفی ، واز مترجمان بسیار خوب است ، ولادتش در بغداد ، در ماه ذی حجه سال سیصد و سی و یک بوده ، واین کتابها از اوست : کتاب اختصار . کتاب ارسطالیس فی المعمور من الارض - یکمقاله . کتاب اغراض کتب ارسطالیس المنطقیه - یکمقاله . کتاب معانی ایساغوجی - یکمقاله . کتاب معانی قطعه من المقالة الثالثة من کتاب السماء - یکمقاله . کتاب فی العقل - یکمقاله که منتشر نشد . کتاب النیمة - مقاله ایست که ترجمه کرده است .

ترجمه‌های او از سریانی

کتاب الحيوان لارسطاليس . کتاب منافع اعضاء الحيوان - بتفسیر یحیی النحوی - مقاله فی الاخلاق - مؤلفش مجهولست . کتاب خمس مقالات من کتاب نيقولاوس فی فلسفة ارسطاليس . کتاب سوفسطیقا النفس لارسطاليس .

ابن خمار

ابوالخیر حسن بن سوار بن بابا بن بهرام^۲ در زمان ما : و از فضلا ، در منطق است ،

۱- ابوسلیمان سجستانی منطقی ساکن بغداد ، برمتی بن یونس و امثال او قرائت داشته و صدر نشین مجلس سخن در این باره - منطق - بود ، و بزرگان و روساء با و روی میآوردند . ابوسلیمان از يك چشم نابینا ، و مبتلا به بیماری پسی است که شفایش را از خداوند مسئلت داریم ، و بهمین سبب از مردم کناره گیری نموده و خانه نشین میباشد . و جز دانشجو کسی نزد او نمیرود . و بسیار علاقه مند بدانستن اخبار دولتی بوده بزرگانی که بعلاقاتش میروند از جریانات و پیرا آگاه دارند . و ابوحیان توحیدی از شیفتگان او است و کتاب الامتاع و العوائض را برای او تألیف کرده ، و سرگنشتهای مجلس ابوالفضل عبدالله بن عارض وزیر صمصام الدوله پسر عضد الدوله را در آن آورده . و این کتاب برای کسانی که با علوم گوناگون سرو کار دارند دریای مواجی است (نقل از تعلیقات فلوکل ص ۱۲۱) .

۲- ش (بهنام)

قرائتش بریحی بن عدی بوده و بی نهایت با ذکاوت، و فطانت، و با اطلاع از علوم یارانش میباید. تولدش در ماه ربیع الاول سال سیصد و سی و یک و این کتابها از اوست: کتاب الهیولی یکمقاله. کتاب الوفاق بین رأی الفلاسفة والنصارى - سه مقاله. کتاب تفسیر ایسا غوجی - مشروح. کتاب تفسیر ایساغوجی - مختصر. کتاب الصدیق والصدیقة - یکمقاله. کتاب سیرة الفیلسوف - یکمقاله. کتاب الحوامل - یکمقاله در پزشکی. کتاب فی دیابطا و معناء التقطیر - یکمقاله. کتاب فی الاثار المخیلة^۱ فی الجو الحادثة عن البخار المائى وهى الهالة والقوس والضباب - یکمقاله.

ترجمه‌های او از سریانی عبری

کتاب الاثار العلویة - ترجمه. کتاب اللبس فی الکتب الاربعة فی المنطق الموجود من ذلك. کتاب مسائل ثاوفرستس - ترجمه. کتاب مقالة فی الاخلاق - ترجمه.

عوقی

از مردم بصره، و در زمان ما میباید. نامش ... و از کتابهای اوست ...

بسم الله الرحمن الرحيم

فصل دوم - از مقاله هفتم

از کتاب الفهرست

در اخبار علماء و نام کتابهاییکه تصنیف کرده‌اند

مشمول بر :

اخبار صاحبان تعالیم از مهندسان ، و علماء ریاضی و موسیقی
و محاسبان و منجمان و سازندگان آلات و اصحاب حیل و حرکات

اقلیدس

صاحب جومطریا^۲ بمعنای هندسه

اقلیدس بن نوقطرس بن برنیفس ، مخترع هندسه ، و مبرز در آن ، که بر ارشمیدس

و دیگران تقدم داشت ، و از فلاسفه ریاضیون بشمار میرفت .

سخن در باره کتاب او در اصول هندسه

که نامش اسطروشیا^۱ و بمعنی اصول هندسه است .

حجاج بن یوسف مضر دو ترجمه از آن دارد ، یکی معروف بهارونی ، که اولی بوده ، و دومی معروف بمأمونی و مورد اتکاء همه است . اسحاق بن حنین نیز از آن ترجمه دارد ، که ثابت بن قره آن ترجمه را اصلاح کرده است .

ابو عثمان دمشقی چند مقاله از آن را ترجمه نموده که من مقاله دهم را در موصل در کتابخانه علی بن احمد عمرانی ، و یکی از غلامانش ابوالصقر قبیسی - که مجسطی را در این زمان نزد او میخوانند - دیده ام (و موجود از آن نه مقاله است) . و ایرن ، این کتاب را تفسیر ، و مشکلات آنرا حل کرده ، و نیز یزی شرحی بر آن نوشته . و کرایسی نامی که ذکرش خواهد آمد آن را شرح کرده است . جوهری که باز ذکرش خواهد آمد از اول تا آخر این کتاب را شرح نموده ، و ماهانی شرحی بر مقاله پنجم آن دارد .

نظیف طبیب ، اعزه الله برای حکایت کرد که مقاله دهم اقلیدس را در زبان رومی دیده است که چهل شکل بیشتر از آنچه در دست مردم است دارد ، چون در دست مردم یکصد و نه شکل بوده ، و تصمیم گرفته است که آنرا به عربی در آورد . و یوحنا ی قیس گفته است که آن شکلی را که ثابت ادعای بودن آنرا در مقاله اول داشت در زبان یونانی دیده ، و نظیف نیز میگفت که او آنرا بوی نشان داده است . ابو جعفر خازن خراسانی ، که ذکرش خواهد آمد ، شرحی بر کتاب اقلیدس دارد ، و ابوالوفا نیز آنرا شرح کرده ، ولی با تمام نرسانید . و مقاله دهم را شخصی بنام ابن راهویه^۲ ارجانی تفسیر کرده ، و ابوالقاسم انطاکی تمام کتاب را تفسیر کرده که در دست است . سند بن علی نیز تفسیری بر آن دارد که ابوعلی نه مقاله و پاره از مقاله دهم آنرا دیده ، و مقاله دهم را ابویوسف رازی برای ابن عمید تفسیر کرده و بخوبی از عهد بر آمده است .

کندی در رساله خود که در اغراض کتاب اقلیدس تألیف کرده گوید : این کتاب را شخصی بنام ابلینس نجار در پانزده گفتار تألیف و ترسیم کرده بود ، و چون مدتها از تألیف آن گذشته ، و در زاویه فراموشی افتاده بود ، برخی از پادشاهان اسکندریه که جویای علم هندسه

۱ - اسطورشیا کلمه یونانی Stoikheia - استوئیخیا - بمعنی Element است که باصو

ترجمه شده (ر.ک. لکزبک یونانی)

۲ - ف (تاهویه).

بوده ، و اقلیدس در زمانش زندگانی میکرد ، بوی امر کرد که آنرا اصلاح و تفسیر نماید ، او هم این کار را کرده ، و این کتاب باو نسبت داده شد ، پس از چندی اِسقلَوس - شاگرد اقلیدس دو مقاله آنرا یافت که مقاله چهارده و پانزده باشد ، و آنرا پپادشاه اهداء کرده ، و بر این کتاب افزوده شده ، و تمام این جریانات در اسکندریه واقع شده است .

و نیز این کتابها از تألیفات اقلیدس است : کتاب الظاهرات . کتاب اختلاف المناظر . کتاب المعطیات . کتاب النغم - معروف بموسیقی ، که منحول است . کتاب القسمة - باصلاح ثابت . کتاب الفوائد - منحول است . کتاب القانون . کتاب الثقل والخفة . کتاب التركيب منحول است . کتاب التحليل - منحول است .

ارشمیدس

شخص موثقی بمن گفت که : در میان مقدار پانزده بارشتر از کتابهای ارشمیدس را آتش زده اند ، که سرگذشت مفصلی دارد . ولی این کتابها از او باقیمانده و موجود است : کتاب الكرة والاسطوانة - دو مقاله . کتاب تریب الدائرة - یکمقاله . کتاب تسبیع الدائرة - یکمقاله . کتاب الدوائر المماسة - یکمقاله . کتاب المثلثات - یکمقاله . کتاب الخطوط المتوازية . کتاب الماخوذات فی اصول الهندسه . کتاب المفروضات - یکمقاله . کتاب خواص المثلثات القائمة الزوايا - یکمقاله . کتاب آلة ساعات الماء التي ترمى بالبندق - یکمقاله .

اسقلالوس

کتاب الاجرام والابعاد - یکمقاله . کتاب المطالع - که طلوع وغروب باشد - یکمقاله . و از کتاب اقلیدس ، مقاله چهارم و پنجم را اصلاح کرده است .

ابلونیسوس

صاحب کتاب المخروطات

بنوموسی در آغاز کتاب المخروطات گویند : بلینوس از مردم اسکندریه و کتاب او در مخروطات بجهاتی از میان رفته بود ، یکی آنکه نسخه برداری از آن مشکل گردیده و کسی هم برای تصحیح آن کوشش نکرده و یکی هم برای آن بود که این کتاب کهنه شده و فراموش

شده ، و تکه پاره‌هایی از آن در دست مردم بود تا آنکه در عسقلان^۱ مردی بنام اوطوقیوس پیدا شد که در هندسه تبحر داشت ، و باز بنوموسی گوید : این شخص در هندسه کتابهای خوبی دارد که چیزی از آن بدست ما نرسید . و او همینکه توانست از آن کتاب چیزهایی جمع کند ، چهار مقاله از آنرا اصلاح کرد . و آن کتاب در هشت مقاله ، و موجود از آن ، هفت مقاله و بخشی از مقاله هشتم است . وهلال ابو هلال حمصی چهار مقاله اول ، و ثابت بن قره حرانی ، سه مقاله دیگر را زیر نظر احمد بن موسی ترجمه کردند . و از مقاله هشتم چهار شکل بدست آمده است . و نیز ابلینوس این کتابها را داشت : کتاب المخروطات - هفت مقاله و بخشی از مقاله هشتم . کتاب قطع الحدود علی نسبة - دو مقاله . کتاب فی النسبة المحدوده - دو مقاله - که مقاله اول را ثابت اصلاح کرده ، و مقاله دوم بمری ترجمه شده و فهمیده نمیشود . کتاب قطع السطوح علی نسبة - یکمقاله . کتاب الدوائر المماسه . و ثابت بن قره این کتابرا نیز از وی دانسته است ، مقاله فی ان الخطین اذا خرجا علی اقل من زاويتین (و) قائمتین ، یلتقیان .

هرمس

پیش از این گفته شده^۲ و این کتابها در نجوم از اوست : کتاب عرض مفتاح النجوم الاول . کتاب طول مفتاح النجوم الثانی . کتاب تسییر الکواکب . کتاب قسمة تحویل سنی - الموالید علی درجه درجه . کتاب المکتوم فی اسرار النجوم ویسمی قضیب الذهب .

اوطوقیوس

کتاب شرح المقالة الاولى من کتاب ارشمیدس فی الكرة والاسطوانة . کتاب فی الخطین و در آن تمام گفته‌های فلاسفه مهندسین را آورده ، و ثابت ، و اسطات آنرا بمری در آورده اند^۳ . کتاب تفسیر المقالة الاولى من کتاب بطلمیوس فی القضاء علی النجوم .

مناولاس

این شخص پیش از بطلمیوس بود ، زیرا بطلمیوس در کتاب المجسطی نامش را ذکر نموده ، و این کتابها از اوست : کتاب الاشکال الکریه . کتاب فی معرفة کمية تمیز الاجرام

۱ - عسقلان شهریست در شام که از محال فلسطین است و در کنار دریا میان غزه و بیت جیرون قرار دارد و آنرا عروس شام خوانند (ر.ک. معجم البلدان) .

۲ - رجوع شود بصفحه ۴۳۵ همین کتاب .

۳ - ف (نقله ثابت الی العربی واستطاب) ش (نقله ثابت و اسطات الی العربی) .

المختلطة و عمله - که برای طوماطیانوس شاه تألیف کرد . کتاب اصول الهندسه - که ثابت بن قره آنرا به مقاله درآورد . کتاب المثلثات - که مقدار کمی از آن به عربی ترجمه شده است .

بطلمیوس

صاحب کتاب المجسطی است که در دوران ادریانوس ، و انطینوس^۱ بوده ، و در همان روزگار ، ستارگان را رصد کرده و کتاب المجسطی را برای یکی از این دو نفر تألیف نمود . وی اولین کسی است که اسطرلاب گروهی ، و آلات نجومی ، و مقیاسهای رصدی را ساخت . والله اعلم .

گویند پیش از وی گروهی ستارگان را رصد کرده بودند که از آن جمله ابرخس است ، و بقولی این شخص استاد ، بطلمیوس بوده و بطلمیوس از او آموخته است . و رصد کردن جز بآلتی امکان پذیر نبوده ، و اولین رصدکننده طبعاً سازنده آن آلت خواهد بود .

سخن درباره کتاب المجسطی

این کتاب در سیزده مقاله است ، و اول کسیکه در ترجمه آن به عربی کوشش نمود ، یحیی بن خالد بن برمک بود که گروهی آنرا برای وی ترجمه نموده ، و چون خوب در نیامد ، مورد پسند او واقع نشده ، و او ابوحنان ، و مسلم صاحب بیت الحکمه را باین کار گماشت ، و آنان نیز بخوبی از عهده برآمده ، و بتصحیح آن اهتمام ورزیدند . و این کار پس از آن بود که مترجمان خوب را حاضر کرده ، و ترجمه هایشان را سنجیده ، و فصیحتر ، و صحیحتر از همه را برگزید ، و گفته اند که حجاج بن مطر نیز ترجمه از آن دارد . و اما کاری را که نیریزی نموده ، و ثابت آنرا اصلاح کرده ، بربک ترجمه قدیمی از تمامی آن کتاب است ، و اسحاق نیز این کتاب را ترجمه ، و ثابت اصلاح نموده ، ولی مورد پسند نیست ، زیرا اصلاح اولی آن ، بهتر و نیکوتر است .

و جز آن کتاب ، این تألیفات نیز از اوست : کتاب الاربعه - که برای شاگردش ، سوری نوشت ، و ابراهیم بن صلت آنرا ترجمه ، و حنین بن اسحاق اصلاحش کرده ، و او طوقیوس مقاله اول آنرا تفسیر ، و ثابت آن مقاله را جمع آوری کرده - و معانیش را درآورده است . و عمر بن فرخان ، و ابراهیم بن صلت ، و نیریزی ، و بتانی . تفسیرهایی بر آن دارند . کتاب الموالد . کتاب الحرب والقتال . کتاب استخراج السهام . کتاب تحویل

سنی الموالید . کتاب تحویل سنی العالم . کتاب المرض و شرب الدواء . کتاب فی سیر السبعة . کتاب فی الاسراء والمحبسین . کتاب فی اسر السعود واصطناعها . کتاب الخصمین ایهما یفلح . کتاب ذوات الذوائب . کتاب يعرف بالسابع . کتاب القرعه - با جدولهای . کتاب اقتصاص احوال الكواكب . کتاب الثمرة بتفسیر احمد بن یوسف مهندس مصری . کتاب جغرافیا فی المعمور و صفة الارض - این کتاب در هشت مقاله است . که کندی ترجمه بسیار بدی از آن دارد ، و پس از او ثابت آنرا بر عربی ترجمه بسیار خوبی نموده . و سریانی آن نیز یافت میشود .

اوطولوقس

این کتابها از اوست: کتاب الكرة المتحرکه - باصلاح کندی . کتاب الطلوع والغروب ، سه مقاله .

سنبلیقوس رومی

این کتابها از اوست: کتاب شرح صدر کتاب اقلیدس - که مدخل بهندسه است . کتاب شرح قاطیغوریاس لارسطاليس المقالة الرابعه .

ذورثیوس

از کتابهای او ، کتاب بزرگیست مشتمل بر چندین کتاب ، که آنرا کتاب الخمسه ، نامیده اند ، و چیزهایی بخاطر دارم که بر آن اضافه شده است : کتاب الاول فی الموالید . کتاب الثاني فی التزویج و الاولاد - کتاب الثالث فی الهیلاج والكدخدا کتاب الرابع فی تحویل سنی الموالید . کتاب الخامس فی ابتداء الاعمال . کتاب السادس کتاب السابع فی المسائل والموالید . کتاب السادس عشر فی تحویل سنی الموالید ، و این کتابها را عمر بن فرخان طبری تفسیر کرده است .

ثاون اسکندرانی

این کتابها از اوست : کتاب العمل بذات الحلق . کتاب جداول زیج بطلمیوس المعروف بالقانون المسیر . کتاب العمل بالاسطرلاب . کتاب المدخل الی المجسطی - بترجمه قدیم .

فاليس رومی

کتاب المدخل الى علم صناعة النجوم . کتاب المواليد . کتاب المسائل . کتاب الزبرج .
بتفسير بوذرجمهر . کتاب المسائل الكبير من كل نوع . کتاب السلطان . کتاب تحویل^۱ سنی
العالم . کتاب الامطار . کتاب الملوك .

ثيودورس

این کتابها از اوست : کتاب الاکر - سه مقاله . کتاب المساکن - یکمقاله . کتاب اللیل
والنهار - دومقاله .

بلس^۲ رومی

این کتابها از اوست : کتاب تفسیر کتاب بطلمیوس فی تطبیح الكرة - ترجمه ثابت
بعربی . کتاب تفسیر المقالة العاشرة من اقلیدس - در دومقاله .

ایرن

این کتابها از اوست : کتاب حل شکوک اقلیدس . کتاب العمل بالاسطرلاب . کتاب
شیلالاتقال . کتاب الحیل الروحانية .

ابرخس زفنی

این کتابها از اوست : کتاب صناعة الجبر - معروف بالحدود - این کتاب را ...^۲
ترجمه کرده ، و ابوالوفاء محمد بن محمد محاسب این کتابرا اصلاح کرده و آنرا با ذکر
علل و برهان هندسی شرح نموده است . کتاب قسمة الاعداد .

ذیوفنطس یونانی اسکندرانی

این کتاب از او است : کتاب صناعة الجبر .

۱- ش (تحویل) .

۲- ف - این نقطه‌های فاصله را ندارد .

۲- ف (بیس) .

ثاڏينس

اين ڪتابها را دارد : ڪتاب الطوفانات . ڪتاب الكواكب المذنبه .

نيقوهاخس جهراسيني

اين ڪتابها را دارد : ڪتاب الارثماطيقى - دومقاله . ڪتاب الموسيقى الكبير . واز اين ڪتاب مختصرهائي هم هست .

بادروغوغيا

و اين ڪتاب از اوست : ڪتاب استخراج المياء - درسه باب ، باب اول سي و نه گفتار .
باب دوم سي و شش گفتار ، باب سوم سي گفتار .

تينكلوس بابلي

اين شخص يڪي از هفت دانشمندانى است كه ضحاک يڪي از خانه هائى را كه بنام ستارگان هفتگانه ساخته بود باو واگذار كرد ، و نيز اين ڪتاب از اوست : ڪتاب الوجوه والحدود .

طينقروس بابلي

يڪي از هفت ڪليد دارىست كه سرپرستى آن خانه ها را داشته ، كه گویا خانه مریخ بود زیرا در پاره از ڪتابها چنین دیده ام ، و اين ڪتاب از اوست : ڪتاب الموالبه على الوجوه والحدود .

مورطس

و بوى مورطس هم گویند ، و اين ڪتابها از اوست : ڪتاب فى الالات المصوتة المسماة بالارغثن البوقى والارغثن الزمرى . ڪتاب آله مصوته تسمع على ستين ميلا .

ساعاتس

این کتاب از اوست : کتاب الجلجل الصیاح .

هرقل نجار

این کتاب از اوست : کتاب الدوائر والدوالیب .

قیطوار بابلی

یکی از هفت کلیدداران است ، و این کتاب از اوست : کتاب صناعة النجوم .

ارسطکاس

از علماء موسیقی ، و این کتابها از اوست : کتاب الريموس - یکمقاله . کتاب الايقاع - یکمقاله .

مزابا

یخط ابومعشر خوانده‌ام که این شخص منجم بخت نصر ، و این کتاب از او بوده و من این کتابرا ندیده‌ام : کتاب الملوك والدول والقرانات والتحاویل .

ارسطرخس یونانی اسکندرانی

این کتاب از اوست : کتاب جرم الشمس والقمر .

ایون بطریق

و بگمانم این شخص . پیش از اسلام ، یا پس از آن بمدت کمی بوده ، و این کتاب از اوست : کتاب العمل بالاسطرلاب المسطح .

کنکه هندی

این کتابها از اوست : کتاب النمودار فی الاعمار . کتاب اسرار الموالید . کتاب القرانات

الکبیر . کتاب القرانات الصغیر .

جودر هندی

این کتاب از اوست : کتاب الموالید - بمری .

منجهل هندی

این کتاب از اوست : کتاب اسرارالمسائل .

تق' هندی

این کتاب از اوست : کتاب الموالید الکبیر .

و از علماء هند که تألیفاتشان

در نجوم و طب بما رسید .

باکهر . راحه . صکه . انکر^۲ . زنکل . اریکل . جیهر . اندو . جیاری .

طبقة نوآموختگان از مهندسان

و اصحاب حیل و اعداد ، و غیره

بنوموسی^۲

محمد و احمد و حسن ، پسران موسی بن شاکر ، که نژادش از... و این گروه برای

۱- ف (نهق) . ۲- ف (آنکر) . ۳- فلوکل در تعلیقاتش من ۱۲۶-۱۲۷ آورده است ؛ بنوموسی بن شاکر خانواده ایست که مشهورترین چیزیکه بآنها نسبت داده شده کتاب معروف ، بحیل بنوموسی بوده ؛ و نامشان محمد و احمد و حسن ، و فرزندانشان بعدها بنو منجم شهرت یافتند . پدرشان موسی بن شاکر از ملازمان مأمون بود ، و مأمون بیاس حق او فرزندانش را مورد رعایت و توجه قرار داد . موسی اهل علم و ادب نبود . بلکه در جوانی با لباس سربازی راهزنی مینمود ، و مرد دلبر و با تجربه بود که نماز اول شب را با همسایگانش در دنباله پاورقی در صفحه بعد

بدست آوردن علوم باستانی تا آخرین مرحله سعی و کوشش رفته ، و از بذل مال و تشویق

دنباله باورقی از صفحه قبل

در مسجد برگزار میکرد . سپس بیرون آمده ، فرسنگها در راه خراسان طی میکرد و راه را بر مردم میگرفت . و اسب کهری داشت که دست و پای آنرا با پارچه سفید میبست تا اگر کسی او را ببیند گمان کند که بر اسب دست و پا سفیدی سوار است ، و پوشاک خود را عوض میکرد ، و نقاب میگذاشت ، و جاسوساش ویرا از حرکت قافله ، و مسافران مالدار آگاه مینمودند ، و چه بسا که با آنان بجنگ و ستیزه میافتاد ، و آنان را مغلوب میکرد . و صبحگاهان همه ویرا در مسجد میدیدند که با آنها نماز را ادا مینماید . پس از چندی کارش شهرت پیدا کرده و مردم بوی ظنن شدند . ولی در اثر گواهی گروهی که او نماز را در مسجد با آنها ادا مینموده است مردم با شتاب افتادند ، و او نیز پس از چندی از این کار دست برداشت ، و توبه کرده و مرگ او را در ربود . از او سه کودک بجا ماند ، و مأمون آنها را با اسحاق بن ابراهیم مصعبی سپرد ، و او هم آنها را نزد یحیی بن ابومنصور ، در بیت الحکمه جای داد ، و مأمون از شهرهای روم مرتباً با اسحاق نامه‌هایی درباره مواظبت از آنها مینوشت ، که اسحاق میگفت ، مأمون مرا دایه و پرستار پسران موسی بن شاکر کرده است . و این کودکان روزگار را بسختی و بدی میگذرانند و جیره و مواجب کمی داشتند بهمانگونه که اصحاب مأمون را - برسم خراسانیان ، جیره و مواجب کم بود . پسران موسی بن شاکر در علم و دانش خوب از کار درآمده ، و ابوجعفر که بزرگتر و برتر از همه بود ، از هندسه و نجوم بهره زیادی پیدا کرده و اقلیدس و مجسطی را بخوبی میدانست . و کتاب زیادی در نجوم ، و هندسه ، و اعداد ، و منطق جمع کرده ، و پیش از ورود بخدمت ، برای جمع آوری کتاب شور و شوقی داشت ، و بردباری زیادی از خود نشان میداد . و از سرکردگان برجسته بشمار میرفت . و زمانیکه ترکان پیروزی یافتند ، و دولت را بدست گرفتند ، و دولت خراسانیان از میان رفته ، و بمراق منتقل گردید ، جاه و منزلتش فزونی یافته ، و در زندگانش وسعتی دست داده ، و در آمد سالیانه‌اش از مقر خلافت ، و فارس ، و دمشق ، و جاهای دیگر بچهارصد هزار دینار رسید ، و در آمد سالیانه برادرش احمد در حدود هفتاد هزار دینار بود . احمد بیایه برادرش در علم نمیرسید ، جز در علم حیل که در آن پیروزمندیهای بدست آورد ، که نه برادرش و نه کسی دیگر از محققان باستانی ، چون ایدن ، و دیگران بآن پایه نرسیدند ، اما حسن ، که سومی باشد ، در هندسه یگانه زمان خود بود ، و در این باره ذوق طبیعی شگفت انگیزی داشت که در کسی دیده نشده ، و هر چه میدانست ، از روی ذوق طبیعی خود بود . و از کتابهای هندسه تنها شش مقاله اول اقلیدس را در اصول هندسه ، که نیمی از آن کتاب بود خوانده ، ولی در اثر هوش و ذکاوت ، و حافظه فراوانی که داشت ، بقوت فکر خود مسائلی استخراج نمود ، که پیشینیان موفق باستخراج آن نشده بودند ، مانند قسمت زاویه به سه قسمت مساوی ، و چیزهای دیگر - انتهی - و باز دارد ،

و موسی بن شاکر در علم هندسه برجستگی داشت ، او و پسرانش محمد بن موسی با برادرانش ، احمد و حسن ، همگی در ریاضیات و هیئت افلاک ، و حرکات نجوم ، بر هر کس برتری داشتند و موسی بن شاکر از منجمان مأمون بود ، و سه پسرش در هندسه و علم دانایان از همه مردم بودند .

درینی نداشته ، و در این راه بهر گونه سختی تن داد ، و برای دستیابی به علوم ، اشخاصی را بهزین خود بروم فرستادند ، و از هر گوشه و کناری مترجمان را با دادن عطایا و بخششهای گزاف ، بدور خود جمع کرده ، و چیزهای شگفتی بخش حکمت را بمنصه ظهور درآوردند . که بیشترین آن ، در هندسه ، و حیل ، و حرکات ، و موسیقی ، و کمترین آن در نجوم بود .

محمد بن موسی در ماه ربیع الاخر سال دوست و پنجاه و نه ، در گذشت . و احمد بن موسی فرزندی بنام مطهر داشت ، که در ادب کم مایه بود ، و در جر که ندیمان معتقد در آمد . و این کتابها را بنام موسی تألیف کرده اند : کتاب بنوسی فی الفرسطون . کتاب الحیل - تألیف احمد بن موسی . کتاب الشكل المدور المستطیل - تألیف حسن بن موسی . کتاب الحركة الفلك الاولی - یکمقاله ، تألیف محمد . کتاب المخروطات . کتاب ثلث ... تألیف محمد . کتاب الشكل الهندسی الذی بین جالینوس امره - تألیف محمد . کتاب الجزء - تألیف محمد . کتاب بین فیه بطریق تعلیمی و مذهب هندسی انه لیس فی خارج کرة الکواکب الثابتة کرة تاسعة - تألیف احمد بن موسی . کتاب فی اولیة العالم - تألیف محمد . کتاب المسئلة التي القاها علی سند بن علی . احمد بن موسی . کتاب علی مائة الکلام - یکمقاله ، تألیف محمد . کتاب مسائل جرت ایضاً بین سند بن احمد . کتاب مساحة الاکرو قسمة الزوايا بثلاثة اقسام متساوية ، و وضع مقدارین مقدارین لیتوالی علی قسمة واحد .

ماهانی

ابو عبدالله محمد بن عیسی ، از علماء عدد و مهندسان بود ، و این کتابها از اوست : کتاب رساله فی عروش الکواکب . کتاب رساله فی النسبة . کتاب فی ستة و عشرين شکلا من المقالة الاولی من اقلیدس التي لا یحتاج فی شیئی منها الی الخلف .

عباس بن سعید بن جوهری

از دسته رصد کنندگان بود ، و هندسه را بیش از سایر علوم میدانست ، و این کتابها از اوست : کتاب تفسیر کتاب اقلیدس . کتاب الاشکال التي زادها فی المقالة الاولی من اقلیدس .

ثابت بن قره و پسرانش

ابوالحسن ثابت بن قره بن مروان بن ثابت بن کرایان بن ابراهیم بن کرایان بن مارینوس

۱- ف - چون توجهی بنقطه فاصله نداشته بعد از کتاب ثلث علامت استفهام گذاشته است

بن سالامویوس . ولادتش در سال دوپست و بیست و یک ، و وفاتش در سال دوپست و هشتاد و هشت بود ، و هفتاد و هفت سال شمسى زندگانی نمود . وی در حران^۲ صرافى داشت^۳ و محمد بن موسى هنگام برگشتن از روم ویرا با خود آورد چه او را با فصاحت یافت ، و گویند ، وی بر محمد بن موسى قرائت داشته ، و در خانه او آموخته ، و او نیز پیاس حقوقى که براو پیدا کرده بود، ویرا بمعتمد رسانیده ، و در جرگه منجمان معتضد قرارش داد . و ریشه ریاست سائبیان در این بلاد ، و مقر خلافت ، ثابت بن قره بود ، و سپس در احوالشان پایداری و ثباتى نمودار شده . و مرتبتى بلند و براعتى بدست آوردند . ثابت دارای این کتابها بود : کتاب حساب الاهله . کتاب رسالته فى سنة الشمس . کتاب رسالته فى استخراج المسائل الهندسية . کتاب رسالته فى الاعداد . کتاب الشكل القطاع - یکمقاله . کتاب رسالته فى الحججة المنسوبة الى سقراط . کتاب ابطال الحركة فى فلك البروج - یکمقاله . کتاب رسالته فى الحصى المتولد فى المئانة . کتاب وجع المفاسل والنقرس - یکمقاله . کتاب رسالته فى السبب الذى من اجله جعلت مياه البخار مالحة . کتاب رسالته فى البياض الذى يظهر فى البدن . کتاب رسالته الى دانتق . کتاب جوامعه لکتاب جالینوس فى الادوية المفردة . کتاب رسالته فى الجدرى والحصبة .

و از شاگردان او

عیسی بن اسید نصرانیست ، که ثابت ویرا بر همه مقدم میداشت ، و از همه بالاتر میدانست . و عیسی در محضر ثابت کتاب جوابات لمسائل عیسی بن اسید - را از سریانی بعرى در آورد .

سنابن ثابت

مسلمان درگذشت ، و ذکرش در طب خواهد آمد ، و پسرش ابوالحسن را نیز در طب خواهیم گفت ، و همچنین ابوالحسن حرانی ذکرش در طب خواهد آمد .

ابراهیم بن سنان

مکنى با بو اسحاق ، پسر ثابت است ، که هنگام وفات سن زیادى نداشت ، و در علم هندسه با فضل و مقدم بود و بذكاوت او كسى دیده نشده . وفاتش در سال و این کتابها

۱- در متن عربى در خطى و جایی سبع و سبعون است ولى باین حساب با توجه بسال شمسى شصت و پنج سال بیشتر نمیشود.

۲- رجوع شود بصفحه ۱۹ همین کتاب .

۳- ش (وكان صديقنا غيران ...) ف (وكان صيرقيا بخران) .

از اوست : کتاب ما وجد من تفسیره للمقالة الاولى من المخروطات . کتاب اغراض کتاب المجسطی .

ابوالحسین بن کرنیب - و ابوالعلاء پسرش

نام این دونفر در طبیعیون ، هنگام ذکر احمد بن ابوالحسین ، برده شده ، و هر دو از اصحاب علوم تعالیم و هندسه بودند ، و ابوالحسین ، مؤلف این کتابست : کتاب کیف یعلم ماضی من النهار من ساعة من قبل الارتفاع المفروض .

ابومحمد

حسن بن عبیدالله بن سلیمان بن وهب . و این کتاب از اوست : کتاب شرح المشکل من کتاب اقلیدس فی النسبة - یکمقاله .

طبقه دیگری از نوآموختگان

فزاری

ابواسحاق ابراهیم بن جبیب فزاری ، از فرزندان سمرقند بن جنذب ، و او اول کسی است که در اسلام اسطرلاب ساخته و بصورت مطبوع و مسطح عمل مینمودا و این کتابها از اوست : کتاب القصیده فی علم النجوم . کتاب المقیاس للزوال . کتاب الزیج علی سنی العرب . کتاب العمل بالاسطرلاب و هوذات الحلق . کتاب العمل بالاسطرلاب المسطح .

عمر بن فرخان^۲

ابوحفص عمر بن حفص ، مفسر کتاب الاربعه تألیف بطلمیوس ، که ابویحیی بن بطریق

۱- برای دانستن انواع اسطرلاب و عمل بآن رجوع شود بلفتنامه دهندا زیر کلمه اسطرلاب .

۲- عمر بن فرخان ، ابوحفص طبری یکی از روساء مترجمان و صاحبان تحقیق در علم بحركات نجوم و احکام آن است . و ابومعشر بلخی گوید : عمر بن فرخان طبری دانشمند و حکیمی بود که بیحیی بن خالد بن برمک اختصاص داشت ، و پس از او بفضل بن سهل پیوست . در تولد جمفر بن یحیی بن خالد بن برمک در میان قمر و مریخ درجات بسیار کمی دیده میشد که عمر آنها در دوازده ضرب نموده و حکمش صحیح درآمد ، و تا زمانیکه عمر این کار را نکرده بود منجمان را توجهی بآن نبود . و باز ابومعشر در کتاب المذاکرات گوید : ذوالریاستین فضل بن سهل ، عمر بن فرخان را از شهرش طلبیده ، و بمأمون رسانیده ، و او کتابهای زیاد را ترجمه کرد (نقل از تعلیقات فلوککل ص ۱۱۰-۱۱۱ .)

برایش ترجمه کرده بود . و این کتابها از اوست : کتاب المحاسن . کتاب اتفاق الفلاسفة و اختلافهم فی خطوط الكواكب .

پسرش ابوبکر

محمد بن عمر بن حفص بن فرخان طبری، از فضلاء منجمان ، و این کتابها از اوست : کتاب المقیاس . کتاب الموالید . کتاب العمل بالاسطرلاب . کتاب المسائل . کتاب المدخل . کتاب الاختیارات . کتاب المسائل الصغیر . کتاب تحویل سنی الموالید . کتاب التسیرات . کتاب المیالات . کتاب تحویل سنی العالم . کتاب التسیرات فی الموالید .

ماشالله بن اتری

نامش میشی ، بمعنی بشرو ، و یهودی است که از دوران منصور تا مأمون بود ، و یکی از فضلائی است که در احکام نجومی یگانه عصر خود بشمار میرفت . و این کتابها از اوست : کتاب الموالید الکبیر - مشتمل بر چهارده کتاب : کتاب الواحد والعشرین فی القرائات والادیان والملل . کتاب مطرح الشعاع . کتاب المعانی . کتاب صنعة الاسطرلاب والعمل بها . کتاب ذات الحلق . کتاب الامطار والرياح . کتاب السهمین . کتاب المعروف بالسابع و - العشرين - کتاب الاول . ابتداء اعمال . کتاب الثانی علی دفع التدیر . کتاب الثالث فی المسائل . کتاب الرابع فی شهادات الكواكب . کتاب الخامس فی الحدوث . کتاب السادس فی تسییر النیرین و ما یدلان علیه . کتاب الحروف . کتاب السلطان . کتاب السفر . کتاب الاشعار . کتاب الموالید . کتاب تحویل سنی الموالید . کتاب الدول والملل . کتاب الحکم علی الاجتماعات والاستقبالات . کتاب المرضی . کتاب الصور والحکم علیها .

ابوسهل فضل بن نوبخت

از نژاد ایرانیان است، و مانسب خاندان نوبخت را در کتاب المتکلمین بطور تفصیل ذکر نمودیم ، و او در خزانه الحکمة هارون الرشید بود، و ترجمه هائی از فارسی به عربی دارد ، و پایه دانش او بر کتابهای ایرانیان است و این کتابها از اوست : کتاب النهمطان فی الموالید . کتاب الفال النجومی . کتاب الموالید - تنها باین نام . کتاب تحویل سنی الموالید . کتاب المدخل .

کتاب التشبيه والتمثيل . کتاب المنتحل من اقاويل المنجمين في الاخبار والمسائل والموايد
وغيرها .

سهل بن بشر

ابو عثمان سهل بن بشر بن علی ، که ویرا هیا یهودی میگفتند . وی بطاهر بن حسین
اعور و بعد بحسن بن سهل خدمت کرده و دانشمند با فضلی بود . این کتابها از اوست :
کتاب مفاتیح القضاء ، وهو المسائل الصغیر . کتاب السهمین . کتاب الموايد الكبير . کتاب
تحويل سنی العالم . کتاب المدخل الصغیر . کتاب المدخل الكبير . کتاب الهيئة و علم الحساب .
کتاب تحاويل سنی الموايد . کتاب الموايد الصغیر . کتاب المسائل الكبير . کتاب الاختيارات .
کتاب الاوقات . کتاب المفتاح . کتاب الامطار والرياح . کتاب المعاني . کتاب الهيلاج و
الكدخدا . کتاب الاعتبارات . کتاب الكسوفات . کتاب التركيب . و کتاب بزرگی مشتمل بر
سیزده کتاب دارد ، و در آن کتابهای مهم خود را ذکر ، و آنرا کتاب العاشر - نامیده ، و
در خراسان تصنیف کرده است . و چنانکه شنیده ام ، رومیان کتاب الجبر والمتابله او را
گرامی دارند ، و ستایش کنند .

خوارزمی

نامش محمد بن موسی ، از مردم خوارزم^۱ و در خزانه الحکمه مأمون بوده و از عالمان
هیئت بشمار میرفت . و مردم چه پیش از رصد کواکب و چه پس از آن ، بر زیج اول و دوم وی
که معروف بسند و هند است اتکاء داشتند ، و این کتابها از اوست : کتاب الزیج - در دو
نسخه . اول ، و دوم . کتاب الرخامة . کتاب العمل بالاسطرلاب . کتاب عمل الاسطرلاب .
کتاب التاريخ .

سند بن علی یهودی

کنیه اش ابوالطیب ، در ابتداء یهودی بود . و بعد بردست مأمون اسلام آورده ، و در
جرگه منجمان او درآمد . و کلیسای پشت باب الشماسیه^۲ را ، که در حریم خانه معزالدوله

۱- رجوع شود بصفحه ۱۹۲ همین کتاب .

۲- باب الشماسیه - محله ایست در بغداد که در شمال محله رصافه و محله ابوحنیفه بنا

شده و باب الشماسیه بآن نسبت داده میشود . (دلیل خارطة بغداد ص ۱۰۹) .

است بساخت ، و او از جمله رصدکنندگان بود که همیشه بکار رصد اشتغال داشت . و این کتابها از اوست : کتاب المنفصلات و المتوسطات . کتاب القواطع - دو نسخه است . کتاب الحساب الهندی . کتاب الجمع والتفریق . کتاب الجبر والمقابلة .

یحیی بن ابومنصور

که شرح حالش را پیش از این گفته ایم ، وی در دوران مأمون یکی از رصدکنندگان بود . و در یکی از شهرهای روم وفات یافته ، و این کتابها از اوست : کتاب الزیج الممتحن - دو نسخه است ، اول و دوم . کتاب مقالة فی عمل ارتفاع سدس ساعة لعرض مدينة السلام . کتاب یحتوی علی ارساد له و رسائل الی جماعة فی الارصاد .

حبش بن عبدالله

مروزی ، از محاسبان ، و یکی از رصدکنندگان بود که پیش از صد سال عمر کرد ، و این کتابها از اوست : کتاب الزیج الدمشقی . کتاب الزیج المأمونی . کتاب الابعاد والاجرام . کتاب عمل الاسطرلاب . کتاب الرخائم و المقاییس . کتاب الدوائر الثلاث المماسة و کیفیة الاوصال . کتاب عمل السطوح المبسوطة والقائمة والمائلة و المنحرفة .

ابن حبش

ابوجعفر بن احمد بن عبدالله بن حبش ، و این کتاب از اوست : کتاب الاسطرلاب المسطح .

ایح

نامش حسن بن ابراهیم ، و در دوران مأمون بوده ، و این کتابها از اوست : کتاب الاختیارات - برای مأمون تألیف کرد . کتاب المطر . کتاب الموالید .

حکایتی از روی نوشته ابن مکتفی

که گوید ، در کتابی بخط ابن جهیم این حکایت را خوانده ام : کتاب المدخل را ، سند بن علی تألیف ، و بابومعشر اهداء کرده بود ، و ابومعشر آنرا بخود بسته ، در صورتیکه او نجوم را در سالخوردگی آموخته ، و عقلش باین پایه نمیرسید ، که يك چنین کتابی را

تألیف کند ، یا آن نه مقالات را در موالید بنگارد ، و یا کتاب فی القرائات را که منسوب باین با زیار است ، از کار درآورد . و تمام اینها از سندین علی بود .

حسن بن سهل بن نوبخت

این کتاب از اوست : کتاب الافواء .

ابن با زیار

محمد بن عبدالله بن عمر بن با زیار ، شاگرد حبش بن عبدالله ، از دانشمندان و برجستگان در صناعت نجوم بوده ، و این کتابها از اوست : کتاب الاهویة - نوزده مقاله - کتاب الزیج . کتاب القرائات و تحویل سنی العالم . کتاب الموالید و تحویل سنی الموالید .

خرزادین دارشاد محاسب

غلام سهل بن بشر ، و یهودی بود ، و این کتابها از اوست : کتاب الموالید . کتاب الاختیارات .

بنو صباح

محمد ، و ابراهیم ، و حسن . همگی از منجمانی بودند که در علم هیئت و احکام مهارت داشتند ، و این کتابها از ایشان است : کتاب برهان صنعة الاسطرلاب این کتاب تألیف محمد است که ناتمام مانده ، و ابراهیم آن را تمام نمود . کتاب عمل نصف النهار بقیسة واحده بالهندسه - تألیف این را نیز محمد آغاز و حسن پایان رسانید . کتاب رساله محمد فی صنعة الرخامات .

حسن بن خصیب

یکی از ماهران در صنعت نجوم است ، و این کتابها از اوست : کتابی که آنرا - الکار مهتر نامیده و مشتمل بر این چهار کتاب است : کتاب المدخل الی علم الهيئة . کتاب تحویل سنی العالم . کتاب الموالید . کتاب تحویل سنی الموالید .

خیاط

ابوعلی یحیی بن غالب، و بقولی، اسماعیل بن محمد، شاگرد ماشاالله، از فاضلان در نجوم، و این کتابها از اوست: کتاب المدخل، کتاب المسائل، کتاب المعانی، کتاب الدول، کتاب الموالد، کتاب تحویل سنی الموالد، کتاب المنثور - برای یحیی بن خالد تألیف کرد، کتاب قضیب الذهب، کتاب تحاویل سنی العالم، کتاب النکت.

عمر بن محمد هرورودی

از رصدکنندگان با فضلی بود، و این کتابها از اوست: کتاب تعدیل الکواکب، کتاب صنعة الاسطرلاب المطح.

حسن بن مصباح^۱

از علماء هیئت، و سایر امور هندسه بود، و این کتابها از اوست: کتاب الاشکال والمسائح، کتاب الكرة، کتاب العمل بذات الحلق.

ابومعشر

ابو معشر جعفر بن محمد بلخی، در ابتدا از اصحاب حدیث بود، و در طرف غربی باب خراسان^۲ اقامت داشت. بکنندی بدین بود و بسا او کینه ورزی مینمود، و مردم را بر او میثورانید و فلسفه دانستن را از معایش میشمرد، کنندی دسیمة بکار برده، و کسی را وادار کرد که ویرا تشویق و ترغیب بدانستن حساب و هندسه نماید، و او در این رشته داخل شده، و چون نتوانست بجائی رسد، از آن عدول کرده، و بدانستن علم احکام نجوم پرداخت و همین کار سبب شد که دست از نکوهش کنندی برداشته و کنندی از شر او در امان ماند، زیرا آن نیز از همان نوع معلومات کنندی بود. گویند ابومعشر در سن چهل و هفت سالگی علم نجوم را فرا گرفت، و در آن فاضل و صاحب نظریات صائبی گردید، و برای آنکه وقوع امری را پیشگوئی کرده، و همانطور هم درآمد، مستعین او را بتازیانه بست،

۱- ف (الحسن بن الصباح). ۲- باب خراسان در شمال شرقی بغداد، و

یکی از چهار دروازه ایست که منصور خلیفه عباسی هنگام بنامودن مدینة السلام در سال ۱۴۵ هجری ساخته و آنرا باین نام خواند (ر. ک. دلیل خارطة بغداد ص ۴۸).

و از این جهت همیشه میگفت ، بکیفر پیشگوئی درستی که کرده بودم ، رسیدم . وی بیش از صد سال زندگانی کرد ، و در روز چهارشنبه ، در شب باخر ماه رمضان سال دویست و هفتاد و نه ، در واسط^۱ وفات یافت ، و این کتابها از اوست : کتاب المدخل الکبیر - در هشت فصل . کتاب المدخل الصغیر . کتاب زیج الهزارات - در هفتاد^۲ و اندی باب . کتاب الموالید الکبیر - که باتمام نرسانده ، و آنچه از آن در دست است ...^۳ کتاب هیئة الفلک و اختلاف طلوعه - پنج فصل . کتاب الکدخداه . کتاب الهیلاج . کتاب القرانات - که بابن بازیار نوشته است . کتاب سنی العالم - ملقب بنکت . کتاب الاختیارات . کتاب الاختیارات علی منازل القمر . کتاب الالوف - هشت مقاله . کتاب الطبائع الکبیر - در پنج جزء ، که خود ابومعشر آنرا چنین جزو بندی نموده . کتاب السهمین و اعمار الملوک و الدول . کتاب زائرجات و الاثتها آت و الممرات . کتاب اقتران النحسین فی برج السرطان . کتاب الصور و الحکم علیها . کتاب الصور و الدرج و الحکم علیها . کتاب تحویل سنی الموالید - هشت مقاله . کتاب المزاجات - که بسیار کمیاب بود و بعد پیدا شد . کتاب الانواء . کتاب المسائل - مجموعه ایست . کتاب اثبات علم النجوم . کتابی که موارد آنرا جمع کرد و ناتمام گذاشت و قصدش این بود که آنرا - کامل - یا - المسائل نامد . کتاب الجمهرة - و در آن گفته های دیگران را درباره - موالید - جمع نموده است . کتاب الاصول - ابوعنسی آنرا از خود میدانست . کتاب تفسیر المنامات من النجوم . کتاب القواطع علی الهیلاجات . کتاب الموالید الصغیر - دو مقاله در سیزده فصل . کتاب زیج القرانات و الاحتراقات . کتاب الاوقات علی اثنا عشریة الکواکب . کتاب السهام - یعنی سهام خوردنیها و پوشاکیها ، و بوئیدنیها ، و ارزانی و گرانی و حکم درباره آنها . کتاب الامطار و الریاح و تغیر الالهویة . کتاب طبائع البلدان و تولد الریاح . کتاب العیل فی تحویل سنی العالم .

و ابومعشر از عبدالله بن یحیی برمکی ، و محمد بن جهم برمکی حکایت میکرد ، و آنها را در دانش برتر از دیگران میدانست^۴ .

عبدالله بن مسرور نصرانی

غلام ابومعشر ، و این کتابها از اوست : کتاب مطرح الشعاع . کتاب تحویل سنی العالم

۱- رجوع شود بصفحه ۲۴۱ این کتاب .

۲- ف (شصت و اندی) .

۳- ف اشاره بفاصله و جای خالی ندارد .

۴- ش - در پای این صفحه دارد (مقابله شد) .

والحکم علیها . کتاب تحاویل سنی الوالد .

عطار دین محمد

حسابدانی منجم ، و فاضلی دانشمند بود ، و این کتابها از اوست : کتاب الجفر الهندی - تفسیر خود او . کتاب العمل بالاسطرلاب . کتاب العمل بذات الحلق . کتاب ترکیب الافلاک . کتاب المرايا المحرقة .

یعقوب بن طارق

از فضلاء منجمان ، و این کتابها از اوست : کتاب تقطیع کردجات الجیب . کتاب ما ارتفع من قوس نصف النهار . کتاب الزیج محلول فی السند هند لدرجة درجة - که دو کتابست ، یکی در علم الفلك - دومی در علم الدول .

ابوعنبر صیمری

پیش از این بتفصیل گفته شده ، و او از منجمان بود ، و این کتابها از اوست : کتاب الموالد . کتاب المدخل الی علم النجوم .

ابن سیویه

یهودیست و نامش این کتابها از اوست : کتاب المدخل الی علم النجوم . کتاب الامطار .

علی بن داود

با فضل و منجم برجسته بود ، و این کتاب از اوست : کتاب الامطار .

ابن اعرابی

ابوالحسن علی بن اعرابی ، از مردم کوفه ، از فاضلان برجسته در کار خود بوده و بشیانی معروفیت داشت ، زیرا از بنی شیبان بود . و این کتاب از اوست : کتاب المسائل والاختیارات .

حارث بن منجم

همیشه با حسن بن سهل بود ، و از فضائلیست که ابومعشر از او حکایت میکرد ، و از کتابهای اوست . کتاب الزیج .

مصیعی

ابوالحسین علی بن ...^۱ مصیعی . و از کتابهای اوست : کتاب القرائات .

ابن ابوقرّه

کنیه اش ابوعلی ، و از منجمان علوی بصری بود ، و این کتاب از اوست : کتاب الملقه فی کسوف الشمس والقمر - که برای موفق تألیف کرد .

ابن سمعان

نامش محمد بن عبدالله ، و غلام ابومعشر بود . این کتاب از اوست : کتاب المدخل الی علم صناعة النجوم .

فرغانی

نامش محمد بن کثیر ، منجم فاضلی بود که در کار خود برجستگی داشت . و این کتابها از اوست : کتاب الفصول اختیار المجسطی . کتاب عمل الرخامات .

ابن ابورافع

ابوالحسن ، از فضلاء بود ، و این کتاب از اوست : کتاب اختلاف الطلوع .

پسر او ابومحمد

عبدالله بن ابوالحسن بن ابورافع . و این کتاب از اوست : کتاب رسالته فی الهندسة .

۱- ف اشاره بفاصله و جای خالی ندارد .

ابن ابوعباد

محمد بن عیسی ، مکنی بابوالحسن ، و بیش از این چیزی از او نمیدانیم . و این کتاب از اوست : کتاب العمل بذات الشعبین و غیرها - یکمقاله .

نیریزی

ابوالعباس فضل بن حاتم نیریزی ، در علم نجوم ، بویژه در علم هیئت انگشت نما بود ، و این کتابها از اوست : کتاب الزیج الکبیر ، کتاب الزیج الصغیر ، کتاب سمت القبلة ، کتاب تفسیر کتاب الاربعة لبطلمیوس ، کتاب احداث الجو ، که برای معتضد تألیف کرد . کتاب البراهین فی تهیئة آلات یتبین فیها ابعاد الاشياء .

بتانی

ابوعبدالله محمد بن جابر بن سنان رقی ، نژادش از حران^۲ و صابئی بوده ، و آغاز او برصد کردن ، بنا بگفته جعفر بن زکریا ، که گوید از خود بتانی پرسیده ، و او در جوابش گفته است : از سال دوپست و شصت و چهار شروع و تا سال سیصد و شش ادامه داشته ، و کواکب ثابته را در زیج سال دوپست و نود و نه خود ، بثبت رسانده . وی بابنی زیات از مردم رقه^۳ برای دادخواهی از ستمهایی که بر آنها شده بود پیغام آمده و هنگام مراجعت در قصر الجص^۴ سال سیصد و هفده وفات یافت و این کتابها از اوست : کتاب الزیج - دو نسخه است ، اولی ، و دومی ، که دومی بهتر از اولیست . کتاب معرفة مطالع البروج فیما بین ارباع الفلك و تصرف رسالته فی تحقیق اقدار الاتصالات . و آنرا برای ابوالحسن بن قرات تألیف نمود .

۱- ف (وتهیئة) . ۲- رجوع شود بصفحة ۱۹ این کتاب .

۳- رجوع شود بصفحة ۱۳۰ این کتاب .

۴- قصر الجص - قصر بسیار با شکوهی است نزدیک سامراء بالای هارونی که معتصم برای خوشگذرانی ساخت . و در همانجاست که بختیار پسر معزالدوله را ، بامر عمویش عضد الدولة بقتل رساندند (معجم البلدان) .

ابن اماجور

ابو القاسم عبدالله بن اماجور، از فرزندان فراغت^۱، و از فضلا بوده، و این کتابها از اوست: کتاب القن، کتاب الزیج المعروف بالخالص، کتاب زادالمسافر، کتاب الزیج المعروف بالمزهر، کتاب الزیج المعروف بالبديع، کتاب زیج السندهند، کتاب زیج الممرات.

پسر او ابوالحسن

علی بن ابوالقاسم، و از کتابهای اوست

هروی^۲

نامش یوسف بن و این کتاب از اوست: کتاب الزرق النجومی - در حدود سصد ورق .

ابوزکریا

حبوب^۳ بن عمرو بن یوحنا بن صلت، و این کتاب از اوست: کتاب الاحتجاج فی صحة النوم والاحکام فیها .

صیدانی

نامش عبدالله بن حسین^۴ حسابدان و منجم، و این کتابها از اوست: کتاب شرح کتاب محمد بن موسی الخوارزمی فی الجبر، کتاب شرح کتابه فی الجمع والتفریق، کتاب فی صنوف الضرب والقسمه .

دندانی

از قدیمیان است، و نامش عبدالله بن علی نصرانی، و کنیه اش ابوعلی، و این کتاب از

۱- ف (الفراغنه) . ۲- ف (الهرونی) .

۳- ش - بی نقطه است در (ف) (جنون) و ظاهراً حبوب است . ۴- ف (الحسن) .

اوست : کتاب صناعة التنجیم - که آنرا دیدمام و خیلی کهنه بود .

طبقه دیگری از منجمان و مهندسان

تازه کاریکه جایشان معلوم نشد

آدمی

ابوعلی حسین بن محمد ، و این کتاب از اوست : کتاب انحرافات الخیطان^۱ و عمل الساعات .

حنانی^۲

مکنی بابوالفضل ، نامش ... و این کتاب از اوست : کتاب الزیج الهندسی .

ابن باغار^۳

عباس بن باغار^۳ بن ربیع ، مکنی بابوربیع ، از صاحبان علم هیئت است ، و این کتاب از اوست : کتاب قسمة المعمور من الارض و هیئة الدنيا .

ابن ناجیه

نامش محمد بن ... کاتب ، و این کتاب از اوست : کتاب المساحة .

ابوعبدالله

محمد بن حسن بن اخوهشام شطوی ، و این کتابها از اوست : کتاب عمل الرخامة المنحرفة . کتاب عمل الرخامة المطبلة و منعة البنادق و عمل الارتفاع والسموات .

معاسبان و اصحاب اعداد

که تازه کار بودند

۱- ف (الحرافات والخیطان) .

۳-۴۳- ف (باغان) .

۲- ف (الحياني) .

عبد الحمید

ابوالفضل عبدالحمید بن واسع بن ترك خنلی ، از محاسبان است ، و کنیه اش را ابو- محمد گفته اند . این کتابها از اوست : کتاب الجامع فی الحساب - مشتمل بر شش کتاب . کتاب العلامات^۱ . (کتاب ...)

ابوبرزه

فضل بن محمد بن عبدالحمید بن ترك بن واسع خنلی ، و این کتابها از اوست : کتاب المعاملات . کتاب المباحة .

ابوكامل

ابوكامل شجاع بن اسلم بن محمد بن شجاع محاسب ، از مردم مصر ، و از فضلاء و محاسبان و علماء بود و این کتابها از اوست : کتاب الفلاح . کتاب مفتاح الفلاح . کتاب الجبر والمقابلة . کتاب العصير . کتاب الطير . کتاب الجمع والتفريق . کتاب الخطائين . کتاب المباحة والهندسة . کتاب الكفاية .

سنان بن فتح

از مردم حران^۲ و در صناعت حساب و عدد برجستگی داشته ، و این کتابها از اوست : کتاب التحت فی الحساب الهندی . کتاب الجمع والتفريق . کتاب شرح الجمع والتفريق . کتاب الوصايا . کتاب حساب المكعبات . کتاب شرح الجبر والمقابلة للخوارزمی .

ابو يوسف مصیصی

نامش یعقوب بن محمد محاسب ، و این کتابها از اوست : کتاب الجبر والمقابلة . کتاب الوصايا . کتاب تضاعيف بيوت الشطرنج . کتاب الجامع . کتاب نسبة النین . کتاب جوامع الجامع . کتاب الخطائين . کتاب حساب الدور .

۲- رجوع شود بصفحة ۱۹ این کتاب .

۱- ف (المعاملات) .

رازی

یعقوب بن محمد، مکنی یا بویوسف، و این کتابها از اوست : کتاب الجوامع فی الحساب .
کتاب التحت . کتاب حساب الخطائین . کتاب الثلاثین المسئلة الغریبه .

محمد بن یحیی

بن اکثم قاضی ، و این کتاب از اوست : کتاب مسائل الاعداد .

کرایسی

احمد بن عمر ، از مهندسان فاضل ، و از علماء عدد بوده ، و این کتابها از اوست :
کتاب تفسیر اقلیدس . کتاب حساب الدور . کتاب الوصایا . کتاب مساحة الحلقة . کتاب الهندی .

احمد بن محمد محاسب

بیش از این درباره او چیزی بدست نیامده ، و از کتابهای اوست : کتاب الی محمد
بن موسی فی التیل . کتاب المدخل الی علم النجوم . کتاب الجمع والتفریق .

مکی

جعفر بن علی بن محمد مهندس مکی ، و این کتابها از اوست : کتاب فی الهندسة .
رسالة المكعب .

اصطخری

از محاسبان و نامش ... و این کتابها از اوست : کتاب الجامع فی الحساب . کتاب
شرح کتاب ابی کامل فی الجبر .

مردیکه معروف بمحمد بن لره بود

از محاسبان و مردم اصفهان است ، و این کتاب از اوست : کتاب الجامع فی الحساب .

مهندسان ، و اعدادیان و منجمان تازه کار

که حیاة و مماثشان بزمان ما نزدیکت

یوحنا قیس

نامش یوحنا بن یوسف بن حارث بن بطریق قیس ، از کسانی است که کتاب اقلیدس و سایر کتابهای هندسه را برای قرائت می کردند ، و ترجمه های از یونانی دارد. وی از فنلایه بود ، و در سال ... وفات یافت . این کتابها از اوست : کتاب اختصار جدولین فی هندسه . کتاب مقاله فی البرهان علی انه متى وقع خط مستقیم علی خطین مستقیمین موضوعین فی سطح واحد صیر الزاویتین الداخلتین الی فی جهة واحدة ، انص من زاویتین قائمتین .

ابن روح صابی

ابوجعفر عازن

نامش ... و این کتابها از اوست : کتاب زیج الصفائح . کتاب المسائل المدیه .

علی بن احمد عمرانی

از مردم موصل ، از فنلایه و علاقمندان جمع کردن کتاب بود ، و مردم از جاهای دور برای قرائت باو روی می آوردند ، و در سال سیصد و چهل و چهار وفات یافت ، و از کتابهای اوست : کتاب شرح کتاب الجبر والمقابله لای کامل .

ابوالوفاء

محمد بن محمد بن یحیی بن اسماعیل بن عباس ، وی در روز چهارشنبه اولمآه رمضان سال سیصد و بیست و هشت در بوزجان^۱ ، از شهرهای نیشابور بدنیا آمده ، و آنچه بحساب و عددیات ارتباطی داشت ، برعموی خود ابوعمرو مفازلی ، و دانی خود ابو عبدالله محمد

۱- بوزجان - شهر کوچکی است میان نیشابور و هرات و بنیفاپور نزدیکتر است

(معجم البلدان) .

بن عتبه قرائت نمود . و ابو عمرو هندسه را بر ابو یحیی مارودی ، و ابوالعلاء بن کرئیب قرائت داشته است . ابوالوفاء در سال چهل و هشت بیغداد نقل مکان کرده ، و این کتابها از اوست : کتاب ما یحتاج الیه العمال و الکتاب من صناعة الحساب - و آنرا بهفت منزل ، و هر منزلی را بهفت باب در آورده ، منزل اول - در نسبت . منزل دوم - در ضرب و تقسیم . منزل سوم - در کارهای مساحی . منزل چهارم - در کار خراج . منزل پنجم - در کار مقاسمه و سهم بندی . منزل ششم - در سرافسی . منزل هفتم - در معاملات تجارتنی . کتاب تفسیر کتاب الخوارزمی فی الجبر و المقابلة . کتاب المدخل الی الارثماطیقی - یکمقاله . کتاب تفسیر کتاب ذیوفنطس فی الجبر . کتاب ابرخس فی الجبر . کتاب فیما ینبغی ان یحفظ قبل کتاب ارثماطیقی . کتاب البراهین علی القضا یا الی استعمال ذیوفنطس فی کتابه و علی ما استعمله هو فی التفسیر . کتاب استخراج ضلع المكعب بمال مال و ما یترکب منهما - یکمقاله . کتاب معرفة الدائرة من الفلك - یکمقاله . کتاب الكامل - در سه مقاله ، مقاله اول در اموری که باید پیش از حرکت کواکب بدانی . مقاله دوم - در حرکت کواکب . مقاله سوم - در اموری که بر حرکت کواکب عارض میشود . کتاب زیج الواضح - در سه مقاله . اولی در چیزهایی که باید پیش از حرکت کواکب بدانی . دومی - در حرکات کواکب . سومی - در چیزهایی که عارض حرکت کواکب میشود . و از کتابهای عموی او ابوسعید است : کتاب مطالع العلوم للمتعلمین - در حدود شصت ورق .

کوهی

ابوسهل و یحیی بن رستم ، از مردم یکی از کوهستانهای طبرستان ، و این کتابها از اوست : کتاب مراکز الاکر - ناقص . کتاب الاصول علی نحو کتاب اقلیدس - و آنچه از آن بدست آمد ، کتاب البرکار التام - دو مقاله . کتاب صنعة الاسطرلاب بالبراهین - دو مقاله . کتاب احداث النقط علی الخطوط . کتاب علی المنطقین فی توالی الحرکتین - در یاری از ثابت بن قره . کتاب مراکز الدوائر علی الخطوط من طریق التحلیل دون التریکب . (کتاب فی اخراج الخطین علی نسبة . کتاب فی الدوائر المماسة من طریق التحلیل) کتاب الزیادات علی ارشمیدس فی المقالة الثانية . رسالة فی استخراج الضلع المسبع فی الدائرة .

غلام زحل

ابوالقاسم عبدالله بن حسن ، از مردم ... و این کتابها از اوست : کتاب التیسرات -

یکمقاله . کتاب الشعاعات - یکمقاله . کتاب احکام النجوم . کتاب التسیرات والشعاعات - بزرگت . کتاب الجامع الكبير . کتاب الاسول المجردة . کتاب الاختیارات . کتاب الانفصالات .

صوفی

ابوالحسین عبدالرحمن بن عمر ، از فضلاء و منجمان است و وقتیکه عضدالدوله در شاذکوه^۱ بود باو خدمت میکرد . تولدش در... و وفاتش در سال... بود ، و این کتاب از اوست :
کتاب الکواکب - با تصویر .

انطاکی

ملقب بمجتبی ، نامش . . . و تقریباً در حدود سیمد و هفتاد و شش وفات یافت ، و این کتابها از اوست : کتاب التحت الكبير فی الحساب الهندی . کتاب فی الحساب علی التحت بلامحو . کتاب تفسیر الارثماطیتی . کتاب استخراج التراجم . کتاب تفسیر اقلیدس . کتاب فی المكعبات .

کلواذانی

ابونصر محمد بن عبدالله کلواذانی^۲ محاسب ، از فاضلان در حساب است که در زمان ما حیات دارد و از کتابهای اوست : کتاب التحت فی الحساب الهندی .

قصرانی

نامش

سخن درباره آلات و سازندگان آنها

اسطرلابها در قدیم مبطح^۳ بود ، و اول کسیکه آن را ساخت بطلمیوس است ، و گویند پیش از وی ساخته شده ، و بطور تحقیق نمیتوان در این باره نظری داشت . و اول کسیکه اسطرلاب مسطح را ساخت اییون بطریق بود ، و آلات آن در شهر حران^۴ ساخته میشد .

۱ - شاذکوه - از محال گرگان است (معجم البلدان) . ۲ - ر.ک . بصفحه ۲۱۵ این کتاب .

۳ - ف (مسطحة) . ۴ - رجوع شود بصفحه ۱۹ این کتاب .

و از آنجا پیدا شده و انتشار یافت ، ولی بعد متوقف گردیده ، و در دولت بنی عباس از دوره مأمون تا زمان ما دائرة عمل صنعتگران و سازندگان آن توسعه یافت ، زیرا مأمون هنگامیکه میخواست کواکب را رصد نماید از ... ابن خلف مرورودی آنرا خواسته ، و او ذات الحلق^۱ را برایش ساخت ، که همان ساخته او در پیش یکی از علماء شهر ما میباشد . و مرورودی اسطرلاب را ساخته است .

نام سازندگان

ابن خلف مرورودی . فزاری که در پیش گفته شد . علی بن عیسی غلام مرورودی . خفیف غلام علی بن عیسی . که فاضل و ماهر در این کار بود . احمد بن خلف غلام علی بن عیسی . و محمد بن حلف ، باز غلام علی . احمد بن اسحاق حرانی . ربیع بن فراس حرانی . بیطولس^۲ غلام خفیف . علی بن احمد مهندس - غلام خفیف . محمد بن شداد بلدی (غلام بیطولس) . علی بن سرد حرانی (غلام بیطولس) . شجاع بن . . . غلام بیطولس - که با سیف الدوله بود . ابن سلام ، غلام بیطولس . هجلی اسطرلابی ، غلام بیطولس . عجلیه دخترش ، که با سیف الدوله بود ، شاگرد بیطولس .

و از غلامان احمد و محمد پسران خلف

جابر بن سنان حرانی ، و جابر بن قره حرانی ، و سنان بن جابر حرانی ، و فراس بن حسن حرانی . و ابوربیع حامد بن علی ، غلام علی بن احمد مهندس بودند .

و از غلامان حامد بن علی

ابن نجیه ، نامش ... و بوقی که نامش حسین بود ، و بعد آنرا بدل بعبداصمد کرد .

و این اشخاص نیز از سازندگان

آن آتاند

علی بن یعقوب رصاص . علی بن سعید اقلیدسی . احمد بن علی بن عیسی - که نزدیک بزمان ما بود .

۱- نوعی از اسطرلابست (ر. ک. افتنامه دهخدا کلمه اسطرلاب ستون اول و دوم ص ۲۲۸۸) .
۲- ف (قطسطولس) .

قره بن قمیطا حرانی

این شخص صورتی از صفت دنیا ساخته است که ثابت بن قره حرانی آنرا نسبت بخود داده ، و من آنرا روی جامه دبیقی^۱ که از کرباس بود دیدم ، با رنگ آمیزی که رنگهایش آمیخته بموم بود .

نام کتابهاییکه در حرکات

تألیف شده

کتاب عمل الاله التي تطرح البنادق - تألیف ارشمیدس . کتاب الدوائر والدوالیب - تألیف هرقل نهار . کتاب فی الاشياء المتحركة من ذاتها - تألیف ابرن . کتاب الة الزمر - البوقی . کتاب الزمر الریحی . کتاب الدوالیب - تألیف مورطس . کتاب الارغثن . کتاب الحیل - تألیف بنوموسی - مشتمل بر چندین حرکات .

ابویعقوب

اسحاق بن حنین ، همپایه پدرش ، در فضل و صحت ترجمه از یونانی و سریانی بود ، و بیش از پدر در عربیت فصاحت داشت ، و همان خدمات پدرش را درباره حلفا و رؤساء انجام داد . در اواخر عمر بقاسم بن عبدالله پیوسته و ویژه او گردیده ، و قاسم نیز ویرا برعهه مقدم میداشت ، و محرم اسرار خود میدانست . اسحاق در ماه ربیع الاول سال دویمت و نود و چهار در گذشت ، و بجز ترجمه کتابهای باستانی ، این تألیفات نیز از اوست : کتاب الادویة المفردة علی الحروف . کتاب کناش الخف . کتاب تاریخ الاطباء .

۱- دبیق از شهرهای مصر است و جامه‌های دبیقی منسوب بآنجا است (منهی العرب) .

بسم الله الرحمن الرحيم

فن سوم - از مقاله هفتم

از کتاب الفهرست

در اخبار علماء و نام کتابهاییکه تصنیف کرده‌اند

مشمول بر :

اخبار طبیبان ، از قدیمیان و نوآموختگان و نام کتابهای آنان

آغاز طب

محمد بن اسحاق گوید : درباره اولین استنباط کننده طب ، و اولین طبیب ، اختلاف است ، و اسحاق بن حنین در تاریخ خود گوید : گروهی ، مصریان را پیدا کننده طب دانند ، برای اینکه زنی از مصریان مبتلابکرما زدگی^۱ شده و از این جهت بسیار محزون و اندوهگین شده و در عین حال معده اش ضعیف و سینه اش آکنده با خلط ، و عادت زنا فکیش بند آمده بود . اتفاقاً از روی هوس مقداری زنجبیل خورد ، و تمام ناراحتیهاییکه داشت ، بر طرف گردیده ، و تندرستی و صحت گذشته را بدست آورد . کمائی هم که بهمانگونه بیماری مبتلا بودند ،

۱- در متن عربی دارد مبتلاة بالفنظہ - و غیظهم بمعنای خشم و هم بمعنای شدت گرما آمده که ظاهر آدر اینجا بمعنای ابتلا بکرمازوکی است (ر.ک. المنجد - اقرب الموارد).

با خوردن زنجبیل بهبودی یافتند . و مردم نیز همین تجربه را در سائر دردها بکار بردند . دیگران گفته‌اند : بهمانگونه که هرمس^۱، سائر صنائع ، و فلسفه را استخراج نمود، طب نیز از مستخرجات اوست . و برخی گویند : مردم قو - یا - قولوس^۲ آنرا بدست آورده‌اند ، و دلیل آنرا دواهایی دانند که یکی از مامایان در بیماری زن پادشاه آورده بود . برخی استخراج آنرا بساحران نسبت دهند، و بقولی ، مردم بابل ، و بقولی هندیان ، و بقولی مردم یمن ، و بقولی مردم سیسیل آنرا کشف کرده‌اند .

اولین کسیکه در طب سخن راند

بعقیده یحیی نحوی که در تاریخش دیده میشود . آن سخن گویان بترتیب ریاستی که داشتند ، تا دوره جالینوس هشت نفرند : اسقلیبوس اول . غوروس . مینس . برمانیدس ، فلاطرن، طبیب . اسقلیبوس دوم . بقراط دوم - بمعنی نگاهدار نفوس ، و جالینوس - بمعنای آرام .

یحیی گوید : سالهاییکه از ظهور اسقلیبوس اول ، تا زمان وفات جالینوس ، گذشته پنجهزار و پانصد و شصت سال بوده و در این سالها میان هر يك از آن هشت رئیس فترتهایی بوده است .

اما طبیبانی که در آن فترتها بوده‌اند .

میان اسقلیبوس و غوروس

این طبیبان بودند

سوریدوس . مانیوس . مناویاس^۳ . مسیناوس . سفردوس اول . اسقلوس . سمرطیس . انطیمیآخس . افلاطون . آغانیس . ایقورس طبیب . و گوید :

۱- رجوع شود بصفحة ۴۳۵ این کتاب .

۲- ق - Kos - یا - Ko جزیره دراز و باریکیست در بحرالجزایر و بندر کوچکی از قدیم دارد که معروف بوطن بقراط است ، و در بالای شهر يك چشمه و حمام خراپه‌ایست بنام حمام بقراط (راك . قاموس الاعلام ترکی - زیر کلمه استانگوی)

۳- ش (ساوناس) .

در فترت میان غوروس و هینس

این طبیبان بودند

افینورس ، سفودندوس دوم ، احطیفون ، استوریس ، و راوس ، اسطس ، موطیمس
فلاطن اول - طبیب ، بقراط اول ، و باز گوید :

در فترت میان هینس و برمانیدس

این اطباء بودند

سیمانس ، ساووس ، حوراطیمس ، مولوقس ، سورانیدیقوس ، ساموس ، میقتلوس
دوم ، فیطاقلون ، سوناخس ، سونانوس ، مامانخس ، برمانیدس .

و پس از آن فترتی میان برمانیدس و فلاطن

طبیب بود که این طبیبان در آن پیدا شدند

اقرن افراغیطی ، سجیس ، انقلس ، فیلس ، اغافوطیمس ، اکسیدوس ، میلنس .

و در فترت میان فلاطن اول و اسقلیبوس دوم

این طبیبان بودند

میلن افراغیطی ، تامسطبوس طبیب ، اندروماخس قدیم ، افلاغورس ، ماخالس ، نسطس ،
منیمورس ، غالوس ، ماراطناس ، افرقلس طبیب ، فوثاغورس طبیب ، ماحینس ، قعطس ،
غالوس ، ماذاموموس .

اسحاق بن حنین گوید : در دوران فلاسفۀ نامبرده ، این اشخاص بوده اند :
فوثاغورس ، دیوقلیس ، بارون ، انبادقلس ، اقلیدس ، طیماناناوس ، انکسیمانس ، ساوری ،
تالس ، ذیمقراطس ، که بقراط و اسنادش اسقلیبوس ملحق گردید ، و باز گوید : شاعران
یونان ، امیروس ، قتلس ، و ماریس بودند .

محمد بن اسحاق گوید : ما چند نفری از طبیبان را نامبردیم که تصنیفاتشان بما نرسیده ، و کتابی از آنان عبری نقل نشده جز آنهایی را که تا این زمان دانسته ایم ، و حالا بذكر آن طبیبانی میپردازیم که تألیفاتی داشتند ، و کتابهایشان به ما رسیده ، و عبری درآمده است . و از بقراط سرآمد طبیبان شروع مینمائیم .

بقراط - با - ت - هم خوانده میشود

بقراط پسر ابراقلیس ، از شاگردان اسکلیپوس بود هنگام وفاتش سه شاگرد از خود بجای گذاشت ، که ماغارینس ، و وارخس ، و بقراط بودند ، و پس از وفات ماغارینس و وارخس ریاست ببقراط منتهی گردید .

یحیی نحوی گوید : بقراط یگانه دوران خود ، و فاضلی کامل ، و سخن پرداز و معلم چیزهای دیگر هم بود ، و با او مثل زده میشد . طبیب و فیلسوف بود و کارش بآنجا رسید که مردم ویرا پرستش نمودند . و شرح رفتار و کردارش بدرازا میکشد . او بصنعت قیاس و تجربه قوتی شگفت انگیز بخشید که هیچ خورده بینی یارای سخن گفتن در آن را ندارد ، او یگانه کسی بود که بیبگانان طب آموخته ، و آنان را همچو فرزندان خود میدانست ، زیرا بیم آنرا داشت که علم طب از دنیا رخت بر بندد ، و همین را در کتاب عهد خود بطیبیان بیگانه خطاب کرده ، و آنان را باین نکته آگاه نموده است .

و بگفته دیگران - جز سخنان یحیی - بنقل از تاریخهای باستانی ، بقراط در دوران بهمن پسر اردشیر میزیست ، و بهمن برای بیماری که پیدا کرد ، او را از شوری که در آن بود احضار کرد ، مردم نپذیرفتند و گفتند اگر بقراط را از این شهر ببرند ، همگی از شهر بیرون رویم و در کنار او بجنگ و ستیزه برخیزیم ، و بهمن از روی شفقت بمردم ، او را بحال خود گذاشت .

بر گردیم بسخنان یحیی : بقراط هفتمین نفر ، از هشت نفریست که از اسکلیپوس اول مرتباً و بدنبال هم مخترع طب بوده و هشتمی آنها جالینوس بود ، که ریاست باو پایان یافت . جالینوس بقراط را ندیده است ، زیرا از همدیگر شصت و پنجاه سال فاصله داشتند . و یحیی گوید : بقراط نود و پنجاه زندگانی نمود ، که شانزده سالش را بکودکی ، و دانشجوئی گذرانده ، و هفتاد و نه سال دیگر عالم و معلم بود ، و پس از وفاتش سه فرزند از پشت

خود بجا گذاشت که ، ناسوس^۱ ، و دراقن^۲ ، و دخترش مایا ارسیا^۳ بود که برپسرانش در علم و دانش برتری داشت ، و نواده‌هایش ، بقراط پسر ناسوس^۴ و بقراط پسر دراقن^۵ بودند و بنوشته اسحاق ، بقراط نود سال زندگانی نمود .

شاگردان بقراط

چه از خاندان او و چه دیگران

لاذن . ماسرجس . ساوری . مکسانوس . فولس . که برجسته‌ترین شاگردانش بود ، مانیسون . اسطاث . غورس . سنبلقیوس . تاثالس .

مفسران کتابهای بقراط

پس از وی تا دوره جالینوس

سنبلقیوس . سطالس ، دیسقوردوس اول . طیماوی فلطینی . مانطیاس . ارسطراطس دوم . قیاسی بلادیوس . تفسیرکننده الفصول . و جالینوس .

نام کتابهای بقراط و ترجمه‌ها و شرحها

و تفسیر آنها ، آنچه بزبان عربی درآمده

تفسیرهای جالینوس

کتاب عهد بقراط ، بتفسیر جالینوس - حنین آنرا بسربانی درآورده ، و از خود چیزهایی بر آن افزود. و حبیش و یحیی بن عیسی از آن ترجمه دارند ، در یکمقاله. کتاب الفصول ، بتفسیر جالینوس - و حنین آنرا برای محمد بن موسی بعبی ترجمه کرد - هفت مقاله . کتاب تقدمة المعرفة ، بتفسیر جالینوس - حنین اصل متن ، و عیسی پس از او تفسیر آنرا بعبی درآوردند. کتاب الامراض الحادة ، بتفسیر جالینوس - پنج مقاله ، که عیسی بن یحیی سه مقاله آنرا بعبی ترجمه کرد . کتاب الکسر ، بتفسیر جالینوس - ترجمه حنین

۱- ف (ناسلوس) . ۲- ف (دارقن) . ۳- ماناریسا اخبار الحکماء ، قفطی

ص ۹۴ . ۴- ف (ناسلوس) . ۵- ف (دارقن)

بهری ، برای محمد بن موسی ، چهار مقاله . کتاب اپیدیمیا - جالینوس اولی آنرا در سه مقاله ، و دومی را در سه مقاله ، و سومی را در شش مقاله ، تفسیر نموده ، و از چهارمی و پنجمی و هفتمی تفسیری ندارد . و ششمی را در هشت مقاله تفسیر نمود که عیسی بن یحیی آنرا بهری در آورد^۱ . کتاب الاخلاط . بتفسیر جالینوس سه مقاله - و عیسی بن یحیی آنرا برای احمد بن موسی بهری ترجمه کرد . کتاب قاطیطون ، بتفسیر جالینوس - سه مقاله ، و حنین آنرا برای محمد بن موسی ترجمه کرد . کتاب الماء والهواء ، بتفسیر جالینوس - سه مقاله ، ترجمه اصل متن بهری از حنین ، و ترجمه تفسیر از حبیب بن حسن است . کتاب طبیعة الانسان ، بتفسیر جالینوس - سه مقاله ، و حنین اصل متن و عیسی بن یحیی تفسیر را بهری ترجمه کردند^۲ .

ارجیجانس

پیش از جالینوس بوده ، و جالینوس در کتابهای خود نامی از وی برده ، و او را مورد تعرض قرار داده است . از کتابهای اوست : کتاب ...

جالینوس

پس از شصت و شصت و پنجسال از بقراط ، جالینوس عرض اندام کرد ، و در دوران خود ریاست باو منتهی گردید و او هشتمین رئیس است که اولشان اسقلیادس مخترع طب بود . معلم جالینوس ارمینس رومی است و از اغلوقن نیز آموخته و باو مقالاتی نوشته ، و میانشان مناظره‌هایی بوده است .

جالینوس در مقاله اول کتابش در اخلاق ، محاسن وفاداری ، و خوبی آنرا ذکر نموده ، و از گروهی نام برده است که از گرفتار شدن رئیس خود ، تیره‌بخت و رنجور گردیده ، و وقتیکه از آنان خواسته‌میشد که پرده از مساوی و معایب رفقایشان بردارند ، امتناع ورزیده ، و سختترین آزارها و شکنجه‌ها را ، با بردباری و شکیبائی تحمل نمودند . و این ماجری

۱- در نسخه خطی و جایی دارد (فرذلك الی العربیه عیسی بن یحیی) و با توجه به (الی) کلمه فر در اینجا همان معنای ترجمه را دارد .

۲- در نسخه خطی و جایی دارد (فرالفی حنین الی العربی ، والتفسیر عیسی بن یحیی) که در اینجا نیز مراد ترجمه متن از طرف حنین ، و تفسیر از طرف عیسی بوده ، و در اقرب- الموارد زیر کلمه (الترجمه) دارد (التفسیر) .

در سال پانصد و چهارده اسکندری رخ داده بود. و صحیحترین چیزیکه دربارهٔ دوره و زمان جالینوس گفته شده، همین است.

حکایت دیگر

جالینوس در زمان ملوک الطوائفی، و در دوران قباد پسر شاپور اشکان^۱ بود، که از وفاتش تا این زمان ما، بنا بر حسابیکه یحیی نحوی، و پس از او اسحاق بن حنین نموده، نهمصد سال است.

جالینوس، نزد پادشاهان مقام و منزلتی داشت، و مردمان زیادی از اطراف بسوی او میآمدند، و از آنجائیکه طالب آسایش مردم بود، بشهرها رفت و آمد میکرد، و بیشتر بشهر رومیه^۲ میرفت، زیرا پادشاه آنجا جذام داشت، و مرتباً او را احضار مینمود. جالینوس با اسکندر افرودیسی بسیار ملاقات داشته، و اسکندر بوی رأس البفل^۳ لقب داده بود، زیرا سری بزرگ داشت.

نام کتابهای جالینوس و ترجمهها

و شرحهای آن

محمد بن اسحاق گوید: از خوشبختیهای حنین این بود که هرچه حبیش بن حسن اعسم^۴، و عبسی بن یحیی، و دیگران ترجمه کردند، بحنین نسبت داده شد، و اگر بفهرستی

۱- اشکان - معرب اشکانیان است. ولی در سلسله اشکانیان (۲۵۰ ق.م - تا ۲۲۰ یا ۲۲۶ م) پادشاهی بنام قباد پسر شاپور، در تاریخ باستانی ایران دیده نمیشود (ر.ک. لنگنامه دهخدا ص ۲۶۶۸-۲۶۷۱).

۲- رومیه نام دوشهر. یکی در روم، و یکی در مدائن، بوده. و یا قوت حموی، رومیه روم را در شمال و غرب قسطنطنیه دانسته و شرح مفصلی در این باره دارد (ر.ک. معجم البلدان).

۳- رأس البفل - کله قاطری.

۴- حبیش بن حسن اعسم، نصرانی، و یکی از شاگردان حنین است که از یونانی و سریانی به عربی ترجمه مینمود و حنین او را بر همه مقدم میداشت، و از ترجمههایش اظهار رضایت میکرد. گویند از خوشبختی حنین، مصاحبتی بود که با حبیش داشت، زیرا بیشتر

بقیه یادوقی در صفحه بعد

که حنین از کتابهای جالینوس، برای علی بن یحیی ترتیب داده، نظر افکنیم معلوم خواهد شد، که ترجمه‌های حنین بیشتر بسریانی بوده، و او در ترجمه‌های عربی دیگران، پاره اصلاحات یا کنجکاو‌ی‌هایی داشته است.

ترتیب شانزده کتابیکه طیبیان

آنها بدنبال هم میخوانند

کتاب الفرق - ترجمه حنین، یکمقاله. کتاب الصناعات - ترجمه حنین - یکمقاله.
 کتاب الی طوئون^۱ فی النبض - ترجمه حبیب^۲، یکمقاله. کتاب الی اغلوقن فی التاتی لشفاء
 الامراض - ترجمه حنین، دو مقاله. کتاب المقالات الخمس فی التشریح - ترجمه حنین.
 کتاب الاسطقصات - ترجمه حنین، یکمقاله. کتاب المزاج - ترجمه حنین، سه مقاله.
 کتاب القوی الطبیعیة - ترجمه حنین، سه مقاله. کتاب العلل والامراض - ترجمه حبیب^۳،
 شش مقاله. کتاب تدریج علل الاعضاء الباطنه - ترجمه حبیب، شش مقاله. کتاب النبض الکبیر -
 ترجمه حبیب شانزده مقاله، در چهار قسمت؛ و یک مقاله از آنها حنین بعربی درآورد.
 کتاب الحمایات - ترجمه حنین، دو مقاله. کتاب البحران - ترجمه حنین، سه مقاله. کتاب
 ایام البحران - ترجمه حنین، سه مقاله. کتاب تدبیر الاصحاء - ترجمه حبیب شش مقاله.
 کتاب حیلۃ البره - ترجمه حبیب بعربی، و شش مقاله اول این کتاب را حنین اصلاح نموده،
 و چون این کتاب در چهارده مقاله است. هشت مقاله دیگر را نیز، بخواش محمد بن
 موسی، حنین اصلاح کرده است.

دنباله پاورقی از صفحه قبل

ترجمه‌هایش بحنین نسبت داده شده، و چه بسا که جاهلان چیزی از کتابهای باستانی بترجمه
 حبیب میدیدند، و از روی نادانی، بگمان اینکه نسخه نویس در نوشتن نام حنین اشتباهی
 نموده، بر آن خطی کشیده؛ و بجای حبیب، حنین مینوشتند. و حبیب گذشته از ترجمه‌هاییکه
 از یونانی بعربی دارد. کتابی نیز بنام: کتاب الزیاده فی المسائل التی لحنین - تألیف کرده
 است. (ر.ک. تعلیقات فلوکل - ص ۱۳۷) و گویا فلوکل توجه نداشته است که این مطالب را
 این ندیم - چه در اینجا، و چه در جای دیگر این کتاب گفته است.

۱- ف (طوئون) ، ۲- ف (حبیب) ، ۳- ف (حبیب) .

کتابهای خارج از آن شانزده کتاب

کتاب التشریح - پانزده مقاله ، وحنین در فهرست خود از ترجمه آن بعربی چیزی نگفته ، و من آنرا بترجمه حبیب دیده ام . کتاب اختلاف التشریح - ترجمه حبیب بعربی ، دو مقاله . کتاب تشریح الحيوان الميت - ترجمه حبیب بعربی ، يك مقاله . کتاب تشریح الحيوان الحی - ترجمه حبیب بعربی ، دو مقاله . کتاب فی علم بقراط بالتشریح - ترجمه حبیب بعربی ، پنج مقاله . کتاب علم ارسطالیس فی التشریح - ترجمه حبیب ، سه مقاله . کتاب تشریح الرحم - ترجمه حبیب بعربی ، یکمقاله . کتاب حرکات الصدر والرئة - ترجمه اصطفی بسیل بعربی ، و اصلاحی که حنین برای افتادگیهای آن نموده ، سه مقاله . کتاب علل النفس ترجمه اصطفی بسیل و اصلاح حنین ، برای پسرش دومقاله . کتاب الصوت - ترجمه حنین بعربی برای محمد بن عبدالملک زیات ، چهار مقاله . کتاب حركة العضل - ترجمه اصطفی بسیل ، و اصلاح حنین ، دو مقاله . کتاب الحاجة الى النبض - ترجمه حبیب ، یکمقاله . کتاب الحاجة الى النفس - ترجمه اصطفی ، یکمقاله ، و حنین ترجمه از نصف آن دارد . کتاب العادات - ترجمه حبیب ، یکمقاله . کتاب آراء بقراط وفلاطن - ترجمه حبیب بعربی ، ده مقاله . کتاب الحركات المجهوله - ترجمه حنین بعربی ، یکمقاله . کتاب الامتلاء - ترجمه اصطفی ، یکمقاله . کتاب منافع الاعضاء - ترجمه حبیب ، و اصلاح حنین برای افتادگیهایی که داشت ، هفده مقاله . کتاب افضل الهيئات - ترجمه حنین بسریانی و عربی ، یکمقاله . کتاب خصب البدن - ترجمه حبیب ، یکمقاله . کتاب سوء المزاج المختلف - ترجمه حنین ، یکمقاله . کتاب الادوية المفردة - ترجمه حنین ، یازده مقاله . کتاب الاورام - ترجمه ابراهیم بن صلت ، یکمقاله . کتاب المنی - ترجمه حبیب ، دو مقاله . کتاب المولود لسبعة اشهر - ترجمه حنین ، یکمقاله . کتاب المرأة السوداء - ترجمه اصطفی ، یکمقاله . کتاب ردائة النفس - ترجمه حنین برای پسرش ، سه مقاله . کتاب تقدمة المعرفة - ترجمه عیسی بن یحیی ، یکمقاله . کتاب الفصد ترجمه عیسی بن یحیی ، و ترجمه اصطفی و عیسی . کتاب الذبول - ترجمه حنین ، یکمقاله . کتاب صفات لصبی مصرع - ترجمه ابن صلت بسریانی و عربی ، یکمقاله . کتاب قوى الاغذية - ترجمه حنین ، سه مقاله . کتاب التدبير الملقف - ترجمه حنین ، یکمقاله . کتاب الکیموس - ترجمه ثابت ، وشملی ، وحبیب بعربی ، یکمقاله . کتاب (ادکار) ارسطاطس فی مداواة الامراض - ترجمه اسحاق بن حنین ، کتاب تدبیر بقراط للامراض الحادة - ترجمه

حنین ، یکمقاله . کتاب ترکیب الادویة - ترجمه حبیبش اعمش ، هفده مقاله . کتاب الادویة المقابلة للادواء - ترجمه عیسی بن یحیی ، دو مقاله . کتاب التریاق الی بیسن - ترجمه یحیی بن بطریق ، یکمقاله . کتاب الی ثراسابولوس ترجمه حبیبش^۱ - یکمقاله . کتاب الرياضة بالكرة الصغيرة - ترجمه حبیبش ، یکمقاله . کتاب الرياضة بالكرة الكبيرة^۲ ترجمه حبیبش ، یکمقاله . کتاب فی ان الطیب الفاصل فیلسوف - ترجمه حنین ، یکمقاله . کتاب محنة^۳ الطیب ترجمه حنین ، یکمقاله . کتاب الحث علی تعلم الطب - ترجمه حبیبش - یکمقاله . کتاب کتب بقراط الصحیحة - ترجمه حنین ، یکمقاله . کتاب ما یعتقده رایاً - ترجمه ثابت ، یکمقاله . کتاب البرهان - این کتاب در پانزدهم مقاله بوده که موجود از آن ... کتاب تعریف المرء عیوب نفسه - ترجمه توما ، و اصلاح حنین ، یکمقاله . کتاب الاخلاق - ترجمه حبیبش ، چهارم مقاله . کتاب انتفاع الاخیار باعدائهم - ترجمه حبیبش . یکمقاله . کتاب ما ذکره افلاطن فی طبماوس - که موجود از آن یکمقاله عربی^۴ بترجمه حنین است ، و اسحاق سه مقاله باقیمانده را ترجمه کرده است . کتاب فی ان قوی النفس تابعة لمزاج البدن - ترجمه حبیبش ، یکمقاله . کتاب المحرك الاول لا یتحرك - ترجمه حنین ، یکمقاله . و عیسی بن یحیی ، و اسحاق نیز آنرا ترجمه کرده اند . کتاب المدخل الی المنطق - ترجمه حبیبش ، یکمقاله . کتاب عدد المقاییس - ترجمه اصطفن بسیل ، و اسحاق نیز ترجمه از آن برای علی بن یحیی دارد . کتاب تفسیر الثانی من کتب ارسطالیس - ترجمه اسحاق بن حنین ، سه مقاله .

روفس

پیش از جالینوس ، و از شهر افسس^۵ بود ، و در طب برجستگی ، داشته ، و در بیان مردم افسس فاضلتر از وی دیده نشد . و این کتابها از اوست : کتاب تسمیة اعضاء الانسان - یکمقاله . کتاب فی العلة التي یمرض معها الفزع من الماء - یکمقاله . کتاب الیرقان والمرار - یکمقاله . کتاب الامراض التي تمرض فی المفاصل - یکمقاله . کتاب تنقیص اللحم - یکمقاله .

۱- ف (حنین) . ۲- ش (الصغيرة) . ۳- ش (محبة) .

۴- ف (عشرون مقاله) و ش (عربی مقاله) و ظاهراً این صحیح است چون این کتاب

چهارم مقاله است .

۵- افسس - بفتح اول و سکون دوم و کسر سین با سین دیگر ، شهر است در اناطولی

در شصت کیلومتری از میر (معجم البلدان ج مستدرک) .

کتاب تدبیر من لایحضره طبیب دومقاله . کتاب الذبحة - یکمقاله . کتاب طب بقراط ، یکمقاله .
 کتاب استعمال الشراب - یکمقاله . کتاب علاج اللواتی لایجبلن - یکمقاله . کتاب فی وصایا
 حفظ الصحة - یکمقاله . کتاب الصرع - یکمقاله . کتاب التریاق - یکمقاله . کتاب الحمی الربیع
 یکمقاله . کتاب المرّة السوداء - دو مقاله . کتاب ذات الجنب و ذات الرئة - یکمقاله . کتاب
 التدبیر - دو مقاله . کتاب الباء - یکمقاله . کتاب الطب - یکمقاله . کتاب فی الاعمال التي تعمل
 فی البیمارستانات - یکمقاله . کتاب اللبن - یکمقاله . کتاب الفرق - یکمقاله . کتاب الباء -
 یکمقاله ^۱ . کتاب فی الابکار - یکمقاله . کتاب فی الثین ^۲ - یکمقاله . کتاب الادویة القاتله -
 یکمقاله . کتاب فی تدبیر المسافر - یکمقاله . کتاب فی البخر - یکمقاله . کتاب فی القئی -
 یکمقاله . کتاب علل الکلی والمثانة - یکمقاله . کتاب هل کثرة شرب الدواء فی الولاة نافع -
 کتاب فی الاورام العلیة ، کتاب فی الذکر - یکمقاله . کتاب فی علة ذیونوسوس - که قیح ^۳ است ،
 یکمقاله . کتاب الجراحات - یکمقاله . کتاب تدبیر الشیخوخة - یکمقاله . کتاب وصایا
 الاطباء - یکمقاله . کتاب الحقن - یکمقاله . کتاب الولادة - یکمقاله . کتاب الخلع -
 یکمقاله . کتاب احتیاس الطمث - یکمقاله . کتاب الامراض المزمنة علی رأی بقراط - یکمقاله .
 کتاب فی مراتب الادویة - یکمقاله .

فیلغریوس

اسحاق بن حنین نامی از این شخص در تاریخ اطباء نبرده . و معلوم نیست در چه
 زمانی بوده ، و من نام این کتابها را از وی بخط عمرو بن فتح دیدم که در یک جزوه نوشته
 بود : کتاب من لایحضره طبیب - یکمقاله . کتاب وجع النقرس - یکمقاله . کتاب الحصاة
 یکمقاله . کتاب الماء الاصفر - یکمقاله . کتاب وجع الكبد - یکمقاله . کتاب القولنج - یکمقاله .
 کتاب الیرقان - یکمقاله . کتاب خناق الرحم - یکمقاله . کتاب عرق النساء - یکمقاله . کتاب
 السرطان - یکمقاله . کتاب صنعة تریاق الملح - یکمقاله . کتاب عضة الكلب (الکلب) یکمقاله .
 کتاب علامات الاسقام - پنج مقاله . کتاب فی القوباء - یکمقاله که ابوالحسن حرانی آنرا
 ترجمه ناتمامی کرده . کتاب الی... فیما یرض للثة والاسنان - ترجمه ابوالحسن حرانی .

۱ - ظاهراً مکرر است . ۲ - ش (فی السن) و نقطه ندارد ظاهراً (الین) باشد

که بمعنی عجز - اسنخوان سرین - است (رک افرب الموارد) .

۳ - قیح - زرداب و ریم بی آمیزش خون (منتهی الارب) .

اوریباسیوس

معلوم نیست که پیش از جالینوس ، یا بعد از او بوده ، و در تاریخ الاطباء ذکرى از او نشده ، و این کتابها را او داشته است : کتاب الی ابنه اسطات - نه مقاله ، بترجمه حنین - کتاب الی ابنه اوثافیس - چهار مقاله ، بترجمه حنین . کتاب تشریح الاحشاء - یکمقاله . کتاب الادویة المستعمله - بترجمه اصطفن بسیل . کتاب السبعین - یکمقاله ، بترجمه حنین ، و عیسی بن یحیی بسریانی .

نام گروهی از طبیبان باستانی که تألیف

کمی دارند و زمانشان بدرستی معلوم نیست

اصطفن . جاسیوس : انقیلاوس . مارنیوس . و این گروه از اسکندرانیا نند که کتابهای جالینوس را جمع ، و مختصر نموده ، و گفتارهای او را خلاصه کرده اند . بویژه شانزده کتاب جالینوس را .

اوارس

درفترت میان اسقلیبوس ، و غوروس بوده ، و این کتاب از اوست : کتاب العلل المهلکه ، یکمقاله .

افلاطون

صاحب کی^۱ ، و گویند ، وی از کسانی آموخته بود که از جالینوس فرا گرفته بودند ، و این کتاب از اوست : کتاب الکی - یکمقاله ، و معلوم نیست چه کسی آنرا ترجمه کرده است .

۱- رجوع شود بصفحه ۴۵۹ این کتاب .

۲- کی - داغیست که با آهن تافته و جز آن بر عضوی نهند . (فرهنگ نفیسی)

ارسیجانس

پیش از جالینوس بود. و این کتاب از اوست : کتاب طبیعة الانسان - یکمقاله ، مترجم آن گمنام است .

معلس^۱ حمصی

پیش از جالینوس ، و از شاگردان (شاگردان) بقراط بود . و این کتاب از اوست : کتاب البول - یکمقاله .

فولس اجانیطی

معروف بقوابلی . و این کتابها از اوست : کتاب الکناش فی الطب - بترجمه حنین ، یکمقاله . کتاب فی علل النساء .

دیسقوریدس عین زریبی^۲

ویرا سیاح شهرستانها گویند ، و یحیی نحوی در کتاب تاریخ خود ، ستایش بسیاری از او نموده ، و گوید : جانها بفدایش باد . او صاحب نفس زکیه بود . که برای مردم نفع و سود فراوانی داشت . زحمتها کشید ، و دوندگیها نمود ، و شهرستانها را در نور دید ، تا علم ادویه مفرده را ، از دشتها ، و جزیرهها ، و دریاها ، بدست آورده ، و تصویری از آنها برداشته ، و منافع آنها را پیش از اینکه پرشی از آنها شده باشد ، یک بیک شرح داد . و این کتابها از اوست : کتاب الحشائش - پنج مقاله ، و دو مقاله دیگر درباره جنبندگان و سمیات بر آن افزود ، هر چند که گویند این دو مقاله از او نبوده ، و بوی نسبت داده شده است . و مترجم آن حنین ، و بقولی حبیش است .

اقریطن

معروف بمزین^۳ و پیش از جالینوس و بعد از بقراط بود . و این کتاب از اوست :

۱- ف (مغنی) . ۲- عین زریب - شهرست در ترکیه در جنوب شرقی .

۳- مزین - سر تراش و حجام (فرهنگ نفیسی) . کلیکه (اعلام المنجد) .

اسکندروس

ویرا طرالینوس هم گویند ، و همان اسکندر طبیب است که پیش از جالینوس بود . این کتابها از اوست : کتاب علل العین و علاجاتها - سه مقاله . و من ترجمه قدیمی آنرا دیده‌ام . کتاب البرسام - ترجمه این بطریق برای قحطی . کتاب الصغار والحیات والدیدان الی تتولد فی البطن - یکمقاله ، از ترجمه‌های قدیمی است .

سیقالس

این کتاب از اوست : کتاب الرحم .

سورنوس حکیم

جایگاهش معلوم نشده ، و این کتاب از اوست : کتاب الحقن - ترجمه اسطاث باصلاح

حنین .

نوشته ثابت درباره بقراطها

از ثابت پرسیدند بقراطها چند نفر بودند ، در جواب گمت : نخستین کسانی که از نسل اسقلیبوس بودند چهار نفرند ، که از بقراط اول ، پسر اغنوسودیقوس تا اسقلیبادس نه پشت ، و از بقراط دوم پسر ابر اقلیدس ، پسر بقراط اول ، تا اسقلیبوس نه پشت بود ، و این بقراط دوم باوآخر جنگ معروف ببولونیسانس^۱ رسید . و از بقراط سوم پسر دراقن پسر بقراط دوم ، تا اسقلیبودس ، پدرانشان بیازده نفر میرسد . و از بقراط چهارم که پسر ثالس^۲ پسر بقراط دوم بود تا اسقلیبادس ، پدرانشان بیازده

۱- بولونیسانس Peloponnese جنگ تاریخی است که از سال ۴۳۱ - تا ۴۰۴ قبل

از میلاد، میان اسپارتیان و یونانیان آتن برپا شده و منجر بوبرانی آتن گردید (ر. ک. فرهنگ لاروس) .

۲- ف (ثالسوس) .

پدر میرسید .

و بقراط سوم ، با بقراط چهارم پسر عمو بوده ، و با این ترتیب پدران هر يك از این دونفر تا اسقلیادس ، در شماره یکسان است . و اینرا هم باید دانست^۱ ، که در میان پدران این چهار بقراط ، تالس^۲ نیز - که پدر بقراط دوم است - بشمار آمده ، و این پنجنفر کسانی هستند، که مورد احترام و تکریم فراوانند ، ولو آنکه ، برخی از ایشان بر برخی دیگر رحجان ، و شایستگی بیشتری داشته باشد ، و کتابهایشان باندازه رضایت بخش است، که ما آنها را تفسیر مینمائیم بی آنکه انتساب کتابی یکی از آنان را مورد توجه قرار دهیم .

و گویند بقراط اول ، پسر اغنوسودیفوس ، اول کسی است که طب را برشته^۳ تحریر در آورده ، و این دو کتابرا تألیف کرد : کتاب الکسر والخلع ، کتاب المفاصل ، و بقراط دوم ، این چهار کتابرا نوشت : کتاب تقدمة المعرفة . کتاب الفصول ، مقاله اول اپیدیمیا . و مقاله سوم اپیدیمیا . و کتابهایی را که جالینوس شمرده ، هشت کتابی است که شش کتاب از آنها جلوتر بوده ، و عبارت از کتاب الکسر والخلع ، و کتاب المفاصل ، و کتاب تقدمة المعرفة ، و مقاله اول ، و مقاله سوم در اپیدیمیاست . و دو کتاب باقیمانده ، تتمه آن هشت کتاب میباشد ، و عبارتست از : کتاب الاهویة والمیاء والبلدان . و کتاب الامراض الحادة و هو - ماءالشعیر .

گویند بر روی ، قالیم زمین ، اسقلیوس دوازده هزار شاگرد داشته ، و او علم طب را شفهی ، و بگفتار میآموخت ، و چون دید خانواده ، و پروانش رو بکم شدن گذاشته ، و از انقراض این صناعت بیمناک گردید ، شروع بتألیف کتاب بطور اختصار و ایجاز نمود و بهمین جا نقل گفته‌های ثابت پایان میرسد .

نوآموختگان

حنین

حنین بن اسحاق عبادی ، کنیه اش ابوزید است . و عباد نصرانیان حیره اند^۴ و او از فضلاء در طب ، و از فصحاء در زبان یونانی ، و سریانی ، و عربی بود . و برای جمع آوری کتابهای

۱- ف (وینبغی، ان یتهم) ش (وینبغی ان یفهم) .

۲- ف (او من ثاسلوس) ش (وا مرتالس) .

۳- عباد نصرانیان ساکن در حیره اند که بازرگانی شراب داشتند و شمارشان در روز جنگ با شاپور (یا آل عبادالله بود) ، و بدین سبب - عباد - نامیده شدند (اعلام المنجد) .

باستانی ، بشهرستانها رفته ، و بروم مسافرت نموده ، و بیشتر ترجمه‌هایش برای بنوموسی بود . و در روز سه شنبه ششم صفر سال دویست و شصت ، مطابق با روز اول کانون الاول سال یکهزار و یکصد و پنجاه تاریخ اسکندر رومی وفات یافته ، و بجز ترجمه‌ای که از کتابهای باستانی دارد ، این کتابها از اوست : کتاب احکام الاعراب علی مذاهب الیونانیین - دو مقاله . کتاب المسائل فی الطب للمتعلمین - و حبیش اعم شاکردش ، بر آن چیزهایی افزود . کتاب الحمام - یکمقاله . کتاب اللبن - یکمقاله . کتاب الاغذیه - سه مقاله . کتاب علاج العین - ده مقاله خوب است . کتاب تقاسیم علل العین - یکمقاله . کتاب اختیار ادویه علل العین - یکمقاله . کتاب علاج امراض العین بالحديد - یکمقاله . کتاب الات الغذاء - سه مقاله . کتاب کتاب الاسنان واللثة - یکمقاله . کتاب الباء - یکمقاله . کتاب تدبیر الناقه - یکمقاله . کتاب معرفة اوجاع المعدة و علاجها - دو مقاله . کتاب فی المد والجزر - یکمقاله . کتاب فی السبب الذی صارت مياه البحر له مالحة - یک مقاله . کتاب الالوان - یکمقاله . کتاب فی البول - علی طریق المسئلة والجواب - یکمقاله . کتاب المولودین لثمانیه اشهر - یکمقاله که برای امولدا متوکل تألیف کرد . کتاب التریاق - دو مقاله . کتاب العین - بصورت سؤال وجواب - سه مقاله . کتاب ذکر ما ترجم من الكتب - دو مقاله . کتاب قاطیفوریاس علی رأی نامسطیوس - یکمقاله . کتاب رسالته الی الطیفوری فی قرص الورد . کتاب القروح^۲ و تولده . یکمقاله . کتاب الاجال - یکمقاله . کتاب تولد النار بین الحجرین - یکمقاله . کتاب تولد الحصاة یکمقاله . کتاب اختیار الادویه المجریه^۳ یکمقاله . کتاب الی ابن المنجم فی استخراج کعبه^۴ کتب جالینوس .

قطا

بن لوقا بعلبکی ، که برای فضل ، و شرافت ، و برجستگی او در صناعت طب ، میبایستی ویرا بر حنین مقدم داشته باشیم ولی بخواهش دوستان حنین را پیش انداختیم ، و هر دو از دانشمندان بشمار میرفتند . قطا از کتابهای باستانی ترجمه‌هایی دارد ، و در بسیاری از علوم ، چون طب ، و فلسفه ، و هندسه ، و اعداد ، و موسیقی ، باندازه مهارت داشت که قابل طعنه نبود . در زبان یونانی فصیح ، و در عربی خوش بیان بود . و در پیش یکی از پادشاهان ارمنستان وفات یافت . و از همانجا جواب نامه‌ی را که ابو عیسی بن منجم درباره نبوت محمد علیه السلام باو نوشته بود داده ، و در همانجا کتاب الفردوس فی التاریخ - را تألیف کرد . و گذشته از ترجمه ، و تفسیر . و شرحهاییکه دارد ، این کتابها نیز از اوست : کتاب الدم .

۱- امولد بکنیزکی گویند که از اربابی فرزندی آورده باشد (ر.ک منتهی الارب).

۲- ف (القرح) . ۳- ف (المحرقة) . ۴- ش (کتبه) .

کتاب البلقم . کتاب الصفراء . کتاب السوداء . کتاب المرايا المحرقة . کتاب الشهر . کتاب فی الاوزان والمکایل . کتاب السیاسة - سهمقاله . کتاب علّة موت الفجأة . کتاب الاعداد . کتاب معرفة الخدر وعلاجه . کتاب ايام البحران . کتاب علل الشعر . کتاب الفصل بین النفس والروح . کتاب الباه . کتاب العلة فی اسوداد الحبش وتغیره من الرش . کتاب فی المروحة واسباب الريح . کتاب فیما یشترک فیة الاخلاط الاربعة . کتاب الفرستون . کتاب فی الاستدلال بالنظر الی اصناف البول . کتاب المدخل الی المنطق . کتاب العمل بالکرة النجومية . کتاب نوادر الیونانیین - بترجمه خود او . کتاب شرح مذاهب الیونانیین . کتاب المدخل الی علم الهندسة . کتاب رسالته فی الخضاب . کتاب رسالته فی قوانین الاغذیة . کتاب شکوک کتاب اقلیدس . کتاب الفصد - در هجده باب . کتاب المدخل الی علم النجوم . کتاب الحمام . کتاب الفردوس فی التاریخ . کتاب رسالته فی استخراج مسائل عددیات من المقالة الثالثة من اقلیدس . کتاب تفسیره لثلاث مقالات و نصف من کتاب ذیوفنطس فی المسائل العددیة .

یوحنا بن ماسویه

ابوزکریا یحیی بن ماسویه ، از طبیبان فاضلی است که نزد پادشاهان مرتبتی داشت ، و از علما و مصنفان بود ، بمأمون ، و معتصم ، و واثق و متوکل خدمت کرد . بخط حکیمی خوانده ام که ابن حمدون ندیم ، در محضر متوکل با بن ماسویه شوخیهای تحقیر آمیزی نموده ، و ابن ماسویه باو گفت: اگر بجای جهلی که داری عقل بود و آنرا بر یکصد خنفساء تقسیم میکردند ، هر یک از آنها عاقلتر از ارسطو بود . وفات یحیی بن ماسویه در ... و این کتابها از اوست : کتاب الکمال والتمام . کتاب الکامل . کتاب الحمام . کتاب دفع ضرر الاغذیة . کتاب الاسهال . کتاب علاج الصداع . کتاب الصدر والدوار . کتاب لم امتنع الاطباء من علاج الحوامل فی بعض شهور حملهن . کتاب محنة الطیب . کتاب مجسة العروق . کتاب الصوت و البحة . کتاب ماء الشمر - کتاب الفصد والحجامة . کتاب المرة السوداء . کتاب علاج النساء التي لا یحبطن . کتاب السواک والسنونات . کتاب اصلاح الادویة المسهلة . کتاب الحمیات - مشجر کتاب القولنج . کتاب ...

یحیی بن سرافیون

تمام تألیفاتش بریانی بود . واز دولتیان بشمار میرفت ، و این دو کتاب خود را

در طب عبری ترجمه کرد : کتاب کناش یوحنا الکبیر - دوازده مقاله - کتاب الکناش الصغیر - هفت مقاله .

علی بن زیل - بالام

ابوالحسن علی بن سهل طبری ، کاتب مازیار بن قارن بود ، و همینکه بردست معتم اسلام آورد ، معتم او را بخود نزدیک نموده ، وفضلش درمقر خلافت آشکار گردید ، و متوکل ویرا در جرگه ندیمان خود در آورد ، زیرا در ادب مقامی داشت . و این کتابها از اوست ؛ کتاب فردوس الحکمة - در هفت نوع ، و هر نوعی مشتمل برسی مقاله و آن مقالهها مشتمل بر سیصد و شصت باب است ، کتاب تحفة الملوك . کتاب کناش الحضرة . کتاب منافع الاطعمة والاشربة والمقاقیر .

عیسی بن ماسه

از طبیبان برجسته بوده ، و این کتابها از اوست : کتاب قوی الاغذیه . کتاب من لایحضرة طبیب .

جورجس

پدر بختیشیوع ، از بزرگان دولت و از فضلا بوده ، و این کتاب از اوست : کتاب الکناش المعروف .

سلمویه ابن بنان

از فاضلان برجسته بود که بمعتم خدمت کرده و بوی اختصاص داشت . تا جائیکه معتم هنگام وفات سلمویه گفت ، من هم باو ملحق خواهم شد ، زیرا او حیات مرا در دست داشت و بدن مرا اداره میکرد . از کتابهای اوست :

بختیشیوع

مکنی بابوجیرئیل ، و نام پدرش جبریل و از مشاهیر معروفی است که نزد پادشاهان بر همه تقدم داشت . و برشید ، امین ، مأمون ، معتم ، واثق و متوکل خدمتها کرد ، و از طبابت

مقداری اندوخته بدست آورد که هیچکسی بآن مقدار دستیابی پیدا نکرد . و خلفا درباره زنان بچه‌دار خود، بوی اطمینان میکردند و اخبارش در همه جا شهرت دارد . و از کتابهای اوست : کتاب التذکره - که برای پسرش جبرئیل تألیف کرد .

میج دمشقی

نامش ابوالحسن، و پیش از این چیزی درباره او بدست نیامده . و از کتابهای اوست...

اهرن کشیش

از دولتیان است، و کتاب خود را بسریانی تألیف کرده ، که ماسرجیس آن را ترجمه نمود . و این کتاب از اوست : کتاب الکناش - و آنرا در سه مقاله درآورد ، و ماسرجیس دو مقاله بر آن افزود.

ماسرجیس

از طبیبان و مترجمان سریانی ب عربی است . و این کتابها از اوست : کتاب قوی الاطعمه و منافعها و مضارها . کتاب قوی العقاقیر . و منافعها و مضارها .

سابور بن سهل

رئیس بیمارستان چند بسابورا و از فضلا و علماء برجسته بود . و این کتابها از اوست : کتاب الاقرباذین - که در تمام بیمارستانها و دواخانه‌ها بآن عمل نمایند ، و در بیست و دو باب است . کتاب قوی الاطعمه و مضارها و منافعها . سابور بن سهل نصرانی از دنیا رفت ، و وفاتش در روز دوشنبه نه روز بآخر ذی الحجه سال دویست و پنجاه و پنج بود.

ابن قسطنطین

نامش عیسی ، و کنیه اش ابوموسی ، از طبیبان بافضل بود . و این کتاب از اوست : کتاب البواسیر و عللها و علاجاتها .

عیسی بن ماسرجیس

و این کتابها از اوست : کتاب الالوان . کتاب الروایح والظعوم .

عیسی بن علی

از شاگردان حنین ، و از فضلاء بود . و این کتاب از اوست : کتاب المنافع التي تستفاد من اعضاء الحيوان .

حبیش بن حسن اعسم

از نصرانیان ، و یکی از شاگردان حنین ، و از مترجمان سریانی به عربی بود ، و حنین ویرا بر همه مقدم میداشت و بزرگواریش راستایش ، و از ترجمه‌هایش اظهار رضایت‌مندی مینمود و گذشته از ترجمه‌هایش این کتاب از اوست : کتاب الزیادة فی المسائل التي لحنین .

عیسی بن یحیی

ابن ابراهیم ، از شاگردان حنین ، و مترجمان بسیار خوبی بود ، و گذشته از ترجمه‌هایش این کتابها از اوست

طیفوری طبیب

حنین برای او چندین کتاب در طب ترجمه نموده ، و از فضلاء برجسته‌ایست که بخلفا خدمتها داشته ، و این کتابها از اوست

علاجی

معروف بیحیی بن ابوحکیم ، از طبیبان معتضد ، و این کتاب از اوست : کتاب التدبیر الابدان المحبفة التي غلبت علیها الصفراء - و آنرا برای معتضد تألیف کرد .

ابن صهار بخت^۱

ناهنش عیسی ، و از مردم چندیسابور است . و این کتاب از اوست : کتاب قوی الادویة المفردة علی الحروف .

۱- یعنی چهار بخت (ر.ک. لغتنامه دهخدا) .

ابن ماهان

ممرؤف بیهقوب سیراقی ، و معلوم نیست در چه زمانی بوده ، و این کتاب از اوست :
کتاب السفر والحضر فی الطب - نازک است .

برهنگردیم بکسانیکه بعد از حنین بودند

کسانی را که پیش از این گفتیم ، برای این بود که در علم و در زمان بهم نزدیک بودند
و از اینجا بذکر کسانی میپردازیم که پیوسته بحنین بودند ، زیرا که او برهمکنان خود
ریاست داشت .

اسحاق بن حنین

ابویعقوب اسحاق بن حنین ، همانند پدرش در فضل و درستی ترجمه از زبان یونانی
و سریانی عبری بود ، و در عربیت بیش از پدر فصاحت داشت ، و بهمان خلفاء و رؤسائیکه
پدرش خدمت کرده بود ، او نیز خدمت کرده ، به ویژه ابوالقاسم بن عبیدالله . و از خاصان او
بشمار میرفت ، و ابوالقاسم اسرار خود را نزد او فاش میداشت . در اواخر عمر گرفتار
فلج شده و در همان بیماری در گذشت . وفاتش در ماه ربیع الاخر سال دوست و نود و هشت
بود ، و گذشته از ترجمه کتابهای باستانی ، این کتابها از اوست : کتاب الادویة المفردة -
علی الحروف . کتاب الکناش اللطیف . کتاب تاریخ الاطباء . کتاب الادویة المفردة .

ابوعثمان دمشقی

ابوعثمان سعید بن یعقوب دمشقی ، از مترجمان ماهر است که همیشه با علی بن موسی
بود ، و گذشته از ترجمه‌هاییکه دارد ، این کتابها از اوست ...

ساهر

نامش یوسف ، و در دوران مکتفی بود ، و این کتاب از اوست : کتاب الکناش - و
این کتاب بنام او معروف ، و بوی نسبت داده شده است

رازی

ابوبکر محمدبن زکریا رازی، از مردم ری که یگانه دهر، و فرید عصر خود در تمام علوم باستانی، بویژه در طب بود، و همیشه بسیاحت شهرستانها میرفت، و با منصوربن اسماعیل دوستی صادقانه داشت، و برای او: کتاب المنصوریه - را تألیف کرد.

محمدبن حسن وراق بمن گفت، یکی از مردمان ری که از مشایخ بزرگوار آنجا بود، در جواب سؤال من درباره رازی اظهار داشت: او پرمردیست که سر بزرگ و گردی دارد، و هنگامیکه بمجلس درس درآید، شاگردانش زیر دست او مینشینند، و شاگردان شاگردانش پایین تر از آنها جای گیرند، سپس سائر شاگردان قرار دارند. هرگاه حاجتمندی بآن مجلس آید، باولین نفریکه برخورد کند حاجتش را در میان گذارد، اگر شنونده در آن زمینه چیزی بداند، و اگر معلوماتی نداشت، بدیگران روی آورد، و اگر از آنها نیز جوابی بدست نیآورد، خود رازی بسخن درآید و جوابش را میدهد. تفقد و مهربانی نسبت بهمه کس، بویژه فقراء و بیماران داشته، از حالشان جويا، و بیادشان میرفت، و مقرر یهای کلانی برای آنها گذاشته بود - و باز گوید: هیچوقت از خواندن کتاب، و نوشتن و نسخه برداری جدائی نداشت، و نشد که بر وی درآیم و او را مشغول بنوشتن و پاکنویسی نبینم. و چون زیاد باقلا میخورد، رطوبتی در دیدگانش پیدا شد که منجر بکوری او در اواخر عمر گردید، و میگفت، من فلسفه را بر بلخی قرائت داشته‌ام.

خبر فلسفه این بلخی

این شخص از مردم بلخ بود، و همیشه بجهانگردی، و مسافرت بشهرها اشتغال داشت. فلسفه و علوم باستانی را بخوبی میدانست. و گویند کتابهای فلسفه او را رازی بخود بست. و من در بسیاری از علوم چیزها بخط او دیده‌ام که همه آنها مسوده، و یا دستورهائی بود که بصورت يك کتاب تمام در دست مردم دیده نمیشد، و گویند در خراسان کتابهای او وجود دارد. و این شخص در زمان رازی بود.

مردی که بشهید بن الحسین معروف است

و کنیه اش ابوالحسن و دنباله فلسفه او را در علم داشت، و از خود تصنیفاتی دارد، و میان او و رازی مناظرهائی بوده، و هر يك بر دیگری ردی دارد.

تصنیفات رازی که از فهرست

خود او نقل میشود

کتاب البرهان - دو مقاله ، اولی هفده فصل ، و دومی ، دوازده فصل . (کتاب الطب الروحانی - بیست فصل) . کتاب انّ للانسان خالقا حکیما - یکمقاله . کتاب سمع الکيان - یکمقاله . کتاب المدخل الى المنطق و هوايساغوجی . کتاب جمل معانی قاطیفوریاس . کتاب جمل معانی انالوطبقا الاولي الى تمام القياسات الحملیه . کتاب هیئة العالم . کتاب الرد علی من استقل بفصول الهندسة . کتاب اللذة - یکمقاله . کتاب فی السبب فی قتل ریح السموم اکثر الحیوان - یکمقاله . کتاب ماجری بینہ و بین سبس المنانی . کتاب فی الخریف و الربیع . کتاب فی الفرق بین الرؤیا المنذرة و بین سائر ضروب الرؤیا . کتاب الشکوک علی جالینوس . کتاب کیفیات الابصار . کتاب الرد علی الناشئ فی نقضه الطب . کتاب فی ان صناعة الکیمیا الى الوجوب اقرب من الامتناع .

محمد بن اسحاق گوید : اینها از آن دوازده کتابی است که ما در جای خود یا کتابهای دیگری که او در صناعت دارد ، ذکر کرده ایم و کسی که بخواهد بر آن آگاهی یابد بمقاله دهم مراجعه کند . انشاء الله .

کتاب الباه - یکمقاله . کتاب المنصوری فی الطب - که برای منصور بن اسماعیل (بن نوح بن نصر - از ملوک خاندان سامان) ، تألیف کرد ، مشتمل بر ده مقاله . کتاب الحاوی و یسمى الجامع الحاصر لصناعة الطب - که دارای دوازده قسمت است ، قسم اول - در معالجه بیماران و بیماری . قسم دوم - در حفظ الصحة . قسم سوم - در رئه و شکست بندی و جراحی . قسم چهارم - در قوای دواها و غذاها و تمام موادیکه در طب مورد نیاز است . قسم پنجم - در ادویه مرکب . قسم ششم - در صناعت طب . قسم هفتم - در دواسازی طبی و دواجات و رنگ و طعم ، و بوی آنها . قسم هشتم - در بدن انسانی . قسم نهم - در وزن و کیل . قسم دهم در تشریح و منافع اعضاء - قسم یازدهم - در اسباب طبیعیة که در صناعت طب لازم است . قسم دوازدهم - در ورود بصناعت طب ، که در دو مقاله است اولی - نامهای طبی - و دومی اوائل طب . کتاب فی استدراک ما بقی من کتب جالینوس مما لم يذكره حنین و لاجالینوس فی فهرسته ، یکمقاله . کتاب فی ان الطین المنتقل به فیہ منافع ، یکمقاله . کتاب فی ان الحمیة المفرطة تضر بالابدان ، یکمقاله . کتاب فی الاسباب المميلة لقلوب الناس عن افاضل الاطباء الى احسانهم . کتاب ما یقدم من الفواکه و الاغذیة و ما یؤخر . کتاب علی احمد بن الطیب

فیمارد به علی جالینوس فی امر الطعم المر . کتاب الرد علی المسمی المتکلم فی رده علی اصحاب الهیولی ، کتاب الرد علی جریر الطیب فیما خالف فیہ من امر التوت الشامی بعقب البطیخ . کتاب فی نقض کتاب انابوا الی فرفور یوس فی شرح مذاہب ارسطالیس فی العلم الالہی . کتاب فی الخلاء و الملاء و ہما الزمان و المكان . کتاب الصغیر فی العلم الالہی . کتاب الهیولی المطلقہ و الجزئیة . کتاب الی ابی القاسم البلخی فی الزیادۃ علی جوابہ و علی جواب ہذا الجواب . کتاب الرد علی ابی القاسم البلخی فی نقض المقالة الثانیة فی العلم الالہی . کتاب الجدری و الحصبة . کتاب الحصی فی الکلی و المثانة . کتاب الی من لایحضره طیب . کتاب الادویة الموجودة بكل مکان . کتاب الطب الملوکی . کتاب التقسیم و التشجیر . کتاب اختصار کتاب النبض الکبیر لجالینوس . کتاب الرد علی الجاحظ فی نقض الطب . کتاب مناقضۃ الجاحظ فی کتابہ فی فضیلة الکلام . کتاب الفالج . کتاب اللقوۃ . کتاب ہیئة الکبد . کتاب النقرس و عرق المدینى . کتاب ہیئة العین . کتاب الاثین . کتاب ہیئة القلب . کتاب ہیئة السماخ . کتاب اوجاع المفاصل - بیست و دو فصل . کتاب اقرا باذین . کتاب الانتقاد و التحریر علی- المعترزة . کتاب الخيار المر . کتاب کیفیة الاغذاء . کتاب ابدال الادویة . کتاب خواص الاشیاء . کتاب الهیولی الکبیر . کتاب سبب وقوف الارض وسط الفلك . کتاب سبب تحریک الفلك علی استدارة . کتاب فی نقض الضب الروحانی علی ابن الیمان . کتاب فی انه لایمکن ان یکون العالم لم یزل علی مثال ما نشاعده . کتاب فی ان الحرکة لیست مرئیة بل معلومة . کتاب فی ان- الجسم یحترک من ذاته و ان الحرکة مبداء طبیعته . کتاب فی الشکوک التي علی برقلس . کتاب تقسیم الامراض و اسبابها و علاجاتها علی الشرح . کتاب تفسیر کتاب فلوطرخس فی تفسیر کتاب طیمائوس . کتاب نقض علی سہیل البلخی فیما ناقضہ بہ من اللذة . کتاب فی العلة التي- لہا یحدث الورم من الزکام فی رؤس بعض الناس . کتاب فی التلطف فی ایصال العلیل الی بعض شہواتہ . کتاب العله فی خلق السباع و البعوض . کتاب علی ابن الیمان^۲ فی نقضہ (نقضہ) علی- المسمی فی الهیولی . کتاب نقض نقض کتاب التذیر . کتاب النقض علی الکیال فی الامامة . کتاب اختصار کتاب حیفة البرء لجالینوس . کتاب تلخیصہ لکتاب العلل و الامراض . کتاب تلخیصہ لکتاب المواضع الالمة . کتاب نقض نقض البلخی للمعلم الالہی . کتاب رسالته فی قطر- المربع . کتاب فی ان جوارح الاحسام . کتاب فی السیرة الفاضلة . کتاب فی وجوب الادعیة . کتاب فی الانفاق علی اعل التحصیل من المتکلمین و المتفلسفین . کتاب الحاصل فی العلم الالہی . کتاب رسالته فی العلم الالہی - نازک . کتاب دفع مضار الاغذیة . کتاب علی سہیل البلخی

في تثبيت المعاد . كتاب في علة جذب حجر المغناطيس . كتاب في ان النفس ليست بجسم . كتاب النفس - بزرگ . كتاب في النفس - كوچك . كتاب ميزان العقل . كتاب في السكر - دو مقاله . كتاب القولنج - يك مقاله . كتاب السكنجيين - يك مقاله . كتاب تفسير كتاب جالينوس لفصول بقراط . كتاب الفصول ويسمى بالمرشد . كتاب الابنة و علاجها . كتاب نقض كتاب الوجود لمنصور بن طلحة . كتاب فيما يرد به اظهار ما يدعى من عيوب الانبياء . كتاب في ان للعالم خالقا حكيمًا . كتاب في آثار الامام الفاضل المعصوم . كتاب في الاوهام والحركات - والعشق . كتاب في استفراغ المحمومين قبل النضج . كتاب الامام والمأموم والمحققين . كتاب خواص التلاميذ . كتاب شروط النظر . كتاب الاراء الطبيعية . كتاب ترتيب اكل الفواكه . كتاب خطأ عرض الطبيب . كتاب ما يعرض في صناعة الطب . كتاب السيرة الفاضله . اشعاره في - العلم الالهى . (نقل) كتاب الاس^١ لجابر الى الشعر . قصيدة في المنطقيات . قصيدة في العظة - اليونانية .

چيزهائى راسه رازى رساله ناميد

رسالته في التعرى والتدثر . رسالته في التركيب . رسالته في الجبر وكيف يساق اليه وعلامة الحق فيه . رسالته فيما لا يلبق مما يقطع من البدن وان صغر وما يلصق من الجراحات وان كبر . رسالته في تبريد الماء على الثلج وتبريد الماء يقع الثلج فيه . رسالته في المنطق . رسالته في تعطيش السمك والعلقة فيه . رسالته في كيفية النحور^٢ . رسالته في العلة التي لها لا يوجد شراب يفعل الشراب الصحيح بالبدن . رسالته في غروب الشمس والكواكب و ان ذلك ليس من اجل حركة الارض بل حركة الغلك . رسالته في انه لا يتصور لمن لارياضقله بالبرهان ان الارض كرية و ان الناس حولها . رسالته في فسح ظن من توهم ان الكواكب ليست في نهاية - الاستدارة . رسالته في البحث عن الارض الطبيعية هي الطين ام الحجر . رسالته في تثبيت الاستحالة . رسالته في العطش و ازدياد الحرارة لذلك . رسالته في المادة و آنها تحول طبيعة . رسالته في العلة التي من اجلها تضيق النواظر في النور و تنسع في الظلمة . رسالته في العلة التي زعم بعض الجهال ان الثلج يعطش . كتاب^٣ في اطعمة المرضى . كتاب ما استدركه من الفصل في الكلام في القائلين بحدوث الاجسام^٤ على القائلين بقديمها . كتاب في ان الملل اليسيرة بعضها اعسر تفرقا و علاجاً من الغليظه . رسالته في العلل^٥ المشكلة . كتاب في العلة التي تركبها بعض الناس و عوامهم الطبيب و ان كان حاذقاً . رسالته في ان الطبيب الحاذق ليس هو من قدر على ابراء

١ - ف (الانتين) . ٢ - ف (النحو) . ٣ - ف (رسالته) .

٤ - ن (الاسلام) . ٥ - ف (العلة) . ٦ - ف (يذم) .

جميع الملل وان ذلك ليس في الوسخ . رسالته في الملل القاتلة لعظمها والقاتلة لظهورها بفتة . رسالته في ان الصانع المستغرق بصناعة معدوم في جل الصناعات الا في الطب خاصة والعلة التي من اجلها ظهر ذلك في صناعة الطب . كتاب المشجر في الطب على طريق كفاش . رسالته في العلة التي من اجاها صار ينجح جهال الاطباء والعوام والنساء في المدن في علاج بعض الامراض اكثر من العلماء و عذر الطبيب في ذلك . رسالته في محنة الطبيب وكيف ينبغي ان يكون حاله في نفسه و بدنه و شربه . مقالة في مقدار ما يمكن ان يستدرك في احكام النجوم على رأي الفلاسفة الطبيعيين ، و من لم يقل منهم ان الكواكب احياء .

فهرست رازی بهمین جا تمام میشود .

ابوسعید سنان بن ثابت بن قره حرانی

نسب پدرش را پیش از این گفته ایم . وی از طبیبان برجسته بود که القاهر ویرا باسلام دعوت نمود ، و او فرار کرد ، و سپس از ترس اسلام آورد ، و بخراسان رفت ، و پس از برگشتن ، در سال سیصد و سی و یک - اول ماه ذیحجه - در بغداد مسلمان وفات یافت . و این کتاب از اوست : کتاب

ابوالحسن بن سنان بن ثابت بن قره

طیب حاذقی بود ، و در یازدهم ذی القعدة سال سیصد و شصت و پنج درگذشت ، و این کتاب از اوست : کتاب التاریخ - از سال دوست و نود و پنج تا زمان وفاتش .

ابوالحسن حرانی

نامش ثابت بن ابراهیم بن هارون^۱ . از طبیبان حاذق و با اصابت نظر بود ، ولی خست بسیاری در فن خود داشت . وفاتش در ... و این کتابها از اوست : اصلاح مقالات من کتاب یحیی بن سرافیون . و نقل مالینی فیلنریوس . کتاب جوابات مسائل سئل عنها .

نام کتابهای هند در طب که بزبان

عربی موجود است

کتاب مسرد - ده مقاله ، که یحیی بن خالد دستور تفسیر آنرا بمنکه هندی در بیمارستان داد و بمنزله کناش است^۱. کتاب اسنانگرالجامع - بتفسیر ابن دهن. کتاب سیرک - ترجمه عبدالله بن علی از فارسی بعربی ، چون در ابتدا از هندی بفارسی ترجمه شده بود . کتاب سندساق - بمعنای زبده رسنکاریها ، بترجمه ابن دهن رئیس بیمارستان . کتاب مختصر للهند فی العقاقیر . کتاب علاجات الحبالی للهند. کتاب توقشئل - در آن صد درد صد درمان است. کتاب روما^۲ الهندیة فی علاجات النساء . کتاب السكر للهند . کتاب اسماء عقاقیر الهند . ترجمه منکه برای اسحاق بن سلیمان . کتاب نابی الهندی فی اجناس الحیات و سومها . کتاب التوهم فی الامراض والعلل - تألیف توقشئل هندی .

نام کتابهای فارسیان در طب

از مشاهیر طبیبان دوران پادشاهان ایران که تألیفاتشان

بما رسیده و بعربی درآمده است .

تیادورس

نصرانی بود ، و شاپور ذوالاکتاف برای او کلیسایی در شهرش بنا نمود ، و بقولی پایه گذار آن بهرام گور بوده ، و از وی این کتاب بعربی ترجمه شده است : کتاب کناش تیادورس .

۱- کناش مجموعه دفتر هانندی است که فوائد پزشکی گوناگونی در آن ذکر میشود (اقربالموارد - فرهنگ نفیسی) .

۲- شی (دوینی) .

تیادوق^۱

این شخص طبیب حجاج بن یوسف بود و بملک پیوست .

۱- تیادوق از طبیبان صدر اسلام ، و در دولت اموی مشهور ، و طبیب مخصوص حجاج بن یوسف بود ، بناگردان بزرگواری داشت که بعد از وی برجستگی یافتند ، و برخی دوره بنی عباس را ادراک کردند معاند فرات بن شحاتا طبیب عیسی بن موسی که در دوران منصور وفات یافت (ر.ک. تعلیقات فلوکل ص ۱۴۲) .

هشتمین جزء

از

کتاب الفهرست

در اخبار

علماء در سائر علوم باستانی و جدید

تألیف

محمد بن اسحاق ندیم معروف بابوالفرج

بن ابویعقوب وراق

حکامه خط المصنف
عبد محمد بن اسحاق

نمونه ایست از خط نویسنده نسخه
چسبیده و تقلیدی که از خط
مصنف کرده است

هشتمین مقاله در اینجاست

بسم الله الرحمن الرحيم

مقاله هشتم - از کتاب الفهرست

در اخبار

علماء و نام کتابهاییکه تصنیف کرده‌اند

مشمول بر :

سه فن : فن اول

در اخبار مامران و افسانه‌گویان و نام کتابهاییکه در اسما

و افسانه تألیف کرده‌اند

محمد بن اسحاق گوید : فارسیان اول ، تصنیف کنندگان اولین افسانه بوده ، و آنرا بصورت کتاب درآورده و در خزانه‌های خود نگاهداری. و آنرا از زبان حیوانات نقل و حکایت مینمودند . و پس از آن پادشاهان اشکانی ، که دومین سلسله پادشاهان ایرانند ، آنرا بصورت اغراق آمیزی درآورده ، و نیز چیزها بر آن افزوده ، و عربان آنرا بزبان خود

گردانده ، و فصحاء و بلغاء عرب ، شاخ و برگهایش را زده ، و با بهترین شکلی برشته تحریر درآوردند . و در همان زمینه و معانی کتابهایی تألیف کردند .

اولین کتابی که در این معنا تألیف شده ، کتاب هزار افسانه - بمعنی هزار خسرافات است . و سبب تألیفش این بود که یکی از پادشاهان ، اگروزی میگرفت ، پس از یکشب که با او نزدیکی مینمود ، ویرا بقتل میرسانید ، و دختری از شاهزادگان بنام شهرزاد گرفت که بسیار خردمند و باهوش بود ، و همینکه او را بدست آورد ، آن دختر زبان بگفتن افسانه باز کرده ، و سخن را تا پایان شب رسانید ، برای اینکه پادشاه او را برای دومین شب نگاهدارد ، و باقی افسانه را از وی بشنود . هزار شب بهمین گونه سپری شد ، و در این میانه پادشاه با وی همخوابگی داشت . و همینکه خداوند پسری بوی عطا کرد ، او کودک خود را نشان داد ، و پادشاه را از افسونگری خود آگاه ساخت . پادشاه خردمندیش را پسندیده ، و او را نگاهداشت و زن قهرمانی بنام دینارزاد که همیشه با پادشاه بود در آن کارها با دختر روی موافقت نشان داده بود .

و چنین گویند که این کتاب برای لحمانی^۱ دختر بهمن تألیف گردیده ، و قصه دیگری هم در این باره نقل کرده اند .

محمد بن اسحاق گوید : صحیح این است که اول کسی که با افسانه شب زنده داری کرد ، اسکندر بود ، و گروهی داشت که ویرا خندان میساختند و افسانهها برایش میگفتند ، و او از این کار قصد لذت بردن را نداشت ، بلکه میخواست از وی محافظت و حراستی شده باشد ، و پس از او سائر پادشاهان این رویه را بکار بردند . و کتاب هزار افسانه مشتمل بر هزار شب ، و کمتر از دوست حکایت است ، زیرا چه بسا که يك حکایت در چندین شب گفته میشد و من تمامی آنها مکرر دیده و در حقیقت کتابی یافتم که حکایاتش خنک و بسیار بد است .

محمد بن اسحاق گوید : ابو عبدالله محمد بن عبدوس جهشیاری ، مؤلف کتاب الوزرا شروع بتألیف کتابی نمود و هزار حکایت از حکایتهای عرب ، و عجم ، و روم ، و دیگران را انتخاب کرد که هر قسمتی قائم بالذات بوده و بتسمت دیگر ارتباطی نداشت ، و افسانه گویان را جمع نمود ، و بهترین چیزهایی را که میدانستند از آنان گرفته ، و از کتابهایی که در این موضوع تألیف شده بود آنچه که پسندیده بود انتخاب کرده و چون مرد فاضلی بود توانست برای چهارصد و هشتاد شب افسانه تهیه کند که هر شبی بيك افسانه بگذرد ، و این کتاب در

۱- ف (لحمانی) ولی در تعلیقات فلوکل صفحه ۱۴۸ دارد (حمائی) و این صحیحتر بنظر میآید - و در (ش) این کلمه نقطه ندارد .

پنجاه ورق ، یا بیشتر و یا کمتر بود و پیش از آنکه بآرزوی خود در اتمام آن کتاب هزار افسانه برسد ، مرگ او را ربود . و من چند جزء آنرا بخط ابوالطیب اخی الشافعی دیدم ، و پیش از وی کسانی نیز افسانه‌هایی از قول مردمان ، و کبوتران و چهارپایان ساخته بودند که از آن جمله عبدالله بن مقفع ، و سهل بن هارون (بن راهنون) ، و علی بن داود ، کاتب زبیده ، و دیگران ، در این طبقه اند که ما اخبار و تصنیفاتشان را در جاهای خود در این کتاب شرح داده‌ایم ، اما درباره کلیله و دمنه ، اختلاف است . بقولی ساخته هند است که در مقدمه آن کتاب گفته شده ، و بقولی ساخته پادشاهان اشکانی است و هندیان آنرا بخود بسته‌اند ، و بقولی فارسیان آن را در آورده و هندیان بخود بسته‌اند ، و گروهی گفته‌اند که بزرگمهر حکیم پاره از آنرا ساخته است . والله اعلم .

کتاب سندبادالحکیم . این کتاب در دو نسخه است ، بزرگ و کوچک . و همان اختلاف در کلیله و دمنه ، در این کتاب هم بوده ، و نظریه که بیشتر بحقیقت نزدیک است ، تألیف آن از ناحیه هندیانست .

افسانه‌های فارسیان^۱

کتاب هزار داستان . کتاب یوسفاس و یوسوس^۲ . کتاب حجد حسروا . کتاب المرسی^۳ . کتاب خزاعه و نزهة . کتاب الدب و الثعلب . کتاب روزبه الیتیم . کتاب مشک زنانه و شاه زنان . کتاب نمرود ملک بابل . کتاب حلیل و دعه^۴ .

نام تألیفات فارسیان

درباره سیرت و افسانه‌های حقیقی از پادشاهان خود

کتاب رستم و اسفندیار - ترجمه جبلة بن سالم . کتاب بهرام شوس - ترجمه جبلة بن سالم . کتاب شهریزاد مع ابروین . کتاب الکار نامج فی سیره انوشروان . کتاب التاج و ماتفائلت فیه^۵ ملوکهم . کتاب دارا و الصنم الذهب . کتاب آئین نامه^۶ . کتاب خدای نامه . کتاب بهرام و نرسی . کتاب انوشیروان^۷ .

۱- ف (اسماء کتب الفرس) ش (اسمار الفرس) . ۲-۳ در متن عربی نقطه ندارد .

۴- ف (خلیل و دعه) و در ش نقطه ندارد .

۵- ف (تفائلت به) . ۶- ف (ائین نامه) .

۷- ش (انوشراوان انوشروان) .

نام کتابهای هند

در افسانه و اسرار و احادیث

کتاب کلیله و دمنه هفده بابست - و گویند^۱ هجده باب بوده که، عبدالله بن مقفع و دیگران آنرا ترجمه کرده اند، و این کتاب بشعر هم در آورده شده، و این کار را ابان بن عبدالحمید بن لاحق بن عفر رقاشی کرده است، و علی بن داود نیز آنرا بشعر در آورده، و بشر بن معنمه ترجمه از آن دارد، که پاره از آن در دست مردم است. و من در نسخه دیدم که دو باب اضافه داشت و شاعران ایرانی این کتاب را بشعر در آورده اند که از فارسی به عربی ترجمه شده است^۲. و از این کتاب مجموعه ها و منتخباتی است، که ساخته گروهی مانند ابن مقفع، و سهل بن هارون، و سلم رئیس بیت الحکمه، و مرید الاسود بوده و این شخص آخری را متوکل در دوران خود از فارس خواسته بود و از کتابهای آنان است: کتاب سنده باذالکبیر^۳. کتاب سند باذ - الصغیر^۴. کتاب البد. کتاب بوداسف و بلوهر. کتاب بوداسف - بتنهایی. کتاب ادب الهند والصین. کتاب هابل فی الحکمة. کتاب الهند فی قصة هبوط آدم علیه السلام. کتاب طرق. کتاب دیک الهندی فی الرجل والمرئة. کتاب حدود منطق الهند. کتاب سادیرم. کتاب ملک الهند القتال والسباح. کتاب شاناق فی التدییر. کتاب اطرفی الاشریة. کتاب بیدیا فی الحکمة.

نام کتابهای روم در اسرار و تاریخ

(و افسانه و مثلهای آنان)

کتاب تاریخ الروم. کتاب سسمه و دمن. بپیکرة کتاب کلیله و دمنه که برومی نامش... و بسیار سرد و بد تصنیف و تألیف شده، و گویند برخی از نوکاران آنرا تألیف کرده است. کتاب ادب الروم. کتاب مورویانوس فی الادب. کتاب انطرس السایح و ملک الروم.

۱- ش (ویکون) ف (وقیل).

۲- در متن عربی دارد (ونقل الی اللقمة الفارسیه بالعربیة).

۳- ش در حاشیه دارد (ومعروف است باسم و سندباد وسدیا).

۴- ش در حاشیه دارد (این کتاب را اصبع بن عبدالعزیز بن سلیم سجستانی ترجمه کرد).

کتاب محاوره الملك مع محمد عارموس . كتاب ديون وراجيل الملكين . كتاب ساس العالم في الامثال . كتاب العقل والجمال . كتاب خبر ملك لدا . كتاب سطر نبوس الملك وسبب تزويجه بسارادالفصة .

نام کتابهای ملوک بابل

و سائر ملوک الطوائف و گفتگوهایشان

کتاب ملك بابل الصالح و ابليس كيف احتال له و اغواه . كتاب نمرود ملك بابل . كتاب الملك الراكب القصبه . كتاب الشيخ والفتى . كتاب اردشير ملك بابل و ارمويه^۱ و زيور . كتاب لاهج بن ابان . كتاب الحكيم الناسك .

نام عاشقانی که در دوره جاهلیت و اسلام

عشقبازیها داشته و در آن تألیفات شده است

کتابها و اخبار این گروهی را که ذکر میکنیم ، کسانی مانند عیسی بن داب ، و شرقی بن قطامی ، و هشام کلبی ، و هیشم بن عدی ، و دیگران ، جمع و تألیف کرده اند . کتاب مرقس و اسماء . کتاب عمرو بن عجلان و هند . کتاب عروه و عفراء . کتاب جمیل و بشینه . کتاب کثیر و عزة . کتاب قیس و ابنی . کتاب مجنون و لیلی . کتاب توبه و لیلی . کتاب الصمة بن عبدالله و ریا . کتاب ابن الطثریه و حوشیه^۲ . کتاب ملهسی و تعلق . کتاب یزید و حبابه . کتاب قابوس و منیه . کتاب اسعد و لیلی . کتاب وضاح الیمن و ام البنین . کتاب امیم بن عمران و هند . کتاب پاکر و لحظه . کتاب محمد بن الصلت و جنة الخلد . کتاب العمر بن ضرار و جمل . کتاب سعد و اسماء . کتاب عمر بن ابی ربیع و جماعه . کتاب المستهل و هند . کتاب ملیکه و نعم و ابن الوزیر . کتاب احمد و داحه . کتاب فتی الکوفی مولی مسلمه و صاحبته . کتاب عمار و جمل و صواب . کتاب المغمر^۳ بن ملك و قبول . کتاب عمرو بن زید الطائی و لیلی . کتاب علی بن اسحاق و سمنه . کتاب الاحوص و عبده . کتاب بشر و هند . کتاب عاشق الکف . کتاب عاشق الصورة . کتاب عبقر و محام . کتاب ایاس و صفوة . کتاب ابن مطعون^۴ و رقیله و سعاده . کتاب حرافة و عشرق . کتاب المخزومی الهذلیه .

۱- دره-تن بی نقطه . ۲- ش (حوشم بن الطثریه) . ۳- ش (الغمر) .

۴- ش (ابی مطعون) .

کتاب عمرو بن القنقیر و نهد بن زیدمناة . کتاب مرة و لیلی . کتاب ذی الرمة و می .

نام سائر عاشقانی که در باره

آنان کتابی تألیف شده

کتاب سبیل و قالون . کتاب علی بن ادم و منهله . کتاب المهذب ولذة . کتاب الفضل بن ابی دلامه و کلیم^۱ . کتاب المعذب و النواء و الطیره . کتاب سحر اللہو و سکر . کتاب ابراهیم و علم . کتاب طرب و عجب . کتاب عمرو بن صالح و قصاب . کتاب احمد و سناء . کتاب محمد و دقاق . کتاب حکم و خلد . کتاب عباد الفاتک و فنک . کتاب شغوف و عطوف^۲ . کتاب احمد و زین العصور . کتاب بشر المهلبی و بسباسه . کتاب عاصم و سلطان . کتاب ذوب و رخیم . کتاب احمد بن قتیبة و بانوجه . کتاب سهل و سلیمه . کتاب الکاتب و منی . کتاب ابی العتاهیه و عتب . کتاب عباس و فور . کتاب عاشق البقرة . کتاب عی و سراب . کتاب عصام و دعینه . کتاب درید^۳ و الزهراء . کتاب عبدالله بن المهذب و لبنی بنت المعمر .

نام پریوشان هوس پرور^۴

کتاب ریحانه و قرنفل . کتاب رقیه و خدیجه . کتاب مؤیس و ذکیا . کتاب سکینه و الرباب . کتاب العطفیفة والدلفاء . کتاب هندو ابنة النعمان . کتاب عبدة العاقلة و عبدة الفداره . کتاب لؤلؤ و شاطره . کتاب نجده و زعوم . کتاب سلمی و سعاد . کتاب صواب و سرور . کتاب الدهماء و نعه .

نام عاشقانی که حکایاتشان در

افسانه‌های شب آمده

کتاب صاحب بشر بن مروان و ابنة عمه . کتاب الکلبی و ابنة عمه . کتاب التمیمی و التمیمیة الذین تعاهدوا . کتاب المصری و المکیة . کتاب عبدالله بن جعفر و الشجرة المکتوبة

۱- ش (حلیم) .
 ۲- ف (شموب و تطرق) .
 ۳- ف (مرید) .
 ۴- در متن دارد (الحیائب المتطرفات) .
 ۵- ف (خارجہ) .

عليها . كتاب الوجيه والاعرابي . كتاب اسماء بن جارحة الفزاري . كتاب مالك بن اسماء و صاحبة الحص . كتاب عباس الحنفي والتي رماها . كتاب الجارية و مولاها و عبيدالله بن معمر . كتاب عبدالرحمن بن الحكم بن حسان الاسدي و سعد صاحب الفار . كتاب الفتى و المرثة التي رمت بالحصاة . كتاب الرباب و زوجها الذين تعاهدوا . كتاب سليمان و عنوان وشيبان . كتاب سليمان بن عبدالملك و الجارية و طفلها . كتاب المرثة و اخوتها و الرجل الذي هواها . كتاب الاعرابي و ابنة عمه . كتابي ديگر است . كتاب عبدالملك و الكلبي صاحب خالد بن الوليد . كتاب الزهري و ابنة عمه الذين ساروا الى هشام بن عبدالملك . كتاب ديار و ظمياء . كتاب ملك العيار و ابنة عمه . كتاب عنمة و ازيهر و عمر و الملك . كتاب الكرد و حية و ابنة الكاهن . كتاب الاخوين العراقي و المدني . كتاب المعلى و سينا . كتاب المتجرد في النساء . كتاب بدر و سادن^۲ . كتاب حبيب العطار . كتاب حسن و الماص الاسرائيلي . كتاب حافيه ابنة هاشم الكندي . كتاب المؤمل بن الشريف و الصورة و مطعون الجنى . كتاب عامر و دعد جارية خالصه . كتاب عروة بن عبدالليل الطائي و ابنة عمه . كتاب الفتى العاشق و صاحبه . كتاب المخنث و الفتاة التي عشقته . كتاب الفتى العاشق و هند المتعجله . كتاب الفتى العاشق الست و ذات الخال . كتاب الفتى الاحمق و شمه عاشقته . كتاب العاشق المجنون و سلم و جاريته المخيلة^۳ .

نام آدميزادانيکه عاشق جنیان

و جنیانیکه عاشق آدميزاده شدند

كتاب دعد و الرباب . كتاب رفاعة العبي و سكر . كتاب سمسع و قمع . كتاب ناعم بن دارم و رحيمه و شيطان الطاق . كتاب الاغلب و الدباب . كتاب الضرغام و حودر و قس . كتاب عمرو و دقيانوس . كتاب الشماخ و دمع . كتاب الخنزرجي المحتال و اسما . كتاب الحصن^۴ بن النبوان و الجنية . كتاب الدلفاء و اخوتها و الجنى . كتاب دعد الفزاريه و الجنى و عمروه . كتاب عمر بن سفيان السلمى و الحنيه . كتاب عمرو بن المكشوح و الجنية . كتاب ربيعة بن قدام و الجنية . كتاب سعد بن عمير و النوار .

محمد بن اسحاق گوید: افسانه و اسما در دوران خلفاء بنی عباس ، بویژه دوره مقتدر بسیار مورد رغبت و ذوق مردم بود ، و به همین جهت و راقان بتصنيف پرداخته ، و دروغها

۱- ف (خارجہ) .

۲- ف (بدن و سادن) .

۳- ف (المخيلة) .

۴- ف (حضر) .

یافتند ، و بیشتر از همه مردی معروف با بن دلان ، بنام احمد بن دلان ، در این کار دست داشته ، و ابن عطار هم از آن جمله بود . و ما آن کسانی را که از زبان حیوانات افسانه و اسمازی داشتند ، مانند سهل بن هارون ، و علی بن داود ، و عتابی ، و احمد بن طاهر را پیش از این گفته‌ایم .

کتابهاییکه در عجائب دریا و غیره

تألیف شده

و آن کتابیست معروف ، بکتاب صخر المغربی ، مؤلفش ...^۱ و مشتمل بر سی حدیث است که دهتای آن در عجائب زمین ، و دهتای آن در عجائب درخت ، و دهتای دیگر در عجائب دریاست . کتاب واثله بن الاسقع . کتاب السمیع بن ذی ترجم الجهمیری والمطوف^۲ بنت زید . کتاب الشیخ بن الشاب .

۱- ف اشاره بجای خالی ندارد .

۲- ف (والمطوف) .

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فصل دوم - از مقاله هشتم

از کتاب الفهرست :

در اخبار علماء و نام کتابهاییکه تصنیف کرده‌اند

مشمول بر

اخبار دعانویسان و شعبده‌بازان و ساحران و صاحبان

نیرنگ و افسون و طلسمات

محمد بن اسحاق گوید : دعانویسان و ساحران عقیده دارند که شیاطین و جنیان و ارواح فرماتبردارشان بوده. و خدمتگزار ایشان و تحت امر و اراده‌شان میباشند. اما دعا-نویسانی که گروندگی بکیش و آئینی دارند چنین پندارند که آن کارها بوسیله اطاعت از خداوند متعال ، و توسل به او ، و قسم دادن ارواح ، و شیاطین بنام او ، و ترك شهوت، و ملازمت عبادت ، بدست آید ، و جنیان و شیاطین یا برای اطاعت از خداوند که بنام او قسم داده شده‌اند ، و یا برای بیم و هراسی که از خدا دارند ، سر اطاعت در مقابلشان

فرود آرند ، برای آنکه در اسماء باریتمالی خاصیت و اثریست که موجب نابودی و خواری آنها میگردد .

اما ساحران : گمان دارند از راه قربانیها ، و گناهکاریها ، و کارهای زشتی که خدا خواستار ترك آنها ، و شیاطین عمل کردن بآنها را خواستارند ، مانند ترك نماز ، و روزه ، و اقدام بآدم کشی ، و نکاح محصرمات ، و سائر کارهای شرارت آمیز ، شیاطین را بنده و فرمانبردار خود کرده اند . و این کارها در مصر و حول و حوش آن آشکار و کتابهای آن بسیار ، و در دست همه بوده . و سرزمین مصر ، بابل ساحران بشمار میرود ، و کسی که آنجا را دیده بمن گفت هنوز مردان و زنان ساحر در آنجا وجود دارند . و تمام دعانویسان و ساحران گمان دارند که انگشترها ، ودعاها ، و افونها . و صندلها^۱ و حربهها ، و بخورها ، و چیزهای دیگری دارند که در علوم خود آنها را بکار برند .

حکایت دیگر

گروهی از فلاسفه ، و ستاره پرستان چنین پندارند که عمل طلسماترا بوسیله رصد کواکب انجام میدهند ، و آنها برای تمام خواستههای خود از کارهای شگفتی بخش ، و تهیجات ، و عوطف ، و تسلط بر دیگران بکار می برند . و نقشهائی برسنگها و مهرهها و نگینها دارند ، و این علم در میان آن فلاسفه هویدا و آشکار است .

هندیان نیز معتقد بسحر بوده و کارهای عجیبی از خود نشان دهند ، چینیان راههای دیگری را در افسون و سحر میپیمایند . و هندیان علمی در خصوص توهم دارند ، و کتابها در آن تألیف کرده اند که پاره از آنها بعبری ترجمه شده است ، ترکان نیز از سحر بهره دارند ، و کیسکه اعتماد بفضالش دارم بمن گفت : ترکها برای شکست دادن قشون ، و نابودی دشمنان خود ، و گذشتن از رودها ، و طی مسافتهای دور ، بمدت بسیار کم ، کارهای شگفت انگیزی مینمایند .

در سرزمین مصر و شام طلسماتی فراوان ، و اشخاصش نمایانند منتهی در اثر مرور زمان ، دیگر کسی پیرامون آن کارها نمیکرد .

۱ - صندل - بفارسی (چندن) و نام چوب خوشبوئی است (منتهی الارب) .

سخن درباره راههای پسندیده

دعانویسی

گویند - و خداوند داناتر و حکیمتر است - که سلیمان بن داود علیه السلام ، اول کسی است که جنیان و شیاطین را ببندگی و خدمت خود درآورد . و بقولی ، اول کسیکه آنها را ببندگی درآورد ، بنا بعقیده ایرانیان ، جمشید پسر اونجهان بود^۱ ، و گویند^۲ ، برای سلیمان بن داود ، اصف بن برخیا ، که پسر خاله سلیمان بود ، عبری ، و یوسف بن عیصو نیز ، عبری ، و هرمرزان بن کردول ، بفارسی و عبری مینوشتند .

نام عفریتانی که بر سلیمان بن

داود درآوردند

و هفتاد نفر بودند ، و عقیده دارند که سلیمان بن داود - صلی الله علی نبینا و علیما السلام بمجلس خود درآمد ، و رئیس جنیان و شیاطین را ، بنام فقطس احضار کرده و آنها را ، سان دید ، فقطس از نام یکایک آنان ، و کارهاییکه بر سر فرزندان آدم آوردند ، ویرا آگاه ساخت . و اوعهد و پیمانی با آنان بست که هر گاه آنانرا بآن عهد و میثاق سوگند داد ، جواب دهند و روانه شوند ، و آن عهد ، اسامی خداوند متعال بود . و آن شیاطین چنین نامیده میشدند - فقطس ، عمرد ، کیوان ، شمرعال ، فروز ، مهاقال ، ذیزب ، سیدوک ، حیدرب ، سیار ، زنبور ، راحس ، کوکب ، حمران ، داهر ، قارون ، شداد ، سعه ، بکنان ، هرثمه ، بکلم ، فروخ ، هرمز ، هممه ، عیزار ، مزاحم ، مرء ، فتره ، هیم ، ارهبه ، خیشع ، خیفته ، ریاح ، زحل ، ذویعه ، محتوکر ، هیشب ، طعیطان ، وقاص ، قدمنه ، مفرش ، ابرایل ، نزار ، شغطیل ، دیوید ، انکرا ، خطوفه ، تنکیوش ، مسلقر ، قادم ، اشجع ، نودر ، نیشامه ، عصار ، ثعبان ، نامان ، نمودرکی ، طبابور ، ساهتون ، عذاقر ، مرداس ، شیطوب ، زعروش ، صخر ، عرمرم ، خشوم ، شاذان ، حرث ، حویرث ، عزره ، ققرون .

۱- رجوع شود بصفحه ۴۳۴ این کتاب .

۲- در متن عربی (وقال) ولی ظاهراً (وقیل) باشد .

نام هفت نفری که اینان

از فرزندانشان بودند

اولی دنهش - روز اول - شاخبا - روز دوم - مریبا - روز سوم - عبرا - روز چهارم -
مسمار - روز پنجم - نمودرکی - روز ششم - نجطس - روز هفتم .

اریوس رومی

اریوس پسر اسطفانوس پسر بطلمینس رومی ، ملقب - برشید قوم خود - از علماء رومیان در دعانویسی بوده ، و از کتابهای اوست : کتاب یدکر فیه اولاد ابلیس و تفرقههم فی البلاد وما یختص به کل جنس منهم فی الملل و الارواح و الاستهلاکات و الافعال و انساب الجن .

لوهق

لوهق پسر عرفج ، از قدماء بوده ، و این کتاب از اوست : کتاب طبائع الجن و موالیدهم ، و مؤاخینهم و الارواح المارعه . و این کتاب بزرگتر از کتاب اریوس رومیست .

و از متأخران - ابن هلال

نامش ابونصر احمد بن هلال البکیل و هلال پسر خدمتکاری بوده ، و هموست که در اسلام دری برای اینکارها گشوده و جنیان خدمتش مینمودند ، و با وی سخنگوئی داشتند . ویرا کارهایی شکفت انگیز ، و رفتاری نیکو بود ، و نگینهای مجربیی داشت ، و این کتابها از اوست : کتاب الروح المتلاشیة - کتاب المفاخر فی الاعمال . کتاب تفسیر ماقالته الشیاطین لسلیمان بن داود صلی الله علی نبینا و علیهما السلام و ما اخذ علیهم من العهود .

ابن امام

از دعانویسانی که با سامی خداوند متعال کار میکرد ، مردیست معروف بابن امام ، که در دوران معتضد بود ، و طریقه خوبی پیش گرفته بود که قابل مذمت نبود .

عبدالله بن هلال^۱ ، و صالح مدیبری ، و عقبه اذری ، و ابو خالد خراسانی ، گروهی هستند که طریقه خوبی را پیش گرفته‌اند . و کارهایی شایسته ، و رفتار شرافتمندانه دارند .

ابن ابورصاعه

ابوعمر و عثمان بن ابورصاعه ، از کسانی است که من ویرا دیده‌ام ، و در هنر خود برجستگی دارد . روزی بوی گفتم . من تو را شایسته‌تر از آن دانم که باین گونه کارها دست بیالائی ، گفت ، سبحان الله ، من الان ، از هشتاد و اندی سال بیشتر عمر کرده‌ام ، و اگر میدانستم که این کار حقیقتی ندارد ، دست از آن برمیداشتم ، ولی من شك و تردیدی در صحت آن ندارم ، بوی گفتم بخدا سو کند رستگار نخواهی شد ، و او تألیفات بسیاری دارد ، و کارهایش خوب است ، و صاحبان این هنر عقیده بمرتبی و برجستگی او دارند .

سخن درباره طریقه نکوهیده

طریقه نکوهیده این کارها را ساحران دارند ، و سخن گویانشان چنین پندارند که بیدخ ، دختر ابلیس ، و بقولی ، دختر پسر ابلیس . تختی بر روی آب دارد ، و کبک خواهران این کارهاست . هر وقت برای او کاری چنانچه خواسته ، بدخواهش انجام دهد ، باو میرسد و خواسته‌های خود را از وی بدست آورد ، و نیازمندیهایش برآورده شود و از وی حجایی نخواهد داشت ، از این جمله کسانی هستند که برای وی حیوانات ناطق و غیرناطق قربانی کنند ، و اجبات دینی را کنار گذارند ، و مرتکب کارهایی شوند که عقل آن را قبیح شمارد . و بقولی این بیدخ ، خود ابلیس است . و دیگری گوید که ، بیدخ بر تخت خود نشیند ، و مریدان را بنزد او برند تا در مقابل وی بسجده درآیند .
- بزرگست خداوند گاریکه ناهایش مقدس است .

یکی از همین مردمان بمن گفت ، بیدخ ، را بخواب دیدم که بهمان کیفیت بیداری ، بر تخت خود نشسته ، و در اطرافش گروهی را بسیاهی نبطیان دیدم که از برهنه پائی ، پاشنه‌هایشان شکاف برداشته بود ، و میگفت ، این مفذرینی را هم در میانشان دیده است . و این مردیکه نامبرد ، از بزرگان ساحران ، و همزمان با ما بوده ، نامش احمد بن جعفر

۱- ش در بالای این نام بخط ریز دارد (الاول اصح فی نسخه) .

غلام ابن ذریق است . و از زیر طشت با وی سخن گویند .

خلف بن یوسف دستمییانی

از جمله آن مردمان ، و یگفته برخی از پروانش بنام ابن قنان ، این کتابها از اوست : کتاب ...

حماد بن مرثه یمانی

از آن مردم است ، و بگمان خود ، از زرقاء ساحره روایت میکند . و این کتاب از اوست : کتاب التماثل .

حریری

ابوالقاسم فضل بن سهل بن فضل ، از آن مردمان بود ، و این کتاب از اوست : کتاب الحلولات والربوطات و العقد والادارات .

ابن وحشیه کلدانی

ابوبکر احمد بن علی بن مختار بن عبدالکریم بن جرثیم بن بدنیان برسانیا بن عالطیا ، کسدانی صوفی ، از مردم قسین^۱ است و ادعا داشت که ساحر است و طلسم میسازد و کیمیا دارد . و ما در آخر این کتاب - در صنعت کیمیا - ذکر وی از وی خواهیم کرد ، و معنی کسدانی نبطی است^۲ که اولین ساکنان روی زمین از نژاد سنحاریب^۳ بودند . و در طلسمات و سحر این تألیفات را داشت : کتاب طرد الشیاطین - معروف بالاسرار . کتاب السحر الکبیر . کتاب السحر الصغیر . کتاب دوار علی مذهب النبط که آنرا بشر در آورده^۴ . کتاب مذاهب الکلدانین فی الاصنام . کتاب الاشارة فی السحر . کتاب اسرار الکواکب . کتاب . کتاب الفلاحة الکبیر والصغیر . کتاب حناطوئی اباعی الکسدانی فی النوع الثانی من الطلسمات - که ابن وحشیه آنرا ترجمه کرده است . کتاب الحیوة والموت فی علاج الامراضی الراهطین سموطان الکسدانی . کتاب

۱- قسین - یا ضمه و بعد کسره و تشدید سین ، دهی است از نواحی کوفه (معجم البلدان).

۲- رجوع کنید بصفحه ۱۹ این کتاب .

۳- سنحاریب پادشاه آشور (۷۰۵-۶۸۱ ق. م) پسر سرجون دوم و جانشین او (اعلام

المنجد) . ۴- ف (هوتسع مقالات) ش (وهو بشر قاله) .

الاسنام . کتاب القرائین . کتاب الطبیعه - از خود او - کتاب الاسما از خود او کتاب مفاوضاته مع ایی جعفر و الاموی و سلامة بن سلیمان الاخمیمی فی المنعة والسحر .

ابوظالب

احمد بن حسین بن علی بن احمد بن محمد بن عبدالملک زیات ، مصاحب ابن وحشیه ، و کتابهای او را روایت مینماید ، و در این وقت حیاة دارد . و بگمانم در همین نزدیکیها وفات یافته است .

سخن درباره شعبده و طلسمات

و نیرنگات

اولین شعبده باز در اسلام ، عبدالکبیر . و یکنفر دیگر بنام قطب الرحا بودند و تألیفاتی در این موضوع دارند که از آن جمله است : کتاب الشعبدہ - تألیف عبدالکبیر . کتاب الخفة والدک والقف - تألیف قطب الرحا . کتاب بلع السیف والتضیب والحصى والسبع واکل الصابون والزجاج والحيلة فی ذاک . کتاب المخرفة - تألیف عبدالکبیر . و آخرین نفریکه باچالاکی و تردستی بازی میکرد و ما او را دیده ایم ، منصور ابوالعجب بود که هنگام مرگ یکصد و پانزده سال داشت . و میگفت در مقابل معتمد بازی کرده است .

قالشانس

از قدیمیان است ، و درباره خواص اشیاء و نیرنگات و طلسمات سخنانی دارد ، و این کتاب از اوست : کتاب الجامع فی النیرنجات والخواص .

بلیناس حکیم

از مردم طوانه^۱ از شهرستانهای روم است ، و گویند او اول کسی است که درباره طلسمات سخنانی درآورد ، و کتابش در کارهاییکه از طلسمات ، در شهر خود و سایر ممالک نموده ، معروف و مشهور است .

۱ - طوانه ، دژی در کبلوقیه (اناطولی) است که عبدالملک در سال ۷۰۷ م از دست رومیان درآورد و او در تصرف عرب باقی نماند تا سال ۸۰۶ م که رشید بر آن استیلا یافت (اعلام المنجد) .

اروس رومی

و این کتاب از اوست : کتاب النیر نجات .

سسه هندی

از قدیمیان است و رویه هندیان را در نیرنگات داشت و کنایی دارد که در آن از مسلك اصحاب توهم پیروی کرده است .

کتابهای هرمس در نیرنگات

و خاصیت آنها و طلسمات

کتاب هرمس فی النشر والتماویذ والعزائم . کتاب الهاریطوس فی نیر نجات الاشجار والثمار والادمان والحشائش . کتاب فریقونیوس فی الاسماء والحفظة والتمائم والموذ - من حروف الشمس والقمر والنجوم الخمسة و اسماء الفلاسفة . کتاب فریقونیوس فی الخواص - و آن را به جزء در آورده ، و هر جزئی مشتمل بر معنائی است .

بسم الله الرحمن الرحيم

فن سوم - از مقاله هشتم

از کتاب الفهرست

در اخبار علماء و نام کتابهاییکه تصنیف کرده‌اند

مشمول بر

کتابهاییکه در معانی گوناگونی تألیف شده و مؤلفان

شناخته نشده‌اند

نام افسانه‌هایی که بلقب معروف بوده

و چیز دیگر در این باره ندانیم

کتاب شکبده . کتاب کمب صب . کتاب صلح الدیر . کتاب خمج . کتاب عاشق البقرة .
کتاب حرة الريح . کتاب سعدة . کتاب حدیثه . کتاب جبل مشق . کتاب زقطه^۱ . کتاب رقاصه

کتاب سکن . کتاب خراء الطير . کتاب بثلب^۱ . کتاب صغيره^۲ . کتاب طعنه الصراخ^۳ . کتاب برص . کتاب ری . کتاب حراره . کتاب رخیه . کتاب حوشق^۴ . کتاب قور . کتاب بلبل . کتاب حبی و علمه . کتاب جلبذه .

یاوه گوئیهائیکه که مؤلف

آن معلوم نیست

کتاب حوشب الاسدی . کتاب عروة بن عبدالله . کتاب الغاضری . کتاب ابی السائب . المخزومی . کتاب ابی عمر الاعرج . کتاب ضمضم المدیننی . کتاب قلوب . کتاب ابی سکه . کتاب مسرور الاوسی . کتاب ابی معن الغفاری . کتاب الدارمی . کتاب ابن احمر . کتاب عقریط . کتاب حطی الدلال . کتاب ابی الحر المدیننی . کتاب فند . کتاب هبة الله . کتاب نومة الصخی . کتاب ابن الشونیزی .

نام گروهی از احمقان که در نوادرشان^۵

تالیفاتی شده و مؤلف معلوم نیست

کتاب نوادر حجا . کتاب نوادر ابی ضمضم . کتاب نوادر ابن احمر . کتاب نوادر سورة الاعرابی . کتاب نوادر ابن الموصلی . کتاب نوادر ابن یعقوب . کتاب نوادر ابی عبیدالحزومی . کتاب نوادر ابی علقمه . کتاب نوادر سیفویه .

کتابهایی که درباره ایرانیان و هندیان و رومیان

و عربان شهوت انگیزانه تألیف کرده‌اند

کتاب بنیان^۶ دخت . کتاب بنیان^۷ نقش . کتاب بهرام دخت فی الباه . کتاب مرطوس

۱- ف (ثلب) .

۲- (صغیده) .

۳- ش (الصراخ) .

۴- ف (جوشق) .

۵- (نوادر بچیزهای عجیب و شگفتی گویند (فرهنگ نفیسی) .

۶ و ۷- در - ش - بی نقطه .

الرومی فی حدیث الباء . کتاب الالفیة الکبیر^۱ . کتاب الالفیة^۲ الصغیر . کتاب بردان و حجاب لابی حسان الکبیر . کتاب بردان و حجاب الصغیر . کتاب الحره والامة . کتاب السحاقات والباسر^۳ - تألیف ابوعبیس . کتاب الفه ابن حاجب النعمان ، ویمرف بحدیث ابن الدکانی . کتاب لعوب الرئیسة وحسین اللوطی . کتاب الجوارى الحباب .

کتابهای ایرانیان و هندیان و رومیان و عربان

در تخیلات درونی و حرکات مژه و ابرو و خالهای

بدن و شانها و تألیفاتی که در قال و پیشگوئی

و غیره دارند

کتاب منحول الفراسه - تألیف ارسطو . کتاب الفراسه - تألیف قلیمون . کتاب فراسه الحمام . کتاب زجر الفرس . کتاب زجر الهند . کتاب زجر الروم . کتاب زجر العرب . کتاب الخیلان - از مینس رومی . کتاب الشامات - از مینس رومی . کتاب الفال لاهل فارس . کتاب خطوط الکف والنظر فی الید - از هندیان . کتاب الاختلاج علی ثلاثة اوجه - از ایرانیان . کتاب زجر الطیر والقال والعیافة والقیافة والکهانند - از مدائنی . کتاب الفال الفلکی - از کندی . کتاب الاختلاج والزجر و ما یرى الرجل فی ثیابه و جسمه و صفة الخیلان وعلاج النساء و معرفة ما یدل علیه الحیات . کتاب قرعة ابن المرتحل الکبیرة . کتاب قرعة ابن المرتحل الصغیرة . کتاب فیثاغورس فی القرعة التي یقترع بها عند کل حاجة . کتاب قرعة ذی القرنین . کتاب قرعة الفتها النصارى . کتاب قرعة منسوبة الی دانیال . کتاب قرعة منسوبة الی الاسکندر بالسهام .

کتابهاییکه در سوارکاری^۴ و برداشتن اسلحه و آلات جنگی و تدبیر

بکار انداختن آنها تألیف شده و همه ملل از آن پیروی دارند

کتاب آئین^۵ الرمی . از بهرام گور ، وبقولی از بهرام چوبین . کتاب آئین^۶ الضرب بالصوالجه - از ایرانیان . کتاب تعبیه الحروب واداب الاساوره و کیف کانت ملوک الفرس تولى

۱-۲ ش (الاکفیه) . ۳- ش (والبنائین) .

۴- در متن عربی (فی الفروسیه) که در لغت بمعنی مهارت در اسب سواری و شناختن

اسب است و ما برعایت اصطلاح امروز ، بسوارکاری تعبیر نمودیم (ر.ک. منتهی الارب) .

۵ و ۶- ف (ائین) .

الاربعة الثغور من الشرق والغرب والجنوب والشمال . كتاب الحيل - از هرثمی شعرانی^۱ درباره جنگ ، که برای مأمون تألیف کرد ، و خوب از عهده برآمد - در دو مقاله ، مقاله اول در سه جزء و جزء اول بیست باب ، مشتمل بر دو بیست و شصت و چهار مسئله . جزء دوم ، هفت باب در چهل و دو مسئله ، جزء سوم ، بیست و چهار باب مشتمل بر چهل و چهار مسئله . و مقاله دوم ، در سی و شش فصل ، و دو بیست باب^۲ .

كتاب عبدالجبار بن عدی لمنصور فی آداب الحروب و صورة العسكر . كتاب الاشمیطی فی القروسية . كتاب ادب الحروب و فتح الحصون و تریب الصکمین و توجيه الجواسیس و الطلائع و السرايا و وضع المسالِح - ترجمه ایست از کارهایی که برای اردشیر بن بابک شده . كتاب با جهر الہندی فی فراسات السیوف و نعتها و صفاتها و رسومها و علاماتها . كتاب السیوف التي كانت عند العرب و اصناف ذلك . كتاب شاناق الہندی فی امر تدبیر الحرب و ما ينبغي للملك ان يتخذ من الرجال و فی امر الاساور و الطعام و السم . كتاب العمل بالنار و النفط و الزرافات فی الحروب . كتاب الدبابات و المنجنیقات و الحیل و المکاید - و این را بخط ابن حنیف دیده ام .

کتابهایی که در بيطاری و معالجه چهارپایان

و صفات اسب و انتخاب آنها تألیف شده

كتاب ابن اخی حزام فی البیطره - برای متوکل تألیف کرد . كتاب الفه حکیم من حکماء الروم فی علاج سائر الدواب . كتاب البیطرة - تألیف سموس ، يك مقاله آن موجود است . كتاب الخیل و علی ای نعت و صفة شیة افره ما یكون من الخیل . كتاب ارباط الخیل - مؤلفش شناخته نشد . كتاب نقله اسحاق بن سلیمان للفرس فی علاج سائر الدواب و الخیل و البغال و البقر و النعم و الابل و معرفة ثمنها و رسومها . كتاب البیطرة للحصیبی - شناخته نشد . كتاب البیطرة للروم . كتاب البیطرة للفرس .

۱- س (الحیل البرثمی الشعرانی) .

۲- در نسخه خطی شهید علی پاشا این دو مقاله کنار هم و محتویات هر یک بطور عمودی نوشته شده که فلوکل توجه نکرده و آنرا افقی خوانده و بدین جهت در هم مندمج گردیده و جزء اول که مربوط باجزاء سه گانه مقاله اول است پس از مقاله دوم ذکر شده است (ر . ک . ص ۳۱۴ فلوکل - یا - ۴۳۷ چاپ مصر در سال ۱۳۴۸) .

کتابهاییکه ایرانیان و رومیان و ترکان و عرب

در باره مرغان شکاری و شکار با آنها و بهداشت

آنها تألیف کرده‌اند

کتاب الجوارح - تألیف محمد بن عبدالله بن عمر با زیار . کتاب البزاة للفرس . کتاب البزاة للترك . کتاب البزاة للروم . کتاب البزاة للعرب . کتاب الجوارح واللعب بها - تألیف ابودلف قاسم بن عیسی .

نام کتابهاییکه ایرانیان و رومیان و هندیان

و عرب در مواعظ و آداب و حکم تألیف کرده‌اند

خواه مؤلف معلوم یا مجهول باشد

کتاب زادانفروخ^۱ - فی تأدیب ولده . کتاب مهراذ و حسیس الفرمدار^۲ الی بزرجمهر بن المنکان^۳ که اولش این است : هیچ دو نفری نیست که در نظریه باهم ستیزه کنند و یکی بخطا و دیگری بصواب باشد . کتاب سیروس^۴ فی الادب . کتاب بروسن فی تدبیر المنزل . کتاب ابراهیم بن زیاد فی الادب للمهدی^۵ . کتاب محمد بن اللیث الی الرشید یعظه . کتاب محمد بن اللیث الی یحیی بن خالد . کتاب الرد علی الزنادقه - مؤلفش شناخته نشد . کتاب عهد کسری الی ابنه هرمز یوصیه حین اصفاء الملک وجواب هرمزایاه . کتاب ملک من الملوک الخالیة الی ابنه فی التأدیب . کتاب عهد کسری الی من ادرك التعليم من بنیه^۶ . کتاب ملک صالح من الملوک فیه جماع روؤس امور الملوک الی تدور علیها سیاستها . کتاب عهد اردشیر بابکان الی ابنه سابور . کتاب مؤبدان مؤبد فی الحکم والجوامع والاداب . کتاب عهد کسری انوشروان الی ابنه ، الذی یشی عش البلاغة^۷ . کتاب مسائل استرعا یحسن العالم والجواب عنها . کتاب الملک ذی الشیبة و ماجری بینہ و بین و زرائه و اهل مملکته من المحاوره .

۱- ف (زادانفروخ) .

۲- ف (الموبدان) .

۳- ف (البختکان) .

۴- ف (بفروس) .

۵- ش (فی الادب المهدی) .

۶- ف (من بنیه) .

۷- ف (عین البلاغة) .

كتاب ما كتب به كسرى الى المرزبان^١ واجابته اياه . كتاب حديث اليأس والرجاء والمحاورة التي جرت بينهما . كتاب الملك والمرأة التي علقها بين السماء والارض يستظل تحتها الف فارس . كتاب المسائل التي انفذها ملك الروم الى انوشروان على يد بقراط الرومي . كتاب ارسال ملك الروم الفلاسفة الى ملك الفرس يسئله عن اشياء من الحكمة . كتاب الفيلسوف الذي بلى بالجارية قبطر وحديث الفلاسفة في امرها . كتاب الملك الذي اشار عليه احد وزرائه بالنوم والآخر باليقظة . كتاب ما امر اردشير باستخراجه من خزائن الكتب التي و صفها الحكماء في التدبير . كتاب حديث السمع والبصر . كتاب الملك والضرتين والوزراء . كتاب امرأتى الملك احدهما تفضل الفلمان والاخرى الجوارى وكلام الفلاسفة في ذلك . كتاب الهنديين الجواد والبخيل والاحتجاج بينهما و قضاء ملك الهند في ذلك . كتاب كسرى بن مرديود لهرمز بن كسرى ورسالة كسرى الى جواسب وجوابها . كتاب كسرى الى زعماء الرعية في الشكر . كتاب اروى وذكر دبرها وما تكلمت به من الحكمة . كتاب نوادر ميمون بن ميمون في الادب . كتاب حمزة بن عفيف في سيرة ذي اليمينين . كتاب ادب معدة الكاتب . كتاب المرزى في الادب بنوادر وشعر . كتاب آداب عافية بن يزيد القاضي . كه بر اى اسحاق بن عيسى بن على الهاشمى نوشت . كتاب آداب ابراهيم بن المهدي . كتاب آداب كلثوم بن عمرو العنابي . كتاب آداب عبدالله بن المعتز . كتاب شاناق الهندي في الاداب - پنج باب . كتاب سيرتنامه - تأليف حداهود بن فرخزاد - كه كتابيست در اخبار و حكايات . كتاب على بن زين الانصارى في الاداب والامثال على مذاهب الفرس والروم والعرب . كتاب ترجمته نوادر اهل الشرفيه و نوادر اوساط الناس و نوادر السفلة والوضعاء .

کتابهاییکه در تعبیر خواب

تألیف شده

كتاب ارطاميدورس في الرؤيا - پنج مقاله . كتاب النوم واليقظة - تأليف فرقوريوس . كتاب ابن سليمان المنطقي في الانذارات النومية . كتاب الفه ابراهيم بن بكوس في الرؤيا . كتاب تعبیر الرؤيا - تأليف ابن سير بن . كتاب تعبیر الرؤيا - تأليف فيرياني ، قصه است . كتاب تعبیر الرؤيا - تأليف ابن قتيبه . كتاب تعبیر الرؤيا على مذاهب اهل البيت عليهم السلام (مؤلفش ...) كتاب تعبیر الرؤيا لاهل البيت - نازك .

کتابهاییکه در عطریات تألیف شده

کتاب العطر - برای یحیی بن خالد تألیف شد . کتاب العطر - تألیف ابراهیم بن عباس .
کتاب العطر - تألیف کندی . کتاب کیمیاء العطر - تألیف کندی . کتاب العطر - مؤلفش شناخته
نشد . کتاب آخر مجهول فی العطر والترکیبات . کتاب العطر - تألیف حبیب عطار . کتاب
العطر واجناسه - تألیف مفضل بن سلمه . کتاب العطر واجناسه ومعادنه - تألیف مرد کوهستانی
نامش ...

کتابهاییکه در طبیخ^۱

تألیف شده

کتاب الطبیخ - تألیف حارث بن یسخر^۲ . کتاب الطبیخ - تألیف ابراهیم بن مهدی .
کتاب الطبیخ - تألیف ابن ماسویه^۳ . کتاب الطبیخ . - تألیف مخبره . کتاب الطبیخ - تألیف
احمد بن طیب . کتاب الطبیخ - تألیف ابراهیم بن عباس صوای . کتاب الطبیخ - تألیف علی بن -
یحیی منجم . کتاب الطبیخ - تألیف جحظه . کتاب السکباج - از خود او . کتاب الطبیخ^۴ للمرضی -
تألیف رازی . کتاب الطبیخ - از خود او .

کتابهاییکه در سمیات و داروسازی

تألیف شده

رنطاح

معلوم نیست از قدیمیان و یا متأخران است . و این کتابها از اوست : کتاب السمومات
وترکیبها و اصولها - در حدود پنجاه ورق . کتاب السمومات - از ابن بطریق . کتاب السمومات
للهند . کتاب السمومات و دفع ضررها - از کندی . کتاب السمومات لقسطنین لوقا و دفع
مضارها . کتاب اجناس الحیات - مترجم هندی . کتاب اجناس الحشرات - از ابن بطریق .

۱ - طبیخ لغت حجازیان و بمعنی خوراکیست که خورش دارد (اقرب الموارد) .

۲ - ف (یسخر) . ۳ - ف (ماسویمن) . ۴ - ف (اطعمه) .

کتاب الصیدنة - از رافق^۱ دواساز . کتاب الصیدنه از رازی .

کتابهاییکه در تعویذات ورقی

تألیف شده

کتاب الهیا کل السبعة . کتاب الخواتیم السبعة . کتاب الحراب^۲ السبعة . کتاب المنازل السبعة . کتاب الرقی والتعاویذ - تألیف ابن وحشیه . کتاب الرقی والتعاویذ - تألیف احمد بن هلال . کتاب سفر آدم و در آن نام ملائکه و کیفیت بکار بردن آن نامهاست . مؤلفش شناخته نشده . و یهودیان آنرا از خود دانند ، کتاب الهیاجات والعطوف والحلول والربوط مؤلف گمنام است .

نام کتابهایی که مفرد است و نام

مصنفان آنها

کتاب الجوهر واصنافه - که محمد بن شاذان جوهری برای معتضد تألیف کرد . کتاب التلاویح - تألیف یحیی بن محمد زجاج . کتاب السبول^۳ . والمعجونات والفضار الصینی - تألیف جعفر بن حسین . کتاب النداء علی الاشیاء ، مجمع ، ومؤلفش بدرستی شناخته نشد . کتاب الهلیلجه - مؤلفش شناخته نشده و آنرا بصادق علیه السلام^۴ نسبت داده اند و این امر محالست . کتاب اجناس الرقیق والکلام علیه - که یکی از مردم مصر برای ابن بطحا تألیف کرده ، و در حدود یکصد ورق است . کتاب الکنوز السبعة - مؤلفش شناخته نشد . کتاب دفائن البیوت - مؤلف شناخته نشد . کتاب المعادن والمطالب والکنوز - از مصریان . کتاب مزاجات الجواهر المعدنیة وعمل الفولاذ والطالیقون والخماهن والصر و غیر ذلك - مؤلف شناخته نشد .

۱- ف (راوق) .

۲- ف (الجواب) .

۳- ف (السیوب) .

۴- ف (رضی الله عنه) .

نهمین جزء

از

کتاب الفهرست

در اخبار

علماء و نام کتابهاییکه تصنیف کرده‌اند

تألیف

محمد بن اسحاق بن محمد بن اسحاق که معروف

ابویعقوب وراق است

حکام خط المصنف
عبد محمد بن اسحق

نمونه‌ایست از خط نویسنده نسخه
چسبیده‌ی و تقلیدی که از خط
مصنف کرده است

مقاله مذاهب و اعتقادات

بسم الله الرحمن الرحيم

مقاله نهم - از کتاب الفهرست

فن اول

در اخبار علماء و نام کتابهاییکه تصنیف کرده‌اند

مشمول بر

چگونگی مذاهب حرنانیان کلدانی معروف بصابطه

و مذاهب ثنویه

کلدانیان

این حکایت را احمد بن طیب بخط خود از کندی

نقل کرده است .

این گروه بر آنند که عالم يكعلت دارد ، و همیشه يكتا بوده و فزونی نیابد ، و از صفت معلولات چیزی باو نپیوندد . و صاحبان تمیز و شدا ز بندگانش را مکلف در اقرار بخداوندی

خود نموده ، و راهشانرا واضح و نمودار کرده ، و پیامبرانی را برای راهنمایی آنان فرستاده ، و برای آنکه حجت را تمام کرده باشد ، بآنان دستور داد که مردم را به بهشت او دعوت نمایند . و از خشم و غضبش هراسان دارند . باطاعت کنندگان زندگی جاوید را نوید دهند ، و عاصیانرا از عذاب ، و مجازات پاندازه استحقاق برحذر سازند - و بهمینجا قطع میشود .

از برخی پیشینیان باستانی نقل شده ، که گفته است : خداوند نه هزار دور معذب میدارد ، و پس از آن در پناه رحمت الهی درآید ، ولو آنکه اختصاص بآن گروهی داشته باشد ، که داعی بحق ، و پیرو دین حنیفی باشند که بآن گروهیده اند^۱ . و برجستگان و بزرگان آنان : ارانی ، و اغثاذیمون^۲ ، و هرمس بوده ، و برخی ، سولون جد مادر افلاطون فیلسوف را در شمار آنان آورده اند - دعوت این گروه یکنواخت بود ، و در سنن و آئین باهم اختلافی نداشتند ، و قبله خود را یکی میدانستند ، و در سفر^۳ خردمندان قطب شمال قرار داده شده بود ، تا بحکمت دستیابی داشته باشند . و از آنچه با فطرت^۴ مناقضت دارد بدور مانند ، و خود را ملزم برعایت فضائل چهارگانه نفس داشته باشند . از فضائل کوچک و جزئی برخوردار ، و از کوچکترین کارهای ناشایست دوری جویند ، و میگفتند ، آسمان از روی اختیار و خردمندی در حرکت بوده ، و نماز روزانه در سه وقت واجب است . اولی - در هشت رکعت ، و هر رکعتی سه سجده ، پیش از طلوع آفتاب به نیم ساعت یا کمتر ، که با سرزدن آفتاب پایان برسد . دومی - در پنج رکعت . و هر رکعتی سه سجده ، که با زوال آفتاب پایان یابد . و سومی مانند دومی بوده ، و یا غروب آفتاب پایان میرسد . و التزام برعایت این سه وقت برای وتدهای^۵ سه گانه است که ، وتد مشرق ، وتد وسط السماء و وتد مغرب باشد . و دیگر از واجب بودن نماز برای وتد زمین کسی سخن نگفته است . و لزوم نافله نزد آنان چون نماز و تر^۶ در نزد مسلمانان است ، و هر روزی در سه وقت باید ادا شود ، اول دو ساعت از روز رفته ، دوم ، در ساعت نه از روز ، و سوم ، سه ساعت از شب گذشته ، و طهارت شرط اولی نماز است .

وسی روز ، روزه را واجب شمرند ، و اول آن از هشتمین روز ماه اذاراست . و نه روز

۱ - ف (یقسمون) ش (یسمون) . ۲ - ف (اغثاذیمون) .

۳ - سفر - کتاب بزرگ ، و بقولی ، هر جزئی از اجزاء تورات (اقرب الموارد) .

۴ - ف (بالقطر) ش (بالقطر) . ۵ - وتد در لغت بمعنای - میخ است . و

یاوناد جمع میشود . و اوتاد الارض کوههای زمین است (منتهی الارب) .

۶ - وتر بکسر اول و سکون دوم ، بمعنای (یکه - وطاق) است ، و در فقه اسلامی نام

نماز یکرکعتی است که از نوافل شب است (رک . منتهی الارب . و کتاب الصلوة شراعی) .

آخر کانون اول را روزه گیرند ، بهمچنین هفت روز از هشتمین روز ماه شباط ، که در نظرشان بسیار بزرگ و با اهمیت است . و در روزه نافله‌هایی دارند ، که یکی شانزده روز ، و یکی بیست و هفت روز است .

و قربانیهایی برای تقرب دارند ، و آنرا ویژه ستارگان دانند ، و بگفته برخی از آنان ، اگر قربانی بنام باری تعالی شود ، آثار خوبی را نشان نخواهد داد ، زیرا بعقیده آنان این کار چنانست که بیک کار عظیم و بزرگی دست اندازی شود که پایین تر از آن هم وجود داشته و ترك شده ، و بهمین سبب ، نه خوب در آید ، و نه بد . و ذبیحه قربانی عبارتست از گاو نر ، و بز ، و سائر چهارپایان جز شتریکه در فکین دهانش دندانهای نباشد . و از پرندهگان ، آنرا قربانی کنند که از نوع کبوتر و مرغان شکاری نباشد ، و ذبیحه را بریده شدن رگهای گردن و حلقوم ؛ و تذکیه را جدا نشدن سر از بدن حیوان دانند ، و بیشتر ذبیحه‌شان خروس بوده ، و قربانی را نمیخورند بلکه آنرا میسوزانند ، و در روزیکه قربانی کنند ، پختخانه نمیروند ، و در هر ماه چهار وقت برای قربانی دارند ، وقت اجتماع^۱ . وقت استقبال^۲ ، و روزهای هفدهم ، و بیست و هشتم ماه .

و اما عیدهای آنان : عیدی بنام عید فطر السبعه ، و عید فطر الشهر ، و بقولی^۳ فطر الثلاثین در دو روز ، و یکی هم پس از گذشتن پنج روز و یکی دیگر هم پس از گذشتن هجده روز ، که روز بیست و ششم آنماه میشود . و عید الحبل ، در روز بیست و پنجم تشرین اول ، و عید المیلاد ، در روز بیست و سوم کانون^۴ . و عیدی ، در روز بیست و نهم تموز . و باید در جنابت ، غسل کنند . و جامه را عوض نمایند ، و با دست زدن بزین حائض ، غسل کنند ، و جامه را عوض نمایند . و البته زن حائض را باید از هر چیزی دور نگاه دارند . و چه بسا که هنگام جنابت ، یا دست زدن بزین حائض گل ارمنی در آب ریخته و غسل کنند . و ذبیحه در نزدشان صورت پیدا نمیکند مگر در حیواناتیکه ریه و خون دارد ، و خوردن گوشت شتربی دندان ، و آنچه تذکیه نشده ، و هر حیوانی که در فکین او دندان نباشد ، مانند

۱- اجتماع در اینجا ممکن است بمعنای - گرد آمدن ، و تجمع باشد - و یا بمعنای هنگام مقارنه ماه با آفتاب آنگاه که در یکبرج و یکدرجه هستند (ر.ک. فرهنگ فارسی آقای دکتر معین) .
 ۲- استقبال در اینجا ممکن است بمعنای پیشواز کردن باشد - یا بمعنای هنگام مقابله دو کوكب مخصوصاً خورشید و ماه (ر.ک. فرهنگ فارسی آقای دکتر معین) .
 ۳- ف (قیل) ش (قیل) .
 ۴- در ماههای رومی دو کانون است کانون اول - و کانون دوم - و اینجا معلوم نیست مراد کدام يك است .

خوك، وسك، و الاغ، و از پرندگان جز كبوتر هر چه چنگال دارد، و از نباتات، باقلا و سير ممنوع بوده و برخی از آنان، لوبيا و كلم و چغندر و عدس را مشمول آن ممنوعيت دانسته‌اند. و در كراهت از شتر باندازه افراط دارند كه گویند، كسيكه زير مهار شتری راه رود، حاجتش برآورده نگردد. و از مبتلایان به پيسي، و جذام، و سائر بیماریهای مری دوری جویند. ختنه نمیکنند، برای اینکه نمیخواهند بر کاری که طبیعت کرده، کاری کرده باشند. و در ازدواج شاهدهی باید حاضر باشد ولی نه از خویشان بسیار نزدیک. و در ارتزن و مرد یکسانند. و طلاق ندارند جز در مواردی که دلیل روشن بر فحشاء آشکاری باشد، و پس از طلاق رجوع ندارند و دو زن نگیرند، و نزدیکی بزنی را برای پیدا کردن فرزند دانند.

و در نزدشان، نواب و عقاب با رواج بستگی دارد، و معتقدند که تأخیر پذیر برای مدت معلومی نیست. و گویند، پیامبر آنکسی است که از عیبهای نفسی، و آفتهای بدنی مبری، و در هر صفات خوب بدرجه کمال رسیده باشد. و بهر سئوالی جواب، و از آنچه در وهم و خیال است خبر دهد. و دعایش برای آمدن باران و دفع آفات از نبات و حیوان، مستجاب گردد. و مذهبش موجب اصلاح عالم، و ازدیاد عمران و آبادی باشد. سخنانشان در هیولی، و عنصر، و عدم، و زمان، و مکان، و حرکت، همان سخنان ارسطو در سمع الکیان است.

در باره آسمان، و اینکه پنجمین طبیعت است، و مرکب از عناصر اربعه نبوده و اضمحلال و فساد ندارد همان را گویند که ارسطو در کتاب السماء آورده است. و سخنانشان، در باره طبائع چهار گانه و فسادیکه در حرث و نسل دارد و حرث و نسل نیز از همان میباشد، گفتار او در کتاب الكون و الفساد است.

و سخنانشان در آثار علویه و حادثاتی که زیر جرم قمر پیدا میشود، گفته‌هاییست که در کتاب العلویه است. و سخنانشان در نفس، باینکه ادراکاتی دارد و فنا ناپذیر بوده، و جوهر است نه جسم، و ملحقات جسم بآن نمی‌یوندد، همان گفتار او در کتاب النفس است. و سخنانشان در رؤیای صادق، و جرآن، و حس و محسوسات همان گفتار او، در کتاب الحس و المحسوس بوده، و سخنانشان در یگانگی خدا و اینکه صفت از ملحقات باو نبوده، و گفتن - باید - در باره او شاید و باین جهت سولو جسموس^۱ باو راه نیابد، همان گفتار او در کتاب مطاطافوسیقا است^۲.

۱ - Sullogismos. کلمه‌ایست یونانی که در منطق از آن تعبیر بقضایای منطقیه میشود

(در لك. لاروس زیر کلمه Sillogesme).

۲ - Métaphisique. کتاب ماوراء الطبیعه.

وسختانشان دربارهٔ برهان اشیاء، متضمن همان شرائطی است که در کتاب فودیقطیقا^۱ ذکر گردیده و کندی گوید: کتابی دیده است که این گروه آنرا میخوانند^۲. و عبارت از چند مقاله در توحید است که هر مس برای پسرش برشته تحریر در آورده، و میرساند تاجه پایه بتوحید توجه داشت، و هر قدر فیلسوفی، بخود رنج کاوش در این باره دهد، ناگزیر از پذیرفتن آن بوده، و باید دارای همان عقیده باشد.

حکایت دیگر درباره آنان

ابویوسف ایشع قطیعی نصرانی، در کتاب خود، در کشف از مذاهب حرنائیان که امروز بصائبه معروفند، چنین گوید: مأمون در اواخر روزگارش، بقصد ناخت و تاز شهرهای روم، ازدیوار مضر^۳ که میگذشت، مردم باستقبال و ثنا گوئی وی شنافته، و در میانشان گروهی از حرنائیان دیده میشد که طرز لباس، و هیئت آنان، در آن روزگار بدینگونه بود، برتن قبائی^۴ داشتند و موی سر را بلند و پر پشت نگاه میداشتند. بهمان گونه که قره جد سنان بن ثابت خود را میآراست، مأمون از طرز پوشاک و هیئت ایشان ناخوش گردیده، و پرسید شما از کدام مردمید، و آیا اهل ذمه هستید، جواب دادند، ما حرنائیایم. پرسید، از نصرانیانید، گفتند - نه. پرسید از یهودیانید، گفتند نه. پرسید، از مجوسیانید، گفتند - نه. پرسید، آیا کتابی دارید. در جواب، سخنان نامفهومی گفتند، گفت پس شما از زندیقان بت پرست و همان اصحاب الرأس، دوران پدرم هستید، که خون شما حلال است، و ذمه ندارید. گفتند ما جزیه میپردازیم. گفت جزیه بر آن مردمی است که دارای دینی از ادیان نامبرده در قرآن بوده، و کتابی هم داشته، و در اثر مخالفتی که با اسلام میورزیدند مسلمانان با آنان صلح کردند بشرطیکه جزیه بدهند، و شما از هیچکدام آنها نیستید. از این جهت یکی از این دو امر را انتخاب کنید، یا باسلام یا یکی از ادیانی که در قرآن نامبرده شده در آئید، و یا آنکه تا نفر آخر کشته شوید، و من تا مراجعتم از این سفر بشما مهلت میدهم، که باسلام، یا یکی از ادیانی که در قرآن ذکر شده در آئید، ورنه، امر بکشتن

۱- ش (فطاطا فوسیقا) و فودیقطیقا - ابودقظیقاست - Apodeixtexas - این اصطلاح در کتب ارسطو معنی قضیهٔ برهانی را میدهد. یعنی قضیهٔ مسلمة که برهان بر آن قائم شده و قابل نفی نیست (ر.ک. فرهنگ فارسی آقای دکتر معین).

۲- ف (.. کتاب یقربه) ش (کتاب یقرئه) .

۳- دیوار مضر بضم اول و فتح دوم - در دستی قرار دارد که نزدیک بقسمت شرقی ویران و در حدود حران و رقه، و شمشاط، و سروج، و تلمزون، است (معجم البلدان).

۴- قبای - بفتح، جامعه بلندیست که روی پیرایش پوشند و کمربندی دارد (اقرب الموارد).

و تار و مار نمودن تمام شما را خواهم داد . مأمون رهسپار بروم گردید . و ایشان طرز پوشاک را تغییر داده ، سرها را تراشیدند ، و قبا را سر دادند ، و گروه زیادی بنصرانیت گرویده ، و چلیپا بستند ، گروهی باسلام در آمدند ، دسته کمی بحال خود باقیمانده ، و با نگرانی دنبال حبله میگشتند ، تا آنکه شیخی از فقیهان حران^۱ توجهی بحالشان نموده ، و بآنان گفت ، من چیزی یافته‌ام که موجب نجات ، و رهائی شما از کشته شدن میباشد . و آنان مال فراوانی ، از بیت‌المال خود ، برایش بردند ، که در روزگار رشید ، برای اینگونه پیش‌آمدهای ناگوار تهیه و ذخیره کرده بودند . و ما برای شما - بتأییدات‌اللهی ، آن اسباب را شرح دهیم ، آن شیخ بایشان گفت ، اگر مأمون از این سفر برگشت ، باو بگوئید ، ما صابثیانیم ، و صابثه نامی است که خداوند در قرآن ذکر نموده است . شما این نام را بخود بندید که نجات خواهید یافت . از قضا مأمون از این سفر خود برگشت ، و در بدندون^۲ در گذشت ، و این گروه از آن زمان این نام را بخود بسته‌اند ، زیرا تا آنوقت در حران و اطراف آن گروهی بنام صابثه وجود نداشت . خبر رگ مأمون که رسید ، کسانی که بنصرانیت گرویده بودند بیشتر بمذهب حرانی برگشته ، و بهمان هیئت پیش از عبور مأمون از منازلشان در آمده و موهای سر را بلند نگه‌داشته ، و خود را صابثه نامیدند ، ولی مسلمانان آنها را از پوشیدن قبا ممنوع داشتند برای آنکه پوشاک دولتیان و اصحاب سلطان بود .

اما کسانی که اسلام آورده بودند نتوانستند بکیش خود برگردند از بیم آنکه ارتداد موجب قتل است . و در زیر این نام خود را نهفته ، و با زنان حرانی مزاجت‌مینمودند ، پسرهایشان بصورت مسلمان ، و دخترانشان حرانی بودند . و مردمان ترعوز^۳ ، سلمسین^۴ که دو دهکده بزرگ و مشهور نزدیک بحران است مدت بیست سال همین رفتار را داشتند تا آنکه دونفر از بزرگان علماء حران در فقه و امر بمعروف ، بنام ابوزراره ، و ابوعروبه ، و همچنین سائر فقهاء حران ، این عمل را مشروع ندانسته ، و آنانرا از ازدواج با زنان

۱- رجوع شود بصفحه ۱۹ این کتاب .

۲- بدندون - دهکده‌ایست در يك منزل طرسوس ، و مأمون در آنجا وفات یافت (معجم البلدان) .

۳- ترعوز - دهکده مشهوریست در حران و از بناهای صابثیان است (معجم البلدان) .

۴- سلمسین - دهکده‌ایست نزدیک حران ، و گویند در ابتدا نام آن سلم - سین یعنی

بت مزه بوده و آنرا بهمین منظور ساخته‌اند (معجم البلدان) .

حرنائی ممنوع داشته و گفتند مسلمان نمیتواند با زنان حرنائی یعنی صابنه ازدواج نماید ، زیرا آنان اهل کتاب نیستند و تا امروز ، در حران خانواده‌هایی هستند که مردش از آن دسته‌اند که در زمان مأمون بدین خود باقیمانده بودند ، و برخی هم مسلمان ، و عده هم نصرانیانی هستند که در ابتدا اسلام آورده و بعد بهمین منظور از اسلام برگشته و بنصرانیت گرویدند . مانند خانواده‌های بنو ابلوط ، و بنو قبطران و دیگران ، که در حران مشهور و معروفند .

حکایت رأس^۱

نامبرده در بالا گوید : آن رأس ، سر انسانی است که صورتش - بنا بقبیده که صابنیان درباره صورت ستارگان دارند - مانند صورت عطارد است ، و اگر چنین کسی ، که بقبیده آنها عطاردی صورتست ، پیدا شود ، بهر حيله و دسیسه که امکان داشته باشد ، دستگیر نموده ، با وی کارهایی انجام دهند ، از آن جمله اورامدت زیادی در روغن زیتون و بورک مینشانند تا مفاصلش سست شود ، و بحالتی درآید ، که اگر سر او را بسوی خود کشند ، بدون آنکه بریده باشند ، آن سر - چنانکه گمان کنیم - از بدن جدا میگردد و بهمین جهت این مثل را از قدیم زده‌اند که : فلانی در روغن زیتون است ، و این را درباره شخصی گویند که در سختی و ناراحتی باشد - و سائیکه عطارد در شرف است^۲ باین کار مبادرت مینمایند ، باین عقیده که روح چنان انسانی ، میان عطارد و سر آن انسان ، رفت و آمد داشته ، و بزبان او سخن گوید ، و حوادث را پیشگوئی کند ، و هر سؤال را جواب دهد ، زیرا بقبیده آنها طبیعت انسان بیش از حیوانات دیگر بطبیعت عطارد شباهت داشته ، و در نطق و تمیز بآن نزدیکتر است ، و این معتقدات ، و امثال آن ، درباره سر ، و نعیمی که از آن دارند ، و حیلتهایی که در آن بکار برند ، و کارهایی را که پیش از جدا ساختن سر ، و پس از آن انجام دهند ، و چیزهایی که از بدن آن بی‌سر گیرند ، بتفصیل در کتابی ، بنام کتاب الحاتفی شرح و بسط داده شده . در آن کتاب شگفت‌انگیز چیزهایی از نیرنگها ، و تمویذها ، و زبان بندیها ، و صورتها بوده ، و شرح و بسطهایی ، درباره اعضاء حیوانات مختلف مانند خوک ، والاغ و کلاغ ، و غیره ، و دود افروزیها داده شده ، و نیز نقشه‌هایی از تمثال حیوانات برنگین انگشترهایشان دیده میشود ، و موضوع آن را که پرسیدم ، گفتند ، ما اینها را در گورستانهای باستانی بدست آورده و باینجا تبرک جوئیم .

۱ - اشاره باصحاب الرأس دوره رشید است که در صفحه ۵۶۸ گفته شد .

۲ - شرف عطارد . شرف - در اصطلاح منجمان قوت کواکب و ارتفاع آن در برج فلک است - مقابل هیوط (ر.ک. فرهنگ فارسی آقای دکتر معین).

رونوشت چیزیکه بخط ابوسعید

وهب بن ابراهیم از قربانیهای آنان خوانده‌ام

روز یکشنبه ، برای آفتاب ، که نامش - ایلوس - است . دوشنبه ، برای ماه ، که نامش سین - است ، سه‌شنبه ، برای مریخ ، که نامش - آریس - است . چهارشنبه ، برای عطارد ، که نامش - نابق - است . پنجشنبه ، برای مشتری که نامش - یال - است . جمعه ، برای زهره ، که نامش - بلثا - است . شنبه ، برای زحل ، که نامش - قرنس - است .

معرفت عیدهای آنان

نیسان^۱

سال حران‌نیان از اول این ماه شروع میشود ، و روزهای اول ، و دوم ، و سوم آنرا برای الاله بلثا ، که زهره است ، براز و نیاز و نیایش درآیند ، و دسته دسته ، یا بتنهائی بخانه آن الاله روند ، و قربانیهایی کنند ، و حیوانات زنده را بسوزانند ، و در روز ششم این ماه ، گاو نری برای الاله - ماه - سربریده ، و هنگام پایان روز ، آنرا میخورند . در روز هشتم روزه گیرند . و با گوشت بره افطار کنند . در این روز ، برای هفت الاله ، و شیاطین و جن ، و ارواح ، عیدی برپا دارند ، و هفت بره برای هفت الاله ، و یک بره برای خدای کوران و یک بره برای الاله شیاطین ، بسوزانند . در روز پانزدهم ، سرالشمال^۲ و نیایش ، و تشمیس^۳ بجای آرند ، و قربانیها ، و سوزاندنیها دارند ، و بخوردن و نوشیدن مشغول شوند . و در روز بیستم این ماه ، بدیرکادی ، که در یکی از دروازه‌های حران ، بنام باب فندق‌الزیت است میروند و در آنجا سه برزخ - یعنی گاو نر - برای الاله - قرنس - که زحل است . - آریس - که مریخ و الاله کوران است ، و ماه که - سین الاله - نامیده میشود ، میکشند . و نه بره ، که هفت دانه آن برای هفت الاله و یکی برای الاله جن ، و یکی برای الاله ساعات قربانی کنند ، و چند بره را ، با خروس زیادی میسوزانند .

۱ - نیسان - بفتح اول هفتمین ماه تقویم رومی ، و دومین ماه تقویم سریانی است که مطابق با ماه دوم بهار است (رك. برهان قاطع بتصحیح آقای دکتر معین) .

۲ - ظاهراً نوعی از عبادت و نیایش است . ۳ - تشمیس - بگفته آقای دکتر

ماتسوخ - ظاهراً از Sammas سریانی و بمعنی عبادت است .

و در روز بیست و هشتم ، بسوی دیری که در دهکده سیتی ، در یکی از دروازه‌های حران ، بنام باب‌السراب میباشد، رفته ، و در آنجا برای - هرمس الاله ، گاونر بزرگی میکشند ، و نه بره برای الاله هفتگانه ، و خدای جن ، و خدای ساعات کشته ، و بخوردن و آشامیدن گرایند ، در این روز هیچ حیوانی را نمیسوزانند .

ایار

در اولین روز اینماه ، عمل تقرب بسرالشمال . و تشمیس ، بجای آرند ، و گل پیویند و بخورند و بنوشند . در روز دوم برای ابن‌السلام^۱ عید گیرند . و نذرها دارند، و ظرفهارا پر از چیزهای تازه ، و میوه ، و حلوا کنند ، و بخوردن و نوشیدن مشغول شوند .

حزیران

در روز بیست و هفتم این ماه ، برای الاله تیرانداز ، تشمیس سرالشمال بجای آرند و در این روز ، خوانی بگسترانند ، و بر آن هفت چیز برای هفت الاله شمال گذارند، و کمر^۲ کمانی بیاورد ، و زه آنرا محکم سازد ، و در آن تیری گذارد که دو گونه فروزان از آتش چویی باشد که در زمینهای حران میروید ، و چنان غرشی کند که آتش را چون شعله شمع فروزان نگهدارد . و کمر ، دوازده تیر از آن کمان میاندازد، و سپس مانند سگ، روی دست و پا برآید ، و آن تیرها را برمیکرداند ، و پانزده مرتبه این کار را مینماید، و در همانحال تفائل میزند ، هرگاه آن دو گونه خاموش شده باشد علامت قبول نبودن عید بوده، و هرگاه خاموش نشده باشد، عیدشان مقبول است .

تموز

در نیمه این ماه عید بوقات^۳ است، یعنی زنان زاری کن و آنرا - تاوز - و عید

۱- ابن‌السلام - ظاهراً همان چهار فرشته (فرزندان بی‌آلایش - *Bnia-Slama*) باند که صابشیان مندانی (مفتله) آنها را باین نام خوانده‌اند (ر.ک. شولسون ص ۱۹۳ - ج ۲) (*Bhwolstone - Die. Ssabier, und. Der Ssabismus - 14 - P. 193*)

۲- کمر - از کلمه سریانی *Kumra* - بمعنی کشیش - رئیس روحانی (ر.ک. شولسون، ج ۲ - ص ۳۵۵).

۳- بوقات - جمع بوق - بمعنی کرنا (فرهنگ فارسی آقای دکتر معین) .

الاهه تاوز خوانند، و زنان برای او گریه و زاری کنند که چگونه خدا ویرا کشته، و استخوانهایش را در آسیا آرد نموده، و بیاد داد. و زنان چیزهای آرد شده در آسیا را نخورند، و خوراکشان گندم خیسانده، و نخود و خرما و مویز و امثال آنست، و در بیست و هفتم، مردان سرالشمال برای جن. و شیاطین، و الاهه دیگر بجای آردند و کماج بزرگی از آرد گندم، و بطم^۱ و مویز میس^۲، و مفر گردو - همچون چوپانان بسازند، و نه بره، برای ماهان رئیس، و تقرب جوئی، برای نمریا - میکشند. و رئیس در این روز از مردان نفری دو درهم میگیرد، و همه بخوردن و نوشیدن در آیند.

آب

در هشت روز از این ماه بکار تهیه شراب تازه برای خدایان مشغول شوند و نامهای گوناگونی بر آن نهند، و پسر بچه نوزادیرا در این روز برای الاهه...^۳ نگهدار بتها. قربانی نمایند، آن پسر بچه را سربیرند، و او را باندازه بچوشانند تا گوشتش خوب پخته شود. سپس آنرا با آرد سفید، و زعفران، و سنبل، و قرنفل، و روغن زیتون، خمیر کنند، و قرصهایی باندازه انجیر از آن بسازند، و در تنور تازه سازی بپزند، و آنرا ویژه نیایشگران سرالشمال دانسته و در هر سال بآنان می دهند، و آن قرصها را زنان، و بردگان، و کودکان و کنیزان، و دیوانگان نباید بخورند. و از کشتن آن کودک، جز سه کمر، نباید کسی آگاه و باخبر باشد. و آنچه از آن کودک چون استخوان، و اعضاء، و رگ و ریشه و رودهها بجاماند، کمرها برای تقرب جوئی بالاهه میسوزانند.

ایلول

در سه روز اینماه، آب گرم کنند، تا برای سرالشمال. و برای رئیس جنیان که خدای بزرگش دانند استحمام نمایند، و در آن آب کمی چوب گز، و موم، و صنوبر، و نی،

۱- بطم - صمغ درخت بنه، که درختی شبیه درخت پسته است و میوه اش را چنلانقوش یا چتلاقوش نامند (فرهنگ فارسی آقای دکتر ممین. زیر - بطم - و بنه).

۲- میس - نوعی از مویز است (منتهی الارب).

۳- ف - نقطه فاصله ندارد.

و شیطرج^۱ ریخته و خوب بجوشانند ، و پیش از دمیدن آفتاب آنرا - مانند جادوگران - بر بدن خود بریزند ، و در آن روز ، هشت بره ، که هفت دانه ، برای هفت الاله ، و یکی برای خدای شمال است. میکشند، و در حال اجتماع آنرا میخورند . و هر يك هفت جام شراب میاشامد . و رئیس از هر يك دو درهم برای ذخیره در بیت المال میگیرد .

روز بیست و ششم همین ماه بکوه روند ، و از آفتاب ، و زحل ، و زهره استقبالی بجا آرند ، و هشت جوجه ، و خروسهای پیر ، با هشت بره بسوزانند ، و اگر کسی برای خدای بخت - نذری کرده باشد ، خروس پیری یا جوجه را می گیرد ، و بالهایش را با پارچه ابریشمی بسته و دوسر آنرا آتش زده و آنرا برای - خدای بخت - رها میکند ، اگر جوجه سوخته شود ، نذرش قبول بوده ، و اگر شعله آن دوسر پیش از سوختن جوجه خاموش گردد - خدای بخت - آن نذر و قربانی را نپذیرفته است .

و در روزهای بیست و هفت ، و بیست و هشت ، رازها و قربانیها ، و کشتارها ، و سوزاندنیهای ، برای - شمال - که خدای بزرگ است ، و برای شیاطین ، و جنیانی دارند که آنها را اداره کرده و پاسبان ، آنان بوده و بآنان خوشبختی میدهند .

تشرین اول

در نیمه این ماه ، برای مردگان ، خورد و خوراك میسوزانند ، باینگونه ، که هر يك از آنان هر گونه خوراکی که در بازار بدست آید ، از گوشت ، و میوه خشك و تر ، خریداری مینماید ، و انواع خوراکی و شیرینی میسازد ، و آنها را در شب برای مردگان میسوزانند و با آنها استخوان ران شتری را هم میسوزانند ، و بسگهای آزار کننده می دهند که بر مردگان شان پارس نکنند ، و آنها را بهراس در نیاورند . و همچنین روی آتش شراب یا آب بریزند که مردگان بیاشامند بهمانگونه که خوراك سوخته را میخورند .

تشرین ثانی

از بیست و یکم این ماه ، نه روز برای - خدای بخت - روزه دار شوند ، و پایان آن ،

۱- شیطرج - شیتره - شاه تره - دوائی است که آنرا بیونانی سرخیوس ، و لیدیون خوانند ، و معرب آن شیطرج است ، گویند اگر آنرا بر سربیا و بیزند درد دندان را آرام سازد (برهان قاطع - بتصحیح آقای دکتر معین) و اقرب الموارد - آنرا مفید برای درد مفاصل و بیماری برض و پیسی دانسته است .

در روز بیست و نهم است . و هر شب نانهای نرمی را تکه تکه کنند، و باجو ، و گاه ، و بان^۱ و مورد تازه ، مخلوط سازند ، و مقداری روغن زیتون بر آن افشانند ، و بهم مالند ، و در خانه‌های خود پراکنده گذارند ، و همیگویند : ای فالگیران بخت : این است نان ، برای سگان شما ، و این است گاه و جو ، برای چارپایان شما ، و این است زیتونی برای زین و برگه ، و شاخه موردی ، برای دیهیم شما ، و سلام در آئید ، و سلام بیرون بروید، و برای ما و فرزندان ما . پاداش نیکویی بجا گذارید .

کانون اول

در چهارم این ماه ، گنبدی برپا کنند ، و آنرا پرده^۲ بلثا - نامند ، که زهره ، و الاله برقیبا بوده . و سحمیة^۳ نامیده میشود ، و آن گنبد بر سنگ مرمریست که در محراب قرار دارد ، و انواع و اقسام میوه‌جات تازه و خشکیده ، و گیاههای خوشبو ، و گل سرخ خشکیده ، و ترنج ، و دستبویه^۴ و هر گونه میوه ، تر یا خشک که بآن دستیابی داشته باشند ، بر آن گنبد بیاویزند . و هر حیوانی را که بتوانند بدست آرند ، از چارپا و پرند در پای آن گنبد بکشند ، و همیگویند : این است قربانیهای ما برای الاله بلثا که زهره است ، و هفت روز همین کار را دارند ، و در این روزها حیوانات زیادی را نیز برای الاله و الاهات پرده نشین دور افتاده و بنات‌الماء^۴ در آتش اندازند . و سی روز که از این ماه گذشت ، آخر ماه سپاسگزاری و بمنزلة

۱- آقای دکتر معین در فرهنگ فارسی ، بان را درختی از تیره بانها ، و برگهایش را شبیه برگ افقیاء و گلهایش را قرمز یا سفید دانسته ، و در فرهنگ عرب چون المنجد ، و اقرب - الموارد ، بان را درخت راست اندامی دانسته اند که برگهایش چون صفاف - بید - بوده ، و از دانه‌های آن روغن خوشبوئی گیرند ، و بلندی قامت را - بیان - تشبیه کنند و در ادبیات عرب این تشبیه بسیار دیده میشود ، همچنانکه در ادبیات فارسی ، بلندی قامت را برو شبیه دارند .

۲- سحمیة - ظاهراً از - اسحیم - بمعنی بت است (اقرب الموارد) .

۳- دستبویه - یا دستبویه - نیانی است گرد و کوچک و الوان شبیه بخر بوزه (برهان قاطع بتصحیح آقای دکتر معین) .

۴- بنات‌الماء - ظاهراً همان - منم‌الماء - است که پس از اذار در قسمت خدایان

رئیس در سپاسگزار است^۱ - کمر ، بر نهمین پله منبر بلندی مینشیند ، و از چوب گز عسائی بدست گیرد ، و همه از کنارش میگذرند و او هر يك راسه ، یا پنج ، و یا هفت مرتبه با آن عصا میزند . سپس شروع بخطبه مینماید ، و در حق گروه خود دعا میکند که خدا ایشان را باقی بدارد ، و نژاد و دودمانشان را فزونتق سازد ، و پایدار ، و برتر از همه ملل بنماید ، و دولت و فرمانفرمائی آنانرا برگرداند ، و مسجد جامع حران ، و کلیسای رومیان و بازار سوق النساء را ویران کند ، زیرا این نقاط جایگاه بتان آنها بود ، و پادشاهان روم ، برای گرویدن بنصرانیت آنها را ویران کردند ، و آنانرا توانا سازد که بار دیگر دیانت عزور را - که در این نقاط بجای آن چیزها بود - پابرجا و برقرار دارد . پس از این خطبه از منبر بزیر آید ، و همه بخوردن از آن قربانیها و نوشیدن در آیند و در این روز ، رئیس از هر مردی دو درهم برای بیت المال که دارند میگیرد .

کانون ثانی

در بیست و چهارم این ماه ، عید میلاد الاله قمر است ، و در آن سرالشمال بجای آرند ، و حیواناتی میکشند ، و هشتاد حیوان از چارپا و پرند در آتش اندازند ، و بخوردن و نوشیدن مشغول شوند و برای الاله والاهات ، داذی^۲ که شاخهای صنوبر است در آتش بیفروزند .

شباط

از روز نهم اینماه ، هفت روز ، روزه دار شوند ، و این روزه ، برای آفتاب است که آنرا خداوندی بزرگ ، و خدای فیض و برکت دانند ، و در این روزها چیزهای بدبو^۳ نخورند و شراب نوشند ،

۱ - در متن عربی گویند (وفی ثلاثین يوماً منته رأس منبر رئیس الحمد) و باید توجه داشت باینکه کانون اولی سی و یک روز است ، و کلمه - رأس - در عربی بمعنی آخر ، و رئیس - بمعنی سر نیز استعمال شده چنانچه در حدیث است : - توفد الله علی رأس ثلاث سنین - . یعنی در آخر سال دوم و در مثل است : هورأس الکلاب - یعنی - منزه رئیس - (رأس منتهی الارب) .
 ۲ - داذی را مؤلف شاخهای صنوبر دانسته ، ولی فرهنگهای فارسی چون برهان قاطع ، و فرهنگ نفیسی ، آن را نام دانه حب بسیار تنجی گفته اند (رأس برهان قاطع تصحیح آقای دکتر معین - و فرهنگ نفیسی) .

۳ - ف (من الزفر) دارد و در ش با - ز - و عو با - ذ - خوانده میشود ، و از زفر (عربی بار سنگین ، و شجاع و غیره بوده) و زفر (معنی چیز بودار است) از بوی خوب - یا با - (رأس اقرب الموارد) .

و جز برای شمال ، وحن ، وشیاطین ، نمازی نخوانند .

اذار

از هشتم این ماه ، سی روز برای - ماه - روزه دار باشند ، و در بیستم ماه رئیس برای الهه آریس - مریخ - در میان این گروه نان جو تقسیم نماید ، و سی روز از این ماه که بگذرد ، آخر ماه خرما - یعنی خرمای خشك است که روز عروسی الهه با الاهات بوده و خرمای خشك تقسیم کنند ، و بچشمها سرمه کشند ، و در زیر بالشت خود هفت دانه خرمای خشك بنام هفت الاله ، و پاره نانی هم برای خدائی که شکمها را مالش دهد گذارند . و رئیس از یکایک آنان دو درهم برای بیت المال بگیرد .

و در روز بیست و هفتم هر ماه - یعنی ماههای قمری - بدیر خود که معروف بکادی است رفته ، و برای الهه سین که قمر است . قربانیها ، و سوزاندنیهای در آتش دارند ، و میخورند و مینوشند ، و در بیست و هشتم ، بقبة الاجر - گنبد پاداش - روند ، و در آنجا بره ، و خروس ، و جوجه فراوانی برای الهه آریس - مریخ - میکشند و میسوزانند .

و هنگامیکه بخواهند حیوان بزرگی را چون زبرخ که گاو نر است ، یا بره بکشند ، در حال زنده بودن برویش شراب ریزند ، اگر تکانی بخود دهد ، گویند این قربانی را خدا قبول دارد ، و اگر بخود تکانی ندهد ، گویند خدا خشمگین است ، و این نذر را قبول ندارد ، و رویه ایشان در کشتن حیوان ، - هر نوعی که باشد - آنست که بیک ضربه سرش را میبرند ، و سپس در حشمها و حرکات ، و دهان ، و لرزش و جگونی تکانهایش ، دقت نمایند و بر روی آنها تفأل زنند و آنها را بهم آمیخته ، از حوادث و پیش آمدها خبر دهند ، و اگر قصد سوزندان حیوان بزرگی ، چون گاو و گوسفند ، و خروس زنده داشته باشند ، آنها را بچنگالها و زنجیرها بیاویزند ، و گروهی هر حرف آنها را روی آتش نگهدارند تا سوخته شود ، و این کار بزرگترین قربانیهاست که برای همه الاله و الهات خود دارند ، و گویند که این ستارگان هفتگانه که از خدا پانند نرینه و مادینه دارند که باهم ازدواج کنند ، و باهم عشق ورزی نمایند ، و سعد و نحس دارند .

این بود پایان رونوشتی که از خط ابوسعید وهب برداشتیم .

۱ - ماه اذار نیز سی وینک روز است و اینجا نیز ظاهراً مراد ، از رأس روز سی ویکم

است (ربك المنجد)

نوشته دیگران درباره آنان

از خدایان حرانیان ، که الاله میباشند ، خدای کور مریخ است که روح شروری دارد .

بیل - شیخ با وقار ، فسفر - حبر کامل ، قوسطیر - شیخ برگزیده و دارای بالهای هوایی .
 صرح - دخت درویشی که آن خدایان را زائیده ، حیاب^۱ زن فارسی که مادر آنان ،
 و دارای شش روح شرور بوده و آنها را بکنارهای دریا روانه میداشت . اقورم^۲ - خدای
 ثل که تمورا را پذیرفت^۳ . خدای آور - الاله پلثا . و خدای ثل . که نگهداری از بزهایی
 دارد که فروشهای را کسی مجاز نبوده ، بلکه باید برای قربانی کشته شوند ، و زنان باردار
 نباید آنها را قربانی کنند . و بآنها نزدیک شوند .

و از خدایان آنان صنم الماء - بت آب - است ، که در دوران اسطه^۴ و طرنیقوس^۵ از
 مرتبه الاله بودن سقوط کرده و پنداشتند که بقصد هندوستان گریخته ، و بدنبالش رفتند . و از او
 با التماس وزاری خواستند که بی درنگ برگردد ، و او در جوابشان گفت : من هیچگاه بشهر
 حران در نیایم ، ولی تا آنجا میآیم ، و در سریانی معنی تا آنجا کاذا است که در طرف شرقی
 حران است ، و عهده دار هستم که شهر ، و مردمان فاضل شما را سیراب نمایم . و آنان تا با امروز
 در روز بیستم هرماه نیسان ، زن و مرد ، بیرون شوند ، و منتظر آمدن صنم الماء هستند . و
 آنجا را - کاذا - نامند .

چیزهای شگفت انگیزی که دارند

بال راست جوجه مرغهایی را که در میان خانه الاله^۶ تر بوده نگاهداری نمایند ، و
 با دقت رگ وریشه آنها در آرند و بگردن کودکان ، و گردن بندهای زنان باردار آویزان
 نمایند ، و چنین پندارند که پاسدار و پناه بزرگی می باشد . و موثقی میگفت : در قدیم
 چیزها و بدعتهایی بآنان نسبت داده میشد که نمیدانم اکنون هم دارند یا نه ، از آن جمله در

۱ - (الحساب) ۲ - ف (ابورم)

۳ - ثل - تحریف شده تنت Taint الاله فنیقی ، و زن تامور است (شاولسون ج ۲ ، ص ۲۹۴ Chwolsohn)

۴ - ۵ - اسطه ، ظاهراً istar - venus الاله بابل است و طرنیقوس Berossus از پادشاهان پیش از طوقان بود Chwolsohn (شاولسون ج ۲ - ص ۳۰۰-۳۰۱) .

میانشان گروهی بنام روفسیان بودند که زنانشان جامه نداشتند و البته بزر و زیور نیز آرایش نمیکردند ، و در هر سال يك روز برای تقرب بخدایان خود ، خوك كشی داشتند ، و در آن روز ، آنچه گوشت خوك بدست میآوردند ، میخوردند ، و گروه دیگری مذهبشان این بود که از خانه برون نروند ، و موی سر را با تیغ ، یا نوره ، از بین ببرند، و زنانشان نیز سر را مانند مردان میتراشیدند .

تاریخ رؤساء صابئیان حرنائی

در اسلام

این اشخاص ازدوران عبدالملك بن مروان ، که مصادف با سال یکهزار و چهاراسکندری بود ، بر کرسی ریاست نشستند - اولی آنان :

مدت ریاست	ثابت بن احوسا
بیست و چهار سال	ثابت بن قرثیا
هفده سال	قره بن ثابت بن ایلیا
بیست و یکسال	سنان بن جابر بن قره بن ثابت بن ایلیا
نه سال	میخائیل بن اهر بن بقراریس
پنجسال	مفلس بن طیبیا
پنجسال	قره بن اشتر
نه سال	ثابت بن طبون
شانزده سال	ثابت بن ایلیا
بیست سال	جابر بن قره بن ثابت
ده سال	عمروس بن طیبیا
هفده سال	نقین بن قسرونا
پنجسال	قسطاس بن یحیی بن زونق
چهل و دو سال	عثمان بن مالی
بیست و چهار سال	قاسم بن قوقانی
نه سال	

و این قاسم بسفری رفت و پس از برگشتن باز چهار سال ریاست داشت .
و پس از این گروه کسانی آمدند که بر کرسی ریاست ننشسته ، ولی مردم از آنها چون رؤساء خود شنوایی داشتند ، مانند : سعدون بن خیرون ، از بنی هرقلیس ؛ و حکیم بن یحیی از بنی هرقلیس .

حکایتی دیگر درباره آنان

نسخه بدست آوردم ، که یکی از مترجمان کتابی را ترجمه کرده ، و مشتمل بر رازهای پنجگانه آنان بود ، و از راز اول یکورق افتاده داشت ، و آخرین کلمات آن ، بالفاظی که مترجم ذکر نموده این است :

همچو بره در میان گله ، و گوساله در میان گاوان ، و چون مردمان نوخواسته ، با عزم و باشتاب که بخانه بندگان فرستاده شده اند . خدای ماقاهر است و ما خوشحالش سازیم

اول راز دوم : که راز اهریمنان ، و بتان بوده ، و در آن گویند :

کاهن بیکی از بردگان گوید ، آیا این چیز را که بمن دادی همان نیست که باوداده و آنچه را که بمن سپرده داشتی ، باو سپرده بودی . در جواب گوید : برای سگان و کلاغان و مورچگان است ، و در جواب او باز پرسد ، بر ما چه چیزها واجب است که درباره سگان ، و کلاغان ، و مورچگان ، بجای آوریم ، جوابش دهد ، ای گمراه ، آنها برادران ما باشند ، و خداوند قاهر است ، و ما خوشحالش داریم .

آخر راز دوم :

باز همچو بره گان در میان گوسفندان و گوسالکان در میان گاوان ، و چون مردان نوخواسته و نادانان ، و گریز پایان که بخانه بندگان روانه شده اند . همان خانه پیروزی که ما آنرا خوشحال داریم .

اول راز سوم :

شما که بنو بندگان باند ، چه قول و نظری دارید ، و کسی که آنجا باشد از پشت سرش جواب گوید ، ما خاموشانیم .

آخر راز سوم :

چه بسا بدنبال همدیگر ، مانند بره گان ، و گوسفندان ، و گوسالکان ، در گله گاو ، و مانند مردان نوخواسته ، بخانه بندگان رفت و آمد کنند . خدای ماقاهر است و ما خوشحالش داریم .

اول راز چهارم :

پس از اینها کاهن گوید ، ای بنو بندگان شنو باشید ، و کسی که آنجا باشد از پشت سر ، جواب گوید : ما خاموشانیم ، و همه جواب دهند ، ما گوش فراداشته ایم .

آخر راز چهارم :

ای رفت و آمد کنندگان بخانه بندگان ، خدای ماقاهر است و ما خوشحالش داریم

اول راز پنجم:

کاهن گوید: ای بنوبعداریان شنونده باشید، و در جواب گویند، ما رضایت داریم، پس بگوید، خاموش باشید، جواب گویند، ما گوش فرا داشته‌ایم و او شروع بگفتن کند، که وای، من آنچه بدانم میگویم و از آن دریغی ندارم.

آخر راز پنجم:

رو آوردگان بخانه بندگان، خدای ماقاهر است، و ما خوشحالش داریم. صاحب کتاب گوید: شماره مثلها نمیکه از قول کاهنه، درباره آن خانه، در این هفت روز، نقل شده، بیست و دو مثل است که از راه افسانه و حکایت میرایند، و با آهنگ میخوانند. اما جوانانی که اجازه ورود بان خانه را دارند، آن هفته را در آنجا مانده، بخوردن و نوشیدن مشغول شوند، و در این هفته زنان نباید بآنها نگاه کنند، و شرابرا از هفت پیمانۀ گیرند که در کنار هم چیده شده، و نام آن را -سورا- دانند، و از آن شراب روی دیدگان خود بمالند، پیش از آنکه لب بکشایند و لفظی گویند، نان و نمکی و از آن پیمانه‌ها، و قرصها و جوجه‌ها، بآنان میخورانند، بطوریکه در هفتمین روز، همه چیزها را خورده‌اند. و نیز در گوشۀ از این خانه پیمانه شرابی است بنام. فاع-^۱ و برئیس خود گویند چه زیبا هنر بست ای بزرگتر از ما، و او در جواب گوید، پیمانه‌ها را لباب پر کنید، اندک اندک بنوشید، که این است راز هفتگانه که کسی بر آن چیره نگردد.

محمد بن اسحاق گوید: مترجم این رازهای پنجگانه، مرد ناتوانی در سخن پردازی بوده، و در عربیت فصاحتی نداشته، یا خواسته است باین گونه ترجمۀ زشت و ناهنجار در نقل الفاظشان صداقت نشان داده باشد، و از این جهت، آنها بحال خود در نارسا بودن، و گسیختگی بیان، گذاشته است.

هنگامیکه هارون بن ابراهیم بن حماد بن اسحاق قاضی، تصدی قضاوت حران و اطراف آن را داشت، کتابی بزبان سریانی بدست آورد که در آن کیش و آئین و نمازهایشان بود، و او شخصی را که در سریانی و عربی فصاحت داشت احضار کرده، و در محضرش آنها بی‌کم و زیاد ترجمه نمود. و آن کتاب اکنون در دست مردم بفر اوانی موجود بوده، و گویا، هارون بن ابراهیم، آنها برای ابوالحسن علی بن عیسی فرستاد. در این کتاب کارهایشان، بتفصیل آمده، و کسی که آنها بخواند، از بسیار کتابها نمیکه در این زمینه تألیف شده بینیا می‌گردد.

۱- فاع- اگر عربی باشد، بمعنی خوشبوی، و از- فوج - است (ربك اقرب الموارد).

مذهب مانی

محمد بن اسحاق گوید: مانی پسر فتق بابک و او پسر ابو برزام و از حکمانیان بود^۱، نام مادرش میس، و بقولی او تاخیم، و بقولی مرمریم، از فرزندان اشکانیان بود. گویند مانی اسقف قنی^۲ و عربان، و از مردم حوخی^۳ است که در حوالی بادرایا و باکسایا^۴، زندگانی میکرد و پاهای کجی داشت. و گویند پدرش از همدانیان بوده، و بیابل آمده، و در مدائن - در جایی بنام طیسفون^۵ که بتخانه داشت، اقامت نمود. فتق چون مردمان دیگر بآن بتخانه میآمد، روزی از روزها، در آن بتکده صدای هاتفی را شنید که بوی گوید: ای فتق، گوشت نخور، شراب ننوش، و بشریرا بحباله نکاح خود در نیاور، فتق که این را دید، بگروهی پیوست که در نواحی دستمیان^۶ معروف بمقتله بوده، و هنوز هم در آن نواحی، و بطائع^۷ بازماندگان نشان موجود، و دارای مذهبی هستند که بفتق امر گرویدن بآن شده بود. زن فتق بمانی باردار بود، و همینکه او را زائید، چنین میپنداشت، که خوابهای خوبی برای پسرش میبیند، و در حال بیداری دیده است مثل اینکه کسی او را میگیرد و با آسمان میبرد، و بر میگردد، و چه بسا یکی دوروز مانده، و بر میگردد. پدرش کسی را فرستاد که او را با خود باقامتگاه پدرش برده، و نزد او تربیت یافته، و بکیش او درآمد. مانی در همان کودکی سخنان حکیمانه میگفت و دوازدهمین سالش که تمام شد، چنانکه گویند، از فرشته - جنان النور - که خدا بالاتر از این سخنان است - وحی بر او نازل گردید، و فرشته که این وحی را آورد، توم، نامیده میشد، و در زبان نبطی^۸ معنایش - قرین^۹ است. و بوی گفت، از این ملت کناره گیری کن که

۱ - حکمانیان گروهی از اولاد نیشابور یانند (منتهی الارب).

۲ - قنی - یادیر قنی - در تالیفات عربان و مسیحیان زیاد آمده. و گویند دختر امیری بنام - قونی - بیمار شد، و بشفاعت مارماری بهبودی یافت، و این دیر را اوائل قرون وسطی در شانزده فرسنگی بغداد ساخت که بمرور زمان ویران گردید (اعلام المنجد).

۳ - در معجم البلدان - جوخی - و نام شهرستان بزرگی در حوالی بغداد است.

۴ - بادرایا و باکسایا شهرهای کوچکی است میان بغداد و واسط که بهم نزدیکند

(معجم البلدان) ۵ - طیسفون شهریست در سه فرسخی بغداد که ایوان کسری در آنجا است

(معجم البلدان) ۶ - رجوع شود بصفحه ۱۹۷ این کتاب

۷ - رجوع شود بصفحه ۲۱۲ این کتاب

۸ - رجوع شود بصفحه ۱۹ باین کتاب

۹ - قرین یا توم - بمعنی همزاد است (منتهی الارب)

توازنان نیستی، و برتواست که پرهیزکاری و ترك شهوت‌رانی نمائی، و هنوز هنگام ظهور تو نرسیده برای آنکه خوردسال همتی. و همینکه بیست و چهارسالش پایان رسید، توم، آمده، و بوی گفت: آن هنگام رسیده است که ظاهرشوی، و کارخود را برملاداری.

سخنانیکه - توم - باو گفت :

سلام بر تو ای مانی، از طرف خودم، و از طرف خدائی که مرا برسالت نزد تو فرستاده، و تو را پیامبری خود برگزیده، و بتو امر میکند که مردم را بخودخوانی، و از طرف اونوید حق را بشارت دهی، و هر کوششی را بر خود هموار داری.

مانویان گویند: روزیکه شاپور پسر اردشیر بتخت نشست، او بر وی درآمد، و تاج را بر سرش گذاشت، و آن روز، یکشنبه اول‌ماه نیشان، و آفتاب در برج حمل بود^۱ و دونفر که از مذهبش پیروی داشتند، بنام شمعون، و ذکوان، همراهش بوده، و پدرش نیز آمده بود، تا سرانجام کار او را مشاهده نماید.

محمد بن اسحاق گوید: مانی در سال دوم پادشاهی غالوس رومی^۲ ظاهر گردیده، و مرقیون در حدود یکصدسال، قبل از او در دوران پادشاهی طنطوس انطونیا نوس^۳ بوده، و

۱- از این بیان چنین برآید این نیشان - که مسلماً نیشان سریانی است - در ماه حمل بوده، و با نیشان رومیان که ماه هفتم آنان، و مطابق با تحویل آفتاب بپرچ حمل است، یکی میباشد، و آقای دکتر معین در صفحه ۲۲۲۷- برهان قاطع، آنرا - ماهی در فصل بهار - دانسته ولی معلوم نیست که مؤلف، برهان قاطع، و فرهنگ نفیسی، از روی چه مأخذی آنرا - دومین ماه بهار - دانسته‌اند. در منتهی‌الارب، و المنجد، و اقرب‌الموارد، اشاره باین مطلب نبوده، و تصور اینکه چون در آن زمان حساب شمسی بوده، و ممکن است با ماه اول - یا دوم و حتی سوم بهار، مصاف آید - بازشکال - تصریح بدومین ماه بهار - را حل نمیکند، و معرفیت باران نیشان، در ماه دوم بهار، يك چنین سند تاریخی را متزائل نمیدارد، و مؤید این معنا گفته فخرالدین احمد گرگانی در کتاب ویس و رامین است.

منم آذار و تو نوروز خرم - هر آینه بود این هر دو با هم، و آذار ماه ششم کاهنامه رومی است و نوروز همان نیشان است که بعد از آذار میباشد (ر.ك. ویس و رامین ص ۳۵۹ چاپ ۱۳۱۴).

۲- غالوس - Callus - امپراطور روم در سالهای - ۲۵۱-۲۵۳ مسیحی (ر.ك.

لاروس).

۳- طنطوس انطونیا نوس - ظاهراً انطونین ل، پیوس Antonine le. Pieus است

که در سالهای - ۱۳۸-۱۶۱ مسیحی امپراطور روم بود (ر.ك. لاروس).

سی سال پس از مرقیون ، ابن دیسان ظهور نمود ، و نامیده شدنش باین دیسان ، ازین جهت بود که در کنار نهری بنام - دیسان - بدنیا آمد .

مانی خود را همان - فارقلیط - میدانست که عیسی علیه السلام ظهور او را بشارت داده بود^۱ و دین خود را از مذهب مجوسیت ، و نصرانیت ، در آورده ، و همچنین خطی که با آن کتابهای دینی را می نوشت ، از سریانی و فارسی استخراج شده بود . و مدت چهل سال پیش از برخورد بشاپور در شهرستانها میگشت ، و فیروز ، برادر شاپور پسر اردشیر را بخود دعوت کرد ، و او ویرا بیرادرش شاپور رسانید .

مانویان گویند ، هنگامیکه بر شاپور درآمد بردوش هایش نوری بود که مانند چراغ میدرخشید ، شاپور که آنرا دید در نظرش بسیار گرامی و بزرگ جلوه نمود ، در حالیکه قصد کشتن و در افتادن با ویرا داشته ، ولی در آن برخورد بیمی از وی در دلش هویدا شده ، و از دیدارش خوشحال گردیده ، و از او پرسید . برای چه آمده ، او بوی نوید داد که باز بسویش خواهد آمد ، و در همان وقت از وی چیزهایی خواست ، چون گرامی داشتن پروانش در آن شهر و سایر شهرهای مملکت ، تا بتوانند بهر شهری که خواسته باشند بروند ، و شاپور تمام خواسته های او را پذیرفت . و مانی ، هندیان و چینیان و خراسانیان را بخود خوانده و در آنجاها نماینده از خود داشت .

چیزهایی که مانی آورده

وسخنانش در باره صفات قدیمه خدا یمتعال و ساختمان عالم

و جنگرهاییکه میان نور و ظلمت برخواستہ شد

مانی گوید: پیدایش عالم از دو هستی است ، یکی نور ، و یکی ظلمت ، و هر یک از دیگری جدا بوده . و نور اولین بزرگی است که در شماره نیاید ، و او خداوند و فرشته جنان النور است ، و پنج عضو دارد ، حلم ، علم ، عقل ، غیب ، و فطنت ، بضمیمه پنج عضو دیگر که: محبت ، ایمان ، وفا ، مروت ، و حکمت است .

و چنین پندارد، که خدا با این صفتها ازلی بوده ، و دو چیز ازلی دیگر هم با اوست: یکی آسمان ، یکی زمین .

۱ - مسیح علیه السلام در فصل پانزدهم انجیل گوید ، فارقلیط روح حقاقت که پدرم او را فرستاد تا هر چیز را بشما بیاموزد (ملل و نحل شهرستانی ج ۲ ص ۲۳).

مانی گوید^۱: اعضاء آسمان پنج است: حلم، علم، عقل، غیب، و فطنت. و اعضاء زمین: نسیم، باد، نور، آب، و آتش است.

هستی دیگر که ظلمت باشد، پنج عضو دارد: ضیاب^۲ و حریق، و سموم^۳، و سم، و ظلمت.

مانی گوید: آن هستی نور افشان، در کنار هستی ظلمت بوده، و حائلی میانشان نیست. و نور از یکطرف با آن برخورد دارد، و از سمت بالا، و راست، و چپ نور را پایانی نیست. و ظلمت از سمت پائین، و راست، و چپ پایانی ندارد.

مانی گوید: شیطان از آن زمین تاریک است ولی نه اینکه ذاتاً ازلی باشد، بلکه جواهریکه در عناصرش بوده ازلیت داشته، و آن جواهر که در عناصرش جمع گردید، شیطان از آنها هستی یافت، سرش مانند شیر، و بدنش چون اژدها، و بالهایش همچو بال پرندگان، و دمش چون دم ماهی، و چهارپا مانند چارپایان دارد. و همینکه این شیطان از ظلمت هستی یافت، هر چیز را بدم در کشید، و بلعید، و تپاه کرد، و از سمت راست و چپ بجولان درآمده، و روپائین آورد، و در همه جا تباهاکاری مینمود، و ستیزه کنندگان با خود را نابود میساخت. بعد قصد بالا رفتن نمود و پرتو افشانی نور را که دید ناراحت شده، و چون میدید که همی بالاتر رود، بلرزه افتاده، و در خود فرو رفته و بعناصرش برگشت، پس از آن باز قصد بالا رفتن نمود، زمین پرتو افشان از کار شیطان و مقاصدی که در کشتار و تباهی داشت، آگاه گردیده و این آگاهی او، سبب آگاهی عالم فطنت، سپس عالم غیب، سپس عالم عقل، و سپس عالم حلم گردید. و فرشته جنان النور که از آن آگاه شد، برای سرکوبی او حیلۀ بکاربرد، و با آنکه لشکریانش را توانائی سرکوبی او بود، خواست بخودی خود این کار را انجام دهد. ببرکت روح خود، و عوالم پنجگانه، و عناصر دوازده گانه اش، نوزادی بوجود آورد، که همان انسان قدیم بود، و او را نامزد ستیزه با ظلمت نمود.

و انسان قدیم نیز خود را باجناس پنجگانه، پنج الهه، نسیم، باد، نور، آب، و هوا آراسته و آنها را سپر و سلاح خود قرار داد. اولین چیزی که بتن پوشید، نسیم بود و بالای آن نسیم بزرگ، نور خیره کننده را پوشیده و بر آن نور پوششی از آب غبار انگیز گذاشته، و در بادی تند

۱- در متن عربی قال مانی- وقال- بسیار دارد که ما بر عایت سادگی و روان بودن عبارات

آنها در ترجمه نیاوریم.

۲- ضیاب - میغ و بخاری که در زمستان در هوا پیدا شود (منتهی الارب).

۳- سموم - بادها، گرم و مهلك (منتهی الارب).

پنهان شده، سپس آتش را چون سپر و نیزه بدست گرفته، و با شتاب از جنان پائین آمده، تا بمرز جنگ رسید. شیطان قدیم نیز با جناس پنجگانه خود، دود، و حریق، و ظلمت، و سموم، و ضباب، روی آورده، و آنها را زره، و پناهگاه خود قرار داده، و با انسان قدیم، رو در رو شده، و مدت‌ها باهم جنگیدند، و ابلیس قدیم بر انسان قدیم فائق گردیده، و از نور او بلعیده و او را با جناس، و عناصرش دوره کرد، فرشته جنان النور الالهه دیگری را بدنبال او روانه داشت، و او را نجات داده و بر ظلمت پیروز گردانید، و آنکه بدنبال انسان پائین آمد، و انسان قدیم را از آن دوزخیان رهائی بخشید، و اسیرانی از ارواح ظلمت گرفت، حبیب الانوار نام داشت.

و گوید: پس از آن، بهجت و روح الحیاء بآن مرز آمده، و در آن ژرفنای دوزخ قدیم نگاه کرده، و انسان قدیم، و فرشتگان را در محاصره ابلیس، و همراهان شرارت پیشه او، و آن حیات تیره و تاریک دیده و روح الحیاء با صدای برق آسای بلندی با انسان قدیم ندائی در داد، که بصورت الاله در آمد، و مانی گوید، همینکه ابلیس قدیم، با انسان قدیم بهم گلاویز شدند، اجزاء پنجگانه نور با اجزاء پنجگانه ظلمت بهم آمیخت، و دود با نسیم آمیخته شد و این نسیم ممزوج از آن بوجود آمد که، آنچه لذت و آسایش نفس، و حیات حیوانیست، از نسیم، و آنچه نابودی، و آزار است ازدود مییابد - و حریق با آتش آمیخته شده که این آتش از آن بوده و آنچه سوزندگی و نابودی، و فساد دارد، از حریق، و آنچه درخشندگی و روشنائی دارد از آتش است. و نور با ظلمت آمیخته شده که این جسمهای سطر و کلفت، چون طلا و نقره و امثال آن پیدا شده، آنچه سفا و زیبائی، و نظافت و منفعت دارد، از نور، و هر چه چرکی، و تیرگی و غلظت و قساوت دارد، از ظلمت است. و سموم با باد آمیخته که این باد از آن بوده، و آنچه که منفعت و لذت دارد، از باد و هر چه موجب اندوه و شرم، و زیان است، از سموم می‌باشد. و ضباب با آب آمیخته که این آب از آن بوده، و چیزهای صفادار، و گوارا و ملائم با نفس، از آن آب، و چیزهای جدائی انداز، و خفه کننده، و موجب نابودی، و سنگینی، و فساد، از سموم است.

مانی گوید: همینکه اجناس پنجگانه ظلمت، با اجناس پنجگانه نور آمیخته شدند، انسان قدیم، تا ژرفنای آن مفاک پائین رفته، و اجناس ظلمت را از بیخ و بن در آورد، تا

بیشتر نشوند، سپس بیابا، و همان جایگاهی که در میدان جنگ داشت، برگشت و پیاره از فرشتگان امر کرد، قسمت بهم آمیخته را بزمین ظلمت، که در پشت زمین نور قرار داشت، بکشانند، و در آسمان آویزان دارند، سپس يك فرشته، دیگر را گماشت که آن اجزاء بهم آمیخته را نگهداری نماید.

مانی گوید: فرشته عالم نور، پیاره از فرشتگان خود امر کرد، تا از آن اجزاء بهم آمیخته، این عالم را خلق و بنا نماید، تا اجزاء نورانی از اجزاء ظلمانی جدائی داشته باشد. و او ده آسمان، و هشت زمین آفرید، و يك فرشته برای حمل آسمانها، و یکی هم برای برداشتن زمین گماشت. برای هر آسمان دوازده دروازه، با دهلیزهای بزرگ و گشاد، قرار داد که هر دروازه، رو بروی دروازه دیگر با دولنگه در بر یکایک آن دهلیزها بوده، و درهای این دهلیزها، هر کدام، شش عنبه و هر عنبه، سی جاده مشجر، و هر جاده دوازده صف داشت، و طول عنبهها، و جادهها و صنها با آسمان کشیده شده، و فضای پائین ترین زمین را با آسمان وصل، و بدورش خندقی گذاشت تا ظلمتهای تصفیه شده از نور را در آن اندازد، و در پشت خندق باروئی قرار داده بود که هیچ جزئی از ظلمت جدا شده از نور بیرون نرود.

مانی گوید: پس از آن آفتاب و ماه را برای تصفیه نور این عالم آفرید و آفتاب تصفیه کننده نور است که با اهریمنان گرما آمیخته، و ماه تصفیه کننده نور است که با اهریمنان سرما آمیخته، و همه اینها در يك ستونی از تسبیحات و نیایش با سائر تسبیحات، و تقدیسات و سخنان نغز، و نیکو کاریها با آسمان رود و با آفتاب و اگذار شود، و آفتاب آن را بنوریکه در عالم تسبیح، و در بالای آن قرار دارد میدهد، و از آنجا بسوی نور برگزیده و خالصی رهسپار گردد. و این کار تا وقتی است که از نور چیزی بماند که آفتاب و ماه توانائی تصفیه آن را نداشته باشد. در این هنگام فرشته حامل زمینها بر کنار شود، و فرشته دیگر کشش آسمانها را رها کند، و بالا و پائین درهم ریزد، و آتشی بجوش و خروش در آید که در تمام اشیاء زبانه می کشد تا هر نوری که در آنها باشد بتخلیل رود.

مانی گوید: این خروش و زبانه کشیدن آتش در یک هزار و چهارصد و شصت و هشت سال ادامه دارد، و همینکه این تدبیرها پایان رسد، و پیاره روح ظلمت، رستگاری نور و اوج گرفتن فرشتگان، و لشکریان نگهبانان را ببیند، بزاری در آید و قصد جنگ نماید، و سپاهیان که دورش هستند ویرا سرزنش کنند، و او بقری فرو شود که برایش کنده بودند،

و بر آن سنگی بزرگی دنیا گذارند که او را خورد و خمیر سازد ، و از آزارهای ظلمت خلاصی یابد .

والماسیه منافی^۱ چنین پندارند که از نور چیزکی در ظلمت باقی مانده است.

آغاز تناسل بمذهب مانی

مانی گوید: پس از آن. هر يك از اراكنه^۲ و ستارگان. و زجر^۳ و حرص و شهوت و گناه با یکدیگر نزدیکی نموده . و از آمیزش آنها ، انسان اول که همان آدم است ، پدید آمد و این کار را دو آرکون ، مرد و زن انجام داده اند و پس از آن آمیزش دیگری رخ داد که از آن زن زیبایی که حوا باشد ، پدیدار گردید . و همینکه فرشتگان پنجگانه در آن دو، نوزاد نور و خوشبوئی خدائی را که حرص ربوده و در آنها نهاده بود ، مشاهده کردند ، از بشیر. و ام الحیاة ، و انسان قدیم ، و روح الحیاة ، خواستند کسی را روانه دارند تا آن نوزاد قدیم را رهائی و خلاصی بخشد ، و دانش و نیکوکاری را برایش روشن دارد ، و از اهریمنان نجاتش دهد .

گوید: آنها نیز عیسی را با يك الاعه روانه داشتند ، که بسوی آن دو آرکون روی آورده و هر دو را بزندان انداخته و آن دو نوزاد را نجات دادند ، و عیسی بنوزادی که آدم بود روی آورده و بسخن درآمده ، و بهشت و خدایان و دوزخ و اهریمنان ، و زمین و آسمان را برایش شرح داده ، و ویرا از حوا ترسانیده و بآزارش نظر داده ، و از او خواست که از وی دوری جوید، و او را از نزدیک شدن بوی هر اسان داشت. و او عم این کارها را انجام داد . پس آن آرکون بسراغ دخترش که حوا بود آمده ، و از روی شهوتی که داشت ، با وی نزدیکی کرده و پرزشت روئی زائید که اشقر^۴ و نامش قاین - مرد اشقر - بود ، و

۱- الماسیه را بدست نیاوردیم .

۲- اراكنه جمع- ارکون - معرب - ارخون - یونانی - دحقان عظیم (اقرب الموارد) و شیطان هم این نام اطلاق میشود (ر.ک. ملل و نحل شهرستانی ج ۲ ص ۱۳۳).

۳- زجر- ملائکه که ابرها سرانند (اقرب الموارد).

۴- اشقر- سرخ هوی. مرد سرخ و سبزه که سرخی او غالب باشد (فرهنگ واریسی آقای

این پسر بامادر خود نزدیکی کرده ، و پسر سفیدروئی زائیده ، که نامش هابیل - مرد سفیدرو بود - پس از آن ، قاین بامادر خود جمع شده و دو دختر از او آمد که یکی حکیمه الدهر ، و یکی ابنة الحرس نامیده شده ، و ابنة الحرس را قاین بزنی گرفته ، و حکیمه الدهر را بهابیل گذاشت که او را بزنی برداشت .

گوید : در حکیمه الدهر از نور و حکمت خدا بهره بود ، که در ابنة الحرس چیزی از آن دیده نمیشد . و پس از اینکه یکی از فرشتگان گذارش بحکیمه الدهر افتاد ، بوی گفت خود را بخوبی نگهداری بنما ، چون از تو دو جاریه پیدا شود که شادمانی خداوند را بکمال رساند ، سپس با او نزدیکی کرده ، دو دختر از او پیدا شد که یکی را فریاد و دیگری را بر فریاد خواند . این خبر که بهابیل رسید از خشم برافروخته و اندوهی سراپایش را گرفته ، و بوی گفت . این دو فرزند را از کجا آورده ، همی پندارم از قاین باشند ، و اوست که با تو آمیزش نموده است . حکیمه الدهر چگونگی صورت آن فرشته را برایش شرح داد . و او و پرا سرداده ، بنزد مادر خود رفته و از کار قاین شکایت نمود ، و گفت خبر داری که او با خواهر و زن من چه کرده است . قاین که از این شکایت آگاه گردید ، قصدهابیل را نموده ، و با کوبیدن سنگی بر سرش ، و پرا کشته و حکیمه الدهر را بزنی گرفت .

مائی گوید : پس از اینکه آرکونها ، و آن صنیدید^۱ و حوا آن کار را از قاین دیدند ، افسرده شده و صنیدید بحوا زبان سحر را آموخت ، تا آدم را سحرزده نماید ، او نیز رفته و این کار را انجام داده و اکلیلی از گلهای شجر^۲ برایش برد . همینکه آدم او را دید ، از زیادی شهوت با وی آمیزش نموده ، و حوا آبتن شده ، و مرد زیبا و خوب صورتی زائید . این خبر که بصنیدید رسید اندوهناک و بیمار شده ، و بحوا گفت این نوزاد از ما نبوده و بیگانه است . حوا خواست آن نوزاد را بکشد ، ولی آدم او را گرفته و بحوا گفت من او را با شیر گاو ، و میوه جات درخت ، خوراکی خواهم داد و او را گرفته و با خود برد . صنیدید آرکونها را روانه داشت تا آن درخت و گاو را بر بایند ، و از آدم دور دارند . آدم

۱ - صنیدید در لغت بمعنی دلآور ، و مهتر است ولی در اینجا ظاهراً لقب آرکونی است که با حوا جمع شده بود (ر.ک. منتهی الارب).

۲ - در اینجا عیناً کلمه - شجر - را گذاشتیم ، که در قرآن مجید نیز آمده ، و در اقرب الموارد ، ذیل - شجر - گوید : شجرة الحیات همانست که خداوند آدم را از خوردن آن نهی کرد (ر.ک. اقرب الموارد).

این را که مشاهده کرده آن نوزاد را گرفته ، سه دایره بدورش کشید . بر دایره اول نام فرشته جنان ، و بر دایره دوم ، نام انسان قدیم ، و بر دایره سوم ، نام روح الحیات را گذاشته و باخدای خود از درعجز و لابه درآمده ، و گفت اگر من گناهکار شمایم ، این نوزاد چه گناهی دارد .

پس از این ، یکی از آن سه نفر ^۱ باشتاب درحالیکه اکلیل بهاء را بدست داشت ، نزد آدم آمد . و صندید و ارکونها همینکه آنرا دیدند ، پی کار خود رفتند .

گوید : پس از آن درختی بر آدم نمودار گردید که آنرا لوطیس ^۲ می گفتند ، و از آن شیری تراوش داشت که بکودک میداد ، و او را بنام خود خوانده ، و پس از چندی ویرا شاتل نامید .

پس از این آن صندید بدشمنی با آدم و نوزاد برخواسته ، و بحوا گفت برو بنزد آدم ، شاید بتوانی ویرا بسوی ما بازگردانی ، او نیز رفته و ویرا فریب داده ، و از روی شهوت با وی آمیزش نمود . شاتل که ویرا میدید ، بموعظه و سرزنش وی درآمده ، و گفت بیا با همدیگر بمشرق و بسمت نور و حکمت خدا برویم ، و با هم بدانجا روانه شدند ، و آدم همانجا اقامت داشت تا از دنیا رخت بر بسته و بیهشت رفت ، و شاتل ، و فریاد ، و برفریاد ، و مادرشان حکیمه الدهر ، بیک رویه و نهج در صدیقوت ^۳ بودند ، تا وفات یافتند . و حوا و قاین و ابن الحرم ، بدوزخ رهسپار شدند .

۱- در متن عربی دارد (ان واحداً من الثلاثة) که ظاهراً اشاره باقائیم ثلاثه است (ر.ک. اقرب الموارد - ذیل المثلث).

۲- لوطیس ظاهراً معرب کلمه افسانه لوتوس Lotus - Lotoss لاتینی است که نام میوه بسیار شیرین در ممالک **Lotophages** آفریقا و خوراک آفریقائیان باستانی بوده و گویند ، بیکانگان اگر آنرا بخورند مملکت خود را فراموش کنند (ر. ک. لاروس - ذیل این دولت) .
۳- صدیقوت - ظاهراً نام محل و پرستشگاه بوده ، و از مشتقات - صدیقون - است .

و آقای دکتر مانسوخ آلمانی که در صابنه مندانی - منتله - تخصص دارد ، این کلمه را مأخوذ از - **Mshnia Kusta** بزبان سریانی میداند که مصطلح صابشیان مندانی بوده و معنایش صداقت خالصانه در ایمان است .

صفت زمین ، و آسمانی نوران

آن دوئی که با خداوند نور ازلیت دارند

مانی گوید: زمین نور دارای پنج عضو ، نسیم ، باد ، نور ، آب ، و آتش است . و آسمان پنج عضو : حلم ، علم ، عقل ، غیبت ، و فطنت دارد و این اعضاء ده گانه زمین و آسمان را عظمتی است . زمین نور ، جسمی شاداب ، و شادی بخش ، و درخشنده ، و تابانی دارد ، که پاکیزگی بی آرایش ، و زیبایی اجسام ، صورت بصورت ، زیبایی بزیبائی ، سپیدی بسپیدی ، صفا بصفا ، درخشنده کی بدرخشنده کی ، نور بنور ، روشنائی بروشنائی ، مناظر بمنظر ، خوشبوئی بخوشبوئی ، خوشکلی بخوشکلی ، درها بدرها ، برجها ببرجها ، خانه ها بخانه ها ، منزلها به منزلها ، باغها بباغها ، درختها بدرختها ، شاخه ها بشاخه های پر از جوانه و میوه ، پرتو افشانها داشته ، منظره ایست شادی بخش ، و نور است که برنگهای گوناگون پرتو افشان بوده ، پاره از پاره دیگر بهتر و باشکوفه تر است . همه جا ابرهای سپید بهم پیوسته و همه جا سایه در سایه بوده ، و آن خداوند نور ، بر این زمین تا ابد بوده و هست .

گویند ، روی این زمین ، خدا دوازده بزرگوار دارد که صورتشان همچو صورت اوست ، همه دانا ، همه خردمند هستند . و بزرگانی دارد که نامشان - جاویدانهای پر کار توانا - بوده و نسیم ، حیات این دنیا است .

صفت زمین ظلمانی و گرمای آن

مانی گوید : زمین آکنده بگودالها - مناره ها ، کرانه ها ، بارانها ، بندها ، و بیشه ها است ، زمینی است پخش و پلا ، و بریده بریده ، پر از حرش^۱ . چشمه های دود آگینش از از شهرها بشهرهاست ، و از بندها است بیندها ، و چشمه های آتش زایش ، از شهرها بشهرها بوده ، و چشمه های تاریک آن از شهرها بشهرهاست . پاره بالا ، پاره پائین ، و دودی که از آن برخیزد ، لانه مرگی است که از اعماق چشمه هائی در آید که پایه های آن از هزاران

۱ - حرشات حیوانات کوچک خرنده که اعراب بآن - ام اربع و اربعین - و ایرانیان - هزار یا گویند (ر.ک. المنجد).

تپه و ماهور^۱ و عناصر آتش ، و عناصر بادهای سخت و تاریک ، و عناصر آبهای کوه و دره ها^۲ تشکیل گردیده ، و این زمین ظلمانی مجاور زمین نورانیست که در بالا بوده و آن در زیر قرار داشته ، و هیچکدام را از جهت بالا و پائین نهایی نیست .

چگونه باید انسان باین کیش درآید

گوید : کسیکه میخواهد باین کیش درآید ، باید آزمایشی از نفس خود کند ، و اگر دید بفرو نشاندن شهوات ، و حرص ، توانائی دارد ، و میتواند از خوردن گوشت ، و شراب ، و از نکاح با زن و آزار ، آب و آتش و درخت و گیاه^۳ دست بردارد ، باین کیش درآید ، و اگر چنین توانائی را ندارد از گروش بآن خودداری نماید ، و اگر دوستدار این کیش است ، ولی قدرت خواباندن شهوات و حرص را ندارد، محافظت از کیش و صدیقان را مغتنم شمرده ، و در مقابل کارهای زشتی که دارد اوقاتی را نیز برای تکوکاری ، و شب زنده داری ، و تضرع و زاری تخصیص دهد ، که همین امر ویرا از عاجل و اجل بینبازگرداند ، و در روز بازگشت آن صورت دوم را خواهد داشت که ما پس از این بذکر آن خواهیم پرداخت . انشاء الله .

کیشی که مانی آورد

و چیزهایی را که واجب شمرد

مانی برای سماعین پیروان خود ده چیز را واجب شمرده ، که بدنیال آن سه خاتمه و هفت روز ، روزه داشتن در هر ماه است . واجبات عبارتست از ایمان بچهار بزرگ : خدا و نورش و توانائیش ، و حکمتش . خداوند جل اسمه قرشنه حنان النور است ، و نور او آفتاب و ماه ، و قوتش فرشتگان پنجگانه نسیم و باد و نور و آب و آتش بوده ، و حکمتش همین دین مقدس است که بر پنج معنا استوار است . - معلمان^۴ فرزندان حنم ، مستمعان^۵ فرزندان

۱ - ف (من الزویه تراب) ش (من الزویه رموات)

۲ - ف (و عناصر الماء الثقین) ش (و عناصر الماء القین) وقین - بضمین - بالایا پائین

کوه یا کمر آن (ممتی الارب)

۳ - ف (والسحر و النریاح) ش (والشجر و النبات)

۴ - ف (المعلمین) ش (المعلمین)

۵ - ف (المشمسین) ش (المشمسین)

علم. کشیشان فرزندان عقل. صدیقان - فرزندان غیب. و سماعان - فرزندان فطانت. و واجبات دهگانه عبارتست از: ترك بت پرستی - ترك دروغگوئی - ترك بخل و زفتی - ترك آدمکشی - ترك زناکاری - ترك دزدی - و آموختن علل و اسباب جادوگری. و پایداری در دو چیز، که یکی نداشتن شك و تردید در کیش و یکی هم سستی و فروهشتگی در کار باشد. و چهار - یا هفت نماز را واجب دانست. باین ترتیب: که با آب روان، یا راکد مسح نماید. و رو بروی آفتاب بایستد، و بعد بسجده افتاده، و در سجده بگوید: مبارک است راهنمای فارقلیط^۱. پیامبر ما، و مبارک است فرشتگان نگهبان او، و مسبحان لشکریان پرتو افشان او، این را در سجده که گفت، برخیزد، و دیگر در سجده نمانده، راست بایستد، سپس در سجده دوم بگوید: - بپاکی یاد شده توای مانی پرتو افشان و راهنمای ما، که ریشه روشنایی و نهال زیستی، و شجره بزرگی هستی که تمامش بهبودی بخش است.

و در سجده سوم بگوید: سجده کنم و تسبیح گویم، یا قلبی پاک و زبانی راستگو، خداوند بزرگی را که پدر انوار و عناصرشان بوده، و بپاکی یادشوی، و مبارکی تو، و تمام عظمت، و عوالم مبارکی که آنها را بخود خوانده، و تسبیح گویند تو را مسبحان لشکریان تو، و ابرار تو، و کلمه تو، و عظمت تو، و رضوان تو، برای آنکه توئی تو، آن خداوندی که سر بسر حق و حیات و نکوئی هستی.

در سجده چهارم بگوید: نماز گزارم، و سجده نمایم، برای همه خدایان، و همه فرشتگانی که در سایه تو بوده، و برای همه انوار، و همه لشکریانی که تمامشان تعلق بآن خداوند بزرگ دارند.

سپس در سجده پنجم بگوید: سجده کنم، و نماز گزارم، برای لشکریان بزرگوار، برای خدایان پرتو افشانی که بحکمت خود، ظلمت را زده، و رانده و نابود کردند.

در سجده ششم بگوید: سجده کنم، و نماز گزارم، برای پدر بزرگوار، همان بزرگوار درخشان، که از علمین^۲ آمده است.

و تا سجده دوازدهم همین گونه سجده نماید، و پس از فراغت از این نمازهای دهگانه، نماز دیگر را شروع کند و آن نیز سجده هائی دارد، که ما نیازی بذكر آنها نداریم.

وقت نماز اول، در هنگام زوال است. نماز دوم، میان زوال و غروب آفتاب. و پس

۱- رجوع شود به صفحه ۵۸۴ این کتاب.

۲- علمین العلماء - زمینى است بشام (منتهى الارب)

از آن نماز مغرب است که بعد از غروب آفتاب بوده ، و سپس نماز شام ، با گذشتن سه ساعت از غروب آفتاب است . و در تمام این نمازها ، و سجده‌ها باید همان کاری را انجام دهد که در نماز اول - نماز بشیر - انجام داده است .

اما روزه : هنگامیکه آفتاب بپرج قوس درآید، و ماه یکپارچه نور گردد ، باید دو روز، روز، گیرند بی آنکه در میان آن افطار کنند، و هنگامیکه ماه نور و ژیت شود ، دو روز باید روزه گیرند و در میان آن افطار نکنند، و سپس، همینکه ماه نوسرزد ، و آفتاب در برج دلو بود، پس از گذشتن هشت روز، باید سی روز ، روزه گیرند ، و در غروب هر روز افطار کنند. روزهای یکشنبه را همه مانویان ، و روزهای دوشنبه را خواص مانویان ، با امرمانی، گرامی دارند .

اختلاف مانویان در امر امامت

پس از زمانی

مانویان گویند : همینکه مانی بجنان‌النور پرواز کرد، پیش از پروازش ، سپس را جانشین خود قرارداد ، و او با قامة این کیش و آئین کوشا بود تا از دنیا رفت ، و پس از او پیشوایانی که آمدند ، پیروی از همان رویه نموده ، و هیچگونه اختلافی باهم نداشتند تا آنکه دسته بنام- دیناوریان- میانشان پدید آمد، که بر پیشوای خود ایراداتی گرفته ، و از اطاعتش خودداری داشتند . و در امر امامت و پیشوا که تمامیت آن در این بود که در بابل منعقد گردد، و پیشوا نبایستی در جای دیگر باشد، مخالفت نموده، و در این عقیده و سایر مخالفت‌هایی که ذکرش بیفایده است باقی بودند، تا آنکه ریاست بر تمام مانویان به مهر تفویض گردید. و این امر در دوران ولید بن عبدالملک ، و حکومت خالد بن عبدالله قسری بر عراق بود . در این زمان مردی بنام زاده رمز با آنان پیوسته ، و پس از مدتی از آنان کناره گیری نموده ، و شخص با ثروتی بود، که چشم از آن پوشیده، و بصدیقت رفت باین گمان که چیزهای ناروایی مشاهده مینماید، و قصد داشت بدیناوریان ملحق شود که در ماوراء نهر بلخ بودند. پس از رسیدن بمدائن با مرد ثروتمندی که از کاتبان حجاج بن یوسف بود ، و با او سابقه دوستی داشت ، برخورد کرده ، و برای او شرح داد که چرا از میان مانویان بیرون آمده ، و قصد خراسان

۱- رجوع شود بصفحه ۵۹۰ همین کتاب .

۲- نهر بلخ همان نهر جیهون است که تا بلخ ده فرسنگ فاصله دارد (ر.ک معجم البلدان)

والحاق بدیناوریان را دارد. این شخص گفت، خراسان تو، من هستم، و من برای تو در اینجا صومعه میسازم، و هر چه خواسته باشی برایت فراهم آورم، او نیز نزد وی مانده، و صومعه هم برایش ساخته شد.

زادهرمز بدیناوریان نوشت که برای آن صومعه رئیسی روانه دارند، در جوابش نوشتند: ریاست جز در مملکت بابل در جای دیگر نباید باشد، و چون کسیکه صلاحیت این سمت را داشته باشد پیدا نکرد، خود متصدی این کار شده، و زمانیکه رو بانحلال گذاشت، یعنی مرگش فرا رسید، از وی خواستند رئیسی برایشان معین نماید، و او گفت مقلص را همه میشناسید، و بمقام او پی برده‌اید، و من او را برگزیده دارم. و مطمئن بحسن تدبیر او درباره شما هستم، و همینکه در گذشت همه باتفاق او را مقدم داشته، و مانویان بدو دسته در آمدند، مهریه، و مقلصیه.

مقلص با سائر مانویان در کارهای دینی مخالفت‌هایی داشت که از آن جمله، وصال^۲ بود تا آنکه در دوران ابوجعفر منصور، ابوهلال دیجوری از افریقیه آمده و بر مانویان ریاست یافت، و دستور داد که مانویان گفته مقلص را در وصال ترک کنند، و آنان پذیرفته، و در همین ایام شخصی بنام بزر مهر در میان مقلصیان پیدا شد که هواخواهانی داشته، و چیزهای تازه از خود در آورد بود که بهمان گونه رفتار میشد تا آنکه ریاست با بوسعید رجا رسیده، و آنان را بعقیده مهریه در امر وصال برگردانیده و وصال در این کیش بترتیب سابق پایدار ماند، و مردم بهمانگونه عمل میکردند، تا در خلافت مأمون، شخصی که گویا نامش یزدان بخت بوده پیدا شده و درباره چیزها مخالفت‌هایی نموده، و مردم دسته دسته بوی گریه کردند.

واز خورده گریه‌هایی که مقلصیان بر پیروان مهر داشتند این است که میگفتند خالد القسری مهر را بر استر سوار کرده، و انگشتر نقره بدستش نموده و خلعتی از جامه‌های ابریشم رنگین بوی پوشانیده است.

رئیس مقلصیان، در دوره مأمون، و معتصم، ابوعلی سعید بود، و پس از مرگش کاتب او نصر بن هرمزد سمرقندی جانشین او گردید، و پیروان خود چیزهایی را اجازه داد که در آن کیش جایز نبوده، و با پادشاهان معاشرت میکردند و با آنها مسفره میشدند، و ابوالحسن دمشقی یکی از رؤساء آنان بود.

۱- این گفته ابن ندیم با آنچه که را پیش از این در مخالفت دیناوریان با تمرکز امامت در بابل ذکر نمود تهافتی دارد. (ر.ک. صفحه ۵۹۴ این کتاب).

۲- وصال جمع وصال بمعنی روزه داشتن دوروز بدون افطار است (اقرب الموائد).

مانی در سلطنت بهرام پسر شاپور کشته شد، و پس از کشتن ویرا دو نیمه کردند، نیمی بريك دروازه، و نیمه را بردروازه دیگر در جندیسابور^۱ آویزان داشتند، که این دو جا را مارا علی و ماراسفل می نامند، گویند او در زندان شاپور، و همینکه شاپور از دنیا رفت بهرام او را در آورد، و بقولی در زندان مرده است، ولی در آویخته شدنش تردیدی نیست و برخی از مردمان گفته اند که او هر دو پایش کج، و بقولی پای راستش کج بود. مانی در کتابهای خود با سائریامبران مخالفت کرده، و خورد گیریهائی از آنها نموده و آنها را در غکوشمرده، و گوید که اهریمنان برایشان تسلط داشتند، و بزبانشان سخن میگفتند، و در چندین جا از کتابهایش گوید: آنان اهریمنانند. و عیسی را که نزد ما و نصرانیان مشهور است اهریمن دانسته است^۲.

گفتار مانویان درباره معاد

مانی گوید: اگر مَرَك بسراغ صدیقی آید، انسان قدیم، فرشته را بصورت حکیمی راهنما بسوی او روانه دارد، و سه فرشته با او باشند که با خود کوزه آب، و جامه و تاج و دیهیمی از نور دارند، و جوانی شبیه بآن صدیق همراه آنها میباشد، اهریمن و حرص و شهوت و اهریمنان دیگر نیز بر او ظاهر شوند، و همینکه صدیق آنها را مشاهده میکند از فرشته که بصورت حکیم راهنماست، و آن سه فرشته دیگریاری جوید، آنها بوی نزدیک میشوند، چشم اهریمنان که بآنها میافتند پا بفرار نهند، آنها آن صدیق را بر بایند، جامه و تاج و دیهیم را باو میپوشانند، و کوزه آب را بدستش دهند، و او را در يك ستونی از ستایش بفلک ماه نزد انسان قدیم، و نهننه^۳ ام الحیاء، بهمان گونه که در جتان النور بود می برند. و جسدش همانطور افتاده میماند، و آفتاب و ماه، و الاله تاپان، قسوی او را که آب و آتش و نسیم است، بخود جذب کنند، و سپس بآفتاب در آید و در آنجا الاله گردد، و باقیمانده جسدش را که ظلمت محض است بدوزخ اندازند.

و اما انسان ستیزه جوئی که این کیش، و نیکو کاری را پذیرفته و با این دو چیز و صدیقان

۱- جندیسابور- رجوع شود بصفحه ۴۴۱ این کتاب.

۲- تهافتی با آنچه پیش از این درباره عیسی گفته دارد. (ر.ک. بصفحه ۵۸۸ این کتاب).

۳- نهننه - نهیب و بانگ زدن برای بیم دادن و منع کردن (اقرب الموارد).

همراهی داشته ، هنگامی که مرگش سررسد. آن الاهداه که گفتیم حاضر گردند. و اهریمنان نیز حاضر شوند . و او با استغاثه درآید ، و بگردار نیک خود، و نگهبانی که از کیش و از صدیقان داشته، توسل جوید، و آنها ویرا از اهریمنان نجات دهند ، و او در این عالم مانند کسی میماند که در خواب چیزهای هراس انگیز ببیند، و در گل ولای فرورفته باشد، و این حال ادامه دارد تا وقتی که نوراو، و روح او خالص شود و لائق پیوستن بصدیقان گردد، و جامه آنها، را، پس از مدتی که در حال تردد بود، بپوشد .

اما انسان گنهگار، که حرص و شهوت بر او غلبه داشته ، و قتیکه مرگ بسر وقتش آید، اهریمنان حاضر شوند، و او را گرفته و شکنجه و آزار دهند، و آن الاهدات نیز حاضر شوند و آن پوشاکها را با خود دارند، و او گمان کند که برای نجاتش آمده اند ، در صورتی که آمدن آنها برای سرزنش ، و یادآوری کارهای زشتش بوده ، و قصد اتمام حجت را بر او دارند ، که از همراهی و کمک بصدیقان خودداری مینمود . و در همین حالات آنقدر در این عالم میماند تا عاقبت کارش سررسد و بدوزخ سرازیر گردد .

مانی گوید: این است سراهیکه، روان انسانی با آنها تقسیم شود: بهشت، برای صدیقان، و عالم هول و بیم برای نگهبان کیش و باوران صدیقان، و سومی دوزخ ، برای انسان گنهگار .

چگونگی روز بازگشت پس از فناء عالم

وصفات بهشت و دوزخ

مانی گوید : سپس انسان قدیم از عالم حدی^۱ ، و بشر ، از مشرق و بنای بزرگ از یمن^۲ ، و روح الحیة از مغرب آیند، و بر این ساختمان با عظمت که بهشت نوین است، بایستند و دوزخ را دور زده ، و در آن نظر اندازند. سپس صدیقان از جنان بسوی آن نورآمده ، و در آن مینشینند، و پس از آن با شتاب بمجمع الاله روند ، و گرداگرد دوزخ ایستاده ، به گنهکاران نگاه کنند که زیر و رو میشوند، و با حیرت در آن دوزخ بناله درآمده اند . و دوزخ نمیتواند بصدیقان زبانی برساند ، و همینکه چشم گنهکاران بصدیقان افتد، بلا به و التماس در آیند، و آنها هم جر سرزنش و علامت جوابی نمیدهند که مفید فائده باشد ، و همین امر بیشتر

۱- حدی سراسر ایست زردیست قطبیه قبله از آن شناخته می شود . (اقرب الموارد)

۲- یمن آن قسمت از زمین های کوهیست که در طرف یمن قبله است. (اقرب الموارد)

موجب پشیمانی گنهکاران گردد، و اندوهی بر اندوهشان میافزاید، و تا ابد بهمین گونه باقیمانند.

نام کتاب های مانی

مانی دارای هفت کتاب است که یکی بفارسی، و شش بسوری - زبان سوریا بوده، و از آن جمله است:

کتاب سفر الاسرار - مشتمل بر چندین باب . باب ذکر الیصائیین . باب شهادة بستاسف علی الحیب . باب شهادة ... علی نفسه لیمقوب . باب ابن الارمله - که نزد مانی همان مسیح معلوب است که یهودیان بدارش آویختند . باب شهادت عیسی علی نفسه فی یهودا . باب ابتداء شهادة الیمنی^۱ بعد غلبه^۲ . باب الارواح السبع . باب القول فی الارواح الاربع الزوال . باب الضحکة . باب شهادة آدم علی عیسی . باب السقاط عن^۳ الدین . باب قول الیصائیین فی النفس والجسد . باب الرد علی الیصائیین فی نفس الحیاة . باب الخنادق الثلاثة . باب حفظ العالم . باب الایام الثلاثة . باب الانبیاء . باب القيامة . این بود محتویات کتاب سفر الاسرار . کتاب سفر الجبابرة مشتمل بر ... کتاب فرائض السماعین . باب فرائض المجتبین . کتاب الشا برقان^۴ - مشتمل بر ، باب انحلال السماعین . باب انحلال المجتبین . باب انحلال الخطاة . کتاب سفر الاحیاء - مشتمل بر ... کتاب فرقاطیا - مشتمل بر ...

نام رساله های مانی

و پیشوایان بعد از او

رساله الاصلین . رساله الکبیرا . رساله الهند العظيمة . رساله هیئی البر . رساله قضاء العدل . رساله کسکر . رساله فتق العظيمة . رساله ارمیه . رساله امولیا الکافر . رساله طیسفون فی الوردقة . رساله الكلمات العشر . رساله المعلم فی الوصالات . رساله وحنن فی خاتم الفم . رساله خبرهات فی التمزیه . رساله خبرهات فی ... رساله امهم الطیفة فونیه . رساله یحیی فی المطر . رساله خبرهات فی ... رساله طیسفون الی السماعین . رساله قافی ... رساله الهدی الصغیرة . رساله سیس ذات الوجهین . رساله بابل الکبیرة . رساله سیس وفتق فی الصور . رساله الجنة .

۳- ف (من) .

۲- ش بی نقطه .

۱- ف (الیمین) .

۵- ش (عنی) .

۴- ش بی نقطه .

رسالة سيس في الزمان . رسالة سعيوس في العشر . رسالة سيس في الرهون . رسالة التدبير .
 رسالة ابا التلميذ . رسالة ابري^١ الى الرها . رسالة ايا في الحب . رسالة ميسان في النهار .
 رسالة ايا في ... رسالة بحران^٢ في الهول . رسالة ابا في ذكر الطيب . رسالة عبيدسوع في
 الهسينيات^٣ . رسالة بحران^٤ في الوصالات . رسالة شايل وسكني^٥ . رسالة ابي في الزكوات .
 رسالة حدايا في الحمامة . رسالة افقوربا^٦ في الزمان . رسالة زكوف في الزمان . رسالة سهراب
 في العشر . رسالة الكرح و العراب . رسالة سهراب في الفرس . رسالة ابي احيا^٧ . رسالة
 ابي بسام المهندس . رسالة ابي احيا^٨ الكافر . رسالة المعمودية . رسالة يحيى^٩ في الدراهم .
 رسالة افند في الاعشار الاربعة - و پس ازاينها - رسالة افند في السعد الاول . رسالة سوفي (في)
 ذكر الوصائد . رسالة برحيا^{١٠} في تدبير الصدقة . رسالة السماعيلين في الصوم والندرا^{١١} . رسالة
 السماعيلين في النار الكبرى . رسالة الاهواز^{١٢} في ذكر الملك . رسالة السماعيلين في تعبير يزدان بخت .
 رسالة مينق (في) الفارسية الاولى . رسالة مينق الثانيه . رسالة العشر والصدقات . رسالة اردشير ومينق .
 رسالة سلم و عنصراً . رسالة حطا . رسالة خبرهات في الملك . رسالة ابراحيا في الاصحاء
 والمرضى . رسالة اردد في الدواب . رسالة اجافي الخفاف . رسالة الحملان النيرة . رسالة
 مانافي التصليب . رسالة مهر السماع . رسالة فيروز وراسين . رسالة عبدبال في سفر الاسرار .
 رسالة سمون ورمين . رسالة عبدبال في الكسوة .

شمه از اخبار مانويان وگردشي

که در شهرها داشتند و اخبار روستاء آنان

اول کسی که به شهرهای ماوراء النهر^{١٣} از صاحبان دین ، غیر از سمنیه^{١٤} درآمد .

- ١ و ٢ - بی نقطه .
 ٣ - ف (في العصبات) ٤ - بی نقطه
 ٥ - ش (شائل و سلنی) .
 ٦ - ش بی نقطه ٧ و ٨ - ف (ابراحیا)
 ٩ - ش (عنی)
 ١٠ - ف (یوحا)
 ١١ - ش (والتعذیر)
 ١٢ - ش (الاهوار)
 ١٣ - رجوع شود بصفحه ٢٩ این کتاب .
 ١٤ - سمنیه - رك . بصفحه ٦١٦ این کتاب - و اقرب الموارد، دارد - سمنیه - بضم سین و فتح میم، گروهی از هندیانند که دهری بوده و عقیده بتناسخ دارند و منکر دانستن چیزی از روی خیر باشند باین عقیده، که دانستن فقط بمشاهده امکان دارد، و سمنیه نسبتی است بسومنات که از شهرهای هند است .

مانویان بودند . بدین جهت ، که کسری وقتی ، مانی را بقتل رسانید بر مردمان مملکتش سخن گفتن و مباحثه در این کیش را حرام نمود ، و پیروان مانی را در هر جایی که بودند بقتل میرسانید ، از اینرو ، همه پابفرار گذاشته و از رودخانه بلخ گذشته ، و بمملکت خان درآمده ، و همانجا اقامت نمودند ، و خان در زبانشان لقب پادشاهان ترك است .

اقامت مانویان در ماوراءالنهر تا زمانی بود که رشته امور فارسیان از هم گسیخته و کار عربان قوت و رونقی پیدا کرده و آنان به شهرهای خود برگشتند ، بویژه در دوره آشوب ایران ، و سرکار آمدن امویان . زیرا خالد بن عبدالله قسری به کار آنان اهتمامی از خود نشان میداد ، منتهی در این شهرها ریاست جز در بابل قابل تشکیل نبود ، و از آنجا رئیس بهرجائی که میخواست ، و امنیت داشت میرفت ، و آخرین دسته که از آنها کوچ کردند ، در دوران مقتدر بود ، که برای حفظ جان خود به خراسان کوچ کردند ، و باقی ماندگان شان پرده پوشی داشتند ، و در شهرها پراکنده بودند . در سمرقند در حدود پانصد نفر جمع شده و شهرتی پیدا کردند ، و والی خراسان در مقام کشتن آنها برآمده ، ولی پادشاه چین ، بگمانم صاحب تغزغز بود ، کسی را نزد آن والی فرستاده ، و پیغام داد ، در مملکت من مسلمانانی هستند که چندین برابر آنهایی باشند که کیش ما را داشته ، و در مملکت شما هستند ، و سوگند یاد میکنم ، هر گاه یکی از آنها کشته شود ، تمام اینها را خواهم کشت ، و مساجدشان را ویران خواهم کرد ، و محافظت از آنها را در شهرهای خود بردارم تا کشته شوند ، والی خراسان از قصد خود منصرف شده ، و از آنها حزیه گرفت . و بتدریج در نقاط اسلامی رو بکمی گذاشتند . اما در مدینه السلام همینقدر میدانم که در دوران معزالدوله در حدود سیصد نفر بودند ولی در زمان ما پنج نفر هم نیست . و این مردمان را اجاری نامند ، و در شهرهای سمرقند و صفد^۲ بویژه نونکت^۴ هستند .

۱- تغزغز از اقوام ترکند که عرب آنها را باین نام خوانده و چنین بنظر آید که قوم قرقر باشند که از اقوام صحرا نورد ترکند و در مرز چین و ترکستان اقامت دارند (ر.ک. قاموس الاعلام ترکی) و حدود العالم - تغزغز - را - طقوز اوغوز - یعنی - نه قبیله - از ترکان دانسته ، و مفصل نوشته (حدود العالم ترجمه مینورسکی ، ص ۲۶۳ ببعده) .

۲- ظاهراً از ماده - جار - و بمعنای منحرفان از راه است (ر.ک. اقرب العوارد) .

۳- رجوع شود بصفحه ۳۰ این کتاب .

۴- نونکت ظاهراً نوکند و از دهات سمرقند است (معجم البلدان) .

نام رؤسا مانویان که

در دوره عباسیان و پیش از آن بودند

جمد بن در هم ، که مروان بن محمد را باو نسبت دهند ، و مروان جمدی گویند ، و سمت آموزگاری مروان و قرزندانش را داشته ، و او را بزندیقی درآورده و هشام بن عبدالملك در دوره خلافت خود او را مدتها در زندان نگاهداشته ، سپس بدست خالد بن عبدالله قسری او را بقتل رسانید . گویند خانواده جمد عریضه بهشام داده و در آن از ناتوانی خود و طول مدت حبس جمد شکایت کرده بودند ، هشام گفت مگر او هنوز زنده است ، و بخالد دستور کشتن او را داد . و خالد در روز عید قربان او را - بجای قربانی کشت ، و این مطلب را بامر هشام بر منبر اعلام داشت . زیرا خود او یعنی خالد متهم بزندیقی بود ، برای اینکه مادرش نصرانی و مروان جمد هم از زندیقان بشمار میرفت . و از متکلمان رؤساء آنان که تظاهر باسلامیت داشتند و در باطن زندیق بودند ابن طالوت ، و ابوشاکر ، پسر برادر ابوشاکر ، و ابن اعدی حریزی و نعمان ابن ابوالعوجاء ، و صالح بن عبدالقدوس بودند که کتابهایی در تأیید دوگانه پرستی و مذاهب اهلش دارند و بسیاری از تألیفات متکلمان را در این خصوص نقض ورد کرده اند .

و از شاعران : بشار بن برد ، و اسحاق بن خلف ، و ابن سبابه ، و سلم خاسر ، و علی بن خلیل ، و علی بن ثابت ، بودند ، و از کماتیکه در این اواخر باین امر شهرتی پیدا کردند : ابوعبسی وراق ، و ابوالعباس ناشی ، و جیهانی محمد بن احمد است ^۱ .

پادشاهان و رئیسانی که

رهی بزندقه میشدند

گویند تمام برمکیان ، جز محمد بن برمک ، در شمار زندیقان بودند ، و درباره فضل و برادرش نیز همین را گفته اند . محمد بن عبیدالله کاتب مهدی نیز زندیق بود ، و خود او بآن اعتراف کرد ، و مهدی ویرا بقتل رسانید .
بخط برخی از اهل این مذهب خواندم که مأمون نیز از آنها بوده ، ولی دروغ گفته است . و گویند محمد بن عبدالملك زیات را نیز زندیق میدانستند .

۱- ش در حاشیه دارد (عورض) یعنی مقابله گردید .

رؤساء این مذهب

در دولت عباسیان

ابو یحیی رئیس . ابوعلی سعید . ابوعلی رحا . یزدان بخت . و این کسی است که مأمون ویرا از وی احضار کرد، پس از آنکه زینهارش داد . و متکلمان ویرا مجاب نمودند. مأمون بوی گفت ، ای یزدان بخت ، اگر آن زینهار در میان نبود ما را با تو کارهایی بود ، یزدان بخت گفت ، ای امیر مؤمنان نصیحتت را شنیدم و گفتارت پذیرفته است، ولی تو از آن کسانی نیستی که کسی را مجبور بشرك دین بنمائی ، مأمون گفت چنان است که میگوئی . و هنگامی که او را احضار داشت ، برای او جائی را مقرر کرده بود که کسی مجاز در گذشتن از آنجا نبود و نگهبانانی ویرا محافظت میداشتند تا نبادا کشته شود .

ویزدان بخت مردی فصیح و سخن پرداز بود.

رؤساء آنان

در زمان ما ریاست بسمرقند منتقل گردیده ، و در همان جا منعقد میگردد، در صورتیکه جز در بابل در جای دیگری قابل انعقاد نبود ، و اکنون رئیسشان در آنجا ...

دیسانیان^۱

رئیس این گروه را از این جهت دیسان خوانند که در کنار نهری بهمین نام متولد گردید . و او پیش از مانی بود ، و مذهبشان بهم نزدیک ، و تنها در اختلاط نور با ظلمت اختلاف دارند ، و دیسانیان هم در این باره دو فرقه شده اند ، يك فرقه باین عقیده اند که نور از روی اختیار با ظلمت آمیخت تا آنرا اصلاح کند ، و همینکه در آن جای گرفته ، و خواست از آن بیرون آید ، نتوانسته و برایش دشوار گردید . فرقه دیگر عقیده دارند ، نور همینکه احساس خشونت و بدبوئی ظلمت را نمود ، خواست از آن در آید ، بی اختیار با آن بکشمکش درآمد ، همچنانکه کسی که در چیز چندین پهلو دار و تیزی برود ، خرقدر بخواهد آنرا از خود دور سازد بیشتر در آن فرو رود ، این دیسان عقیده داشت که

۱ - در نسخه - ش - از دیسانیان تا (مرقیون کتاب انجیلی دارد) افتاده است .

نور از يك جنس ، و ظلمت از جنسی دیگر است ، و پاره از دیسانیان برآنانند که ظلمت ریشه و اصل نور بوده ، و گویند که نور حساس و عالم ، و ظلمت ، بعکس آن ، نادان و بی احساس است ، باین جهت از هم نفرتی دارند .

پیروان ابن دیسان در قدیم اطراف بطائح^۱ بودند ، و چند دسته از آنان، در چین ، و خراسان پراکنده شده و صومعه و اجتماعاتی نداشتند ، و مانویان خیلی از آنها بیشتر بودند تألیفات ابن دیسان : کتاب النور والظلمة . کتاب روحانیه الحق . کتاب المتحرك والجماد ، و بجز اینها ، کتابهای دیگر هم دارد . و رؤساء این گروه را کتابهایی است که بدست نیاورده ایم .

مرقیونیان

پیروان مرقیون ، پیش از دیسانیان و گروهی هستند که بیش از مذهب مانی و دیسانی ، بنصرانیت هماهنگی داشتند ، و عقیده شان این بود که نور و ظلمت دو اصل باستانیست و يك هستی - سومی در این میانست که با آنها امتزاج و اختلاط دارد ، و خداوند را منزله از شر دانند ، گو آنکه آفرینش اشیاء خالی از شر نیست . ولی خداوند بالاتر از این مراتب است . در - هستی - سوم اختلاف دارند که چیست ، گروهی آن را حیات ، و عیسی دانند . گروهی عیسی را فرستاده - هستی - سوم پندارند ، و این هستی را آفریدگار اشیاء بامر و قدرت خود دانند ، و در عین حال همه بر آنند که عالم حادث است و صنعت در آن نمایان بوده و در این باره شك و تردیدی وجود ندارد ، و عقیده دارند ، کسیکه از چیزهای بدبو ، و هستی بخش ، دوری جوید ، همیشه با خدا باشد ، و روزه را ترك نکند ، از دام شیطان رهایی یابد ، از این گروه حکایات گوناگون و پیچ در پیچ بسیاری نقل شده است . مرقیونیان خط مخصوصی دارند که کتابهای مذهبی خود را با آن مینویسند^۲ ، و خود مرقیون کتاب انجیلی دارد که نام آنرا ... و پیروانش را کتابهائیت که جز خدا کسی نداند کجاست ، و این گروه خود را ز پر پرده نصرانیت پنهان داشته ، و دستجاتی از آنها در خراسانند ، ولی مانویان ، از آنان آشکارتر و نمایانترند .

۱- رجوع شود به صفحه ۲۱۲ این کتاب .

۲- از اول مرقیونیان تا اینجا در نسخه - ش - که ما داریم افتاده است .

ماهانیان

دسته از مرقیویانند ، که در پاره از امور مخالف و در پاره موافق بوده ، و بامرقیونیان در همه حالات موافقت دارند ، جز در امر نکاح ، و قربانی ، و مسیح را معدلی میان نور و ظلمت دانند ، و جز این ، درباره آنان چیزی نیافته ایم .

جنجیان

مردمانی از پروان جنجی جوخانی^۱ میباشند که در اول بت پرست بود ، و در بتخانه زنجلیج^۲ مینواخت ، سپس از آن مذهب روگردانیده ، و از خود مذهبی در آورده ، و بر این بود که پیش از نور و ظلمت ، چیزی وجود داشته و در ظلمت دو صورت ، نرینه و مادینه^۳ بود و گوید آن نرینه بازوجه خود در ظلمت میزیست ، تا آنکه در مادینه نوری پدیدار شد . و عالم احیاء کمی از آن نور را ربود که مانند کرمی بحرکت در آمد ، و بیالا رفت و نور آن را بوسیده ، و از نور خود مقداری بآن پوشانید ، پس از این ، آن کرم از نور جدا گردیده و مقداری از نورش را ربود و بجای خود برگشت ، و از آن مقدار نوریکه از طرف نور بر او پوشانیده شده بود ، آسمان ، و کوهها ، و زمین ، و سائر چیزها را خلق^۴ کرد ، و عقیده دارند که آفتاب ملکه عالم است ، و معتقدات دیگر هم دارند که ما از شرح آنها استغفار جوئیم ، و از آنان کتابی نیافته ایم .

گفتار خسرو آرزومقان

این شخص نیز از مردم جوخی ، و از دهکده ایست که کنار نهر روان قرار دارد ، و بامر دستور او پروانش جامه های زیبایی میپوشیدند ، و خود را آرایش نموده و تفاخری در این کار داشتند . و او عقیده داشت که نور زنده و جاوید است ، و در خواب بود که ظلمت چون پوششی بر آن پیچیده و مقداری از آن را ربوده و بجای خود برگشت . نور يك الاله بنام - ابن الاحیاء - آفریده و باو گفت ، میروی و آن مقدار نوری را که ظلمت از من ربوده است پس گرفته و برای من میآوری .

۱- جوخا - نام نهر و دهستان بزرگی در اطراف بغداد است (معجم البلدان) .

۲- زنجلیج معرب زنگلیجه - زنگ و جرس کوچک است (فرهنگ نسیمی) .

۳- ف (فخلمت) ش (فخلقت) .

ابن الاحیاء که بظلمت رسیده و بآن برخورد کرد يك سائیدگی در آن حاصل شد و در اثر قوت نوری که در آن دمید ، دو موجود نرینه و مادینه از آنها پدید آمد ، و او بسوی نور ، و همان معدن حیات و نفوس برگشته ، و از آن مقداری نور گرفته و بآن دو نوزاد پوشانید - و گوید - از همان آبی که چکیده آن سائیدگی بود ، این آسمانها ، و زمینها و هر چه در آنست ، از ستارگان و دریاها و کوهها ، آفریده شد . و او بمیسی طعنه میزد ، و او را عاجز و ناتوان میشمرد ، و مذهبش را پنهان میداشت ، و کتابی ندارد ، و این سخنان از او و یارانش در خاطره های مردم مانده است : مائیم آن کسانی که در این عالم دسته مهیا ساختیم ، و مال فراوانی از دنیا ربودیم ، پس از آن عمانی^۱ شدیم ، و برودخانه رفتیم ، سیاه بودند که با خود بردیم ، و سفید بودند که با خود آوردیم ، و آنها را درخشان و تابان برگرداندیم . و این سخنانرا با آهنگ موزونی با آواز میخوانند ، و در این امر مذهبشان شباهت بمذهب حرانیان دارد .

رشییان^۲

عقیده شان اینست که جز ظلمت چیز دیگری نبوده ، و در میان آن آب ، و در میان آب ، باد ، و در باد ، رحم ، و در رحم ، مشیمه^۳ ، و در مشیمه ، تخم ، و در تخم ، آبی زنده ، و در آن آب زنده ، ابن الاحیاء بزرگ ، بود ، و بیالافت ، و این صحراها و چیزها ، و آسمانها و زمینها ، و خدایان را ، آفرید ، و گوید ، پدر او که ظلمت بود از این کار باخبر نشد ، و او پائین برگشت .

مهاجران

این گروه معتقد بنسل تعمید^۴ و قربانی و هدیه دادن بوده ، و عیدهایی دارند ، و در صومعه های خود گاو و گوسفند ، و خوک قربانی کنند . و زنان خود را از پیشوایان خود باز ندارند ، و زنا کردن را زشت میدانند .

۱ - متن عربی دارد (فعمنا) که باید نون آن با تشدید باشد و ظاهراً از - عمان - یعنی بعمان رفتن باشد (ر.ك. اقربالموارد) .
 ۲ - هویت این شخص بدست نیامد .

۳ - مشیمه ، پوستی که بچه رحم در آنست (فرهنگ نفیسی) .

۴ - تعمید در آئین مسیحیانست که کودکان یا کسانی که بدین عیسوی در آیند طبق مراسم

مخصوصی غسل دهند (فرهنگ فارسی آقای دکتر معین) .

کشطیان

قائل بقربانی ، وشهو ترانی و حرص و مفاخرت بوده ، و گویند : پیش از هر چیزی یکزنده بزرگواری بود که از نفس خود پسر آفریده . و او را نجم الضیا نامید ، و آنرا زنده دومی - خواند ، و قربانی کردن ، و هدیه دادن ، و چیزهای نیکو ، اعتقاد دارند .

مفتسله

این گروه در اطراف بطائح^۱ زیاد هستند ، و از صابثیان بطائح بشمار میروند ، و قائل بشتن هر چیزی هستند ، و خوراکیهای خود را میشویند ، و رئیس خود را - حسیس دانند ، و اوست که پایه گذار این ملت بوده ، و عقیده داشت که این دو عالم مرکب از نرینه و مادینه است ، بقولات^۲ بشریت آنها نرینه ، و اکشوت^۳ بشریت آنها مادینه بوده ، و درختان رگ و ریشه آنهاست و از این قبیل گفتارهایی دارند که در حکم خرافات است . و شاگردی هم بنام شمعون داشت و این گروه با مانویان در بودن دواصل موافقت دارند ، و پس از این از آنها جدا میشوند . و میانشان - تا امروز - کسانی هستند که بستارگان تعظیم و کرنش کنند .

حکایتی دیگر درباره صابثیان بطائح

این گروه کیش نبطیان^۴ باستانی را دارند و ستارگان را گرامی شمرند ، و دارای تسالها و بتهایی بوده ، و از صابثیان حرنانی بشمار میروند ، و پاره هم گفته اند که این گروه از آنها نیستند نه باجمال و نه بتفصیل .

گفتار - ای و عملکما^۵

این گروه عقیده دارند که وجودات چهارند که هیچکدام شباهتی باهم ندارند ، اولی

- ۱- رجوع شود بصفحه ۲۱۲ این کتاب .
- ۲- دانه گیاهی ، از قبیل نخود و لوبیا و باقلا و غیره (فرهنگ فارسی آقای دکتر معین) .
- ۳- اکشوت - یا اکشوت ، تخم کتان (فرهنگ نفیسی) .
- ۴- رجوع شود بصفحه ۱۹ - این کتاب .
- ۵- ظاهراً غلط است چون ای و عملکا - انی و علکا - و عملکا نیز خوانده شده . و احتمال میرود - انی و علکما - باشد . و علکم - چون جعفر - مرد فریه و تنومند . و علکم - چون قنفذ - شدید و سخت . از شتر و غیر شتر است (ر. ک. تعلیقات فلونکل - ص ۱۷۸ - و ذیل اقرب الموارد) .

را حوطف^۱ عظیم ، دومی را - ریمان - و سومی را - وردود زنده مادینه - و چهارمی را - اسمایحین - مینامند ، و بر آنند که اینها پیش از زمین و آسمان ، و هرچیز دیگر در این عالم بودند ، و سه موجود از آنها حوطف را دعوت کردند تا رئیس آنها بشود ، و پس از آن در میانشان اختلافی دست داد که از آن اختلاف ، شرها و گناهها پدید آمد .

گفتار شیلیان

شیلی از منتسله بود ، ولی با آنان مخالفتی داشت ، و جامه نیکو^۲ میپوشید ، و خوراکیهای خوبی میخورد ، و تمایل به مذهب یهود داشته و بان عمل مینمود .

گفتار خولانیان

این گروه از پروان ملیح خولانی^۳ شاگرد بابک پسر بهرامند ، بابک شاگرد شیلی و از موافقان پا او بود ، ولی نسبت بیهودیان توقف داشت .

ماریان و دشتیان

رئیشان ماری استغ بود^۴ و این گروه بمذاهب دوگانه پرستان نزدیکند ، و قربانی را حرام نمیدانند ، و دشتی از پروان ماری بود ، و سپس با او مخالفت کرد .

اهل خیفه السماء^۵

رئیشان - اریدی - بود ؛ و در تیسفون ، و بهر سیر^۶ مقیم ، و بسیار با ثروت

۱ - Khvastuvaneft (ر.ک. ایران در زمان ساسانیان چاپ دوم ص ۲۲۴) .

۲ - ف (یلبس النخن) ش (یلبس الحسن) . ۳ - خولان - بضم اول و سکون ثانی از شهرستانهای یمن است ، و نزدیک دمشق نیز دهکده باین نام بوده که ویران شده و آثارش باقیست (معجم البلدان) .

۴ - هویت این شخص بدست نیامده و بعید است که مارماری رئیس مارونیان - یا ماری اسحاق باشد .

۵ - اهل خیفه السماء - بدست نیامد .

۶ - بهر سیر - از نواحی بغداد ، و نزدیک بمدائن است (معجم البلدان) .

بود ، و يك يهوديرا فریب داد که برایش - کتب الانبیاء والحکماء - نوشت ، و از خود کیش و آئینی در آورده ، و مردم را بآن دعوت کرد ، و در گوشه و کنار تیسفون گروهی از پروان مذهبش میباشند .

آسوریان

رئیشان را بوسقطیری^۱ بن اسوری میگفتند ، و این مردم بکار حمل و نقل اموال و کاسبی اشتغال داشتند و با یهود در پاره چیزها موافق ، و در پاره چیزها مخالف بوده ، و تظاهر بملت عیسی مینمودند .

گفتار اوردجیان

این گروه دریا را گرامی و بزرگ دانند ، و گویند دریا وجود باستانی است که پیش از هر چیزی موجود بوده ، و همینکه بتلاطم درآمد کفی از آن نمایان شد ، و باد که آنرا دید ، خانه در آن ساخته ، و همانجا مسکن کرده و هفت تخم در آن گذاشت . و از آن هفت تخم ، خدایان هفتگانه پیدا شد ، و یکی از آن خدایان را - نشابه^۲ خوانند ، باین عقیده ، که در دریا غوطه ور شده ، و چون تیر ، با شتاب از آن بیرون آمد ، و او ، کوثر^۳ را آفرید که آنرا - تل^۴ نامند ، و در آن تل رودخانه بزرگی روان داشت که نامش فرات بزرگت و بر آن تل شاخه درخت سدر^۵ را کاشت . و گویند : از آن تخمها ، از یکی نشابه ، و از یکی مریاس (السی)^۶ و از سومی - اسیرو^۷ و از چهارمی - ثاح^۸ و از پنجمی - سیده العالم ، و از ششمی - فتمی - و از هفتمی - شب و روز - پدید آمده ، و ثاح^۹ بر مریاس^{۱۰} در آمده و او را

۱- ف (ابن سقطیری) . ۲- نشابه - تیر (فرهنگ نفیسی) .

۳- تبه از خاک ، و نام تیری در بهشت (اقرب الموارد) .

۴- خاک رویهم انباشته (اقرب الموارد) .

۵- سدر - درخت کنار (فرهنگ نفیسی) .

۶- ف (المریاس - ؟) ش - المریاس - باضافه کلمه که نامفهوم است و مریاس شاید از

مرس بمعنی بازی با زنان است (رک) ذیل اقرب الموارد) .

۷- ف (استبرق) . ۸ و ۹- ف (التاج) .

۱۰- ف (المریاس - ؟) .

نشانده، و سپس تمام این عالم را با تمام چیزهایی که دارد بوجود آورد. این مردم، دریا را گرامی دارند، و عقیده دارند که او خدای بزرگ است. و گویند در کنارهای دریا دستجاتی از این مردم زندگانی کنند، ولی ما از آنها کسی را ندیده‌ایم، و آنها را سخنان شگفت‌انگیزی است که شبیه خرافات بوده، و برعایت اینکه کتاب ما بدرازا نکشد از شرح آن خودداری نمودیم.

نام فرقه‌هایی که میان عیسی علیه‌السلام

و محمد صلی‌الله علیه و آله بودند

محمد بن اسحاق گوید: قحطبی^۱ در ردی که بر نصاری دارد این فرقه‌ها را ذکر کرده است: ملکیه^۲، نسطوریه^۳، یعقوبیه^۴، صامیه^۵، کتثانیه^۶، بهانیه^۷، الیانیه^۸، مارونیه^۹.

- ۱- قحطبی، احمد بن محمد بن قحطبی، و اسفراینی او را در زمان جبائی دانسته است (نقل از تعلیقات فلوکل ص ۱۷۸).
- ۲- بیروان ملکا که در رم ظهور کرد، و بر آن استیلا یافت (ر.ک. ملل و نحل شهرستانی ج ۲-۳۹).
- ۳- نسطوریه، بیروان نسطور حکیم که در زمان مأمون ظاهر شد و در چهار انجیل نظریاتی از خود داشته، و گویند، انتساب بنسطوریوس کشیش قسطنطنیه دارند که میگفت مریم خدائی نژاد، بلکه انسانی زائید (ر.ک. ملل و نحل شهرستانی ج ۲ ص ۴۴).
- ۴- یعقوبیه - بیروان یعقوب برزغانی هستند که از راهبان قسطنطنیه بود (ملل و نحل شهرستانی ج ۲- ص ۴۸).
- ۵- صامیه - ظاهراً صامیه‌اند که از جنبه زهد و تقوی، از هر خوراکی و آشامیدنی خودداری داشتند (ملل و نحل شهرستانی ج ۲- ص ۹۲).
- ۶- بیروان الیانی که پیش از اجتماع در نیقیه بود، و میگفت مریم بیسی نه ماه آبستن نبود، و او چون آبی که از ناودان بریزد بشکم مادر آمد، و گذشت، برای آنکه - کلمه - بگوشش دمیده شد و از جائیکه بچه بیرون آید خارج گردید (ملل و نحل شهرستانی ج ۲ ص ۳۸).
- ۷- مارونیه - بیروان مار مارونند که در کورشیه - شمال - سوریا تارک دنیا بود، و فضائش شهرتی داشته، و او پدر مارونیانست (ر.ک. اعلام المنجد).

سالیه^۱، اربوسیه^۲، منانیه^۳، دیسانیه^۴، مرقیونیه^۵، اجرعانیه، مقداموسیه^۶، ماقادونیه،
 یماسیه، غولیه، نولیه^۷، ارباغوسیه، عطاخریه، هیلانیه^۸، باکولیه، بولقانیه^۹، محرانیه،
 وسوروانیه، سادرمیه، علانیشیه، افخاریه، یونانیه، حاوحسیه، انسیه^{۱۰}، کواریکه، عالیه،
 ردویه، عولیه، اطریمونیه، لوعانیه، قیراطسیه، سفسانیه^{۱۱}، اثرنیه، ارطماسیه، ساباتسیه،
 باونطینیه، اسحاقیه^{۱۲}، ثمانیه^{۱۳}، مولیانیه، اقولیارسطیه، اوطاخیه، بوالنطریه، بقالوسیه،
 مرسیه، ملوریه، باقوریه، آدمیه، نسطونیه، عنزویه، نقسانیه، حبیبیه، دیقطنیه^{۱۴}.

مذاهب خرمیه^{۱۵} و مزدکیه

محمد بن اسحاق گوید: خرمیان دو گروهند، خرمیان اول که نامشان محمره بود،

- ۱- سالیه - ظاهراً سبالیه یا سابلوسیه اند که پیروان سابلوس کشیش در قرن سوم میلادی بودند، (ملل و نحل شهرستانی ج ۲ ص ۳۸).
- ۲- اربوسیه - ظاهراً اربوسیه است که پیروان اربوس بزرگترین شاگرد ماربطرس بود (ملل و نحل شهرستانی ج ۲ ص ۴۲).
- ۳- رجوع شود بصفحه ۵۸۲ این کتاب.
- ۴- رجوع شود بصفحه ۶۰۲ این کتاب.
- ۵- رجوع شود بصفحه ۶۰۳ این کتاب.
- ۶- مقداموسیه - یا مقدانوسیه پیروان مقدونیوس بطریق قسطنطنیه (ملل و نحل شهرستانی ج ۲ ص ۳۸).
- ۷- نولیه؛ شاید بولیه، و از پیروان بولس شمطاطی هستند که از کشیشان قرن سوم میلادی بود (ملل و نحل شهرستانی ج ۲ ص ۳۹).
- ۸- هیلانیه پیروان هیلانه مادر قسطنطین (ر.ک. اعلام المنجد - لاروس).
- ۹- بولقانیه، شاید الفانیه باشند که فرقه از یهود است (شهرستان ج ۲ ص ۳۰).
- ۱۰- انسیه - شاید همان انشینیه است که در فن دوم این مقاله آمده (ر.ک. ص ۶۲۳ این کتاب).
- ۱۱- سفسانیه، شاید پیروان شمعون الصفا معروف بسمعان قانونی باشند (ر.ک. ملل و نحل شهرستانی ج ۲ ص ۳۵) احتمال می رود سفسانیه تصحیف شده سمانیه باشد.
- ۱۲- اسحاقیه - پیروان مار اسحاق - یا اسحاق کبیرند که ملقب بپرنی قدیس، و از نژاد ارمنیان بود (ر.ک. ملل و نحل شهرستانی ج ۲ ص ۴۴).
- ۱۳- ظاهراً مکرر است.
- ۱۴- رجوع شود بمقدمه این کتاب زیر عنوان، تحقیقاتی که بی نتیجه ماند.
- ۱۵- در فلوکل همه جا - خرمیه - آمده در صورتیکه معروف و صحیح خرمیه و خرمیان بوده و ماهم بتبعیت از این شهرت همه جا - خرمی و خرمیان - ذکر کردیم. در تعلیقات فلوکل ص ۱۷۹ در نسخه بدل - خرمی - و خرمیه - ذکر شده است.

و در اطراف کوهستان میان آذربایجان ، ارمنستان ، شهرستان دیلم ، همدان ، دینور ، و همچنین میان اصفهان ، اهواز پراکنده ، و مجوسیانی بودند که باین کیش گرویده ، و بلقطنه^۱ شهرت یافته ، و رئیسشان مزدک باستانیست ، و او آنان را وادار کرد که بلذائذ و شهوترانی ، خوردن ، و نوشیدن ، و مواسات ، و آمیزش باهم گرایند ، و بهمدیگر زور گوئی و استبداد نداشته باشند ، و در زن و خانواده باهم شرکت کنند ، و کسی را از آمیزش بازن مرددیگر باز ندارند ، و با این وصف ، بکردار نیک ، و ترک آدمکشی ، و آزار رساندن بمردم معتقد بوده و در میهمانی رفتاری از خود نشان میدادند که در هیچ ملتی دیده نمیشد . اگر میهمانی را بخانه می خواندند هیچ روگردانی از خواسته های او - هر چه باشد نداشتند ، و همین رویه را نیز مزدکی داشت که در دوران قباد پسر فیروز ، ظهور کرده و انوشیروان ویرا با پیروانش بقتل رسانید که اخبار آن . معروف و مشهور است .

بلخی ، در کتاب عیون المسائل والجوابات - اخبار خرمیان و مذهبشان ، و شرابخواری ، و شهوترانی و طرز عبادتشان را جمع کرده و لازم نمیدانیم چیزهایی را ذکر نمائیم که دیگران بر ما سبقت جسته اند .

اخبار خرمیان بابکی

رئیس خرمیان بابکی ، بابک خرمی است و او پیروان خود میگفت : خدا ، منم ، و در مذهبش کشتن و ربودن و تصرف اموال دیگران ، و جنگ ، و بریدن گوش و بینی روا بود ، در حالیکه پیش از او خرمیان بچنین کارهایی آلودگی نداشتند .

اسیاب پیدایش ، و سرکشها و جنگهای او

و جاییکه کشته شد

واقده بن عمرو تمیمی که اخبار بابک را جمع کرده گوید : پدر بابک از مردم مدائن و کارش روغن فروشی بوده ، و بمرز آذربایجان آمد و در دهکده بلال آباد از بلوک میمدا^۲ اقامت نمود ، و کوزه روغن را بدوش میکشید ، در آن دهستان دوره گردی میکرد .

۱ - نقطه بمعنی مال بیصاحب است ، و احتمال دارد - لقبه - باشد که بمعنی فرو- مایه و پست - است (ر.ک. اقرب الموارد) .

۲ - میمدا ، نام کوه و شهری در آذربایجان است (معجم البلدان) .

وی با زنی که از يك چشم کور بود ، و مادر بابك است معاشقه داشت ، و مدتها با وی حمل ناشایست انجام میداد . و در اثنائیکه هر دو بگوشه دور افتاده از آن دهکده ، میان بیشه بشراب‌خوارگی مشغول بودند ، چند نفر از زنان آن دهکده برای برداشتن آب از چشمه که در آن بیشه بود آمده ، و صدائی باهنگ نبطیان شنیده . و بآن سوی رفته ، و بر آنان هجوم آوردند ، آن بنده خدا پایفرار گذاشت ، و آنها از موی سر مادر بابك گرفته و او را بدهکده آورده و آبرویش را بردند .

واقده گوید : پس از این ماجرا ، روغن فروش نزد پدر آن دختر رفته و خواستگاری از دخترش نموده ، و پدر باز دو اجشان رضایت داد . و بابك از این زن بد دنیا آمد . سپس در یکی از مسافرتهايش بکوه سبلان^۱ شخصی که دنباله گیری از او داشت ، زخمی بوی زده و همان زخم پس از مدت کمی سبب مرگ او گردید . و مادر بابك برای دایه گی و شیر دادن بیچه‌ها بخانه‌ها میرفت ، و مزدی میگرفت . تا آنکه بابك ده ساله شد ، گویند روزی که ب جستجوی بابك بیرون آمده بود ، چون بابك برای گروهی از مردم گاوچرانی میکرد ، او را برهنه در زیر درختی خوابیده یافت ، و دید زیر هرموئی از موهای سینه و سرش خون نمایان است ، و بابك از خواب جسته و برپا برخاست ، در این حال دیگر اثری از آن خون در وی ندیده ، و گفته است ، من از اینجا دانستم که برای پسرم پیش آمدهای بزرگی روی خواهد داد .

واقده گوید : بابك ، نزد شبل بن منقی ازدی در بلوک سراه^۲ بکار تیمار چهارپایانش اشتغال داشت ، و طنبور را از نوکران او آموخت ، و سپس به تبریز . که یکی از شهرهای آذربایجان است ، رفته ، و دو سال در خدمت محمد بن رواد ازدی بود . و پس از آن نزد مادر برگشت ، و در هجده سالگی با مادرش زندگانی مینمود .

واقده بن عمرو گوید - در کوهستان بذا^۳ دو مرد قوی و زبردستی بودند که کسی بآنها دست نمی‌یافت ، و چون مال و منال فراوانی داشتند ، در سر ریاست و تسلط بر خرمیان^۴ ساکن آن کوهستان . باهم در جنگ و ستیزه بودند ، و میخواستند که ریاست در یک نفر تمرکز داشته باشد . یکی نامش جاویدان پسر سهرک . و یکی هم بکنیه اش ، ابو عمران ،

۱- سبلان کوه بزرگ‌گیت که مشرف بشهر اردبیل بوده و دهات بسیاری دارد (معجم البلدان) .

۲- سراه - یا سراء - دهکده‌ایست که در دهانه نهانند قرار دارد (معجم البلدان) .

۳- بذا - یا تشدید ذال - دهستانی میان آذربایجان و اران است که در دوران معتصم

بابك از آنجا سر برداشت (معجم البلدان) .

۴- ف (الحرمله) .

معروف بود ، این دونفر تابستانها را بچنگ و جدال با هم میگذارند ، و زمستانها ریزش برف و بسته شدن گردنهها مانع از برخورد آنها بود . جاویدان ، که استاد بابک است - با دوهزار گوسفند از جایگاه خود درآمده ، و بزنجان ، از شهرهای مرزی قزوین ، رفت ، و گوسفندان خود را فروخته ، و در مراجعت بکوهستان بزد ، در بلوک میمد دچار برف و بوران شده . و چون شب در رسیده بود راه خود را کج کرده بیلال آباد رفت ، و از دهیان آنجا منزلی خواست . دهیان برای تحقیر جاویدان ، ویرا بخانه مادر بابک که تهی دست و فقیر بود جای داد ، و آن زن جز آتشی که برایشان روشن نمود ، چیز دیگری نتوانست فراهم سازد . و بابک نیز بخدمت غلامان و چارپایان برخواسته ، و آنها را آب داده ، و جاویدان او را روانه داشت تا خوراکی و آشامیدنی برایشان ، و علف برای چارپایان خریداری نماید ، و در گفتگویی که با او نمود ، دریافت که هر چند حال و روزگاری تباها ، دارد و زبانش در فارسی روان نیست ، باز بسیار زیرک و ناپاک و با شهامت است ، پس رو بمادر بابک کرده و گفت : من از توانگران کوهستان بدم هستم ، و مال و منال فراوان دارم ، و باین پسرت نیازمندم ، او را بمن بگذار تا با خود ببرم ، و هر ماه پنجاه درهم مواجب او را برای تو میفرستم ، زن گفت تو مظهر نکوکاری هستی ، و پیداست که زندگانی فراخی داری و من دردل خود احساس آرامشی از تو دارم ، هر وقت که میروی ویرا همراه داشته باش .

پس از چندی ابو عمران از کوهستان خود برخواسته و با جاویدان جنگ نموده و مغلوب گردیده و جاویدان او را بقتل رسانیده ، و بکوهستان خود برگشت و زخمی برداشته بود که او را هراسان میداشت ، و پس از سه روز مرگ او را در ربود . زن جاویدان که با بابک عشق ورزی میکرد و بابک را با وی زشتکاریهایی بود ، همینکه جاویدان را مرده دید ، بیبابک گفت تو بسیار چالاک و با شهامتی ، این مرد سر بنیستی گذاشت ، و من هم صدایم را بلند نکرده و پروانش را خبردار نساختم ، تو خود را آماده بدار که فردا تورا با آنان یکجا جمع مینمایم ، و میگویم جاویدان بمن گفت ، من امشب میمیرم و روح از کالبد من بیرون شود ، و ببدن بابک درآید ، و همباز روح او گردد ، و او خود را ، و شما را بچنان پایه بلندی بالا برد که کسی بآن نرسیده ، و پس از این هم نخواهد رسید ، و اومالک زمین گردد ، و سرکشانرا از پای درآورد ، و آئین مزدک را برگرداند ، و ذلیلان شما را عزیز و افتادگان شما را سر بلند سازد . بابک از این گفته بطمع افتاده ، و این پیش آمد را بقال نیک گرفته ، و خود را برای آن آماده ساخت . صبح که دمید سپاهیان جاویدان بدوران زن جمع شده ، و گفتند چه شد که ما را نخواست ، و بما وصیتی نکرد .

زن گفت : در این کار مانی نبود جز آنکه شما در دهات و خانه‌های خود پراکنده و متفرق بودید ، و اگر میخواست کسی را فرستد و شما را جمع کند ، خبرش منتشر میشد ، و او برای شما از شر عربان ایمنی نداشت ، از این جهت مرا عهده‌دار اجرای وصیت خود نمود که شما را آگاه سازم تا آنرا پذیرفته و بهمانگونه عمل نمائید ، گفتند ، هرچه را بتو سپرده بما بگو ، زیرا ما همانگونه که در حیاتش سرپیچی از او نداشتیم ، پس از مرگش نیز هیچ مخالفتی با او نخواهیم داشت ، زن اظهار داشت که او بمن گفت ، من امشب خواهم مرد ، و روح از کالبدم بیرون شود ، و بیدن این پسر بچه که خدعتکار من است در آید ، و من او را خداوند پیروان خود مینمایم . اگر مرگ مرا ربود ، تو آنها را باین امر آگاه بنما و بی‌دین است کسیکه در این امر سرپیچی نماید ، و برخلاف گفته من چیز را برای خود پسندد . همه گفتند ما وصیتی را که درباره این جوان بتو نموده ، میپذیریم و قبول داریم ، سپس آن زن امر کرد گاوی بیاورند ، و بکشند و پوستش را در آورده بر زمین پهن کنند ، و بر آن پوست لکن بزرگی پراز شراب بنهند ، و نان را تکه کرده بدور آن لکن گذارند . سپس یکایک آنان را پیش خوانده و گفت ، پایت را روی این پوست بگذار ، و تکه نانی را بردار ، و در شراب فرو برده و آنرا خورده و بگو ، ایمان آورم بتو ای روح بابک همچنانکه بروح جاویدان ایمان داشتم . سپس دست بابک را بگیر ، و بر او کرنش نموده^۱ و آنرا بیوس . همه باینکار درآمدند تا هنگامیکه خوراکی تهیه شد ، و بدستور آن زن خوراکی و شراب را پیش آوردند ، و او باروی گشاده بابک را کنار خود نشانده ، و پس از آنکه هر یک سه جام شراب سر کشید ، او یک شاخه ریحان بیابک داد که از دستش گرفته ، و باین کار ، میانشان زناشویی برقرار گردید . سپس همه بپا ایستاده و بهردو کرنش نمودند که نشانه رضایت باین ازدواج بود حتی عربان^۲ مسلمان و بردگانشان .

مذاهبیکه زمان اسلام از مجوس

و خرمیان در خراسان پیدا شد

در آغاز دولت عباسیان ، و پیش از ظهور ابوالعباس ، مردی بنام بهاقرید که از مردم

۱- در متن عربی (خذید بابک و کفر علیها) در زبان عرب - کفر الفارسی - بمعنی کرنش بیادشاه است و در مثل گویند - یکفر کفر العلیج - و علیج بمعنی سخت و درشت است که عربان بکفار عجم اطلاق کنند ، (رک اقرب الموارد) .

۲- ف (و غیر بیهم) شی (و عربیهم) - ۳- ف (الحرمیه) .

روی ، از شهرستان ابرشهر^۱ بود ، و عقیده مجوسیان را داشت و پنج نماز را بی سجده ، در حالیکه بسمت چپ قبله توجه میکرد ادا نموده و فالگوئیهای داشت ، و مجوسیان را بمذهب خود میخواند انبوهی از مردم باو گرویدند . ابومسلم ، شیب بن داح ، و عبدالله بن سعید را نزد او فرستاد و اسلام را براو عرضه داشتند ، و او مسلمان شده و مقامی پیدا کرد ، ولی بعد برای فالگوئیهایش اسلام او پذیرفته نشده و کشته شد ، و تا این زمان پیروان او در خراسان زیاد هستند .

و این مطلب را ابراهیم بن عباس صولی در کتاب الدولة العباسیه آورده است . والله اعلم بالصواب .

مسلمیه

از جمله اعتقاداتی که پس از اسلام در خراسان پیدا شد ، مسلمیه - پیروان ابومسلم است که عقیده بامامت او داشته ، و گویند او زنده و کامیاب است ، و همینکه منصور ، ابومسلم را کشت ، دعوات ، و یاران ویژه او بشهرها گریختند ، و یکی از آنان بنام اسحاق بترکستان و بلاد ماوراءالنهر^۲ رفت ، و در آنجا مردم را دعوت بابومسلم مینمود ، و میگفت ابومسلم در کوهستان ری زندانی است .

و بگفته آنان ، وی در وقت معینی که خودشان دانند ظهور خواهد کرد چنانکه کیسانیان این عقیده را درباره محمد بن حنفیه دارند ، و حکایت کننده این خبر گوید ، از گروهی پرسیدم ، چرا اسحاق را ترك خواندند ، گفتند ، برای این است که شهرهای ترکان درآمد و مردم را بابومسلم دعوت کرد .

گروهی گویند ، اسحاق از علویان بود ، که نزد آنان بلباس این مذهب درآمد ، و از فرزندان یحیی بن زید بن علی است که از بنی امیه فراری شده ، و در ترکستان شهرها رفت و آمد داشت .

مؤلف کتاب اخبار ماوراءالنهر که از خراسانیان است گوید ، ابراهیم بن محمد که درباره مسلمیه اطلاعات داشت بمن گفت ، اسحاق یکی از مردم ماوراءالنهر بود ، و سواد نداشت ، ولی جنیان از وی شنوائی داشته و اگر کسی چیزی از وی سؤال مینمود پس از

۱- ابرشهر - نام قدیم نیشابور بود که یکی از چهار شهر خراسانست (فرهنگ نفیسی).

۲- رجوع شود بصفحة ۲۹ این کتاب.

یکشب جوابش را میداد ، و همینکه آن پیش آمد برای ابومسلم رخ داد ، مردم را باو دعوت کرد ، و عقیده داشت که او پیامبری از طرف زردشت بود ، و زردشت هم زنده بوده و نمرده است و ابومسلم هم زنده جاوید بوده و خروج خواهد کرد ، تا این دین را برپا دارد ، و این امر از اسرار مسلمیه است .

بلخی گوید : پاره از مردم مسلمیه را خرمدینیه^۱ نامند ، و شنیده ام که در نزد ما در بلخ گروهی از ایشان هستند که در دهکده - حرساد^۲ - زندگانی میکنند و در حال ترس و بیم هستند .

مذاهب سمنیه

بخطی یکی از مردم خراسان ، که - اخبار خراسان فی القدیوم و ما آلت الیه فی الحدیث - را تألیف کرده و آن جزوه مانند دستوریست ، خواندم ، که پیامبر سمنیه بوداسف^۳ است ، و بیشتر مردمان ماوراءالنهر در دوران گذشته پیش از اسلام این کیش را داشتند ، سمنیه منسوبان سمنی^۴ بوده . و این مردم از تمام مردمان روی زمین و دیانتها^۵ی که هست با سخاوت ترند ، چون پیامبرشان بوداسف بآنان دستور داده ، که بزرگترین چیزی که حل و آسان نگردیده ، و انسان نمیتواند بآن عقیده داشته باشد و عمل نکند ، گفتن - نه - در تمام کارهاست . و این گروه در گفتار همین رویه را دارند و گفتن - نه - را کار شیطان دانند ، و مذهبشان دفع شیطان است .

۱- ف (الخرمدینیه) . ۲- در متن عربی بهین گونه بی نقطه ذکر شده که

یافتن آن را دشوار ساخته ، ولی ظاهراً - خرما باذ باشد که ازدهات بلخ بوده ، و ابولیت نصر بن سیار خرما باذی منسوب بآنجاست (ر.ک. معجم البلدان) .

۳- بوداسف - از نامهای افسانه ایست که او را حکیم - پیامبر خوانند ، و بودا را نیز تمثال بوداسف دانند (ر.ک همین کتاب - سخن درباره بد) .

۴- سمنی - منسوب بسمن که معرب سمن - پارسی ، بمعنی بت است (ر.ک. برهان قاطع

بصحیح آقای دکتر معین صفحه ۱۲۹۶) .

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فن دوم - از مقاله نهم

از کتاب الفهرست

در اخبار علماء و نام کتابهاییکه تصنیف کرده‌اند

مشمول بر

مذاهب و اعتقادات

مذاهب هند

در مقدمه^۱ جزوه^۲ چنین خوانده‌ام : کتاب فیہ ملل الہند وادیانہا - و من در روز جمعہ سوم محرم سال دوست و چهل و نہ ، از این کتاب نسخہ برداشتم ، و نمیدانم نویسندہ حکایتہای آن چہ کسی بودہ ، ولی حرف بہ حرف آن بخط یعقوب بن اسحاق کندی بود . و در زیر مقدمہ ، این حکایتها بود کہ بہمان الفاظ نویسندہ اش در اینجا ذکر مینمایم :

۱- در متن عربی دارد (. . ترجمته) ، و از معانی ترجمہ ، مقدمہ یا فاتحہ الکتاب است (ر.ک. اقرب الموارد) .

پاره از متکلمان گفته‌اند که یحیی بن خالد برمکی یکنفر را بهندوستان روانه داشت، تا دواجاتی که آنجا هست برایش بیاورد، و از مذاهب آنجا شمه برایش بنویسد، و آن شخص این کتاب را تألیف نموده است.

محمد بن اسحاق گوید: در روزگار فرمانفرمائی عرب کسیکه درباره هند جد و جهدی از خود نشان داد، یحیی بن خالد برمکی، و گروه برمکیان بود، (و احتمال دارد این حکایت صحیح باشد، اگر این را هم بجزئی‌هایی اضافه نمائیم که از برمکیان) و اهتمامشان بامور هندوستان، و خواستن علماء طب و حکیمان آنها، میدانیم.

نام جاهائیکه در شهرهای هند

عبادتگاه بود، و چگونگی آنها

و سرگذشت بوداها^۱

بزرگترین عبادتگاه در مانگیر^۲ است که طول آن يك فرسنگ بوده، و مانگیر شهریست که بلهرا^۳ در آنجاست. طول این شهر چهل فرسنگ، و ساختمانهایش همه از چوب ساج، و نی و تخته‌های گوناگون است، و گویند مردمانش هزار هزار فیل دارند، و باین وسیله کالاها را حمل و نقل مینمایند، و در اصطبل پادشاه شصت هزار فیل است. و رخت شویان، و آرایشگران و خیاطان یکصد و بیست هزار فیل دارند.

در این بتخانه تقریباً بیست هزار بودا - از جواهر گوناگون مانند طلا، و نقره، و از آهن، و مس، و روی، و عاج و سنگهایی است که بر آنها بهترین جواهرات نشانده شده، و سالی یکمرتبه پادشاه سواره، یا پیاده باین خانه می‌آید و سواره بر میگردد. و در آنجا بتی

۱- بدده - بودائیان، و بد - بودا - معنایش شخصیتی است که بدنی آمده، و ازدواج نکرده، و نخورده، و نیاشامیده، و پیر نشده، و مرگ ندارد (ر.ك. مللو و نحل شهرستانی ۳ج - ص ۳۴۸ ببعد).

۲- مانگیر - Manyakheta - le . Mankir مانیاختا که اکنون بآن مالخد Malkhed گویند پایتخت بلهرا، و در جنوب گلبرگه (حیدرآباد) است. (ر.ك. حدود العالم ترجمه و شرح آقای مینورسکی Minoresky بانگلیسی ص ۲۳۸).

۳- بلهرا - نام پادشاهی است که مانگیر را پایتخت خود قرار داده بود (ر.ك. کتاب و صفحه نامبرده در بالا).

است از طلا بلندی دوازده ذراع^۱ که بر تختی از طلا در میان گنبد طلائی نشسته ، و با سنگهای سفید ، و دانه های یاقوت قرمز ، و زرد ، و کیود ، و سبز ، جواهر نشان شده ، و برای این بت قربانیهایی دارند که بیشتر جانشان میباشد ، و در روزی که مقرر و معین است باین کار اقدام مینمایند .

و مولتان^۲ بتکده ایست که گویند یکی از خانه های هفتگانه بوده ، و در آنجا بتی از آهن بدرازای هفت ذراع ، در میان گنبدی قرار دارد که سنگ مغناطیس در اطرافش بکار رفته و بیک قوه مساوی و یکنواخت آنرا نگاهداری کند . و گویند در اثر آسیبی که بآن رسید تمایلی بیک سمت پیدا کرده است .

این بتکده در شقه کوه ، و گنبدی دارد که بلندیش یکصد و هشتاد ذراع است ، و هندیان از دورترین نقاط . از دریا و صحرا ، بزیارت آنجا میآیند . از بلخ راه راست و مستقیمی بآنجا دارد زیرا ، کنار مولتان بکناره بلخ چسبیده است . روی قله آن کوه و دامنه اش خانه های زاهدان و عابدان ساخته شده ، و جاهای مخصوصی برای کشتن قربانی دارد . و گویند آنجا ساعتی از حاجیان و زائران خالی نیست . در آنجا دو بت بنام - جنبکت ، و زنبکت است ، که در دو طرف دشت از کوه تراشیده شد ، و بلندی هر یک هشتاد ذراع ، و از مسافت بسیار دوری نمایانست ، و هندیان بقصد زیارت آنجا میآیند و با خود قربانیها و بخوراتی دارند ، و از دورترین نقطه همینکه چشم مسافر بآن دو بت افتد ، برای احترام و تعظیم آنها سر را بزیر اندازد ، و اگر توجهی بآنها نمود ، یا از روی غفلت بآنها نگاه کرد باید برگردد تا جائیکه آنها دیده نشوند ، سپس سر را بزیر انداخته و بسوی آنها روان شود . کسیکه این بتها را دیده بود بمن گفت : در پای آن دو بت باندازه خون ریخته میشود که نمیتوان آنرا کوچک شمرد ، و عقیده داشت بسا شده است که در حدود پنجاه هزار نفر یا بیشتر ، خود را در آنجا قربانی کنند . و الله اعلم .

۱- ذراع باندازه يك ارتج است (فرهنگ نفیسی) .

۲- مولتان - بضم اول و سکون دوم شیری درهند ، در سمت غزنه است و آنرا - فرج - بت الله ب - نامند (ره. ک. معجم البلدان) چیزهایی را که یاقوت حموی درباره مولتان نوشته همانست که این ندیم درباره بامیان ذکر کرده و در بتی را که این ندیم بنام جنبکت ، و زنبکت در مولتان نوشته ، یاقوت آنها را بنام - سرخید ، و خنکید - در بامیان ذکر کرده است (ر. ک. معجم - البلدان - زیر مولتان و بامیان) .

و بتخانه^۱ در بامیان^۱ دارند ، که اوایل هند ، و در پشت سجستان^۲ قرار دارد ، و یعقوب لیث هنگامیکه قصد فتح هندوستان را نمود ، تا آنجا رسیده ، و از آنجا تمناهایی بمدینه السلام^۳ ارسال داشت که پس از فتح آنجا بدست آورده بود ، و آن خانه ایست بسیار بزرگ ، و جایگاه عابدان و زاهدان است ، و باندازه^۴ بتهای جواهر نشان دارد که بتعریف و توصیف درنیاید . و هندیان از دورترین شهرهای خود ، از راههای دریائی و خشکی بآنجا روی آورند ، و در فرج^۵ بیت الذهب ، خانه ایست که درباره آن نظریه های مختلفی بوده ، گروهی آنرا از سنگ ، و جایگاه - بوداها دانسته اند ، و سبب نامیده شدنش بفرج بیت الذهب این است که عربان در دوران حجاج ، همینکه آنجا را بتصرف درآوردند ، یکصد بهاره طلا از آنجا ربودند .

ابودلف ینبوعی ، که از جهانگردان بود ، بمن گفت خانه که معروف ببیت الذهب است در آنجا نبوده و آنخانه در بیابانهای هند ، و زمینهای مکران^۶ ، و قندهار^۷ است ، و جز عابدان و زاهدان هندوستان ، کسی دسترسی بآن پیدا نمیکند . آن خانه از طلا ساخته شده ، طول و عرضش هفت ذراع ، و بلندیش دوازده ذراع ، و مرصع بجواهر گوناگون بوده ، و بتهائی که در آن ساخته اند از یاقوت قرمز ، و سایر سنگهای شگفت انگیز بهاداریست که بامرواریدهای بسیار خوب ، جواهر نشان شده و هر مرواریدی باندازه تخم پرنده و بزرگتر از آنست . و میگفت یکی از هندیان مورد اعتماد بمن خبر داد که باران از بالا و راست و چپ این خانه دوری جوید ، و بر آن نمیبارد ، و همچنین سیلاب راه خود را کج میکند و از راست و چپ آن روان میگردد ، و باز گوید ، یکی از هندیانی که آنجا را دیده داشت ، بمن گفت ، کسیکه بآن نگاه کند و بیمار باشد - بهر گونه بیماری - خداوند ویرا شفا دهد .

و میگفت ، من که بنای کنجکاوای را درباره آن گذاشتم ، دیدم مردم درباره آن گفتار

- ۱- بامیان - بکسر میم نام شهر و شهرستانی است که میان بلخ و هرات ، و غزنه است .
- ۲- قصبه آن کوچک ولی مملکتی پهناور بوده . تا بلخ ده منزل . و تا غزنه هشت منزل است (معجم البلدان) .
- ۳- رجوع شود بصفحه ۲۱ این کتاب .
- ۴- رجوع شود بصفحه ۶۷ این کتاب .
- ۵- فرج - معانی مختلفی دارد و در اینجا باید بمعنی شکاف باشد و علم است (ر.ک. فرهنگ نفیسی) .
- ۶- بهار يك لنگه بار است بوزن چهارصد رطل (ذیل - اقرب الموارد) .
- ۷- مکران - از طرف مغرب بکرمان . از شمال ، بسجستان ، از جنوب بدریا ، و از مشرق به هندوستان اتصال دارد . (معجم البلدان) .
- ۸- قندهار - از ولایات جنوبی افغانستان است (اعلام المنجد) .

گوناگونی دارند ، پاره برهمنان میگفتند که آن خانه بر پایه و اسبایی ، استوار نیست و در میان زمین و آسمان آویزان است .

ابودلف بمن گفت : هندیان در - قمارا - خانه دارند که دیوارهایش از طلا ، و سقف آن از چوب عود هندی بوده ، و بلندی هر چوبی بیش از پنجاه ذراع است . و تمام محرابها . و عبادتگاه های آن با مرواریدهای بسیار خوب ، و یاقوت های بزرگ ، جواهر نشان گردیده ، و از قول يك نفر هندی موقت نقل کرد که هندیان در شهر صنف^۱ بتخانه دارند که از حیث ساختمان ، از آن خانه پست تر ، و از ساختمانهای باستانی بوده ، و بتهایی که در آن است با زاهدان سخن گویند ، و بهمه سئوالهای آنها جواب دهند ، و ابودلف میگفت ، هنگامیکه در هند بودم ، پادشاه صنف ، لاجین نام داشت .

و راهب نجرانی بمن گفت ، اکنون پادشاهی که بر آن استیلا یافته لوقین نامیده میشود و کسی است که باین شهر تاخته ، و آنرا ویران نموده ، و مردمش را بیندگی در آورده است .

سخن دربارهٔ بد

جز آنچه کندی در کتاب خود آورده

هندیان عقاید گوناگونی در این باره دارند ، گروهی آنها تمثال خدایمتمال دانند ، و گروهی گویند ، او فرستاده خداست . و در این امر نیز اختلافی دارند ، دسته بر آنند که فرستاده خدا ، و فرشته از فرشتگانست ، دسته دیگر فرستاده خدا را از بشر میدانند ، و طائفه گفته اند که اودیوی از دیوها بوده ، و طائفه دیگر او را تمثال بوداسف حکیم گفته اند که از طرف خداوند تبارک و تعالی آمد ، و هر يك از این گروه طریقه مخصوصی در پرستش و تعظیم او دارند ، يك شخص موقتی از آنان میگفت ، هر ملتی از این مردم با خود تمثالی از او دارند که آنها مورد عبادت و تعظیم قرار دهند ، و - بد - اسم جنس ، و بت همچو نوعی از آن است . و اما صفات بد اعظم : انسانی است که بر تختی نشسته ، و بر صورتش موئی ندارد ، چانه اش بسمت دهان فرورفته ، ولخت است . بر لبهایش خنده ، و دست راست را بر - سی و دو -

۱ - قمار - بفتح ، و بکسر هم خوانده میشود - جائی در هند است که عود را با نجا نسبت دهند ، و عودش بسیار خوب است (معجم البلدان) .

۲ - صنف - از شهرهای هند است که عود را با نجا نسبت دهند ، و عود بسیار بدی چون چوب دارد (معجم البلدان) .

بسته دارد^۱ و همان شخص موثق گوید: در هر خانه تمثالی از او هست که بر حسب شئون و مراتب اشخاص از چیزهای گوناگونی چون طلای جواهر نشان، نقره، مس، سنگ، یا چوب ساخته شده، و در هر گوشه که باشد، مقابل صورتش تعظیم و کرنش کنند. چه در طرف مشرق، و متوجه بمغرب باشد، و چه در طرف مغرب و نگاهش بمشرق باشد، ولی بیشتر پشت او را بمشرق قرار دهند، تا هنگام رودر روشن شدن با او، توجه بمشرق پیدا کنند. و گویند از وی تمثالی بچهار صورت، در نهایت دقت و طراز گیری ساخته شده، تا از هر سمتی که باو روی آرند، مقابل او قرار گیرند، و کوچکترین چیزی از صورت او در نظرشان پوشیده و پنهان نماید. و گویند بتی که در مولتانست صورتی بدینگونه دارد

از روی نوشته کندی - مهاکالیان

مهاکالیان را بتی است بنام مهاکال که چهار دست دارد، رنگش آسمانگون، موی سرش پر پشت و فرو هشته، دندانهایش نمایان، و شکمش برهنه، و بر پشتش پوستی از قیل است که خون از آن میچکد، و پوست دو دست قبلی در جلوش گره خورده، در یکی از دستهایش اومی بزرگ است که دهان را باز دارد، و در دست دیگر يك عصا، و در دست سوم يك سر انسان. و دست چهارم را بلند کرده، و در گوشهایش دو مار همچو گوشواره حلقه زده، و بدور بدنش دو مار بزرگی پیچیده، و بر سرش دیهیمی از کاسه سر انسان، و گردن بندی هم از آن در گردن دارد، و مردم آنرا عفریتی از شیاطین میدانند که شایسته و سزاوار ستایش و نیایش است زیرا دارای خصائل خوب و بدی بوده. هم بخشش و عطا دارد، و هم ندارد، هم نیکوئی کند، و همی بیازارد، و اوست که در تمام سختیها و دشواریها دادرس آنان است.

و در میان آنان ملتی است بنام

دنیکیان

و این ملت آفتاب را میپرستند و بتی دارند که بر گردونه سوار است که چهار اسب بجای چرخ دارد و در دستش جواهر آتشین رنگ بوده، و عقیده دارند، آفتاب فرشته

۱- یعنی سه انگشت را باز و بالا، و دو انگشت را بسته است و این حساب انگشت - عقد الانامل گویند (رجوع شود بصفحه ۳۱ این کتاب).

فرشتگان ، و شایسته نیایش و سجده است . و باین بت سجده کنند ، و بدورش با بخورات و ساز و طنبور میگردند . و این بت کشتزارها و غلات و درآمدها و دربانان و مباشرانی دارد که بکارهایش رسیدگی مینمایند ، و در روز سه مرتبه آنرا عبادت کنند ، و در عبادت چیزها گویند و دردمندان و بیماران جذامی ، و پسی ، و فالج و سائر بیماریهای سخت با و روی آورند و شبها در آنجا بخوابند ، سجده و ناله و زاری کنند تا آنها را شفا بخشد . و از هر گونه خوردنی و آشامیدنی خودداری دارند ، و روزه گیرند تا وقتیکه بیمار در خواب می بیند که کسی با و گوید : شفا یافتی و بمراد خود رسیدی . و بقولی ، آن بت همیکه در خواب با وی سخن گفت ، شفا یابد و بهمان تندرستی که داشت بر گردد .

و در میانشان ملتی است بنام

جندریره کینیان

که ماه را پرستش کنند ، و ماه را از فرشتگان شایسته عبادت و کمرش دانند ، و بر آئین خود بتی را مظاهر ماه قرار داده اند که بر گردونه سوار است که آنرا چهار مرغابی میکشاند ، و بدست آن بت جواهریست که آنرا - جندر کیت نامند . و بر طبق آئین خود ، در مقابلش بزانو در آیند و آنرا پرستش کنند ، و نیمی از هر ماه را روزه دار باشند ، و تا ماه سرتزند افطار نکنند ، و برایش انواع خوراکیها و آشامیدنیها و شیر آورند ، و بوی عرضه دارند ، و دیده بماء دوخته ، خواستار حوائج خود شوند .

و در آغاز هر ماه ، همینکه ماه در آسمان دیده شود پیام خانه های خود روند ، و بماء نگاه کنند ، و بخوراتی در آتش ریزند ، و با دیدنش شروع بخواندن دعا نموده و تمایلات خود را نشان دهند ، سپس از بام پائین آمده بخوردن و نوشیدن ، و رقص ، و بازی ، و نواختن ساز ، در مقابل ماه و آن بت مشغول گردند .

و در میانشان ملتی است بنام

انشینیان

یعنی کسانی که از خوردن و آشامیدن ، خودداری و امتناع دارند .

از جمله ملتی است بنام

بکرتینیان

یعنی کسانی که خود را آهن پیچ مینمایند ، و بآئین خود ، موی سر و صورت را تراشیده ، و بدن را ، جز ، عورت ، لخت و برهنه دارند ، و بر طبق آئین دینی بکسی چیزی نیاموزند ، و با وی سخنی نگویند مگر آنکه بکیش آنها درآمده باشد ، و بگروندگان کیش خود امر کنند که برای فروتنی و تواضع نسبت بکیش ، صدقه دهند ، ولی آهن-پیچ میشوند تا زمانیکه شایستگی و اهلیت آنها پیدا نمایند ، و آهن پیچی خودشان از میانۀ بدن تا سینه است بلحاظ اینکه مبادا از زیادی دانش و اندیشه شکمشان پاره گردد .

از جمله ملتی است بنام

کلنکایاتریان

این گروه در تمام هندوستان پراکنده بود ، و عقیده دارند ، اگر کسی مرتکب گناه بزرگی شود ، از دور و نزدیک ، در او مشخص و نمایانست تا هنگامیکه درنهر کیف^۱ غسل کند و آن گناه پاک شود .

از جمله ملتی است بنام

راحمریه^۲

این گروه طرفدار پادشاهانند ، و معاونت و یاری بیادشاهانرا از تکالیف مذهبی خود دانسته ، و گویند خداوند این پادشاهی را بآنها داده ، و اگر ما در راه اطاعت از آنها کشته شویم بیبخت خواهیم رفت .

۱- ظاهراً - گنگ - باشد که فرنگیان آنرا گانگ Cange نامند و رودخانه بزرگی است که ۳۱۰۰ کیلومتر طول آن بوده و از جمنا و آندآباد گذشته بنارس و پینا و شاندرین گورو و کلکتہ را مشروب و در خلیج بنگاله میریزد ، و در نزد هندوان بسیار محترم بوده و در آب آن غسل کنند و خاکستر مرده‌های خود را در آن ریزند (فرهنگ نفیسی - لاروس) .

۲- در متن عربی بی نقطه است .

از جمله ملتی است

که بآئین خود، موی سر را بلند گذارند و آن را میبافند بطوریکه صورت و اطراف سرشان را پوشیده دارد، و آن موها در اطراف سرشان یکنواخت و بیک اندازه است، و بحکم مذهبی شراب ننوشند، و کوهی دارند بنام - حورعن - که بزیارت آن روند، و در برگشتن بآبادیهائی که از آن گذشته‌اند داخل نشوند، و اگر زنی را دیدند از او گریزان کردند، و در این کوهی که بزیارتش میروند معبد بزرگی دارند که در آن تمثالی میباشد.

مذاهب مردم چین و شمه

از اخبار آنان

این حکایتهاست که راهب نجرانی در سال سیصد و هفتاد و هفت که از چین برگشته بود برای من نقل کرد، این راهب را جاثلیق^۱ از هفت سال پیش بچین روانه داشت، و پنج نفر از نصرانیان را برای اقامه مراسم دینی باوی همراه نمود که از این گروه پس از شش سال، راهب و یک نفر دیگر برگشتند، من او را در دارالروم^۲ در پشت کلیسا دیدم، و جوان خوش اندامی یافتم که سخن نمیگفت، مگر آنکه از وی سئوالی شده باشد، از او پرسیدم از این مسافرت چه منظوری داشته، و چرا سفرشان این اندازه بدرازا کشید، او پیش آمدعائی که در راه برایش دست داده بود بیان داشته و گفت نصرانیانی که در چین بودند بجهاتی بهلاکت رسیده و نابود شدند، و در تمام آن مملکت جز یک نفر، کسی باقی نماند، و کلیسایی که داشتند ویران گردیده، و میگفت، چون من دیدم دیگر در آنجا کسی نیست که مراسم دینی را برایش برپا نمایم، و در مدت خیلی کمتر از رفتن مراجعت نمودم.

و از حکایتهای او این بود که میگفت: راهبهای دریائی تغیر یافته، و دریانوردان فاسد شده‌اند، و کمتر مردمان آزموده و با تجربه در میانشان پیدا میشود، و در راه نیز آسیب و بیم فراوان و جزیره‌هاییست که راه را قطع کرده است، منتهی کسیکه تن بهر ضرر و زیانی دهد میتواند از آن بگذرد، و میگفت نام شهریکه پادشاه در آنجاست - طاجویه^۳ بوده، و این مملکت بدونفر تعلق داشت که یکی هلاک گردیده، و دومی زنده است. و گویداز

۱ - جاثلیق - ماهر ترسایان (فرهنگ فارسی آقای دکتر معین).

۲ - رجوع شود بصفحه ۳۳۷ این کتاب، و فلوکل دارالروم را شهر قسطنطنیه دانسته

است، (ر.ک. مقدمه این کتاب)، ۳ - این شهر را نیافتیم.

چیزهای پرارزشی که خادمان سائر پادشاهان در وقت شرفیابی باید با خود داشته باشند بشان بود که عبارت از تکه‌هایی از شاخ حیوانی است که نقشهائی بطور طبیعی دارد، و بها هروقیه^۱ از آن پنج من^۲ طلاست. ولی پادشاهی که اکنون حکومت دارد، آن را ملغی نموده و مقرر داشته است که هنگام شرفیابی باید کمربندی از طلا و امثال آن داشته باشند از این جهت آن شاخ از ارزش افتاده و هروقیه معادل یکوقیه طلا یا کمتر است.

راهب گوید: موضوع آنشاخ را که پرسیدم فلاسفه و علماء گفتند این حیوانیکه دارای چنین شاخی است، وقتیکه بچه میگذارد هنگام بیرون آمدن بچه از رحم چشمش بهر حیوانی که افتد صورت آن حیوان در شاخ بچه نقش میبندد.

وبیشتر این نقشها صورت پشه و ماهی دارد. گفتم میگویند آن حیوان کرگدن^۳ است، گفت چنین نیست، و آن حیوان از چهارپایان همان مملکت بوده و بقولی از چهارپایان هندوستان است و صحیح هم همانست^۴.

راهب میگفت، در هر شهر از شهرهای چین چهار امیر میباشد که یکی - لانجون - بمعنی امیرالامراء، و دیگری نامش صراسیه یعنی رئیس قشون است، و نام جائی که بت بزرگ در آنجا بوده، و جائیکه در آن بزرگترین بتهاست که تمثال بغبور میباشد، عزاز^۵ است و در زمین خانقون^۶ قرار دارد. و از شهرهای چین جنجون، و بیبون، و جنبون است^۷ و معنی بغبور بزبان چینی پسر آسمان بوده. یعنی از آسمان فرود آمده و این را، جیکی چینی نیز که در سال سیصد و پنجاه و شش آمده بود بمن گفت.

از راهب درباره مذهبشان که سؤال کردم گفت، بیشتر ثنوی و سمنی هستند و عوام پادشاه را پرستش کنند و تمثال او را گرامی دارند، و خانه بزرگی در شهر بفران^۸ دارد که در حدود ده هزار ذراع مکعب بوده و ساختمانش از سنگ، و آجر، و طلا، و نقره است، و مسافر پیش از رسیدن بآنجا انواع بتها و تمثالها و صورتهای تخیلاتی را می بینند که موجب

۱- وقیه - هفت مثقال و چهل درهم است (اقربالموارد).

۲- من - شرعاً یکصد و هشتاد مثقال - و عرفاً دویست و هشتاد مثقال است (اقربالموارد).

۳- کرگدن - حیوانی است در هند که جثه فیل دارد و مانند گاو و از آن بزرگتر، و

دارای سم و یکشاخ است (اقربالموارد).

۴- در این فصل نیز کلمه (قال) مکرر آمده که ما آن را از قلم انداختیم.

۵ و ۶ و ۷ و ۸ - این شهرها را نیافتیم.

حیرت و شگفتی کسانی است که از کیفیت و موضوع آنها بی‌خبرند ، و بمن گفت ، ای ابوالفرج! بخدا سوگند اگر هر يك از نصرانیان و یهودیان و مسلمانان ، خداوند متعال را بهمانگونه پرستش و تعظیم کنند که این گروه تمثال پادشاه را - گذشته از شخص او - پرستش و تعظیم مینمایند ، خداوند باران رحمت بر آنان نازل میگرداند . اگر چشم ایشان بیادشاه افتد بلرزه و جزع و زاری درآیند ، و چه بسا که چندین روز در حال بهت و سرگردانی باشند . من گفتم ، که این حالت برای آنست که شیطان بر همه آنها و شهرهایشان تسلط یافته و فرییشان داده تا از راه خدا منحرف و گمراهشان دارد . راهب گفت شاید چنین باشد .

حکایت دیگری از غیر آن راهب

ابودلف ینبوعی گوید : شهر پادشاه بزرگ را حمدان مینامند ، و شهر تجارتي و اموال خانقو میباشد که طولش چهل فرسنگ است ، و آنچه را که راهب گفته ، خیلی کمتر از آنست . و جز این شخص ، دیگری گوید : در چین سید شهر آباد است که هر پنجاه شهر پادشاهی از طرف فغفور دارد ، و از شهرهای آنان ، رصنوا ، و بانصوا^۱ ، و شهرست بنام اماربیل که تا بانصوا دوماه راه راست ، و بانصوا متصل بناحیه تبت و ترك ، و تغزغز^۲ بوده و مردمانشان با هم روابط خوبی دارند ، و از تبت تا خراسان و کرانه چین یعنی گرداگرد آن سه هزار فرسنگ بوده و از شهرهای چین یکی - سیلا^۳ - است که بهترین شهری از حیث خوبی آب و هوا بوده ، و بیش از هر جا طلا دارد ، و در چین دشتها و کوهها ، و دره‌هایی است تا کنار رمل^۴ و کوهی که از آن آفتاب سر بر آورد ، و گروهی از مردم اندلس بمن گفتند که میان شهرهای آنان و چین بیابانهایی است بی آب و علف ، و چین را زمین بزرگ مینامند ، و آنندلس در شمال آن قرار دارد ، و از این جهت بمشرق آفتاب و چین نزدیک است . و هر کس قصد مسافرت آنجا را داشته باشد ، خواه از ما و خواه از چینیان ، باید نام و نسب و کار و سن ، و نقدینه ، و بردگان و همراهان خود را نوشته داشته باشد تا

۱- ابوالفرج کنیه مؤلف است .

۲- جای این شهرها را نیافتیم .

۳- (ر. ک. ص ۶۰۰ همین کتاب) .

۴- در معجم البلدان - سیلا - را نام

۵- این محل نیز شناخته نشد .

موضعی نوشته .

وقتیکه بمقصد و جای امنی برسد ، برای اینکه نبادا در راه برایش حادثه رخ دهد که موجب شرمساری پادشاه گردد ، و مرده را یکسال در خانه اش میان گودالی از چوب نگاه میدارند و سپس بی لحد چال کنند ، و خانواده و بازماندگانش سه سال و سه ماه و سه روز و سه ساعت ماتمزده و اندوهگین باید باشند ، و اگر کسی اندوهگین نباشد با چوب برش میزنند ، و بوی گویند ، تو او را کشته . و مرده را در مثل همان ماه و روز و ساعتی که بدنیا آمده بخای میسپارند . و اگر کسی از ما با زنی از آنان ازدواج کرد ، و خواست بمحل خود برگردد ، بوی گویند : زمین را بگذار و دانه را با خود داشته باش ، و اگر پنهانی زنی را با خود ببرد ، و دستگیر شود ، بمیلنی که در نزدشان مقرر است وی را جریمه کنند و بزندان اندازند ، و چه بسا که ویرا کتک زنند .

و پادشاه کسی را بامارت و یا کاری نمیکمارد مگر آنکه چهل سال داشته باشد ، و از آن کمتر نباشد ، و بیشتر از هرجائی عدالت در آنجا گترش دارد ، و هر کسی که بساین مملکت درآید یا بخواهد بیرون رود لااقل درصد نقطه ، یا بیشتر یا کمتر - بتناسب راهش از وی بازجوئی کنند . و روزی که مرده را بگورستان میبرند بتناسب شأن و منزلت آن مرده ، را با پارچه های حریر و دیبا تزیین کنند ، و دربرگشتن همه آنها را بینما ببرند . و چینیان تفرغز را از خود دانند چون مملکت تفرغز متصل و هم مرز با چین بوده ، و میان تبت و چین بیابانی است که کسی با آخرش نرسیده و پایانش معلوم نشده و بسی هولناک و وحشت انگیز است ، از طرف مغرب تا مشرق آن پانصد ذراع است و پلی بر آن است که دانشمندان و صنعتگران چین آنرا از رشته ساخته اند و پهنایش دو ذراع است و حیوانات و چهارپایان نمیتوانند از آن بگذرند جز آنکه آنها را ببندند و کشان کشان ببرند زیرا استوار نبوده و حیوانات نمیتوانند بر آن استقرار داشته باشند ، و بیشتر مردمان حیوانات با انسان را در چیزهائی مانند زنبیل میگذارند ، و کسانی که گذشتن از این پل را آموخته اند ، آنها را باکشش از پل میگذرانند .

و از آئین مذهبی چینیان تعظیم و پرستش پادشاهان بوده و این کاریست که همه مردم انجام دهند . ولی مذهب پادشاهان و بزرگان ثنوی و سمنی است .

دهمین جزء

از

کتاب الفهرست

در اخبار

علماء در سائر علوم باستانی و جدید

و نام کتابهاییکه تصنیف کرده‌اند

و این جزء

پایان کتاب ، بتألیف محمد بن اسحاق ندیم است

که اسحاق بابویعقوب وراق معروفیت داشت

حکام‌خط‌المصنف
عبدہ محمد بن اسحق

نمونه‌ایست از خط نویسنده نسخه

چسربیتی و تقلیدی که از خط

مصنف کرده است

(و در آن مقاله دهم)

(و پایان کتابست)

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مقاله دهم - از کتاب الفهرست

مشمول بر :

اخبار کیمیاگران و اهل صنعت از فلاسفه

باستانی و نوآموختگان

محمد بن اسحاق ندیم ، معروف یابن ابویعقوب وراق گوید : کیمیاگران و کسانیکه طلا و نقره را جز از مادش بعمل میآورند ، عقیده دارند که اول سخنگو در این صنعت هرمس^۱ ، دانشمند بابل بود که هنگام پراکنده شدن مردم از بابل ، بمصر رفته ، و بر آن استیلا یافت ، وحکیم و فیلسوفی بود که باین صنعت دسترسی پیدا کرده ، و در آن کتابهایی نوشت . و اوست که پی بخاصیت اشیاء و روحانیات برد ، و در اثر بررسیها و کنجکاویهایش ، علم ساختن کیمیا را پیدا کرد ، و بر طلسمات واقف و آگاه گردید .

۱- رجوع شود بمفحة ۴۳۵ این کتاب، و بطوریکه شهرستانی گوید : هرمس را هرمس بزرگ خوانند، و او را ادریس پیامبر دانند، و او برجهای آسمان و کواکب سیار را نام گذاری نمود (ر.ک. ملل و نحل شهرستانی ج ۲ ص ۱۰۲) .

و گویند پیش از هرمس بهزاران سال ، این صنعت بر روش مردمان باستانی ، وجود داشته ، و ابوبکر رازی - محمد بن زکریا - عقیده داشت که علم فلسفه بدست نیاید ، و کسی سزاوار نام عالم و فیلسوف نیست ، مگر آنکه صنعت کیمیا را بدست آورده باشد ، تا از همه مردم بی نیاز گردد ، و دیگران بعلم و دانش او احتیاج داشته باشند.

گروهی از کیمیاگران بر آنند که خداوند آنها بر مردمانی که اهلیت این صنعت را دارند الهام مینماید ، و گروه دیگر بر آنند که خداوند آنها بموسی بن عمران و برادرش الهام داشت ، و آنها قارون را منصدی ساختن کیمیا نمودند ، و همینکه قارون مقدار زیادی طلا و نقره ذخیره کرد ، همه را زیر زمین جای داد و خداوند تبارک و تعالی که دید ، او نخوت و غروری پیدا کرده ، و بر هر چه که نزدش بود استیلا یافته ، بدعای موسی علیه السلام او را هلاک کرد .

رازی در جای دیگری از کتابهایش اینطور اظهار عقیده نموده ، که گروهی از فلاسفه چون فیثاغورس ، دیمقراط ، فلاطن ، ارسطو ، و آخرین آنها ، جالینوس ، از صنعت کیمیا برخوردار بودند .

محمد بن اسحاق گوید: این دو گروه ، همه دارای کتابها و علوم در این صنعت بودند ولی خداوند باین چیزها داناتر از همه است ، و ما در نقل آن خود را مبری از هر عیب و خطائی میدانیم .

هرمس بابلی

درباره او اختلاف است ، گروهی او را یکی از هفت دربانانی گفته اند که عهده دار نگهبانی خانه های هفتگانه بودند ، و خانه عطارد مخصوص باو بوده ، و بنامش نامیده شد ، زیرا عطارد بزبان کلدانی هرمس است . پاره گویند ، او بجهاتی بمصر منتقل گردید ، و بر آن استیلا یافت . و فرزندان او پیدا کرد که از جمله ، طاط ، صا ، اشمن ، اشریب ، و قفط بودند . و اوبگانه حکیم زمان خود بود ، و همینکه وفات یافت ، در ساختمانی بنحاک سپرده شد که نزد مصریان معروف بابو هرمس است ، و عامه مردم آنها هرمان دانند ، چون یکی از آنها آرامگاه زنش و بقولی آرامگاه پسرش بود که پس از وفاتش جانشین او گردید .

حکایتی درباره هرمان

در کتابی که مشتمل بر اخبار زمین و عجائب آن ، و ساختمانها و ممالک ، و نژادها و ملت‌های آنست و بیرخی از خاندان ثوابه نسبت داده شده ، و بدست من افتاد ، چنین خواننده‌ام که گوید : احمد بن محمد اشعونی بمن گفت ، یکی از والیان مصر آرزو داشت که بدانند در بالای قلعه یکی از این دو هرمان چه چیزهائست ، و این آرزو سبب ناراحتی او بود تا آنکه حیلۀ بکار برده و یکنفر هندی را بدست آورد ، و با دادن مال فراوانی او را ترغیب بی‌الا رفتن بآن قلعه نمود ، چون هیچ کس توانائی رفتن بآن قلعه را نداشت ، و هنگام بالا رفتن و کشاله کردن خود بر کوه ، سرگیجه باو دست میداد که از نگاه کردن باطراف خود عاجز و درمانده میگردد .

او میگفت ، طول این ساختمان چهارصد و هفتاد ذراع ، بذراع هاشمی^۱ است در مساحت چهارصد و هشتاد ذراع سپس مخروطی شکل میشود ، و کسیکه بی‌الای آن برسد ، سطح آنرا چهل ذراع مربع یابد ، و این از جنبه هندسی آن است ، ولی آنکسیکه بآن قلعه رفته بود ، پس از پائین آمدن گفت : قلعه را باندازه جایگاه بیست شتر بختی^۲ یافتم . و در وسط گنبد خوش‌نمایی داشت و میان گنبد چیزی شبیه بقبری دیده میشد که دو سنگ بسیار پاکیزه و زیبا و رنگارنگی بر آن گذاشته بودند ، و بر هر سنگی تمثالی ، یکی بصورت زن ، و یکی بصورت مرد داشت ، که رویهم دارند . در دست مرد لوحی پر از نوشته ، و در دست زن يك آئینه ، و ابزاری از طلا بود که شباهت بمنقاش^۳ داشت و در میان آن دو ، يك کاسه سفالین با سرپوش طلائی دیده میشد ، که من آنقدر کوشش نمودم تا آنرا از جایش در آوردم ، و در آن چیزی شبیه قیر بی‌بو ، و خشکیده^۴ یافتم ، دست را در آن فرو بردم ، یکقطعی طلائی بدستم آمد ، سرش را که برداشتم ، خون تازه در آن دیدم که با برخورد بهوای آزاد لخته گردید بهمانگونه که خون در هوای آزاد لخته میشود ، و همینکه پائین رسیدم بکلی خشکیده شده بود .

روی قبر سنگی بود که من با زحمت و کوشش زیاد آن را برداشتم ، و در آن قبر مردی را دیدم بر پشت خوابیده که تنش از هر جهت سالم و خشک ، و پیکرش نمایان بود ،

۱- ذراع هاشمی یکذرع و نیم بذرع متعارفی است (لغتنامه دهخدا) .

۲- بختی - بضم اول ، شتر خراسانیست (اقربالموارد) .

۳- منقاش - ابزار آهنین برای مو (فرهنگ نفیسی) .

موهایش هویدا ، و در کنارش زنی بهمانگونه خوابیده. و در آن سطح گودالی بود که درازایش بقامت يك انسان و پیچهایی چون میخ داشت ، و سنی هم از سنگ در آن دیده میشد ، که بر آن تمثالها و صورتهایی چه افتاده و چه ایستاده از خدایان نقاری شده بود که بخوبی تشخیص داده نمیشدند . والله اعلم .

در مصر ساختمانهاییست که آنرا - برای^۱ نامند ، و در آنها سنگهای بسیار بزرگ بکار رفته . و بر با - خانههاییست که بشکلهای مختلفی ساخته شده ، و آنرا برای بهم زدن ، و سائیدن ، و گداختن و بهم پیوستن ، و عرق گیری ساخته ، و پیداست ، که برای کارهای کیمیاگری است . و در این ساختمانها نقشا ، و نبشتههای فراوانی در زبان کلدانی و قبطی دیده میشود که کسی یا آنها پی نبرده ، و در زیر زمین آنجا گنجهایی پیدا شد ، که در آن ، پر از پوست نازک گوره خرا^۲ و پوست خدنگ که تیراندازان بکار برند ، و سبیکههایی از طلا و مس و سنگ بود و بر آنها این علوم را نوشته بودند .

کتابهای هرمس در صنعت کیمیا

کتاب هرمس الی ابنه فی الصنعة . کتاب الذهب السایل . کتاب الی طاط فی الصنعة . کتاب عمل العنقود . کتاب الاسرار . کتاب الهاریطوس . کتاب الملائیس . کتاب الاسطماخس . کتاب السلماطیس . کتاب ارمینس - شاگرد هرمس . کتاب نیلاوس - شاگرد هرمس - بر نظریة هرمس . کتاب الادخیقی . کتاب دمانوس - تألیف هرمس .

اسطانس

از فلاسفة کیمیاگران و مشهور باین صنعت است ، و کتابهای بسیاری در آن تألیف کرده است . اسطانس از رومیان ، و مردم اسکندریه بود که تألیفاتش چنانکه در پاره از رسالههای خود نوشته هزار کتاب و رساله بوده ، و هر کتابی نامی داشته و کتابهای این گروه

۱- برای- بفتح اول جمع بر با ، کلمه ایست قبطی و احتمال میرود ، عبادتگاه یا - ساختمانی محکم ، و یا جای سحر است (معجم البلدان) .

۲- در متن عربی دارد (مکتوبه فی الفلجان) و در فرهنگهای فارسی و عربی که داشتیم فلجان را بمعنی پوست گوره خر نیافتیم . و مستند در این ترجمه گفته خود مؤلف (ابن ندیم) است (ر.ک. ص ۳۶ این کتاب ، و ص ۳۱ الفهرست چاپ مصر) .

مبنی بر رمز و لغز است ، و از تألیفات اسطانس : کتاب محاوره اسطانس توهیر ملک الهنداست .

ذیموس

از جمله ذیموس است که او نیز بمنزله اسطانس بود ، و این کتاب از اوست : کتاب سماء المفاتیح فی الصنعة - مشتمل بر چندین کتاب و رساله ، بترتیب اول ، دوم ، و سوم ، که معروف به هفتاد رساله است .

نام فلاسفه که در کیمیا سخنرانی

کرده‌اند

هرمس ، اغاذیمون ، انطوس ، ملینوس ، افلاطین ، ذیموس ، اسطوس ، دیمقراط ، اسطانس ، هرقل ، بوروس ، ماریه ، دساورس ، افرانوس ، اسطفانس ، اسکندروس ، کیماس ، جاماسب ، دراسطوس ، ارخلوس ، مرقونس ، سنقجا ، سیماس ، روسم ، فورس ، سعورس ، نالوس^۱ ، مویانس ، سعیدس^۲ ، مهدارس ، فرناوارس ، مطیوس ، کاهن ارطی ، ارس قسیس ، خالدبن یزید ، اصطفن حریمی ، جابر بن حیان ، یحیی بن خالد بن برمک ، خاطف الهدلی افرنجی^۳ ، ذوالنون مصری ، سالم بن فروح ، ابو عیسی اعور ، حسن بن قدامه ، ابوقران بونی ، سحاره^۴ ، رازی ، سایح علوی ، ابن وحشیه ، عزاقری ، و این نامبردگان را اکسیر ساز کامل و تمام گفته‌اند ، و پس از اینها کسانی که در پی اینکار رفته ، و از ناتوانی کوتاه آمده ، و بچیزهای دیگری جز کیمیا دست یابی یافته‌اند بسیارند ، و ما پاره از آنها را در جای خود ذکر خواهیم کرد . انشاء الله

خالد بن یزید بن معاویه بن ابوسفیان

از مسلمانان نوکار بود

محمد بن اسحاق گوید : کیکه در بیرون آوردن کتابهای پیشینیان در صنعت کوشش

۱- ف (دیسلاوس) .

۲- ف (سفیدس) .

۳- ف (خاطف الهندی الافرنجی) .

۴- ف (سجاده) .

از خود نشان داد، خالد بن یزید بن معاویه است که خطیب، و شاعر، و فصیح، و با تصمیم، و صاحب رأی بود، و او اول کسی است که امر کرد کتابهای طب، و نجوم، و کیمیا را برایش ترجمه نمایند، و سخاوت بسیاری داشت.

گویند: بوی گفتند تو زیاد خود را بکیمیا مشغول داشته، جواب داد، من اینکار را باین منظور دنبال دارم که یاران و برادران خود را بینای سازم، زیرا بخلافت که طمع ورزیدم پشتش توانائی کشیدن این یار را نداشت، و بجای آن چیزی نیافتم جز اینکه باین صنعت دستیابی پیدا نمایم تا نیازمند بآن کسانی نباشم که روزی مرا شناخته‌اند، و یا من آنها را در دربار سلطنتی دیده‌ام که از روی میل و رغبت یا بیم و خشیت در آنجا آمده و ایستاده‌اند. گویند، و خدا دانایتر است، که او در کیمیا کامیاب گردید، و چندین کتاب و رساله در این باره نوشت. و اشعار زیادی هم در این معنا دارد که در حدود پانصد ورق است و من آنرا دیده‌ام. و از کتابهایش نیز اینها را دیده‌ام: کتاب الحرات. کتاب الصحیفة الکبیر. کتاب الصحیفة الصغیر. کتاب وصیته الی ابنه فی الصنعة.

نام کتابهاییکه حکماء تألیف کرده‌اند

وما آنها را دیده، و مرد موثقی هم بما گفت که آنها را دیده، و علما نیز در تألیفاتش که در صنعت داشته‌اند ذکری از آنها نموده‌اند: کتاب دیسقرسل^۱ فی الصنعة. کتاب ماریة القبطیة مع الحکماء حین اجتمعوا الیهما. کتاب الاسکندر فی الحجر. کتاب الکبریت الاحمر. کتاب دیسقرسل^۲ حین سئله بدسیوس عن المسائل. کتاب اصطفی. کتاب فرانیس السمائی. کتاب السموس. کتاب ماریة الکبیر. کتاب بطور بن نوح. کتاب ماغس. کتاب نوادر الفلاسفة فی الصنعة. کتاب اوجیانس. کتاب ثمود. کتاب قلوبطارة الملكة. کتاب سقرس. کتاب بلقیس ملكة مصرالذی اوله لما صدت الجبل. کتاب العناصر - تألیف ریمس. کتاب سرخس الرأس عینی^۳ الی قویری الاسقف الرهاوی. کتاب سقناس فی حکمته^۴ للملك ادربانوس. کتاب ارس الاکبر. کتاب ارس الاصغر. کتاب اندریا. کتاب معنی^۵ الی مریبا. کتاب نادرس الحکیم. کتاب النصرانی الذی يقول فیہ ان الحکمة حکمة کاسمها. کتاب صاحب المحراب. کتاب اندریا^۶ من اهل افوس الی نیسافرس. کتاب الاخوة السبعة الحکماء فی الصنعة. کتاب دیمقراطیس فی الرسائل. کتاب دوسیموس الی جمیع الحکماء فی الصنعة. کتاب کسرها نوس بطرک رومیة فی الصنعة. کتاب سرجس الراهب فی الصنعة. کتاب ماغس الحکیم فی الصنعة.

۱- ۲- ف (دیسقرس).

۳- رأس عن نام چندین محل است که در جزائر

جنوبی قسطنطنیه و سوریا و لبنان قرار دارد. درک (اعلام المنجد).

۴- ش (سقناس فی حکمته).

۵- در متن عربی نقطه ندارد.

۶- ش (اندریا من ما).

کتاب رساله بلاخس فی الصنعة . کتاب توفیل فی الصنعة . کتاب الکلمین الاول . کتاب الکلمین .
الثانی . کتاب رساله هبة الاسکندر . کتاب بطرانوس . کتاب قبان هرقل الاکبر - چهارده
کتاب . کتاب سقرس الکبیر السدی فی الرؤیا فی الصنعة . کتاب سرخس فی الصنعة . کتاب
جاماسب فی الصنعة .

اخبار جابر بن حیان

و نام کتابهای او

ابو عبدالله جابر بن حیان بن عبدالله کوفی ، معروف بصوفی ، که مردم درباره او اختلاف دارند ، شیعیان ویرا از بزرگان خود می‌شمارند و او را یکی از ابواب^۱ و از کسانی دانند که در مصاحبت جعفر الصادق علیه السلام^۲ و از مردم کوفه بود . گروهی از فلاسفه ویرا از خود ، و صاحب تصنیفاتی در منطق و فلسفه دانند . و کیمیاگران و اهل صنعت طلا و نقره بر آنند که او در زمان خود بر آنها ریاست داشت ، و کارش پنهان بوده و عقیده دارند که برای بیم و ترس از دولتیان همیشه از شهری دیگر میرفت ، و در جایی استقرار نداشت . و بقولی او در دستگاه برمکیان و پیوسته بآنان بوده ، و بجعفر بن یحیی بستگی داشت . و این گروه گویند مراد وی از - آقای ما جعفر - همان برمکی است ، و شیعیان گویند ، که وی در این گفته نظر بجعفر الصادق دارد .

یکی از موثقان که کارش کیمیاگریست بمن گفت ، جابر در خیابان باب الشام^۳ در کوچه معروف بدرب الذهب اقامت داشت ، و همین شخص میگفت که او بیشتر اوقاتش را در کوفه میگذرانید ، و در آنجا برای خوبی هوا ، بکار اکسیر میپرداخت ، بدلیل اینکه وقتی در کوفه سفی پیدا شد که در آن هاون طلائی بوزن دو پست رطل بدست آمد ، همین شخص گفت ، که خانه جابر بن حیان در همان محل بود ، و از آنجا بجز آن هاون چیزی دیگر بدست نیامده ،

۱- ابواب جمع باب - یعنی - در - است و در میان شیعیان اطلاق بکسانی میشود که از خاصان یکی از ائمه فرزندان علی علیه السلام ، و مدخل و راه کسب فیض از آنان باشند .
۲- ف (رضی الله عنه) .

۳- باب الشام - یکی از چهار دروازه است که منصور برای بغداد ساخته و در سمت شمال بغداد است ، (زرک) دلیل خارطة بغداد ص ۱۴۸ .

ويك جائی هم برای حل و عقد داشت . و این ماجرای در دوران عزالدوله ، پسر معزالدوله رخ داد ، و خود ابواسبکتکین دستاردار بمن گفت که او رفت و آن هاون را گرفته است . گروهی از اهل علم و بزرگان و راقان گویند : این شخص ، یعنی جابر - اصل و حقیقتی نداشته و پاره نیز گویند ، اگر حقیقتی هم داشته ، تصنیفاتی جز کتاب الرحمه نداشته است ، و این تصنیفات از اشخاص دیگر است که آنها را تصنیف کرده و باو نسبت داده اند . ولی من میگویم ، يك شخص بافضلی که مینشیند ، و زحمت کار را بر خود هموار می کند ، و در حدود دوهزار ورق کتاب تألیف مینماید ، و برای ازکار درآوردن آن کتاب فکر و قریحه خود را بزحمت انداخته ، و دست و بدن خود را برای نوشتن آن خسته نموده . و پس از اتمام اینکارها ، آن کتابرا بشخص دیگری نسبت دهد ، زنده یا مرده ، نوعی از نادانی است که برای هیچ کسی میسور نیست ، و آن کسیکه بحلیه علم آراسته باشد ، ولو برای يك ساعت ، زیرچنین باری نرفته و هیچ بهره و سودی از آن نخواهد داشت . این شخص درحقیقت وجود داشته ، و کارش ، آشکارتر و روشنتر ، از هرچیز و تصنیفاتش مهمتر و بیشتر از هرکسی بوده و درمذهب شیعه تألیفاتی دارد که ما درجای خود ذکر نمود و در سایر علوم نیز کتابهایی دارد که بجای خود در این کتاب ذکر شده و بطوریکه گفته اند نژاد او از خراسان بوده و رازی درضمن تألیفاتی که درکیمیا دارد میگوید استاد ما ابوموسی جابر بن حیان چنین گوید .

نام شاگردان جابر

خرقی - که در مدینه سکه خرقی را باو نسبت دهند . ابن عیاض مصری . و اخیمی .

نام کتابهای جابر در کیمیا

جابر دارای فهرست بزرگی مشتمل بر تمام تألیفاتش در کیمیا و غیره بوده و فهرست کوچکی نیز برای تألیفاتش در کیمیا دارد ، و ما تمام آن کتابهایی را که دیده ایم ، و همچنین کتابهایی را که مردمان موثقی دیده ، و بما گفته اند در اینجا ذکر مینمائیم :

کتاب اسطقس الاس الاول الی البرامک . کتاب اسطقس الاس الثانی الیهم . کتاب الکمال هو الثالث الیهم . کتاب الواحد الکبیر . کتاب الواحد الصغیر . کتاب الرکن . کتاب البیان . کتاب الترتیب . کتاب النور . کتاب الصبغ الاحمر . کتاب الخمائر الکبیر . کتاب الخمائر الصغیر . کتاب التداویر الراضیه . کتاب یعرف بالثالث . کتاب الروح . کتاب الزریق کتاب الملائم الجوانیه . کتاب الملائم البرانیه .

كتاب المعالقة الكبير. كتاب المعالقة الصغير. كتاب البحر الزاخر. كتاب البيض. كتاب الدم. كتاب الشعر. كتاب النبات. كتاب الاستيفاء. كتاب الحكمة المصونة. كتاب التبويب. كتاب الاملاح. كتاب الاحجار. كتاب الى قلمون. كتاب التدوير. كتاب الباهر. كتاب التكرير. كتاب الدرّة العكنونة. كتاب البدوح. كتاب الخالص. كتاب الحاوي. كتاب القمر. كتاب الشمس. كتاب التركيب. كتاب الفقه. كتاب الاسطقس. كتاب الحيوان. كتاب البول. كتاب التداوير. كتابي ديكر است. كتاب الاسرار. كتاب كيما المعادن. كتاب الكيفية. كتاب السماء - اول، دوم، سوم، چهارم، پنجم، ششم، وهفتم. كتاب الارض - اول، دوم، سوم، چهارم، پنجم، ششم، وهفتم. كتاب المجردات. كتاب البيض الثاني. كتاب الحيوان الثاني. كتاب الاملاح الثاني. كتاب الباب الثاني. كتاب الاحجار الثاني. كتاب الكامل. كتاب الطرح^١. كتاب فضلات الخمائر. كتاب المنصر. كتاب التركيب الثاني. كتاب الخسواس. كتاب التذكير. كتاب البستان. كتاب السيول. كتاب روحانية عطار. كتاب الاستتمام. كتاب الانواع. كتاب البرهان. كتاب الجواهر الكبير. كتاب الاصباغ. كتاب الرائحة الكبير. كتاب الرائحة اللطيف. كتاب المنى. كتاب الطين. كتاب الملح. كتاب الحجر الحق الاظم. كتاب الالبان. كتاب الطبيعة. كتاب ما بعد الطبيعة. كتاب التلميع. كتاب الفاخر. كتاب الصارع. كتاب الافرنج. كتاب المادق. كتاب الروضة. كتاب الزاهر. كتاب الناج. كتاب الخيال. كتاب مقدمة المعرفة. كتاب الزرانيخ. كتاب الهي. كتاب الى خاطر. كتاب الى جمهور الفرنجى. كتاب الى على بن يقطين. كتاب مزارع الصناعة. كتاب الى على بن اسحاق البرمكى. كتاب التصريف. كتاب الهدى. كتاب تليين الحجارة الى منصور بن احمد البرمكى. كتاب اغراض الصنعة الى جعفر بن يحيى البرمكى. كتاب الباهت. كتاب عرض الاعراض.

ايضا يكصد ودوازده^٢ كتاب است، پس از اين هفتاد كتاب ديگر دارد كه از آن جمله

است :

كتاب اللاهوت. كتاب الباب. كتاب الثلاثين كلمة. كتاب المنى^٣. كتاب الهدى^٤. كتاب الحكومة. كتاب الصفات. كتاب العشرة. كتاب النعوت. كتاب العهد. كتاب السبعة. كتاب الحى. كتاب البلاغة. كتاب المشاكلة. كتاب خمسة عشر. كتاب الكفوء. كتاب الاحاطة. كتاب الراوق. كتاب القبه. كتاب الضبط. كتاب الاشجار. كتاب المواهب. كتاب المخنقة. كتاب الاكليل. كتاب الخلاص. كتاب الوجيه. كتاب الرغبة. كتاب الخلقة. كتاب الهيئة. كتاب الروضة^٥. كتاب الناصع. كتاب النقد. كتاب الطاهر. كتاب ليلة. كتاب المنافع. كتاب اللعبة. كتاب المصادر. كتاب الجمع.

١- ف (المرح). ٢- تعداد اين كتابها ظاهرأ ١٠٣ ميباشد. ٣ و ٤ و ٥ - ظاهرأ مكرراست.

و این چهل کتاب از آن هفتاد کتاب است . و بدنبال اینها رساله‌هایی درحجر است بترتیب ، اول . دوم . سوم . چهارم . پنجم . ششم . هفتم . هشتم . نهم و دهم . که نامی ندارند ، و پس از این نیز ده رساله در نبات ، بترتیب اول تا - دهم است ، و بهمین گونه رساله‌هایی در احجار دارد که جمعاً میشود هفتاد رساله .

و بر آن هفتاد کتاب ، ده کتاب دیگر باین ترتیب اضافه میشود : کتاب التصحیح . کتاب المعنی . کتاب الايضاح . کتاب الهمة . کتاب الميزان . کتاب الاتفاق . کتاب الشرط . کتاب الفضله . کتاب التمام . کتاب الاعراض ، و پس اینها ده مقاله دیگر دارد که بدنبال این کتابها باین ترتیب ذکر شده :

کتاب مصححات فیثاغورس . کتاب مصححات سقراط . کتاب مصححات فلاطن . کتاب مصححات ارسطاليس . کتاب مصححات ارسنجانس . کتاب مصححات ارکاغانيس . کتاب مصححات امورس . کتاب مصححات ديمقراطيس . کتاب مصححات حربی . کتاب مصححاتنا نحن . و پس بیست کتاب باین نامها بدنبال آنهاست :

کتاب الزمرده . کتاب الانموذج . کتاب المهجة . کتاب سفر الاسرار . کتاب البعید . کتاب الفاضل . کتاب العقیقة . کتاب البلورة . کتاب الساطع . کتاب الاشراق . کتاب المخایل . کتاب المسایل کتاب التفاضل . کتاب التشابه . کتاب التفسیر . کتاب التميز . کتاب الکمال والتمام . و سه کتاب بدنبال دارد که متصل بآنهاست : کتاب الضمیر . کتاب الطهارة . کتاب الاعراض^۲ . و پس از اینها هفده کتاب باین ترتیب است : کتاب المبداء بالرياضة . کتاب المدخل الى الصناعة . کتاب التوقف . کتاب الثقة بصحة العلم . کتاب التوسط فی الصناعة . کتابات المحنة . کتاب الحقیقة . کتاب الاتناق والاختلاف . کتاب السنن والحيرة . کتاب الموازين . کتاب السر الغامض . کتاب المبلغ الاقصى . کتاب المخالفة . کتاب الشرح . کتاب الاغراء^۳ فی النهاية . کتاب الاستقصاء .

و دنباله اینها سه کتابست : کتاب الطهارة - که کتابی دیگر است . کتاب النقد^۴ . کتاب الاعراض^۵ .

محمد بن اسحاق گوید : جابر در کتاب فهرست خود گوید . پس از این کتابها سی رساله تألیف کردم که بی نام است ، و پس چهارمقاله تألیف کردم که اینهاست : کتاب الطبيعة الفاعلة الاولى و هي النار . کتاب الطبيعة الثانية الفاعلة الجاهده و هي الماء . کتاب الطبيعة

۱ - این کتابها در شماره سی و هشت عدد است .

۲ - ظاهراً مکرر است . ۳ - ش (الاعراف) . ۴ - ف (التفسیر) .

۵ - ظاهراً مکرر است .

الثالثة المنفعله اليابسة و هي الارض . كتاب الطبيعة الرابعة المنفعله الرطبة و هي الهواء . و جابر گوید که برای این کتابها دو کتاب تألیف کرده که شرحی درباره آن کتابها، و عبارتست از کتاب الطهاره و کتاب الاعراض ، و پس از این چهار کتابی تألیف کرده ام باین ترتیب : کتاب الزهرة . کتاب السلوة . کتاب الكامل . کتاب الحیوة، و پس از آن ده کتاب بر روی نظریه پلیناس ، صاحب طلسمات تألیف کرده ام که اینهاست : کتاب زحل . کتاب المريخ . کتاب الشمس الاکبر . کتاب الشمس الاصغر . کتاب الزهرة^۱ . کتاب عطارد . کتاب القمر الاکبر . کتاب الاعراض . کتاب يعرف بخاصية نفسه . کتاب المثنی . و این چهار کتاب را در مطالب دیگر تألیف کرده : کتاب الحاصل . کتاب میدان العقل . کتاب العین . کتاب النظم .

ابوموسی گوید^۲ یک هزار و سیصد کتاب در فلسفه ، و یک هزار و سیصد کتاب در حیل ، و پیکره کتاب تقاطر ، و یک هزار و سیصد کتاب در صنایع مجموعه و آلات حرب ، تألیف کرده ام .

پس از آن ، دو کتاب بزرگ در طب ، و کتابها و رساله های بزرگ و کوچک ، تألیف کرده ام ، و در طب در حدود پانصد کتاب تألیف دارم ، مانند کتاب المجة والتشريح ، سپس در منطق بر پایه نظریه ارسطو کتابهایی دارم ، و پس از آن ، کتاب الزیج اللطیف را در سیصد ورق ، کتاب شرح اقلیدس ، کتاب شرح المجسطی . کتاب المرایا . کتاب الجاروف ، را تألیف کرده ام . و این کتاب را متکلمان رد کرده اند ، و گویند که مؤلفش ابوسعید مصریست . پس از اینها در زهد و موعظه ، و در عزائم تألیفات زیادی دارم ، و در رد برفلاسه پانصد کتاب ، و در کیمیا - کتابی بنام کتاب الملك ، و یک کتاب بنام - الرياض - تألیف کرده ام .

ذوالنون مصری

ابوالفیض ذوالنون بن ابراهیم از صوفیانی بود که در صنعت دستی داشته و کتابهایی تصنیف کرده است و از کتابهای اوست : کتاب الرکن الاکبر . کتاب الثقة فی الصنعة .

۱- ظاهراً مکرر است .

۲- ابوموسی - کنیه جابر بن حیان است .

رازی محمد بن زکریا

مقامش در علم فلسفه و طب معروف و مشهور بوده ، و ما اخبار او را در طب ذکر نموده ایم . و نظر بدستیابی که باین صنعت داشته تألیفات زیادی در آن دارد از آنجمله کتابت مشتمل بر دوازده کتاب باین ترتیب : کتاب المدخل التعلیمی . کتاب المدخل البرهانی . کتاب الایات . کتاب التدبیر . کتاب الحجر . کتاب الاکسیر . کتاب شرف الصناعة . کتاب الترتیب . کتاب التداویر . کتاب نکات الرموز . کتاب المحبة . کتاب الحیل . و جز اینها تألیفات دیگری هم در صنعت دارد . که عبارتست از : کتاب الاسرار . کتاب سر الاسرار . کتاب التبویب . کتاب رساله الخاصه . کتاب الحجر الاصفر . کتاب رسائل الملوك . کتاب الرد علی الکندی فی رده علی الصناعة .

ابن وحشیه

ابوبکر احمد بن علی بن قیس بن مختار بن عبدالکریم بن حریشان بدینا بن بوراطیا الکزدانی ، از مردم جنبلاء^۱ و قسین^۲ و یکی از فصیحان نبط در زبان کسدانیان بود ، و ما در مقاله هشتم کارهایش را در سحر و شعبده و عزائم شرح داده ایم ، و در این صنعت نیز بهره و سهم زیادی داشته ، و در اینجا بذکر کتابهای او در کیمیا میپردازیم : کتاب الاصول الکبیر فی الصنعة . کتاب الاصول الصغیر فی الصنعة ایضا . کتاب المدرجة . کتاب المذاکرات فی الصنعة . کتاب یحنوی علی عشرين کتاباً اول و ثانی و ثالث و علی الولاة نسخة الاقلام التي یکتب بها کتب الصنعة والسحر ، و ابن وحشیه آن قلمها را آورده ، و من بخط او دیده ام و نیز بخط ابوالحسن ابن کوفی همانها را در جزوه هائی ، با تعلیقاتی در لغت ، و نحو ، و اشعار ، و آثار دیدم ، که از کتابهای بنو قرات ، با ابوالحسن بن تنح رسیده بود .

و این شگفت انگیزترین چیزی است که من بخط ابن کوفی ، پس از کتاب مساوی- العوام تألیف ابوعنبر صیمری . دیده ام .

حروف فاقیطوس : الف ، ب ، ت ، ث ، ج ، ح ، خ ، د ، ذ ، ر ، ز ، س ، ش ، ص ، ض ، ط ، ظ ، ع ، غ ، ف ، ق ، ک ، ل ، م ، ن ، و ، ه ، لای .

۱- جنبلاء دهکده و منزلیست میان واسط و کوفه (معجم البلدان) .

۲- رجوع شود بصفحه ۵۵۲ این کتاب .

حروف مسند: الف، ب، ت، ث، ج، ح، خ، د، ذ، ر، ز، س، ش، ص، ض، ط، ظ، ع، غ، ف، ق، ك، ل، م، ن، و، ه، لا ی .

و با این حروف علوم باستانی برای^۱ را بدست آورند .

حروف عنیث : چه بما که این خطها در کتابهای علمی صنعت ، و سحر ، و عزائم که اشاره کرده ایم در زبانی که اهل آن علوم اختراع کرده اند دیده میشود ، ولی قابل فهمیدن نیست مگر برای کسانی که بآن زبان آشنائی داشته باشند و آنهم بسیار کم است . و شاید این خطها تصنیف هائی داشته باشد که بزبان عربی قابل فهم باشد ، و از این جهت سزاوار است که با اندیشه و تأمل آنها را چون نمونه قرار داد که هنگام لزوم بآنها مراجعه شود . انشاء الله .

اخمیمی

نامش عثمان بن سوید ، ابوحریری اخمیمی ، از مردم اخمیم از دهات مصر بوده و در صنعت کیمیا برجستگی داشته ، و از رؤساء آنان بشمار میرفت ، و با ابن وحشیه مناظرات ، و مکاتباتی داشت و از تألیفات اوست :

کتاب الکبریت الاحمر . کتاب الابانة . کتاب التصحیحات . کتاب صرف التوهم عن ذی النون المصری . کتاب التعليقات . کتاب آلات القدماء . کتاب الحل والعقد . کتاب التدبیر . کتاب التصدید و التقطیر . کتاب الجحیم الاعظم . کتاب مناظرات العلماء ومفاوضاتهم .

ابوقران

این شخص از مردم نصیبین^۲ است که خود را واجد کیمیا میدانست ، و کسی است که اهل این صنعت بوی نظر دارند و او را برتر و فاضلتر از همه میشمارند ، و ابن وحشیه نیز نامی از او برده ، و این کتابها از اوست : کتاب شرح کتاب الرحمة لجابر . کتاب الخمانر . کتاب البلوغ . کتاب شرح الاثیر . کتاب التصحیحات . کتاب البیض . کتاب الفرقین المسبع . کتاب الاشارة . کتاب التمویه .

اصطفیٰ راهب

این مرد در موصل عمرش را گذرانید ، و باو میخائیل میگفتند ، و حکایت کنند که او

۱- ر.ك. بصفحة ۶۳۳ این کتاب . ۲- رجوع شود بصفحة ۲۴۶ این کتاب .

کیمیایا بدست آورد، و پس از آنکه در موصل از دنیا رفت کتابهایش آشکار گردیده و من پاره از آن را دیدم که اینها بود: کتاب الرشد. کتاب ما حدثنا. کتاب الباب الاظم. کتاب الادعية والقرايين القی تستعمل قبل صناعة الكيمياء. کتاب الاختيار النجومی للصناعة. کتاب التعلیقات. کتاب الاوقات والازمنة.

سائح علوی

ابوبکر علی بن محمد خراسانی علوی سوفی، از فرزندان حسن بن علی رضوان الله علیهم^۱ و از کسانیست که بگفته کیمیاگران، بکیمیا دست یافت، و همیشه از بیم دولتیان شهر بشهر میگشت و کسی را ندیدم که او را ملاقات کرده باشد، و کتابهایش از اطراف کوهستانها بما رسید. از کتابهای اوست: کتاب رساله الیتیم، کتاب الحجر الطاهر. کتاب الحقیقیر النافع. کتاب الطاهر الخفی. کتاب الاصول. کتاب الشعر والدم والبیض وعمل میاهما.

دبیس شاگرد کندی

محمد بن یزید، معروف بدبیس، از کیمیاگرانی بود که کارهایی در آن زمینه داشت، و از کتابهای اوست: کتاب الجامع. کتاب عمل الاصباغ والمداد والحبر.

ابن سلیمان

ابوالعباس احمد بن محمد بن سلیمان، و گویند مصری بوده، و نمیدانیم که او در این صنعت کامیابی یافته باشد، و آنچه از وی باین شهرها رسیده اینهاست: کتاب الاقصاد والایضاح فی برانیات^۲. کتاب الجامع - برانیات^۳. کتاب المعجونات. کتاب التخمیر. و گویند: کتاب الاقصاد والایضاح از تألیفات ابن عیاض مصری، شاگرد جابر است.

ابن ابو عزاقر

ابوجعفر محمد بن علی شلمغانی، که در اخبار شیعه ذکر از وی شده، و در صنعت کیمیا دست داشت، و این کتابها از اوست: کتاب الخمائر. کتاب الحجر. کتاب شرح کتاب الرحمة تألیف جابر. کتاب البرانیات.

۱- (رضی الله عنهما). (۲-۳) برانیات - بجزیهائی گویند که از نوع مورد بحث نباشد.

خنشلیل

ابوالحسن احمد ، و خنشلیل لقبش بود ، و با من دوستی داشت ، و چندین مرتبه بمن گفت که بکیمیادست یافته، ولی من اثری از آن در وی ندیده و همیشه او را فقیر و کم روزی یافته‌ام ، وی پیرمرد با سماجتی بود ، و این کتابها از اوست : کتاب شرح نکت‌الرموز . کتاب الشمس . کتاب القمر . کتاب مسعف‌القرآء . کتاب الاعمال علی رأس‌الکور .

محمد بن اسحاق گوید : کتابهاییکه در این زمینه تألیف شده ، خیلی بیشتر و بالاتر از آنست که بشماره درآید، زیرا مؤلفانش آنها را بکیمیاگران بسته و نسبت داده‌اند ، ولی مصریان در این رشته تصنیفات و دانشمندانی داشته‌اند چون ریثه این سخن از آنجا بوده ، و این علم از آنجا سرچشمه گرفته و برای معروف ، که خانه‌های حکمت و ماریه است از شهرهای مصر بشمار میرود. و بقولی اساساً سخن در کیمیا از فارسیان باستانی بوده، و بقولی یونانیان و بقولی هندیان، و بقولی چینیان ، اولین سخنگو در این امر بوده‌اند. و خداوند، از همه داناتر است .

مقاله دهم در اینجا پایان یافت ، و با پایانش این کتاب پایان رسید

ولله الحمد والمنة والحوول والقوة ، وصلى الله على سيدنا

و نبينا محمد و على آله و سلم تسليما

ما نیز همان نیایش و دعا را در دل و زبان داریم که خداوند توفیق

خدمات بفرهنگ و وطن عزیز را بما عنایت فرموده

و در مدت هفت سال آنقدر بما روان و روزی

بخشید تا این ترجمه پایان رسید

کز عهده شکرش بدر آید

از دست و زبانی چه بر آید

وصیتنامه گاهل ارسطو

پس از چاپ وصیت ارسطو کتابیکه ذیلا اشاره شده بدست آوردیم که متن وصیتنامه ارسطورا بزبان یونانی، و انگلیسی داشت و مادر اینجا آنرا از نظر خوانندگان محترم میگذرانیم.

هوالمسك ماكر رته يتضوع

همه تندرس و خوب باشند ، ولی اگر اتفاقی رخ دهد ، ارسطو این مقررات را وضع کرده است :

انتیپاتر - Antipater - در تمام امور و بطور کلی وصی من است . ولی تازمانی که نیکانر Nicanor بیاید. اریستمنس Aristomenes ، تیمارکوس Timarchus ، هیپارکوس Hipparchus ، دیوتلس Diotcles ، و ثئوفراستس Theophrastus (در صورتیکه موافقت نماید ، و اوضاع و احوال اجاره دهد) ، باید عهده دار کارهای هرپلیس Herpyllis - و بچه ها ، و همچنین اموال من باشند. و همینکه دخترم بزرگ شد ، باید او را بازدواج نیکانر در آورند . و اگر پیش و یا بعد از ازدواج ، و قبل از آنکه بچه دار شود، اتفاقی رخ دهد (که خدا نکند چنین چیزی پیش آید) نیکانر اختیارات تامه ، چه نسبت بکودک و چه نسبت بهر چیز دیگر خواهد داشت که کارها را ، چنانچه شایسته او و من است انجام دهد .

نیکانر باید کارهای دخترم ، و نیکوماخس Nicomachus را عهده دار باشد ، و بهتر تر نبی که صلاح داند همچو یک پدر ، یا برادر ، با آنها رفتار کند . و اگر برای نیکانر اتفاقی رخ داد (که خدا آن را نیاورد) ، چه پیش ازدواج با دختر و چه پس از ازدواج با او ، و پیش از آنکه کودکی بدنیآ آمده باشد ، و تصمیماتی گرفته بود ، تمام آنها نافذ است.

و اگر تنو فراسی خواست با دختر زن گانی نماید ، او نیز همان اختیارات نیکان را دارد . در غیر این صورت ، اوصیاء و نیکان ، بیاد من ، و براس علاقه مندی شایسته ای که هر پلیس در مقابل من از خود نشان میداد ، باید اتمام لازم را در عزمورد و هر چیز نسبت با داشته باشند ، و اگر او بخواهد شوهر نماید باید در نظر داشته باشند که او را به برد بالائی نهند ، و گذشته از چیزهایی که دارد ، باید يك تالنت **Talent** نقره اضافه بردارایش ، و سه خدمتکاریکه خود او انتخاب کند ، اضافه بر آنهاییکه اکنون با نوکرش پراگماتوس **Pyrrhaeus** دارد باو بدهند . و اگر او تمایل داشت در شالسین **Chalcis** زندگانی نماید ، در ساختمان کنار باغ ، و اگر خواست در استاژیرا **Stagira** در خانه پدرم باشد ، هر يك از این دو خانه را انتخاب کرد ، اوصیاء باید آنرا به سلیقه خود بطوریکه او بپسندد مجهز داشته و باو بدهند .

نیکان باید در عهد ، گبرده که پسر بچه **Myrmex** را چنانکه شایسته است ، با تمام چیزهاییکه خود او دارد بکسانش برگرداند .

امبراسیس **Ambracis** باید آزاد شود ، و در عروسی دخترم ، باید پانصد درهم با همان خدمتکاریکه دارد باو بدهند .

وبه تالی **Thale** باید ، اضافه بر خدمتکارش که خریده خود اوست ، هزار درهم ، و يك خدمتکار بدهند .

وبه سیمون **Simon** علاوه بر پولیکه سابقاً برای خریدن خدمتکار باو داده شده بود باید يك خدمتکار دیگر ، یا - بهاء يك خدمتکار باو داده شود .

وتیشو **Tycho** ، فیلو **Philo** اولیمیوس **Olympius** ، و پسرش ، هنگام عروسی دخترم باید آزاد شوند ، و هیچیک از کمائییکه مرا خدمت میکردند نباید فروخته شوند ، و باید آنقدر سر خدمت بمانند تا بمن کمال برسند آنوقت اگر خواستند ، آزاد شوند .

اوصیاء من باید در نظر گیرند تمثالهاییکه کرایلون **Cryllon** عهده دار ساختن آنها شده بود ، پس از تمام شدن برپا داشته شود بخصوص آنکه مربوط بنیکانرا ، و پروکسنوس .

Proxenus بوده و خود من قصد برپا داشتن آنها را داشتم ، بهمچنین آن که مربوط بمادر نیکان است . و نیز باید مجسمه نیم تنه اریمنستوس **Arimnestus** را ، بر حسب وصیت خود او برپا دارند که چون فرزندی نداشت ، یادبودی از وی باقی بماند .

و باید مجسمه مادرم ، یا تقدیسی از نامش در - دمتر Demtere یا نفی آ
 Nemea یا هر جایی که پسندیده دارند ، بر پا داشته ، و در هر جا که مرا بخاک سپارند ،
 استخوانهای پیتیا Pythias را نیز در آنجا بر حسب دستور او بگذارند .
 و همینکه نیکانر ، سلامتی برگشت چنانکه آرزوی من است ، باید در اسقائیرا
 يك مجسمه تمام قد در کنار زئوس - Zeus ، و اتینا Athena نجات بخش بر پا دارند .

نظر خوانندگان محترم را باختلاف مندرجات این وصیتنامه با وصیتی که ابن ندیم
 آورده و در صفحه ۴۵۲ ذکر شده جلب مینمایم .

پایان

فهرست مستندات و ماخذ

- قرآن مجید
قرآن چاپ فلوکل
قرآن چاپ سنگی حاج علی آقا
ریحانة الادب چاپ تبریز
الوافی بالوفیات
هدية الاحباب شیخ عباس قمی
المعجم المفهرس للفاظ القرآن
کتاب المرشد الی آیات القرآن الکریم و کلماته
تفاسر الفنون
سبک شناسی
الوسیط
معجم البلدان
معجم الادباء
قاموس الاعلام ترکی
الاعلام زرگلی
المعجم فی معاییر اشعار المعجم
صبح الاعشى
تاریخ علوم عقلی تألیف دکتر صفا
تاریخ ادبیات ایران تألیف دکتر صفا
جغرافیای تاریخی از سرزمینهای خلافت شرقی ترجمه آقای عرفان
سورة الارض .. ابن حوقل
یادداشتهای گاتها تألیف پور داود

دائرة المعارف اسلامی

تعلیقات فلوکل بر الفهرست - یا - جلد دوم چاپ فلوکل

ترجمه مقدمه ابن خلدون

ملل و نحل شهرستانی

ملل و نحل ابن حزم

مجمع البحرین

دلیل خارطة بغداد

المنتزله تألیف دکتر البر نصیر نادر

الولاية والقضاء - تألیف کندی

شرائع در فقه ویس ورامین فخرالدین سعید کرکانی

حدود العالم مینورسکی

فهرست کتابخانه دانشکده حقوق

فرهنگ نفیسی

منتهی الارب

فرهنگ دوزی - عربی بفرانسه

اقرب الموارد

لفتنامه مرحوم دهخدا

فرهنگ فارسی آقای دکتر معین

المنجد

اعلام المنجد

برهان قاطع بتصحیح آقای دکتر معین

مجله ایران کوده

مجله فرهنگ جهان

لکزیک یونانی

شولسون Chwolsoue Die Ssabier'und - Der Seabismus

فرهنگ فرانسه لاروس Larousse

فرهنگ انگلیس Chambers's Twentieth Centnry Dictionary

انسیکلوپدیا بریتانیکا Encyclopedia Britannica

فهرست اعلام

ابرش ۱۲
 ابراهیم ۱۰-۱۵-۱۶-۲۵
 ابراهیم تیمی ۳۴۴
 ابراهیم حربی ۴۲۱
 ابراهیم صنیر ۱۵
 ابراهیم بن اسماعیل ۲۰۳-۲۰۷-۲۷۶-
 ۴۱۵
 ابراهیم بن اسماعیل بن داود ۲۷۸
 ابراهیم بن بکوس ۴۵۸
 ابراهیم بن ابومحمد یزدی ۹۸
 ابراهیم بن ابوموسی اشعری ۳۷۵
 ابراهیم بن ادھم ۱۱۹-۲۰۶-۳۴۶
 ابراهیم بن اسماعیل ۴۱۵
 ابراهیم بن بکوس عشار ۴۵۶-۴۶۰
 ابراهیم بن اسحاق ایاضی ۳۴۲
 ابراهیم بن خاله صفعانی ۴۱۲
 ابراهیم بن حماد بن اسحاق ۳۷۱
 ابراهیم بن رازی ۱۳۲
 ابراهیم بن سیاه ۲۷۲
 ابراهیم بن سنان ۴۹۰
 ابراهیم بن سعد ۴۱
 ابراهیم بن سعید ۸۴
 ابراهیم بن صلت ۴۴۶-۴۵۷-۴۸۲-
 ۵۱۸

آ

آجری ۳۹۴
 آدم علیه السلام ۸-۳۶-۳۸-۵۴۲-۵۵۸-
 ۵۸۹-۵۹۰
 آدم بن عبدالعزیز ۲۶۹
 آدمی ۵۰۲
 آدمی رازی ۴۰۹
 آذر باذبن فیروز ۱۹۹
 آغانیس ۵۱۱
 آمدی ۱۳۶-۲۵۵
 آمنه دختر ولید بن ابوحفصه ۲۶۸

ابان

ابان بن تغلب ۴۰۳
 ابان بن عبدالحمید بن لاحق بن عمیر رقاشی
 ۵۴۲
 ابان بن عیاش ۴۰۲-۴۰۳
 ابان لاحقی و خاندان او ۱۹۶-۲۷۲-
 ۲۹۷
 ابج ۴۹۴
 ابر اقلیدس ۵۲۳
 ابراقلیس ۵۱۳

- ابراهیم بن طهمان هروی ۴۱۶
 ابراهیم بن عباس صولی ۲۰۷ - ۲۴۹ -
 ۲۷۷-۳۰۴-۳۰۷-۵۶۱-۶۱۵
 ابراهیم بن عبدالله ۴۴۶-۴۵۵-۴۵۶ -
 ۴۶۱
 ابراهیم بن عبدالله بن حن ۱۱۶-۲۹۵ -
 ۲۷۱
 ابراهیم علیه السلام ۳۷
 ابراهیم بن عیسی مدائنی ۲۱۶-۲۷۸
 ابراهیم بن محشر ۱۲
 ابراهیم بن محمد ۶۱۵
 ابراهیم بن مدبر ۲۷۸
 ابراهیم نخعی شعبی ۳۴۴
 ابراهیم موصلی ۱۱۵
 ابراهیم بن مهدی ۱۹۰-۲۷۳-۵۶۱
 ابن الوالدینا ۳۴۶
 ابن ابوالسرج ۲۱۰
 ابن ابواصبغ ۲۱۰
 ابن ابوالعوادل ۲۸۵
 ابن ابوالوالید زندیق ۲۷۰
 ابن ابواویس ۱۷۷
 ابن ابوبشر ۳۳۹
 ابن ابوبغل ۲۲۶
 ابو ابوثابت زهری ۱۷۸
 ابن ابو تلج ۴۲۳
 ابن ابو خیثمه ۷۴-۳۷۵
 ابن ابو حواری ۳۴۴
 ابن ابوحسان ۱۲
 ابن ابو حریش ۱۶
 ابن ابو دؤاد ۳۰۷-۱۸۱
 ابن ابو داود سجستانی ۶۲-۴۲۲
- ابن ابو دؤاد ۱۶
 ابن ابو رافع ۴۹۹
 ابن ابوسیف ۳۸۸
 ابن ابو رصاصه ۵۵۱
 ابن ابو زرعه دمشقی ۲۸۱
 ابن ابو زوائد ۲۷۵
 ابن ابو سعد ۹-۱۱-۸۴
 ابن ابو شیخ ۱۸۸
 ابن ابو صبح ۸۶-۲۷۲
 ابن ابو طاهر ۲۴۰۵-۲۴۱
 ابن ابو طیفور ۱۸۱
 ابن ابو عاصیه سلمی ۲۸۱
 ابن ابو عباد ۵۰۰
 ابن ابو عروبه ۴۱۴
 ابن ابو عزاقر ۲۴۴-۶۴۳
 ابن ابو عماره ۵۴
 ابن ابو عواذل ۲۲۶
 ابن ابو فاطمه ۱۲
 ابن ابو قره ۴۹۹
 ابن ابو لیلی ۵۴-۳۷۶
 ابن امام مصری ۵۹
 ابن ابو مریم ۱۶۰
 ابن ابو منصور موصلی ۲۴۷
 ابن ابو هریره ۳۹۶
 ابن ازهر ۱۸۷-۲۴۴
 ابن اخشید ۶۵-۳۱۴-۳۲۱-۳۲۲-۳۲۳
 ابن اذنونتی ۴۲۷
 ابن اسحاق ۱۵۶
 ابن اسود شیبانی ۳۷۲

- ابن اشعث ۲۹۲-۴۴۲
 ابن اشثانی عراقی ۳۸۵
 ابن اشیب ۳۹۴
 ابن اصهار بخت ۵۲۹
 ابن اکفانی عبدالله بن صالح ۳۹۱
 ابن اعدی حریزی ۶۰۱
 ابن اعرابی ۷۲-۱۱۶-۱۱۷-۱۲۰-
 ۱۲۳-۱۲۴-۱۲۵-۲۶۰-۲۶۱-
 ۲۶۲-۴۹۸
 ابن امین کاتب ۲۰۷
 ابن اغلب ۳۵
 ابن اقلیدسی ۲۵۶
 ابن اماجور ۵۰۱
 ابن امام ۵۵۰
 ابن ام شیبان ۱۲
 ابن الحرص ۵۹۰
 ابن انباری ۶۰-۶۲
 ابن بابویه ۳۶۳
 ابن بازیار ۲۱۷-۴۹۵-۴۹۷
 ابن باغار ۵۰۲
 ابن بانه ۲۳۹
 ابن بسام شاعر ۲۴۷
 ابن بشار ۲۲۴
 ابن بلحا ۵۶۲
 ابن بطریق ۴۴۴-۴۴۵-۴۴۹-۴۵۸-
 ۴۵۹-۵۲۳-۵۶۱
 ابن بکر شیرازی ۲۵۳
 ابن بلخی ۳۸۱-۵۳۱
 ابن بلال ۴۰۷
 ابن بامداد ۳۸۲
 ابن بامداد ۲۵۲
 ابن بهرین ۴۰-۴۵۴
 ابن تستری ۲۲۲
 ابن تمام دهقان ۱۸۱
 ابن تیهان ۳۷
 ابن ثعلب ۵۹
 ابن تلجی ۳۸۲
 ابن ثوابه ۱۴-۱۹۹
 ابن جابر ۳۹۹
 ابن جریح ۴۴
 ابن جمابی قاضی ۳۶۵
 ابن جلیاب ابو اسکافی ۲۸۱
 ابن جمهور عمی ۴۰۸
 ابن جنذب ۲۶۱
 ابن جنذب هذلی ۲۶۹
 ابن جنید ابوالحسن ۶۶-۳۱۹-۳۴۶-
 ۳۶۳-۳۸۹-۳۹۴
 ابن جنی ۱۴۶
 ابن حاجب غلام ابن رومی ۲۷۷
 ابن حاجب نعمان ۲۲۲-۲۷۷
 ابن حائك ۱۲۵-۱۲۶
 ابن الحجام ۱۶
 ابن حبش ۴۹۴
 ابن حبیبیات ۲۷۰
 ابن حدیده ۱۲
 ابن حرون ۲۱۳-۲۴۵
 ابن حسن ملیح ۱۲
 ابن حضرمی ۱۲
 ابن حقانی ۱۲۴
 ابن حفص ۱۰۵-۱۹۹
 ابن حفیف ۵۵۸
 ابن حماده ۲۱۵

- ابن حمیره ۱۲
 ابن خالویه ۶۱-۱۴۱
 ابن خشنام ۲۸۵
 ابن خردادبه ۲۴۵
 ابن خلف مروروزی ۵۰۸
 ابن خلاد ۴۰۰
 ابن خلاد بصری ۳۲۳
 ابن خلاد راهرمزی ۲۵۵
 ابن خلاد قاضی ۳۲۳
 ابن خمار ۴۷۶
 ابن خیاط ۱۳۷
 ابن درستویه ۶۰-۶۱-۷۶-۱۰۲-۱۰۶-
 ۱۱۰-۱۲۵
 ابن درید ۶۱-۱۰۴-۲۶۲
 ابن دیسان ۶۰۲-۶۰۳-۵۸۴
 ابن دهن ۵۳۶
 ابن دهن هندی ۴۴۶
 ابن دینارهمدانی ۳۹۵
 ابن راوندی ۳۱۶-۳۱۷-۳۱۸
 ابن راهویه ارجانی ۴۷۹
 ابن رباح ۳۲۳
 ابن رجا ۳۹۵
 ابن رستم ۳۷۹
 ابن روح صابی ۵۰۵
 ابن روسند طائی ۲۸۶
 ابن رومی ۲۱۳-۲۴۹-۲۷۶-۲۷۷
 ابن زباله ۱۷۹
 ابن زجاجی ۱۰۲
 ابن زریق ۵۵۲
 ابن زنجی (کاتب) ۲۱۷
 ابن زمکون ۲۸۲
- ابن زید ۱۲-۳۲۰
 ابن سیابه ۶۰۱
 ابن سراج ۱۰۵-۱۰۶
 ابن سریح ۲۲۴
 ابن سعد ۸
 ابن سعدان ۶۱-۶۲-۱۱۸-۱۳۳
 ابن سعید بن عمرو ۲۰۱
 ابن سعید قطربلی ۲۰۵
 ابن سقطی
 ابن سکیت ۸۰-۱۲۰-۱۲۱-۱۲۲-
 ۲۶۰-۲۶۱-۲۶۲-۲۶۳
 ابن سلام ۵۰۸
 ابن سلیمان ۶۴۳
 ابن سمان ۴۹۹
 ابن سیبویه ۴۹۸
 ابن سیر ۱۲
 ابن سیرین ۴۵-۵۶۰
 ابن سیف فارض ۱۳۶-۳۸۹-۳۹۴
 ابن سماعه ۳۸۰
 ابن سناک ۳۴۴
 ابن سوارکاتب ۲۵۵
 ابن شاه طاهری ۲۵۱
 ابن شاهین ۱۳۶
 ابن شیب ۱۷۸
 ابن شراع ۲۴۹
 ابن شریح ۳۹۲
 ابن شقراء خفاف ۳۹۵
 ابوشقیر ۱۳۹
 ابن شنبوذ ۶۷
 ابن شنبوذ محمد بن احمد بن ایوب ۵۵-
 ۵۶

- ابن شهاب ۳۲۳
 ابن شهدی کرخی ۴۴۵
 ابن حاعد ۴۲۳
 ابن صدقه ۱۱۹
 صهاربخت ۵۲۹
 ابن صیرفی ۳۹۳
 ابن ضمضم کلایی ۸۱
 ابن طالوت ۶۰۱
 ابن طبا ۲۴۹-۲۲۵-۱۸
 بن طرخان ۲۵۷
 ابن عابد ۱۸۰
 ابن عامر یحصبی ۶۲
 ابن عباس ۷۲-۶۵-۵۹-۴۴-۸
 ابن عباد مهلبی ۲۸۶
 ابن عبادیه ۲۰۷
 ابن عرموم ۲۴۴
 ابن عبدالحمید کاتب ۱۷۸
 ابن عبدالکریم ۲۲۳
 ابن عبدالملک زیات ۲۰۲
 ابن عبدکان ۲۲۶
 ابن علا سجمتانی ۷۶
 ابن عمر ۷۲-۵۴
 ابن عمران قمی ۳۶۰
 ابن عماره ۲۶۷-۲۶۶
 ابن عماره ثقفی ۲۴۵
 ابن عیاض مصری ۶۴۳-۶۳۷
 ابن عمید ۴۷۹-۲۳۰
 ابن عبیده ۱۷۴
 ابن عیینه ۲۴۹
 ابن غنا کلایی ۱۸۰
 ابن فارس ۱۳۵
 ابن فصیل کاتب ۲۰۵
 ابن فضال ۴۰۸
 ابن قابوس شیبانی ۲۷۲
 ابن قادم ۱۲۳-۱۲۲-۱۱۴
 ابن قبه ۳۳۰
 قتیبه ۵۶۰-۲۶۶-۱۳۰-۶۱-۶۰
 ابن قداح ۳۵۳-۳۵۲
 ابن قسریه ۲۰۶
 ابن قطنطین ۵۲۸
 ابن فقیه همدانی ۲۵۳
 ابن قنان ۵۵۲
 ابن کامل ابوبکر احمد ۲۱۵-۶۱-۵۷
 ابن کثیر اهوازی ۲۳۱-۴۹
 ابن کرنیب ۴۷۵-۴۷۳
 ابن کلاب ۳۳۷
 ابن کناسه اسدی ۲۶۲-۱۱۹
 ابن کوره ۳۵۹
 ابن کواء ۱۵۳
 ابن کوفی ۱۱۹-۱۱۷-۱۱۶-۱۰۰-۹۰
 ۱۲۱-۱۳۳-۲۶۳
 ابن کیسان ۱۳۷-۶۲-۶۰
 ابن لره گرجی ۱۳۹
 ابن لهیعه ۶۹
 ابن ماهان ۵۳۰
 ابن ماسویه ۵۶۱
 ابن ماشطه ۲۲۳
 ابن مجالد ۱۲
 ابن مجاهد ابوبکر احمد بن موسی ۵۵-
 ۶۱-۵۸
 ابن محیصن ۵۴
 ابن مراغی ۱۴۴

- ابن مردان کوفی ۱۱۸
 ابن مرزبان
 ابن مسعود ۴۵
 ابن مساب ۳۷۲
 معمر ۱۹۱-۲۴۸
 ابن معدان ۱۵
 ابن معلم ۳۲۲-۳۶۵
 ابن معذل ۳۷۰
 ابن معمر ۴۰۸
 ابن مفلس ۴۰۰
 ابن مقله ۱۵
 ابن مقفع ۲۷۷-۲۷۷-۴۴۶-۴۵۴
 ابن مقسم ابوبکر محمد بن حسن ۵۸-۱۲۵
 ابن مکنفی ۴۹۴
 ابن مملک اصفهانی ۳۳۲
 ابن منکدر ۳۴۴
 ابن منیر ۱۵
 ابن منادی ۴۷-۶۶
 ابن منذرین (بنی) ۵۵۱
 ابن موصل ۳۸۴
 ابن مولی ۲۶۹
 ابن مهرویه ۱۳۵
 ابن ناحیه ۳۳۸-۵۰۲
 ابن ناعمه ۴۴۵-۴۵۶-۴۵۷
 ابن نحیه ۵۰۸
 ابن نحوت ۱۲۰
 ابن نصر ۲۱۶
 ابن نطاح
 ابن نفیس ۳۵۴-۳۵۵
 ابن هبیره ۲۰۱-۲۵۱
 ابن هرمه ۲۱۸-۲۴۸-۲۶۶
- ابن هفان ۲۳۷
 ابن هلال ۵۵۰
 ابن وحشیه ۲۸۵-۴۴۷-۵۵۲-۵۵۲-
 ۵۶۲-۶۳۴-۶۴۱-۶۴۲
 ابن وداع بن فضل اسدی قریشی ۹۸-۱۳۴
 ابن وشاء ۱۴۳-۲۶۷
 ابن وکیع بنانی ۳۳۷
 ابن یامین بصری ۲۷۱
 ابن یزداد ۲۰۴
 ابو ازهر ۲۶۲
 ابو احسان ۴۸۲
 ابو احمد سلیمان ۱۵
 ابو احمد بن حلاب ۱۴۶-۲۸۱-۲۸۲
 ابو احمد عباس ۱۵
 ابو احمد بن کر نیب ۴۵۷
 ابو محمد بن منصور ۲۴۸
 ابو احمد خلیفه ۱۸۷
 ابو ادهم کلابی ۱۲
 ابو اسبکتکین ۶۳۷
 ابو اسماعیل ترمذی ۳۹۱
 ابو اسود دوئلی ۶۹-۷۰-۷۱-۲۶۲
 ابو اسحاق ۱۵۶-۱۸۱
 ابو اسحاق ابراهیم بن حبیب سقلی طبری
 ۴۲۷
 ابو اسحاق ابراهیم بن عباس ۲۰۱
 ابو اسحاق ابراهیم بن عماد مقلی ۳۲۲
 ابو اسحاق ابراهیم نص ۱۵
 ابو اسحاق بن ابو حنون ۲۴۴
 ابو اسحاق بن محمد بن اسحاق ۴۲۵
 ابو اسحاق شهرام ۴۴۴
 ابو انعمت ۱۸۸

- ابو امیه کاتب ۲۴۰
 ابو ایوب ۸۸
 ابو ایوب سلیمان بن یحیی ضبی ۶۲
 ابو ایوب مدینی ۲۴۴
 ابو البحتری (قاضی) ۱۶۸
 ابو البرداء ریاحی ۲۷۳-۲۷۹-۲۷۷
 ابو الجارود زیاد بن منذر ۵۹
 ابو الجود ۱۴۱
 ابو الحسن احمد ۱۱۲
 ابو الحسن احمد بن ابراهیم ۲۷۹
 ابو الحسن احمد بن جعفر ۶۶
 ابو الحسن احمد بن ابو منصور ۴۲۶
 ابو الحسن احمد بن محمد دینوری ۳۴۸
 ابو الحسن احمد بن یحیی ۲۹۱
 ابو الحسن ترمذی صفیر ۱۰۳
 ابو الحسن حرانی ۴۹۰-۵۲۰-۵۳۵
 ابو الحسن خزاز ۷۴
 ابو الحسن دقیقی حلوانی ضبری ۴۲۶
 ابو الحسن دقیقی ۵۹۵
 ابو الحسن رضا علیه السلام ۴۰۸
 ابو الحسن سمری ۳۳۷
 ابو الحسن شمشاطی
 ابو الحسن عروسی ۶۱
 ابو الحسن کرخی ۳۸۴
 ابو الحسن متبوع عبدوسی ۲۸۱
 ابو الحسن نسابه ۱۸۸
 ابو الحسن نوی ۳۹۵
 ابو الحسن بن ابوعلی ۱۲-۱۵-۵۰۱
 ابو الحسن بن اسود تمیمی ۱۵
 ابو الحسن بن ثابت ۴۹۰
 ابو الحسن بن حیران ۳۹۶
 ابو الحسن بن ابوطاهر ۲۴۲
 ابو الحسن بن ابومنصور ۲۴۳
 ابو الحسن بن رجاء ۱۰۵
 ابو الحسن بن سنان بن ثابت بن قره
 ۳۵۷-۵۳۵
 ابو الحسن بن صابونی ۳۸۷
 ابو الحسن بن فرات ۲۱۱-۵۰۰
 ابو الحسن بن نجیع ۲۸۳
 ابو الحسن (بن وراق) ۱۴۵
 ابو الحسن سری بن مفلس سقزی ۳۴۳
 ابو الحسن عبدالوهاب بن عمر و سهملواتی
 ۲۸۰
 ابو الحسن علی بن عبدالغفار جرجرانی
 ۲۷۹
 ابو الحسن علی بن عیسی رمانی ۱۰۶-
 ۱۰۷-۲۱۱-۲۲۵-۲۲۲-۳۹۲-۳۹۳-
 ۵۸۱
 ابو الحسن علی بن محمد ۲۳۴-۳۰۴
 ابو الحسن علی بن محمد علوی ۳۶۱
 ابو الحسن علی بن محمد بن فیاض ۲۸۰
 ابو الحسن علی بن مهدی کسروی ۷۶-۷۵
 ابو الحسن علی بن هارون بن علی ۲۳۸
 ابو الحسن علی بن یحیی ابومنصور ۲۳۷
 ابو الحسن محمد بن احمد ۳۹۳
 ابو الحسن محمد بن حسن بن اشناس ۳۳
 ابو الحسن محمد بن سلام ۲۸۱
 ابو الحسن محمد بن یوسف ناظ ۴۱-۴۲
 ابو الحسین ۱۲
 ابو الحسین خزاز ۹۷-۱۰۰-۲۱۲
 ابو الحسین خزاز نحوی ۶۰
 ابو الحسین دریدی ۱۰۴-۱۰۵

- ابوالطیب ملقی ۳۹۴
 ابوالعباس ۴۰۸-۶۱۴
 ابوالعباس احمد بن ثوابه ۲۱۳-۲۱۴
 ابوالعباس احمد بن سهل اشعانی ۵۷
 ابوالعباس احویل ۲۶۰-۲۶۲
 ابوالعباس بنوی ۳۳۷
 ابوالعباس بن ثوابه ۲۸۰
 ابوالعباس ثعلب ۵۸-۶۰-۶۱-۶۹-۷۴-
 ۸۹-۹۲-۹۵-۹۷-۱۰۳-۱۰۶-
 ۱۰۹-۱۱۰-۱۱۲-۱۱۳-۱۱۶-
 ۱۱۷-۱۲۱-۱۲۴-۱۲۵-۱۲۶-
 ۱۶۱-۲۶۳
 ابوالعباس بن فرات ۲۷۹
 ابوالعباس بن معتر ۲۰۵
 ابوالعباس صمیری ۲۴۹
 ابوالعباس عبدالله بن ابو اسحاق ۱۵
 ابوالعباس عبدالله بن محمد بن عبدالله ناسی
 ۲۸۰
 ابوالعلاء ۳۲۲-۴۷۴
 ابوالعلاء بن کرنیب ۴۹۱-۵۰۶
 ابوالعیناء ۲۰۵-۲۹۵
 ابوالعباس کاتب ۳۲۱
 ابوالعباس مبرد ۶۰-۷۰-۹۰-۹۴-۹۵-
 ۹۸-۱۰۰-۱۰۱-۱۰۲-۱۰۳-۱۰۵-
 ۱۰۶-۱۲۵-۱۲۶
 ابوالعباس محمد بن خلف ۱۴۵
 ابوالعباس محمد بن یزید ۱۰۱
 ابوالعباس محمد بن یزید نحوی ۳۰۴
 ابوالعباس ناشی ۶۰۱
 ابوالعباس ناعی ۲۸۲
 ابوالفتح ابن جنی نفوی ۲۸۲
 ابوالفتح محمد بن حنفر ۹۹
 ابوالفتح نحوی ۱۰۴-۲۵-۳۸۷-
 ابوالفرج ۶۷
 ابوالحسین ناشی ۳۳۰
 ابوالحسین احمد بن خالد بن مادرانی ۲۸۰
 ابوالحسین احمد بن یحیی ابوبغل ۲۷۹
 ابوالحسین احمد بن نجیح بن ابوحنیفه
 ۲۸۵
 ابوالحسین اسحاق بن شریح ۲۱۶
 ابوالحسین سمید بن ابراهیم تستری ۲۸۱
 ابوالحسین بن طاهر بن حسین ۲۶۸
 ابوالحسین عبیدالله بن احمد بن ابوطاهر
 ۳۵۵
 ابوالحسین علی بن عباس نوبختی ۲۸۰
 ابوالحسین علی بن عیسی ۳۵۶
 ابوالحسین محمد بن اسحاق بن حسین مادرانی
 ۲۷۹
 ابوالحسین بن ابوعلی ۱۵
 ابوالحسین بن ابو عمر ۱۸۹
 ابوالحسین بن ثوابه ۲۱۴-۲۷۹
 ابوالحسین بن کرنیب ۴۹۱
 ابوالحسین بن یونس ۴۲۶
 ابوالخیر خمار ۴۴۷
 ابوالصقر اسماعیل بن نبیل ۲۷۹
 ابوالصقر قبیعی ۴۷۹
 ابوالطیب احمد بن حسین متنبی ۳۸۲
 ابوالطیب آخر الشافعی ۱۰۹-۱۱۰-۱۱۱-
 ۱۲۱-۵۴۱
 ابوالطیب بن اشناس ۶۱
 ابوالطیب بن سلمه ۳۹۳-۳۹۴
 ابوالطیب عبدالرحیم حرانی ۲۷۸
 ابوالطیب بن عبدوس ۲۷۶
 ابوالطیب محمد بن علی نجاری ۲۸۰
 ابوالطیب محمد بن عبدالله یوسفی ۲۷۹

ابوالقاسم عیسی بن علی ۲۱۲-۴۴۵-۴۴۷
 ابوالقاسم کلواذاتی ۲۱۳
 ابوالکلب حسن بن نضاح ۲۷۵
 ابوزیر ۸۸-۲۰۹
 ابوالوفا ۴۷۹-۴۸۴-۵۰۵-۵۰۶
 ابوالهوحمیری ۲۷۲
 ابوالید کلابی ۸۳
 ابو یحیله راجز ۲۶۹
 ابو برزام ۵۸۲
 ابوبرزه ۵۰۳
 ابو برهم ۵۴
 ابوبصیر ۲۷۲
 ابوبکر ۴۱-۴۲-۵۷-۱۰۴-۱۰۵
 ابوبکر احمد بن محمد طالقانی ۲۷۹
 ابوبکر احمد بن موسی (آخرین رئیس
 قاریان مدینه السلام) ۵۵
 ابوبکر احمد بن نصر ۱۲
 ابوبکر اخشید ۱۶۸-۲۱۰-۴۲۵
 ابوبکر واسماعیل پسران ابواولیس
 ابوبکر اصم ۵۹
 ابوبکر بردعی ۴۳۰
 ابوبکر زهیری ۱۸
 ابوبکر بن اشته اصبهانی ۶۰
 ابوبکر بن انباری ۱۲۵
 ابوبکر بن درید ۷۵-۷۶-۱۰۰-۱۰۲
 ابوبکر بن رائق ۲۴۱
 ابوبکر بن سراج ۸۷-۱۰۱
 ابوبکر بن عبدالعزیز ۳۶۹
 ابوبکر بن علاف ۲۸۱
 ابوبکر عورمی ۲۷۵
 ابوبکر بن عیاش ۴۹-۶۳

ابوالفرج اصبهانی ۱۸۹
 ابوالفرج اصفهانی ۲۳۴
 ابوالفرج قدامة بن جعفر ۴۵۸
 ابوالفرج معافا ۴۲۷
 ابوالفرج معافا بن زکریاء نهرروانی ۴۲۴
 ابوالفرجی ۱۲
 ابوالفضل احمد بن سلیمان بن وهب ۲۷۸
 ابوالفضل بن عمید ۴۴۰
 ابوالفضل جعفری ۲۸
 ابوالفضل حماد بن اسحاق ۲۳۲
 ابوالفضل صالح بن عبدالملک تمیمی خراسانی
 ۱۲
 ابوالفضل عباس بن عبدالجبار ۲۸۰
 ابوالقاسم اسماعیل بن ابراهیم ۱۵
 ابوالقاسم انطاکی ۴۷۹
 ابوالقاسم بلخی ۲۸۹-۳۱۶
 ابوالقاسم بن سهلویه ۳۲۴
 ابوالقاسم بن ابو علاء ۲۸۰
 ابوالقاسم بن عبیدالله ۵۳۰
 ابوالقاسم یوباش ۳۶۶
 ابوالقاسم جعفر بن محمد بن حدار (مصری)
 ۲۷۹
 ابوالقاسم جنید بن محمد ۳۴۳
 ابوالقاسم حجازی ۳۱۸-۳۸۶
 ابوالقاسم حدیثی ۴۳۱
 ابوالقاسم عبدالرحمن ۱۳۴
 ابوالقاسم عبدالله بن سلیمان طائی ۴۰۹
 ابوالقاسم عبدالله بن علی ۲۱۲
 ابوالقاسم عراد ۴۲۶
 ابوالقاسم غلی بن احمد کوفی ۳۵۹
 ابوالقاسم علی بن یسری ۲۸۰

- ابو بکر بن فرخان ۴۹۲
 ابو بکر بن کامل ۴۲۶
 ابو بکر بن تجاهد ۵۷-۶۰-۹۲-۲۱۲
 ابو بکر بن محمد بن حسن بن مروان ۱۰۲
 ابو بکر بن محمد بن حمامی ۱۰۴
 ابو بکر محمد بن ابراهیم ۳۹۵
 ابو بکر محمد بن ابو نلج کاتب
 ابو بکر وراق ۶۱
 ابو بکر وکیع ۲۳۴
 ابو بکر محمد بن هارون بن ابان ۲۷۸
 ابو بشر ۳۶۵
 ابو بشر متی ۴۵۴-۴۵۵-۴۵۶-۴۵۷-
 ۴۵۸-۴۵۹-۴۶۰-۴۷۳-۴۷۴-۵۷۵
 ابو تراب ۱۴۱
 ابو تمام حراد ۸۲-۲۰۱-۲۴۹-۲۷۶
 ابو توبه میمون بن حفص ۵۳
 ابو تیار ۲۷۱
 ابو تیمان بن ۲۷۰
 ابو ثابت سلیمان بن سعد ۴۴۳
 ابو ثروان ۸۹
 ابو ثوابه اسدی ۷۹
 ابو ثور ابراهیم ۶۵-۳۸۹-۳۹۰
 ابو جارود ۳۳۳
 ابو جاموس ۷۹
 ابو جراح عقیلی ۸۲-۸۹
 ابو جری ۲۶۲
 ابو جریر ۴۲۴
 ابو صعصعه ۵۲-۵۹-۳۲۵-۴۰۴-۴۱۰-
 ۵۹۵
 ابو جعفر احمد بن ابو عثمان کاتب ۲۷۷
 ابو جعفر احمد بن عبید ۱۲۶
 ابو جعفر احمد بن محمد بن عیسی قمی ۴۰۷
 ابو جعفر حارث ۴۵۸
 ابو جعفر بن رستم طبری ۶۱-۷۰-۱۰۲-
 ۱۱۸-۴۲۲-۴۲۵-۴۲۷
 ابو جعفر بن رضا ۴۰۶
 ابو جعفر بن شیرزاد ۲۱۶
 ابو جعفر بن عباسه ۲۵۳
 ابو جعفر بن علی علیه السلام ۴۰۴
 ابو جعفر بن منیر ۵۳
 ابو جعفر خازن ۴۷۹-۵۰۵
 ابو جعفر دامغانی ۲۸۶
 ابو جعفر ضریر ۲۸۱
 ابو جعفر مدنی ۵۳
 ابو جعفر محمد بن قادم ۱۱۴
 ابو جعفر محمد بن جعفر کاتب ۲۷۸
 ابو جعفر محمد بن حمدان ۲۸۱
 ابو جعفر محمد بن سعید جر حرانی ۲۸۱
 ابو جعفر محمد بن علی شامغانی ۲۴۴-۳۳۰-
 ۳۶۳-۳۶۴
 ابو جعفر محمد بن ولید قمی ۴۰۸
 ابو جعفر منصور ۶۷-۱۹۴-۲۰۶-۲۹۴-
 ۴۰۸
 ابو جود رسانی ۲۸۴
 ابو جهم احمد بن یوسف ۲۷۸-۲۸۵
 ابو جهمة عدوی ۲۶۲
 ابو خیره ۱۲
 ابو حاتم ۱۰۴
 ابو حاتم رازی ۳۵۴
 ابو حاتم سجستانی ۶۱-۱۰۰
 ابو حاتم ورسنانی ۳۵۲
 ابو حارث لیث بن خالد ۵۲

- ابو حارث محمد بن عبدالله حرانی ۲۷۷
 ابو حازم قاضی ۳۸۴
 ابو حامد ۳۹۴
 ابو حبیب بن خراسانی ۳۳۲
 ابو حجار عبدالرحمن منصور کلابی ۸۲
 ابو حجناء نصیب ۲۷۱
 ابو حدادی ۱۲
 ابو حدرجان ۸۲
 ابو حسان زیادی ۱۸۱
 ابو حسان نملی ۲۵۰
 ابو حشیشہ ضبوری ۲۴۰-۲۷۱
 ابو حزام عکلی ۲۱۵
 ابو حصین ۲۲۶
 ابو حفص ۲۷۵
 ابو حفص بن عثمان ۲۹۵
 ابو حفص حداد ۳۱۶
 ابو حفص شمر نجفی ۲۷۵
 ابو حفص عمر بن بکیر ۱۲۱-۲۶۲
 ابو حکیمه راشد بن اسحاق کاتب ۲۷۸
 ابو حمزه ثمالی ۵۹
 ابو حمزه صوفی ۳۴۸
 ابو حنوفه ۲۰۷
 ابو حنیفه ۱۱۷-۳۱۱-۳۱۴-۳۷۷-۳۷۸
 ۳۷۹-۳۸۰
 ابو حنیفه دینوری ۱۱۳-۱۲۲
 ابو حنیفه نعمان بن ثابت ۲۷۳-۲۷۴-۳۷۵-
 ۳۷۶
 ابو حنیفہ نمیری ۳۷۱
 ابو حنیفه نمیری ۲۶۱-۲۷۱
 ابو خالد خراسانی ۵۱
 ابو خالد غنوی ۱۷۴
 ابو خالد مهلبی ۳۷۷
 ابو خزیمه انصاری ۴۲
 ابو خطاب بهدلی ۳۷۴
 ابو خطاب محمد بن ابوزینب ۳۴۸
 ابو خلف واسطی ۳۳۳
 ابو خنیفه زهر بن حرب ۴۱۸
 ابو خیره ۸۰
 ابو دثار قلعینی ۸۳-۸۹
 ابو دنانه احمد بن منصور (بصری) ۲۷۵
 ابو درداء عویمر بن زید ۴۷
 ابو عامه عیسی ۸۲
 ابو قیش ۸۳
 ابو لامد ۲۲۸-۲۱۹
 ابو دلف ۱۷-۱۹۱-۳۵۳
 ابو دلف قاسم بن عیسی ۹۱-۵۵۹
 ابو دلف عجلی ۲۷۴
 ابو دلف ینبوعی ۶۲۰-۶۲۱-۶۲۷
 ابو دماش ۱۳۷
 ابو دهمان ۲۷۴
 ابو ذکوان ۱۰۲
 ابو ذهل ۴۷
 ابو ذهل احمد بن ذهل ۵۲
 ابو راسب بجلي ۲۷۵
 ابو ربیع حامد بن علی ۵۰۸
 ابو ربیع محمد بن لیث ۲۰۶
 ابو ربیع خندب بن سودب ۲۷۳
 ابو روح صابی ۴۵۷
 ابو روح کاتب ۲۰۷
 ابو زرارہ ۵۶۹
 ابو زرعر ۵۷۶
 ابو زکریا ۴۵۸

- ابوزکریا احمر ۸۲
 ابوزکریا یحیی بطریق ۴۴۵
 ابوزکریا یحیی بن عدی ۴۶۰-۴۶۱ -
 ۴۷۵
 ابوزیاد ۸۳
 ابوزیاد کلابی ۱۰-۲۷۴
 ابوزید ۶۱-۹۲-۹۴-۹۶-۹۸-۱۰۰ -
 ۱۲۰-۲۲۸
 ابوزید بلخی ۶۱-۲۲۸-۴۵۸
 ابوزید ثابت بن نعمان ۴۷
 ابوزید کلابی ۷۸-۳۸۴
 ابوزید مازنی ۸۳
 ابوسبح طائی ۸۳
 ابوسبع مدنی ۲۷۳
 ابوسرار غنوی ۷۸-۹۷
 ابوسروان عکلی ۸۱
 ابوسعید عبدالرحمن بن احمد اصفهانی ۲۲۷
 ۲۸۰
 ابوسعید مخزومی ۲۷۶
 ابوسعید ۷۰-۷۲-۷۳-۷۴-۹۳-۹۴ -
 ۹۷-۹۹-۱۰۲
 ابوسعید ابان بن عثمان بن عفان ۵۳
 ابوسعید حسن بن مرزبان ۱۰۶
 ابوسعید حصری صوفی ۳۱۵
 ابوسعید رجا ۵۹۵
 ابوسعید سکری ۲۶۰-۲۶۳-۲۶۴-۲۶۶
 ۲۶۹
 ابوسعید سنان بن ثابت بن قره حرانی ۵۳۵
 ابوسعید شعرانی ۳۵۱
 ابوسعید سیرافی ۱۰۶
 ابوسعید مصری ۶۴۰
- ابوسعید مفاذلی ۵۰۶
 ابوسعید وهب بن ابراعیم ۲۱۳-۲۱۶ -
 ۵۷۷-۵۷۱
 ابوسفیان ۲۸۶
 ابوسقر کلابی ۸۳
 ابوسلیمان ۳۶۴
 ابوسلیمان ادریس بن ابو حفص ۲۶۷
 ابوسلیمان دارانی ۳۴۴
 ابوسلیمان منطق سجستانی ۴۴۴-۴۷۶
 ابوسهل فضل بن نوبخت ۳۳۰-۳۳۱ -
 ۳۵۶-۴۳۴-۴۳۵-۴۳۷-۴۹۲
 ابوسمط عبدالله بن سمط ۲۶۷-۲۶۸
 ابوسواد دوئلی ۷۲
 ابوسوید عبدالقوی بن ابو عتاهیه ۲۶۸
 ابوشاکر ۶۰۱
 ابوشامی ۲۰۷
 ابوشرایه فزاری ۲۷۱
 ابوشقیر ۶۵
 ابوشلمع ۳۴۹
 ابوشمخ ۷۹
 ابوشمق ۲۷۲
 ابوشنبل عقیلی ۸۰-۲۷۵
 ابوشهاب خیاط ۲۷۲
 ابوشیص محمد بن عبدالله بن رزین ۲۶۸
 ابوداعد کلابی ۸۲
 ابوصالح ۲۰۴
 ابوصدقه ۲۶۲
 ابوصالح عبدالله بن محمد بن یزید ۲۷۹
 ابوصعصعہ ضریر کوفی ۲۷۴
 ابوصقر عدوی ۸۲
 ابوصلح سندی ۲۷۴

- ابو عبدالله (کاتب) ۲۰۷
 ابو عبدالله کوفی وزیر ۲۲۴
 ابو عبدالله محمد ۲۱۴
 ابو عبدالله محمد بن اسماعیل بن صالح ۲۸۰
 ابو عبدالله محمد بن جراح ۲۴۵-۲۵۶
 ابو عبدالله محمد بن حسن ۵۰۲
 ابو عبدالله محمد بن حسین ۲۸۲
 ابو عبدالله بن محمد بن حفص عطار ۴۲۲
 ابو عبدالله محمد بن حمدان طرائفی ۳۸۹
 ابو عبدالله محمد بن داود یعقوبی ۲۷۸
 ابو عبدالله محمد بن طاهر ۳۸۲
 ابو عبدالله محمد بن عبدوس جهشیاری ۵۴۰
 ابو عبدالله محمد بن عباس یزیدی ۸۷
 ابو عبدالله محمد بن عتبہ ۵۰۶
 ابو عبدالله محمد بن غالب ۴۲
 ابو عبدالله محمد بن یزداد ۲۷۷
 ابو عبدالله محمد بن قاسم ۱۰۱
 ابو عبدالله محمد بن واقد فیریایی ۴۱۷
 ابو عبدالله مفتح بصری ۲۸۰
 ابو عبدالله نمری ۱۴۶
 ابو عبدالله هارون بن علی ۲۳۸-۲۳۹
 ابو عبدالله یزدی ۸۹-۱۲۵
 ابو عبدالرحمن شافعی ۳۹۳
 ابو عبدالرحمن عطوی ۲۷۸
 ابو عبدالرحمن محمد بن ابوذیب ۴۱۲
 ابو عبدالرحمن یزیدی ۶۰-۶۱
 ابو عبدهاشمی ۲۵۱-۲۵۲
 ابو عبدالله ۳۰۴
 ابو عبدالله قاسم ۶۱
 ابو عبید قاسم بن سلام ۵۳-۸۴-۹۰
 ابو عبیده ۶۰-۷۰-۷۸-۹۲-۹۴-۹۵-
 ابوضیاء نصیبی ۲۴۶
 ابوطالب ۱۰۵-۱۱۸
 ابوطالب احمد بن ۵۵۳
 ابوطالب عبیدالله احمد ۳۶۶
 ابوطاهر ۶۱
 ابوطاهر سندوک ۲۸۱
 ابوطاهر عبدالواحد بن عمر ۵۷
 ابوطحان قینی ۲۶۱
 ابو عاصم اسلمی ۲۷۱
 ابو عالیہ شامی ۲۷۵
 ابو عاصم نبیل ۲۸۵
 ابو عبدالله احمد بن کامل ۲۸۰
 ابو عبدالله احمد بن عبدالله نوبختی ۲۸۰
 ابو عبدالله ازدی ۲۸۶
 ابو عبدالله بصری ۳۸۵
 ابو عبدالله بن اسحاق ۷۳
 ابو عبدالله بن ادریس ۳۸۶
 ابو عبدالله بن حانی ۷۱
 ابو عبدالله بن عبدوس ۲۱-۲۹۱
 ابو عبدالله بن مقله ۶۹-۷۴-۹۲-۹۵-
 ۱۱۲-۱۲۴
 ابو عبدالله جعفر بن محمد علیه السلام ۳۲۷-
 ۳۲۹
 ابو عبدالله حسن بن احمد بن (اسحاق)
 مادرانی ۲۷۹
 ابو عبدالله حسن بن علی ۱۵
 ابو عبدالله حکم بن معبد اصفهانی ۲۸۰
 ابو عبدالله حنشی ۳۲۲
 ابو عبدالله خزیمی ۱۶
 ابو عبدالله خولانی ۱۳۵
 ابو عبدالله رزام ۳۴۸

ابوعلی عبدالرحمن بن عیسیٰ دمشقی ۲۷۹
 ابوعلی منصور ۲۳۸
 ابوعلی همام ۴۰۹
 ابوعلی یحییٰ رومی ۲۳
 ابوعلی حسن بن علی بن نصر ۶۶
 ابوعلی حسن بن یوسف ۲۰۰
 ابوعلی عاصم بن محمد کاتب ۲۸۰
 ابوعلی محمد بن عروس کاتب ۲۷۹
 ابوعلی محمد بن معن بن هشام ۳۴۸
 ابوعلی محمد بن علی بن متکله ۲۸۰-۱۵
 ابوعلی محمد بن علی فیاض ۲۸۱
 ابوعلی یحییٰ هارون بن مخلد کاتب ۲۷۹
 ابو عمران ۶۱۳-۶۱۲
 ابو عمران بن رباح ۳۲۲
 ابو عمران سلمی ۲۷۵
 ابو عمر جریمی ۹۸
 ابو عمر جعفر بن عبدالعزیز ۵۲
 ابو عمر دوری ۶۲
 ابو عمر زاهد ۱۲۲-۱۲۵-۸۰
 ابو عمر صالح بن اسحاق بجلی ۹۷
 ابو عمر عمری ۴۴۵-۱۶۷
 ابو عمرو ۲۴۵-۱۶
 ابو عمرو بن علا ۷۳-۷۱-۶۹-۶۱-۴۷
 ۸۷-۸۲-۷۴
 ابو عمرو جریمی ۹۱
 ابو عمرو شیبانی ۱۲۰-۱۱۵-۸۳-۷۲
 ۲۶۳-۲۶۲-۲۶۱-۲۶۰
 ابو عمرو عثمان ۲۹۴
 ابو عمرو مقری ۵۸
 ابو عمرو و منازلی ۵۰۶-۵۰۵
 ابو عمیث اعرابی ۲۷۴-۸۵
 ابو عنیس صیمری ۴۹۸-۴۹۷

۹۶-۹۸-۱۰۰-۱۱۹-۱۲۰-۱۲۲-
 ۱۲۳-۲۶۲-۳۰۴
 ابو عبیده معمر بن مثنیٰ ۲۶۳
 ابو عتاهیه ۲۶۸-۲۶۶-۱۱۵
 ابو عثمان ۷۹-۷۸
 ابو عثمان دمشقی ۵۳۰-۴۷۹-۳۳۱
 ابو عثمان سعید بن حمید کاتب ۲۷۸
 ابو عثمان سعید بن عبدالرحمن
 ابو عثمان مازنی ۹۱
 ابو عدنان سلمی ۲۷۴-۷۹
 ابو عرار اعرابی ۷۸-۷۷
 ابن عمر م ۲۱۲
 ابو عربیه ۵۶۹-۴۱۹
 ابو عره اسقف حران ۴۰
 ابو عزافر عمر ۲۷۲
 ابو عصیده ۱۲۲
 ابو عطیه جرو ۸۳
 ابو عقیل ۱۲
 ابوعلی احمد بن علی بن حسن مادرانی ۲۷۹
 ابوعلی احمد بن اسماعیل نظامه ۲۸۰
 ابوعلی بصیر ۲۷۸-۲۰۵-۲۰۲
 ابوعلی بن خالد ۳۲۵
 ابوعلی بن زرعه ۴۶۱-۴۵۹
 ابوعلی بن سوار کاتب ۲۲۹
 ابوعلی بن مقله ۲۰۸-۲۰۶-۱۰۵-۵۵
 ابوعلی بن همام اسکافی ۴۰۶-۴۰۵
 ابوعلی جیائی ۳۱۹-۳۱۶-۳۱۵-۶۵-
 ۳۳۲-۳۲۲-۳۲۱-۳۲۰
 ابوعلی سعید ۶۰۲-۵۹۵
 ابوعلی رجا ۶۰۲
 ابوعلی صفار ۱۰۱-۹۷

ابو عوانه ۵۵
 ابو عیسیٰ اعور ۶۳۴
 ابو عیسیٰ بن شیران ۱۶
 ابو عیسیٰ بن منجم ۵۲۵
 ابو عیسیٰ وراق ۳۱۶-۶۰۱
 ابو عیسیٰ یهودی ۳۱۷
 ابو عیناء ۹۲-۹۵-۲۰۰
 ابو عیینہ بن محمد ابو عیینہ ۲۷۳
 ابو غالب مقاتل بن نصر ۲۸۰
 ابو فرعون شاشی ۲۷۳
 ابو قیس ۸۹
 ابو قیس لزار ۸۳
 ابو فید ۸۴
 ابو فید مؤرج سدوسی ۶۰
 ابو فهد ۱۴۳
 ابو قیس بن مناف بن زعره ۹
 ابو قران ۶۴۲
 ابو قران بونی ۶۳۴
 ابو قره کلایی ۸۲
 ابو قلمس عمرو بن قنص کنانی قیمی ۳۰۶
 ابو قمامق قتمسی ۸۳
 ابو کامل ۵۰۳
 ابو کبس باغلی ۸۳
 ابو کرب ۴۲۴
 ابو کمن نمری ۸۳
 ابو مالک ۲۸۵
 ابو مالک اعرج ۲۶۹
 ابو مالک عمرو بن کر کره ۷۷
 ابو محیب دیمی ۱۱۲-۱۱۷

ابو محزم ۲۰۶
 ابو محلم شیبانی ۸۰-۸۱
 ابو محمد اصفهانی ۱۲
 ابو محمد بن ابورافع ۴۹۹
 ابو محمد بن جعفر خلدی ۳۴۳
 ابو محمد بن درستویه ۷۵-۱۰۵
 ابو محمد حسن بن علی علیه السلام ۴۰۹
 ابو محمد حسن بن وهب ۴۹۱
 ابو محمد عباس بن فضل ناسی ۲۸۰
 ابو محمد عبدالله ۱۵
 ابو محمد عبدالله بن محمد شامی ۱۲۵
 ابو محمد عبدالعزیز واثق ۶۷
 ابو محمد قاسم انباری و پسرش ابو بکر ۱۲۶
 ابو محمد قاسم بن اسحاق ۱۵
 ابو محمد قاسم بن محمد کرخی ۲۸۰-۳۳۲
 ابو محمد قاسم خیاط ۵۷
 ابو محمد قاضی سنیان ۳۳۷
 ابو محمد موهلی ۲۸۴
 ابو محمد یزیدی ۶۰-۳۰۰
 ابو محمد یحییٰ بن مبارک عدوی ۸۷
 ابو مخنف ۱۵۷
 ابو مرثی ۲۶۲
 ابو مروان غیلان ۲۰۶
 ابو سهل اعرابی ۸۱
 ابو مسکین بردعی ۲۸۴
 ابو مسلم ۶۱۵
 ابو مسلم خراسانی ۳۵۲-۶۱۵-۶۱۶
 ابو مسلم عبدالرحمن بن واقد واقدی ۵۲
 ابو مسلم غازی ۸۳
 ابو مسلم محمد بن بحر ۲۲۵
 ابو مسلم معاذ الهراء ۱۱۰

- ابومسهر اعرابی ۸۳
 ابومسهر محمد بن احمد ۱۴۲
 ابومصر حنی ۸۳-۲۷۳
 ابومقاتل ۴۲۵
 ابومقاتل نصر بن معنی دیلمی ۲۷۹
 ابومقسم ۶۵
 ابومعاذ ۲۹۲
 ابومعاذ فضل بن خالد نحوی ۶۰
 ابومعافا ۶۴-۲۷۱
 ابومعاویه اسود ۳۴۴
 ابومعشر ۴۳۷-۴۴۰-۴۷۲-۴۸۶-۴۹۴
 ۴۹۶-۴۹۷-۴۹۹
 ابومغیث ازدی ۲۶۳
 ابوملک حضرمی ۳۳۱
 ابومنذر سلام ۵۴-۲۹۷
 ابومنصور ۲۳۶
 ابومنصور بن ابوبراک ۲۸۲
 ابومنعم ۱۸۰
 ابومنہال ۸۳
 ابومنہال عیینة بن منہال ۶۰
 ابوموسی ۸۸
 ابوموسی اشعری ۸۷
 ابوموسی بن عمار ۱۵
 ابوموسی مکفوف ۲۷۴
 ابوموسی هاشم ۳۰۴
 ابو... موصلی ۲۸۲
 ابوموصل ۱۱۹-۲۶۲
 ابومهدیه ۸۱
 ابونصر بن باری ۴۴۵
 ابونصر بن نباته تمیمی ۲۸۲
 ابونصر فارابی ۴۵۴-۴۷۵
 ابونضر ۶۹
 ابونجره نمیری ۲۷۱
 ابونجم حبیب بن نجم ۲۰۷
 ابونجم عجلی ۲۶۲
 ابونجم هلالی ۲۴۲
 ابونجیح ۵۹
 ابونعمان اعرابی ۸۳
 ابونعیم ۴۱۴
 ابونمله نمیلی ۲۳۱
 ابونواس ۸۴-۲۴۸-۲۶۶-۲۶۷-۲۹۸-
 ۳۰۴
 ابونوح بن صلت ۴۴۵
 ابونہشل و ابونصروہ محمد بن حمید ۲۷۶
 ابووراس خزاعی ۲۷۱
 ابوهارون بن محمد ۲۷۸
 ابوهاشم ۱۰۲-۳۲۳-۳۲۴-۳۲۵
 ابوهاشم جبائی ۳۱۹
 ابوهاشم حرانی ۲۰۷
 ابوهاشم طالبی ۲۷۱
 ابوهاشم عبدالله بن حنفیه ۲۹۳
 ابوهذیل علاف ۲۹۰-۲۹۵-۲۹۶-۲۹۷
 ۲۹۹-۳۳۶
 ابوهریره ۵۴
 ابوهفان ۲۰۵-۲۶۷
 ابوهفان مهزمی ۲۳۹
 ابوهلال دیجوری ۵۹۵
 ابوهمام روح بن عبدالاعلی ۲۷۵
 ابوهندام کلایی ۷۶
 ابوهندام (عقیلی) ۱۳۹
 ابوهندام مری ۲۷۳
 ابوهیثم اعرابی ۸۲

- ابویحیی بن بطریق ۴۹۱
 ابویحیی رئیس ۶۰۲
 ابویحیی مارودی ۵۰۶
 ابویحیی محمد بن عبدالله ۱۱۹
 ابویحیی مروزی ۴۵۵-۴۷۴
 ابویحیی مروزی دیگر ۴۷۴
 ابویزید محتسب ۳۵۰
 ابویقظان نسابه ۱۵۹
 ابویعقوب اسحاق بن حنین ۳۵۴-۵۰۹-۵۳۰
 ابویعقوب خریمی ۲۷۴
 ابویعقوب رازی ۳۷۱
 ابویعقوب شحام ۳۱۹
 ابویعلی بن ابوزرعه ۱۰۲
 ابویعلی حمزه حسنی ۴۷
 ابویعلی زرقان ۲۹۱
 ابویعلی محمد بن شداد ۲۹۷
 ابوینبغی ۲۷۴
 ابویوسف ۳۱۴-۳۷۶-۳۷۹-۵۰۹
 ابویوسف ایشع قطیعی نصرانی ۵۶۸
 ابویوسف رازی ۴۷۹
 ابویوسف قاضی ۱۱۲
 ابویوسف مصیصی ۵۰۳
 ابویوسف یعقوب بن سکیت ۲۶۶
 ابویونس اسواری ۲۹۰
 ابی العتاهیه ۲۴۳
 ابی بن کعب ۴۵-۴۴-۴۷
 ابی منصور النمری ۲۴۳
 ابسقلاوس ۴۸۰
 ابرخس زفنی ۴۸۲-۴۸۴
 ابلینس نجار ۴۷۹
 ابلونیوس ۴۸۰
 ابلینوس ۴۸۱
 ایبقورس طیب ۵۱۱
 ابنه الحرس ۵۸۹
 ابهری اصفهانی ۲۲۷
 ابهری ابوبکر ۳۷۲
 ایون بطریق ۴۸۶-۵۰۷
 اثاوالیس ۴۵۹
 اثرم ۹۶-۹۷-۴۱۸
 اثریب ۶۳۱
 احرم بن حمید طوسی ۲۷۶
 احطیفون ۵۱۲
 احمد ابوعیسی ۲۳۷
 احمد بن ابراهیم ۸۰-۱۳۵
 احمد بن ابو خالد ۱۲-۳۰۲
 احمد بن ابو دؤاد ۳۰۹-۳۱۰-۳۱۱
 احمد بن ابوسلمه ۲۷۸
 احمد بن ابوقتن کاتب ۲۷۷
 احمد بن اسحاق حرانی ۵۰۸
 احمد بن اسحق ۳۸
 احمد بن ابوعثمان کاتب ۲۷۱
 احمد بن ابونجم ۲۴۳
 احمد بن امیه بن ابوامیه ۲۷۱
 احمد بن جبیر ۵۳
 احمد بن جعفر ۵۵۱
 احمد بن جنید ۳۸۳
 احمد بن حاتم ۹۶
 احمد بن حارث خزاز ۱۷۳
 احمد بن حجاج ۲۷۵
 احمد بن حنبل ۱۱۵-۴۱۷-۴۱۸
 احمد بن حمدون ۲۳۹

احمد بن موسیٰ ۳۹۱-۴۸۱-۴۸۷-۴۸۹-۵۱۵
 احمد بن همام ۲۷۵
 احمد بن خلیل ۵۶۲
 احمد بن یحییٰ بن جابر بلادری ۲۷۸
 احمد بن یزید مهلبی ۳۰۴
 احمد بن یوسف ۲۰۰-۲۰۲-۲۰۳-۲۰۷-
 ۲۴۸-۲۷۴-۲۷۷
 احمد عباس ۲۷۲
 احمد کلیبی ۱۲
 احمد ۱۲۲
 احوال ۱۳۳
 احوال محرر ۱۴
 احوال بن جراح ۳۷۶
 اخفش بزرگ ۸۹
 اخفش بصری ۲۷۵
 اخفش مجاشعی ۹۱-۹۸-۱۰۰
 اخفش سعید ۶۰-۶۲
 اخفش کوچک ۱۴۰
 اخطل ۲۶۳
 اخمیمی ۶۴۲
 ادریس علیه السلام ۳۸
 ارامیس ۴۶۵
 ارابی ۵۶۵
 اربلیس ۴۵۲
 ارجیجانس ۵۱۵
 ارحلاوس ۶۳۴
 اردشیر بن بابک ۴۳۷-۵۵۸
 اردشیر بن بابک کلواذانی ۲۱۵
 ارسطالیس ۴۶۵
 ارسطراطس دوم ۵۱۴
 ارسطرحس یونانی ۳۸۶
 ارسطین ۴۴۸-۴۶۴

احمد بن خالد ریاشی ۲۷۹
 احمد بن خلف ۵۰۸
 احمد بن دواد ۹۸
 احمد بن زید حلوانی
 احمد بن سعید ۱۲۴-۱۲۵
 احمد بن سهل ۱۳۶
 احمد بن سیار جرجانی ۲۷۲
 احمد بن صالح شیرزاد کاتب ۲۸۰
 احمد بن طاهر ۲۴۷
 احمد بن طیب ۴۵۴-۴۵۶-۴۷۲-۴۷۳-
 ۴۷۴-۵۶۱-۵۶۴
 احمد بن طولون ۳۸۳
 احمد بن عبدالعزیز بن ابودلف ۳۵۲
 احمد بن عبدالله بن سلام ۳۷-۳۸
 احمد بن عبدالله بن رشید کاتب ۲۸۰
 احمد بن عبدالله بن میمون ۳۴۹
 احمد بن علویه اصفهانی کاتب ۲۷۸
 احمد بن علی بن جبار کاتب ۲۷۸
 احمد بن علی بن عیسیٰ ۵۰۸
 احمد بن عیسیٰ ۲۵۴-۲۷۸
 احمد بن عیسیٰ بن شیخ ۴۷۲
 احمد بن محمد ۸۸-۲۸۱
 احمد بن محمد اشمونی ۶۳۲
 احمد بن محمد بن زیدده کاتب ۲۷۸
 احمد بن محمد بن عبدالله کاتب ۲۸۷
 احمد بن مدبر ابوالحسن ۲۷۸
 احمد بن محمد بن مدبر ۲۷۵
 احمد بن محمد متوکل ۲۸۰
 احمد بن محمد محاسب ۵۰۴
 احمد بن معذل ۶۵-۲۷۵
 احمد بن منجم ۲۰۰-۲۴۳

- اسحاق بن حماد ۱۲۰-۳۷۰
 اسحاق بن حنین ۴۴۸-۴۴۹-۴۵۲-۴۵۴
 ۴۵۵-۴۵۶-۴۵۸-۴۵۹-۴۶۰-۴۶۱
 ۴۶۲-۴۷۹-۴۸۲-۵۱۰-۵۱۲-۵۱۶
 ۵۱۸-۵۱۹-۵۲۰-۵۳۰
 اسحاق بن خطاب ۲۰۷
 اسحاق بن خلف ۶۰۱
 اسحاق بن راهویه ۴۱۸
 اسحاق بن سلمه ۲۱۰
 اسحاق بن سلیمان ۵۳۶
 اسحاق بن سلیمان بن علی هاشمی ۴۴۵-
 ۴۴۶
 اسحاق بن صباح سبعی ۲۷۴
 اسحاق بن علی الهاشم ۵۶۰
 اسحاق بن فضل و برادرانش عبدالرحمن و
 محمد و عبدالله ۲۷۱
 اسحاق بن معاذ مصری ۲۷۶
 اسحاق موسلی ۱۶۱
 اسحاق بن یزید ۴۴۶
 اسحاق راهب ۲۷-۴۳۷-۴۴۹
 اسطاث ۴۴۵-۴۵۸-۴۶۰-۴۸۱-۵۱۴-
 ۵۲۳
 اسطاطالیس ۱۶
 اسطانیس ۶۳۳-۶۳۴
 اسطفانیس ۶۳۴
 اسطمس ۵۱۲
 اسطوس ۶۳۴
 اسقلیبودس ۵۲۳
 اسقلیبوس دوم ۵۱۱-۵۱۲
 اسقلوس ۵۱۱
 ارسلکاس ۴۸۶
 ارس قسیس ۶۳۴
 ارسلو ۱۹۴-۴۴۸-۴۵۰-۴۵۱-۴۵۲-
 ۴۵۳-۴۵۷-۴۶۰-۴۶۱-۴۶۲-
 ۴۶۳-۴۶۴-۴۶۵-۴۶۷-۴۷۴-۵۵۷-
 ۵۶۷
 ارستومانیس ۴۵۲
 ارسیبجانس ۵۲۲
 ارشمیدس ۴۸۰-۴۸۱-۵۰۹
 ارطامیدورس ۴۶۴
 ارطخاش ۴۴۸-۴۴۹-۴۵۰
 ارمینس ۴۶۵-۵۱۵
 اروس رومی ۵۵۴
 اریکل ۴۸۷
 اریوس رومی پسر ادلفانوس ۵۵۰
 ازد بن غوث ۱۰۱
 ازدی ۱۴۳
 ازرقی ۱۸۴
 اسامه بن لوی بن غالب ۱۲
 اسحاق ازرق ۴۱۶
 اسحاق بن ابراهیم ۸۷-۲۳۷-۲۴۸-۲۷۴
 اسحاق بن ابراهیم بن اسود عمومی ۱۵
 اسحاق بن ابراهیم طاهری ۶۰
 اسحاق بن ابراهیم مروزی ۵۲
 اسحاق بن ابراهیم مصعبی ۳۸۲
 اسحاق بن ابراهیم موسلی ۷۴-۲۳۲-
 ۲۳۳-۲۳۴
 اسحاق بن ایوب ۲۴۲
 اسحاق بن بشر ۱۵۸
 اسحاق بن جصاص ۲۷-۲۸

- اشعری ۴۰۶
 اشمن ۶۳۱
 اشناندانی ۱۳۹
 اشنانی قاضی
 اشهب بن عبدالعزیز ۳۷۰
 اصطخری ۵۰۴
 اصطخری ابوسعید ۳۹۲
 اصطغانوس پسر بطلمینس رومی ۵۵۰
 اصطفن ۵۲۱
 اصطفن اسکندرانی ۴۵۴
 اصطفن باسیل ۴۴۵
 اصطفن بسیل ۵۱۸-۵۱۹-۵۲۱
 اصطفن حربی ۶۳۴
 اصطفن راهب
 اصطفن قدیم ۴۴۵
 اصف بن برخیا ۵۴۹
 اصم ۳۱۳-۳۹۱
 اصم نیشابوری ۳۸۹-۳۹۱
 اصمعی ۶۱-۷۱-۷۳-۸۱-۷۲-۸۸-۹۲-
 ۹۴-۹۵-۹۵-۹۷-۹۸-۹۹-۱۰۰-
 ۱۱۹-۱۲۰-۲۰۵-۲۶۱-۲۶۲-
 ۲۶۳-۲۶۹
 اصمعی عبدالملک بن قریب ۲۶۰
 اعشی ۵۷-۱۲۵
 اعشی الکبیر ۲۶۱
 اعشی باهله ۲۶۱
 اعین بن سنیس ۴۰۴
 اغاذیمون ۶۳۴
 اغافوطیمس ۵۱۲
 اغاذیمون ۵۶۵
 اغلوقن ۵۱۵
 اسقوریس ۵۱۲
 اسلقبیادس ۴۵۰-۵۱۵-۵۲۳-۵۲۴
 اسلقبیوس ۵۱۲-۵۱۳-۵۲۱-۵۲۳-۵۲۴
 اسلقبیوس اول ۵۱۱-۵۱۳
 اسکافی ۳۱۱-۳۱۲
 اسکندر ۱۹۴-۲۳۶-۲۳۷-۴۴۰-۴۴۸-
 ۴۴۹-۴۵۰-۴۵۱-۴۶۲
 اسکندر افرودیسی ۴۵۴-۴۵۵-۴۵۶-
 ۴۵۸-۴۶۰-۴۶۱-۴۶۲-۴۶۵-۵۱۶
 اسکندر رومی ۵۲۵
 اسکندروس ۵۲۳-۶۳۴
 اسلم بن سدره ۸
 اسلم بن قتیبه ۹۵
 اسماعیل بن ابومحمد یزیدی ۸۸-۲۷۵
 اسماعیل بن اسحاق قاضی ۶۵-۳۰۴-۳۷۰-
 ۳۷۲
 اسماعیل بن جعفر ۴۸-۲۰۰
 اسماعیل بن حریر حریری ۲۷۴
 اسماعیل بن صبیح ۲۰۷
 اسماعیل بن علیہ ۴۱۴
 اسماعیل بن عبدالله بن ابومهاجر ۵۱
 اسماعیل بن عبدالله بن قسطنطین ۴۹
 اسماعیل علیہ السلام ۸-۹-۱۰
 اسماعیل قراطیسی ۲۷۴
 اسماعیل بن مجمع ۱۶۶
 اسماعیل بن محمد ۴۹۶
 اسماعیل بن مهران ۴۰۹
 اسواری ۲۹۷
 اسید بن ابوعیص ۹
 اسید بن ابوالعیص بن امیه ۴۱۳
 اشجع سلمی ۲۶۹

- اغنور ۲۶
 اغنوسوديقوس ۵۲۴-۵۲۳
 الفارسی ابوعلی ۱۰۸
 افاربن لقیط ۷۶
 افسیطیا (مادر ارسطو) ۴۵۰
 افراغسوس ۶۳۴
 افرقلس طبیب ۵۱۲
 افلاطون ۱۶-۴۴۸-۴۴۹-۴۵۰-۴۵۱-
 ۴۶۵-۵۱۱-۵۲۱-۵۶۵-۶۳۴
 افلاغورس ۵۱۲
 افینورس ۵۱۲
 اقرن افراغیطی ۵۱۲
 اقریطن ۵۲۲
 اقلیدس ۱۶-۴۴۵-۴۷۸-۴۷۹-۴۸۰-
 ۵۱۲-۵۰۵
 اکسیدوس ۵۱۲
 امام ابو عبدالله محمد بن ادریس ۶۵
 امام حسن علیهما السلام ۷۱-۴۰۹-۶۴۳
 امام حسین علیهما السلام ۷۱
 امامه دختر حمدون ندیم ۲۴۷
 امیه بن ابوامیه ۲۷۱
 امرؤ القیس ۲۱۷-۲۶۰-۲۶۱
 ام سلمه ۵۳
 امقیدورس ۴۴۹-۴۵۸-۴۵۹-۴۶۳
 املیخس ۴۴۷-۴۵۴
 امونیوس ۴۵۴-۴۵۵-۴۶۲
 اموی ۷۹-۸۴-۱۲۰
 امیروس ۵۱۲
 امین ۱۱۱-۵۲۷
 انافرودیطوس ۴۶۳
 انباد قلس ۵۱۲
 اندو ۴۸۷
 اندروماخس قدیم ۵۱۲
 انس بن ابوشیخ ۲۰۷
 انس بن مالک ۲۹۲-۳۴۳
 انطاکی ۵۰۷
 انطوس ۶۳۴
 انطیتوس ۴۸۲
 انطیطرس ۴۵۲
 انطیمیماخس ۵۱۱
 انقلس ۵۱۲
 انقیلاوس ۵۲۱
 انکسیمانس ۵۱۲
 انکر ۴۸۷
 اوارس ۵۲۱
 اوریباسیوس ۵۲۱
 اوریمس ۴۶۵
 اوزاعی ۷۲-۳۴۴-۲۷۷-۴۱۵
 اوطوقیوس ۴۸۲
 اوطوقیون ۴۸۱
 اوطولوقس ۴۸۳
 اولمبیوس ۴۵۳
 اهرن کشیش ۵۲۸
 اهوازی ۲۵۴-۳۹۴
 ایامیلخس ۴۶۵
 ایناخ ۱۲۲
 ایرج ۲۰
 ایرن ۴۸۴-۵۰۹

- ایفرخس ۴۵۲
ایوب ۴۴۵
ایوب بن تمیم ۵۱
ایوب بن قاسم رقی ۴۴۵
ایوب سختیانی ۳۴۴
ایوب رهاوی ۴۴۵
- ب
- بابک خرمی ۳۵۲-۶۱۱-۶۱۲-۶۱۳-۶۱۴
باح ۲۲۵
الباحث عن معانی العلم ۲۲۷
بادروغوغیا ۴۸۵
بارون ۵۱۲
باسیل ۴۴۵
باکهر ۴۸۷
بانہ دختر روح ۲۳۹
بنیاء ابوالفرج عبدالواحد بن نصر شامی ۳۸۲
بتانی ۴۸۲-۵۰۰
بتالیس ۴۵۳
بثیون ۴۴۵
بجیلہ بن انمار بن غوث ۹۷-۹۸
بجتری ۲۴۹-۲۷۶
بجشل ۲۸۶
بحیر راحب ۳۷
بخاری ۴۱۹
بختیشیوع ۵۲۷
بدر ۴۷۲
برادر ابن عامر ۵۱
- برادران فضل رقاشی ۲۷۲
بربری محرر و پسران او ۱۵
برجلانی ۳۴۶
بردعی ۳۸۴
بردویہ ۱۴۶
برقریاد ۵۸۹-۵۹۰
برقی ۴۰۴
برمانیدس ۵۱۱-۵۱۲
برمکی ۲۵۳
برئیه مصری ۲۷۴
بزرگمهر ۱۷-۵۴۱
بزرهمهر ۵۹۵
بزنتلی ۴۰۴
بسپل ۴۵۷
بسپل مضران ۴۴۵
بشار ۲۳۷
بشار بن برد ۲۱۸-۲۶۶-۶۰۱
بشتی ۲۲۹
بشر بن ابوبشاره ۲۰۷
بشر بن ابی حازم ۲۶۱
بشر بن حارت ۳۴۴
بشر بن معاذ ۴۲۴
بشر بن معتمر ۲۷۰-۲۹۷-۲۹۸-۳۰۰-۳۰۱
۳۰۱
بشر بن ولید ۳۷۷
بشر بن ولید قاضی ۳۷۷
بشر مریمی ۳۴۲
بصری ، معروف بجمل ۳۲۴
بطلمیوس ۴۴۵-۴۸۱-۴۸۲-۴۹۱-۵۰۷
بطلمیوس اسکندریائی ۴۳۲

بلوی ۳۶۰
 بلیناس حکیم ۵۵۳
 بندار ۴۱۰
 بند بنجی ۲۸۵
 بن رمضان دیگر ۱۴۲
 بن قبوما ۱۲
 بنو حماد ۳۵۴
 بنو صباح ۴۹۵
 بنومدثر ۲۰۳
 بنوموسی ۴۸۰-۴۸۷-۴۸۸-۴۸۹-۵۰۹-
 ۵۲۵
 بنووجهالنعجه ۱۵
 بنیامین ۴۷۵
 بنی اسد ۴۱۴
 بنی تمیم و پدرش ۴۴۲
 بنی ثعلبه بن سید بن ضبه ۱۱۶
 بنی جذیمه بن مالک ۴۹
 بنی حارث بن کعب
 بنی حشم ۳۳۶
 بنی حمدان ۷۱
 بنی دارم بن هانی بن لخم ۴۹
 بنی سلیم ۲۴۳-۴۱۵-۴۱۶
 بنی شیبانی ۳۲۷
 بنی ضبه ۲۹۲
 بنی عامر بن کلاب ۷۸
 بنی عامر بن لوی ۴۱۲
 بنی عبدالحکم محمد ۴۲۴
 بنی عبدالله بن معمر تیمی ۹۲
 بنی عبدمناف ۹
 بنی عدویه ۲۹۴

بطلمیوس غریب ۴۵۰-۴۵۲-۴۶۵
 بطلمیوس لاغرس ۴۵۲
 بطولوماوس فیلادلفوس ۴۳۷
 بطین بن امیه حمصی ۲۷۲
 بغوی ۴۲۳
 بقراط ۴۴۸-۵۱۲-۵۱۳-۵۱۴-۵۱۵-
 ۵۲۲
 بقراط اول ۵۱۲-۵۲۳-۵۲۴
 بقراط پسر دراقن ۵۱۴
 بقراط پسر ناساوس ۵۱۴
 بقراط چهارم ۵۲۳-۵۲۴
 بقراط دوم ۵۱۱-۵۲۳-۵۲۴
 بقراط سوم ۵۲۳-۵۲۴
 بکار بن احمد بن بکار ۶۷
 بکار بن النطاح ۲۴۲
 بکار بن سرد ۲۸۰
 بکار بن عبدالعزیز بن ابودلف ۲۲۶
 بکار بن عبدالوهاب مدینی ۴۲
 بکار بن عبدالله ۱۸۲
 بکار بن فیض بن عبدالحمید تیمی ۲۰۷
 بکار بن محمد مازنی ۹۸-۹۹
 بکار بن نطاح شاعر ۲۷۲
 بکاری ۱۴۴-۱۵۱
 بکیر بن اعین ۴۰۴
 بلال بن ابوبرده ۲۰۶-۲۰۷
 بلال بن جریر ۲۶۳
 بلادری ۱۸۶
 بلادری احمد بن جابر ۴۴۶
 بلخی ۹۱-۲۹۰-۲۹۳-۲۹۴-۳۱۱-
 ۳۲۳-۶۱۱-۶۱۵
 بلس رومی ۴۸۴

	بنی عراره ۲۹۴
پ	بنی عقیل ۲۹۴
	بنی قفل ۳۷۳
پسر ابوبکر ۴۱۹	بنی کاهل ۵۴
پسر ابوخیثمه ۴۱۹	بنی لیث بن بکر بن عبدمنافه کفانه ۳۳۸
پسر اسکافی ۳۱۲	بنی لیث بن کفانه ۷۲-۷۴
پسر اولمبیوس ۴۵۳	بنی مجاشع بن دارم ۹۱
پسر ش احمد ۴۰۵	بنی مخزوم ۲۹۲
پسر عماره ۵۱	بنی منقر ۱۱۲
ت	بنی ناجیه ۳۴۲
تاوماي رهاوی ۴۰	بوئاغورس بن مسيارخس ۴۴۷
تدرس سنقل ۴۴۵	بودرجمهر ۴۸۴
تذاری ۴۴۵	بوروس ۶۳۴
تالس ۵۲۴	بوسقطیری بن اسوری ۶۰۸
ترمذی ۴۲۳	بوقی ۵۰۸
ترمذی بزرگ ۱۳۴	بویطی ۳۹۰-۳۹۱
ترمذی کوچک ۱۳۵	بهاقرید ۶۱۴
تغلیبی ۲۴۵	بهدلی ۸۳
تمیمی ۴۴۶	بهرام بن مردانشاه ۴۴۶
تمیمی ابوالحسن علی بن محمد ۲۸۳	بهرام پسر شاپور ۵۹۶
تمیم بن ابی ۲۶۱	بهرام چوبین ۵۵۷
توزی ۹۸-۹۹-۱۰۲-۱۰۴	بهرام گور ۵۵۷
توقشقل هندی ۵۲۴	بهمن پسر اردشیر ۵۱۳
توما ۵۱۹	بیدخ دختر ابلیس ۵۵۱
تیادورس ۱۹-۲۵-۴۰-۴۵۴-۵۲۶	بیدون خادم ۲۷۴
تیادوق ۵۳۷	بیطوالس ۴۶۴
تیما ۹	بیطولس ۵۰۸
تیم الله بن ثعلبه ۲۷۳-۴۰۸	بیوراسب پسر ونداسب ۲۰
تینکلوس یابلی ۴۸۵	
تیوفیلی ۴۴۵-۴۵۶	

ثيودورس ۴۸۴

ج

جابر بن قرة بن ثابت ۵۷۹
 جابر بن قرة حراني ۵۰۸
 جابر بن حيان ۶۳۴-۶۳۶-۶۳۷-۶۳۹-
 ۶۴۰-۶۴۳
 جابر بن سنان حراني ۵۰۸
 جاثليق ۶۲۵
 جاحظ ۳۲-۶۵-۷۷-۲۵۵-۲۹۷-۳۰۴-
 ۳۰۵-۳۰۶-۳۰۷-۳۰۸
 جاسيوس ۵۲۱
 جالينوس ۲۶-۲۸-۴۴۷-۴۴۹-۴۶۱-
 ۴۶۲-۴۶۴-۵۱۱-۵۱۳-۵۱۴-
 ۵۱۵-۵۱۶-۵۱۷-۵۲۱-۵۲۲-
 ۵۲۳-۶۲۴-۵۲۵-۵۳۱
 جاماسب ۶۳۴
 جاماسب حكيم ۴۳۶
 جاويدان پسر سهرک ۶۱۲-۶۱۳
 جباري ۴۸۷
 جبرئيل ۵۲۷-۵۲۸
 جبل بن يزيد ۱۹۴-۲۰۶
 جبلة بن سالم ۴۴۶-۵۴۱
 جبهري ۴۸۷
 جبیر بن غالب ۴۳۰
 جحظه ۲۴۰-۲۵۱-۲۵۶-۵۶۱
 جراب الدوله ۲۵۲
 جران النور نميري ۲۶۱
 جرم بن ريان ۹۷

ث

ثابت بن ابو ثابت ۱۱۷
 ثابت بن احوسا ۵۷۹
 ثابت بناني ۳۴۴
 ثابت بن ايليا ۵۷۹
 ثابت بن طيون ۵۷۹
 ثابت بن عمرو بن حبيب ۱۲۰
 ثابت بن قرثيا ۵۷۹
 ثابت بن قرة ۴۴۴-۴۵۴-۴۵۷-۴۶۳-
 ۴۷۹-۴۸۱-۴۸۲-۴۸۴-۴۸۹-
 ۴۹۰-۵۰۶-۵۰۹-۵۱۸-۵۱۹-
 ۵۲۳
 ثابت بن قمع ۴۴۵
 ثابت بن نصر بن مالك ۱۲۰
 ثائلس ۵۱۴
 ثاجن ۴۵۳
 ثاذيفس ۴۸۵
 ثالس ۵۲۳
 ثامسطيوس ۴۵۴-۴۵۵-۴۵۶-۴۵۷-
 ۴۵۸-۴۵۹-۴۶۰-۴۶۲-۴۶۵
 ثامسطيوس طيب ۵۱۲
 ثاوفرطس ۴۵۲-۴۵۴-۴۶۰-۴۶۵
 ثاون ۴۴۹-۴۵۴-۴۶۵-۴۸۳
 ثقفی ابو اسحاق ۴۱۰
 ثمامه ۳۱۳
 ثمامة بن بشر ۳۰۲
 ثناء كاتبه ۱۲
 ثور بن عبد مناة بن عدنان ۴۱۱
 ثور بن يزيد ۵۱
 ثوري ۴۳-۳۷۷

- جرمی ۹۷-۱۰۱
 جریر بن عبدالله ۴۰۷
 جریر بن یزید ۲۰۶
 جعد ۶۶-۱۳۸
 جعد بن درهم ۶۰۱
 جعدی ۶۲
 جعفر الصادق علیه السلام ۳۶۶-۶۳۶
 جعفر بن ابوطالب ۲۴۸
 جعفر بن حسین ۵۶۲
 جعفر بن حمدان ۲۴۱
 جعفر بن حمدان موصلی ۲۴۶
 جعفر بن حرب ۳۱۱-۳۱۲
 جعفر بن زکریا ۵۰۰
 جعفر بن سلیمان ۸۵-۲۰۶
 جعفر بن سلیمان (والی مدینه) ۳۶۹
 جعفر بن عفان طائی ۲۷۵
 جعفر بن قدامه ۲۸۰
 جعفر بن مبشر ۳۰۰-۳۰۳
 جعفر بن محمد بن اشعث ۲۰۶
 جعفر بن محمد بن علی علیه السلام ۳۳۳
 جعفر بن مکنفی ۲۷
 جعفر بن یحیی ۱۲-۸۸-۱۹۹-۲۰۰-
 ۰۱-۳۶۲-۲۷۷۶
 جعفر دقاق ۴۲۳
 جعفر بن محمد بن علی ۴۰۹
 جعفری ۳۶۶
 جلودی ۱۸۹-۳۶۴-۳۶۵
 جمشید پسر او نجهان ۲۰-۲۱-۵۴۹
 حمل مصری ۲۷۵
- جناد ۷۷-۷۸-۱۵۵-۲۸۱
 جناد بن جناح کاتب ۲۷۷
 جناد کاتب ۲۷۸
 جنید بن محمد بن جنید ۳۴۸
 جنید بن نعیم ۳۶۱
 جورجس ۵۲۷
 جوزجانی ۳۸۰
 جوهری ۴۷۹
 جودر هندی ۴۸۷
 جهشیاری ۲۰۹
 جهضمی ۷۶
 جهم بن خلف ۲۶۹
 جهم بن خلف مازنی ۸۲
 جهمی ۱۸۴
 جیهانی ابو عبدالله ۲۲۸
 جیهانی محمد بن احمد ۶۰۱
 جیرون ۴۴۵
- ح
- حارث بن ابواسامه ۱۶۸
 حارث بن اسد ۳۴۵
 حارث بن کعب ۱۹۴-۲۰۶
 حارث بن عبدالعزیز ۲۴۸
 حارث بن منجم ۴۹۹
 حارث بن یسخر ۳۶۱
 حارث وراق ۳۱۶
 حامد بن عباس ۳۵۸
 حامض ۱۳۳
 حبش بن عبدالله ۴۹۴-۴۹۵
 حبیب الشعر ۲۸۲
 حبیب بن بهریر ۴۴۵

- حبيب عطار ۵۶۱
 حبیب بن حسن ۴۹۴-۵۱۴-۵۱۵-۵۱۷
 ۵۱۸-۵۱۹-۵۲۲-۵۲۵
 حبیب بن حسن ۴۴۴-۵۱۵
 حبیب بن حسن اعسم ۵۱۶-۵۲۹
 حبیب عیسی بن یحیی دمشقی ۴۴۶
 حجاج ۴۴۲-۶۲۰
 حجاج بن مطر ۴۴۴-۴۴۵-۴۶۰-۴۷۹
 ۴۸۲-۵۳۷-۵۹۴
 حجازی ۳۷۹-۳۸۰
 حجر بن سلیمان حرانی ۲۰۶
 حجر بن محمد ۲۰۷
 خداهود بن فرخزاد ۵۶۰
 حذیفه بن یمان ۴۲
 حرانی ۲۰۲
 حرب بن امیه ۹
 حرماز بن مالک بن عمرو بن تمیم ۸۴
 حرمازی ۲۷۴-۸۴
 حرمله بن یحیی ۳۹۰
 حرمی ۱۳۶
 حری ۱۱۹
 حریری ۵۵۲
 حریش بن تمیم ۲۶۲
 حزقیل ۴۰
 حزئیل ۱۱۵-۱۲۲
 حنا بادی ۳۵۵
 حسن بصری ۳۴۳
 حسن بن ابوالحسن بصری ۲۹۲-۳۴۴
 حسن بن ایوب ۳۲۳
 حسن بن بدرایشی ۲۸۶
 حسن بن تعالی ۱۲
 حسن بن جعفر الرحی ۶۰
 حسن بن جعفر برجلی ۶۵
 حسن بن جمهور ۴۰۹
 حسن بن خصیب ۴۹۵
 حسن بن رجاء بن ابوضحاک ۲۷۸
 حسن بن زراره ۴۰۴
 حسن بن زیاد ۳۷۹
 حسن بن زید ۲۷۸
 حسن بن سهل ۸۱-۱۱۲-۱۹۸-۲۰۰ -
 ۲۰۱-۲۲۷-۴۴۶-۴۹۳
 حسن بن طلحه قرشی ۲۷۵
 حسن بن صالح بن حی ۳۳۳
 حسن بن عباس ۴۷
 حسن بن عطیه ۵۲-۴۱۳
 حسن بن عماره ۳۷۵
 حسن بن قحطبه ۲۰۸
 حسن بن قدامه ۶۳۴
 حسن بن قطرب ۹۱
 حسن بن محبوب سراد ۴۰۶
 حسن بن محمد بن سماعه ۴۰۷
 حسن بن محمد بن غالب بن ابوعبدالله ۲۸۰
 حسن بن مصباح ۴۹۶
 حسن بن موسی ۴۸۹-۴۸۷
 حسن بن موسی نوبختی ۳۳۱
 حسن بن محمد زعفرانی ۴۲۴
 حسن بن واقد مروزی ۴۱۶
 حسن بن وهب ۲۰۱-۲۰۷-۲۷۷
 حسن قتاده ۲۹۰
 حسن و حسین اهوازی فرزندان سعید ۴۰۶
 حسن وهشام جوالیقی ۳۳۱
 حسویه ۴۷۲

حلاج ۳۵۵-۳۵۷-۳۵۸
 حلوانی ۱۳۵
 حماد ۳۰۴
 حماد بن ابوسلیمان ۳۷۵
 حماد بن اسحاق ۲۳۴-۲۳۵-۲۳۶-۲۳۷
 ۳۷۱
 حماد بن اسحاق بن ابراهیم ۱۲۰
 حماد بن زبرقان ۹۱
 حماد بن سابور ۱۵۴
 حماد بن مره یمانی ۵۵۲
 حماد بن یزید ۵۵
 حماد عجرد ۲۶۹
 حماد نعمان بن ثابت ۳۷۴
 حمدان بن ابان بن عبدالحمید ۲۷۲
 حمدان بن اشعث ۳۴۹
 حمدان قرمط ۳۵۲
 حمدون ۲۷۶
 حمدون بن اسماعیل ۲۳۹
 حمدون بن حاتم انباری ۲۸۰
 حمران بن اعین ۴۰۳
 حمزه ۵۵-۶۲-۶۳-۶۷
 حمزه بن حبیب زیات ۱۵۱-۵۲
 حمزه بن حسن ۲۳۰
 حمزه بن حمران ۴۰۴
 حمزه بن خزیمه کاتب ۲۷۷
 حمزه زیات ۶۴
 حمزه بن عقیف بن حسن ۲۰۷
 حمود حرار ترک ۳۳
 حمویه ۳۳۹-۳۵۳
 حمویه صاحب الطواویس ۲۹۹
 حمید ارقط ۲۶۱

حنی ۴۵۹
 حسین بن حسن بن سهل ۲۷۸
 حسین بن حفص اصفهانی ۴۱۲
 حسین بن دعبل ۲۶۸
 حسین بن صفار ۱۶
 حسین بن ضماک باهلی ۲۷۵
 حسین بن علی مرورودی ۲۲۸
 حسین بن علی مروزی ۳۵۱
 حسین بن کورال ۳۳۷
 حسین بن محمد ۱۰۴
 حسین بن مختارق ۳۵۹
 حسین بن مطیر ۲۱۸
 حسین بن مطیر اسدی ۲۷۰
 حسین خلیع بن ضحاک ۲۷۲
 حسین متصدی اداره رسائل عبدالملک ۴۴۳
 حصینی ۳۲۲
 حصین هجیمی ۸۲
 حضرموت ۷۲
 حظیة ۲۶۱
 حفص الفرد ۳۳۶
 حفص بن اثیم ۳۴۱
 حفص بن سلیمان ۵۰
 حفص ضریر ۴۲۰
 حفصه ۴۲
 حفصویه ۲۲۳
 حکم بن ظهیر صدوسی ۴۷
 حکم بن قنبر مازنی ۲۷۱
 حکمویه بن عبدوس ۲۳۰
 حکیم بن یحیی ۵۷۹
 حکیمی ۱۰۱-۵۲۶۲۴۹
 حکیمه الدهر ۵۸۹-۵۹۰

- حمید بن ثور راجز ۲۶۱
 حمید بن قیس اعرج ۵۹-۵۴
 حمید بن مهران کاتب ۲۷۹-۲۰۴
 حمیر ۴۱۵-۳۶۸
 حمیری ۱۰-۹
 حنانی ۵۰۲
 حنین بن اسحاق ۴۵۵-۴۵۴-۴۴۹-۴۴۴
 ۴۵۷-۴۵۸-۴۵۹-۴۶۰-۴۶۵-۴۸۱-
 ۵۱۴-۵۱۵-۵۱۶-۵۱۷-۵۱۸-۵۱۹-
 ۵۲۱-۵۲۳-۵۲۴-۵۲۴-۵۲۵-۵۲۹-
 ۵۳۰
 حوا ۵۹۰-۵۸۹-۵۸۸
 حوراطیمس ۵۱۲
 حیدر ۳۶۳
 حیدره ۴۰۱
- خ
- خاطف الھذلی افرنجی ۶۳۴
 خالد القسری ۵۹۵
 خالد بن ابوھیاج ۷۱-۱۱
 خالد بن برمک ۲۰۱
 خالد بن خدش ۱۸۰
 خالد بن ربیعہ افریقی ۱۹۴
 خالد بن ربیعہ سوقی ۲۰۶
 خالد بن صفوان ۲۰۶
 خالد بن طلیق ۱۵۹
 خالد بن عبدالله قسری ۶۰۱-۶۰۰-۵۹۴
 خالد بن کلثوم کلبی ۱۱۲
 خالد بن کلثوم کوفی ۲۶۰
- خالد بن یزید بن معاویہ بن ابو سفیان
 ۵۲-۴۴۱-۶۳۴-۶۳۵
 خالد کاتب ۲۷۷
 خالد واسماعیل پسران عبدالله قسری
 خاندان ثوابہ بن یونس ۲۱۳
 خالدیان ۲۸۳
 خباز بلدی ۲۸۲
 خثعمی ۲۸۵-۱۸۰
 خدش بن زھیر ۲۶۱
 خراش بن اسماعیل ۱۷۹
 خرزاد بن دارشاد محاسب ۴۹۵
 خرقی ۶۳۷
 خریبہ ۲۶۲
 خزاز ۱۳۸
 خزاعہ ۲۷۱
 خزاعی ۶۴
 خزیمہ بن خازم ۲۰۷
 خسرو آرزومقان ۶۰۴
 خشف ۲۷۳
 خشکنا نجره کاتب ۲۳۰
 خشنام بصری ۱۲
 خصاف ۳۸۱
 خطاب بن ابو خطاب ۲۰۶-۲۰۷
 خطاب بن معلی ۲۷۵
 خطابی ۱۱۸
 خفیف ۵۰۸
 خلاد بن یزید باھلی ۱۷۷
 خلف الاحمر ۲۷۰-۸۷
 خلف یزاز ۶۴
 خلف بن معدان ۵۴-۶۲-۶۴-۸۲-۹۲

- داود طائی ۳۴۴
 داود علیه السلام ۳۸-۳۹-۳۴۱
 دیاس ۳۵۷
 دیس ۶۴۳
 دیلی ۳۵۵
 دختر جریر ۲۶۳
 دختر حفصی ۱۰۱
 دختر لیولیانس ۴۴۱
 دراطوس ۶۳۴
 دراقن ۵۱۴-۵۲۳
 دریدین صه حبشی ۲۶۱
 دساورس ۶۴۴
 دعبل ۷۸-۸۶
 دعبل بن علی خزاعی ۲۶۸
 دعلج ۷۶
 دغفل ۱۵۱
 دلفاء ۲۷۳
 دمدابوغان ۹۴
 دمشقی ۳۰۰-۳۵۵-۴۵۷-۴۵۸-۴۶۲
 دمیانه اعر ۱۶
 دمیانی ۳۳۹
 دنانیر کنیز ابن کفاسه ۲۷۳
 دندانانی ۵۰۱
 دنقی ۲۷۱
 دومه ۹
 دومی ۱۴۱
 دیافرطیس ۴۶۳
 دیدوخس برقلس افلاطونی ۴۶۰
 دیسوردوس اول ۵۱۴
 دیسوردوس عین زربی ۵۲۲
 دیمرتی ۱۴۵-۲۲۶
- خلف بن هشام بن تغلب بزاز ۵۵-۶۱-
 ۶۶
 خلف بن یوسف دستمبسانی ۵۵۲
 خلف نحوی ۶۰
 خلیع رقی ۲۸۴
 خلیل بن احمد ۷۳-۸۴-۸۹-۹۰-۹۴-
 ۱۰۵-۱۱۰-۱۲۳-۲۶۹
 خلیل بن جماعه ۲۷۶
 خنساء ۲۴۳-۲۶۲
 خنلیل ۶۴۴
 خواریزمی ۴۹۳
 خیاط ۳۱۶-۳۲۳
 خیاط ابوعلی یحیی بن غالب ۴۹۶
- د
- دارا شاه ۱۹۹
 دارا پسر دارا شاه ۴۳۶
 دارمی مدنی ۲۷۱
 داریشوع ۴۴۵
 داربع راهب ۴۴۵
 داعی الی الله ۳۶۰
 داود اسود ۳۶۹
 داود بن ابو ذنبر و پسرش سعید ۳۶۹
 داود بن ابوطیبه ۶۲
 داود بن جراح ۲۱۱
 داود بن جهور ۲۷۷
 داود بن حمید ۲۷۶
 داود بن زید واسطی ۲۷۲
 داود بن عبدالله بن قطبه ۴۴۶
 داود بن علی ۶۵-۳۹۷-۳۹۹
 داود بن عمر بن هیبره ۱۹۵

رباعی ۴۰۱	دیمقراط ۶۳۴-۶۳۱
ربعی ۱۱۷	دیوقلیس ۵۱۲
ربیع بن خثیم ۴۱۱-۳۴۴	دهقان ۳۴۴
ربیع بن زیاد ۲۹۲	دهمچ ۸۰
ربیع بن سلیمان ۳۸۷-۳۸۸-۳۸۹-۳۹۰	ذ
۳۹۱-۳۹۲-۳۲۳	ذوالرمه ۲۶۲
ربیع بن فراس حرانی ۵۰۸	ذوالریاستین ۲۰۱
ربیع حاجب ۳۸۰	ذوالنون مصری ۶۳۴-۶۴۰
ربیعة الراى ۳۷۵	ذوالیمینین ۴۴۵
ربیعه بصری ۸۶	ذوریشیوس ۴۸۲
ربیعة بن بکر ۴۰۸	ذیسوس ۶۳۳
ربیعة رقی ۲۶۹	ذیمقراطس ۵۱۲
رحابی ۲۴۹	ذیوطالس ۴۵۲
ردادکلابی ۸۳	ذیوفنطس یونانی ۴۸۴
رزین عروضی ۲۷۳	ر
رستم ۲۱	راحه ۴۸۷
رشید ۱۲-۵۰-۸۰-۸۹-۱۱۱-۱۹۶-	رازی ابوبکر ۶۵-۶۶-۲۵۶-۲۸۵-
۲۰۸-۲۰۹-۲۷۳-۳۰۲-۳۷۶-۳۷۷-	۳۸۵-۴۵۴-۵۰۱-۵۳۱-۵۳۴-۵۳۵-
۳۸۶-۵۰۲	۵۶۱-۵۶۲-۶۳۱-۶۳۴-۶۳۷-۶۴۱
رضا علیه السلام ۴۰۴	رازی یعقوب بن محمد ۴۵۴-۵۰۴
رضا وپسرش محمد (علیهما السلام) ۴۰۶	رامف ۱۱
رقاشی ۲۰۶	راضی ۲۳۸
رقی ابوسعید ۴۰۰	راعی عبید ۲۶۱
رکان ۳۳۷	راوس ۵۱۲
رمانی ۳۲۰	راوندی ۱۷۸
رنطاح ۵۶۱	راهب نجرانی ۶۲۱-۶۲۵-۶۲۶-۶۲۷
رواسی ۶۸-۱۰۹-۱۱۰-۱۱۱-۱۱۲	

زکریا بن یحیی بن سلیمان ۳۰۶

زمیره ۴۳۷

زنبور بن فرج ۲۷۷

زنبور کاتب ۲۷۲

زنجی کاتب ۲۸۰

زنکل ۴۸۷

زوربا بن ماجوه ۴۴۵

زهري ۴۱-۴۲-۱۶۰

زهیر بن ابوسلمی ۲۶۰-۲۶۱

زهیر بن صالح ۴۱۸

زیاد اعصم ۳۴۱

زیاد بن ابوسفیان ۲۰۶

زیاد بن زید ۲۶۴

زیادی ۹۹-۱۰۴

زیدان ۴۰۶

زید بن ابوزرقاء ۴۱۲

زید بن اسلم ۵۹

زید بن ثابت ۴۱-۴۲

زید بن جهم ۲۷۰

زید بن علی علیه السلام ۳۳۲

س

سابور بن سهل ۵۲۸

ساجی ۳۹۲

ساعاتس ۴۸۶

سالم ۱۹۴-۲۰۷

سالم بن ابیه ۲۶۱

سالم بن فروح ۶۲۴

سالم کاتب ۲۰۶

ساموس ۵۱۲

روایدی ۱۵

رؤبه بن عجاج ۲۶۲-۲۶۹

روح بن عباده قیس ۴۱۵

روح بن عبدالسلام ۲۷۴

روسم ۶۳۴

روفس ۵۱۹

ریم ۲۷۳

ریمس ۶۳۵

ریاشی ۹۹-۱۰۴

ز

زادویه بن شاهویه اصفهانی ۴۴۶

زادهرمز ۵۹۴-۵۹۵

زائده بن قدامه ثقفی ۴۱۳

زبید مادر جعفر ۱۹۸

زبیده ۵۴۱

زبرقان یزید ۲۶۱

زیر ۳۲۶

زیر بن بکار ۱۸۲

زیر بن عوام ۲۳۹

زیری ۳۹۱

زجاج ۶۰-۱۰۳-۱۰۴-۱۰۵-۱۰۸-

۱۴۴

زرارة بن اعین ۴۰۳-۴۰۴

زر بن حبیش ۴۹

زردشت ۴۳۶

زرتشت پسر اسپتمان ۲۱

زرور . زرقاء ۲۷۳

زورین علی ۲۶۸

زعفرانی ۳۸۸-۳۸۹

زفر ۳۷۶

- ساواری ۴۶۴-۵۱۲
 ساوری ۵۱۲-۵۱۴
 ساهر ۵۳۰
 سایح علوی ۶۲۴-۶۴۳
 سبعه تالس بن هالی املیسی ۴۴۷
 سبلان ۳۳۷
 سجیس ۵۱۲
 سجاوه ۶۳۴
 سجیم بن وثیل عاملی ریاحی ۲۶۱
 سدید ۲۴۸-۲۶۹
 سرجون بن منصور ۴۴۳
 سرخسی ۱۱۸-۲۴۶
 سری ۲۸۳
 سری بن احمد کندی ۱۷-۲۸۱
 سری بن عبدالرحمن ۲۷۰
 سری رفاء ۳۲۰
 سریع بن یونس ۴۲۰
 سسه هندی ۵۵۴
 سعد ۴۲۵
 سعد البارع ۲۸۵
 سعدان بن مبارک ۱۱۹
 سعد بن عبید بن زید ۴۷
 سعد بن هریم (کاتب) ۱۹۸
 سعد فارسی ۷۰
 سعد قصیر ۱۵۳
 سعدون بن خیرون ۵۷۹
 سعید بن ابراهیم قمی ۴۰۷
 سعید بن حماد ۴۰۶
 سعید بن حسین بن عبدالله بن میمون ۳۵۰
 سعید بن حمید ابو عثمان ۲۰۳
 سعید بن حمید بختگان ۲۰۳
 سعید بن سعدون عطار ۲۸۶
 سعید بن عاص ۴۲
 سعید بن عبدالرحمن ۲۶۱
 سعید بن عبدالعزیز ۵۱
 سعید بن عبدالملک ۲۰۷
 سعید بن مبارک ۴۱۲
 سعید بن وهب ۲۰۳-۲۶۹-۲۷۸
 سعید بن وهب کاتب ۲۰۸
 سعید بن هریم ۲۰۶
 سعیدس ۶۳۴
 سعورس ۶۳۴
 سفاح ۲۴۸
 سفردوس اول ۵۱۱
 سفودندوس دوم ۵۱۲
 سفیان ثوری ۷۲-۲۲۲-۲۳۴-۲۴۴-
 ۴۱۱-۴۱۲
 سفیان بن سحیان ۳۷۹-۳۸۰
 سقراط ۱۷-۲۶-۴۴۷-۴۴
 سفیان بن عینیہ ۷۲-۲۳۲-۲۳۴-۴۱۳-
 سقراطیس ۴۴۷
 سقلاب بن منتهی ۲۷۱
 سکاك ۳۳۰
 سکری ۵۹-۸۲-۸۳-۹۴-۱۰۳-۱۱۷-
 ۱۳۲-۱۷۸-۲۶۲
 سکن ۲۷۳
 سکینه دختر حسین (ع) ۱۶۱
 سلامی ۲۸۱
 سلام بن ابرش ۴۴۵
 سلام فارسی ۳۳۸
 سلف بن عبقر ۹
 سلم ۲۰-۱۹۸

- سلم بن عمرو حاسر ۲۶۹
 سلم خاسر ۶۰۱
 سلم رئیس بیت الحکمه ۵۴۲
 سلام لصدی بیت الحکمه ۴۴۴
 سلمویه ۴۷۲-۱۷۷
 سلمویه بن بنان ۵۲۷
 سلمه ۲۳۹-۱۲۶
 سلمه بن عاصم ۱۱۴-۱۱۵
 سلمه بن عباد بن منصور ۲۷۱
 سلمه بن عیاش ۲۶۹
 سلیل بن احمد ۴۲۵
 سلیم خادم ۵۵
 سلیم بن قیس هلالی ۴۰۳-۴۰۲
 سلیم ۱۲
 سلیمان ابوشیخ ۳۷۵
 سلیمان بن ابوجعفر ۲۰۷
 سلیمان بن ابوسهل بن نوبخت ۲۷۸
 سلیمان بن داود علیه السلام ۵۴۹
 سلیمان بن داود هاشمی ۴۱
 سلیمان بن عبدالملک ۲۹۰
 سلیمان بن عبدالله بن طاهر ۲۶۹
 سلیمان بن علی ۷۹
 سلیمان بن قاسم برادر جعفر بن قاسم ۱۰۰
 سلیمان بن مهاجر ۲۶۹
 سلیمان تیمی ۳۴۴
 سلیمان وهب ۲۶۹-۲۵۲-۲۰۱
 سمرطیس ۵۱۱
 سمره بن جندب ۴۹۱
 سمعان ۴۴۵
 سمکه ۲۳۰
 سموس ۵۵۸
 سمونیدس ۲۶
 سنان ۲۸۵
 سنان ثابت ۵۶۸-۴۹۰
 سنان بن جابر حرانی ۵۰۸
 سنان بن فتح ۵۰۳
 سندی بن شاهک ۲۸۱
 سندی بن صدقه ۲۷۷
 سندی بن علی ۴۷۹-۴۹۴-۴۹۵
 سندی بن علی یهودی ۴۹۳
 سنبلیقوس ۴۶۵
 سنبلیقوس ۵۱۴
 سنبلیقوس رومی ۴۸۳-۵۱۴-۴۵۴-۴۵۹
 سنقحا ۶۳۴
 سهکلام ۳۲۵
 سهل بن بشر ۴۹۳-۴۹۵
 سهل بن حسن ۴۴۵
 سهل بن غالب خزر جی ۲۷۳
 سهل بن محمد بن عابث (مصرمی) ۲۷۹
 سهل بن هارون ۱۶-۱۹۷-۱۹۸-۲۷۲-
 ۲۷۷
 سهل بن هارون (متصدی بیت الحکمه) ۲۰۶
 سهل بن هارون بن راهنون ۵۴۱-۵۴۲
 سهل تسری ۳۴۷
 سورانییدیقوس ۵۱۲
 سورنوس حکیم ۵۲۳
 سوربانوس ۴۶۵-۴۶۰
 سوریدوس ۵۱۱
 سوسنجردی ۳۳۱
 سوناخس ۵۱۲
 سوناتوس ۵۱۲
 سولون ۵۶۵

شريك ۵۵	سويدبن عبدالعزيز ۵۱
شطرنجی ۲۸۵	سيبويه ۹۹-۹۸-۹۴-۹۱۹۰-۸۹-۷۲
شعبی ۴۳	سیدبن ضمضم کلای ۲۷۵
شمرانی ۱۲	سیدبن محمد حمیری ۲۶۹
شفةالمقراض ۱۶	سید حمیری ۲۴۸
شقیخ خادم ۱۲	سيفالدوله ۲۱۷-۲۸۱-۲۸۲-۳۶۵-
شماخ ۲۶۱	۵۰۸-۴۴۵
شمخمه ۳۳۸	سيفالس ۵۲۳
شمشاطی ۲۲۵-۲۵۴	سیماس ۶۳۴
شمعونی ۶۰۶-۵۷	سیمانس ۵۱۲
شملی ۵۱۸-۴۶۰-۴۴۵	سیو دریوس ۴۴۹
شبلبن غرره صنبی ۷۹	
شهرزاد ۵۴۰	ش
شهرک ۱۷۶	شاپور ۵۹۶
شيث عليهالسلام ۳۸	شاپور پسر اردشیر ۵۸۴-۵۸۳
شيخ ابوسعید ۹۸-۹۵-۹۲-۸۹-۶۹-۱۰	شاپور ذوالاکتاف ۵۳۶-۴۴۱-۴۴۰
شيخ ابوسليمان ۴۵۴-۴۴۰	شائل ۵۹۰
شيخ ابومحمد يوسف بن حسن ۵۵	شافعبن عبدمناف ۳۸۶
شيبان راعی ۳۴۴	شافعی ۳۷۹-۳۸۴-۳۸۶-۳۸۷-۳۸۸-
شيببن شيبه ۲۰۶	۳۸۹-۳۹۰-۳۹۱-۳۹۲-۳۹۳
شبية بن نضاح ۵۳	شاه ميکال ۲۵۱
شيرمدی دیلمی ۳۵۵	شبةبن عقال ۲۰۶
شيطانالطاق ۳۲۹	شبلبن منقی ۶۱۲
شيطمی ۲۸۲	شبيببن برصاء ۲۶۱
شيلمه ۲۱۰	شبيببن داخ ۶۱۵
	شبيب عصفری ۴۲۲
	شجاعبن ... ۵۰۸
	شراسيو مصری ۱۲
	شراعةبن زند بود ۲۶۹
	شرقیبن قطامي ۱۵۲-۵۴۳
ص	
صا، ۶۳۱	
صابی ۲۲۲	

سندید ۵۸۹-۵۹۰
 سوانی ۳۶۵
 صوری ۳۲۷
 صوفی ۵۰۷
 صولی ۲۳۳-۲۳۶-۲۴۸-۲۴۹-۲۵۶-
 ۲۶۷-۲۷۶-۲۷۲-۲۷۷-۲۸۱-۲۸۲
 صیدنائی ۵۰۱
 صیرفی ۳۴۱
 صیمری ۳۲۳
 صیمری عادانی ۳۲۵
 صینی ۲۴۰
 ض
 ضبه ۷۴
 ضبی ۶۷
 ضحاک ۳۸۵
 ضحاک بن عجلان ۱۲
 ضرار بن سرد ۶۲
 ضرار بن عمر ۳۱۴
 ضریس بن اعین ۴۰۴
 (ضریب) که کاتب بود ۲۷۹
 ضمیری ۲۷۴
 ضمره نهشلی ۹۴
 ضمه قشیری ۲۶۴
 ط
 طااط ۶۳۱
 طاطری ۳۳۱
 طالب و طالوت فرزندان سائس ۲۷۴
 طالح ۳۴۱

صاحب ابوالقاسم بن عباد ۲۲۳
 صادق علیه السلام ۵۶۲
 صالح بن ابوالاسود ۴۰۳
 صالح بن ابونجم ۲۴۳-۲۷۲-۲۷۷
 صالح بن احمد ۴۱۸
 صالح بن جناح ۲۷۰
 صالح بن حی ۳۳۲
 صالح بن صالح ۳۳۳
 صالح بن عاصم ناظ ۵۳
 صالح بن عبدالرحمن ۴۴۲
 صالح بن عبدالقدوس ۲۷۱-۲۹۵-۶۰۱
 صالح حنفی ۱۵۳
 صالح زاد انفرخ ۴۴۲-۴۴۳
 صالح مدیری ۵۵۱
 صالح مری ۳۴۴
 صالح ناجی ۳۴۲
 صجار عبیدی ۱۵۲
 صدقه بن یحیی ۵۱
 صراسیه ۶۲۶
 صرف ۲۷۳
 صعصعه بن صوحان ۲۰۶
 صعودا ۱۲۴
 صفدی ۱۵۳
 صفوان بن یحیی ۴۰۷
 صقیل ۸۳
 صکه ۴۸۷
 صلحی ۳۰۰
 صلیبا ۴۴۵
 صموتی ۱۱۷
 صمونی کلانی ۸۳

- طاهر بن حسین ۸۵-۱۹۹-۲۰۷-۲۶۸
 طبری آملی ۴۲۴-۴۲۵-۴۲۶-۴۲۷
 ۴۵۸-۴۶۹
 طبری ابوعلی ۳۹۳
 طحاوی ۳۷۹-۳۸۳
 طرماح ۱۲۵-۲۶۱
 طریح بن اسماعیل ثقفی ۱۶
 طریح بن میاده ۲۳۷
 طفیل ۱۲۵
 طلحه ۳۲۶
 طلحه بن عبیدالله ۲۰۶-۴۱۴
 طلحه بن مصرف ایامی ۵۴
 طلحی ۱۳۶-۱۸۶-۳۳۱
 طماناوس ۴۰
 طنطوس انطونیا نوس ۵۸۳
 طوال ۱۱۳-۱۱۵-۱۲۲
 طوج ۲۰
 طور یوس ۴۶۴
 طوسی ۱۱۷-۱۱۹-۱۲۰-۱۲۱-۲۶۰-
 ۲۶۱
 طوماطیانوس ۴۸۲
 طهمورث شاه ۴۳۹
 طیفوری طبیب ۵۲۹
 طیماناناوس ۵۱۲
 طیماوی فلسطینی ۵۱۴
 طیمرخس ۴۵۲
 طینفروس بابلوی ۴۸۵
- ع
 عابر بن صالح ۲۵
- عاص بن هشام ۴۹
 عاصم ۵۷-۷۴
 عاصم بن بهدله ۴۹
 عاصم جحدری ۴۷-۵۴-۶۴
 عامر بن جدره ۸
 عاتکه ۱۱۹
 عاید بن ابو عاید ۵۲
 عیاد بن سلمان ۳۱۵-۳۳۷
 عیاد بن ممزق ۲۷۴
 عیاد بن یعقوب ۴۲۴
 عیاد بن ابو شعلی ۲۷۲
 عباس بن ابوریعنه عناقه ۵۳
 عباس بن احنف ۲۴۹
 عباس بن حسن عباسی ۲۷۲
 عباس بن حسن علوی ۲۰۶
 عباس بن سعید بن جوهری ۴۸۹
 عباس بن عبدالمطلب ۸۵
 عباس بن عتبه بن ابولهب ۲۶۱
 عباس بن فضل انصاری ۶۱
 عباس بن فضل ۴۲۱
 عیاد بن کسب
 عباس بن محمد ۷۸-۲۰۶
 عباس بن محمد (کاتب) ۱۹۵
 عباس بن محمد هاشمی ۳۳۵
 عباس بن مرداس ۲۶۱
 عبسی ۶۴
 عبدالله پسر حسن علوی ۲۰۶
 عبدالله ابوالقاسم ۲۳۷
 عبدالله بن ابواسحاق ۷۲
 عبدالله بن ابواسحاق خضری ۵۴-۷۲
 عبدالله بن ابوسفیان موصلی ۳۸۹
 عبدالله بن ابوسعید وراق ۱۷۹
 عبدالله بن ابوشیص ۲۶۸

- عبدالله بن ابومحمد ۸۸
عبدالله بن احمد ۴۱۸
عبدالله بن احمد بن حنبل ۱۱۶
عبدالله بن احمد بن يوسف ۲۷۹
عبدالله بن امیه ۲۷۱
عبدالله بن اہتم ۲۰۶
عبدالله بن ایوب تیمی ۲۷۲
عبدالله بن بکیر ۴۰۴-۳۵۹
عبدالله بن حجاج مدینی ۴۲
عبدالله بن حر ۲۷۱
عبدالله بن حماد ۲۲۴
عبدالله بن خاقان ۲۰۶
عبدالله بن خطاب ۳۲۴
عبدالله بن دواد ۳۳۸
عبدالله بن دیسم مروزی ۴۲۱
عبدالله بن زبیر ۲۰۶-۴۲
عبدالله بن سعید ۶۱۵
عبدالله بن سلام ۳۷
عبدالله بن شداد ۱۲
عبدالله بن شرحہ ۳۷۶
عبدالله ابن طالب کاتب ۲۸۰
عبدالله بن طاهر ۱۲۰-۱۱۴-۸۵
عبدالله بن طاهر بن حسین ۲۶۸
عبدالله بن عامر یحصبی ۵۰
عبدالله بن عباس ۳۸۱
عبدالله بن عباس بن ابوریعہ ۵۳
عبدالله بن عباس بن عبدالطلب ۲۰۶
عبدالله بن عبدالحکم مصری ۳۷۰
عبیدالله بن عبدالله بن یعقوب برادر یعقوبی ۲۷۹
عبدالله بن عبیدالله عائشی ۲۷۶
- عبدالله بن علی ۵۳۶-۲۴۸-۱۹۵
عبدالله بن قیس رقیات ۲۶۱
عبدالله بن مبارک خیاط ۴۱۶-۲۷۰
عبدالله مبارک یزیدی ۲۷۳
عبدالله بن محمد ۴۱۷
عبدالله بن محمد بن ابوعتاهیه ۲۶۸
عبدالله بن محمد بن ابوعیینہ ۲۷۳
عبدالله بن محمد بن عبدالملک ۲۷۸
عبدالله بن محمد عتبی ۲۷۶
عبدالله بن محمد کرمانی ۷۶
عبدالله بن محمد مکی ۲۷۶
عبدالله بن مسرور نصرانی ۴۹۷
عبدالله بن مسعود ۲۵۴-۴۵-۴۴
عبدالله بن مصعب ۲۷۰
عبدالله بن معتر ۸۳
عبدالله بن معذل ۲۷۵
عبدالله بن مقفع ۲۲-۱۹۵-۲۰۷-۴۴۱-
۵۴۲-۵۴۱
عبدالله بن مکحول عبدی ۲۹۵
عبدالله بن موسی العبسی ۵۲
عبدالله بن میمون ۳۴۸-۳۴۹-۳۵۰
عبدالله بن نصر کاتب ۲۷۸
عبدالله بن ولید عدنی ۴۱۲
عبدالله بن وہب ۳۶۹-۳۷۰
عبدالله بن ہلال ۵۵۱
عبدالله بن یحیی برمکی ۴۹۷
عبدالله بن یزید اباضی
عبدالله بن یزید (کاتب) ۲۷۹
عبدالله پسر خواہر ابوالوزیر ۲۷۹
عبدالله کوکبی ۳۱۹
عبدالجبار بن سعید مسا حقی ۲۷۳

عبدالقدوس فرزند عبدالواحد ابن نعمان بشیر

۲۷۴

عبدالقیس ۲۹۵-۷۰

عبدالکیس ۵۵۳

عبدالمبیدی ۲۷۲

عبدالمطلب بن هاشم ۹

عبدالمسیح بن ناعمه ۴۵۷

عبدالملك ۲۰۱

عبدالملك بن عبدالعزیز بن جریح ۴۱۳

عبدالملك ابن محمد ۴۱۲

عبدالملك بن اعین ۴۰۴

عبدالملك جدی ۴۱۲

عبدالملك بن صالح ۲۰۷-۱۹۶

عبدالملك بن عبدالعزیز بن ابوسلمه ماجشون

۳۶۹-۳۷۰-۳۷۱-۳۷۲

عبدالملك بن قریب ۹۵

عبدالملك بن مروان ۵۷۹-۲۶۷

عبدالمنعم ۱۵۸

عبدالواحد ۲۷۷

عبدالواحد بن زید ۳۴۴

عبدالوهاب بن عطاء ۴۱۶

عبدالوهاب بن علی ۲۰۶-۱۹۴

عبدان ۳۵۴-۳۵۳-۳۵۲

عبدان رهبر اسماعیلیه ۲۳۰

عبد خیر

عبدوس ۸۸

عبیدالله ۳۵۱-۱۹۳

عبیدالله بن ابوطاهر ۲۴۳

عبیدالله بن اسماعیل بن موسی ۴۲۴

عبیدالله بن سلیمان ۲۱۳-۱۰۳

عبید بن شریه جرهمی ۱۵۲-۱۵۱

عبیدالله بن عبدالله ۲۰۵

عبدالجبیار بن عدی ۲۰۶-۲۰۶

عبدالجبیار رومی ۱۲

عبدالحمید ۵۰۳-۴۴۳-۲۷۲-۱۶

عبدالحمید ابطر ۲۷۲

عبدالحمید بن سهل ۳۷۲

عبدالحمید بن عبدالحمید ۲۷۲

عبدالحمید بن یحیی ۱۹۳

عبدالحمید بن یحیی کاتب ۲۰۶

عبدالخالق فرزند عبدالواحد ابن نعمان بشیر

۲۷۴

عبدالرحمن ۴۲۴-۹۶-۹۵

عبدالرحمن بن ابوزناد ۴۱۲

عبدالرحمن بن زید بن اسلم ۴۱۲

عبدالرحمن بن ابوحاماد ۴۷

عبدالرحمن بن ابولیلی ۵۲

عبدالرحمن بن اعین ۴۰۴

عبدالرحمن بن حارث ۴۲

عبدالرحمن بن حسان ۲۶۱

عبدالرحمن بن سمرة ۲۹۴

عبدالرحمن بن عامر ۵۱

عبدالرحمن بن عیسی ۲۲۶-۲۱۲

عبدالرحمن بن عیسی همدانی ۲۸۶

عبدالرحمن بن قاسم ۳۷۰

عبدالرحمن بن هرمز ۶۹

عبدالرحمن خلیل بن احمد ۷۶-۷۵-۷۴

عبدالرحمن سلمی ۵۷-۵۰-۴۹

عبدالرزاق ۴۱۵

عبدالصمد بن حسان ۴۱۲

عبدالصمد بن معقل ۲۷۵

عبدالعزیز ۳۷۰-۳۴۵

عبدالعزیز بن ابان ۴۱۲

عبدالغفار بن عمرو انصاری ۲۷۱

- عبدالله بن عبدالله بن طاهر ۲۶۹
عبدالله بن عمران ۲۰۶
عبدالله - ۲۵۲
عبدالله بن محمد ۲۵۳
عبد بن حریش کاتب ۲۰۷
عبد بن خلف بزاز ۳۹۰
عبد بن زرارہ ۴۰۴
عبد بن سلف ۴۱
عبد بن معاویہ ۴۷
عتابی ۱۶-۱۹۹-۲۴۳
عتبۃ الاعور کوفی ۲۷۲
عتبۃ بن غلام ۳۴۴
عتبۃ غلام ۳۴۶
عتبی ۲۰۰
عثمان بن ابوشیبہ ۴۱۷
عثمان بن زیاد العابد ۱۲
عثمان بن خالد طویل ۲۹۵
عثمان بن عفان ۴۲-۵۰-۵۶-۲۶۷-۳۲۶
عثمان بن مالی ۵۷۹
عثمان طویل ۲۹۱
عجاج راجز ۲۶۲
عجلیہ ۵۰۸
عجلی اسطرابی ۵۰۸
عجیفی ۱۶
عجینی ابوبکر ۲۸۱
عبدس کنانی ۸۲
عدلی ۲۵۶
عدنان ۸
عدنان بن اد ۸
عدوان بن قیس بن غیلان بن مضر ۷۲
عدیاء حنفی مصری ۲۷۴
عدی بن زید عبادی ۲۶۱
عدی بن رقاع ۲۶۱
عراق بن عبدالله مصری ۲۷۵
عرام ۱۴۴
عرام بن اصبح سلمی ۸۳
عروہ بن ورد ۲۶۱
عروہ بن حمیصہ اسدی ۲۷۶
عزاقری ۶۳۴
عزالدولہ ۶۳۷
عزیز مصر ۲۵
عسوق ضبی ۲۷۵
عصمۃ بن ذهل ۴۷
عضالدولہ ۲۵۶-۴۰۱-۵۰۷
عطاء بن احمر مدینی ۲۷۴
عطاء خراسانی ۴۴
عطاء بن یسار ۴۶-۶۴
عطاء سلمی ۳۴۴
عطارد بن محمد ۴۹۸
عطوی ۳۳۸
عقبہ اذرعی ۵۵۱
عقبۃ بن ابومعیط ۴۱۴
عقیل بن بلال ۲۶۳
عکرمۃ بن ربیع تمیمی ۵۱
عکاشۃ بن عبدالصمد ۲۶۹
علاجی یحیی بن ابوحکیم ۵۲۹
علاء بن عاصم غسانی ۲۷۴
علاقۃ بن کرشم کلابی ۱۵۲
علان شعوبی ۹۲-۱۷۵
علان نحوی ۷۲
علیا ۳۵
علامہ اسود ۳۴۴
علقمۃ بن عبده ۸۷

- علم ۲۷۳
 علوی رسی ۳۶۱
 علی ابن احمد بن سیرمادرانی ۲۷۹
 علی بن ابراهیم دهکی ۴۴۵
 علی بن ابوامیه ۲۷۱
 علی بن ابوطالب ۴۷-۵۰-۵۲-۵۷-۵۹-
 ۶۹-۷۰-۷۱-۱۲۸-۱۵۱-۱۶۴-۱۷۰-
 ۲۰۶-۲۴۸-۲۵۱-۲۹۱-۳۰۶-۳۱۳-
 ۳۱۶-۳۲۶-۳۲۷-۳۳۱-۳۳۷-۳۸۱-
 ۳۸۲-۳۸۷-۴۰۲-۴۰۵-۴۲۶
 علی بن ابوکثیر ۲۷۴
 علی بن احمد مهندس ۵۰۸
 علی بن احمد عمرانی ۴۷۹-۵۰۵
 علی بن اسماعیل ۲۸۶
 علی بن اسماعیل بن میثم تمار ۳۲۷
 علی بن برید ۸۳
 علی بن ثابت ۲۶۹-۶۰۱
 علی بن جبلة عکوک ۲۷۴
 علی بن جهم ۲۴۹
 علی بن حسین ۲۷۸-۴۰۶
 علی بن حسین ثوابه ۲۱۳
 علی بن حسین (رئیس چاپارخانه) ۳۵۷
 علی بن حسین قرشی ۱۱۵
 علی بن حمزه اصفهانی ۲۶۷-۲۷۶
 علی بن حمزه کسائی ۲۷۳
 علی بن خلیل ۲۷۰-۶۰۱
 علی بن داود ۱۹۸-۴۹۸-۵۴۱-۵۴۲
 علی بن رابطه ۱۲۰
 علی بن ردیم کوفی ۲۷۱
 علی بن سعید اقلیدسی ۵۰۸
 علی بن صالح ۳۳۳
 علی بن سرد حرانی ۵۰۸
 علی بن عبدالعزیز ۱۲۰
 علی بن عبدالعزیز بن محمد دولابی ۴۲۶
 علی بن عبدالکریم ۲۷۸
 علی بن عبده ۲۸۵
 علی بن عبیده ریحانی ۱۹۶-۱۹۷-۲۷۷
 علی بن عمردار قطنی ۶۱
 علی بن عیسی ۱۹۵-۲۰۷-۲۱۱-۲۱۲-
 ۲۱۵-۵۰۸
 علی بن مبارک لحيانی ۵۳
 علی بن محمد بن سعد ۲۸۵
 علی بن محمد بن صدقه کرخی ۱۲۰
 علی بن محمد بن علی علیهما السلام ۳۶۴-۴۰۹
 علی بن محمد بن منصور بن بام ۲۷۹
 علی بن مدینی ۴۲۰
 علی بن موسی قمی ۳۸۴
 علی بن مهدی ۷۶
 علی بن هاشم ۴۰۶
 علی بن هشام ۱۹۹-۲۷۴
 علی بن یحیی ۲۲۷-۵۱۷-۵۱۹
 علی بن یحیی منجم ۵۶۱
 علی بن یقطین ۴۰۸-۴۰۹
 علی بن یعقوب ۲۷۸
 علی بن یعقوب رصاص ۵۰۸
 علیه دختر مهدی ۲۷۳
 علی رازی ۳۸۱-۳۸۴
 عمار بن یوسف ۴۱۱
 عماره بن حمزه ۱۹۴-۲۰۶-۲۰۷
 عماره بن عقیل ۹۸-۹۹-۲۶۳-۲۷۵
 عمران ۲۱۲
 عمران بن موسی قزاز ۴۲۴

عوانه ۱۵۴	عمر ۲۹۲
عوقی ۴۷۷	عمر بن بکیر ۱۷۷-۱۱۴-۱۱۲-۶۰
عوف بن محلم ۲۷۴	عمر بن خطاب ۴۱۲-۳۶۹-۴۲-۳۱
عیاش ۲۷۸	عمر بن ذر ۳۷۷
عیاشی ۳۶۱	عمر بن شبه ۱۸۴-۹
عیالی ۳۹۰	عمر بن عبدالعزیز ۱۱
عیسی بن ابان	عمر بن عبدالواحد ۵۱
عیسی بن اسید نصرانی ۴۹۰	عمر بن عیسی انیسی ۳۷۷
عیسی بن داب ۵۴۳-۱۵۳	عمر بن قرخان ۴۹۱-۴۸۳-۴۸۲-۴۴۶
عیسی بن صبیح مردار ۳۰۱-۳۰۰	عمر بن محمد مروروزی ۴۹۶
عیسی صوفی ۳۱۶	عمر بن نصر عمامی ۲۷۸-۲۷۲
عیسی بن علی ۵۲۹	عمر بن ابو عمرو ۱۱۵
عیسی علیه السلام ۶۰۵-۵۸۴	عمر بن تمیم ۷۴
عیسی بن عمر ۸۹	عمر بن حوی سکری ۲۷۴
عیسی بن عمر ثقفی ۷۳-۷۲-۵۴	عمر بن شاس ۲۶۱
عیسی بن عمر همدانی ۷۳-۵۴	عمر بن عبید ۲۹۷-۲۹۴-۲۹۳-۲۹۰
عیسی بن فرخانشاه کاتب ۲۷۹	عمر بن عثمان بن اسفندیار ۲۷۹
عیسی بن ماسرجیس ۵۲۸	عمر بن علا ۵۴
عیسی بن ماسه ۵۲۷	عمر بن علقمه کنانی ۴۹
عیسی بن مریم (مسیح) ۱۶۵	عمر بن فتح ۵۲۰
عیسی بن معذل ۲۷۵	عمر بن مبارک ۲۷۱
عیسی بن موسی ۵۲۰-۲۰۶	عمر بن مسعده ۲۰۲-۱۲
عیسی بن مهران ۴۰۷	عمر بن معدیکرب ۲۶۱
عیسی بن میمون ۵۹	عمر و حارکی ۲۷۴
عیسی بن مینا قالون ۴۸	عمر و س بن طیبیا ۵۷۹
عیسی نحوی ۵۴	عمر و عاص ۴۶۴
عیسی بن نوح ۴۴۵	عمر و وراق ۲۷۲
عیسی بن یحیی ۵۱۹-۵۱۸	عمری ۱۳۹
عیسی کردی ۴۴۶	عنان کنیز ناطقی ۲۷۳
عیینه بن منهال ۱۷۸	عنبسه بن معدان ۷۲
	عوامی ۱۴۵

فراء ۶۰-۶۱-۶۲-۷۲-۹۱-۱۰۹-۱۱۲
 ۱۱۳-۱۱۴-۱۱۵-۱۲۰-۱۲۱-۱۲۶
 فراس ۴۳
 فرجی ۳۹۵
 فرحی عراقی ۳۸۵
 فرزدق ۷۲-۲۶۳
 فستقه ۳۳۸-۳۳۹
 فسطس ۵۱۲
 فسطس دوم ۵۱۲
 فرغانی ۴۹۹
 فرفورویوس ۴۴۷-۴۵۴-۴۵۷-۴۶۰-
 ۴۶۲-۴۶۵-۵۶۰-۵۶۵
 فرقد سنجی ۳۴۳-۳۴۴
 فرماسب هندی ۴۳۷
 فرناوارس ۶۳۴
 فریانی ۶۵
 فریاد ۵۸۹-۵۹۰
 فریدون بن اثقیان ۲۰-۲۱
 فریدون پسر کاو اثقیان
 فزاری ۱۳۴-۴۹۱-۵۰۸
 فصیل رسان ۳۲۳
 فضالة بن عبید ۵۰
 فضل بن ابواسحاق ۹۵
 فضل بن اسماعیل بن صالح هاشمی ۲۷۵
 فضل بن ربیع ۸۶-۲۷۲-۲۸۷
 فضل بن سلمه ۶۰
 فضل بن سهل ۱۴-۲۰۰-۲۳۶-۲۷۷
 فضل بن شاذان ۴۴-۴۵-۶۱-۴۲۰

خ

غالبین احمد ۲۷۸
 غالبین عثمان همدانی ۲۷۱
 غالوس رومی ۵۱۲-۵۸۳
 غزال بن خالد ۵۱
 غسان بن عبدالحمید مدینی ۲۰۶-۲۰۸
 غسانی ابومحمد ۲۷۴
 غلابی ۱۷۸
 غلام ابوجیش ۳۳۲
 غلام ابهری ۳۷۲
 غلامان کرایسی ۳۳۸
 غلام زحل ۵۰۶
 غلام خلیل ۳۴۷
 غنیةام الحمارس ۸۲
 غوروس ۵۱۱-۵۱۲-۵۱۴-۵۲۱
 غیاث ۳۵۲
 غیثام هیثم ۸۳
 غیلان ابومروان ۱۹۳

ف

فارابی ۴۵۴-۴۵۵-۴۵۶-۴۷۴
 فارقلیط ۵۸۴
 فاطمه دختر محمد (ص) ۳۳۲-۴۲۶
 فاکهی ۱۸۱
 فالیس رومی ۴۸۴
 فتح بن خاقان ۱۲۳-۱۹۱-۲۳۷-۲۴۵
 ۳۰۴
 فتح موصلی ۳۴۴-۳۴۷

- فضل بن عباس بن جعفر خزاعی ۲۷۳
 فضل بن محمد یزیدی ۲۳۴
 فضل بن مروان ۲۰۹
 فضل بن یحییٰ ۱۲۱-۲۰۰-۲۰۶-۲۷۷
 فضل رقاشی ۲۷۲
 فضل شاعر ۲۷۳
 فضیل بن عیاض ۳۴۴
 فضیل بن یحییٰ ۲۰۸
 قعسی ۸۶
 فلاطن ۶۳۱
 فلاطن اول ۵۱۲
 فلاطن طبیب ۵۱۱
 فلقلس ۵۱۲
 فلوطرخس ۴۴۷-۴۴۹-۴۶۳
 فلوطرخس دیگر ۴۶۳
 فلوطینس ۴۶۵
 فوٹاغورس ۴۴۸-۵۱۲
 فورس ۶۳۴
 فوطی ۳۱۳-۳۱۴
 فولس ۵۱۴
 فولس اجانیطی ۵۲۲
 فیٹاغورس ۴۴۸-۶۳۱
 فیٹیون ۴۴۵
 فیٹون نصرانی ۳۳۷
 فیروز ۵۸۴
 فیریانی ۱۲-۵۶۰
 فیریابی بزرگ ۴۱۷
 فیریابی کوچک ۴۲۱
 فیض بن ابوصالح ۲۷۷
 قیظافلون ۵۱۲
 قلیس ۵۱۲
 فیلنریوس ۵۲۰
 فیلن ۴۵۳
 فیلیپس ۴۴۹-۴۵۱
 فیومی ۳۹
 ق
 قادور ۹
 قاسانی ۳۹۲
 قاسم ابوصالح ۲۰۰
 قاسم بن اسماعیل ۱۰۲
 قاسم بن سعید ۲۰۷
 قاسم بن سیارکاتب ۲۷۴
 قاسم بن صبیح ۲۰۰-۲۷۷
 قاسم بن عبداللہ ۴۷۲-۴۷۳-۵۰۹
 قاسم بن عبیداللہ ۱۰۳-۲۴۵
 قاسم بن عبیداللہ بن سلیمان ۲۸۰
 قاسم بن قاسم ۲۶۲
 قاسم بن قوقانی ۵۷۹
 قاسم بن معن ۱۱۷
 قاسم بن منصور ۱۲
 قاسم بن یزید جرعی ۴۱۲
 قاسم بن یوسف ۲۰۲-۲۷۴
 قاسم بن یوسف برادر احمد بن یوسف ۲۷۷
 قاسم بن یوسف سلمیٰ ۲۷۸
 قاضی ابوالحسن ہاشمی ۱۱۵
 قاضی ابوسعید ۸۷
 قاضی ابو محمد بن معروف ۱۰۶
 قاضی حرزی ۴۰۱
 قالشٹانس ۵۵۳
 قاین ۵۸۸-۵۸۹-۵۹۰
 قیاد پسر شاپور اشکان ۵۱۶
 قتادہ ۵۹-۷۲

- قنانه (کاتب) ۲۰۱
قنبره ۳۵۹
قویبری ۴۴۵-۴۵۵-۴۵۶-۴۷۲-۴۷۵
قیاسی بلادیوس ۵۱۴
قیروانی ۳۷۲
قیس پسر قنانه ۲۰۱
قیطوار بابلی ۴۸۶
قیصر ۲۶
قینون ۴۰
- ك
- کاهن ارطی ۶۳۴
کنجی ۲۵۲
کچی ۴۲۲-۴۲۷
کدیمی ۹۲
کرایسی ۳۳۸-۴۷۹-۵۰۴
کرخی ابوالحسن ۳۸۵
کرمانی ۱۳۴
کرفبائی نصاری ۱۱۹
کسائی علی بن حمزه ۵۲-۶۰-۶۲-۶۴-
۷۲-۸۲-۸۳-۸۹-۱۰۹-۱۱۰-۱۱۱
۱۱۲-۱۱۳-۱۱۸-۱۲۰-۱۲۱-۲۷۵
۳۷۸
کسروی معروف به علی بن مهدی ۲۴۷
کسری انوشیروان ۴۹-۴۳۷
کشاحم ۲۳۰-۲۸۱
کشی ۱۴۲
کعب ۸
کعب الاخیار ۳۷
- قتیبہ بن زیاد قاضی ۳۸۲
قتیبہ بن سلم ۸۷
قثم بن جعفر بن سلیمان ۳۷۹
قحطبی ۵۲۳-۶۰۹
قدامہ بن جعفر ۲۱۴
قدامہ بن مظعون ۷۰
قراطیسی ۲۸۱
قرطلوسی ۴۲۰
قرقبی ۱۵۳
قره بن ثابت بن ایلیا ۵۷۹
قره بن قمیطاحرانی ۵۰۹
قریبہام بهلول ۸۳
قریص مغنی ۲۴۱-۲۵۶
قسطا ۴۵۷-۴۵۸
قسطابن لوقا بعلبکی ۴۴۴-۴۴۵-۴۵۷-
۵۲۵-۴۶۳
قسطاس بن یحیی بن زونق ۵۷۹
قسطانطین بزرگ ۴۴۱
قصرانی ۵۰۷
قطب الرحا ۵۵۳
قطبہ ۱۲
قطرب ۹۱
قطرب نحوی ۶۰
قطری بن فجاء ۲۰۶
ققال ۳۹۶
قعنبی ۳۶۹
قلیمون ۵۵۷
قمامہ بن زید ۲۰۷
قمامہ بن یزید ۱۹۶
قمامہ کاتب ۲۰۷
قمی ۱۴۳

- کلثوم بن عمرو عتایی ۲۷۲-۲۰۷-۱۷
 کلواذانی (متصدی دیوان السواد) ۲۱۵-
 ۵۰۷
 کمیت ۱۱۰-۱۱۹-۱۲۱-۲۶۲
 کمیت بن معروف ۲۶۴
 کندی ۱۶-۲۸۶-۴۵۴-۴۵۵-۴۵۶-
 ۴۶۰-۴۷۲-۴۷۹-۴۸۳-۴۹۶-۵۵۷-
 ۵۶۸-۵۶۴-۵۶۳-۵۶۸
 کنکه هندی ۴۸۶
 کوشانی ۳۳۹
 کوهی ۵۰۶
 کبسان نحوی ۸۷
 کیگوس پسر کیقباد ۲۱
 کیماس ۶۳۴
 کیومرث ۲۰
- گ
- گشتاسب پسر لهراسب ۲۱-۴۵۰-
- ج
- لاحق ۲۷۲
 لاذن ۵۱۴
 لالیامطران ۴۰
 لاجوس ۴۴۸
 لیبید بن ربیعہ عامری ۲۶۱
 لجلاج ۲۵۶
 لجمانی دختر بهمن ۵۴۰
 لجمانی غلام کسائی ۸۴
 لان الحمره ۱۵۱
 لفته اصفهانی ۱۳۷
- لقطه ۶۱۱
 لقبط محاریبی ۱۵۹
 لوقیس ۴۶۵
 لؤلؤئی ۳۷۹
 لوهق پسر عرفج ۵۵۰
 لیث بن ضمام ۲۶۲
 لیث بن مظفر ۷۵-۷۶
 لینس ۴۵۴
 لیولیانس ۴۴۰-۴۴۱
- م
- ما-حینس ۵۱۲
 ماخالس ۵۱۲
 ماخاون ۴۵۰
 ماذا موموس ۵۱۲
 ماراطناس ۵۱۲
 ماریس ۵۱۲
 مارینوس ۵۲۱
 ماریه ۶۳۴
 مازیار بن قارن ۵۲۷
 مازنی ۷۲-۹۰-۱۰۱-۱۰۲-
 ماسرحیس ۵۱۴-۵۲۸
 ماشاء الله بن اثری ۴۹۲-۴۹۶
 ماغارینس ۵۱۳
 ماکسپس ۴۶۵
 مالک بن انس ۳۴۴-۳۶۸-۳۶۹-۳۷۰-
 ۳۷۲-۳۷۱
 مالک بن دینار ۱۲-۳۴۴
 مالک بن مسعود ۳۷۷

مجلسی ۴۴۵-۴۷۹
 محاملی ۴۲۳
 محروم ۳۵۱
 محزنی ابوالبراهیم ۳۹۱
 محمد بن ابراهیم نیشابوری ۲۵۵
 محمد بن ابوامیه ۲۷۱
 محمد بن ابوالحسین کاتب ۲۸۵
 محمد بن ابو حمزه عقیلی ۲۷۵
 محمد بن ابوغناهیہ ۲۶۸
 محمد بن ابو عیینہ ۲۶۹
 محمد بن ابو محمد ۸۷
 محمد بن احمد ۲۲۴-۲۷۸
 محمد بن احمد بن ایوب ۵۶
 محمد بن احمد صنوبری ابوبکر ۲۸۱
 محمد بن احمد بن علی بن جبار ۲۸۰
 محمد بن ادريس ۲۶۸
 محمد بن اسحاق الندیم ۸-۱۰-۱۱-۱۵-
 ۱۹-۳۷-۴۱-۴۲-۴۵-۶۸-۶۹-۷۱
 ۷۶-۸۷-۹۴-۹۵-۱۰۳-۱۴۶-۱۴۷
 ۱۵۰-۱۶۳-۱۶۵-۱۷۶-۲۲۹
 ۲۴۱-۲۵۸-۲۵۹-۲۶۰-۲۶۵-۲۸۸
 ۲۸۹-۳۰۵-۳۱۲-۳۲۶-۳۳۳-۳۴۰
 ۳۴۳-۳۵۲-۳۶۷-۳۸۲-۳۸۶-۳۸۸
 ۳۹۷-۳۹۹-۴۰۲-۴۰۳-۴۲۴-۴۳۲
 ۴۴۰-۴۴۴-۴۵۰-۴۵۶-۴۵۷-۵۱۰
 ۵۱۲-۵۱۴-۵۱۶-۵۲۲-۵۲۸-۵۲۹
 ۵۴۰-۵۴۵-۵۶۳-۵۸۱-۵۸۲-۵۸۳
 ۶۰۹-۶۱۰-۶۱۸-۶۲۷-۶۲۹-۶۳۰
 ۶۳۱-۶۳۴-۶۳۹-۶۴۴
 محمد بن اسحاق اهوازی ۲۸۶
 محمد بن اسحاق خارجی ۲۷۳

ما مانخس ۵۱۲
 مأمون ۹-۱۰-۱۲-۱۴-۱۶-۳۲-۳۷-۷۶
 ۸۷-۷۸-۱۱۱-۱۲۴-۱۷۰-۱۹۱-
 ۱۹۶-۱۹۷-۲۰۰-۲۰۱-۲۰۲-۲۰۳
 ۲۰۴-۲۰۶-۲۰۷-۲۰۹-۲۳۶-۲۴۲
 ۲۶۶-۲۷۵-۳۰۰-۳۰۲-۳۰۵-۳۱۰
 ۳۱۲-۳۲۶-۳۷۴-۳۷۷-۴۴۳-۴۴۴-۴۴۵
 ۴۹۲-۴۹۳-۴۹۴-۵۰۷-۵۲۶-۵۲۷
 ۵۸۸-۵۶۸-۵۶۹-۵۷۰-۵۹۵-۶۰۱
 ۶۰۲
 مانطیاس ۵۱۴
 مانیسون ۵۱۴
 مانیوس ۵۵۱
 مانی ۲۹-۵۸۲-۵۸۳-۵۸۴-۵۸۵-
 ۵۸۶-۵۸۷-۴۸۸-۵۸۹-۵۹۱-۵۹۲
 ۵۹۴-۵۹۶-۵۹۷-۵۹۸-۶۰۰
 ماغانی ۴۷۹-۴۸۹
 ما یارسیا ۵۱۴
 میرمان ۱۰۲
 متلمس ۲۶۱
 مهم بن بریر ۲۶۱
 متوج بن محمود ۲۶۸
 متوکل ۱۲۲-۲۰۲-۲۰۴-۲۳۷-۲۴۰
 ۲۵۰-۲۵۶-۳۰۴-۳۱۱-۵۲۶-۵۲۷
 ۵۴۲-۵۵۸
 متی ابوبشر ۴۵۴
 متقال ۲۷۲
 مجالد بن سعید ۱۵۳
 مجاهد ۴۲-۵۹

- محمد بن اسحاق سراج ۲۵۵
 محمد بن اسحاق طالقانی ۳۳۷
 محمد بن اسحاق میمنی ۴۸
 محمد بن اسحاق مصعبی ۲۳۷
 محمد بن اسماعیل ۳۵۰
 محمد بن برمک ۶۰۱
 محمد بن بکر ۲۰۰-۲۷۷
 محمد بن بهرام بن مطیار ۴۴۶
 محمد بیذق ۲۷۵
 محمد بن جمهور عمی ۴۰۹
 محمد بن جهم ۳۷۱
 محمد بن جهم برمکی ۴۴۶-۴۹۷
 محمد بن حارث مصری ۲۷۶
 محمد بن حازم باهلی ۲۷۴
 محمد بن حبیب ۸۳-۸۹-۲۶۰
 محمد بن حبیب بن ابوعثمان مازنی ۷۸-۷۹
 محمد بن حبیب فارسی ۳۴۴
 محمد بن حجاج بن نصیر انباری ۸۰
 محمد بن حجر ۱۹۵-۲۰۷
 محمد بن حجر کاتب ۲۰۶
 محمد بن حرب ۲۰۷
 محمد بن حسن ۳۷۷-۳۷۸-۳۷۹-۳۸۰
 ۳۸۱-۳۸۷-۵۳۱
 محمد بن حسین ۳۵۲
 محمد حسین معروف بابن بمره ۷۱
 محمد بن حنفیه ۲۹۱-۶۱۵
 محمد بن حمید رازی ۴۲۴
 محمد بن خالد برمک ۴۴۵
 محمد بن خالد بن عبدالله قسری ۲۰۶
 محمد بن خلف ۵۰۸
 محمد بن داود ۸۴-۲۶۹-۲۷۷-۳۹۲
 محمد بن داود جراح ۲۱۱
 محمد بن دویب عمانی راجز ۲۷۱
 محمد بن دینار احوول ۶۱
 محمد بن رواد ازدی ۶۱۲
 محمد بن زبیده ۳۶
 محمد بن زکریاء رازی ۲۸
 محمد بن زید ۳۶۰
 محمد بن زید واسطی متعزلی ۶۵
 محمد بن سائب ۵۹-۱۶۰-۱۶۱
 محمد بن سعد ۲۸۶
 محمد بن سعد کاتب واقدی ۱۶۶
 محمد بن سعید ۶۲-۲۰۷
 محمد بن سعید بن سابق ۵۱
 محمد بن سلیمان بن علی هاشمی ۲۹۷
 محمد بن سلیمان راشد ۲۳۹
 محمد بن سلیمان هاشمی ۹۹-۴۲۵
 محمد بن سلام ۱۸۷-۲۳۷
 محمد بن سلام جهجی ۶۱
 محمد بن سمیع ۵۴
 محمد بن سنان ۳۲۳
 محمد بن سیرین ۳۴۴
 محمد بن شاذان جوهری ۵۶۲
 محمد بن شجاع ۳۸۲-۳۸۷
 محمد بن شیبان بن ابونجم ۲۶۲
 محمد بن طاهر بن عبدالله بن طاهر ۲۶۹-۲۰۵
 محمد بن عباس ۳۰۴
 محمد بن عبدالرحمان اصبهانی ۶۲
 محمد بن عبدالرحمن (بن ابوشبه) ۲۷۰
 محمد بن عبدالملک ۲۰۱-۳۰۵-۶۰۱
 محمد بن عبدالملک انصاری ۴۵

- محمد بن عبد الملك زيات ۲۷۷-۳۰۷ - ۶۰۱
 محمد بن عبد الملك قعسی ۲۷۲
 محمد بن عبدالله ۱۱-۳۹۰
 محمد بن عبدالله بن حرب ۲۰۸
 محمد بن عبدالله بن طاهر ۲۶۹
 محمد بن عبدالله مستوفی ۲۸۰
 محمد بن عبدالله (کاتب) ۶۰۱
 محمد بن عثمان ۴۱۷
 محمد بن عزیز سجستانی ۶۱
 محمد بن علی ۳۳۳
 محمد بن علی بن ابو حکمه ۲۸۰
 محمد بن علی جو الیقی ۲۷۵
 محمد بن علی صیفی ۲۷۴
 محمد بن علی کاتب ، معروف بیاذنجانه ۲۷۹
 محمد بن علی ، معروف بدیدان ۲۷۹
 محمد بن عماش نحوی ۳۰۴
 محمد بن عمر با زیار ۵۵۹
 محمد بن عمر جرجانی ۲۳۷
 محمد بن عمر صیمری ۱۰۶
 محمد بن عمر ، معروف بابن خنساء ۲۷۹
 محمد بن عمر واقدی ۴۲
 محمد بن عیسی ۶۴-۳۱۲-۴۰۹
 محمد بن غالب باح اصفهانی ۲۸۰
 محمد بن فضل جرجانی کاتب وزیر ۲۸۰
 محمد بن فضل سکونی ۲۷۴
 محمد بن فضیل ۴۱۳
 محمد بن قاسم کرخی ۲۲۷
 محمد بن قیس خطیب ۲۰۶
 محمد بن کعب قرطی ۱۱۰
 محمد بن کناسه اسدی ۲۷۳
 محمد بن لیث خطیب ۱۹۸-۱۹۹
 محمد بن محمد ۳۰۴
 محمد بن مروان ابوجنوب ۲۶۷
 محمد بن مکرم ۲۰۴-۲۰۷
 محمد بن منصور ۷۵-۷۶
 محمد بن منذر صیبری ۲۷۲
 محمد بن موسی ۴۸۷-۴۸۹-۴۹۰-۵۱۴-
 ۵۱۵-۵۱۷
 محمد بن نعمان بن بشیر ۴۲
 محمد بن واسع ۳۴۴
 محمد بن وهیب ۲۷۶
 محمد بن هذیل علاف ۲۹۱-۲۹۵-۲۹۶-
 ۲۹۷-۲۹۹
 محمد بن یحیی ۳۰۴-۵۰۴
 محمد بن یحیی ازدی ۳۴۸
 محمد بن یحیی بن ابوعباد ۱۰۳
 محمد بن یحیی قطیمی ۶۱
 محمد بن یزید ۹۸
 محمد بن یزید بن مسلمه حصنی ۲۷۵
 محمد بن یسیر ۲۷۴
 محمد و اسحاق فرزندان ابراهیم فزاری
 ۲۷۴
 محمد و فرزندش ۱۵
 محسن بن ارطاة اعرجی ۲۷۱
 محمود مروزی
 محیم راسبی ۲۷۴
 محمد بن نصر بن کنایه ۹
 مخلوع ۲۰۷
 مخنه ۲۷۳
 مخنف ۱۴۲
 مخلد بن بکار ۳۱۰
 مخیره ۵۶۱

- مردك بن محمد بن شيباني ۲۸۱
 مدام ۲۷۳
 مدائني ۵۵۷-۱۶۸
 مرادی ۳۶۱
 مرار فقمسي ۲۶۱
 مراغي ۲۷۴-۱۴۴
 مرامر بن مر . ۸
 مرثدي ۲۱۳
 مردانشاه ۴۴۳-۴۴۲
 مرد معروف باین حداد ۴۲۷
 مرد معروف باین حمدان ۳۵۴
 مرد معروف باین عبدوس ۱۴۵
 مرد معروف بابو معمر ۲۵۳
 مرد معروف بشهید بن الحسین ۵۳۱
 مرد معروف بمبارکی ۲۵۲
 مرد معروف به محمد بن لره ۵۰۴
 مرد کوهستانی ۵۶۱
 مرزبانی ۲۲۱-۲۱۷
 مرقس ۴۵۳
 مرقونس ۶۲۴
 مرقیون ۵۸۴-۵۸۳
 مراحى ۴۴۵
 مروان ابو حفصه ۲۳۷
 مروان بن ابو حفصه رشیدی ۲۶۷
 مروان بن حکم ۱۵۷-۱۷۰-۲۰۱-۲۰۶
 ۴۰۸
 مروان بن سلیمان بن ابو حفصه ۲۶۷
 مروزی جعفر بن احمد ۲۴۸
 مروزی ابواسحاق ۳۹۱
 مروزی احمد بن محمد بن حجاج ۴۱۸
 مروزی دیگر ۳۹۱
 مرید الاسود ۵۴۲
 مزابا ۴۸۶
 مزاحم بن ابوسعید ۷۲
 مزاحم عقیلی ۲۶۲
 مزنی ابوابراهیم ۳۹۱-۳۹۲
 مساور وراق ۲۶۹
 مستعین ۴۹۶-۱۱۴
 مستهل بن کمیت ۲۷۳
 مسحل بن کسب ۲۶۳
 مسحور ۱۲
 مسرور هندی غلام دفتویه ۲۷۴
 مسنده ۲۰۷
 مسنده ابو عمرو ۲۰۶
 مسنده بن خالد ۲۰۶
 مسمرین کدام ۳۷۷
 مسمری ۱۲۰
 مسعودی ۲۵۴
 مسلم ۲۴۲-۲۳۷
 مسلم بن حبیب ۵۳
 مسلم بن حجاج ۴۱۹
 مسلم بن ولید ۲۶۷
 مسلم (صاحب بیت الحکمه) ۴۸۲
 مسلم بن صدقه شامی ۲۰۷
 مسلم (کاتب) ۲۰۷
 مسلمة بن سالم ۲۲۷
 مسیب بن علی ۲۶۱
 مسیبی ۲۷۶
 مسیح علیه السلام ۴۴۰
 مسیح دمشقی ۵۲۸
 مسینوس ۵۱۱

معتصم ۱۲-۸۷-۲۰۲-۲۰۹-۲۴۰-۳۱۰-	مصری ۳۴۷
۳۱۱-۳۱۲-۵۲۷-۵۶۲-۵۹۵	مصعب بن عبدالله ۱۸۲
معتضد ۱۰۳-۱۲۲-۲۱۱-۲۱۷-۳۵۰-	مصعبی ۴۹۹-۱۴۳
۴۷۲-۴۷۳-۴۸۹-۴۹۰-۵۲۹-۵۵۰-	مضرب بن ربیع ۲۶۱
۵۶۲	مطا ۴۵۰
معتد ۲۰۱-۲۳۷-۲۴۲-۲۴۵-۲۵۰-	مطالس ۵۱۴
۵۵۳	مطرف بن ابومطرف لیشی ۲۰۷
مقل بن عیسی برادر ابودلف ۲۷۵	مطوق ۲۱۳
معلابن ایوب ۱۱۹	مطهر بن احمد ۴۸۹
معلس حصی ۵۲۲	مطیع بن ایاس ۲۶۹-۲۳۸
معلی بن منصور رازی ۳۷۷	مطیع الله ۲۵۳
معمر ۵۹	مطین بن ایوب ۴۲۱
معمربن راشد ۴۲	معاذ الهراء ۱۱۰-۱۱۱
معمربن سلمی ۳۰۱	معاذ بن جبل بن اوس ۴۷
معمری ۴۱۹	معاذ بن عمران موصلی ۳۴۴-۴۱۲
معن بن اوس ۲۶۱	معاذ نهروانی قاضی ۴۲۷
معن بن زائده ۲۷۱	معاویة بن ابوسفیان ۵۰-۱۵۱-۱۵۲-
معن بن عبدالرحمن عبدالله بن مسعود ۱۱۷	۲۰۱-۳۱۹-۳۲۷-۴۴۳
معن بن عیسی قزاز ۳۶۹	معاویة بن ماض ۸
مفلح بن طیبیا ۵۷۹	معبد بن طوق ۲۷۴
مفتم مصری ۲۸۱	معبدی ۱۳۳
مفیره بن شعیب تمیمی ۵۳	معد ابوتمیم ۳۵۱
مفیره بن عبدالرحمن حرسی ۳۶۹	معد بن عدنان ۸
مفیره بن مقمضبی ۴۱۳	معد بن غیلان ۲۷۵
مفیره بن محمد مهلبی ۱۸۰	معروف کرخی ۳۴۳
مفجع ۱۴۰	مغزالدوله ۲۱۲-۲۲۲-۲۵۳-۳۵۳-
مفضل بن سلمه ۶۰-۷۶-۱۰۵-۱۰۶-۱۲۳-	۴۹۳-۶۰۰-۶۳۷
۲۶۴-۵۶۱	معتز ۸۳-۱۱۴-۱۲۲-۲۱۱-۳۰۴-
مفضل ضبی ۱۱۶-۹۴	۳۰۶
مفضل بن محمد ۱۱۷	معتزله ۲۸۹-۲۹۰
مقاتل بن سلیمان ۳۳	

فحیح مدنی ۱۵۷
 نزار بن معد ۳۵۱
 نزاره ۳۰۴
 نزرخ عروضی ۱۲۱
 نطورس ۴۰
 نفی ۳۵۴
 نطاحه ۱۷-۲۰۵
 نظام ۱۷-۲۹۸-۲۹۹-۳۰۱-۳۳۵
 نظیف طبیب ۴۷۹
 نصر بن احمد ۲۲۸-۳۵۱
 نصران ۱۲۱-۲۶۲
 نصر بن احمد بن مأمون ۲۸۲
 نصر بن حسین بازاریار ۲۱۷
 نصر بن عاصم ۷۲
 نصر بن عاصم دوئلی ۶۹
 نصر بن عاصم لیثی ۶۹
 نصر بن علی ۶۱
 نصر بن هرمز سمرقندی ۵۹۵
 نصر حاجب ۳۵۶
 نصر قشوری ۳۵۸
 نصری ۱۷۹
 نصر بن یوسف ۵۳-۱۱۲
 نصر ۹
 نصر بن شعیب ۷۲-۹۰
 نصر بن مزاحم ۱۵۸
 نعمان بن ابوالعوجاء ۶۰۱
 نعمان بن عبدالله ۲۲۲
 نفلویه ۱۳۷-۴۷۲
 نفیس ۹
 نثار ۵۷
 نقاش ابوبکر محمد بن حسن انصاری ۵۸

مهلهل بن بیعه ۲۶۱
 مهنود ۱۷
 میخائیل بن اهر بن بقراریس ۵۷۹
 میسره ۴۹
 میقناوس دوم ۵۱۲
 میلنس ۵۱۲
 میلن افرانغیطی ۵۱۲
 میمون بن ابراهیم کاتب ۲۰۴-۲۸۰
 میمون بن اقرن ۷۲
 میمون بن هارون ۳۰۷
 میمون حصری ۲۷۴
 مینس ۵۱۱-۵۱۲-۵۵۷
 ن
 نابغه جعدی ۲۶۱
 نابغه ذبیانی ۲۶۱
 ناساوس ۵۱۴
 ناشی صغیر ۳۳۲
 ناشی کبیر ۳۱۸
 ناصحی ۱۷
 ناعمی حمصی ۴۴۵
 نافع بن عبدالرحمن بن ابونعیم مدنی ۴۸-
 ۶۴
 نالوس ۶۳۴
 نالسی ۵۱۲
 نبت بن همیع ۹
 نبی (پیغمبر) ۹-۳۷-۴۲-۴۷-۵۶-۵۷-
 ۷۱-۷۹-۹۲-۲۹۱-۳۳۰-۴۰۲-
 ۴۲۶-۵۲۵-۶۰۹
 نجار ۳۳۵-۳۳۶-۳۳۸

ودیه اسدی ۲۷۵	نقاش (دیگر) ۶۶
ورافاتی ۱۲	نق هندی ۴۸۷
وراوس ۵۱۲	نقین بن قسرونا ۵۷۹
وردبن حکیم ۷۹	نمر بن ثواب ۲۶۱
ورقاء ۵۹	نمرودبن کوس بن کنعان ۲۵
وشاشی ۱۰۲	نمری ۱۳۴
وفراوندی ۱۴۵	نوح بن جریر ۲۶۳
وکیع بن جراح ۶۴-۱۱۷-۴۱۴-۴۱۶	نوح بن نصر ۳۵۱
وکیع قاضی ۱۸۸	نوشری ۳۵۰
ولیدبن عبدالملک ۱۱-۵۴۹	نیریزی ۴۷۹-۴۸۲-۵۰۰
ولیدبن مسلم ۱۸۱-۴۱۵	نیقانر ۴۵۲-۴۵۳
ولیدبن معاویه ۲۰۷	نیقسطراطس ۴۶۵
ولیدبن یزید ۲۰۶	نیقولوس ۴۵۹-۴۶۳
وهب بن سعید ۲۰۲	نیقوماخس ۴۵۰-۴۵۲
وهب بن منبه ۳۷	نیقوماخس جهراسینی ۴۸۵
	نیقوماخس (پدرارسطو) ۴۵۰
	نهربانی ۴۰۰
ه	و
هابیل ۵۸۹	وائق ۹۸-۲۰۲-۳۱۱-۵۲۶-۵۲۷
هادی ۲۰۹	وائله بن اسقع ۵۰
هادی یحیی بن حسین ۳۶۱	وارخس ۵۱۳
هارون ابو عبدالله ۲۳۷	واسطی ۳۲۰-۳۲۱
هارون الرشید ۱۲-۳۷-۵۲-۵۴-۱۷۰-	واصل ۲۹۱-۲۹۳
۱۱۱-۲۰۹-۳۷۶-۳۸۷-۴۱۲-۴۹۲-	واصل بن حیان احدب ۴۹
۵۲۷	واصل بن عطا ۲۹۲
هارون بن ابراهیم ۵۸۱	واقدبن عمرو تمیمی ۶۱۱-۶۱۲
هارون بن حاتم کوفی ۶۱	واقدی ۶۱-۱۱۳
هارون بن علی (بن یحیی) ۲۴۷	والیقین حباب ۲۳۸-۲۷۰

- هارون بن محمد ۲۰۳
 هاشم بربری ۵۲
 هاشم بن عبدالله بن محمد ۲۹۱
 هاشم بن ۱۲۶
 هداد بن حجهی ۸۳
 هدیه بن خنوم ۲۶۴
 هرثمه بن حلیع ۲۷۸
 هرثمی شعرائی ۵۵۸
 هرقل ۶۳۴
 هرقل نجار ۵۰۹-۴۷۶
 هرم بن حیان ۳۴۴
 هرم بن زید کلیبی ۸۳
 هرمزان بن کردول ۵۴۹
 هرمس ۴۲۵-۴۲۶-۴۸۱-۵۱۱-۵۵۴-
 ۵۶۸-۵۶۵
 هرمس بابلی ۶۳۱-۶۳۳-۶۳۴
 هره ۲۳۷
 هروی ۱۴۳-۵۰۱
 هریر ۲۰۲
 هریر بن صریح ۱۹۶-۲۰۷
 هشام الفار ۵۱
 هشام بن احمر ایادی ۲۷۵
 هشام بن بشر ۶۱
 هشام بن حکم ۳۲۷-۳۳۰
 هشام بنریر ۱۱۸
 هشام بن عبدالملک ۱۹۴-۲۰۶-۴۴۳-
 ۶۰۱
 هشام بن عبدالله ۶۲
 هشام بن عروه ۳۷۶
 هشام بن عمر ۳۱۵
 هشام بن قاسم ۴۴۶
 هشام کلیبی ۵۹-۱۶۱-۵۴۳
 هلال بن بیاس ۲۶۲
 هلال بن ابوهلال حمصی ۴۴۵-۴۸۱
 هلال بن یحیی ۳۷۹
 هشام نحوی ۵۳
 هناد بن سری ۴۲۴
 هناء دوسی ۷۶
 هنائی ۱۴۰
 هندی ۵۶۱
 هیا ۴۴۵
 هیاشیون ۴۴۵
 هیثم ۴۱۵
 هیثم بن عدی ۶۱-۱۶۶-۵۴۳
 هیثم بن مطهر فاها ۲۷۵
 هیثم بن ناجی هیثم ۳۴۲
 ی
 یامین بن یامین ۳۷
 یحسب بن دهان ۵۰
 یحیی بن ابومنصور ۴۹۴
 یحیی بن زیاد ۲۳۸
 یحیی ابواحمد ۲۳۸
 یحیی بن آدم ۵۳-۶۱-۶۵-۳۷۹-۴۱۴
 یحیی بن ابوحفصه ۲۶۷
 یعقوب بن اسحاق کندی ۶۱۷
 یحیی بن اکثم ۳۱۰
 یحیی بن بناریق ۵۱۹
 یحیی بن بکر ۳۸۴
 یحیی بن بلال عیدی ۲۷۱
 یحیی بن حارث ذماری ۴۷-۵۰-۵۱

- یحیی بن حمزه ۵۱
یحیی بن خالد ۸۹-۱۹۸-۲۰۰-۲۷۷-
۳۲۷-۳۷۷-۴۸۲-۴۹۶-۵۳۶-۵۶۱-
۶۱۸-۶۳۴
یحیی بن زیاد حاوی ۲۷۰
یحیی بن زید بن علی ۶۱۵
یحیی بن زکریا ۴۱۴
یحیی بن زکریا بن یحیی (اقلیدسی) ۲۸۰
یحیی بن سراقیون ۵۲۶
یحیی بن عدی ۴۴۶-۴۴۹-۴۵۵-۴۵۶-
۴۵۷-۴۵۸-۴۵۹-۴۶۳-۴۷۷
یحیی بن علی ۲۳۶
یحیی بن علی بن یحیی ابو منصور ۲۳۷
یحیی بن فضل ۲۶۶
یحیی بن کامل ۳۱۱-۳۴۱
یحیی بن مبارک یزیدی ۲۷۳
یحیی بن محمد ابوالقاسم ۴۱
یحیی بن محمد زجاج ۵۶۲
یحیی بن معاذ رازی ۳۴۴
یحیی بن معین ۴۲۰
یحیی بن نصر خولانی ۳۹۰
یحیی بن وثاب ۴۹-۵۴
یحیی بن یمر ۷۲
یحیی نحوی ۴۵۴-۴۵۵-۴۵۷-۴۵۸-
۴۵۹-۴۶۰-۴۶۱-۴۶۴-۵۱۱-۵۱۳-
۵۱۶-۵۲۲
یحیی و محمد پسران زیاد حارثی ۱۹۴-
۲۰۶
یزدان بخت ۶۰۲
یزدجرد بن میهنداد کروی ۲۱۱
یزید ۲۰۱
- یزید بربری ۵۴
یزید بن ابو حکیم ۴۱۲
یزید بن ابوسفیان ۲۰۱
یزید بن اسید ۲۰۸
یزید بن خالد بن عبدالله ۲۰۶
یزید بن طثریه ۲۳۷
یزید بن عبدالملک ۱۱۱
یزید بن محمد مهلبی ۱۸۱
یزید بن مزید ۲۰۸
یزید بن منصور ۸۷
یزید بن هارون ۴۱۶
یزید مهلبی ۲۳۲
یزیدی ۴۷-۹۶
یزیدیان ۸۷
یشکری ۱۳۵
یعقوب بن ابراهیم ۴۸
یعقوب بن ربیع ۲۷۷
یعقوب بن سکیت ۸۱-۹۷-۱۱۵-۱۲۱-۱۲۲-
یعقوب بن طارق ۴۹۸
یعقوب بن محمد بن علی ۲۲۴
یعقوب بن نوح ۲۰۰-۲۷۷
یعقوب حضرمی ۵۴
یعقوب لیت ۶۲۰
یقطین ۴۰۸
یقطینی ۱۵
یلوسوس ۴۷۴
یوانیوس ۴۶۵
یوحنا بن سراقیون ۵۲۶
یوحنا بن ماسویه ۴۴۴-۵۲۶
یوحنا بن یوسف کاتب ۴۴۵
یوحنا قسیس ۴۷۹-۵۰۵

یوسف لقوه ۱۳-۲۰۰-۲۷۷	یوسف بن ابویوسف ۳۷۷
یوسفی ۸۳-۱۱۱۶-۲۰۳-۲۱۴	یوسف بن اسباط ۳۴۴
یوسع بن بد ۴۰	یوسف بن دایه ۲۶۷
یوشع بخت ۴۰	یوسف بن سلیمان ۲۰۷
یونس ۲۹-۴۷	یوسف بن صیقل ۲۷۲
یونس بن ابوذر وه ۲۰۶	یوسف بن عمر ثقفی ۲۳۹
یونس بن حبیب ۶۰-۷۴-۸۹-۹۴-۹۸	یوسف بن عیصو ۵۴۹
یونس بن عبدالاعلی ۴۲۴	یوسف بن قاسم ۲۰۰-۲۷۷
یونس بن عبدالرحمن ۴۰۴	یوسف بن مفریة بن ابان قیری ۲۷۵
یونس کاتب ۲۳۹	یوسف پسر یعقوب ۱۲۲
یونس کشیش	یوسف علیه السلام ۲۵-۳۶
یونس نحوی ۱۲۱	یوسف کاتب ۱۲

فهرست

اقدام ومصطلحات یونانی بحروف لاتینی

		A		
Antonius	انطونیوس	Adrianus	ادریانوس	
Antonine	انطونین - انطونیانوس	Aelianus	الیانوس	
Apion	اپیون	Agathodaemon	اگاثادیمون	
Apodectica	ابودققیقا	Agenor	اغنور	
Apollonius	اپلونیس	Alcibiades	القیبیادس	
Arcaganis	ارسیجانس		اسکندر ذوالقرنین	
Archelaus	ارخلاوس	Alexander l. grand	اسکندر افرودیسی	
Archigenes		Alexander afrodis	اسکندر افرودیس	
Archimedes	ارشمیدس		اسکندر اید - اسکندرانیان	
Arimenes	ارمینس	Alexandros	امارقلیس - امبراسلیس	
Arimnestus	ارمینستوس	Ammonius	امونیوس	
Aristarch	ارسطرخس	Anebo	انابو	
Aristomenes	ارسطومانس	Analytica-priora	انالوطیقای اول	
Ariston	ارسطن		انالوطیقای دوم	
Aristeles	ارسطاطالیس - ارسطو	Analytica-posteriora		
Aristoxenes	ارسطکانس	Anaximener	انکسیمانس	
Arithmetic	ارثماطیقی	Andreas	اندریاس	
Arius	اریوس	Andromachus	اندروماخس	
Aros	اروس	Andronicus	اندرونیخوس	
Artaxerxes	ارطخاست	Anthus	انطوس	
Artemidoros	ارطامیدروس	Antioche	انطاکیه	
Asclepiades	اسقلبیادس	Antipater	انطیپترس	
Asclepius	اسقلبیوس			
Aspasius				
Astymachur	اسطوماخس			

Cryllon کریلون

D

Danial دانیال

Demeterea دیمیتریا

Demetrius دیمتریوس

Democrates دیمقراطیس

Diocles دیوقلس

Diocletianus دیوجن لائوس

Diogene-Laeree

Dionysius دیونوس

Diophantus ذوفنطس

Dioscoridus دیسکوریدرس

Dioscorus دیسقرس

Dioteles دیوطالس

Dorotheus دوریتوس

Dracon دراقن

E

Ebaphrodit ابافرودیطوس

Element اصول

Empedocles ابنادقلس

ارسطراطس - ارسطراطس

Erasistratus

Erastae ارسطا

Epidemic اپیدیمیا

Etymology انطومولوجیا

Euares اوارس

Euclides اقلیدس

Euctemon احطیفون

Athena اتنه

Autolykus اوطلوقس

B

Bacchus بکوس

Basilus (Basile) بسیل - باسیل

Bathyllus بطولس

Benyamin بنیامین

Berosus طریبقوس

Bias-de-prriene بیاس دوبرین

Bnia-Salma ابنالسلام

Bodisatva بوداسف

Borus بوروس

Buddha بودا

C

Callisthens قالیستانس

Cathegories قاطینوریاس

Chalcis خلقیس

Charmide خرمیدس

شیلن لاسدمونی

Chillon-de-Lasdemone

کلابول - د - لیندوز

Cleobule-de-Lindose

Cleopatra قلوبطره

Constantin قسطنطین

Cratyle قراطولس

Criton اقریطن

Critophon فیلوطوقون

Herpyllis ار پاپس
 Hipparchus ابرخس
 Hippocrate ابقراط قطرط
 Hippias اقباس
 Homer هومر - اميروس
 Hydrogogia يادروغوغيا
 Hypsiles ايسقلاوس

I

Ion اوين
 Istar اسطه

J

Jamblicus اياميلبخس
 Jeremias ارمياس
 Jesaias اشعيا
 Jesus-Christus عيسى
 يحيى نحوى
 Johannes-Phelophonos يوحنا الدمشقى

Jehannes-Damascus

Jovianus ليوايانس
 Julianus يوليانونس

K

Khovastuvaneft حوسطف
 Kumra كمر

L

Laches لاختس

Eudemus اوديمس
 Eugenius اوجينوس
 Eustatus اسطاث
 Euthydeme اوئوديمي
 اوئوقبوس عسقلانى

Eutocius-d-Ascalan

Eutyphron اوئوفرون

F

Festus فسطس

G

Galenus جالينوس
 Gallus غالوس
 Geometric جومطريا
 Gesius جاسيوس
 Glaucon اغلوقن
 Gnosidicus اغنوسوديقوس
 Grigor غرغريوس
 Gorgias غورجياس

H

Hadrian اندريانوس
 Hercules هرقل
 Heraclides ابراقليس
 Hermias ارمياس
 Hermines-Heromences ارمينس
 Hermonius ارمونيس
 Hermes هرمس
 Heron ايرن

مورطس - مورسطس
Myrtus-Myristus

N

Nemea نیمیا
Nicanor نبقانر
Nicolaus نیکلاوس
Nicomachus نیکوماخس
Nicostratus نیکسٹراطس

O

Olympiodore اَمقیدروس
Olympius اولمپیوس
Oribasius اوریباسیوس
Orosius اراسیس
Ostanes اسطاتس
Onatus انطوس

P

Palladius پلادیوس
Pappus پپس
Parmenides برمانیدس
Paulus-Aegina فولس-اجاینطی
Pelagius پلاخس
Peloponnese بولونیسانس
Pericles برقلس
Peri-Hermeneias ہاریارمنیاس
بریاند دکورینت
Periandre-de-Corinthe
Pethion قتیون
Petronius بطورس

Lotiss لوطیس
Lotophages لوتوفاژ
Lycee لیسہ
Lycus لوقیس

M

Macedoine مقدونیه
Machaon ماخاون
Magnus مغنس
Manius مانیوس
Mantiae مانطیاس
Marcion مرقیون
Marcus مرقس
Maria ماریہ
Marinus مارینوس
Mar-Mari مرماری
Maximus مکسیمس
Meges ماغس
Menas میناس
Menclaus میناؤلاس
Menemachus مینمورس
Menexenus مانکسانس
Menon منون
Mercurius مرقونس
Metaphisica مٹاطافوسیکا
Milesius میلنس
Milon میلن
Mnasiaس مناویاس
Mnesicles مینس
Monce مرقس

Pyrrhaeus	پیرھوس
Pythagoras	فیثاغورس - بوٹاغورس
Pythais (Pythias)	پیتھاس
R	
Rhetorica	ریٹوریکا
Rufus	روفس
S	
Sage	ساز - حکیم
Sammas	شمیس
Samurus (Semara)	سیمورس
Samuel	سامول
Sanheribe	سنحریب
Serapion	سرافیون
	سرجیس - راس عینی
Sargius-Ra'sein	
Seth	شیث
Severus	ساوارس
Sicile	ستلیہ
Simon	سیمون
Simonides	سیمونیدس
Simplicius	سنبلیقیوس
Sisinus	سیس
Socrates	سقراطیس - سقراط
Solon	سولون
Sophistica	سوفسطیکا
Sophroniscus	سفرنیقوس
Soranus	سورانوس
Stagire	اسٹاگریا

Phaestios	قسطا
Phadon	فادن
Phedre	فدرس
Philagrius	فیلگریوس
Philebe	فلبس
Philipp	فیلیپ
Philo	فیلو
Philocles	افرقلس
Physica	طبیعی - سماع طبیعی پیتاکوس - دمیتار
Pittacos-de-Mityline	
Plato	افلاطون
Plinius	پلیناس
Plotin	فلوٹین
Plutarche	فلوٹرکس
Poetica	پوٹیکا
Polemo	فلیمون
Polybus	پلیٹلس
Porphyrius	پروفوریوس
Parus	پوروس
Prxus	پروکوس
	برقلس - دیادوکس
Proclus-Diadochus	
Protagoras	پروٹاغورس
Proxenus	پروکسنوس
Ptolemaeus	پٹلمیوس غریب پٹلمیوس فیلادلفوس
Ptolemaeus Philadelphus	پٹلمیوس قلوڈی
Ptolemaeus Klaudios	پٹلمیوس لاغوس
Ptolemaeus Lagi	

فهرست شهرها و اماکن

		الف		
۴۹۶	باب خراسان			
۵۸۲	بادرایا	۶۱۱-۲۱	آذربایجان	
۵۸۲	باکسایا	۴۷۲-۲۵۵-۱۲۶	آمد	
۱۷۲	بامهر	۴۲۴-۱۹۲	آمل	
۶۲۰	بامیان	۶۱۵	ابوشهر	
۶۲۵	بانصوا	۳۷۲	ابهر	
۲۲	بجه	۴۷۲	اتنه	
۱۶۶	بحرین	۲۵۰	احساء	
۵۶۹	بدندون	۶۱۲	اران	
۶۳۳	برابی	۴۳۸	ارمان	
۳۰۵	برغر	۶۱۱	ارمنستان	
۲۲۹	بست - یا - پشت	۲۰	اسان - اسان	
-۲۷۲-۱۸۸-۱۸۶-۶۴-۵۴-۴۵	بصره	۴۵۳-۴۵۰	اسطغر یا استاذیر	
۳۳۸		۴۸۶-۴۸۴-۴۵۹-۴۵۷	اسکندریه	
۲۱۲	بطائح	۶۱۱-۴۳۹-۴۳۸-۲۲۶	اصفهان	
۲۸۱	بطیحه	۴۲۶	اصطخر	
۲۷	بعلیل	۵۱۹	اقس	
-۱۸۱-۱۱۸-۱۰۴-۶۷-۶۶-۵۵	بغداد	۲۴۳-۱۶۶-۱۲۶-۸	انیار	
۴۰۹-۲۳۰-۲۲۵-۲۰۱		۲۷	اندلس	
۳۶۹	بقیع	۴۴۰-۲۸۱	انطاکیه	
۶۱۳-۶۱۱	بلال آباد	۶۱۱	اهواز	
۳۳	بلنر			
۸	بولان			
۲۴۴	بوسنج	۶۳۰-۴۳۴	بابل	
۶۰۷	بهرسیر	۹۲	باجروان	
۴۳۰	بوازیح	۱۲۴	باب الحديد	
۵۰۵	بوزجان	۶۲۶	باب الشام	
۳۴۱	بیهسان	۱۷۴	باب الکوفه	
		۴۹۳	باب الشماسیه	

۳۹۳-۳۶۵	حسینیه		
۴۰-۱۹	حران	ت	
۴۰	حره	۳۳	تبت
۳۲۳	حره مدینة الموصل	۱۳۴	ترمذ
۴۳۰	حزه	۵۶۹	ترعوز
۵۱	حلوان	۳۲۳-۱۳۹	تکریت
۳۴۹	حمص	۴۳۰	تل عکبرا
۱۲۵-۷۸-۸	حیره	۳۴	توزینه
	خ		ج
		۲۵۰-۲۳۰-۱۳۰-۷۴	جبل
۳۵۵-۱۶۶	خراسان	۲۰۲	جبل
۶۱۶	خرما باذ	۱۸۱	جرجان
۴۵۲	خلفیس	۳۵۴	الجزیره
۱۹۲	خوارزم	۱۰۴	جزیره ابن عماره
۶۰۷	خولان	۱۶۶	جزیره
	د	۶۴۱	جنبله
		۵۹۶-۵۲۸-۴۴۱	جندیسا بور
۶۲۵-۳۳۷	دارالروم	۶۰۴	جوخا
۵۰۹	دببق	۱۹۵	جوز
۱۹۷	دستميسان	۴۳۸	جی
۱۹۸	دسکره		
۲۱	دماوند		
۱۲۱	دورق	۶۶	چهارسوق الفرس
۴۲۶	دولاب		
۵۶۸	دیار مضر		
۲۲۶-۱۴۵	دبمرت		
۵۸۲-۴۷۵	دیرقنی - یا - قنی	۱۶۹	حاضرة طی
۱۳۰	دینور	۳۳	حبشه
۶۱۱-۱۵۳	دیلم	۷۱	حدیثه

۴۲۹	سن		
۳۲	سند		
۲۰۴	سواد		
۹	سور		
۱۹	سوریا	۶۲۵	رأس العين
۱۰۴	سوق السلاح	۶۲۵	رمنوا
۳۲۱-۵۵	سوق العطش	۳۳۰	رقه
۲۴۱	سوق الوراقین	۶۲۵	رعل
۳۴۱	سومنجرد	۵۲	رنبویه
۳۲	سودان	۱۱۱	رودبار
۴۵۰	سیمیل - یا - صقلیه	۳۳	روسیه
۳۳۹-۱۰۶	سیراف	۳۵۵-۱۶۶-۵۲	ری
۶۲۵	سیلا		
			ز
	ش	۳۵	زرزق
		۳۲	زغاوه
۵۷	شاذکوه	۱۹۲	زم
۶۴-۵۴	شام		
۲۰	شتر		
۳۵	شروان	۴۳۹	سارویه
۴۳۰	شهر زور	۴۲۰-۱۸۵-۷۵	سامراء - سرمری - سرمن رای
۲۵۴	شمشاط	۲۶	ساموس (جزیره)
۳۵۷	شوش - یا - شوس	۶۱۲-۳۳۷	سیلان
		۴۴۲-۱۲۶-۲۱	سجستان
	ص	۶۱۲	سراة
		۲۴۶	سرخس
۵۹۴-۵۹۰	صدیقوت	۱۷۲	سرك
۳۶۱	صمده	۱۳۷	سعدیه
۱۵۲	صفد	۴۳۹	سغ
۱۵۱	صنعاء	۵۶۹	سلمین
۶۲۱	صنف	۳۴۹	سلمیه
۴۶۲	صور	۱۳۷	سمرقند

۴۱۴	فید	۲۴۹	سیمره
	ق		ط
۳۹۲	قاسان - یا - قاشان	۳۸۱-۱۶۶	طاق
۳۵-۳۴	قبق	۲۴۸	طاق الحرائی
۶۴۱-۵۵۲	قین	۳۲۹	طاق الماحامل
۵۰۰	قصر الجص	۳۵۵-۳۴۹	طاقان
۴۳۵	قطمان	۳۸۳	طحا
۷۸	قطیعه	۱۱۹	طخارستان
۳۵۰	قطیف	۲۳۶-۱۲۰	طرسوس
۴۰۷-۱۶۶	قم	۵۵۳	طوانه
۶۲۰	قندھار	۶۰۷-۵۸۲	طیسفون - یا - تیسفون
۱۹۹	قنسرین		
۴۸۳	قهندز		ع
۵۱۱	قو	۴۸۱	عسقلان
۴۱۷	قیساریه	۱۰۲	عسکر
	ک	۱۰۲	عسکر مکرم
		۱۶۷-۱۶۵	عسکر المهدی
۱۱۹	کرنبا	۴۳۰	عسکیرا
۳۵۲	کرج	۳۵	علبا
۳۲۷-۲۲۷	کریخ	۵۹۳	علمین العلماء
۴۳۰	کریخ جدان	۴۲۹	عمان
۸	کعبه	۵۲۲	عین زادی
۳۴۹-۲۱۵	کلواذا		ف
۱۶۶-۱۱۸-۵۲-۵۱	کوفه		
۶۱۲	کوخستان بد	۴۷۴	فوریاب
	گ	۳۷۹	فوا
		۳۲۰	فصیل
۱۶۵	گوردستان خیردان	۲۰۱-۱۶۷-۵۵	فم الصالح

۷۲	ميسان	۶۲۴	گنک
۶۱۱	ميمد		
			ل
	ن	۳۵	لکز
۳۵۵	فاحيه القصرين	۲۸	لساگه
۴۱	فجد		
۲۴۶	فصيين		م
۷۰	نوبندجان		
۳۲	نويه	۲۱۱	مأمونيه
۶۰۰	نونکت	۶۱۸	مانکیر
۵۹۴	نهر بلخ	۲۲	ماه نهاوند
۲۰۹	نهر بوق	۲۲	ماوراءالنهر
۴۰۰	نهر مهدی	۴۱۴-۱۶۰	مدائن
۴۲۷	نهر وان	۷	مدین
۱۰۶	نیل	۱۶۷-۷۱-۶۴-۵۴	مدینه
۳۵۵	نیشابور	۴-۱-۳۳۸-۶۷-۵۵-۵۲-۲۶	مدینه السلام
		۱۴۴	مراغه
		۲۹۴	مران
	و	۳۳	مراوه - یا - مروئه
۳۶۶-۲۴۱-۱۶۶	واسط	۳۵۵-۱۹۲	مرو
۹	وزل صنعا	۹۰	مروشاهجان
		۹۰	مروالروذ
	ه	۶۳۰-۳۵۴-۲۰۱-۱۸۶-۱۶۶	مصر
		۱۵۶	مصیبه
۶۱۱-۱۶۶	همدان	۳۹۲	مقابرالدير
۴۱۶	هیت	۴۳۶	مقدونیه
	ی	۱۲۰-۱۱۳-۶۴-۵۴-۴۹-۹-۸	مکه
		۶۲۰	مکران
۱۱۱	یبرین	۵۸	موصل
۴۱	یمامه	۶۱۲	مولتان
۵۹۷-۴۹	یمن	۳۵۱	مهدیه

فهرست تمام کتابهاییکه در متن و حاشیه آمده

		ت		
۳۳۱	کتاب الاراء والديانات			
۹۶	کتاب الآفات	۱۸۲	کتاب الآباء والامهات	
۱۷۳	کتاب الآكله	۳۷۸	کتاب الآيق	
۱۶۹	کتاب آل ابى العاص	۴۷۷-۴۶۰-۴۵۸	کتاب الآثار العلويه	
۵۲۵	کتاب آلات الغذاء	۳۰۳	کتاب الآثار الكبير	
۶۴۲	کتاب آلات القدماء	۵۲۵	کتاب الاحاز	
	کتاب آلة ساعات الماء التى ترمى بالبندق		کتاب آخر مجهول فى العطر والتركيبات	
۴۸۰		۵۶۱		
۵۰۹	کتاب آلة الزمر البوقى		کتاب الآداب ۱۶۵-۱۹۱-۲۰۰-۲۴۵-	
۱۲۴-۱۱۴	کتاب آلة الكتاب	۴۲۷-۴۰۷-۲۴۶		
۴۸۵	کتاب آلة مصوته تسمع على ستين ميلا	۵۶۰	کتاب آداب ابراهيم بن المهدي	
۱۶۹	کتاب آيات النبى	۱۷۰	کتاب آداب السلطان	
۳۳۴	کتاب الايات والامثالبهات	۲۴۸-۱۹۶	کتاب الآداب الصغير	
۳۰۸	کتاب آى القران	۵۶۰	کتاب آداب عافية بن يزيد القاضى	
۳۱۳	کتاب الآى التى تسئل عنه المعجزة	۵۶۰	کتاب آداب عبدالله بن المعتز	
۵۹	کتاب الاى الذى نزل فى اقوام باعيا نهم	۱۳۱	کتاب آداب العشرة	
۲۲۸	کتاب آئين	۲۴۸-۱۹۶	کتاب الآداب الكبير	
۵۵۷	کتاب آئين الرمى	۵۶۰	کتاب آداب كلثوم بن عمرو المتابى	
۵۵۷	کتاب آئين الضرب بالصوالجه	۳۱۵	کتاب آداب المتكلمين	
۵۴۱	کتاب آئين نامه	۴۷۳	کتاب آداب الملوك	
۱۹۶	کتاب آئين نامه فى الائين	۵۱۸	کتاب آراء بقراط و فلاطن	
		۴۸۵-۴۷۳	کتاب الارثماطيقى	
		۵۳۴-۴۶۳	کتاب الاراء الطبيعیه	

١٦٩	كتاب ابن ابي عتيق
٥٩	كتاب ابن ابوداود السجستاني
٥٥٦	كتاب ابن احمر
٦٢	كتاب ابن الانباري في النقط والشكل
١٧١	كتاب ابن الجارود و روشنقباد
٥٤٣	كتاب ابن الطثريه وحوشيه
٢٤٤	كتاب ابن سريح
٦٣	كتاب ابن شبيب
٥٥٦	كتاب ابن الشوينزي
٥٩	كتاب ابن عباس
١٦٣	كتاب ابن عتاب ربيع مثله حسين عن العويص
٦٤	كتاب ابن عباس في العدد المديني الاول
٢٤٤	كتاب ابن مسجج
٥٤٣	كتاب ابن مطهون و رتيبه و سعاده
١٩٧	كتاب ابن الملك
٩٨	كتاب الابنيه
٩٨	كتاب الابنية والتصريف
٤٠٨	كتاب الابنية والمبتداء
٩٣	كتاب ابني وائل
٥٢٤	كتاب الابنة و علاجها
٣٦٠	كتاب الابواب
١٠١	كتاب ابواب الحنظله
٣٢٤	كتاب ابواب الصبر
٥٥	كتاب الابواب في القرآن
٣٣٦	كتاب الابواب في المخلوقات
٣٢٤	كتاب الابواب الكفر
٥٩	كتاب ابويكر بن احمد
٤٥٣	كتاب ابو دقنيق
٤٥٤	كتاب ابوطيقتا
٥٩	كتاب ابو الناسم البجلي

الف

٣٨٨	كتاب اباحه الطلاق
٦٤٢	كتاب الابانه
١٩٣	كتاب الابانه عن افعال الفلك
٣٦٣	كتاب ابتداء فرض الصلوة
٢٣٨	كتاب ابتدا فيه بنسب اهله
٣١٨	كتاب الابتداء والاعاده
٣٤٨	كتاب الابدال
٥٣٣	كتاب ابدال الادوية
٢٥٨	كتاب الابدوالمابود
	كتاب ابراهيم بن زياد في الادب للمهدى
٥٥٩	
٤٠٣	كتاب ابراهيم بن عمر الصنعاني
٥٤٤	كتاب ابراهيم و علم
٣٨٩	كتاب ابطال الامتحان
٣٩٩	كتاب ابطال التقليد
٤٩٠	كتاب ابطال الحركه في فلك البروج
٣١٢	كتاب ابطال قول من قال بالتعذيب
٣٣١-٤٠٠	كتاب ابطال القياس
٤٠٠	كتاب ابطال القياس- ابن خلاد
٤٩٤	كتاب الابعاد والاجرام
٧٨-٧٩-٩٣-٩٦-١٠٠-	كتاب الابل
١١٢-١١٦-١٢٢-١٣١-٣٠٦	
١٠٠	كتاب الابل سجستاني
٩٦	كتاب الابل احمد بن حاتم
٩٥	كتاب الابل والشاة
١٧٣	كتاب الابل
١٧٤	كتاب ابناء السراري
٥٥٨	كتاب ابن ابي حزام في البيطرة

- ٥٥٦ كتاب ابي مسكه
 ٢٩٦ كتاب ابو معمر في الارجاه
 ٦٣ كتاب ابي شبيل
 ٦٣ كتاب ابي العباس المبرد
 ٦٣ كتاب ابي عبيد القاسم ابن سلام
 ٥٢٤ كتاب ابي العنابه وعنب
 ٦٣ كتاب ابي علي الجبائي
 ٥٩ كتاب ابي علي محمد بن عبد الوهاب
 ٥٥٦ كتاب ابي عمر الاعرج
 ٦٣ كتاب ابي عمر الدوري
 ٦٣ كتاب ابي عمر الدوري اجراء القرآن
 ٦٣ كتاب ابي عمر الدوري فضائل القرآن
 ١٦٩ كتاب ابي العيص
 ٥٩ كتاب ابي مسلم محمد بن بحر
 ٥٥٦ كتاب ابي معن الفغاري
 ٣٠٨ كتاب ابي النجم و جوابه
 ٦٣ كتاب ابي نصر العباسي
 ٦٣ كتاب ابي الهذيل العلاف
 ٢٠٣ كتاب ابي يحيى ليث المرادي
 ١٠٠ كتاب الاتباع
 ٢٨٥ كتاب الاتصال
 ٦٣٩ كتاب الاتفاق
 كتاب اتفاق الفلاسفة واختلافهم في خطوط
 ٢٩٢ الكواكب
 ٦٣٩ كتاب الاتفاق والاختلاف
 ٣٤١ كتاب اثبات امامة ابي بكر
 ٣١٥ كتاب اثبات الجزء الذي لا يتجزى
 ٣١٨ كتاب اثبات خبر الواحد
 ٢٢٦ كتاب اثبات رساله
 كتاب اثبات المرسل
 ٣٣٦-٣١٨-٣١٤-٢٩٩
- ٦٤١-٩٥ كتاب الابيات
 ١٠٨ كتاب ابيات الاعراب
 ١٢٢ كتاب الابيات التي جوابها كلام
 ١٢٢-١٣٢-٨٥ كتاب الابيات السائرة
 ١٠٢ كتاب الابيات العربية
 ٩٦ كتاب ابيات المعاني
 ٦٤ كتاب ابي ابن كعب الانصاري
 ٦٤ كتاب ابي احمد عمر بن الرضيع
 ٦٤ كتاب ابي اسحاق ابراهيم المؤدب
 ١٤٨ كتاب ابي اسحاق الزجاج في النوادر
 ١٧٢ كتاب ابي الاسود الدؤلي
 ١٧٥ كتاب ابي جعفر المنصور
 كتاب ابي حاتم السجستاني في النقط والشكل
 ٦٢
 ٥٥٦ كتاب ابي الحر المديني
 كتاب ابي الحسن علي بن عيسى بن داود -
 الجراح الوزير في معاني القرآن وتفسيره
 و مشكله
 ٦٠
 كتاب ابي حنيفة الدينوري في النقطه والشكل
 بجداول ودارات
 ٦٢
 كتاب ابي حنيفة النعمان ثابت واصحابه ٢٢١
 كتاب ابي خالد عمرو بن خالد الواسطي
 ٢٠٣
 كتاب ابيديها
 ٥١٥ كتاب ابي زيد البلخي في ان سورة الحمد
 تنوب عن سائر القرآن
 ٦٥
 ٥٥٦ كتاب ابي السائب المخزومي
 ٢٠٣ كتاب ابي سلمة البصري
 كتاب ابي سليمان المنطقي في الانتادات
 اليوميه
 ٥٦٠

- كتاب اثبات علم النجوم ٤٩٧
 كتاب اثبات القياس ٣٨٠
 كتاب اثبات القياس للقاساني ٣٩٢
 كتاب اثبات القياس والاجتهاد وخبر-
 الواحد ٣٨٤
 كتاب اثبات مسح القدمين ٣٦٣
 كتاب الاثني عشر نبيا ٣٩
 كتاب الاثواب ٩٥
 كتاب اثولوجيا ٤٦٠
 كتاب الاجارات ٣٩٨-٣٦٢
 كتاب الاجارات الصغير ٣٧٨
 كتاب الاجارات الكبير ٣٨٨-٣٧٨
 كتاب الاجارات والفارمين والرجل
 يكرى الدايه ٣٨٨
 كتاب الاجتهاد ٣٢٤-٣٠٣
 كتاب الاجتهاد والرأى ٣٨٠-٣٧٨-٢٧٠
 كتاب الاجرام والابعاد ٤٨٠
 كتاب اجزاء ثلاثين ٦٣
 كتاب اجزاء القرآن و اعشاره و اسباعه
 و آياته ٤٢٣
 كتاب الاجماع ٣٩٩-٣٨٨-٣٢٢
 كتاب الاجماع فى الفقه ٤٢٦
 كتاب الاجماع فى الفقه على مذهب ابي جعفر
 ٤٢٦
 كتاب الاجماع فى الفقه على مذهب الطبرى
 ٢٣٨
 كتاب الاجماع ماهو ٣٠٣
 كتاب الاجماع والاختلاف ٣٩٣
 كتاب الاجناس ٢٨٥-١٢٢
 كتاب اجناس الحشرات ٥٦١
 كتاب اجناس الحيات ٥٦١
 كتاب اجناس الرقيق والكلام عليه ٥٦٢
 كتاب الاجنه ٣٤٥
 كتاب الاجواد ٢٠٠-١٩٧-١٧٩
 كتاب اجوبة ابي اسحاق المؤدب ٢٢٩
 كتاب اجوبة ابي على بن ابي بكر بن المظفر
 ٢٢٩
 كتاب اجوبة ابي القاسم الكنى الكمبى ٢٢٩
 كتاب اجوبة اهل فارس ٢٢٩
 كتاب اجوبة الجامع الكبير محمد بن الحسن
 ٣٢٧
 كتاب اجوبة المزنى على مذهب الطبرى ٣٢٧
 كتاب اجوبة مسائل ابي الفضل السكرى ٢٢٩
 كتاب الاجوبة المسكنه ٣٦٢
 كتاب الاحاديث ٤٠٥-١٦٣
 كتاب احاديث الجن والانس ٤٠٥
 كتاب الاحاديث الشاذه ٢٥٠
 كتاب اجالة القدر ٣٠٨
 كتاب الاحاطة ٦٣٨
 كتاب الاحباس ٣٦٢
 كتاب الاحباس والبلوغ ٣٨٨
 كتاب احتباس الطحث ٥٢٠
 كتاب الاحتجاج ٤٠٥
 كتاب الاحتجاج احمد بوقى ٤٠٥
 كتاب الاحتجاجات ٤٠٦
 كتاب الاحتجاج على المخالفين ٤٣١
 كتاب الاحتجاج لعمر بن عباد نصره
 لمذهبه ٣٣١
 كتاب الاحتجاج للفراء ١٠٧
 كتاب الاحتجاج فى صحفة النجوم والاحكام
 فيها ٥١٠
 كتاب احتجاج القراءات ١٠١

- ۳۶۱ کتاب احمد بن عیسی
 ۶۲ کتاب احمد بن عیسی اللؤلؤی
 ۵۴۴ کتاب احمد بن قتیبه و بانوجه
 ۶۳ کتاب احمد بن المعدل
 ۵۴۳ کتاب احمد وداحه
 ۵۴۴ کتاب احمد وزین العصور
 ۵۴۴ کتاب احمد و سناء
 ۵۴۳ کتاب الاحوص و عبده
 ۳۸۸ کتاب احیاء الموات
 ۳۹ کتاب اخا
 ۳۰۸-۲۵۵ کتاب الاخبار
 ۱۸۰ کتاب اخبار آل المهلب
 ۲۳۳ کتاب اخبار الابخر
 ۲۴۳ کتاب اخبار ابن الدمینہ
 کتاب اخبار ابن الرومی والاختیار من شعره
 ۲۴۶
 ۱۷۳ کتاب اخبار ابن سیرین
 ۲۳۳ کتاب اخبار ابن صاحب الوضوء
 ۲۴۴ کتاب اخبار ابن عایشه
 ۲۴۳-۱۱۳ کتاب اخبار ابن میاده
 ۱۸۵ کتاب اخبار ابن نمیر
 ۲۳۶ کتاب اخبار ابن هرمة
 ۲۴۳ کتاب اخبار ابن هرمة ومختار شعره
 ۲۲۹-۲۲۱ کتاب اخبار ابی تمام
 کتاب اخبار ابی تمام والمختار من شعره
 ۲۵۴
 ۱۶۹ کتاب اخبار ابی طالب وولده
 ۱۷۴ کتاب اخبار ابی العباس
 کتاب اخبار ابی عبدالله محمد بن حمزة
 العلوی
 ۲۲۱
 ۲۴۶ کتاب اخبار ابی العتاهیه
- ۳۶۲ کتاب احتجاج المعجزه
 ۳۱۸ کتاب الاحتجاج لهشام بن الحكم
 ۶۳۸ کتاب الاحجار
 ۶۳۸ کتاب الاحجار الثاني
 ۱۲۰ کتاب الاحداث
 ۵۰۰ کتاب احداث الجوه
 ۵۰۶ کتاب احداث النقط علی الخطوط
 ۳۰۸ کتاب احذوثة العالم
 کتاب الاحرف المحدثه والازلیه والاسماء
 الکلیه
 ۳۵۸
 ۳۹۸ کتاب احکام الابق
 کتاب احکام الاعراب علی مذاهب اليونانيين
 ۵۲۵
 ۱۶۲ کتاب احکام العرب
 کتاب احکام القرآن ۶۵-۶۶-۳۷۱-۳۸۳
 ۳۸۴-۳۸۵-۳۸۸-۴۰۰-۴۲۰-۴۳۰
 کتاب احکام القرآن ابراهیم بن خالد ۶۵
 کتاب احکام القرآن- احمد بن معذل ۶۵
 کتاب احکام القرآن- امام شافعی ۶۵
 کتاب احکام القرآن- داود بن علی ۶۵
 کتاب احکام القرآن علی مذهب مالک ۶۵
 کتاب احکام الله عزوجل ۴۳۱
 کتاب احکام المؤمنین ۳۴۱
 کتاب احکام النجوم ۲۵۰-۵۰۷
 کتاب احکام النساء ۳۹۰
 کتاب احکام الوقوف ۳۸۱
 کتاب الاحلاف ۱۷۸-۱۸۳
 کتاب الاحلام ۹۳
 کتاب احمد بن ابراهیم الوراق ۶۳
 کتاب احمد بن علی المهرجانی فی جوابات-
 القرآن ۶۵

- ۲۳۶ کتاب اخبار جمیل
 ۹۳ کتاب اخبار الحجاج
 ۱۷۰ کتاب اخبار الحجاج و وفاته
 ۲۳۶ کتاب اخبار حسان
 ۴۱۰ کتاب اخبار الحسن بن علی (ع)
 ۱۶۷ کتاب اخبار الحسن بن علی و وفاته
 کتاب اخبار الحسن بن یزید و مامدح
 به من الشعر و عماله
 ۱۷۱
 ۲۴۴-۲۳۳ کتاب اخبار حنین الحیری
 ۲۳۶ کتاب اخبار الحطیثه
 ۲۳۳ کتاب اخبار حماد عجرد
 ۱۸۹ کتاب اخبار خالد بن صفوان
 ۱۷۸ کتاب اخبار خلفاء بنی العباس
 ۱۷۰ کتاب اخبار الخلفاء الکبیر
 ۲۳۳ کتاب اخبار الدلال
 ۲۳۶-۲۳۳-۲۰۳ کتاب اخبار ذی الرمه
 ۲۳۶ کتاب اخبار رؤبه
 ۱۷۹ کتاب اخبار ربیعہ و انسابها
 ۱۷۳ کتاب اخبار رقیة بن مصقله
 ۱۶۷-۱۶۲ کتاب اخبار زیاد بن ابیه
 ۱۷۰ کتاب اخبار السفاح
 ۲۴۶ کتاب اخبار سلیمان بن ابی شیخ
 ۱۸۵ کتاب اخبار الشراء
 ۲۲۱ کتاب اخبار شعبة بن الحجاج
 ۴۱۹-۱۷۲ کتاب اخبار الشراء
 ۲۳۸ کتاب اخبار الشعراء الکبیر
 ۱۴۳ کتاب اخبار صاحب الزنج
 ۲۱۰ کتاب اخبار صاحب الزنج و وقائعه
 ۱۸۹ کتاب اخبار الطفیلین
 ۲۴۰ کتاب اخبار الطنبورین
 ۲۴۴ کتاب اخبار ابن ابی عتیق
 ۲۴۹ کتاب اخبار ابی عمرو بن العلاء
 ۲۰۵ کتاب اخبار ابی العیناء
 کتاب اخبار ابی عینیة محمد بن ابی-
 عینیة المنهال
 ۱۴۲
 کتاب اخبار ابی فرعون کندی بن جحدر
 ۲۵۰
 کتاب اخبار ابی قیس الرقیات و مختار
 شعره
 ۲۴۷
 ۲۲۱ کتاب اخبار ابی مسلم الخراسانی
 ۲۴۶ کتاب اخبار ابی نواس
 ۲۴۸-۲۳۶ کتاب اخبار الاحوص
 کتاب اخبار ارسطالیس و وفاته و مرابت
 کتبه
 ۴۶۵
 ۲۳۷ کتاب اخبار اسحاق بن ابراهیم
 ۱۷۳ کتاب اخبار اصحاب الکهف
 ۱۳۸ کتاب اخبار اعیان الحکام
 ۱۸۳ کتاب اخبار الاوس و الخزرج
 کتاب اخبار الاولاد و الزوجات و الاهل
 ۲۲۱
 کتاب اخبار اهله و نسبهم فی الفرس
 ۲۳۸
 کتاب اخبار اهله و ولدایه
 ۲۲۲
 کتاب اخبار ایاس بن معاویه
 ۱۷۳
 کتاب اخبار البرامکه
 ۲۲۰
 کتاب اخبار بشار و الاختیار من شعره
 ۲۴۳
 ۳۹ کتاب اخبار بنی اسرائیل
 کتاب اخبار تمیم
 ۱۵۹
 ۲۴۹ کتاب اخبار الجبائی ابی سعید
 کتاب اخبار الجن
 ۱۵۹
 ۱۶۳ کتاب اخبار الجن و اشعارهم

- ۳۴۸-۳۰۸ کتاب الاخبار كيف يصح
 ۲۳۳ کتاب اخبار المغنين المكيين
 ۲۲۱ کتاب اخبار المحضرين
 ۳۵۹ کتاب اخبار المحدثين
 ۲۳۳ کتاب اخبار محمد بن عايشه
 ۱۷۳ کتاب اخبار المختار
 کتاب اخبار مروان والاختيار من شعره و
 ۲۴۳ اخبار آل مروان
 کتاب اخبار المتطرفات ۱۴۳-۲۴۲-۲۴۳
 ۱۸۸ کتاب الاخبار المسووعه
 ۳۵۹ کتاب اخبار معاويه
 کتاب اخبار معبد وابن سريح واغانيهما ۲۳۴
 ۲۵۷ کتاب اخبار المغنين الطنبوريين
 ۲۳۴ کتاب اخبار المغنين واحدا واحدا
 ۱۷۲ کتاب اخبار الفرردق
 ۱۶۵ کتاب اخبار مکه
 ۲۲۱ کتاب اخبار ملوک کنده
 ۱۶۸ کتاب اخبار المناقين
 ۱۸۵ کتاب اخبار المنصور
 ۲۲۱ کتاب اخبار من تمثل بالاشعار
 ۲۸۳ کتاب اخبار الوسل
 ۲۳۳ کتاب اخبار الاميلاء
 ۱۶۹-۱۶۶ کتاب اخبار النبي (ص)
 ۱۶۶ کتاب اخبار النبي ومغازيه و سراياه
 ۱۴۶-۱۰۷ کتاب اخبار النحويين
 ۱۴۶ کتاب اخبار النحويين-سيرا في
 کتاب اخبار النحويين-محمد بن عبد الملك
 ۱۴۶
 ۱۴۶ کتاب اخبار النحويين - مرزبانى
 ۱۰۶ کتاب اخبار النحويين البصريين
 ۲۳۶ کتاب اخبار الندامى
 ۲۵۲-۲۲۲ کتاب اخبار النساء
 ۲۳۶ کتاب اخبار نصيب
 ۱۳۲ کتاب اخبار الطوال
 ۲۳۳ کتاب اخبار طويس
 ۲۴۴ کتاب اخبار ظرفاء المدينة
 ۱۶۱ کتاب اخبار العباس بن عبدالمطلب
 ۲۳۰ کتاب اخبار العباسيين
 ۲۲۱ کتاب اخبار الصمد بن المعدل
 کتاب اخبار عبدالله بن جعفر بن ابيطالب
 ۲۴۷-۱۴۵
 ۲۴۶ کتاب اخبار عبدالله بن معاوية بن جعفر
 ۲۳۶ کتاب اخبار عبيدالله بن قيس الرقيات
 ۱۸۹ کتاب اخبار العجاج وروية بن العجاج
 ۱۸۳ کتاب اخبار العرب و ايامها
 کتاب اخبار العرب و ما قالته في نوح الحمام
 ۲۸۵ و هذيل الطير
 ۲۴۷ کتاب اخبار العرحى
 ۲۳۶ کتاب اخبار عروة بن اذنيه
 ۲۴۴ کتاب اخبار عزة الميلاء
 ۲۴۷ کتاب اخبار عمر بن ابي ربيعه
 ۱۶۳ کتاب اخبار عمرو بن معديكرب
 ۲۴۴ کتاب اخبار العقلاء المجانين
 ۲۳۶ کتاب اخبار عقيل بن علقمه
 ۲۳۴ کتاب اخبار العزيز
 ۲۵۲ کتاب اخبار النلمان
 ۱۷۴ کتاب اخبار غنى وانسابهم
 ۱۶۷ کتاب اخبار الفرس
 ۴۶۲ کتاب اخبار الفلاسفه
 ۲۴۴ کتاب اخبار قدماء البلغاء
 ۳۴۶ کتاب اخبار قریش
 ۵۸ کتاب اخبار القصاص
 کتاب اخبار القضاة و تاريخهم و احكامهم ۱۸۸
 ۲۳۶ کتاب اخبار كثير

فهرست كتاب

- ٣٨٨ كتاب اختلاف الزوجين
 ٤٢٨ كتاب اختلاف الزيجات
 ٤٩٩ كتاب اختلاف الطلوع
 ١١٢-٦٦-٦٤ كتاب اختلاف العدد
 ٣٨٨ كتاب اختلاف العراقيين
 ٤٢٥ كتاب اختلاف الفقهاء
 ٣٩١ كتاب اختلاف الفقهاء الصنير
 ٣٩١ كتاب اختلاف الفقهاء الكبير
 ٣٩٢ كتاب الاختلاف في الفقه
 ٣٨٨ كتاب اختلاف مالك والشافعي
 ١٠٠-٦٢ كتاب اختلاف المصاحف
 كتاب اختلاف مصاحف الشام والحجاز والعراق
 ٦٢
 كتاب اختلاف مصاحف اهل المدينة و اهل
 الكوفة و اهل البصرة
 ٦٢
 ١٩٢ كتاب اختلاف الملوك
 ٤٨٠ كتاب اختلاف المناظر
 ٢٢٨ كتاب اختلاف الناس في الامامة
 ٣١٤ كتاب اختلاف الناس واثبات الحججة
 ١٢٥ كتاب اختلاف النحويين
 ٤٩٢-٤٩٢-١١٦-٤٩٢-٤٩٤ كتاب الاختيارات
 ١٣٦ كتاب اختيار السير
 ٢٢٨ كتاب اختيارات السير
 ٤٩٨ كتاب اختيارات علي منازل القمر
 ٥٢٥ كتاب اختيار ادوية العين
 ٥٢٥ كتاب اختيار ادوية المحربة
 ٢٤٣ كتاب اختيار شعراي المتاهيه
 ٢٤٣ كتاب اختيار شعر ابي منصور النمرى
 ٢٨٣ كتاب اختيار شعر البحتري
 ٢٤٢ كتاب اختيار شعر بكر بن النطاح
 ١٧٨ كتاب الاخبار و الاثار
 ١٨٦ كتاب الاخبار والانساب
 ١٨٨ كتاب الاخبار والانساب والسير
 كتاب الاخبار والرد على من ابطال التواتر
 ٣١٨
 ١٨٩-١٧٤ كتاب الاخبار والنوادر
 ٢٣٤ كتاب اخبار الهذليين
 ٢٥١ كتاب اخباره وشعره
 ٨٩ كتاب اخبار اليزيديين
 ٩٦ كتاب الاخبية والبيوت
 ٥٠٥ كتاب اختصار جند ولين في هندسه
 ٤٦٣ كتاب اختصار فلسفة ارسطاليس
 كتاب اختصار كتاب ابي علي في النفى
 والاثبات
 ٣٢٢ كتاب اختصار كتاب حيلة البرء لجمالينوس
 ٥٢٣
 كتاب اختصار ارسطاليس في المعمورض-
 من الارض
 ٤٧٦
 كتاب اختصار كتاب النفس للطبرى ٣٢٢
 كتاب اختصار اختصار كتاب النبض الكبير-
 لجمالينوس ٥٢٣
 كتاب اختصار الكون والفساد لارسطاليس
 ٣٣١
 كتاب الاختلاج على ثلاثة اوجه ٥٥٧
 كتاب الاختلاج والزجر يرى الرجل
 في ثيابه و جسده وصفة الخيلان و علاج-
 النساء و معرفة ما يدل عليه الحيات ٥٥٧
 كتاب الاختلاف ٤٠٠-١٦٥-١٤٣
 ٣١٤ كتاب اختلاف الاجزاء
 كتاب اختلاف اهل الكوفة والبصرة والشام
 في المصاحف ٦٢
 ٣٨٣ كتاب الاختلاف بين الفقهاء
 ١٣١ كتاب اختلاف تاويل الحديث
 ٥١٨ كتاب اختلاف التشريح
 ٣٨٨ كتاب اختلاف الحديث

١٩٨	كتاب ادب اشك بن اشك	٢٤٢	كتاب اختيار شعر دعبل بن على
٣١٨	كتاب ادب الجدل		كتاب اختيار شعر عبدالله بن قيس الرقيات
١٠١	كتاب ادب الجليس	٢٤٣	
١٩٧	كتاب ادب حوانشير	٢٤٣	كتاب اختيار شعر العنابي
	كتاب ادب الحروب وفتح الحصون وتربص-	٢٤٢	كتاب اختيار شعر مسلم
	الكمين و توجيه الجواسيس والطلائع	٢٨٣	كتاب اختيار شعر مسلم بن الوليد
٥٥٨	والسرايا و وضع المسالح	٢٣٤	كتاب الاختيار في النوادر
٥٤٢	كتاب ادب المروم	٤٠٧	كتاب اختيار القرآن
٢١٧	كتاب ادب السلطان	٤٢٣	كتاب الاختيار من الاساتيد
٢٤٥-١٨٩	كتاب ادب الجماع	٢٣٣	كتاب الاختيار من الاغانى للوائح
٢٨٥	كتاب ادب الشعر	٦٤٣	كتاب الاختيار النجومى للصنائع
	كتاب ادب الغرباء من اهل الفضل والادب	٥٨	كتاب اختيار نفسه
١٨٩		١٦٢	كتاب اخذ كسرى رهن العرب
	كتاب ادب القاضى ١٢-٣٧٩-٣٨٠-		كتاب الاخطار و المراتب و الصناعات ٣٠٨
	٣٨١-٣٨٤-٣٨٨-٣٩٨-٤٢٥	٦٢	كتاب الاخفش سعيد
	كتاب ادب الكاتب ١٠٥-١٢٦-١٣١-٢٢٧	٢٤٧	كتاب الاخلاص
	كتاب ادب الكتاب على الحقيقة ٢٤٩	٣٤٦	كتاب الاخلاص فى النية
١٠٧	كتاب ادب الكتاب المتمم	٥١٥	كتاب الاخلاط
٥٦٠	كتاب ادب مسعدة الكاتب	٥١٩-٤٦٠-٢١٦-٢٠٠	كتاب الاخلاق
٢٤٦	كتاب ادب الملوك	٣٠٨-٢٤٥	كتاب اخلاق الملوك
٢٥٥	كتاب ادب الموائد	٣٠٩	كتاب اخلاق الشطار
٢٥٥	كتاب ادب الناطق	١٩٧	كتاب اخلاق هارون
٢٣٠	كتاب ادب النديم	٣٠٨-١٩٧-١٣١	كتاب الاخوان
٥٤٢	كتاب ادب الهند والصين	٢٥٠	كتاب الاخوان والاصدقاء
٦٣٣	كتاب الادخيقى	٦٣٥	كتاب الاخوة السبعة الحكماء فى الصنعة
٣٣٨-٣١٨	كتاب الادراك	٥٤٥	كتاب الاخوين العراقي والمدنى
١٦٢	كتاب ادعاء زياد معاوية	٣١٥	كتاب الاخيار
٩٣	كتاب ادعياء العرب	٤٦٠-٤٢١-٤١٩	كتاب الادب
	كتاب الادعية والقرايين التى تستعمل قبل	٤٢١	كتاب الادب ابن ايوب
٦٤٣	صناعه الكيمياء	١٩٠	كتاب ادب ابراهيم
١٠٠	كتاب الادغام	١٧٣	كتاب ادب الاخوان

- كتاب ادكار اسطرطس في مداواة الامراض
 ٥١٨
 كتاب الادوية المستعمله
 ٥٢١
 كتاب الادوية المفردة
 ٥١٨
 كتاب الادوية المفردة على الحروف
 ٥٣٠-٥٠٩
 كتاب الادوية المفردة اللطيف على الحروف
 ٥٣٠
 كتاب الادوية القاتله
 ٥٢٠
 كتاب الادوية المقابلة للادواء
 ٥١٩
 كتاب الادوية الموجوده بكل مكان
 ٥٣٣
 كتاب اديان العرب
 ١٦٢
 كتاب الاذان
 ٣٩٨-٣٦٣
 كتاب الاذان والاقامه
 ٣٦٠
 كتاب الاذكار و التحكيم
 ٤٣١
 كتاب الارجيز
 ٩٦
 كتاب الاراده
 ٣١٥
 كتاب الاراده صفة في الذات
 ٣٣٦
 كتاب الارادة الموجبه
 ٣٣٦
 كتاب الاراقة
 ١٣٩
 كتاب الاربعة
 ٤٨٢-٢١١-٩١
 كتاب الاربع مسائل على اهل الاهواء
 ٣١٤
 كتاب الاربعة في اخبار الشعراء
 ٢٣٩
 كتاب ارتباط الخيل
 ٥٥٨
 كتاب الارجاء
 ٣٣٦
 كتاب ارجوزته في ذم الصبوح
 ١٩١
 كتاب الارجام التي بين رسول الله وبين اصحابه
 سوى العصبة
 ١٧٦
 كتاب اردشير ملك بابل واربويه وزيره
 ٥٤٣
 كتاب الارزاق
 ٣٠٠
 كتاب الارزاق والملك
 ٣١٥
 كتاب ارس الاصغر
 ٦٣٥
 كتاب ارس الاكبر
 ٦٣٥
 كتاب ارسال ملك الروم الفلاسفة الى ملك
 الفرس يسئله عن اشياء من الحكمة
 ٥٦٠
 كتاب الارض
 ٦٣٨
 كتاب الارضين
 ٤٠٥
 كتاب الارضين والعياء والجبال والبحار
 ١١٩
 كتاب ارطاميدورس في تعبير الرؤيا
 ٥٦٠
 كتاب الارغثن
 ٥٠٩
 كتاب ارم ذات العماد
 ٥٨
 كتاب ارميا النبي
 ٣٩
 كتاب ارمينس
 ٦٣٣
 كتاب اروى وذكر دبرها وما تكلمت به من
 الحكمة
 ٥٦٠
 كتاب الازارقة و حروب المهلب
 ١٨٠
 كتاب ازالة الران عن قلوب الاخوان في معنى
 كتاب الغيبة
 ٣٦٤
 كتاب الازاهير
 ٤٠٥
 كتاب الازمنة
 ٢٨٦-٢٢٠-١٠٧-٩٢
 كتاب ازواج النبي
 ١٦٩-١٦٥-١٦٢
 كتاب الاسارى والمغلول
 ٣٨٨
 كتاب اسامى الاشياء
 ٢٢٨
 كتاب الاسباب
 ٤٠٥
 كتاب اسباب النبات
 ٤٦٠
 كتاب الاسباب والعلم على النبوة
 ٣١٥
 كتاب اسباع القران
 ٦٣
 كتاب الاسباط
 ٣٩
 كتاب اسباطوس في اتخاذ الاخوان
 ١٩٨
 كتاب استانكر الجامع
 ٥٣٦
 كتاب الاستبراء
 ٣٩٨-٣٦٢
 كتاب الاستبراء والحيض
 ٣٨٨

- | | | | |
|--|---------------------------------------|---|--|
| ٢١٢ | كتاب الاستفادة في التاريخ | ٢٦٥ | كتاب الاستبصار |
| ٣٨٨ | كتاب استقبال القبلة | ٦٣٨ | كتاب الاستتمام |
| ٦٣٩-٣١١ | كتاب الاستقصاء | ٣٧٨ | كتاب الاستحسان |
| ٤٢٦ | كتاب الاستقصاء في الفقه | ٣٢٧ | كتاب الاستحقاق |
| ٣٦٣ | كتاب الامتنعاء | ٣٦٢ | كتاب الاستخارة |
| ٣٦٢ | كتاب الاستيذان | ١٢٥ | كتاب استخراج الالفاظ من الاخبار |
| ٦٣٨ | كتاب الاستيفاء | ٥٠٧ | كتاب استخراج التراجم |
| ٣٣٠ | كتاب الاستيفاء في الامامه | ٤٨٢ | كتاب استخراج السهام |
| ١٣٨ | كتاب الاستيفاء في الشروط | كتاب استخراج ضلع المكعب به مال مال و ما يتركب منهما | |
| ١٦٤ | كتاب اسدين عبدالعزيز بن قصى | ٥٠٦ | كتاب استخراج المراد من مختلف الخطاب |
| ٣٠٩ | كتاب الاسد والذئب | ٣٦٤ | كتاب استخراج المياه |
| ٦٤٠-٦٣٨-٦٣٣ | كتاب الاسرار | ٤٨٥ | كتاب الاستدراك على الخليل في المهمل و المستعمل |
| ٦٦٤ | كتاب اسرار الطبيعة | ١٤١ | كتاب الاستدراك لما اغفله الخليل |
| ٥٥٢ | كتاب اسرار الكواكب | ١٤٤ | كتاب الاستذكار لما مر في سالف الاعصار |
| ٤٨٧ | كتاب اسرار المسائل | ٢٥٤ | كتاب الاستسقاء |
| ٤٨٦ | كتاب اسرار المواليذ | ٣٩٨-٣٨٨ | كتاب الاستطاعة |
| ١٠٧ | كتاب اسرار النحو | ٣١٨-٣١٦-٣٠٢-٢٩٦ | كتاب الاستطاعة |
| ٤٩٤ | كتاب الاسطرلاب المطمع | ٣٤١-٣٣٦-٣٢٨ | كتاب الاستطاعة - حفص الفرد |
| ٦٣٨ | كتاب الاسطقس | ٣٣٦ | كتاب الاستطاعة على هشام بن الحكم |
| ٥١٧-٤٦٢ | كتاب الاسطقصات | ٢٩٨ | كتاب الاستطاعة و خلق الافعال |
| ٦٣٧ | كتاب اسطقس الاس الاول | ٣٠٨ | كتاب الاستعانة بالشعر و ما جاء في اللغات |
| ٦٣٧ | كتاب اسطقس الاس الثاني | ١٨٥ | كتاب الاستعداد على الشعراء |
| ٦٣٣ | كتاب الاسطماخس | ١٧٢ | كتاب الاستعداد |
| ٥٤٣ | كتاب اسعد و ليلي | ٣٦٥ | كتاب الاستعظام للنحو و من كان يلحن من الحويين |
| ٣٦٤ | كتاب الاسفار وهو الرد على المرتده | ١٨٥ | كتاب استعمال الشراب |
| ٦٣٥ | كتاب الاسكندر في الحجر | ٥٢٠ | كتاب استئانة الجمل الى ربه |
| ٥٥٣ | كتاب الاسماء | ٢٥٠ | |
| ٢٨٨ | كتاب اسماء الله عز وجل وصفاته | | |
| كتاب اسماء بنايا قريش في الجاهليه واسماء من ولدن | | | |
| ١٦٧ | كتاب اسماء الخلفاء و كناههم و الصحابه | | |
| ١٧٤ | كتاب اسماء الخمر | | |
| ٩٦ | | | |

١٠٨	کتاب الاشتقاق الصغير
١٠٨	کتاب الاشتقاق الكبير
٦٣٨	کتاب الاشجار
٢٢٩	کتاب الاشجار والنبات
١٧٤	کتاب الاشراف
	کتاب اشراف بکرو تغلب و فرسانهم و ايامهم و مناقبهم و احلافهم
١٧٥	
١٧٢	کتاب اشراف ثقیف
١٧٢	کتاب اشراف عبدالقيس
٣٩٣	کتاب الاشراف على اصول الفقه
١٦٧	کتاب اشراف الكتاب
٦٣٩	کتاب الاشراف
	کتاب الاشرية ١٣١-٢٣٦-٣٠٣-٣٦١-
	٣٦٢-٣٩٨-٣٨٩-٤٠٦-٤١٧-٤٢٠-
٣٨٥	کتاب الاشرية و تحليل نبيذ التمر
٣١٢	کتاب الاشرية
٤٩٢	کتاب الاشعار
٢١٩	کتاب اشعار الخلفاء
	کتاب اشعار الاعراب و اشعار النساء التي-
٢٠٠	احبين ثم ابغضن
١٨٩	کتاب اشعار الاماء و الممالیک
١٤٠	کتاب اشعار الحراب
١١٢	کتاب اشعار القبائل
٢١٣	کتاب اشعار قریش
٢٣٣	کتاب اشعار الكتاب
	کتاب الاشعار المختارة و الصحيحة منها والمعاره
٢٥٥	
١١٢	کتاب اشعار المعاينة و طرائقها
١٩١	کتاب اشعار الملوك
	کتاب الاشعار المنتخبات من اقوال الشعراء الاسلاميين
٢٨٥	

١٤٢	کتاب اسماء الخمر و عصيرها
٩٣	کتاب اسماء الخيل
٩٩	کتاب اسماء السحاب و الرياح و الاطوار
١٠١	کتاب اسماء الدواهي عند العرب
٢٤٢	کتاب اسماء الشعراء الاوائل
٥٣٦	کتاب اسماء عقاقير الهند
١٧٥	کتاب اسماء فحول الشعراء
١٦٩	کتاب اسماء من قتل من الطالبين
٣١٨	کتاب الاسماء و الاحكام
٤٢٠-٤١٩	کتاب الاسماء و الکنى
٢٢٨	کتاب الاسماء و الکنى و الالقاب
٤٢٠	کتاب الاسماء و الکنى مدینى
٥٤٥	کتاب اسماء بن جارحة الفزارى
	کتاب اسماعيل بن كثير فى المدینى الاخير
٦٤	
٤٠٣	کتاب اسماعيل بن زياد
١٧٠	کتاب اسماعيل بن هبار
٩٣	کتاب الاسنان
٥٢٥	کتاب الاسنان و اللثة
١٦٣	کتاب اسواق العرب
٥٢٦	کتاب الاسهال
٦٤٢	کتاب الاشارة
١٩٣	کتاب الاشارة فى اختيار الشعراء
٥٥٢	کتاب الاشارة فى السحر
٥٨	کتاب الاشارة فى غريب القران
٥٨	کتاب الاشارة فى غريب القرائن
١٣٣	کتاب الاشياء
	کتاب الاشتقاق
١٤١-١٢٣-١٠٥-١٠٤-١٠٠-٩٦-٩١	
١٠٥	کتاب الاشتقاق ابن سراج
٩٦	کتاب اشتقاق الاسماء

٤٢٦	كتاب الاصول الاصغر	٣١٩	كتاب اشعار النساء
٤٢٦	كتاب الاصول الاكبر	٥٣٤	كتاب اشعاره في علم الالهى
٤٢٦	كتاب الاصول الاوسط	٣١٩	كتاب اشعار ينسب الى الجن
٣٦٠	كتاب اصول الدين	٣٩	كتاب اشعيا النبي
٣٠١	كتاب اصول الزكوة		كتاب الاشكال التى زادها فى المقالة الاولى
٣٥٤	كتاب اصول الشرع	٤٨٩	من اقليدس
٦٤١	كتاب الاصول الصغر فى الصنع	٤٨١	كتاب الاشكال الكريه
٦٤١	كتاب الاصول الكبير فى الصنع	٤٩٦	كتاب الاشكال والمائع
٤٦١	كتاب الاصول العامه	٥٥٨	كتاب الاشميطى فى الفروسية
٥٠٦	كتاب الاصول على نحو كتاب اقليدس	٦٣٨	كتاب الاصباغ
٣٩٢	كتاب اصول الفتيا	١٦٢	كتاب اصحاب الكهف
٣٧٨	كتاب اصول الفقه	٦٣٥	كتاب اصطفن
١٠٥	كتاب الاصول الكبير	٥٨	كتاب الاصر
٤٢٦-٩٦	كتاب اصول الكلام	٢٣٠	كتاب اصفهان و اخبارها
٥٠٧	كتاب الاصول المجردة	٤٠٥	كتاب الاصفية
٣٥٨	كتاب الاصول والفروع	٥٢٦	كتاب اصلاح الادوية المسهلة
٤٨٢-٤٧٩	كتاب اصول الهندسه	١٤٧	كتاب اصلاح غلط ابي عبيد
٣٩٨-٣٦٢	كتاب الاضاحى		كتاب اصلاح غلط ابي عبيد فى غريب الحديث
	كتاب الاضداد	١٣١	
١٢٢-١٠٢-١٠٠-٩٩-٩٦-٩٣-٩٢			كتاب اصلاح مقالات من كتاب يحيى بن
١٢٦	كتاب الاضداد فى النحو	٥٣٥	سرافيون
١٤١	كتاب اطرغش لغة	١٢٢	كتاب اصلاح المنطق
٥٤٢	كتاب اطرف فى الاشربه	١٤٥	كتاب اصلاح والافصاح فى النحو
٣٩٨	كتاب الاطعمه	١٩٧	كتاب الاصناف
٩٣	كتاب الاعتاز	٢٩٣	كتاب اصناف المرجئه
٤٩٣	كتاب الاعتبارات	٥٥٢-٣٠٨-١٦٢	كتاب الاصنام
٤٠١	كتاب اعتبار القياس		كتاب الاصنام وما كانت العرب والعجم تعبده
٢٢٧	كتاب الاعتذارات	٢٠٥	من دون الله
٢٤٢	كتاب اعتذار وهب من خفته		كتاب الاصوات
٣٠٨	كتاب الاعتزال و فضله عن الفضيلة		٣٤٦-١٢٢-٩٦-٩٢-٩١
١٤١	كتاب الاعتقاب فى اللغة		٣١١-٣٢٣-٣٨٩-٣٩٦-
			٤٠٠-٤٩٧-٤٤٣

٤٠٥	كتاب الافانين	٣٩٨-٣٨٨	كتاب الاعتكاف
٣٩٨	كتاب افتتاح الصلوة		كتاب اعجاز القرآن في نظمه و تأليفه
٣٠٨	كتاب افتخار الشتاء والصيف	٣٢١-٦٥	
٣١٣	كتاب افتراق الامة واختلاف الشيع	٥٢٦	كتاب الاعداد
١٦٢	كتاب افتراق ولدمعد	٣٩٩	كتاب الاعدار
١٧٧	كتاب افخاد العرب	٤١٩-١٤٠	كتاب الاعراب
٦٣٨	كتاب الافرنند		كتاب اعراب ثلاثين سورة من القرآن
١٤٣	كتاب الافصاح	١٤١-٦١	
٦٤٢	كتاب الافصاح والايضاح	١٣١-١٠١-٩٤-٩٢	كتاب اعراب القرآن
٥١٨	كتاب افضل الهيئات	٥٤٥	كتاب الاعرابي و ابنة عمه
٤٢٦	كتب افعال النبي	٦٤٠-٦٣٩-٣١٨	كتاب الاعراض
٣٦٤	كتاب الافهام لاصول الاحكام	٦٣٩	كتاب الاعرابي في النهاية
١٦٣	كتاب الاقاليم	٩٣	كتاب اعشار الجذر
٣٩	كتاب اقامة الصلوات والشرائع	٤٧٣	كتاب الاعشاش و صناعة الحسبة الكبير
٨٨	كتاب اقامة اللسان على المنطق	٣٩٩	كتاب اعلام النبي
	كتاب اقتران النحسين في برج السرطان	٦٤٤	كتاب الاعمال على رأس الكور
٤٩٧		٥٥٧	كتاب العوب الرئسة وحسين اللوطي
٣٠١	كتاب الاقتصاد	١٣٩	كتاب اعياد النفوس في ذكر العلم
٤٨٣	كتاب اقتصاص احوال الكواكب	٢٢٣	كتاب الاعياد و فضائل النيروز
	كتاب اقتصاص مذاهب اصحاب الاثنين والرد-	٢٤٧	كتاب الاعياد والنواريز
٣١٦	عليهم	١٨٣	كتاب اغارة كثير على الشعراء
١٢٨	كتاب الاقتصامات	٢٤٨-١٨٥	كتاب الاغاني
٣٩٨-٣٧٨-٣٢٥	كتاب الاقرار	٢٣٣	كتاب اغانيه التي غنى بها
٣٨١	كتاب اقرار الوردثة بعضهم لبعض	٢٤٠	كتاب الاغاني على الحروف
٥٣٣-٥٢٨	كتاب الاقربا دين	٢٣٤-١٨٩	كتاب الاغاني الكبير
١٠٢	كتاب اقسام العربية	٢٣٣	كتاب اغاني عميد
٤٦٥	كتاب اقسام العلم الانسي	٥٢٥	كتاب الاغذيد
٢٢٨	كتاب اقسام العلوم	٦٤٠	كتاب الاغراض
٣٣٤	كتاب الاقسام واللغات	٤٧٦	كتاب اغراض كتب ارسطاليس المنطقيه
١٠٦	كتاب الاقناع	٥٤٥	كتاب الاغلب والدياب
٢٧٠	كتاب اكرم بن صيفي	٣٠٠	كتاب الافاعيل

٥٢٨-٥٢٥	كتاب الالوان	٤٨٤	كتاب الاكر
٤٩٧	كتاب الالوف	٣٧٨	كتاب الاكراء
١٨١-١٥٨	كتاب الالويه	٦٤١	كتاب الاكبر
كتاب الى ابراهيم بن المدير في المكاتبه			كتاب الاكفاء والاولياء والشهادات في النكاح
٣٠٨		٣٦٢	
كتاب الى ابن المنجم في استخراج كمية كتب		٦٣٨	كتاب الاكليل
٥٢٥	جالينوس	٢٨٥	كتاب الحان التطربلى
٥٢١	كتاب الى ابنه اسطات	٦٢٨	كتاب الالبان
٥٢١	كتاب الى ابنه اوثافيس	١٤١-١٣٨-١٢٦	كتاب الالقات
كتاب الى ابى القاسم البلخى في الزيادة على		١٠٨	كتاب الالقات في القران
جوابه وعلى جواب هذا الجواب ٥٣٣		١٠٦	كتاب الالقات الوصل والقطع
كتاب الى اخيه على بن ايوب في الرد على		٢٠٠-١١٧-١١٦-٩٦	كتاب الالفاظ
النصارى و تبين فساد مقالتهم و تثبيت-		٣٢٨-٢٨٦-٢٨٥-٢٢٨-٢٢٦	
الرسل ٣٢٣		١٤٦	كتاب الالفاظ من المهموز
كتاب الى اغلوقن في الثانى لشفاء الامراض		٩٨	كتاب الالف واللام
٥١٧			كتاب الفه حكيم من حكماء الروم في علاج
٥١٩	كتاب الى ثراسابولس	٥٥٨	سائر الدواب
٦٣٨	كتاب الى جمهور الفرنجى	٥٦٠	كتاب الفه ابراهيم بن بكوس في الرويا
٦٣٨	كتاب الى خاطف	٥٥٧	كتاب الالفية الصغير
٢٩٦	كتاب الى الدمشقيين	٥٥٧	كتاب الالفية الكبير
٦٣٣	كتاب الى طاط في الصنعة	١٧٩-١٧٦	كتاب الالقب
٥١٧	كتاب الى طوثون في النبض	١٧٩	كتاب الالقب ابو سعيد وراق
كتاب الى عبد الملك بن مروان في الرد		١٦١	كتاب القاب بنى طابخه
على القدره ٢٩٢		١٦١	كتاب القاب ربيعه
٦٣٨	كتاب الى على بن اسحاق البرمكى	١٦١	كتاب القاب قریش
٦٣٨	كتاب الى على بن يقطين	١٦١	كتاب القاب قيس عيلان
١٩٨	كتاب الى عيسى بن ابان في القضاء	١٦١	كتاب القاب اليمن
كتاب الى ... فيما يعرض اللثة والاسنان		٢٤٧-١٨٢-١٧٦	كتاب الشعراء
٥٢٠			كتاب القاب الشعراء و من عرف بالكنى و
٦٣٨	كتاب الى قلمون	٢٤٢	من عرف باسم
٤٦٢	كتاب الى ليولانس في التدبير	١٧٦	كتاب القاب النمر و ربيعه و مضر

کتاب امتحان الکتاب و دیوان ذوی الالباب	کتاب الی محمد بن موسی فی النیل	۵۰۴
۲۱۵	کتاب الی من بلغ من المسلمین	۳۱۴
کتاب الامتلاء	کتاب الی من لایحضره طیب	۵۳۳
۵۱۸	کتاب الی موریالیا فیما دلله علیه من مداراة	
کتاب الامثال ۳۹-۶۶-۷۴-۹۴-۹۶-	العدو والانتفاع به	۴۶۳
۹۹-۱۱۶-۱۲۲-۱۲۵-۱۲۶-۱۳۸-		
۱۵۲	کتاب الی یحیی بن خالد فی الادب	۱۹۹
کتاب الامثال عبید بن شریه	کتاب امالی محمد فی الفقه	۳۷۸
۱۵۲	کتاب امام التنزیل فی القران	۲۵۵
کتاب الامثال علاقه بن کرشم	کتاب الامام والمأموم والمحققین	۵۳۴
۱۵۲	کتاب الامامه	۲۲۳-۲۹۸-۳۱۵-۳۱۸-
کتاب الامثال زیادی		
۹۹	کتاب امثال حمیر	۳۲۱-۳۲۷-۳۲۸-۳۲۹-۳۳۰-۳۳۱-
کتاب امثال السائرة		
۱۶۲	کتاب امثال سلیمان	۳۳۲-۳۳۸-۳۴۲-۳۶۱-۳۶۶-۳۸۸-
کتاب امثال السائرة ۸۴-۱۲۰-۱۷۸-		
۳۹	کتاب الامثال الصادره عن ثبوت الشعر	۴۳۱-۳۹۸
کتاب الامثال الصادره عن ثبوت الشعر	کتاب الامامه ابوبکر بردعی	۴۳۱
۲۳۰	کتاب الامثال علی افضل	کتاب الامامه جعفری
کتاب الامثال علی افضل المنق		
۱۷۶	کتاب الامثال والابواب	کتاب الامامه طاطری
کتاب الامثال والابواب		
۳۵۸	کتاب امثال النبی (ص)	کتاب الامامه ابن قبه
کتاب امثال النبی (ص)		
۲۵۵	کتاب امراء البصره	کتاب الامامه هبثم
کتاب امراء البصره		
۱۸۵	کتاب امراء الکوفه	کتاب امامه علی بن الحسین
کتاب امراء الکوفه		
۱۸۵	کتاب امراء خراسان واليمن	کتاب امامه ابی بکر
کتاب امراء خراسان واليمن		
۱۶۷	کتاب امراء المدينه	کتاب امامه بنی العباس
کتاب امراء المدينه		
۱۸۵	کتاب امراء مکه	کتاب الامامه الصغير
کتاب امراء مکه		
۱۸۵	کتاب امراتى الملك احدهما تفضل الفلمان	کتاب الامامه علی منذهب الشيعه
کتاب امراتى الملك احدهما تفضل الفلمان		
والاخرى الجوارى و کلام الفلاسفة		
فی ذلك		
۵۶۰	کتاب امر البحرین	کتاب الامامه علی هشام
کتاب امر البحرین		
۱۷۲	کتاب الامراض التى تعرض فی المفاصل	کتاب الامامه الكبير
کتاب الامراض التى تعرض فی المفاصل		
۵۱۹	کتاب الامراض الحاده	کتاب امامه معاويه
کتاب الامراض الحاده		
۵۱۴	کتاب الامراض الحاده وهو ماء الشعر	کتاب الامامه من جهة الخبر
کتاب الامراض الحاده وهو ماء الشعر		
۵۲۴	کتاب الامراض المزمنة علی رأى بقراط	کتاب امامه ولد علی من فاطمه
کتاب الامراض المزمنة علی رأى بقراط		
۵۲۰		کتاب الامتاع والموانسة
		کتاب امتحان الدهر
		۱۹۷

- | | | |
|---------|---------------------------------------|---|
| ٤٠٥ | كتاب الانبياء والرسل | كتاب الامر بالمعروف والنهي عن المنكر |
| ٥٧ | كتاب الانتصار لحمزه | ٣١٦-٣١٣-٣٠٣ |
| ١٨٤ | كتاب الانتصار في الرد على الشعوبيه | ١٦٥ |
| ٣٩٩ | كتاب الانتصار من ابي جعفر الطبري | كتاب امر محمد بن علي بن عبدالله بن عباس |
| ٢٠٣ | كتاب انتصاف العرب من المعجم | ١٦٩ |
| ٥١٩ | كتاب انتفاع الاخيار باعدائهم | ٣٧٧ |
| ٥٢٣ | كتاب الانتقاد والتحرير على المعتزله | ٤٩٨-٤٨٤ |
| ٥٢٣ | كتاب الاثنيين | كتاب الامطار |
| ٥٠٢ | كتاب انحرافات الخيطان وعمل الساعات | ٤٩٨ |
| ٣٢٤ | كتاب الانسان | كتاب الامطار والرياح |
| ٣٦٥ | كتاب انس العالم | ٤٩٣-٤٩٢ |
| | كتاب نقل كتاب الاثني لجابر الى الشعر | كتاب الامطار والرياح و تقيير الامويه |
| ٥٢٤ | | ٤٩٧ |
| ٣٩ | كتاب انجيل لوقا | ٦٣٨ |
| ٣٩ | كتاب انجيل متى | كتاب الاملاح |
| ٣٩ | كتاب انجيل مرقس | ٦٣٨ |
| ٣٩ | كتاب انجيل يوحنا | كتاب الاملاح الثاني |
| ٦٣٥ | كتاب اندريا | ٤٠٩ |
| | كتاب اندرياس من اهل اقسوس الى نيسافرن | ٢٢٧ |
| ٦٣٥ | | كتاب الاموال |
| ٣٩٩ | كتاب الانذار | ١٢٠ |
| ٣٠٨ | كتاب الانس والسلوة | كتاب اموال النبي و كتابه ومن كان يرد عليه |
| ١٧٤ | كتاب الانساب | ١٦٩ |
| ١٧٧ | كتاب انساب ازد عمان | الصدقة من قريش العرب |
| ٣٧٨ | كتاب انساب بني عبدالمطلب | ١٧٥ |
| ٢٥٧ | كتاب انساب الحمام | كتاب امهات |
| ١٨٤ | كتاب انساب قريش واخبارها | ١٧٦ |
| ١٨٨ | كتاب الانساب والاخبار | كتاب امهات اعيان بني عبدالمطلب |
| ٢٩٦ | كتاب الانسان ماهو | ٣٠٨ |
| ٣١٧-٣٠٠ | كتاب الانسان | ١٦٤ |
| | كتاب انس ذوى الفضل في الولاية والعزل | ١٧٦ |
| | | كتاب امهات السبعة من قريش |
| | | ١٧٦-١٦٨-١٦٤ |
| | | كتاب اميم بن عمران و هند |
| | | ٥٤٣ |
| | | كتاب الافات والمجانين |
| | | ٣٤٧ |
| | | كتاب انا لوطيقا |
| | | ٤٥٣ |
| | | كتاب انا لوطيقا الاول |
| | | ٤٧٣ |
| | | كتاب انا لوطيقا الثاني |
| | | ٤٧٣ |
| | | كتاب الانبياء |
| | | ٣٩ |
| | | كتاب الانبياء والائمة |
| | | ٣٦٢ |
| | | كتاب الانبياء والحكماء |
| | | ٦٠٨ |

١٢٤	كتاب الانواء والبوارح	٢٥٣	كتاب انشاء الرسائل
١٠١	كتاب الانواء والازمنه	٣٣٠	كتاب الانصاف في الامامه
٢٥٤-٦٥	كتاب الانوار	٥٤٢	كتاب انطرس السانح و ملك الروم
٢٢٠	كتاب الانوار والثمار	٢٤٤	كتاب الانفاق
٦٣٨-٢٤٩-١٩٧	كتاب الانواع	٥٨	كتاب انفراداته
٢٣٠	كتاب انواع الدعاء	٥٠٧	كتاب الانفصالات
٥٤١	كتاب انوشروان	٣٣١	كتاب الانقاد في الامامه
١٦٣	كتاب الانهار	٣٤٧	كتاب الانتطاع الى الله جل اسمه
كتاب الانهار وخواصها وما فيها من العجايب		٣١٥	كتاب الانكار ان يخلق الناس افعالهم
٤٦٣	والجبال و غير ذلك	٥٢٢	كتاب ان للسان خالقا حكيما
كتاب الاوائل		٦٣٩	كتاب الانموذج
٤٠٥-٢٨٦-٢٢١-١٧٣-١٦٢		كتاب الانواء	٨١-٨٤-٩٠-٩٥-١٠١-
٤٠٥	كتاب الاوامر والرواجز	١٠٥-١١٧-١١٩-١٣١-١٣٢-١٤٠-	
٥٣٣	كتاب اوجاع المفاصل	٤٩٥-٢٤٥-٢١٣-١٨٨-١٧٦-١٤٨-	
٦٣٥	كتاب اوجيانس	٤٩٧	
٤٢٠	كتاب الاوحاد	١٤٨	كتاب الانواء ابن اعرابي
كتاب الاوراق في اخبار الخلفاء والشعراء		١٤٨	كتاب الانواء ابن دريد
٢٤٨		١٤٨	كتاب الانواء ابن عمار
٥١٨	كتاب الاورام	١٤٨	كتاب الانواء ابن قتيبه
١٢٥-٥٨	كتاب الاوسط	١٤٨	كتاب الانواء ابي غالب
١٢١	كتاب الاوسط في العروض	١٤٨	كتاب الانواء ابي محلم
٩١	كتاب الاوسط في النحو	١٤٨	كتاب الانواء ابي حنيفه دينوري
٩٤	كتاب الاوس والخزرج	١٤٨	كتاب الانواء اسمعي
١٩٧	كتاب الاوصاف	١٤٨	كتاب الانوار زجاج
١٩	كتاب الاوصاف والتشبيهات	١٤٨	كتاب الانواء قطرب
٣٦٢-٣٥٩	كتاب الاوصياء	١٤٨	كتاب الانواء مبرد
٩٣	كتاب الاوقياء	١٤٨	كتاب الانواء محمد بن حبيب
٤٩٨-٤٩٧-٤٩٣-٢٣٨	كتاب الاوقات	١٤٨	كتاب الانواء مرتدي
٤٩٧	كتاب الاوقات على اثنا عشرية الكواكب	١٤٨	كتاب الانواء وكيع
٦٤٣	كتاب الاوقات والازمنه	١٤٨	كتاب الانواء وهبي
٤٩٢	الكتاب الاول في ابتداء الاعمال	١٣٢	كتاب الانواء سكري

- | | | | |
|---------------------|--------------------------------------|---------------------|--|
| ٣٩٨ | كتاب الايمان في الطلاق | ٤٨٣ | كتاب الاول في الموالي |
| ١٢٥-١٣١ | كتاب الايمان والدواهي | ١٦٤ | كتاب اولاد الخلفاء |
| ٣٩٨ | كتاب الايمان والكفارات | ١٥٧ | كتاب اهل النهروان والخوارج |
| | كتاب الايمان والنور | ٣٧١ | كتاب احوال القيامة |
| ٣٣١-٣٠٦-٣٨٩-٣٦١-١٢٠ | | ٤٩٥ | كتاب الاهوية |
| ٣٧٨ | كتاب الايمان والنور والكفارات | ٥٢٤ | كتاب الاهوية والمياه والبلدان |
| ١٧٩ | كتاب الايمان والدعاء والدواهي | ٩٣ | كتاب ايادي الازد |
| ٣٩ | كتاب ايوب | ٥٤٣ | كتاب اياس وصفوه |
| | | ١٦٣-٩٤ | كتاب الايام |
| | ب | ٥٢٦-٥١٧ | كتاب ايام البحرين |
| ٦٣٨ | كتاب الباب | ١٦٣ | كتاب ايام بني حنيفة |
| ٦٤٣ | كتاب الباب الاعظم | ٩٤ | كتاب ايام بني مازن |
| ٦٣٨ | كتاب الباب الثاني | ٩٤ | كتاب ايام بني يشكر و اخبارهم |
| | كتاب باجهر الهندي في فراسات السيوف | | كتاب ايام جرير التي ذكرها في شعره |
| | ونعتها و صفاتها و رسومها و علاماتها | ١٧٦ | |
| ٥٥٨ | | ١٦٣ | كتاب ايام فزاره و وقائع بني شيبان |
| ٢٣٨ | كتاب البار ع | ١٦٣ | كتاب ايام قيس بن ثعلبه |
| ١٢٣ | كتاب البار ع في اللغة | ١٢٢ | كتاب الايام والليالي |
| ١٢٣ | كتاب البار ع في اللغة | ٣٩٨ | كتاب ايجاب القرع |
| ٤٧٣-٤٥٣ | كتاب بارميناس | ١٠٨ | كتاب الايجاز في النحو |
| ٩٣ | كتاب البازي | ٤٤٥ | كتاب ايساغوجي |
| ٣٦٢ | كتاب باطن القران | | كتاب ايساغوجي في المدخل الى الكتب المنطقية |
| | كتاب الباقر محمد بن علي بن الحسين ٥٩ | ٤٦٢ | |
| ٥٤٣ | كتاب باكر و لحظه | ٦٣٩-٣٩٩ | كتاب الايضاح |
| | كتاب الباء | ٦٥ | كتاب الايضاح عن احكام القران |
| ٥٢٢-٥٢٦-٥٢٥-٥٢٠-٢٨٥ | | ١٤٣-١٠٨ | كتاب الايضاح في النحو |
| ٦٣٨ | كتاب الباهت | ١٢٧ | كتاب ايضاح الوقف والابتداء |
| ٦٣٨ | كتاب الباهر | | كتاب الايضاح والتثقيف في آئين الخراج و رسومه |
| | كتاب الباهر في اخبار و اشعار مخضرمي- | ٢٣٠ | |
| ٢٣٧ | الدولتين | ٤٨٦-٧٦ | كتاب الايقاع |
| | | ٣٩٨-٣٩٣-٣٨٨-٣٦٢ | كتاب الايلاء |
| | | | كتاب الايمان |
| | | ٤١٧-٣٦٢-٣٦٠-٣٢٥-٣١٦ | |

- ٥٢٣ كتاب البرسام
 ٥٥٦ كتاب برص
 ٤٦١ كتاب برقليس الافلاطوني
 ٤٦١ كتاب برقليس في تفسير فاذن في النفس
 ٤٦١ كتاب برقليس في العشر مسائل
 ٥٠٦ كتاب البركار التام
 ٥٥٩ كتاب بروسن في تدبير المنزل
 ٤١٦-٣٦٢ كتاب البر والصله
 كتاب البرهان
 ٦٣٨-٥٣٢-٥١٩-٤٧٤-١٣٧
 ٤٩٥ كتاب برهان صنعة الاسطربلاب
 ١٤٥ كتاب البرهان في علل النحو
 ٥٥٩ كتاب البراة للترك
 ٥٥٩ كتاب البراة للروم
 ٥٥٩ كتاب البراة للعرب
 ٥٥٩ كتاب البراة للفرس
 ١٩١ كتاب البراة والصيد
 ٦٣٨-١٩٢ كتاب البستان
 ٣٥٤ كتاب بسم الله الرحمن الرحيم
 ٤٢٥ كتاب البسيط في الفقه
 ٤٠٧ كتاب بشارات المؤمن
 ١٦٩ كتاب بشر بن مروان بن الحكم
 ٦٥ كتاب بشر بن معتمر في متشابه القرآن
 ٥٤٤ كتاب بشر المهلبى و بسامسه
 ٥٤٣ كتاب بشر و هند
 ٣٩٣ كتاب البصائر
 ١٨٥-٩٣ كتاب البصره
 ١٧١ كتاب البصرة و فتوحها
 ٦٣٦ كتاب بطرانوس
 ٦٣٥ كتاب بطور بن نوح
 ٤٢٢ كتاب البعث والنشور
 كتاب الباهر في الاختيار من اشعار المحدثين
 و بعضي القدماء والسرقات
 ٢٤٦
 ١٨٨-١٢٢ كتاب البحث
 ٢٢٩ كتاب البحث عن التاويلات
 ١٣٢ كتاب البحث في حساب الدور
 ٦٣٨ كتاب البحر الزاخر
 ٥١٧ كتاب البحران
 ٣٨٨ كتاب البحيرة والسائيه
 ٣٠٨ كتاب البخلاء
 ٥٤٢ كتاب البد
 ٤٠٤-٣٦٣ كتاب البداء
 ٢٥٢ كتاب البدال
 ٥٤٥ كتاب بدر و سادن
 ٣٣٦-٣١٢ كتاب البدل
 ٣٠١ كتاب البدل على النجار
 ٦٣٧ كتاب البدوح
 ١٩١ كتاب البديع
 ٤٠٥ كتاب البرائر
 ٢١٨ كتاب البراعة
 ٢٨٥-٢٢٦ كتاب البراعة واللسن
 ٢٨٥ كتاب البراعة واللسن - ابوالعوادل
 ١٩٣ كتاب البراعة والفصاحة
 كتاب البراهين على القضايا التي استعمل-
 ديوفنظن في كتابه و على ما استعمله هو-
 في التفسير
 ٥٠٦
 كتاب البراهين في تهئية آلات يتبين بها
 ابعاد الاشياء
 ٥٠٠
 ٢٥١ كتاب برجان و حياحب
 ٥٥٧ كتاب بردان و حياحب لابي حسان الكبير
 ٥٥٧ كتاب بردان و حياحب الصغير
 ١٩٧ كتاب البرزح

۵۲۶	کتاب البلغم	کتاب بعض ما خالف فيه الشافعي العراقي
۶۳۵	کتاب بلقيس ملكة مصر	۳۸۴
۶۳۹	کتاب البلورة	۶۳۹
۶۴۲	کتاب البلوغ	۲۵۱
۳۸۸	کتاب بلوغ الرشد	۲۵۲
۲۷۲-۱۹۶	کتاب بلوهر و بوداسف	۲۰۶
۹۳	کتاب البله	۲۴۲
۱۲۱	کتاب بناء الكلام	۳۱۸
۱۲۳	کتاب بناء الكعبه	۱۷۰
۴۸۹	کتاب بنو موسى في القريظون	۹۳
۱۶۴	کتاب بنی الحارث بن فهر	کتاب البلاد و الزرع و النبات و النحل و
۱۶۴	کتاب بنی عامر بن لوی	۱۲۳
۱۶۴	کتاب بنی محارب بن فهر	۲۵۳
کتاب بنی ناجیه و الحریث بن راشد و مصقلة	۲۵۳	
۱۷۰	بن هبیره	۲۵۳
۱۶۴	کتاب بنی نوفل بن عبدمناف	۲۵۳
۵۵۶	کتاب بنیان دخت	۲۵۳
۵۵۶	کتاب بنیان نفس	۲۵۳
۵۲۸	کتاب البواسیر و عللها و علاجها	۲۵۳
۵۴۱	کتاب بوسعاس و فیلوس ^۱	۶۳۸
۵۴۲	کتاب بوداسف و بلوهر	۲۴۸
۵۴۲	کتاب بوداسف	۱۵۷
۶۳۸-۵۲۲	کتاب البول	۵۵۶
۳۹	کتاب بولس السلیح	۴۰۵-۳۰۸-۱۳۲
۱۴۴	کتاب البهجة	۴۰۵
۵۵۶	کتاب بهرام دخت فی الباء	۱۸۶-۱۶۳
۵۴۱	کتاب بهرام و نرسی	۱۸۶-۱۶۳
۱۱۴	کتاب البهی	کتاب بلع السیف و القضیب و الحمی و السبح
۳۶۶	کتاب البیان عن حقيقة الانسان	واكل الصابون و الزجاج و الحيلة فی ذلك
		۵۵۳

- ٢١٢ كتاب البيان وتقويم اللسان
 ٦٣٧-٣٦-٢٢ كتاب البيان
 ٣٠٧ كتاب البيان والتبيين
 ٣٩٥ كتاب البيان لاحكام الفرائض
 ٣١٣ كتاب البيان عن اسماء الله حل اسمه
 ٦٥ كتاب البيان عن بعض الشعر مع فصاحة القران
 ٣٩٣ كتاب البيان في دلائل الاعلام على اصول الاحكام
 ٣١٢ كتاب بيان المشكل على برغوث
 ٢٤٤ كتاب بيت مال السرور
 ٥٤٢ كتاب يبديا في الحكمه
 ٦٤٢-٦٣٨ كتاب البيض
 ٦٣٨ كتاب البيض الثاني
 ٥٥٨ كتاب البيطرة
 ٥٥٨ كتاب البيطرة للخميني
 ٥٥٨ كتاب البيطرة للروم
 ٥٥٨ كتاب البيطرة للفرس
 ٣٦٠ كتاب بيع امهات الاولاد
 كتاب بين فيه بطريق تعليمي ومذهب هندسي
 انه ليس في خارج كرة الكواكب الثابتة
 كرة تاسعه
 ٤٨٩
 ١٧٧-١٧٢ كتاب البيوتات
 ١٦١ كتاب بيوتات ديبه
 ١٦٧-١٦١ كتاب بيوتات قريش
 ١٨٧-١٦٧-٩٥-٩٣ كتاب بيوتات العرب
 ١٦٢ كتاب بيوتات اليمن
 ٣٩٨-٣٨٨-٣٧٧-٣٦٢ كتاب البيوع
 ٣٩٨ كتاب البينة على من يستحق البينة عليه
 ٣٩٨
- ٥٣٥
 ٤٢٠ كتاب التاريخ ابن معين
 ٤١٩ كتاب التاريخ ابو عبد الله
 ١٦٣ كتاب تاريخ اخبار الخلفاء
 ٢٨٦ كتاب تاريخ اسماعيل الخطيب
 ٥٣٠-٥٠٩ كتاب تاريخ اطباء
 ١٦٧ كتاب تاريخ الاشراف الكبير
 ١٦٧ كتاب تاريخ الاشراف الصغير
 ٤١٩ كتاب تاريخ الاوسط
 ١٧٠ كتاب تاريخ اعمار الخلفاء
 كتاب تاريخ آي القران لتأييد كتب السلطان
 ٢٤٨
 ١٧٦-١٧٠-١٦٧ كتاب تاريخ الخلفاء
 ٥٤٣ كتاب تاريخ الروم
 كتاب تاريخ الزماني والمرجان والمرضى
 ٤٢٢ والعميان
 ١٨٨ كتاب تاريخ سامو الامم
 ٢٣٩ كتاب تاريخ سني العالم
 ٣١٩ كتاب التاريخ الصغير

- كتاب تاريخ العجم و بني اميه ١٦٧
 كتاب التاريخ على السنين ١٦٧
 كتاب تاريخ الفقهاء ١٦٥
 كتاب التاريخ في اخبار الامم من العرب
 والعجم ٢٥٤
 كتاب التاريخ الكبير ١١٩-١٦٥
 كتاب التاريخ واخبار الكتاب ٢١١
 كتاب تاريخ واسط ٢٨٦
 كتاب التاريخ والمغازي والمبعث ١٦٥
 كتاب تاريخ يحيى بن ابي بكير المصري
 ٢٨٦
 كتاب التاويلات ٣٣٦
 كتاب تاويل القران ٣١٥
 كتاب تاويل متشابه القران ٢٩٨
 كتاب التباشير ٤١٠
 كتاب التبصره ٤٠٤
 كتاب التبصرة للمتعلمين ٤٣١
 كتاب التبويب ٦٣٨-٦٤١
 كتاب التبويب المستخرج ٣٧٢
 كتاب التبيين عن اصول الدين ٣٣٩
 كتاب تثبيت الاعراض ٢٩٦
 كتاب تثبيت دلالة الاعراض ٣١٥
 كتاب تثبيت الرساله ٣٣٠
 كتاب التثنيه والجمع ١٤٠
 كتاب التجارات ٤٠٧
 كتاب التجاره ٣٦٢
 كتاب التحاشي ١٧٢
 كتاب تحاويل سني العالم ٤٩٦
 كتاب تحاويل سني العالم و الحكم عليها
 ٤٩٧
 كتاب تحاويل سني المواليد ٤٩٨-٤٩٣
 كتاب التحت ٥٠٤
 كتاب التحت في الحساب الهندي ٥٠٣-٥٠٧
 كتاب التحت الكبير في الحساب الهندي
 ٥٠٧
 كتاب التحذير ٤٠٥
 كتاب التحري ٣٧٨
 كتاب التحريش والاغراء ٣٨٤
 كتاب تحريم الخمر ٣٨٨
 كتاب تحريم المسكر ٣٩٨-٤٣١
 كتاب التحريم والتحليل ٤٣١
 كتاب تحصين الاموال ٣٠٨
 كتاب تحفة الطالب و بنية الراغب ٣٦٥
 كتاب تحفة الملوك ٥٢٧
 كتاب تحفة الوامق ١٥
 كتاب التحكيم في الله عز وجل ٤٣١
 كتاب التحليل ٤٨٠
 كتاب تحويل سني العالم
 ٤٨٤-٤٩٢-٤٩٣-٤٩٥
 كتاب تحويل سني العالم حسن بن خصيب
 ٤٩٥
 كتاب تحويل سني المواليد
 ٢٢٥-٤٨٢-٤٩٢-٤٩٦-٤٩٧
 كتاب تحويل سني المواليد سما شا الله ٤٩٢
 كتاب تحويل سني المواليد ابوسهل ٤٩٢
 كتاب تخفيف الهمز ٩٥
 كتاب التخميم ٦٤٣
 كتاب التخويق ٤٠٥
 كتاب التدابير ٦٣٨-٦٤٢
 كتاب التدابير الراجية ٦٣٧

٤٩٨	كتاب تركيب الافلاك	٦٤٢-٦٤١-٣٢٨	كتاب التدبير
٦٣٨	كتاب التركيب الثاني		كتاب التدبير الايدان النحيقة التي غلبت عليه الصفراء
٢٤١	كتاب القرنم	٥٢٩	كتاب تدبير الاصحاء
	كتاب نرويع الارواح و مفتاح السرور والافراح	٥١٧	كتاب تدبير بقراط الامراض الحارة
٢٥٢	كتاب الترهيب	٥٢٠	كتاب تدبير الشيخوخة
٤٠٥	كتاب الترياق	٥١٨	كتاب التدبير الملطف
٥٢٥-٥٢٠	كتاب الترياق الى يس	١٩٨	كتاب تدبير الملك والسياسة
٥١٩	كتاب تزويج العروضي	٥١٩	كتاب تدبير من لا يحضره طبيب
١٠٧	كتاب تزويج فاطمة	٥٢٥	كتاب تدبير الناقه
٣٤٦	كتاب تسبيع الدائرة	٦٣٨	كتاب التدوير
٤٨٠	كتاب التسليم والزيارة	٥٢٨-١٠٨	كتاب التذكرة
٢٢٠	كتاب التسميته	٤٣١	كتاب تذكرة الغريب في الفقه
١٣٧	كتاب تسمية اعضاء الانسان	٦٣٨	كتاب التذكير
٥١٩	كتاب تسمية اهل الاحداث	٢٥٠	كتاب تذكية العقول
٢٩٦	كتاب تسمية الخلفاء وكناهم واعمارهم	٤٨٠	كتاب ترييع الدائرة
١٧٠	كتاب تسمية الذين يؤذون النبي و تسمية المستهزئين الذين جعلوا القرآن عضنين	٣٠٨	كتاب الترييع والتدوير
١٦٩	كتاب تسمية الفقهاء و المحدثين	٦٤١-٦٣٧	كتاب الترتيب
١٦٧	كتاب تسمية ما في شعر امرؤ القيس من اسماء الرجال و النساء و انسابهم و اسماء الارضين و الجبال و المياه	٥٣٤	كتاب ترتيب اكل الفواكه
١٦٣	كتاب تسمية المنافقين و من نزل القرآن فيه و من غيرهم	٤٦٥	كتاب ترتيب كتب ارسطاليس
١٦٩	كتاب تسمية من بالحجاز من احياء العرب	١٤٠	كتاب الترجمان في معاني الشعر
١٦٣	كتاب تسمية من قتل بنو اسد	٢٨٥	كتاب ترجمة كتاب الفلاحة للروم
٩٤			كتاب ترجمة نوادر اهل الشرفية و نوادر اوساط الناس و نوادر السفلة و الوضوء
		١٦٥	كتاب الترغيب في علم المغازي و غلط الرجال
		٢٩٩	كتاب الترك ١
		٣٣٦	كتاب الترك
		٣٩٩	كتاب ترك الاكفار
		٦٥	كتاب ترك لمراء في القرآن
		٦٣٨-٤٩٣-٤٨٠	كتاب التركيب
		٥١٨	كتاب تركيب الادويه

- كتاب تسمية من نقل من عاد و ثمود والعمالق
 وخيرهم وبنى اسرائيل من العرب وقصة
 الهجرتين و اسماء قبائلهم ١٦٣
 كتاب تسمية ران عبد المطلب ١٦٤
 كتاب التسمية بين حدثنا و اخبرنا ٣٨٣
 كتاب التسمية بين العرب والعجم
 ٣٠٨-١٣١
 كتاب التسييرات ٥٠٦-٤٩٢
 كتاب التسييرات فى المواليد ٤٩٢
 كتاب تسيير الكواكب ٤٨١
 كتاب التسييرات و الشعاعات ٥٠٧
 كتاب الشابه ٦٣٩-٣٢٣-٨٥
 كتاب التشبيبات و الطلب ٢٢٧
 كتاب التشبيه ٣١٤
 كتاب التشبيحات ٢٣٤-٢٣٠
 كتاب التشبيه و التمثيل ٤٩٣
 كتاب التشريح ٥١٨
 كتاب تشريح الاحشاء ٥٢١
 كتاب تشريح الحيوان الحى ٥١٨
 كتاب تشريح الحيوان الميت ٥١٨
 كتاب تشريح الرحم ٥١٨
 كتاب التشوق الى الاوطان ١٠٠
 كتاب التعاريف ١٤٢-١٣٧
 كتاب التصحيح ٦٣٩
 كتاب التصحيحات ٦٤٢
 كتاب تصحيح الاثار ٣٨٣
 كتاب التصحيف ٢٣٠
 كتاب تصحيف العلماء ١٣١
 كتاب تصدير الدرجات ٤٠٧
 كتاب التصريف ١٤٢-١٠٨-١٠٢-٩٨
 ٦٣٨
 كتاب التصريف محمد بن رستم ١٠٢
 كتاب التصعيد و التقطير ٦٤٢
 كتاب التصغير ١٢٥-١١٠
 كتاب تصويب على فى تحكيم الحكيمين ٣٠٨
 كتاب تضاعيف بيوت الشطرنج ٥٠٢
 كتاب تطهير الثياب ٣٢٣
 كتاب التمازى ١٧٣-١٠١
 كتاب التماقب فى العربية ١٤٦
 كتاب تعبير الرؤيا ٥٦٠
 كتاب تعبير الرؤيا فيرويايى ٥٦٠
 كتاب تعبير الرؤيا ابن قتيبه ٥٦٠
 كتاب تعبير الرؤيا على مذاهب اهل البيت
 ٥٦٠
 كتاب تعبير الرؤيا لاهل البيت ٥٦٠
 كتاب تعبئة الحروب و اداب الاساوره و كيف
 كانت ملوك الفرس تولى الاربعة الثنور
 من الشرق و الغرب و الجنوب و الشمال
 ٥٥٧
 كتاب تعديل الكواكب ٤٩٦
 كتاب التعديل و التجويز ٣٣٦-٣٠١-٢٩٩
 كتاب تعرف علل الاعضاء الباطنه ٥١٧
 كتاب التعريس بالخطبه ٣٨٨
 كتاب تعريف المرء عيوب نفسه ٥١٩
 كتاب التعليقات ٦٤٣-٦٤٢
 كتاب التعليق فى الفقه و المسائل ٣٩٦
 كتاب التعليم ٣٠١
 كتاب تعليم بعض المؤمرات ٢٢٤
 كتاب التفسير ٤٠٦-٣٦١-٣٥٩-٢٩٥
 ٤٠٨-٤١٢-٤١٣-٤١٥-٤١٦-٤١٧
 ٤١٨-٤٢٠-٤٢١-٤٢٢-٤٢٥-٦٣٩

کتاب تفسیر تفسیر کتاب جالینوس لفعول	۴۲۱	کتاب التفسیر ابن ایوب
۵۳۴ بقرات	۴۱۷	کتاب التفسیر ابوشیبہ
کتاب تفسیر التوراة	۴۱۷	کتاب التفسیر ابن حنبل
۳۹	۴۱۷	کتاب التفسیر فیریابی
کتاب تفسیر الثانی من کتب ارسطالیس	۴۱۶	کتاب التفسیر عبدالوهاب
۵۱۹	۴۰۶	کتاب التفسیر حسن بن محبوب
کتاب تفسیر الثلاث مقالات الاواخر من تفسیر	۵۹	کتاب التفسیر ابن ثعلب
ثامطیوس	۵۹	کتاب التفسیر ابی بکر الاصم
۴۷۵	۵۹	کتاب التفسیر ابی حمزه
کتاب تفسیر الحسن بن ابی الحسن	۵۹	کتاب التفسیر ابی شیبہ
۵۹	۵۹	کتاب التفسیر الصغیر
کتاب تفسیر الحسن بن واقد	۳۶۱	کتاب تفسیر ابن ابی نعیم
۵۹	۵۹	کتاب تفسیر ابی بکر الاصم
کتاب تفسیر الحماسه	۵۹	کتاب تفسیر ابی بکر بن ابوالثلج
۱۴۵	۵۹	کتاب تفسیر ابوبکر بن ابوشیبہ
کتاب تفسیر الخصمائه آیه	۵۹	کتاب تفسیر ابی جعفر الطبری
۳۳۴	۵۹	کتاب تفسیر ابی رجا
کتاب تفسیر داود بن ابی هند	۵۹	کتاب تفسیر ابی سعید الاشج
۵۹	۵۹	کتاب تفسیر ابی کریمه یحیی بن مهلب
کتاب تفسیر الرؤیا	۳۹	کتاب تفسیر احکام داود
۲۵۰-۴۰۵-۴۶۵	۵۰۷	کتاب التفسیر - الارثماطیقی
کتاب التفسیر - زید بن اسلم	۱۲۸	کتاب تفسیر اسماء الشعراء
۵۹	۵۹	کتاب تفسیر اسماعیل بن زیاد
کتاب تفسیر السبع	۳۹	کتاب تفسیر اشعیاء
۱۰۷	۵۰۷-۵۰۴	کتاب تفسیر اقلیدس
کتاب تفسیر السبع الجاهلیات بفریبها	۱۱۷	کتاب تفسیر الامثال
۱۳۹	۴۷۷	کتاب تفسیر ایسا غوجی مشروح
کتاب تفسیر السدی	۴۷۷	کتاب تفسیر ایسا غوجی مختصر
۵۹		
کتاب تفسیر - سعید بن بشیر		
۵۹		
کتاب تفسیر - سعید بن جبیر		
۵۹		
کتاب تفسیر السفر الثالث من النصف الاخر		
من التوراة		
۳۰۹		
کتاب تفسیر سفیان بن عیینه		
۵۹		
کتاب تفسیر سید بن داود		
۵۹		
کتاب تفسیر الشروط		
۳۷۹		
کتاب تفسیر الاثنی		
۱۰۷		
کتاب تفسیر شبان بن عبدالرحمن		
۵۹		
کتاب تفسیر صور کتاب السماء والعالم		
۲۲۹		
کتاب تفسیر عکرمه		
۵۹		
کتاب التفسیر عن الحسن		
۲۹۴		

۱- تمام کتابهای تفسیر برقم ۵۹ ظاهر کتاب منقلی نیست و ابن ندیم خواسته است

فهرستی از کتابهای تفسیر مندرجه در این کتاب را زیریک عنوان آورده باشد.

- ٥٥٠ داود وما اخذ عليهم من اليهود
 ٥٩ كتاب تفسير محمد بن ابي بكر
 ٥٩ كتاب تفسير محمد بن ثور
 ٥٩ كتاب تفسير محمد بن علي بن جني
 كتاب تفسير مراثي الثلاثة والقصيدة الرائية
 ١٤٦ للشريف الرضي
 ٤١٦ كتاب التفسير - مروزي
 ٩١ كتاب تفسير المسند
 ٩١ كتاب تفسير معاني القرآن
 ١٠٧ كتاب تفسير المفضليات
 ٥٩ كتاب تفسير - مقاتل بن حيان
 ٥٩ كتاب تفسير - مقاتل بن سليمان
 كتاب تفسير المقالة الاولى من كتاب بطلميوس
 في القضاء على النجوم
 ٤٨١ كتاب تفسير المقالة العاشرة من اقليدس
 ٤٨٤ كتاب تفسير المقالة العاشرة في السير
 ٤٦١ كتاب تفسير مقصورة ابي بكر بن دريد
 ١٣٩ كتاب تفسير المنامات من النجوم
 ٤٩٧ كتاب تفسير النكت
 ٢٩ كتاب تفسير نهشل
 ٥٩ كتاب تفسير وكيع بن جراح
 ٥٩ كتاب التفسير - هروي
 ٤١٦ كتاب تفسير هيثم بن بشير
 ٥٩ كتاب تفسير يعقوب الدورقي
 ٥٩ كتاب تفسير يوسف القطان
 ٥٩ كتاب التفاح
 ٢٠٨ كتاب التفاح
 ١٢٨ كتاب التفاح
 ٦٣٩ كتاب التفاضل
 ١٦٢ كتاب تفرق الازد
 ١٦٢ كتاب تفرق عاد
 ١٦٢ كتاب تفرق ولدنزار
 ١٢١ كتاب تفسير الفريب
 ٢٧٢ كتاب تفسير قاطيفورياس
 كتاب تفسير القرآن ١٦١-٣٠٠-٣١٣-
 ٤٠٨-٣١٤
 كتاب تفسير قطعة من كتاب الاخلاق لارسطا ليس
 ٤٧٤
 كتاب تفسير قصيدة شبل بن عرزه
 ١٠٧
 كتاب تفسير قل هو الله احد
 ٢٥٨
 كتاب التفسير الكبير
 ٣٦١-٥٨
 كتاب تفسير كتاب ابرخس في الجبر
 ٥٠٦
 كتاب تفسير اقليدس
 ٤٨٩
 كتاب تفسير كتاب الاربعة لبطلميوس
 ٥٠٠
 كتاب تفسير كتاب ايوب
 ٢٩
 كتاب تفسير كتاب بطلميوس في تسطيح الكرة
 ٤٨٤
 كتاب تفسير كتاب الخوارزمي في الجبر
 والمقابلة
 ٥٠٦
 كتاب تفسير كتاب ذيوفنطس في الجبر
 ٥٠٦
 كتاب تفسير كتاب طويبقا لارسطا ليس
 ٤٧٥
 كتاب تفسير كتاب فلوطرخس في تفسير كتاب
 طيماوس
 ٥٣٣
 كتاب تفسير كلام ارسطاليس في الهاله وقوس
 قزح
 ٤٦٢
 كتاب تفسير الكلبى
 ٥٩
 كتاب التفسير لابن واثق
 ٦٧
 كتاب التفسير لثلاث مقالات ونصف من كتاب
 ذيوفنطس في المائل العددية
 ٥٢٦
 كتاب التفسير للقران
 ٢٩٢
 كتاب تفسير ما بال لارسطاليس العاشر
 ٤٦٤
 كتاب تفسير مالك بن انس
 ٥٩
 كتاب تفسير مقالاته الشياطين لسليمان بن

۶۳۸	کتاب التلمیح	۱۸۹	کتاب تفضیل ذی الحجّة
۶۳۸	کتاب تلمین الحجارة	۲۴۹	کتاب تفضیل السنان
۵۵۲	کتاب التماثل	۱۷۲	کتاب تفضیل الشعراء بعضهم علی بعض
۳۳۰	کتاب التماثل فی تباشیر السرور	۲۳۴	کتاب تفضیل الشعر والرد علی من یحرّمه و نیقضه
۶۳۹	کتاب التمام	۲۸۵-۱۳۱	کتاب التفقیه
۱۴۶	کتاب التمام لاشعار الهدیل	۳۴۵-۳۰۸	کتاب التفكير والاعتبار
۳۰۸	کتاب التمثیل	۳۹۸	کتاب التفلیس
۱۷۳	کتاب التمنی	۲۹۶	کتاب التفهم وحرکات اهل الجنة
۶۴۲	کتاب التمویه	۵۲۵	کتاب تقاسیم علل العین
۳۱۲	کتاب التمویه نقض کتاب حنّص	۶۳۸-۵۲۴-۵۱۸-۵۱۴	کتاب تقدمة المعرفة
۶۳۹	کتاب التمزیز	۲۹۹	کتاب تقدیر
۵۴۴	کتاب التمیعی والتمیعیة الذین تماهدوا	۳۳۱	کتاب التقديم والتاخیر
۳۹۸	کتاب التناحر	۳۹۲	کتاب التقرب بین المزنی والشافعی
۳۱۴	کتاب تناقض الحدیث	۵۷	کتاب التقرب فی کشف الغریب
۱۹۸	کتاب التنبیه	۵۲۳	کتاب تقسیم الامراض واسبابها و علاجاتها علی الشرح
۳۶۴	کتاب تنبیه الساهی بالعلم الالهی	۵۲۳	کتاب التقسیم والتشجیر
۲۳۰	کتاب التنبیه علی حروف المصحف	۴۹۸	کتاب تقطیع کردجات الجیب
۳۳۰	کتاب التنبیه فی الامامة	۳۴۶	کتاب التقوی
۴۲۰-۳۶۳	کتاب التنزیل	۱۴۵	کتاب تقویم الالسنه
۳۰۱	کتاب التنغم	۴۰۶-۳۶۲	کتاب التقیة
۵۱۹	کتاب تنقیص اللحم	۶۳۸	کتاب التکویر
۹۹	کتاب تنمیق الاخبار	۵۶۲	کتاب التلاویح
۱۲۸	کتاب التنويع	۵۳۳	کتاب تلخیصہ لکتاب العلل والامراض
۳۴۶	کتاب التوابع	۵۳۳	کتاب تلخیصہ لکتاب المواضع الالمة
۱۷۹	کتاب التواین وعین الوردہ	۲۲۰	کتاب تلقیح العقول
۳۴۷	کتاب التواضع حدیث	۱۴۶	کتاب التلقین
۳۴۷-۲۹۳	کتاب التوبة		
۱۷۰	کتاب توبة بن مضر		
۵۴۳	کتاب توبه ولبلی		

۵۲۵	کتاب تولد النار بين الحجرين	کتاب التوحيد ۲۷۰-۲۹۳-۲۹۹-۳۰۰-
۲۹۶	کتاب التوليد على النظام	۳۰۱-۳۱۳-۳۱۴-۳۱۶-۳۳۳۳۲۸-
۵۳۶	کتاب التوهم في الامراض والعلل	۳۳۶-۳۴۱-۳۴۲-۳۵۸
۲۲۰	کتاب التهاني	کتاب التوحيد اباضى ۳۴۱
۲۲۷	کتاب التهاني والتعازي	کتاب التوحيد على اصناف المتيبه والجهمية
۴۲۵	کتاب تهذيب الآثار	والرافضه ۳۰۳
۲۱۷	کتاب تهذيب البلاغة	کتاب التوحيد و اقاويل الفلاسفة في ذلك
۲۲۶	کتاب تهذيب الطبع	۲۴۳
۲۲۷	کتاب تهذيب الفصاحة	کتاب التوحيد وحدث العطل ۳۳۱
۴۲۱-۳۶۳	کتاب اليتيم	کتاب التوحيد والرد على الفلوات و طوائف
	ث	الشيخ ۳۴۱
		کتاب التوحيد و قوله في النفس والعقل و
		الجوهر والعرض ۴۴۹
		التورات ۳۸
۴۰۳	کتاب ثابت الضرير	کتاب التوسط بين الاخفش و ثعلب في معاني
۴۹۲	الكتاب الثالث في المسائل	القران واختيار ابى محمد في ذلك ۱۰۷
۴۸۳	الكتاب الثالث في الهيلاج والكخدان	کتاب التوسط بين ثعلب والاخفش في المعاني
۴۶۱	کتاب الثالوجيا	۶۰
۴۹۲	الكتاب الثاني على دفع التدبير	کتاب التوسط في العناعه ۶۳۹
۴۸۳	الكتاب الثاني في التزويج والاولاد	کتاب التوشيح والترشيح في بعض الثنوية
۵۵۶	کتاب ثيبيل	بين الشعويه ۲۲۵
۱۹۸	کتاب ثعله وعفره	کتاب توقشتل ۵۳۶
۱۷۱	کتاب ثمر الهند	کتاب توقيل في الصنعة ۶۳۶
۶۳۹	کتاب المقه	کتاب التوقف ۶۳۹
۶۳۹	کتاب الثقة بصحة العلم	کتاب التوكل ۳۴۸
۶۴۰	کتاب الثقة في الصنعة	کتاب التوكيد ۳۴۶
۴۸۰	کتاب الثقل والخفة	کتاب التولد ۲۹۹
۲۵۰	کتاب الثقلاء	کتاب تولد الحصاة ۵۲۵
۴۸۹	کتاب ثلث	کتاب التولد على النظام ۲۹۸
۶۳۸	کتاب الثلاثين كلمة	

٢٥٣ كتاب الجامع في اشعار المدلفين
 ٤٣١ كتاب الجامع في اصول الفقه
 ٥٠٤-٥٠٣ كتاب الجامع في الحساب
 ٥٠٤ كتاب الجامع في الحساب اصطخرى
 ٥٠٤ كتاب الجامع في الشعراء و اخبارهم
 ٢٤٢
 ١٩١ كتاب الجامع في الفناء
 ٣٩١-٣٦٠-٣٣٣ كتاب الجامع في الفقه
 ٤٣١-٤٠٨
 ١٤٢-١٣٤-١٠٢ كتاب الجامع في النحو
 ٥٥٣ كتاب الجامع في النيرانجات والخواص
 ٣٩٤-٣٧٨-٣٢٤ كتاب الجامع الكبير
 ٥٠٧-٤١٢
 ٤٣٠ كتاب الجامع الكبير في الفقه
 ٤٣٠ كتاب الجامع الكبير في الفقه قرطوسى
 ٤٣٠
 ١٣٩ كتاب جامع اللغة
 ١٤٣-١٣٩-١٣١ كتاب جامع النحو
 ١٣١ كتاب جامع النحو الصغير
 ٥٩٨ كتاب الجبابرة
 ٤٩٤-٤٩٣-١٣٢ كتاب الجبر والمقابلته
 ٥٠٣
 ٥٠٣ كتاب الجبر والمقابلته مصبى
 ٦٤٢ كتاب الجحيم الاعظم
 ١٩٧ كتاب الجد
 ٤٨٣ كتاب جداول زيغ بطليموس المعروف
 بالقانون المسير
 ٥٣٣ كتاب الجدرى والحصبة
 ٤٠٥ كتاب جدول الحكمة
 ٥٢٠ كتاب الجراحات

٥٠٤ كتاب الثلاثين مسئله الزيبه
 ٣٢٨ كتاب الثمانية الابواب
 ٤٦١ كتاب الثمانية عشر مسئلة
 ٤٨٣ كتاب الثمره
 ٣٣٦ كتاب الثواب والعقاب

ج

٦٤٠ كتاب الجاروف
 ٣١٦ كتاب الجاروف في تكافؤ الادله
 ٥٤٥ كتاب الجارية و مولاها و عبيد الله بن معمر
 ٦٣٦ كتاب جاماسب في الصنعة
 ٣٨٠-٣٥٤-١٠١-٧٣ كتاب الجامع
 ٦٤٣-٥٠٣-٤٠٦-٤٠٤-٣٨١
 ٤٠٤ كتاب جامع الآثار
 ٦٤٣ كتاب الجامع - براتيات
 ٢٢٥ كتاب جامع التاويل لمحكم التنزيل على
 مذهب المعتزله
 ٢٥٢ كتاب جامع الحماقات واصل الرقاعات
 ٢١٢ كتاب جامع الدعاء
 ٢٢٥ كتاب جامع الرسائل
 ٢٢٥ كتاب جامع رسائله
 ٣٧٨-٣٤٧-٣٢٤ كتاب الجامع الصغير
 ٤٣٠-٣٩٤
 ٣٥٩ كتاب جامع العلم
 ٣١٣ كتاب الجامع على الرافضه
 ٣٧٢ كتاب جامع الفرائض
 ٤٢٧-٣٦١-٣٣٣ كتاب جامع الفقه
 ٤٢٧ كتاب جامع الفقه مسقطى

- | | | | |
|--------------------------|---|---------|--|
| ٦٣٨ | كتاب الجمع | ٣٨٨ | كتاب جراح العمدة |
| ٣٦٢ | كتاب الجمع بين الصلوتين | ١٤٠-٩٦ | كتاب الجراد |
| ٢١٦ | كتاب جمع فيه اخبار الحطه | ٤٨٦ | كتاب جرم الشمس والقمر |
| | كتاب جمع فيهما غلق عنه في غريب القرآن | ١٩٨ | كتاب الجرهمية وتوكيل النعم |
| ٢٢٩ | | | كتاب جرير بن عبدالله الازدي السجستاني |
| ١١٤ | كتاب الجمع والتثنيه في القرآن | ٤٠٣ | |
| | كتاب الجمع والتثينه | ٣٦٢ | كتاب جزاء المحارب |
| ٩٥-٩٤ | | ٤٦١ | كتاب الجزء الذي لا يتجزى |
| -٥٠٣-٤٩٤-١٣٢ | كتاب الجمع والتفريق | | كتاب الجزء الذي لا يتجزى والقول بالاعراض |
| ٥٠٤ | | ٣٠٢ | والجوهر |
| | كتاب الجمع والتفريق | ٤٨٩-٣٠٠ | كتاب الجزء |
| ٥٠٣ | سنان بن قتح | ٣٦٢ | كتاب جزافات الخطاء |
| | | ١٦٢ | كتاب الجزور |
| ٣٩٨-٣٨٨-٣١٤ | كتاب الجمعه | ٣٩٨-٣٨٨ | كتاب الجزية |
| -١٦٥-١٥٨-١٥٧-١٠٥ | كتاب الجمل | ٣٦٢ | كتاب الجزية والخراج |
| -٤٠٥-٣١٨-١٩٧-١٨١-١٧٩-١٧٠ | | ٩٦ | كتاب جزيرة العرب |
| | ٤١٧ | ٦٣ | كتاب جعفر بن حرب المعتزلي |
| ١٠٥ | كتاب جمل الاصول | | كتاب جغرافيا في المعمورة من الارض و |
| ١٤٦ | كتاب جمل اصول التصريف | ٤٨٣ | صفة الارض |
| ٢٢٥ | كتاب جمل التاريخ | ٤٩٨ | كتاب الجغرافيا الهندي |
| ١٤١ | كتاب الجمل في النحو | ٩٣ | كتاب جفوة خالد |
| ٣١٢ | كتاب جمل قول اهل الحق | ٢١٥ | كتاب جلاء الحزن |
| | كتاب جمل معاني انا لوطيقا الاولى الى تمام | ١٢٣ | كتاب جلاء الشبه |
| ٥٣٢ | القياسات الحملية | ٥٥٦ | كتاب جلبذه |
| ٥٣٢ | كتاب جمل معاني قاطيفورياس | ٤٨٦ | كتاب الجبل الصياح |
| ٣٥٨ | كتاب جمل النور والحياة والارواح | ٣٦٢ | كتاب حلد الشارب |
| ١٥٨ | كتاب الجمل وخط مسير عايشه وعلی | ٤٧٣ | كتاب الجلساء والمجالسه |
| ٩٣ | كتاب الجمل وصفين | ٢٤٧ | كتاب الجلساء والندماء |
| ٤٩٧-١٦٤ | كتاب الجمهرة | ٤٢٩ | كتاب الجليس والانيس |
| ٢٤٥ | كتاب جمهرة انساب الفرس والنوافل | ١٢٨ | كتاب جلي المداخل |
| ٣٠٨ | كتاب جمهرة الملوك | ٨٤ | كتاب جماهير القبائل |
| ٢٤٢ | كتاب جمهرة نسب بني هاشم | | |
| ١٠٤ | كتاب الجمهرة في علم اللغة | | |

- | | | |
|-----------------|--------------------------------------|--|
| ٢٢٩ | كتاب جوابه في قدم العالم | كتاب جمهرة ولد الحرب بن كعب واخبارهم |
| ٢٨٦ | كتاب الجواد الفياح | في الجاهلية ١٧٤ |
| ٥٥٩ | كتاب الجوارح | كتاب جميل وثيبينه ٥٤٣ |
| ٤٧٣ | كتاب الجوارح والصيد بها | كتاب الجن ١٦٢ |
| ١٩١ | كتاب الجوارح والصيد | كتاب الجنائز ٣٦٢-٣٧١-٣٨٨-٣٩٨ |
| ٥٥٩ | كتاب الجوارح واللعب بها | كتاب جنائيات المبيد والجنائيات عليهم ٣٦٢ |
| ٣٠٨ | كتاب الجوارح | كتاب جنائيات المعجم ٣٦٢ |
| ٥٥٧ | كتاب الجوارح الحيات | كتاب جنائيات المدبر والمكاتب ٣٧٨ |
| ٣٨٥ | كتاب جواز الصلوة بالفارسية | كتاب الجنة والنار ٣٦٢ |
| ٣٧٧ | كتاب الجوامع | كتاب الجنين ٣٩٨ |
| ٥٠٣ | كتاب جوامع الجامع | كتاب الجوابات ١٧٣-٢٩٩ |
| ١٠٧ | كتاب جوامع العروض | كتاب جوابات اهل اليقين ٣٤٧ |
| ١٩٦ | كتاب جوامع كليله ودمنه | كتاب الجوابات في القران ٣٢٤ |
| ٥٠٤ | كتاب الجوامع في الحساب | كتاب جوابات القران ٦٠ |
| | كتاب جوامعه لكتاب جالينوس في الادوية | كتاب جوابات كتاب المعرفة ٣٠٨ |
| ٤٩٠ | المفردة | كتاب جوابات لمسائل عيسى ابن اسيد ٤٩٠ |
| ٢٤٦-٢٤٢-١٧٣-١٢١ | كتاب الحواهر | كتاب جوابات مسائل مسئل عنها ٥٣٥ |
| ١٨٧ | كتاب جواهر الاخبار | كتاب جوابات مسائل وردت من عدة بلدان |
| ٤٦١ | كتاب الجواهر العاليه | ٣٦٣ |
| ٦٣٨ | كتاب الجواهر الكبير | كتاب الجوابات المسكنه ٢٤٤-٢٥٠ |
| ٢٣٤ | كتاب جواهر الكلام | كتاب جواب رسالة ابي علي بن المنير الزيادي |
| ٣٠٠-٢٩٦ | كتاب الجواهر والاعراض | ٢٢٩ |
| ٣٤٦ | كتاب الجود والكرم | كتاب الجواب عن مسألة الشيخ ابي محمد |
| ٥٦٢ | كتاب الجوهر واصنافه | الرامهرمزي ٣٢٥ |
| ٣٩٨-٣٧١-٣٦٢ | كتاب الجهاد | كتاب جواب القاساني ٣٩٢ |
| ٩١ | كتاب الجيم | كتاب جواب القبائي ٢٩٦ |
| | ح | كتاب جواب قسطنطين عن الرشيد ١٩٩ |
| ٥١٨ | كتاب الحاجة الى النبض | كتاب جواب المسكت ١٠٢ |
| ٥١٨ | كتاب الحاجة الى النفس | كتاب جواب المعنت ٢٢٤ |
| ٣٠٨ | كتاب الحاسد والمحسور | كتاب جواب مملك البرغز فيما سئل عنه من امور |
| | | الاسلام والتوحيد ١٩١ |

٣١٣	كتاب الحجّة والرسل	٥٢٢	كتاب الحاصل في العلم الالهي
٢٠٨	كتاب الحجّة والنبوة	٥٤٥	كتاب حافيه ابنة هاشم الكندي
٢٦٢-٢٤١-٢٩٨	كتاب الحجر	٢٠٨	كتاب حانوت عطار
٣١٨	كتاب الحجر الاحمر	٦٢٨	كتاب الحاوي
٣١٨	كتاب الحجر الاسود	٢٤٠-١٤٥	كتاب الحاوي في علوم القرآن
٦٤١	كتاب الحجر الاصفر	٣٧١	كتاب الحاوي في الفقه
٦٢٨	كتاب الحجر الحق الاظم	كتاب الحاوي ويسمى الجامع الحاصر	
٦٤٢	كتاب الحجر الطاهر	٥٢٢	لصناعة الطب
٢٤٦	كتاب حجر بن عدى	كتاب الاجبار والمجوس في العدل والتجويز	
١٢٠	كتاب الحجر والتفليس	٢١٠	كتاب حب الاوطان
٥٤١	كتاب حجد خسروا	٢١٠	كتاب حبل مشق
٦٤	كتاب الحداد	٥٥٥	كتاب حبيب العطار
١٤٠	كتاب حد الاعراب	٥٤٥-١٦٢	كتاب حبي وحلمه
كتاب حدائق القدس في الاحكام التي اختارها	لنفسه	٥٥٦	كتاب الحث على الادب والصدق
٢٦٤	كتاب الحدث	١٠١	كتاب الحث على تعلم الطب
٢١٦-٢٠٠	كتاب حدن العالم	٥١٩	كتاب الحث على تعلم الفلسفة
٢٣١	كتاب حد الشارب	٤٦٥	كتاب الحث على النكاح
٢٦٢	كتاب الحد على ابراهيم	٢٦٢	كتاب الحجاب
٢٩٦	كتاب حد الفاعل والمفعول	٢٤٢-٢٣١	كتاب حجاج الاعور
١٢٧	كتاب الحد في الزنا	٦٤	كتاب حجاج القرآن
٢٦٢	كتاب حد القاذف	٣٧١	كتاب الحجج
٢٦٢	كتاب حد النجده	٤١٠-٣٨٨-٣٨٠-٣٧٨	كتاب الحجّة
١٤٠	كتاب حد النحو	٢٩٩-٢٠٣-٢٩٦	كتاب حجة ابي بكر الصديق
١٢٥	كتاب حد المديح	١٦٩	كتاب حجة ارسطاليس في التوحيد
١٤٠	كتاب حدوث الاشياء	٤٦٢	كتاب الحجّة على اهل البدع
٢٧٠	كتاب الحدود	٢٠٣	كتاب الحجّة على الملحدين
٢٧٧-٣٦٢-٢٦٠-٩٣	٣٩٨-٣٧٩	٢٩٦	كتاب الحجّة في اثبات نبوة النبي
٤٦١	كتاب حدود اوائل الطبيعيات	٢٧٠	كتاب الحجّة في الامامة
٢٦٢	كتاب حدود الصلوة	٢٦٠	كتاب الحجّة للقراء السبعة
١٤٣	كتاب حدود الطيف الكبير	١٠٨	

- ٤٨٩ كتاب الحركة الفلك الاولي
 كتاب الحر والبرد والشمس والقمر والليل
 والنهار ١٠٠
 كتاب الحروف ١١٦-١١٢-١٠٢-٦٥-٤٩٢
 كتاب الحروف في معاني القران الى طه ١٠١
 كتاب حروف القران ١٣٣-٦٤
 كتاب حروف الكسائي ٥٣
 كتاب الحروف - معروف بالالهيات ٤٥٩
 كتاب الحره ١٧٩
 كتاب حره راقم ١٧١
 كتاب حره الريح ٥٥٥
 كتاب الحره والامه ١٩٨
 كتاب حز قيل ٢٩
 كتاب الحزم والحزم ٣٠٨
 كتاب حساب الالهه ٢٩٠
 كتاب حساب الخطاين ٥٠٤
 كتاب حساب الدور ١٣٢-٢٩٢-٥٠٣-٥٠٤
 كتاب حساب المكعبات ٥٠٣
 كتاب حساب الوصايا ٢٧٨
 كتاب الحساب الهندي ٤٩٤
 كتاب الحشرات ٨٠
 كتاب الحسن بن ابي الحسن في نزول القران ٦٥
 كتاب الحسن بن ابي الحسن في العدد ٦٤
 كتاب الحسن بن محبوب السراة ٤٠٣
 كتاب حسن واللص لاسرائيلي ٥٤٥
 كتاب الحسن والمجسوس ٤٦٠-٤٥٩
 كتاب الحسن واللذة ٤٤٩
 كتاب الحسن بن صهي ٢٧٠
 ٣٦٢ كتاب الحدود في السرقة
 ٥٤٢ كتاب حدود منطق الهند
 ٣٥٣ كتاب الحدود والاشباه
 ٤٢٧ كتاب الحدود والمعوق في اصول الفقه
 ٣٨٨ كتاب الحدود وكري الدواب
 ١٦٢ كتاب حديث آدم و ولده
 ١٥٧ كتاب حديث الازارقه
 ١٦٢ كتاب حديث بيهر واخوته
 ١٥٧ كتاب حديث روشياذ
 ٥٦٠ كتاب حديث السمع والبصر
 ٣٤٧ كتاب الحديث في الزهد
 ٥٥٥ كتاب حديثه
 ١٥٧ كتاب حديث يا حميرا و مقتل ابن الاشعث
 ١٥٧ كتاب حديث البأس والرجاء والمحاورة التي
 جرت بينهما ٥٦٠
 ٥٦٢ كتاب الحراب السبعة
 ١٥٩ كتاب الحراب واللصوص
 ٩٤ كتاب الحرات
 ٦٣٥ كتاب الحارات
 ٥٤٢ كتاب حرافه وعشوق
 ١٢١ كتاب الحرب
 ١٣١ كتاب الحرب - ضمن كتاب عيون الاخبار ١٣١
 ١٦٥ كتاب حرب الاوس والخزرج
 ٢٥٢ كتاب حرب اللحم والسمك
 ٤٨٢ كتاب الحرب والقتال
 ١٦٧ كتاب حرس الخلفاء
 ٢٩٦-٣٠٠-٣١٣ كتاب الحركات
 ٣٠٠ كتاب حركة اهل الجنة
 ٥١٨ كتاب حركات الصدر والرء
 ٥١٨ كتاب الحركات المجهوله
 ٥١٨ كتاب حركة العضل

٢٨٩	كتاب الحكم في الساحر والساحرة	٥٢٣	كتاب الحشائش
٥٢٢	كتاب حكم وخلق	١٢٢-١١٩-١٠٠	كتاب الحشرات
٦٣٨	كتاب الحكومه	٣٩	كتاب حشوارش
٥١٥-٣٢٨	كتاب الحكمين	٢١٥	كتاب حشوحشاه الجليس
٥٢٣	كتاب الحكيم الناصك	٥٢٠	كتاب الحماء
١٨٧	كتاب الحلاب واجراء الخيل	٢٥٠	كتاب الحمصه في جلد عميره
١٧٤	كتاب الحلائب والرهان	٥٢٥	كتاب الحصن النبهان والجنيه
٩٥	كتاب الحلة	٥٢٣	كتاب الحصى في الكلى والمثانه
٤٨٤	كتاب حل شكوك اقليدس	٥٥٦	كتاب حطمي الدلال
٢٥٠	كتاب الحلعتين	١٨١-١٥٨	كتاب حفر زمزم
١٦١	كتاب حلف اسلم في قریش	١٧٦	كتاب الحفوف
١٥٩	كتاب حلف تميم بعضها بعضاً	٢٤٥-١٣٧	كتاب الحقائق
١٦١	كتاب حلف عبدالمطلب وخزاعه	٣٥٤	كتاب الحق المبين
١٦١	كتاب حلف الفضول وقصة الفزال	٥٢٢-٥٢٠	كتاب الحقن
١٦١	كتاب حلف كلب و تميم	٣٥٤	كتاب الحق النير
	كتاب حلف كلب و تميم و حلف ذهل و حلف	٣٦٢	كتاب حقوق الاخوان
١٦٧	طى و اسد	٦٤٣	كتاب الحقير النافع
٦٤٢	كتاب الحل والعقد	٦٣٩	كتاب الحقيقه
١٣٤	كتاب الحلوى	٣٠٣-١٣١	كتاب الحكاية والمحكى
١٩١	كتاب حلوى الاخبار	٣٠٨	كتاب حكاية قول اصناف اليزيديه
١٧٠	كتاب حلوى الخلفاء		كتاب حكاية قول معمر واحتجاجه في المعاني
٢٤٢	كتاب الحلوى والحلل	٣١٨	
٣٤٦	كتاب الحلم	٦٣٨	كتاب الحكمة المصونه
١٤٠	كتاب الحلم والرأى	١٩٨	كتاب الحكمة و مناقبها
١٩٦	كتاب حلم الهند	٣٩	كتاب حكمة هويسع بن سيرى
	كتاب الحلولات والربوطات والمقدوالادارات	١٣١	كتاب حكم الامثال
٥٥٢		٣٨٩	كتاب الحكم بالظاهر
١١٥	كتاب الحلول في النحو	٣٩٨	كتاب الحكم بين اهل الذمة
٢٤٩	كتاب حلية الادباء		كتاب الحكم على الاجتماعات والاستقبالات
١٨٩	كتاب الحمادين	٤٩٢	
٢٧٦-٢٢٦-١٤٥-١٣٥	كتاب الحماسه	٣٩٨	كتاب الحكم على تارك الصلوة

- ٩٣ كتاب الحيات
 كتاب حياة العرب و ما قبل فيها من الشعر
 ٨٧
 كتاب الحيدة فيما جرى بينه و بين بشر
 المريسي
 ٣٤٥
 ١٦٣ كتاب الحيرة
 كتاب الحيره و تسمية البيع والديارات و
 نسب العباد
 ١٦٣
 كتاب الحيرة والصفوة
 ٤٠٥
 كتاب الحيز الاول
 ٤٦١
 كتاب الحيض ١٢٠-٣٦٢-٣٧٨-٣٩٧-
 ٤٢٧
 كتاب الحيل ١٧٦-٢٠٠-٣٨١-٤٨٩-
 ٥٠٩-٦٤١-١٦٦-١٧٣
 ١٠١ كتاب حيلة الادباء
 ٥١٧ كتاب حيلة البره
 ٤٨٤ كتاب الحيل الروحانيه
 ٥٥٨ كتاب الحيل للهرثمي الشعرائي
 ٩٤ كتاب حيله ومحاله
 كتاب الحيوان ٩٣-١٧٢-٣٠٦-٤٥٩-
 ٦٣٨
 ٦٣٨ كتاب الحيوان الثاني
 ٤٧٤ كتاب الحيوان لارسطاليس
 ٤٠٥ كتاب الحيوان والاحناس
 ٦٣٨ كتاب الحي
 ١٠٧ كتاب الحي والبيت
 ٦٤٠ كتاب الحيوة
 ٥٥٢ كتاب الحيوة والموت
 ٢٨٣ كتاب حماة شعر المحدثين
 ٩٣ كتاب الحمالين والحمالات
 ٥٢٦-٥٢٥-٩٣ كتاب الحمام
 ٥٢٦ كتاب الحمام - بوحنان بن ماسويه
 ١٧٢ كتاب حما المدينة و جبالها و اودينها
 ٥١٧ كتاب حمايات
 ٢٢٧ كتاب الحمد والذم
 ٦٦-٦٣ كتاب حمزه
 ٦٣ كتاب حمزة بن حبيب
 كتاب حمزة بن عفيف في سيرة ذي اليمينين
 ٥٦٠
 ١٧٣ كتاب الحمقى
 ٥٢٦ كتاب الحميات
 ٦٣ كتاب حميد بن قيس الهلالي
 ٥٢٠ كتاب الحمى الربيع
 كتاب حناطوئي ابا عبي الكلاني في النواع
 الثاني من الطلسمات
 ٥٥٢
 ٣٧ كتاب الحنفاء
 ٨٦ كتاب حنين الابل الى الاوطان
 ٢٢٧-١٤٣ كتاب الحنين الى الاوطان
 ٢٥٠ كتاب الحوايين والترياقات
 ٢١٦ كتاب الحوارى
 ٣٩ كتاب الحواريين
 ٣٧٨ كتاب الحوالة
 ٣٩٨ كتاب الحوالة والضمان
 ٤٧٧ كتاب الحوامل
 ١٣١ كتاب الحوائج
 ٥٥٦ كتاب حوشب الاسدى
 ٥٥٦ كتاب حوشق
 ٢٩٦ كتاب الحوض والشفاعة وعذاب القير

كتاب الخراج ٩٦-١٦٧-٢١٢-٢١٥-

٢١٦-٢٢٣-٢٢٤-٣٠٣-٣٧٩-٣٩٨-

٤١٤

٢٢٣ كتاب الخراج ابن عبدالكريم

٢٢٤ كتاب الخراج ابن بشار

٢١٥ كتاب الخراج كلو اداني

٢٢٤ كتاب الخراج الكبير

٢٢٤ كتاب الخراج محمد بن احمد

٣٨١ كتاب الخراج للمهتدي

٢١٦ كتاب الخراج المعروف

٩٣ كتاب خراسان

٣١٤ كتاب الخرائط

٥٤٥ كتاب الخزر جي المحتمل واسما

١٥٧ كتاب الخريت بن راشد وبنى ناجيه

٥٥٦ كتاب خره الطير

٥٤١ كتاب خزاعه ونزاهه

كتاب خزائن الخيرات معروف بالف المقطوع

٣٥٨ والف المؤلف

٩٣ كتاب الخسف

٣٧٩-٢٤٧-١٩٧ كتاب الحضال

٣٧٩ كتاب الخصال لولوي

١٤٦ كتاب الخصائص

٥١٨ كتاب خصب البدن

١٠٠ كتاب الخصب والقحط

٣٩٩-٣٩١ كتاب الخصوص والعموم

٣٠٣ كتاب الخصوص والعموم في الوعيد

١٧٣ كتاب خصومات الاشراف

٣٠٩ كتاب خصومة الحول والفقور

٤٨٣ كتاب الخصمين ايها يفلح

٩٣ كتاب خصي الخيل

خ

١٦٩ كتاب الخاتم الرسل

٣١٨ كتاب الخصاص والعام

١٧٢ كتاب خالد بن صفوان

كتاب خالد بن عبدالله القسري و يوسف بن

عمرو وموت هشام و ولاية الوليد

٦٤ كتاب خالد بن معدان

٦٣٨ كتاب الخالص

٤٨٣ الكتاب الخامس في ابتداء الاعمال

٤٩٢ الكتاب الخامس في الحدوث

٩٣ كتاب خيرا بنى بفيض

١٦٩ كتاب خيرا الافك

٩٣ كتاب خيرا البراص

١٦٩ كتاب خيرا الحكم بن ابي العاص

١٧٢ كتاب خيرا خزاعه

٩٣ كتاب خيرا الراويه

١٧٠ كتاب خيرا ضا بنى بن الحارث البرجمي

٩٣ كتاب خيرا عبدالقيس

١٦٢ كتاب خيرا الضحاك

١٧٢ كتاب خيرا عمران بن حطان الخارجي

١٠٧ كتاب خيرا قيس بن ساعده و تفسيره

كتاب خيرا الملك العاني في تدبير المملكة و

في السياسة

٢٤٢ كتاب خيرا ملك لد

٥٤٣ كتاب خيرا الموجب للعلم

٣٩٩ كتاب خيرا الواحد

٣٨٠-٣٩٩ كتاب الخبز والجبن والزيتون

٢٥٢ كتاب خيداى نامه

٥٤١ كتاب خيداى نامه في السير

١٩٦

۵۷	سليمان	کتاب الخضابات و ذم المشيب ومدح الشباب	۲۴۴
	کتاب الخلاف بين ابي عمرو والكسائي ۵۷	کتاب خطاب المكارى لجارية البقال	۲۵۱
	کتاب خلاف عبد الجبار الازدى و مقتله	کتاب الخطابه	۴۷۴
۱۷۱		کتاب الخطائين	۵۰۳
۵۲۰-۳۹۸	کتاب الخلع	کتاب الخطائين ابو يوسف	۵۰۳
۱۵۶	کتاب الخلفاء	کتاب خطاه غرض الطبيب	۵۲۴
۶۳	کتاب خلف بن هشام	کتاب الخطب	۱۹۷
۶۳	کتاب خلف بن هشام البزار	کتاب خطبته التي اخرج منها الرء	۲۹۳
۳۳۹-۳۳۸-۳۳۷	کتاب خلق الافعال	کتاب خطبة واصل	۱۷۳
۴۱۹	کتاب خلق افعال العباد	کتاب خطبة على عليه السلام	۱۶۱
-۸۵-۸۱-۷۸-۷۷	کتاب خلق الانسان	کتاب خطب على	۱۶۹
-۹۲-۹۳-۹۵-۱۰۰-۱۰۴-۱۱۲-۱۱۶-		کتاب خطب على وكتبه الى عماله	۱۷۰
-۱۱۸-۱۱۹-۱۲۴-۱۲۶-۱۳۱-۱۳۳-		کتاب خطب النبي صلعم	۱۶۹
۲۸۵-۱۴۳-۱۳۸		کتاب خطب المصرين مکه والمدينه	۱۶۷
۳۵۸	کتاب خلق الانسان والبيان	کتاب خطب المنابر	۱۹۷
۶۳۸	کتاب الخلقه	کتاب الخطب والبلاغه	۲۲۵
۳۵۸	کتاب خلق خلائق القران والاعتبار	کتاب خطط الكوفه	۱۶۷
۱۱۹	کتاب خلق الخيل	کتاب خطوط الكف والنظر في اليد	۵۵۷
۳۰۰	کتاب خلق الشئى	کتاب الخطوط المتوازيه	۴۸۰
-۹۵-۹۲-۹۰-۸۱	کتاب خلق الفرس	کتاب الخط والقلم	۱۹۹-۱۲۴
۱۰۴-۱۱۸-۱۲۶-۱۴۳		کتاب الخط والهجا	۱۰۱
-۳۱۳-۳۱۲-۳۰۱-۶۵	کتاب خلق القران	کتاب الخطيب في التوحيد والمدل	۲۹۳
۳۱۸		کتاب الخفة والدك والقف	۵۵۳
۵۴۱	کتاب خليل ودعدا	کتاب الخفيف في الفقه	۴۲۵
۶۴۳-۶۴۲	کتاب الخمائر	کتاب الكفايه	۵۰۳
۶۳۷	کتاب الخمائر الصغير	کتاب الخلاص	۶۳۸
۶۳۷	کتاب الخمائر الكبير	کتاب الخلاف بين اصحاب عاصم وحفص بن	
۵۵۵	کتاب خمج		
۳۶۳	کتاب الخمس		

كتاب الخيل وسبقها واسنانها وشباتها وغرتها واضمارها ومن نسب الى فرسه ٩٩	كتاب خمس مقالات من كتاب نيقولاوس في فلسفة ارسطاليس ٤٧٤
كتاب الخيل و على اى نعت وصفة شية افره ما يكون من الخيل ٥٥٨	كتاب الخمس من قریش ٩٣
كتاب الخليل فى النقطه ٦١	كتاب الخمسه ٤٨٣
د	كتاب خمسة عشر ٦٣٨
كتاب داحس والقبراء ١٦٣	كتاب الخميس ٣٦١
كتاب الدار ٣٠٣	كتاب الخنات ٣٩٨
كتاب دارا والصنم الذهب ٥٤١	كتاب خنق الرحم ٥٢٠
كتاب الدارمى ٥٥٦	كتاب الخنثى والمفقود ٣٧٨
كتاب الدامع ٣١٧	كتاب خواتيم الخلفاء ١٦٧
كتاب دانيال ٣٩	كتاب الخواتيم السبعة ٥٦٢
كتاب داود بن فرقد ٤٠٣	كتاب الخوارج ١٦٧-١٧٠
كتاب الدبابات والمنجنيقات والحيل والمكاييد ٥٥٨	كتاب خوارج البحرين واليمامة ٩٣
كتاب الدبرة ١٤٢	كتاب الخواص ٦٣٨
كتاب الدب والشعب ١٤١	كتاب خواص الاشياء ٥٣٣
كتاب دخول حرير على الحجاج ١٦٣	كتاب خراس التلاميذ ٥٣٤
كتاب الدرّة المكنونه ٦٣٨	كتاب خواص المثلثات القائمة الزوايا ٤٨٠
كتاب الدرع والجوشن ١٠٠	كتاب الخواطر ٣٣٠
كتاب درياق الفكر ٢١٥	كتاب الخوف ٣٤٦-٣٤٧
كتاب دريد والزهره ٥٤٤	كتاب الخبار المر ٥٣٣
كتاب الدعاء ٤٠-٢٢١-٣٤٧-٣٩٩	كتاب الخيار والتخيير ٢٦٢
٤٠٤-٤١٣-٤٣١	كتاب الخيال ٦٣٨
كتاب دعاء انواع الاستعاذات من سائر الافات والعاهات ٦٦	كتاب الخيل ٧٧-٨١-٨٩-٩٣-٩٥
كتاب الدعاء والتحاميد ٢٢٧	٩٦-١٠٠-١١٥-١١٧-١٣١-١٣٣
كتاب دعاء الفزاريه والجنى وعمرو ٥٤٥	١٦٢-١٧٣-١٨٩-٢٠٠-٢٤٣
كتاب دعاء الرباب ٥٤٥	٣٧٨
	كتاب الخيلان ٥٥٧
	كتاب الخيل السوابق ١٣٥
	كتاب الخيل الصغير ١٠٥
	كتاب الخيل الكبير ١٠٥
	كتاب الخيل والرهان ١٧٢

٤٨٠-٤٨١	كتاب الدوائر المماسة	٣٦٢	كتاب الدعوات
٤٩٦-٥٠٩	كتاب الدوائر والدواليب	٣١٤	كتاب الدعوة
٣٧٨-٣٩٨	كتاب الدور	٢٥٢	كتاب دعوة التجار
١٦٢	كتاب الدوسى	٢٥٠	كتاب دعوة العامة
	كتاب دوسيموس الى جميع الحكما فى الصنعة	٣٥٣	كتاب الدعوة المنجية
٦٣٥			كتاب الدعوى والبيئات ٣٧٨-٣٨٨-
٤٩٦	كتاب الدول	٣٩٨	
	كتاب الدولة ١٦٧-١٧١-١٧٧-١٧٨-	١٦٢	كتاب الدفاعن
	١٧٩-٢٠١-	٥٦٢	كتاب دفاعن البيوت
	كتاب دولة بنى بويه و اخبار الديلم و ابتداء	٥٢٦	كتاب دفع ضرر الاغذية
٢٢٢	امرهم	٥٣٣	كتاب دفع مضار الاغذية
٢٨٦	كتاب الدولة الديلميه	٣٤٧	كتاب دقائق المحبين
٦١٥	كتاب الدولة العباسيه	٣٢٨	كتاب الدلالات على حدوث الاشياء
٣١٤	كتاب الدولتين	٢٤٦	كتاب الدلالة على اسرار الفناء
٢٥٠	كتاب الدولتين فى تفضيل الخلافتين	٣٠٨	كتاب الدلالة على ان الامامة فرض
٤٩٢	كتاب الدول والملل	٣١٤	كتاب الدلالة على حدث الاشياء
	كتاب دوينى الهندى فى علاجات النساء	٣٦٢	كتاب دلائل الائمة
٥٣٦			كتاب الدلائل على التوحيد من كلام الفلاسفه
٥٤٤	كتاب الدعاء ونعمه	٢١١	وغيرهم
٣٦٢-٣٧٨	كتاب الديات	٥٨-١٣١-٣٧١	كتاب دلائل النبوة
١٣١	كتاب الديار	٥٤٥	كتاب الدلفاء و اخوتها والجنى
١٨٩-٢٥٤	كتاب الديارات	٩٣-٩٦	كتاب الدلو
٥٤٥	كتاب ديار وظيفاء	١٩٣	كتاب الدليل والاستدلال
٣٠١	كتاب الديانة	٥٢٥-٦٣٨	كتاب الدم
٩٣-٤٠٧	كتاب الديباج	٦٣٣	كتاب دمانوس
	كتاب الديباج على خلاف كتاب ابى عبيده	٥٥٢	كتاب دوار على منهب النبط
٩٨		٤٦٦	كتاب الدوار و همزح
١٦٣	كتاب الديباج فى اخبار الشعراء	٢٤٤	كتاب الدواوين
٣٦٢	كتاب دية الجنين	١٣٣	كتاب الدواهى
	كتاب دير الجماجم و خلع عبدالرحمن بن		كتاب الدوائر الثلاث المماسة و كيفية الاوصال
١٥٧	الاشعث	٤٩٤	

- | | |
|---|---|
| كتاب الذب عن السنن والاحكام والاخبار | كتاب ديستقرسل حين مسئله بدسيوس عن المسائل |
| ٣٩٨ | ٦٣٥ |
| كتاب الذبول | ٦٣٥ كتاب ديستقرسل في الصنعة |
| ٥١٨ | ٥٤٣ كتاب ديسون وراحيل الملكين |
| ٢٠٠ | ٥٤٢ كتاب ديك الهندي في الرجل والمرثه |
| كتاب ذخائر العلوم وما كان في سالف الدهور | ٦٣٥ كتاب ديمقراطيس في المسائل |
| ٢٥٤ | ٣٦٢ كتاب الدين والحماة والحواله |
| ٣٥٨ | ٣٦٠ كتاب الدين وقرائضه |
| كتاب ذرع الكعبة و المسجد و القبر | ٣٩ |
| ٣٨١ | ١٩٨ كتاب ديوان الايام |
| ١٦٥ | ١٩٨ كتاب ديوان الرسائل |
| كتاب ذكر الشعراء المحدثين والبلغاء منهم | ٢٢٢-٢٠٥-٢٠٣ كتاب ديوان رسائل |
| و المفحمين | ٢٢٢-٢٢٦-٢٢٧ |
| ٢٥٣ | ٢٤٨ كتاب ديوان رسائله |
| ٤٠٥ | ٢٠٢ كتاب ديوان شعره |
| كتاب ذكر ما بين الزيدية و الرافضة | ٢٠٢ كتاب ديوان شعره ابو على بصير |
| ٣٠٨ | ٢٠٣ كتاب ديوان شعره والصراعه |
| كتاب ذكر ما ترجم من الكتب | ٢٠٤-٢٢٢-٢٢٥ كتاب ديوان شعره |
| ٥٢٥ | ٢٢٧-٢٣٠-١٣١-٢٣١ |
| كتاب ذكر من كان يتدين بمحبة امير المؤمنين | |
| على عليه السلام من اهل الفضل والعلم و | |
| الدلالة على ذلك وذكر شتى من اخباره | |
| ٣٦٥ | |
| ٣٤٦ | ٥٢٠ كتاب ذات الجنب وذات الريه |
| ٢٤٧ | ٤٩٢ كتاب ذات الحلق |
| كتاب ذم الحجاب والعتب على المتحجب | ٣٥٨ كتاب الذاريات ذروا |
| ٢٤٧ | ٣٦٢ كتاب الذبائح |
| ١٧٣-٥٨ | ٣٩٨ كتاب ذبائح المسلمين |
| ٣٤٦-٢٢١ | ١١٧ كتاب الذباب |
| | ٥٢٠ كتاب الذبحة |

- كتاب الرد على اصناف الملحدين ٢٩٩
 كتاب الرد على اهل الاديان ٢٩٦
 كتاب الرد على اهل الافك ٣٩٩
 كتاب الرد على اهل المدينة ٣٧٩
 كتاب الرد على برقاس ٤٦٤
 كتاب الرد على ثعلب في اختلاف النحويين ١٠٧
 كتاب الرد على الجاحظ في نقض الطب ٥٣٣
 كتاب الرد على حائل العقل والمعقولات شيئا واحدا ٤٦٣
 كتاب الرد على جالينوس في التمكن ٤٦١
 كتاب الرد على جرير الطبيب فيما خالف فيه من امر القوت الشامي بعقب البطيخ ٥٢٣
 كتاب الرد على جميع الملحدين ٣١٤
 كتاب الرد على الجهال ٢٩٨-٢٨٦
 كتاب الرد على الجهميه ٣٠١-٤١٧
 كتاب الرد على حماد بن ابي حنيفة ٣٤١
 كتاب الرد على الحشويه في قولها ان النبي اذا استغفر لانسان غفر له ٣١٥
 كتاب الرد على حفص الفرد ٢٧٠
 كتاب الرد على الخليل في العروض ٢٣٨
 كتاب الرد على الخليل واصلاح ما في كتاب العين من الغلط والمحال والتصحيح ١٢٤
 كتاب الرد على الخوارج ٢٧٠-٢٩٨-٣١٥
 كتاب الرد على داود بن علي ٤٢٧
 كتاب الرد على داود في ابطال القياس ٣٩٢
 كتاب الرد على الدهريه ٢٩٩-٣١٣
 كتاب الرد على الرافضة ٢٧٠-٣٤١-٣٦١
 كتاب الرد على ابي الحسن ثابت بن قره في نفيه وحبوب وجود سكونين بين كل حر كتين متضادتين ٤٧٤
 كتاب الرد على ابي حنيفة في الراي ٤٣٠
 كتاب الرد على ابي زيد البلخي في النحو ١٠٧
 كتاب الرد على ابي شمر ٢٧٠
 كتاب الرد على ابي عبيده في كتاب الديباج ١٧٧
 كتاب الرد على ابي عيسى الضرير ٣٩٩
 كتاب الرد على ابي القاسم البلخي في نقض المقالة الثانيه في العلم الالهي ٥٣٣
 كتاب الرد على ابي قره النصراني ٣٠١
 كتاب الرد على ابي المعتمر ٢١٥
 كتاب الرد على ابي ميخائيل الصيدفاني في الكيمياء ٢٥٠
 كتاب الرد على ابي الهذيل ٢٧٠-٢٩٨
 كتاب الرد على ابي يحيى البلخي في اقتراض الاماء ٤٢٧
 كتاب الرد على ارسطاليس ٤٦٤
 كتاب الرد على ارسطاليس في الجواهر والاعراض ٣١٤
 كتاب الرد على اصحاب ابي حنيفة ٢٧٠
 كتاب الرد على اصحاب الاثني عشر ٢٩٩-٣٢٨
 كتاب الرد على اصحاب التناسخ ٣٣١
 كتاب الرد على اصحاب الصفات ٣٣١
 كتاب الرد على اصحاب الطبائع ٣١١-٣٢٨-٣١٤
 كتاب الرد على اصحاب الالهام ٣٠٨
 كتاب الرد على الاسم ٢٧٠
 كتاب الرد على الاصم ايضا في الامامة ٢٧٠

- كتاب الرد على المجوس ٢٨٠-٣١٢-
٣١٦
- كتاب الرد على محمد بن الحسن ٣٧١-
٣٨٩-٣٩٢
- كتاب الرد على محمد بن الحسن از محمد بن جهم
٣٧١
- كتاب الرد على المخالفين ٣٤٢-٣٢٦
- كتاب الرد على المخالفين في الفقه ٤٣١
- كتاب الرد على المرجئة ٢٧٠-٣٠٠-٣٤١
- كتاب الرد على المزني في ثلاثين مسئله ٣٧٢
- كتاب الرد على مسائل المزني ٣٧٢
- كتاب الرد على المسمعي المتكلم في رده على
اصحاب الهبولي ٥٣٣
- كتاب الرد على المشبهة ١٣١-٣٠٣-٣٠٨
- كتاب الرد على المشركين ٢٧٠
- كتاب الرد على المعتزله ٣٣٦-٣٣٧
- كتاب الرد على المعتزلة في امامة المفضول
٣٢٩
- كتاب الرد على المعتزلة في طلحه و الزبير
٣٢٨
- كتاب الرد على المعتزله في الوعيد والمنزلة
بين المنزلتين ٣١٨
- كتاب الرد على معمر في قوله ان محمد ارب
٣١٥
- كتاب الرد على المطيبين ٢٥٠
- كتاب الرد على المفضل في نقضه على الخليل
١٣٨
- كتاب الرد على مكف المدينة ٢٩٦
- كتاب الرد على الملحدين ٢٩٨-٣٠١-
٣١٤-٣٤٢

- كتاب الرد على الرافضة والحشوية ٣١٥
- كتاب الرد على الزنادقة ١٩٩-٣١٣-٣١٤-
٣١٨-٣٢٨-٥٥٩
- كتاب الرد على زياد الموصلي ٢٧٠
- كتاب الرد على سيبويه ١٠١
- كتاب الرد على الشافعي ٣٧١
- كتاب الرد على الشافعي في القياس ٤٣٠
- كتاب الرد على الشعراء ١٣٧
- كتاب الرد على ضرار ٢٧٠
- كتاب الرد على الطاطري في الامامة ٣٣٠
- كتاب الرد على عبدة الاصنام ٢٢٨
- كتاب الرد على العثمانيه ٣٠٨
- كتاب الرد على علي بن عمار فيما خطأ فيه
ابانعام ٢٥٥
- كتاب الرد على عيسى بن ابان ٣٩٢
- كتاب الرد على عيسى بن ابان في اللباس ٣٣٠
- كتاب الرد على الغلاة ٣٣٠
- كتاب الرد على الفيلاية في الارحاء ٢٩٦
- كتاب الرد على الفراء في المعاني ١٠٧
- كتاب الرد على القدرية ٢٩٤-٣٣٤-
٣٧٥-٣٤٢
- كتاب الرد على القدرية والمجبره ٢٩٦
- كتاب الرد على الكرخي ٣٩٣
- كتاب الرد على الكرخي في مسائل ٤٢٧
- كتاب الرد على الكندي في رده على الصناعات
٦٤١
- كتاب الرد على افئدة الامم هاني ١٣٢
- كتاب الرد على مالك بن انس ٣٧٧
- كتاب الرد على المجبره ٣٠١
- كتاب الرد على المجبره في المخلوق ٣١٣

- كتاب الرد على الملحدين في مثابه القران
٩٢
- كتاب الرد على من استقل بفصول الهندسه
٥٣٢
- كتاب الرد على من انكر خلق القران ٣١٢
٢٥٠
- كتاب الرد على المنجمين
٣٠٨
- كتاب الرد على من الحد في كتاب الله
٣٠٨
- كتاب الرد على من خالف مصحف عثمان
١٢٧
- كتاب الرد على من زعم ان الانبياء اختلفت
في صفة الله عز وجل
٣١٥
- كتاب الرد على من زعم ان الانسان جزء
لا يتجزى
٣٠٨
- كتاب الرد على من صام وافطار قبل رؤية الهلال
٣٦٢
- كتاب الرد على من عاب الكلام
٢٩٨
- كتاب الرد على من قال انه لا يكون شئ الا من
شئ
٤٦٢
- كتاب الرد على من قال بامامة المفضول
٣٢٨
- كتاب الرد على من قال بخلق القراق
١٣٨
- كتاب الرد على من قال برمي الحركة ببصره
٣١٨
- كتاب الرد على من قال بالزوائد وقال يكون
في الكلام حرف زائد
١٠٧
- كتاب الرد على من قال بالمتع
٤٣١
- كتاب الرد على من قال بالمخلوق
٣٣١
- كتاب الرد على من نفى الافعال والاعراض
٣١٨
- كتاب الرد على من نفى المعارج من القران
٦٠
- كتاب الرد على من نقل كتاب العين
١٠٧
- كتاب الرد على الناشئ في نقض الطب
٥٣٢
- كتاب الرد على النصارى
٢٧٠-٣٠١
- ٣٠٨-٣١٤-٤٣٦
- كتاب الرد على النصارى الاوسط
٣١٦
- كتاب الرد على النصارى الصغير
٣١٦
- كتاب الرد على النصارى الكبير
٣١٦
- كتاب الرد على النظام
٢٧٠
- كتاب الرد على نوحسوس في العقل والمعقول
٤٦٢
- كتاب الرد على الواقفه والجهمية والفيلانيه
٣١٥
- كتاب الرد على هشام بن الحكم
٢٧٠
- كتاب الرد على هشام الجواليقي
٣٢٨
- كتاب الرد على هشام في التشبيه
٣١٣
- كتاب الرد على اليهود
٢٧٠-٣٠٨
- ٣١٣-٣١٦
- كتاب الرد والدار
١٦٠
- كتاب الرسالة
٣٨٨-٤١٢-٤٢٧
- كتاب رسالته
١٩٦
- رسالة ابا التلميذ
٥٩٩
- رسالة ابا في...
٥٩٩
- رسالة ابا في الحب
٥٩٩
- رسالة ابا في ذكر الطيب
٥٩٩
- رسالة ابراحيا
٥٩٩
- رسالة ابراحيا في الاصحاء والمرضى
٥٩٩
- رسالة ابراحيا الكافر
٥٩٩
- رسالة ابرم الى الريها
٥٩٩
- رسالة اردد في الدواب
٥٩٩
- رسالة ابي الحسن محمد بن الحارث التيمي
٢٨٦

- رسالة الى احمد بن المدير ٣٠٩
رسالة الى احمد بن المنجم في حفظ اللسان
٣٠٩
رسالة الى احمد بن المنجم ٣٠٩
رسالة الى امير المؤمنين المنتظر بالله ٣٠٩
رسالة الى بربر الحرمي ٤٢٦
كتاب رسالة الى البستي ٣٧٥
رسالة الى الحسن بن وهب ٣٠٩
كتاب رسالة الى دانيق ٤٩٠
رسالة الى ديمقراطيس في اثبات الصانع
٤٦٣
كتاب رسالة الى رجل في علة شكها اليه
٤٦٩
كتاب رسالة الى الرشيد ٣٦٩
كتاب رسالة الى سليمان بن وهب ٣٠٩
رسالة الى سيفانس في استخراج المعاني
٤٤٧
كتاب رسالة الى الطيفوري في قرص الورد
٥٢٥
كتاب رسالة الى عباد الارسوني ٤١٢
رسالة الى عبدالله بن المعترف بما
انكرته العرب الى عبيد القاسم بن سلام و
وافقته فيه ١٢٤
رسالة الى عبدالله بن يحيى ٣٠٩
رسالة الى علي بن عيسى ٤٢٦
كتاب الرسالة الى علي بن هشام ٢٣٤
كتاب رسالة الى علي بن يحيى ٢٤٢
كتاب رسالة الى العنبر القاضي في مسألة
في الوصايا ٤٢٨
رسالة الى ليولانس الملك ٤٦٣

- رسالة ابي عبدالله بن علي في استخراج المصحف
والمعنى ٢٨٦
رسالة ابي في الزكوات ٥٩٩
كتاب رسالة ابي الواليد ٣٩٩
رسالة ابي يمام المهندس ٥٩٩
رسالة اجافي الخفاف ٥٩٩
رسالة احمد بن الوزير ٢٨٦
رسالة اردشير ومينق ٥٩٩
رسالة ارمينية ٥٩٨
رسالة الاصلين ٥٩٨
رسالة اقمند في الاشارة الاربعه ٥٩٩
رسالة اقمند في السعد الاول ٥٩٩
رسالة افقورنا في الزمان ٥٩٩
كتاب رسالة الى ابراهيم بن المدير ٢٤٢
كتاب رسالة الى الاشخاص العاليه المسماة
سعادة و فحاسة ٤٦٧
كتاب الرسالة الى ابن دؤاد ١٧٣
رسالة الى ابن ابي دؤاد في كتاب نظم القران
٣٠٩
رسالة الى ابي عمرو احمد بن شعبه ٣٠٩
رسالة الى ابي الفرج بن نجاح في امتحان
عقول الاويساء ٣٠٨
رسالة الى ابي النجم في الخراج ٣٠٨
كتاب رسالة الى ابي الوليد بن احمد في الكبير
٣٠٩
رسالة الى احمد بن ابي عوف في حفظ
السرو واللسان ٣٠٩
رسالة الى احمد بن اسرائيل ٣٠٩
رسالة الى احمد بن حمدون النديم في صفة النديم
٣٠٩
رسالة الى احمد بن الخليل ٣٠٩

٥٩٩	رسالة خبرهات في الملك	٤٣٠	كتاب رسالته الى مالك بن انس
١٩٤	رسالة الخميس	٤٤٧	رسالته الى متمر دسقلية
٣٩٩	كتاب رسالة الربيع بن سليمان		رسالته الى محمد بن عبد الملك في الغضب و
٦٣٧	كتاب الروح	٣٠٩	الرضا
٢٤٧	كتاب الروض والزهر	٣٠٩	رسالته الى محمد اليزيدي
	كتاب الرسالة السالفة الى العاتب عليه		كتاب رسالته الى نجح الطولوني في تفضيل
٢٢٩		١٠٧	العربية
٥٩٩	رسالة زكوفي الزمان	٤٢٦	رسالته الى نصر القشوري
٥٩٩	رسالة سعيوس في العشر	٥٩٨	رسالة ام هسم الطيفونية
٢٥٥	كتاب رسالة السفر	٥٩٨	رسالة اموليا الكافر
٥٩٩	كتاب رسالة سلم و عنصرا		رسالة الاولة و الثانية و الثالثة الى صناعة
٥٩٩	رسالة السماعين في تعبير يزدان بنت	٤٦٩	الاحكام بتناسيم
٥٩٩	رسالة السماعين في الصوم والنذر	٥٩٩	رسالة الاهواز في ذكر الملك
٥٩٩	رسالة السماعين في النار الكبرى	٥٩٨	رسالة بابل الكبيرة
٥٩٩	رسالة سمعون و رمين	٤٦٥	رسالته بايجاز في مقياسه العلمي
٥٩٩	رسالة سهراب في العشر		رسالته بايجاز و اختصار في البرهان المنطقي
٥٩٩	رسالة سهراب في الفرس	٤٦٦	
٥٩٩	رسالة سيس ذات الوجهين	٥٩٩	رسالة بحرانا في الهول
٥٩٩	رسالة سيس في الرهون	٥٩٩	رسالة بحرانا في الوصالات
٥٩٩	رسالة سيس في الزمان	٥٩٩	كتاب رسالة برحيا في تدبير الصدقة
٥٩٩	رسالة سيس و فتق في الصور	٦٢٦	كتاب رسالة بلاخس في الصنعة
٥٩٩	رسالة شايل و سكتي	٥٩٩	رسالة التدبير
٥٩٩	رسالة سموفي في ذكر الوسائد	٥٩٨	رسالة الجنة
٣١٤	كتاب رسالة الصوفيين	٥٩٩	رسالة حدابا في الجماعه
٥٩٨	رسالة طيفون الى السماعين	٥٩٩	رسالة حطا
٥٩٨	رسالة طيسفون في الورقه	٥٩٩	رسالة الحملان المتيرة
٥٩٩	رسالة عبدبال في سفر الاسرار	٦٤١	كتاب رسالة الخاضع
٥٩٩	كتاب رسالة عبدبال في الكسوة	٥٩٨	رسالة خبرهات في ...
		٥٩٨	رسالة خبرهات في ...
		٥٩٨	رسالة خبرهات في التعزير

- رسالة عديسوع في الهصينيات ٥٩٩
- رسالة العشر والصدقات ٥٩٩
- رسالة العلم في الوصالات ٥٩٨
- كتاب رسالته على لسان بعض الطالبين الى الحسن بن زيد ٣٦١
- كتاب رسالة عمر ٤٢٨
- رسالة فافي ٥٩٨
- رسالة فتق العظيمة ٥٩٨
- كتاب رسالته في الابانة ان الاختلاف الذي في الاشخاص العالية ليس علة الكيفيات الاولى كما هي علة ذلك في التي تحت الكون و الفساد ٤٧٢
- كتاب رسالته في الابانة عن الاختلاف الذي في الاشخاص العاليه ٤٦٧
- كتاب رسالته في الابانة عن الاعداد التي ذكرها فلاطن في كتابه السياسة ٤٦٦
- كتاب رسالته في الابانة عن انه ليس شئ من العناصر الاولى و الجرم الاقصى غير كرى ٤٦٦
- كتاب رسالته في الابانة عن العلة الفاعلة القريبة للكون و الفساد في الكائنات الفاسدات ٤٧٠
- كتاب رسالته في الابانة عن قول بطليموس في اول كتابه في المجسطى عن قول ارسطاليس في انا لو طبقا ٤٦٦
- كتاب رسالته في الابانة انه لا يمكن ان يكون جرم العالم بلانهايه وان ذلك انما هو في القوة ٤٦٥
- كتاب رسالته في الابخرة المصلحة للجو من الاوباء ٤٦٩
- كتاب رسالته في ابعاد مسافات الاقاليم ٤٧١
- كتاب رسالته في الاثر الذي يظهر في الجو و يسمى كو كبا ٤٧٠
- كتاب رسالته في الاثرين المحوسين في الماء ٤٧١
- كتاب رسالته في اثم السكر ٣٠٩
- كتاب رسالته في الاجرام الهابطه ٤٧١
- كتاب رسالته في اجساد الحيوان اذا فسدت ٤٦٩
- كتاب رسالته في الاحتراس من خدع السوء فسطائين ٤٦٦
- كتاب رسالته في احداث الجو ٤٧٠
- كتاب رسالته في اخبار ابعاد الاجرام ٤٧١
- كتاب رسالته في الاخبار عن صناعة الموسيقى ٤٦٧
- كتاب رسالته في اختلاف الارمنة التي يظهر فيها قوى الكيفيات الاربع الاولى ٤٧٠
- كتاب رسالته في اختلاف المناظر ٤٦٧
- كتاب رسالته في اختلاف مناظر المرأة ٤٦٨
- كتاب رسالته في اختيار الكتب الاربعه ٤٦٦
- كتاب رسالته في الاخلاق ٤٧٠
- كتاب رسالته في الادوية المشفية من الروائح المؤذيه ٤٦٩
- كتاب رسالته في اركان الحيل ٤٧١
- كتاب رسالته في الاستبداد و المشاورة في الحرب ٣٠٩
- كتاب رسالته في استخراج آلة و عملها يستخرج بها ابعاد الاحرام ٤٧١
- كتاب رسالته في استخراج بعد مركز القمر عن الارض ٤٧١

- كتاب رسالته في استخراج الخبيثي والضمير
٤٦٦
- كتاب رسالته في استخراج خط نصف النهار
و سمت القبلة بالهندسه
٤٦٨
- كتاب رسالته في استخراج الساعات على
نصف كرة بالهندسه
٤٦٨
- رسالة في استخراج الضلع المسبع في الدائرة
٥٠٦
- كتاب رسالته في استخراج مسائل عدييات
من المقالة الثالثة من اقليدس
٥٢٦
- كتاب رسالته في استخراج المسائل الهندسيه
٤٩٠
- كتاب رسالته في الاستدلال بالكسوفات على
الحوادث
٤٦٩
- كتاب رسالة في الاستطاعة و زمان كونها
٤٦٩
- كتاب رسالته في استعمال الحساب الهندي
٤٦٦
- كتاب رسالته في اسرار مقدمة المعرفة
٤٧١
- كتاب رسالته في الاسماء المعماة
٤٧١
- كتاب رسالته في اشفية السموم
٤٦٩
- كتاب رسالته في اصلاح كتاب اقليدس
٤٦٧
- كتاب رسالته في اصلاح المقالة الرابعة
عشر و الخامسة عشر من كتاب اقليدس
٤٦٨
- كتاب رسالته في الاسوات الخمسة
٤٦٦
- كتاب رسالته في الاعداد
٤٩٠
- كتاب رسالته في الاعراض الحادثة من البلغم
و علة موت الفجأة
٤٦٩
- رسالته في اعلام النبوة
١٩١
- كتاب رسالته في اغراض كتاب اقليدس
٤٦٧
- كتاب رسالته في اقتراق الملل في التوحيد
وانهم مجمعون على التوحيد و كل قد خالف
صاحبه
٤٧٠
- كتاب رسالته في الفاظ سقراط
٤٧٠
- كتاب رسالته في امر ابن المحرر المحدث
٢٤٥
- كتاب رسالته في الامل و المأمول
٣٠٩
- كتاب رسالته في ان الجسم في اول ابداعه
لا ساكن ولا متحرك ظن باطل
٤٧٠
- كتاب رسالته في ان رؤية الهلال لا تضبط
بالحقيقة و انما القول فيها بالتقريب
٤٦٧
- كتاب رسالته في ان سطح ماء البحر كريا
٤٦٦
- كتاب رسالته في ان الصانع المستغرق
بصناعته معدوم في جل الصناعات الا في
الطب خاصة و العلة التي من اجلها
ظهر ذلك في صناعه الطب
٥٣٥
- كتاب رسالته في ان الطبيب العاذق ليس
هو من قدر على ابراء جميع الملل و
ان ذلك ليس في الوسع
٥٣٤
- كتاب رسالته في ان طبيعة الفلك مخالفة
الطبايع العناصر الاربعة و انه طبيعة خامسه
٤٦٨
- كتاب رسالته في ان النفس جوهر بسيط
غيرد اثر مؤثر في الاجسام
٤٧٠
- كتاب رسالته في ان العالم و كل ما فيه كرى الشكل
٤٦٦

- كتاب رسالته في ان الكرة اعظم الاشكال الجرمية
والدائرة اعظم من جميع الاشكال البسيطة
٤٦٦
- كتاب رسالته في انواع الجواهر الثمينة وغيرها
٤٧١
- كتاب رسالته في انواع الحجارة
٤٧١
- كتاب رسالته في انواع السيوف والحديد
٤٧١
- كتاب رسالته في انواع النحل و كرائمه
٤٧١
- كتاب رسالته في انه لا تنال الفلسفة الا بعلم
الرياضيات
٤٦٥
- كتاب رسالته في انه لا يتصور لمن لا رياضة له
بالبرهان ان الارض كروي وان الناس حولها
٥٣٤
- كتاب رسالته في انه لا يمكن ان يكون جرم
العالم بلا نهاية
٤٦٨
- كتاب رسالته في اوائل الجسم
٤٧٠
- كتاب رسالته في ايضاح علة رجوع الكواكب
٤٦٧
- كتاب رسالته في الايقاع
٤٦٧
- كتاب رسالته في البحث عن الارض الطبيعية
هي الطين ام الحجر
٥٣٤
- كتاب رسالته في البراهين المساحية لما يعرض
من الحسابات الفلكية
٤٦٨
- كتاب رسالته في البرهان
٤٧٠
- كتاب رسالته في البرهان على الجسم السائر
وما يسمي الاسواء والاطلام
٤٦٨
- كتاب رسالته في بطلان دعوى المدعين صنعة
الذهب والفضة و خدعهم
٤٧٢
- كتاب رسالته في بطلان قول من زعم ان احراء
لا يتجرى
٤٧٠
- كتاب رسالته في بطلان قول من زعم ان بين
الحركة الطبيعية و العرضية سكون
٤٧٠
- كتاب رسالته في بني اميه
٢٤٥
- كتاب رسالته في البياض الذي يظهر في البدن
٤٩٠
- كتاب رسالته في تأليف الاعداد
٤٦٦
- رسالته في تبريد الماء على الثلج وتبريد الماء
بقع الثلج فيه
٥٣٤
- رسالته في تثبيت الاستحالة
٥٣٤
- كتاب رسالته في تثبيت الرسل
٤٦٩
- كتاب رسالته في تحويل سني الموالي
٤٦٩
- كتاب رسالته في تدبير الاصحاء
٤٦٩
- كتاب رسالته في ترتيب النغم الدالة على طبائع
الاشخاص العالمة وتشابه التأليف
٤٦٧
- رسالته في الترفق في الصناعات
٤٦٦
- رسالة في التركيب
٥٣٤
- كتاب رسالته في تسطيع الكرة
٤٦٦
- كتاب رسالته في تسهيل سبل الفضائل
٤٧٠
- كتاب رسالته في تصحيح عمل نمودارات الموالي
والهيلاج والكخداء
٤٦٧
- كتاب رسالته في تصحيح قول ابقلاوس في
المطالع
٤٦٨
- رسالته في التعري والتدثر
٥٣٤
- رسالته في تعضيش السمك والعلقه
٥٣٤
- كتاب رسالته في تغير الاضمه
٤٦٩
- كتاب رسالته في تفضيل بني هاشم و اوليائهم
وذم بني اميه و اتباعهم
٢٤٥
- كتاب رسالته في تقديمه الاخبار
٤٧١
- كتاب رسالته في تقديمه المعرفة بالاحداث
٤٧١

كتاب رسالته في مقدمة المعرفة بالاستدلال
 بالاشخاص العالية على المسائل ٤٦٩
 كتاب رسالته في مقدمة المعرفة في الاستدلال
 بالاشخاص السماوية ٤٧١
 كتاب رسالته في تقريب قول ارسطيدس في قد
 قطر الدائرة من محيطها ٤٦٧
 كتاب رسالته في تقريب وتر التسع ٤٦٨
 كتاب رسالته في تقريب وتر الدائرة ٤٦٨
 كتاب رسالته في تقسيم المثلث والمربع و عملها
 ٤٦٨
 كتاب رسالته في تلويح الزجاج ٤٧١
 كتاب رسالته في التمجيد ٤٧٠
 كتاب رسالته في ترميخ الحمام ٤٧١
 كتاب رسالته في تناهي جرم العالم ٤٦٨
 كتاب رسالته في التنبيه على خدع الكيمياءيين
 ٤٧١
 كتاب رسالته في التنبيه على الفضائل ٤٧٠
 كتاب رسالته في التوحيد بالتفسيرات ٤٧٠
 كتاب رسالته في التوحيد من جهة العدد ٤٦٦
 رسالته في الجبر وكيف يساق اليه و علامة
 الحوق فيه ٥٢٤
 كتاب رسالته في الجدرى والحمبة ٤٩٠
 رسالته في الجد والهزل ٣٠٩
 كتاب رسالته في جواب اربع عشر مسألة طبيعية
 سئله عنها بعض اخوانه ٤٧٢
 كتاب رسالته في جواب ثابت بن قره فيما سئل
 عنه ٤٧٣
 كتاب رسالته في جواب ثلاث مسائل سئل عنها
 ٢٧٤
 كتاب رسالته في جواب مسائل طبيعیه في
 كيفيات نجومیه ٤٦٧
 كتاب رسالته في جواهر الاجسام ٤٧٠

كتاب الرسالة في الجهر بيسم الله الرحمن
 الرحيم ٥٧
 كتاب رسالته في الحججة المنسوبة الى سقراط
 ٤٩٠
 كتاب رسالته في حجج مناقب الخلفاء بعد النبي
 ١٩١
 كتاب رسالته في حدود الفلسفه ٢٢٨
 كتاب رسالته في الحشرات مصور عطاردي
 ٤٧٢
 كتاب رسالته في الحصى المتولد في المئانه
 ٤٩٠
 رساله في الحليه ٣٠٩
 كتاب رسالته في الحيل العددية وعلم اضرارها
 ٤٦٦
 كتاب رسالته في خبر اجتماع الفلاسفه على
 الرموز العشقيه ٤٧٠
 كتاب رسالته في خبر صناعة التأليف ٤٦٧
 كتاب رسالته في خبر العقل ٤٧٠
 كتاب رسالته في خبر فضيلة سقراط ٤٧٠
 كتاب رسالته في خبر موت سقراط ٤٧٠
 كتاب رسالته في الخراج الى الرشيد ٣٧٧
 كتاب رسالته في الخضاب ٥٢٦
 كتاب رسالته في الخطوط والضرب بعدد الشعير
 ٤٦٦
 كتاب رسالته في الخط وما يستعمل في البري
 والقط ١٢٤
 كتاب رسالته في دفع الاحزان ٤٧٠
 كتاب رسالته في دلائل التحسين في برج
 السرطان ٤٦٩
 رسالته في ذم الكتاب ٣٠٩
 رسالته في ذم النبيذ ٣٠٩
 رسالته في ذمهم ٣٠٩
 كتاب رسالته في الرد على الثنويه ٤٦٩

- رسالته في الرد على الفوليه ٣٠٩
 كتاب رسالته في الرد على العنانيه ٤٦٩
 كتاب رسالته في الرد على المتانيه في العشر
 مسائل في موضوعات الفلك ٤٦٨
 كتاب رسالته في الرد على من زعم ان للاجرام
 في هويتها في الجوتوقفات ٤٦٩
 كتاب رسالته في رسم رقايع السى الخلقاء و
 الوزراء ٤٦٦
 كتاب رسالته في الزجر والغال من جهة العدد
 ٤٦٦
 كتاب رسالته في الزهد ٣٤٦
 كتاب رسالته في السالكين وطريف اعتقاد العامة
 ٤٧٣
 كتاب رسالته في السبب الذي من اجله جعلت
 مياه البحار مالحة ٤٩٠
 كتاب رسالته في سجود الجرم الاقصى لباريه
 ٤٦٨
 كتاب رسالته في سرعة ما يرى من حركة
 الكواكب اذا كانت في الافق وابطائها
 كلما علت ٤٦٧
 رسالته في السعاة ٢٤٩
 كتاب رسالته في سعاد المرأة ٤٧١
 كتاب رسالته في سمع الكيان ٤٦٦
 كتاب رسالته في سنة الشمس ٤٩٠
 كتاب رسالته في سنن عضو الرئيس من بدن
 الانسان ٢٢٩
 كتاب رسالته في السوانح ٤٦٨
 كتاب رسالته في السياسة العقلية ٤٤٧
 كتاب رسالته في السياسة الملوكية ١٩٣
 كتاب رسالته في شروق الكواكب و غروبها
 بالهندسه ٤٦٨
 كتاب رسالته في الشعاعات ٤٦٧
 كتاب رسالته في الشكر ٣٠٩
 كتاب رسالته في الصحابه ١٩٦
 رسالته ايضا في صفة كتاب الفتيا ٣٠٩
 كتاب رسالته في صناعة بطليموس الفلكيه
 ٤٦٨
 كتاب رسالته في صناعة الشعر ٤٦٧
 كتاب رسالته في صناعة الاسطرلاب بالهندسه
 ٤٦٨
 كتاب رسالته في صناعة اطعمة من غير عناصرها
 ٤٦٩-٤٧١
 كتاب رسالته في الصور ٤٦٨
 كتاب رسالته في الطائر الانسى ٤٧١
 كتاب رسالته في الطب البيقراطى ٤٦٨
 كتاب رسالته في الطرح على البيض ٤٧١
 كتاب رسالته في ظاهريات الفلك ٤٦٨
 كتاب رسالته في المادة و انها تحول طبيعة
 ٥٣٤
 رسالته في العالم الاقصى ٤٦٨
 كتاب رسالته في العدد والمعدودات ١٩٣
 كتاب رسالته في عروش الكواكب ٤٨٩
 كتاب رسالته في عضة كلب الكلب ٤٦٩
 كتاب رسالته في العطر وانواعه ٤٧١
 كتاب رسالته في العطش و ازدياد الحرارة
 لذلك ٥٣٤
 كتاب رسالته في علاج الطحال الجاسى من
 الاعراض السوداويه ٤٦٩
 كتاب رسالته في علة اختلاف انواع السنه
 ٤٧٠
 رسالته في العلة التي زعم بعض الجهال ان
 الثلج يعطش ٥٣٤

كتاب رسالته في علل الاوضاع النجومية ٤٦٧
 رسالته في علل القاتلة لعظمها والقاتلة
 لظهورها بفتة ٥٣٥
 رسالته في العلل المشكله ٥٣٤
 كتاب رسالته في علل المنسوبة الى الاشخاص
 العاليه الدالة على المطر ٤٦٧
 كتاب رسالته في العلم الالهي ٥٣٣
 كتاب رسالته في علم حدوث الرياح في باطن
 الارض المحدثه كثير الزلازل والخسوف
 ٤٧٢
 كتاب رسالته في علي بن مقله ٢١٥
 كتاب رسالته في عمل آلة مخرجة الجوامع
 ٤٦٦
 كتاب رسالته في عمل آلة يعرف بها بعد المعانيات
 ٤٧١
 كتاب رسالته في عمل الحلق الست واستعمالها
 ٤٦٦
 كتاب رسالته في عمل الرخامة بالهندسة ٤٦٨
 كتاب رسالته في عمل الساعات على صحيفة تنصب
 على السطح الموازي للافق خير من غيرها
 ٤٦٨
 كتاب رسالته في عمل السمات على كره ٤٦٦
 كتاب رسالته في عمل شكل الموسطين ٤٦٨
 كتاب رسالته في عمل القمم النباح ٤٧١
 كتاب رسالته في عمل المرايا المحرقة ٤٧١
 رسالته في العفو والصفح ٣٠٩
 كتاب رسالته في الغذاء والدواء المهلك
 ٤٦٨
 رسالته في غروب الشمس والكواكب
 وان ذلك ليس من اجل حركة الارض بل
 حركة الفلك ٥٣٤

كتاب رسالته في العلة التي لها قيل ان النار و
 الهواء والماء و الارض عناصر اجميع
 الكائنة الفاسده وهي و غيرها يستحيل
 بعضها الى بعض ٤٧٠
 رسالته في العلة التي لها لا يوجد شراب
 يفعل فعل الشراب الصحيح بالبدن
 ٥٣٤
 كتاب رسالته في العلة التي لها يبرد اعلى الجو
 ويسخن ما قرب من الارض ٤٧٠
 كتاب رسالته في العلة التي لها يكون بعض
 المواضع لا تكاد تمطر ٤٦٧
 رسالته في العلة التي من اجلها صار ينجح
 جهال الاطباء والعوام والنساء في المدن
 في علاج بعض الامراض اكثر من العلماء
 وعذر الطبيب في ذلك ٥٣٥
 رسالته في العلة التي من اجلها تضيق
 النواظر في النور وتوسع في الظلمة
 ٥٣٤
 كتاب رسالته في علة البرد المسمى ببرد العجوز
 ٤٧١
 كتاب رسالته في علة الجذام و اشفيته ٤٦٩
 كتاب رسالته في علة الرعد والبرق والثلج
 والبرد والصواعق والمطر ٤٧٣
 كتاب رسالته في علة كون الضباب والاسباب
 المحدثه له في اوقاته ٤٧١
 كتاب رسالته في علة نفث الدم ٤٦٩
 كتاب رسالته في علة النوم والرؤيا و ما يوهن
 به النفس ٤٧٠
 كتاب رسالته في علة بحارين الامراض الحاده
 ٤٦٩
 كتاب رسالته في علل احداث الجو ٤٦٧

- ٢١٤ كتاب رسالته في الكتاب والخط
 رسالته في الكرم الى ابي الفرج بن نجاح
 ٣٠٩
 ٤٦٦ كتاب رسالته في الكريات
 ٣٠٩ رسالته في كميات الكيمياء
 ٤٧١ كتاب رسالته في الكواكب الذوايه
 كتاب رسالته في الكواكب الذي ظهر ورصده
 ٤٧١ اياماً حتى اضمحل
 كتاب رسالته في كيفية اسهال الادوية وانحدار
 ٤٦٩ الاخلاط
 ٤٦٩ كتاب رسالته في كيفية الدماغ
 كتاب رسالته في كيفية عمل دائرة لسطح
 ٤٦٨ اسطوانة مفروضة
 ٥٣٤ رسالته في كيفية النحور
 ٣٠٩ رسالته في كيماو والس
 ٤٧١ كتاب رسالته في كيماياء العطر
 ٤٦٦ كتاب رسالته في الكمية المضافة
 كتاب رسالته في اللفظ وهي ثلاثة اجزاء اول
 ٤٧١ وثاني وثالث
 كتاب رسالته في ماجرى بين سقراط والحراس
 ٤٧٠
 كتاب رسالته في عا حكي من اعمار الناس
 في الزمن القديم و خلافتها في هذا الزمن
 ٤٦٧
 كتاب رسالته في ما رصد من الاثر العظيم
 في سنة ائمتين وعشرين ومائتين للهجرة
 ٤٧١
 كتاب رسالته في مسائل عنه من شرح ما
 عرض له الاختلاف في صور الموالييد
 ٤٦٧
 رسالته في ما لا يلقى مما يقطع من البدن
- ٣٠٩ رسالته في غناب المتجوله
 كتاب رسالته في الفاعل الحق الاول التام و
 ٤٦٩ الفاعل الثاني بالمجاز
 رسالته في فرط جهل يعقوب بن اسحاق الكندي
 ٣٠٩
 كتاب رسالته في الفرق بين ابراهيم بن المهدي
 واسحاق الموصلي في الفناء
 ٢٣٨
 رسالته في فسح ظن من توهم ان
 الكواكب ليست في نهاية الاستداره
 ٥٣٤
 كتاب رسالته في فصل ما بين التسيرو عمل
 ٤٦٧ الشعاع
 ٤٦٧ كتاب رسالته في الفصاين
 ٣٠٩ رسالته في فضل ايجاد الكتب
 ٥٩٩ رساله فيروز راسين
 كتاب رسالته في قدر منفعه صناعة الاحكام و
 من الرجل المسمى منجما باستحقاق
 ٤٦٩
 كتاب رسالته في قدر منفعه الاختيارات
 ٤٦٩
 كتاب رسالته في قدر منفعه صناعة الطب
 ٤٦٩
 كتاب رسالته في قسمة الدائرة ثلاثة اقسام
 ٤٦٨
 ٤٦٦ كتاب رسالته في قسمة القانون
 ٤٧٢ رسالته في قصة المتفلسف بالسكوت
 ٥٣٣ كتاب رسالته في قطر الدائرة
 ٣٠٩ رسالته في القلم
 ٥٢٦ كتاب رسالته في قوانين الاغذية
 ٤٧٠ كتاب رسالته الكبرى في السياسة

ان يكون حاله في نفسه و بدنه و شريه
 ٥٣٥
 رسالته في مدح الكتاب ٣٠٩
 رسالته في مدح النبيذ ٣٠٩
 كتاب رسالته في مدح الوراقه ٢٢٩
 رسالته في مدح الوراقين ٣٠٩
 كتاب رسالته في مدخل الاحكام على المسائل
 ٤٦٩
 كتاب رسالته في المدخل الارثما طيقي
 ٤٦٦
 كتاب رسالته في المدخل الى صناعة الموسيقى
 ٤٦٧
 كتاب رسالته في المدخل المنطقي باختصاره
 ايجاز ٤٦٦
 كتاب رسالته في المدخل المنطقي باستيفاء
 القول فيه ٤٦٦
 كتاب رسالته في المد والجزر ٤٧١
 كتاب رسالته في مساحة ايوان ٤٦٨
 كتاب رسالته في المساكن ٤٧١
 كتاب رسالته في المسائل ٤٦٩
 كتاب رسالته في مسائل سئل عنها من احوال
 الكواكب ٤٦٧
 كتاب رسالته في مطرح الشعاع ٤٦٧
 كتاب رسالته في معرفة ابعاد قلا الجبال
 ٤٧١
 كتاب رسالته في المعطيات ٤٦٨
 كتاب رسالته في المقولات العشر ٤٦٦
 كتاب رسالته في المناظر الفلكيه ٤٦٨
 رسالته في من تسمى من الشعراء عمرا ٣٠٩
 رسالته في المنطق ٥٣٤

وان صفر وما يلصق من الجراحات وان كبير
 ٥٣٤
 كتاب رسالته في ما للنفس ذكره وهي في
 عالم العقل قبل كونها في عالم الحسن
 ٤٧٠
 كتاب رسالته في ما نسب القدماء كل واحد
 من المجسمات الخمس الى العناصر
 ٤٦٧
 كتاب رسالته في ما يصنع فيعطى لونا
 ٤٧١
 كتاب رسالته في ما يطرح على الحديد و
 السيوف فلا تثلم ولا تكل ٤٧١
 كتاب رسالته في ما ينسب اليه كل بلد من
 البلدان الى برج من البروج و كوكب من
 الكواكب ٤٦٧
 كتاب رسالته في مائة الانسان والمضو الرئيس
 عنه ٤٧٠
 كتاب رسالته في مائة الجرم الحامل
 بطباعه للالوان من العناصر الاربعه
 ٤٦٨
 كتاب رسالته في مائة الزمان والحين والدهر
 ٤٧٠
 كتاب رسالته في مائة العقل والايانه عنه
 ٤٦٦
 كتاب رسالته في مائة الفلك واللون اللازم
 اللازوردى المحسوس من جهة السماء
 ٤٦٨
 كتاب رسالته في مثالب معاويه ٢٤٦
 كتاب رسالته في محاوره جرت بين سقراط و
 ارشيجانس ٤٧٠
 كتاب رسالته في محنة الطبيب وكيف ينبغي

- رسالته في موت ابي حرب الصفار البصرى
٣٠٩
- رسالته في الميراث
٣٠٩
- كتاب رسالته في النسبة
٤٨٩
- كتاب رسالته في النسب الزمانيه ٤٦٦-
٤٧٠
- كتاب رسالته في نفس العضو الرئيس من
الانسان و الابانة عن الانسان ٤٦٩
- كتاب رسالته في نقض حجج كان انفذها
الرئيس في نصره قول القائلين بان
الافعال خلق الله و اكتساب للعبد
٤٧٥
- كتاب رسالته في نقض مسائل الملحدين
٤٦٩
- كتاب رسالته في النهي عن الشهوات ٢٤٢
- كتاب رسالته في واوعرو
٤٢٨
- كتاب رسالته في وجع المعدة والنقرس
٤٦٩
- رسالته في وصف خلق القرآن
٣٠٩
- كتاب رسالته في وصف مذاهب الصائبين
٤٧٣
- كتاب رسالته في الوفاء
٤٧٢
- كتاب رسالته في الهندسه
٤٩٩
- رسالة قضاء العدل
٥٩٨
- كتاب رسالة القطان
٣٩٩
- كتاب الرسالة الكامله
١٠١
- رسالة الكبرى
٥٩٨
- كتاب رسالته الكبرى في التأليف ٤٦٧
- كتاب رسالته الكبرى في الربع المسكون
٤٧١
- كتاب رسالته الكبرى في مقياسه العلمى
٤٦٥
- كتاب رسالته الكبيرة في الاجرام الفائضة
في الماء
٤٧١
- كتاب رسالة كذبتما
٤٢٦
- رسالة الكرخ والعرب
٦٩٩
- رسالة كسكر
٥٩٨
- رسالة الكلمات العشر
٥٩٨
- رسالة مانا في التصليب
٥٩٩
- رسالة محمد بن زيار الحارثي
٢٨٦
- كتاب رسالة محمد في صنعة الرخامات
٤٩٥
- كتاب رسالته المختصرة في حدود الموالي
٤٦٩
- كتاب الرسالة المزيد يدالي الرشيد ٢٠٨
- رسالة المعمودية
٥٩٩
- رسالة المكعب
٥٠٤
- رسالة منيق الثانيه
٥٩٩
- رسالة منيق في الفارسية الاولى
٥٩٩
- رسالة مهر السماع
٥٩٩
- رسالة ميسان في النهار
٥٩٩
- رسالة وحنن في خاتم الفم
٥٩٨
- كتاب رسالة هارون الشاري
٣٩٩
- كتاب رسالة هبة الاسكندر
٦٣٦
- رسالة الهدى الصغيره
٥٩٨
- رسالة الهند العظيمه
٥٩٨
- رسالة هيئ البر
٥٩٨
- كتاب رسالة اليتيم
٦٤٣
- رسالة اليتيمه
٣٠٩
- رسالة يحيى في الدراهم
٥٩٩
- رسالة يحيى في العطر
٥٩٨

- کتاب رسایل ۱۹۶-۲۰۱-۲۰۲-۲۰۳-۲۰۴
 ۲۸۷ رسایل باح
 ۲۸۷ رسایل البيضاء
 ۲۸۶ رسایل الشريف الرضى
 ۲۸۷ رسایل الصابى
 ۲۸۶ رسایل العشارى فى ارزاق العمال
 ۲۱۴ کتاب رسائل مجموع
 ۱۹۵ رسائل مجموعه
 ۱۹۴ رسائل مجموعه
 ۱۹۴ رسائل مجموعه خالد الافريقى
 ۱۹۴ رسایل مجموعه سالم
 ۱۹۸ رسائل مجموعه
 ۱۹۳ رسائل مجموعه
 ۱۹۳ رسائل مجموعه ابومروان
 ۱۹۹ رسائل مجموعه
 ۲۸۶ رسائل محمد بن مكرم
 ۶۴۱ کتاب رسایل الملوك
 ۲۱۶ کتاب رسایل من بلاغته
 ۱۶۹ کتاب رسائل النبى
 ۲۸۶ رسائل النيسابورى الاسكافى
 ۲۲۳ کتاب رسائل وتوقيعات و ديوان شعر
 ۲۰۹-۲۰۴-۲۰۳-۱۹۶ کتاب رسایله
 ۲۴۵-۲۱۷-۲۱۰
 ۲۰۵ کتاب رسایله الى اخوانه
 ۲۰۳ کتاب رسایله خاصه
 ۲۲۷ کتاب رسائله فى فتح البصره
 ۲۲۲ کتاب رسایله المجموعه فى كل فن
 ۲۸۶ رسایل يحيى بن زياد الحارثى
 ۵۴۱ کتاب رستم واسفنديار
 ۶۴۳ کتاب الرشده
 ۴۰۷ کتاب الرشده والبيان
 ۲۱۴ كتاب رسایل ابن ثوابه
 ۲۰۳ سعید بن حمید
 ۲۰۲ ابوعلی بصیر
 ۲۰۲ حرانی
 ۲۰۲ سعید بن وهب
 ۲۰۲ قاسم بن يوسف
 ۲۰۲ عمرو بن معدنه
 ۲۰۴ ابن یزید
 ۲۰۴ محمد بن مكرم
 ۲۰۴ میمون بن ابراهیم
 ۲۰۸ ابن حرب
 ۲۰۸ بکر بن سرد
 ۱۹۶ ضریر بن صریح
 ۲۱۶-۲۱۵-۲۱۳-۲۱۱ کتاب الرسایل
 ۲۴۸-۲۴۴-۲۳۰-۲۲۵-۲۲۳-۲۲۲
 ۲۸۶ رسایل ابن عبدکان
 ۲۸۶ رسایل ابى الحسن بن طرخان
 ۲۸۶ رسایل ابى الحسن التونسى
 ۲۸۶ رسایل ابى الحسن محمد بن جعفر
 ۲۸۶ رسایل ابى علی البصیر
 ۲۸۷ رسایل ابى غزوان القرشى فى المفو
 ۲۰۹ کتاب رسایل ابى الوزير
 ۲۸۶ رسائل احمد بن سعد الاصفهانی
 ۲۸۶ رسائل احمد بن الطيب السرخسی
 ۲۸۶ رسائل احمد بن محمد بن ثوابه
 ۲۸۶ رسایل احمد بن يوسف الكاتب
 ۳۱۳ کتاب رسائل الائمة فى العدل

- ۳۶۳ كتاب الزنا والاحسان
 ۲۴۸ كتاب الزنجيين وهم المعاقرون
 ۵۵۵ كتاب زنقطه
 ۴۱۳-۳۶۲-۳۴۴-۱۳۱-۴۱۶ كتاب الزهد
 ۳۲۱ كتاب الزهد والزهاد
 ۳۴۶ كتاب زهد مالك بن دينار
 ۱۹۱ كتاب الزهد والرياض
 ۶۴۰ كتاب الزهره
 كتاب الزهرى و ابنة عمه الذين ساروا الى
 ۵۴۵ هشام بن عبد الملك
 ۹۳ كتاب الزوائد
 ۴۱۴ كتاب الزوال
 ۳۷۸ كتاب الزيادات
 ۳۷۸ كتاب الزيادة الزيادات
 كتاب الزيادات على ارشيدى فى المقالة-
 ۵۰۶ الثانيه
 كتاب الزيادات فى كتاب الناسى فى المقالات
 ۲۲۸
 ۲۴۶ كتاب الزيادات فى اخبار الوزراء
 كتاب الزيادات فى الكتاب الذى الفه ابوه
 ۲۱۶ ابراهيم
 كتاب الزيادات فى المسائل التى لحنين
 ۵۲۹
 كتاب الزيادة المتزعه من سيبويه ۱۰۲
 كتاب الزيادات من معانى الشعر ليعقوب
 ۱۲۳ واصلاحه
 كتاب زياد بن عمرو بن اشرف العنكى ۱۷۱
 ۶۳۷ كتاب الزبيق
- ۱۴۳ كتاب الزاهر فى الالوان وانزهر
 ۴۸۴-۱۲۲ كتاب الزبرج
 ۳۹ كتاب زبور داود
 ۵۵۷ كتاب زجر الروم
 كتاب زجر الطير والقال والعباقه والقباقه
 ۵۵۷ والكهانه
 ۵۵۷ كتاب زجر العرب
 ۵۵۷ كتاب زجر الفرس
 ۱۱۸ كتاب الزجرو الدعاء
 ۵۵۷ كتاب زجر الهند
 ۶۴۰ كتاب زحل
 ۶۳۸ كتاب الزرانيخ
 ۱۰۰-۹۳ كتاب الزرع
 ۳۰۸-۹۶ كتاب الزرع والنخل
 ۵۰۱ كتاب الزرق النجومى
 ۴۰۳ كتاب زريق بن الزبير
 ۴۰۳ كتاب زكار بن يحيى الواسطى
 ۴۰۳ كتاب زكريا المؤمن
 ۳۸۸-۳۷۷-۳۶۲-۳۴۷-۳۸۸-۳۹۸-۴۰۴-۴۰۷-۴۱۰-۴۱۳-۴۱۷-۴۲۵
 ۳۶۲ كتاب زكوة الفطر
 كتاب الزكوة وابواب الاموال بطله من الحديث
 ۴۱۹
 ۱۹۷ كتاب الزمام
 ۳۱۷ كتاب الزمرد
 ۶۳۹ كتاب الزمرده
 ۵۰۹ كتاب الرمر الريحى
 كتاب الزنا فى الاشراف وذكر سباب العرب و
 ما حرى بينها وذكر ادعاء الجاهلية ۱۶۷

- كتاب الزيج ٤٩٢-٤٩٤-٤٩٩-٥٠٠
 كتاب زيج السند هند ٥٠١
 كتاب زيج الصغير ٥٠٠
 كتاب زيج الصفائح ٥٠٥
 كتاب الزيج على سنى العرب ٤٩١
 كتاب زيج القرائات والاحترافات ٤٩٧
 كتاب الزيج اللطيف ٦٤٠
 كتاب الزيج الكبير ٥٠٠
 كتاب الزيج المأمونى ٤٩٤
 كتاب الزيج محلول فى السند هند لدرجة
 درجه ٤٩٨
 كتاب الزيج المعروف باليديع ٥٠١
 كتاب الزيج المعروف بالخالص ٥٠١
 كتاب الزيج المعروف بالمزائر ٥٠١
 كتاب الزيج الممتحن ٤٩٤
 كتاب زيج الممرات ٥٠١
 كتاب زيج الواضح ٥٠٦
 كتاب زيج الهزارات ٤٩٧
 كتاب الزيج الهندسى ٥٠٢
 كتاب زيد بن حارثه حب النبى ١٦٣
 كتاب زيد بن على ١٥٨
 كتاب الزيديه ٢٢٣
 كتاب الزينه ٥٢٣-٣٥٤
 الكتاب السابع فى المسائل والموانيد ٣٨٣
 الكتاب السادس فى تسيير النيرين ومايدلان
 عليه ٤٩٣
- الكتاب السادس عشر فى تحويل سنى المواليد
 ٤٣٨
 كتاب ساديرم ٥٤٢
 كتاب سارية بن زعيم ١٧٢
 كتاب الساطع ٦٣٩
 كتاب الساعات ١٢٨
 كتاب السباع والوحوش ١٣١
 كتاب سبب تحرك الفلك على استداره ٥٣٣
 كتاب سبب وقوف الارض وسط الفلك ٥٣٣
 كتاب السبع الطوال ١٢٧
 كتاب السبعة ٦٣٨
 كتاب السبعة الاصغر ٥٨
 كتاب السبعة الاصغر نقاش ٥٨
 كتاب السبعة الاوسط ٥٨
 كتاب السبعة الاوسط - ابن مقسم ٥٨
 كتاب السبعة الاوسط نقاش ٥٨
 كتاب السبعة بطلها الكبير ٥٨
 كتاب السبعة بطلها الكبير - نقاش ٥٨
 كتاب السبعين ٥٢١
 كتاب السبق والرمى ٣٨٨-٣٦٢
 كتاب السبول والممجونات والفضار الصينى
 ٥٦٢
 كتاب السبيل الى معرفة الحق ٢٩٣
 كتاب سبيل وقالون ٥٤٤
 كتاب السجاجة وتلقيح البلاغه ٣٥٣
 كتاب السجلات ٣٩٨
 كتاب سجل الجواهر ١٦٧
 كتاب سجود القران ٣٦٢
 كتاب السحافات والثعابين ٢٥٠
 كتاب السحاقات والبغاسير ٥٥٧

- كتاب سرقات الكميت من القران و غيره
 ۱۱۹
 كتاب سرقات النحويين من ابي تمام ۲۴۲
 كتاب السرقة ۲۹۸
 كتاب السرقة وقطاع الطريق ۲۷۸
 كتاب السرى ۶۳
 كتاب سرد ۵۳۶
 كتاب سطرينوس الملك و سبب تزويجه
 ۵۴۳ بساراد الفقهه
 كتاب سططس ۴۴۹
 كتاب سعد بن عمير والنوار ۵۴۵
 كتاب سعد و اسما ۵۴۳
 كتاب سعده ۵۵۵
 كتاب سميع و قمع ۵۴۵
 كتاب السعود والعمود ۱۷۶
 كتاب سعيد بن مسجح ۲۳۳
 كتاب السفر ۴۹۲-۴۰۵
 كتاب سفر آدم ۵۶۲
 كتاب سفر ارميا ۳۸
 كتاب سفر الاسرار ۶۳۹-۵۹۸
 كتاب سفر اشعيا ۳۸
 كتاب سفر حزقييل ۳۸
 كتاب السفر والحضر في الطب ۵۳۰
 كتاب سفظ الجواهر ۲۴۹
 كتاب سفظى ۳۸
 كتاب سقرس ۶۳۵
 كتاب سقرس الكبير ۶۳۶
 كتاب سقناس في حكمته للملك ادريانوس
 ۶۳۵
 كتاب السقيفة و بيعة ابي بكر ۱۶۵
 كتاب السحر الصغير ۵۵۲
 كتاب السحر الكبير ۵۵۲
 كتاب سحر اللهو وسكر ۵۴۴
 كتاب السحق ۲۵۱
 كتاب السخط والرضا ۲۹۶
 كتاب السدر والدوار ۵۲۶
 كتاب سدره المنتهى ۳۴۶
 كتاب السراب ۱۷۸-۸۴
 كتاب سر الاسرار ۶۴۱
 كتاب السراى الذهبيات المسليات ۱۳۹
 كتاب السراء ۲۳۵
 كتاب السرايا ۱۶۹
 كتاب سرايا النبى ۱۶۹
 كتاب السرا المظلم فى سر الخليفة ۴۷۴
 كتاب السرج ۹۳
 كتاب سرجى الراهب فى الصنعة ۶۳۵
 كتاب السرج واللجام ۱۲۲-۱۰۵
 كتاب السرج واللجام والبرى والمقال ۹۶
 كتاب السرخسى الى المعتضد فى ادب النفس
 ۲۸۶
 كتاب سرخسى الرأس عينى الى قويرى ۶۳۵
 كتاب سرخسى فى الصنعة ۶۳۶
 كتاب السرطان ۵۲۰
 كتاب السرافامض ۶۳۹
 كتاب سر العالم والمبعوث ۳۵۸
 كتاب السرقات ۲۴۶-۱۹۱
 كتاب سرقة البحترى من ابي تمام ۲۴۶
 كتاب سرقة الشعراء ۲۴۲
 كتاب سرقة الشعر وما اتفقوا فيه ۱۲۲
 كتاب السرقات الكبير ۲۴۶

- | | | | |
|---------|---|-------------------|--|
| ٥٤٥ | كتاب سليمان وعنوان وشيخان | ٥٤١-٢٤١ | كتاب السكاج |
| ٦٣٨-٤٠٥ | كتاب السماء | ٢٤٣ | كتاب السكاج وفضائلها |
| ٤٥٨ | كتاب السماء والعالم | ٥٣٦ | كتاب السكر للهند |
| ١٧٦ | كتاب السمات | | كتاب سكري قري بن مرديو دلهر مز بن كسرى |
| ٥٤٣ | كتاب ساس العالم فى الامثال | ٥٦٠ | و رساله كسرى الى جواسب وجوابها |
| ٤٥٦ | كتاب السماع الطبيعى | ٥٥٦ | كتاب سكن |
| | كتاب سماء جامع الحماقات و حاوى | ٥٣٤ | كتاب السكنجين |
| ٢٥١ | الرقاعات | ٥٤٤ | كتاب سكينه والرباب |
| ٣٧٢ | كتاب سماء المختصر | ٣٦٢ | كتاب السلم |
| ٦٣٤ | كتاب سماء المفاتيح فى الصنعة | ١٩١-١٣٣-١٠٥-٩٦-٩٠ | كتاب السلاح |
| ٥٠٠ | كتاب سمت القبلة | ٦٣٣ | كتاب السلماطيس |
| ١٦٣-١٥٩ | كتاب السمر | ١٤٤ | كتاب سلسلة الذهب |
| ٣٥٨ | كتاب السمرى وجوابه | ٤٩٢-٤٨٤-١٨٥-١٣١ | كتاب السلطان |
| ٥٣٢ | كتاب سمع الكيان | ٣٠٨ | كتاب السلطان واخلاق اهله |
| ١٩٧ | كتاب السمع والبصر | ٩٣ | كتاب سلم بن قتيبه |
| ٢٩٦ | كتاب السمع والبصر عملا او عمل بهما | ١٧١ | كتاب سلم بن قتيبه وروح بن حاتم |
| ٦٣٥ | كتاب السموس | ٣٧٨ | كتاب السلم والبيوع |
| ٥٦١ | كتاب السمومات | ٥٤٤ | كتاب سلمى وسعاد |
| | كتاب السمومات لقسطا بن لوقا ودفع مضارها | ١٤٤ | كتاب السلوان |
| ٥٦١ | | ٦٤٠ | كتاب السلوة |
| ٥٦١ | كتاب السمومات للهند | | كتاب السلوة المستخرج عن موارد الحكماء |
| ٥٦١ | كتاب السمومات وتركيبها واصولها | ٢٨٦ | |
| ٥٦١ | كتاب السمومات و دفع صرزاها | ٣٩ | كتاب سليمان بن داود فى الحكم |
| ١٦٧ | كتاب السمر | | كتاب سليمان بن سرد وعين الورد |
| | كتاب السميع بن ذى ترجم الحميرى والعقوى | ١٥٧ | كتاب سليمان بن عبد الملك والجارية وطفلها |
| ٥٤٦ | بنت زيد | ٥٤٥ | |
| ١٩٧ | كتاب سناء وبهاء | ٦٣ | كتاب سليمان بن عيسى |
| ٢٢٥ | كتاب سنام المالى | ٤٠٣ | كتاب سليم بن قيس الهلالي |
| ٢٧٢ | كتاب سند باد | | |

- ٦٣٩ كتاب السنن والحيره
 ٣٧٠ كتاب السنة في الفقه
 ٣٣٧-٣٣١ كتاب السنة والجماعه
 كتاب السنة والجماعه و ذم الهوى وترك
 ١٦٥ الخروج والفنن
 ٤٩٧ كتاب سنن العالم
 ٥١٨ كتاب سوء المزاج المختلف
 ٩٣ كتاب السواد وفتح
 ٥٢٦ كتاب السواك والسنونات
 كتاب سؤال وجواب رمضان لابي النجم ٢٤٩
 ٥٢٦ كتاب السوداء
 ٣٠٨ كتاب السودان والبيضان
 ٢٤٧ كتاب السودان وفضلهم على البيضان
 ١٣١ كتاب السؤدد
 ٤٥٣ كتاب سوفطيقا
 ٤٧٦ كتاب سوفطيقا الفص لارسطاليس
 ٤٩٧ كتاب السهام
 ٥٢٦ كتاب السهر
 ٥٤٤ كتاب سهل وسليمه
 ١٦٤ كتاب سهم بن عمرو بن هصيص
 ٣٩٨ كتاب سهم ذوى القربى
 ٤٩٣-٤٩٢ كتاب السهمين
 كتاب السهمين واعمار الملوك والدول ٤٩٧
 ٣٩٨-٣٦٣ كتاب السهو
 ١٦٧ كتاب السياب
 كتاب السياسه ٢١٥-٢٤٦-٣٥٨-٤٤٩-
 ٥٢٦
 ٤٧٣-٢٢٨ كتاب السياسة الصغير
 ٤٧٣-٣٣٨ كتاب السياسة الكبير
 ١٩١ كتاب سياة الملوك
- ٥٤١ كتاب سندباد الحكيم
 ٥٤٢ كتاب سندباد الصغير
 ٥٤٢ كتاب سندباد الكبير
 ٥٣٦ كتاب سندستاق
 كتاب السنن ٦٧-٣٠٣-٤١٢-٤١٣-
 ٤١٤-٤١٥-٤٢٢-٤٢٣
 ٤١٣ كتاب السنن ابن قدامه
 ٤٢٢ كتاب السنن كجى
 ٤١٤ كتاب السنن وكيع
 ٤١٨ كتاب السنن بشواهد الحديث
 ٤٢٣ كتاب السنن على مذاهب الفقهاء
 ٣٩٠ كتاب السنن على مذهب الشافعى
 ٤١٥ كتاب السنن فى الفقه اوزاعى
 ٤١٥ كتاب السنن فى الفقه وليدين مسلم
 كتاب السنن فى الفقه ٤١٨-٤١٥-٤١٦-
 ٤١٧-٤١٩-٤٢٠-٤٢١-٤٢٢-٤٢٣
 ٤١٦ كتاب السنن فى الفقه عبدالوهاب
 ٤١٦ كتاب السنن فى الفقه هروى
 ٤٢١ كتاب السنن فى الفقه ابن ايوب
 ٤١٦ كتاب السنن فى الفقه ابن مبارك
 ٤١٧ كتاب السنن فى الفقه ابو شهيد
 كتاب السنن فى الفقه محمد بن عثمان
 ٤١٧
 ٤١٨ كتاب السنن فى الفقه ابن راهويه
 ٤٢٠ كتاب السنن فى الفقه ضرير
 ٤١٩ كتاب السنن فى الفقه معمرى
 ٤٠٧ كتاب السنن المشتركه
 ٤٣٠-٣٠٣ كتاب السنن والاحكام
 ٤٢٣ كتاب السنن والاداب على مذهب العامه

١٥٧	كتاب السيرة والمبتداء والمغازي	٣٦١	كتاب سياسة النفس
٩٣	كتاب السيف	٣٥٨	كتاب السياسة والخلفاء والامراء
٤٠٣	كتاب سيف بن عميرة النخعي	٨٩	كتاب سيبويه
١٦٢	كتاب سيوف	٣٩٩-٣٩٨-٣٦٠-١٥٦	كتاب السير
١٦٢	كتاب السيوف	٥٦٠	كتاب سيرتنامه
	كتاب السيوف التي كانت عند العرب واصناف ذلك	٤٨٣	كتاب سير السبعة
٥٥٨		٣٩	كتاب سير سيرين
١٠٠	كتاب السيوف والرماح	٣٩٨	كتاب سير العادل
٢٨٦	كتاب السيوف وصفاتها	١٥٦	كتاب السير في الاخبار والاحداث
٦٣٨	كتاب السيول	٥٣٦	كتاب سيرك
٤٠	كتاب سيهودس	٣٨٩	كتاب سير الواقدي
		١٥٦	كتاب السير والجهاد
	ش	٥٥٩	كتاب سيروس في الادب
		١٦٥	كتاب السير
٥٩٨	كتاب الشايرقان	٣٦١	كتاب سيرة الائمة العادلة
٩٦	كتاب الشاة	٣٦٣	كتاب سيرة ابي بكر
١٣٧	كتاب الشاذاني في النحو	١٦٥	كتاب سيرة ابي بكر ووفاته
٣٠٨	كتاب الشارب و المشروب		كتاب سيرة آل الجراح واخبارهم وانسابهم
١٤٥	كتاب الشافي في علل النحو	٢١٢	في القديم والحديث
٣٦٦	كتاب الشافي في علم الدين	١٩٦	كتاب سيرة اردشير
١٤٣	كتاب الشافي في اللغة	١٩٦	كتاب سيرة انوشروان
٤٢٧	كتاب الشافي في مسح الرجلين	٣٨٩	كتاب سير الاوزاعي
٥٥٧	كتاب الشامات	٣٦٣	كتاب سيرة عثمان
٢٤٩	كتاب شامل في علم القران	٣٦٣	كتاب سيرة عمر
٥٤٢	كتاب شاناق في التدبير	٥٣٤	كتاب السيرة الفاضله
٥٦٠	كتاب شاناق الهندي في الاداب		كتاب سيرة الفرس - معروف - خدائنامه
	كتاب شاناق الهندي في امر تدبير الحرب	٤٤٦	
	و ما ينبغي للملك ان يتخذه من الرجال	٤٧٧	كتاب سيرة الفيلسوف
	وفي امر الاساورة والطعام والسم	٣٦٣	كتاب سيرة معاوية
٥٥٨		١٥٤	كتاب سيرة معاوية و بني اميه

- | | | |
|---|-----------------|--|
| كتاب شرح الالف واللام للمازني ١٠٧ | ٢٢١ | كتاب الشباب والشيب |
| كتاب شرح الجامع الصغير ٣٨٣ | ٢٤٩ | كتاب الشباب وفضله على المشيب |
| كتاب شرح الجامع الكبير ٣٨٣ | ٢٤٩ | كتاب الشبان |
| كتاب شرح الجامع الكبير لمحمد بن الحسن ٣٨٥ | | كتاب شبيب الحروري و صالح بن مسرح ١٥٧ |
| كتاب شرح الجامع الكبير - نسخة دوم ٣٨٥ | ٢٤٧-١٠٠ | كتاب الشتاء والصيف |
| كتاب شرح الجبر والمقابلة للخوارزمي ٥٠٣ | ٣٤٦ | كتاب شجرة طوبا |
| كتاب شرح الجمع والتفريق ٥٠٣ | ١٩٨ | كتاب شجرة العقل |
| كتاب شرح رسالة الشافعي ٣٩٣ | ١٢٢-١٠٠-٩٦ | كتاب الشجر والنبات |
| كتاب شرح سيبويه ١٠٥ | ١٤٠ | |
| كتاب شرح شواهد سيبويه ١٠١ | ١٧٥ | كتاب الشجاء |
| كتاب شرح شواهد سيبويه او تفسيرها ١٤٤ | ٢٥٣ | كتاب الشجون والفنون |
| كتاب شرح علل النحو ١٤٢ | ١٧٤ | كتاب شحنة البريد |
| كتاب شرح قاطيفورياس لارسطاليس المقالة الرابعة ٤٦١ | ٣٥٨ | كتاب شخص الظلمات |
| كتاب شرح قول فلاطن ان النفس غير مائه ٤٦١ | | كتاب الشذورفي مؤامرات الخلفاء والامراء ٢٣١ |
| كتاب شرح كتاب ابن عبد الحكم الصغير ٣٧٢ | ٢٨٥-٢٤٧-٢٤٥-٢٣٣ | كتاب الشراب |
| كتاب شرح كتاب ابن عبد الحكم الكبير ٣٧٢ | ٢٢٤ | كتاب الشراب والعدامة |
| كتاب شرح كتاب امي كامل في الجبر ٥٠٤ | ٤٠٧ | كتاب الشراء والبيع |
| كتاب شرح كتاب الاصول لابن السراج ١٠٨ | ٣٩ | كتاب شرائع |
| كتاب شرح كتاب اقليدس ٤٨٣ | ٢٢٨ | كتاب شرائع الاديان |
| كتاب شرح كتاب الجبر والمقابلة لابي كامل ٥٠٥ | ٣٩٨-٣٧٨ | كتاب الشرب |
| كتاب شرح كتاب الجرمي ٤٢٨ | ٦٣٩-١٤٣ | كتاب الشرح |
| كتاب شرح كتاب الخفيف للطبري ٤٢٧ | ١٠٨ | كتاب شرح ايات الايضاح |
| | ١٠٤ | كتاب شرح ايات سيبويه |
| | ٦٤٢ | كتاب شرح الاثير |
| | ١٠٦ | كتاب شرح الارشاد في النحو |
| | ٣١٢ | كتاب الشرح لاقاويل المجبره |
| | ٦٤٠ | كتاب شرح اقليدس |

- كتاب شرح كتاب الرحمة لجابر ٦٤٢-٦٤٣
 كتاب شرح كتاب سيويه ١٠٣-١٠٦-١٠٧
 كتاب شرح كتاب الفصح ١١٦-١٢٨
 كتاب شرح كتاب محمد بن موسى الخوارزمي
 في الجبر ٥٠١
 كتاب شرح كتاب المرشد في الفقه ٤٢٧
 كتاب شرح كتاب المعاني للباهلي ١٣٧
 كتاب شرح كتابه في الجمع والتفريق ٥٠١
 كتاب شرح كلام العرب وتلخيص الفاظها و
 تقريب معانيها ١٠١
 كتاب شرح الكلام وبناء ١٠٧
 كتاب شرح المعسطى ٦٤٠
 كتاب شرح مختصر ابن عبد الحكم الصغير
 ٣٧١
 كتاب شرح مختصر الجرمي ١٠٧
 كتاب شرح مختصر الطحاوي ٣٨٥
 كتاب شرح مختصر المزني ٣٩١
 كتاب شرح المدخل للمبرد ١٠٧
 كتاب شرح مذاهب ارسطاليس في الصانع
 ٤٦٢
 كتاب شرح مذاهب اليونانيين ٥٢٦
 كتاب شرح المسائل لاخض ١٠٧
 كتاب شرح مشكل احاديث رسول الله ٣٨٣
 كتاب شرح المشكل من كتاب اقليدس في-
 النسبة ٤٩١
 كتاب شرح معاني الاثار ٣٨٣
 كتاب شرح معاني الباهلي الانصاري ١٣٩
 كتاب شرح المقالة الاولى من كتاب ارشميدس
 في الكرة والاسطوانة ٤٨١
 كتاب شرح المقتضب ١٠٧
 كتاب شرح مقصورة ابن دريد ١٠٦
 كتاب شرح الموجز لابن السراج ١٠٧
 كتاب شرح الموضح ٤٠٠
 كتاب شرح النحو ١٤٢
 كتاب شرح نكت الرموز ٦٤٤
 كتاب شرح نكت كتاب سيويه ٩٩
 كتاب الشرح والتفصيل في الرد على اهل
 الافك والتضليل ٣٣٩
 كتاب شرح الهوى ووصف الاخاء ١٩٧
 كتاب شرح الصناعة ١٤٦
 كتاب الشرطه ٦٣٩
 كتاب شرط الخلفاء ١٦٧
 كتاب شرف الصناعة ٦٤١
 كتاب شرف قصي بن كلاب وولده في الجاهلة
 والاسلام ١٦١
 كتاب الشركه ٣٩٨-٣٦٢
 كتاب شريعة المقاري ٤٢٢
 كتاب شريعة التفسير ٤٢٢
 كتاب الشريف ١٨٨
 كتاب الشروط ٣٨٥-٣٨٤-٣٨٣-٣٦٢
 ٣٨٨-٣٩٥-٤٢٦-٤٢٧-
 كتاب الشروط ابن دينار ٣٩٥
 كتاب الشروط الفرحي ٣٨٥
 كتاب الشروط معافا ٤٢٧
 كتاب الشروط الصغير ٣٨٤-٣٨٣-٣٨١
 كتاب الشروط الكبير ٣٨٤-٣٨٣-٣٨١
 ٤٢٥

- كتاب الشفعة ٣٦٢-٣٧٨-٣٨٨-٣٩٨
 ٣٦٠
 كتاب الشكل لقطاع ٤٩٠
 كتاب الشكل المدور المتطيل ٤٨٩
 كتاب الشكل الهندسى الذى بين جالينوس
 امره ٤٨٩
 كتاب شكبه ٥٥٥
 كتاب الشكوك ٢٩٥
 كتاب الشكوك على جالينوس ٥٣٢
 كتاب شكوك كتاب اقليدس ٥٢٦
 كتاب الشماخ ودمغ ٥٤٥
 كتاب شماويل وقضيه داود ٣٩
 كتاب الشمس ٦٣٨-٦٤٤
 كتاب الشمس الاصغر ٦٤٠
 كتاب الشمس الاكبر ٦٤٠
 كتاب الشمس والقمر ٩١
 كتاب شمل والفة ١٩٧
 كتاب شمائل ٣٨
 كتاب الشواذ ١٢٥
 كتاب شواذ السبعة ٥٧
 كتاب الشوارد ٩٣
 كتاب الشوارد فى الرسائل ٢٣٠
 كتاب الشواهد ٢٨٥-١٣١-٧٦
 كتاب شواهد الموطأ ٣٧١
 كتاب الشورى ١٢٨
 كتاب الشورى ومقتل عثمان ١٥٧
 كتاب الشوق والفراق ٢٢٧
 كتاب الشهادات ٣٨٨-٣٦٢-١٣٨
 كتاب شهادة القاذف ٣٨٩
 كتاب الشهب المحرقة للاباليس المسترقة ٣٦٤
- كتاب الشروط الكبير ابن موصل ٣٨٤
 كتاب الشروط الكبير والصغير ٥٧
 كتاب شروط النظر ٥٣٤
 كتاب الشروط والوثائق ٣٩١
 كتاب الشروط والوثائق والمحاضر والسجلات
 ٣٩٢
 كتاب الشطرنج ٢٥٦
 كتاب الشطرنج صولى ٢٥٦
 كتاب الشطرنج والنرد ٢٢٩
 كتاب شمار ٣٨٨
 كتاب الشعاعات ٥٠٧
 الكتاب الشعده ٥٥٣
 كتاب الشعر ٦٣٨
 كتاب الشعر ٢١٩
 كتاب شعراى العيناء ٢٠٥
 كتاب الشعراء ١٢٠-١٧٩
 كتاب الشعراء ابوسعيد وراق ١٧٩
 كتاب الشعراء المذكورين ١١٢
 كتاب الشعراء و انسابهم ١٧٦
 كتاب شعر الحاتم الطائى ٢٢١
 كتاب الشعر والدم والبيض و عمل مياهما
 ٦٤٣
 كتاب الشعر والشعراء ٢١٢-٢٢٥-٢٤٥
 ٢٤٧-٨٣-٩٣-١٠٥-١٣١-١٣٢-١٨٠
 ١٨٥
 كتاب شعر الراعى ١٢٧
 كتاب الشعر والشعراء القدماء الاسلاميين
 ٢٣٧
 كتاب الشعر والشعراء الكبير ٢٤٦
 كتاب شعوف و عطوف ٥٤٤

٦٣٥	كتاب الصحيفة الصغير	٢٣٨	كتاب شهر رمضان
٦٣٥	كتاب الصحيفة الكبير	٥٤١	كتاب شهر يزاد مع ابرويز
٥٤٦	كتاب صخر المغربي	٢٨٦	كتاب الشيب والخضاب
٣٩٨-٣٨٨-٣٦٢-١٧٠	كتاب الصداق	٢٥٥	كتاب الشيب والشباب
٣٩٢	كتاب صدر كتاب الفتيا	١٣١	كتاب الشيب والكبر
٣٨٩	كتاب صدقة الحى من الميت	٥٤٦	كتاب الشيخ بن الشاب
٣٦٢	كتاب الصدقة على الواجبه	٣٢٨	كتاب الشيخ واللام
٣٩٨-٣٤٦	كتاب صدقة الفطر	٥٤٣	كتاب الشيخ والفتى
٣٥٨	كتاب الصدق والاخلاص	٤٨٤	كتاب شيل الاثقال
٤٧٧	كتاب الصديق والصدقه	١٧٢	كتاب الشيوخ
٣٠٨	كتاب الصرحاء والهجناء		
٥٢٠	كتاب الصرع		هن
٣٩٨-٣٨٩-٣٧٨-٣٦٢	كتاب الصرف		
	كتاب صرف التوهم عن ذى النون المصرى	٢١٥	كتاب صابون النعم
٦٤٢		٥٤٤	كتاب صاحب بشر بن مروان وابنة عمه
١٨٨	كتاب الصرف والنقد والسكه	٢٥٠	كتاب صاحب الزمان
٢١٥	كتاب سرف الهم	٦٣٥	كتاب صاحب المحراب
	كتاب الصفار والحيات والديدان التى تتولد	٦٢٨	كتاب الصادق
٥٢٣	فى البطن	٦٣٨	كتاب السارح
٢٥١	كتاب صغير	٤٠٣	كتاب صالح بن ابوالاسود
٥٢٣	كتاب الصغير فى العلم الالهى	٣٤٧-٣٤٦-١٩٧	كتاب الصبر
٥٦٦	كتاب صغيرة	٣٤٦	كتاب الصبر واداب اللسان
٣٠٠-١٣٧-٩٥-٩٢-٩٠	كتاب الصفات	٦٣٧	كتاب الصبغ الاحمر
٦٣٨-٣٣٧-٣٣١		٢٢٢	كتاب الصبوه
	كتاب صفاة الجبال والاوودية واسماؤها بيمكه	٣٤٦	كتاب المحبه
١٨٨	وما والاها	٣٦٥	كتاب صحبة الرسول واحن اعدائهم
١٦٣	كتاب صفاة الخلقاء	٤٢٣-٤٢٠-٤١٩	كتاب الصحيح

كتاب الصلوة ٣٤٧-٣٦٠-٣٦١-٣٧٧	كتاب صفة الغنم والوانها وعلاجها واسنانها
٣٧٨-٣٨٨-٣٨٩-٣٩٧-٤٠٤-٤٠٦	٩١
٤٠٧-٤١٠-٤١٣-٤١٥-٤١٦-٤١٧	٢٢٦ كتاب الصفاة والاسماء
٤٢٥	٢٥٢ كتاب الصفاة
٤٠٧ كتاب الصلوة ابن سماعه	٣٩٩ كتاب صفة اخلاق النبي
٣٦١ كتاب الصلوة عياشى	٢٩٦ كتاب صفة الله بالعدل ونفى القبيح
٣٤٧ كتاب الصلوة غلام خليل	٢٢٧ كتاب صفة البلاغة
٣٦٣ كتاب صلوة الاستسقاء	١٩٧ كتاب صفة الجنة
٣٨٨ كتاب صلوة التطوع	١٩٧ كتاب صفة الدنيا
٣٦٣ كتاب صلوة الحضر	١١٧ كتاب صفة الزرع
٣٦٣ كتاب صلوة الحوائج والتطوع	١٠٥ كتاب صفة السحاب والسفيث
٣٩٨-٣٨٨-٣٦٣ كتاب صلوة الخوف	١٠٣ كتاب صفة شكر المنعم
٣٩٨-٣٨٨-٣٦٣ كتاب صلوة الخسوف	٣٤٦ كتاب صفة الصراط
٣٦٣ كتاب صلوة السفر	١٩٧ كتاب صفة العلماء
٣٦٣ كتاب صلوة السفينه	١٩٧ كتاب صفة الفرس
٣٦٢ كتاب الصلوة على الائمة	٥١٨ كتاب صفات لمبى يصرع
٣٦٣ كتاب الصلوة على الجنائز	١٩٧ كتاب صفة الموت
٣٦٣ كتاب صلوة الليل	٣٤٦ كتاب صفة الميزان
٣٩٨-٣٨٨-٣٦٣ كتاب صلوة العيدين	١٦٨ كتاب صفة النبي
٣٨٨ كتاب صلوة المرتد الصغير	١٦٨ كتاب صفة النبي مدائنى
٣٨٨ كتاب صلوة المرتد الكبير	١٩٧ كتاب صفة النحل والبعوض
٣٦٣ كتاب صلوه نواقل النهار	١١٧ كتاب صفة النخل
٣٥٨ كتاب الصلوة والصلوات	٢٠٥ كتاب صفة النفس
٣٦٣ كتاب صلوة يوم الجمعة	٣٦٢ كتاب الصفة والتوحيد
١٧٣ كتاب صلاح المال	١٨٩ كتاب صفة هارون
٣٩٨-٣٧٨ كتاب الصلح	٥٢٦ كتاب الصفراء
١٦٩ كتاب صلح النبي	٤١٧-١٨١-١٦٥-١٥٨-١٥٧ كتاب صفين
٣٤٧ كتاب الصمت	١٥٨ كتاب صفين اسحاق بن بشر
٥٤٣ كتاب الصمة بن عبدالله وريا	
٥١٧ كتاب الصناعات	
٢٣١-٢٣٠ كتاب صناعات البلاغة	

- | | | | |
|----------------------|-----------------------------|---------|--|
| ٤٠٥ | كتاب صوم الايام | ٥٠٢ | كتاب صناعة التنجيم |
| ٣٦٣ | كتاب صوم السنه والناقلة | ٤٨٤ | كتاب صناعة الجبر |
| ٢٢٩ | كتاب صون العلم وسياسة النفس | ٤٨٤ | كتاب صناعة الجبر معروف بالحدود |
| ٣٥٨ | كتاب الصهيون | ٢١٥ | كتاب صناعة الجدل |
| -٣٨٨-٣٧٧-٣٦٠-٣٤٧ | كتاب الصيام | ٢٢٥ | كتاب صناعة الخراج الصغير |
| -٤١٠-٤٠٠-٤٠٦-٤٠٤-٣٨٩ | | ٢٢٩-٢٢٨ | كتاب صناعة الشعر |
| ٤١٧-٤١٣ | | | كتاب صناعة الفناء واخبار المغنين و ذكر |
| ٤٠٧ | كتاب الصيام ابن سماعه | ٢٥٧ | الاصوات التي غنى فيها |
| ٣٩٨ | كتاب صيام التطوع | ٢٠٨ | كتاب صناعة الكلام |
| ٣٩٨ | كتاب صيام الفرض | ٤٨٦ | كتاب صناعة النجوم |
| ٢٧٢ | كتاب الصيام والاعتكاف | ١٦٢ | كتاب صنائع قریش |
| ٣٩٨-٣٨٨-٣٦٢ | كتاب الصيد | ٣٦٢ | كتاب صنائع المعروف |
| ٥٦٢ | كتاب الصيدنه | ٥٠٦ | كتاب صنعة الاسطرلاب بالبراهين |
| ٥٦٢ | كتاب الصيدنه رازى | ٤٩٦ | كتاب صنعة الاسطرلاب المسطح |
| ١٩٢ | كتاب الصيدوالجوارح | ٤٩٢ | كتاب صنعة الاسطرلاب والعمل بها |
| ٣٨٩-٣٧٨-٣٧٧ | كتاب الصيدوالذبايح | ٥٢٠ | كتاب صنعة تربيان الملح |
| | | ١٠٦ | كتاب صنعة الشعر والبلاغة |
| | هن | ٥٤٤ | كتاب صواب وسرور |
| | | ٣٠٨ | كتاب الصوالجه |
| ٦٣٨ | كتاب الضبط | ١٦٧ | كتاب الصوايف |
| ٣٨٨ | كتاب الضحايا | ٥١٨ | كتاب الصوت |
| ١٥٨ | كتاب الضحاك الخارجى | ٥٢٦ | كتاب الصوت والبعه |
| ٢٥٢ | كتاب الضخضحه | ٣٩ | كتاب الصورة الحديثه |
| ٥٨ | كتاب ضدالمقل | ٣٩ | كتاب الصورة |
| ١٠١ | كتاب ضرورة الشعر | ٢٢٨ | كتاب الصورة والمصور |
| ١٧٣ | كتاب ضرب الدراهم والصرف | ٤٩٧-٤٩٢ | كتاب الصور والحكم عليها |
| ١٧٣ | كتاب الضواطين | ٤٩٧ | كتاب الصور والدرج والحكم عليها |
| ١٦٥ | كتاب ضرب الدنانير والدارهم | ١٠٢ | كتاب صور الهمز |
| ١٩٨ | كتاب الضرتين | ٣٦٢ | كتاب الصوم |
| ٥٤٥ | كتاب ضرب غام وحوذروفى | ٣٦٢ | كتاب الصوم والكفارات |

كتاب الطبقات ١٦٥-٢٨٦-٤٢٠-٤٢٢
 كتاب طبقات اهل العلم والجهل ٢٩٣
 كتاب طبقات الرجال ٤٠٥
 كتاب طبقات الشعراء ٨٨-١٨٠-١٨٢-
 ١٩١-٢٦٨
 كتاب طبقات الشعراء الاسلاميين ١٨٧
 كتاب طبقات الشعراء الجاهليين ١٨٧
 كتاب طبقات الشعراء الجاهليين- ابو خليفه
 ١٨٧
 كتاب الطبقات الصغير ١٦٦
 كتاب طبقات الفقهاء والمحدثين ١٦٧
 كتاب طبقات القراء ٤٢٣
 كتاب الطبقات الكبرى ١٦٦
 كتاب طبقات الكتاب ٢٠٥
 كتاب طبقات المغنين ٢٤٤
 كتاب طبقات من روى عن النبي عن اصحابه
 ١٦٧
 كتاب طبقات النحويين البصريين و-
 اخبارهم ١٠١
 كتاب الطبيخ ١٩٠-٢٠١-٢٠٥-٢٣٧-
 ٢٤١-٢٤٥-٢٤٧-٤٧٣-٥٦١
 كتاب الطبيخ ابراهيم بن مهدي ٥٦١
 كتاب الطبيخ ابن ماسويه ٥٦١
 كتاب الطبيخ احمد بن طيب ٥٦١
 كتاب الطبيخ جخطه ٥٦١
 كتاب الطبيخ حارث ٥٦١
 كتاب الطبيخ صولى ٥٦١
 كتاب الطبيخ مخبره ٥٦١
 كتاب الطبيخ منجم ٥٦١
 كتاب الطبيخ للمرضى ٥٦١

كتاب الضعفاء ٤١٩-٤٢٠
 كتاب ضلع الدير ٥٥٥
 كتاب ضمضم العديني ٥٥٦
 كتاب ضياء القلوب فى معانى القرآن ١٢٣
 كتاب ضياء القلوب فى معانى القرآن وغريبه
 و مشكله ٦٠
 كتاب الضيفان ٩٣
 كتاب الضمير ٦٣٩

ط

كتاب الطارف ١٩٧
 كتاب طاسين الازل والجوهر الاكبر والشجرة
 الزيتون النوريه ٣٥٨
 كتاب الطاعه ٣٤٦-٣٦٢
 كتاب طاعة الرسول ٤١٧
 كتاب طاعة لايراد الله بها ٢٩٦
 كتاب الطاهر ٦٣٨
 كتاب الطاهر الخفى ٦٤٣
 كتاب الطاوس ١٩٧
 كتاب الطب ٣٦٢-٣٩٨-٤٠٨-٥٢٠
 كتاب طب بقراط ٥٢٠
 كتاب الطب الروحاني ٥٣٢
 كتاب الطب الصغير ٤٠٧
 كتاب الطب الكبير ٤٠٧
 كتاب الطب الملوكي ٥٣٣
 كتاب الطبائع ١٣١
 كتاب طبائع البلدان وتولد الرياح ٤٩٧
 كتاب طبائع الجن وهو اليدعم و مؤاخذهم
 والارواح الصارعه ٥٥٠
 كتاب الطبائع الكبير ٤٩٧
 كتاب الطبائع والنقض على القائلين بها ٣٢٤
 كتاب طبرستان ايام الرشيد ١٧١

- ٢٥٠ كتاب الطنبليتب
 كتاب الطهارة ١٢٠-٣٠٣-٣٤٧-٣٦٠-
 ٣٦١-٣٨٨-٣٩٧-٤١٠-٤١٣-
 ٤١٥-٤١٧-٤٢٥-٤٣٩-٤٤٠
 ٦٣٩ كتاب الطهارة جابر
 ٣٤٦ كتاب الطواعين
 ٢٥٠ كتاب طوال اللحي
 ٤٥٣ كتاب طوييقا
 ٤٨٥ كتاب الطوفانات
 ٢٩٦ كتاب طول الانسان ولونه وتأليفه
 ٤٨١ كتاب طول مفتاح النجوم الثاني
 ١٩٠ كتاب الطيب
 ٥٠٣-١٠٠-٩٦ كتاب الطير
 ١٢٣ كتاب الطيف
 ٦٣٨ كتاب الطين

ظ

- ٤٨٠ كتاب الظاهرات
 ١٩٨ كتاب الظراف
 ٢٩٦ كتاب الظفر على ابراهيم
 كتاب الظل الممدود والماء المسكوب
 ٣٥٨ والحياة الباقية
 ٣٩٨-٣٨٨-٣٦٢ كتاب الظهار

ح

- ٥١٨ كتاب العادات
 ١٦٢ كتاب عاد الاولى والاخرة
 ١٤٥ كتاب العارض في الكامل

- ٦٣٨-٥٥٣ كتاب الطبيعة
 ٥٢٢-٥١٥-٤٦٥ كتاب طبيعة الانسان
 كتاب الطبيعة الثالثة المنفصلة اليابسه وهي-
 الارض ٦٣٩
 كتاب الطبيعة الثانية الفاعلة الجامده وهي
 الماء ٦٣٩
 كتاب الطبيعة الرابعة المنفصلة الرطبه وهي-
 الهواء ٦٤٠
 كتاب الطبيعة الفاعلة الاولى وهي النار
 ٦٣٩
 ٥٤٤ كتاب طرب وعجب
 ٦٣٨ كتاب الطرح
 ٢٤٢ كتاب الطرد
 ٥٥٢ كتاب طرد الشياطين
 ٥٤٢ كتاب طرق
 ٩٣ كتاب الطروقه
 ٣٦٥-١٨٨ كتاب الطريق
 ١٦٨-١٦٢ كتاب طم وجديس
 ١٣١ كتاب الطعام
 ٣٨٨ كتاب الطعام والشراب
 ٥٥٦ كتاب طعنة الصراخ
 ٣٠٠ كتاب الطفرة
 ٣٠٨ كتاب الطفيليين
 ٤٠٦-٤٠٠-٣٩٨-٣٧٨ كتاب الطلاق
 ٣٦٢
 ٣٩٨ كتاب طلاق السكران والناشئي
 ٣٩٩ كتاب طلاق السنة
 ٣٩٨ كتاب الطلاق قبل الملك
 ٤٨٣ كتاب الطلوع والغروب
 ٢٤١ كتاب الطنبوريين

١٦٩	كتاب عبدالله بن العباس	٣٧٨-٣٨٩-٣٩٨	كتاب العارية
١٦٩	كتاب عبدالله بن معاوية	٤٩٣	كتاب العاشر
	كتاب عبدالله بن مهذب ولبنى بنت المعمر	٥٤٤-٥٥٥	كتاب عاشق البقرة
٥٤٤		٥٤٣	كتاب عاشق الصورة
٤٠٣	كتاب عبدالله بن ميمون القداح	٥٤٣	كتاب عاشق الكف
٤٠٣	كتاب عبدالله الحلبي		كتاب العاشق المجنون وسلم وجاريته المخبله
	كتاب عبدالجبار بن عدى لمنصور في آداب	٥٤٥	
٥٥٨	الحروب وصورة السكر	٣٠٨	كتاب العاشق الناش المتلاشى
	كتاب عبدالرحمن بن الحكم بن حسان -	٢٥٠	كتاب العاشق والمعشوق
٥٤٥	الاسدي وسعد صاحبي النار	١٦٩	كتاب العاص بن اميه
١٦٩	كتاب عبدالرحمن بن سمره	٥٤٤	كتاب عاصم وسلطان
٦٤	كتاب عبدالرحمن بن زيد	٣٠٠	كتاب العالم الصغير
	كتاب عبدالملك و الكلبى صاحب خالد بن	٣٠٩	كتاب العالم والجاهل
٥٤٥	الوليد	٣٦٢-٣٧٥	كتاب العالم والمتعلم
٤٠٣	كتاب عبدالؤمن القاسم الانصارى	٥٤٥	كتاب عامر و عدد جارية خالصه
٥٤٤	كتاب عبدة العاقله و عبدة الغداره	٣٠٨	كتاب عام المرید
٥٤٣	كتاب عبقر وسحام	٣٣٦	كتاب العبادات
٣٩	كتاب العبور	١٧١	كتاب عباد بن الحصين
٣٩٨	كتاب العتاق	٥٤٤	كتاب عباد الفاتك و فنك
٣٧٨	كتاب العتاق وامهات الاولاد	٤٢٦	كتاب عبارة الرؤيا
٢٢٩	كتاب العتاك والنساک	١٠٢	كتاب العبارة عن اسماء الله تعالى
٣٧٨	كتاب عتق الاءهات	٢٤٩	كتاب العباس بن احنف ومختار شعره
٣٧٨	كتاب العتق فى المرض	١٦٩	كتاب العباس بن عبدالمطلب
٤٠٦	كتاب العتق والتدير	٥٤٥	كتاب عباس الحنفى والثى رماها
٣٦٢	كتاب العتق و الكتابة	٥٤٤	كتاب عباس وفور
٣٠٨	كتاب العثمانيه		كتاب عبدالله بن جعفر و الشجرة المكتوبة
١٦٣	كتاب العجائب الاربعة	٥٤٤	عليها
٢٥٢-٢٥٠-١٦٣	كتاب عجائب البحر	١٦٩	كتاب عبدالله بن عامر بن كريز
٣٩٨-١١٢-٦٤	كتاب العدد	٦٣	كتاب عبدالله بن عامر اليحصبي
٦٤	كتاب العدد الثانى	١٧٠	كتاب عبدالله بن عامر الحضرمى

٩٨	كتاب العروض	مازني	٦٤	ابومعافا	كتاب العدد
١٤٦	كتاب المروض والقوافي		٦٤	جحدري	كتاب العدد
٥٥٦	كتاب عروة بن عبدالله		٦٤	خزاعي	كتاب العدد
	كتاب عروة بن عبدياليل الطائي وابنة عمه		٦٤	خلف	كتاب العدد
٥٤٥			٦٤	زيات	كتاب العدد
٥٤٢	كتاب عروه وعفراء		٦٤	عطاء بن يسار	كتاب العدد
٣٩	كتاب عزور		٦٤	كسائي	كتاب العدد
٣٨٩	كتاب عشرة النساء		٦٤	محمد بن عيسى	كتاب العدد
٥٤٤	كتاب عسى وسراب		٥٨		كتاب عدد التمام
١٠٠	كتاب العشب والبقل		٦٤		كتاب العدد المديني الاول
١٢٨	كتاب العشرات		٥١٩		كتاب عدد المقاييس
٦٣٨	كتاب العشرة		٢٨٨		كتاب عدد النساء
٣٦٢	كتاب عشرة النساء		٢٠١-٢٩٨		كتاب العدل
٤٧٣	كتاب عش الصناعات والحسبة الصغير		٣٠١		كتاب العدل على المجبرة
٥٤٤	كتاب عصام ودمينه		٣٠٠		كتاب العدل في اصناف المعتزلة
٢٢٩	كتاب عصمة الانبياء		٣٨٨-٢٩٤		كتاب العدل والتوحيد
٥٠٣	كتاب العصير		٣١٤		كتاب العدو المصلح
٣٨١	كتاب العصور واحكامه وحسابه		٣٦٥-٣٦٢		كتاب العدة
٥٢٠	كتاب عضة الكلب الكلب		١٦٢		كتاب عدى بن زيد العبادي
٥٤٠	كتاب عطارد		١٤٠		كتاب عرائس المجالس
٥٦١-٢٨٥-٢٠١-٩٥	كتاب العطر		٥٥٦		كتاب عرازه
٥٦١	كتاب العطر	ابراهيم بن العباس	١٧٩		كتاب العربية
٥٦١	كتاب العطر	حبيب العطار	٥٦٠		كتاب العرزمي في الادب بنوادر وشعر
٥٦١	كتاب العطر	كندي	٦٣٨		كتاب عرض الاعراض
٥٦١	كتاب العطر	مجهول	٤٨١		كتاب عرض مفتاح النجوم الاول
٥٦١	كتاب العطر واجناسه ومعادنه		٥٢٠		كتاب عرق النساء
٥٦١	كتاب العطر واجناسه		٣٠٠		كتاب العروض
٥٤٤	كتاب العطريفة والدلفاء		٣٠٨		كتاب العرسان والبرسان
١٩٩	كتاب عظة هارون الرشيد		-١٠١-٩٨-٩١-٧٦		كتاب العروس
٣٤٦	كتاب العفو		١٣٨-١٢١-١١٦-١٠٤		

- | | | | |
|---------|---|-----------------|-------------------------------|
| ١٢٧-١٤٥ | كتاب علل النحو | ٩٣ | كتاب العقارب |
| ٥١٨ | كتاب علل النفس | ١٧٣ | كتاب العقبة والبرده |
| ٥١٧ | كتاب العلل والامراض | ٥٥٦ | كتاب عقريط |
| ١٣١-٤١٨ | كتاب العلم | ١٧٦-٥٨ | كتاب العقل |
| ٥١٨ | كتاب علم ارسطوطاليس في التشريح | ٥٤٣-١٩٧ | كتاب العقل والجمال |
| ٣٥٨ | كتاب علم البقاء والفناء | ٩٣ | كتاب العققه |
| | كتاب العلة في اسوداد الجنس و تغيره من
الرش | ٤٦٢ | كتاب العقل والمعقول |
| ٥٢٦ | كتاب العلة في خلق السباع والهوام | ٣٨٣ | كتاب العقيدہ |
| ٥٢٣ | كتاب العلة في كسوف الشمس والقمر | ١٨٣ | كتاب العقيق واخباره |
| ٤٩٩ | كتاب علة موت الفجأة | ٦٣٩-٣٩٨-٣٦٢ | كتاب العقيقه |
| ٥٢٦ | كتاب العلة والعليل | ٦٥ | كتاب عكره |
| ٢٤٢ | كتاب علة القرسطون والمرأة | ٤٦١ | كتاب عكس المقدمات |
| ٣٠٢ | كتاب على احمد بن الطيب فيمارد به على
جالينوس في امر الطعم المر | ٥٢٦ | كتاب علاجات الحبالى للهند |
| ٣٢٨ | كتاب على ارسطاليس في التوحيد | ٥٢٥ | كتاب علاج امراض العين بالحديد |
| ٣١٥ | كتاب على الازارقة والحداد والمرجئه | ٥٢٥ | كتاب علاج العين |
| ٣٠١ | كتاب على اصحاب اجتهاد الراى | ٥٢٦ | كتاب علاج الصداع |
| ٢٩٦ | كتاب على اصحاب الحديث في التشبيه | ٥٢٠ | كتاب علاج المواتى لايجبلن |
| ٢٩٨ | كتاب على اصحاب القدر | ٥٢٦ | كتاب علاج النساء التى لايجبلن |
| ٣٠٣ | كتاب على اصحاب القياس والراى | ٥٠٣ | كتاب العلامات |
| ٣٠٣ | كتاب على اصحاب اللطف | ٥٢٠ | كتاب علامات الاسقام |
| ٢٩٩ | كتاب على اصحاب الهبولى | ٢٩٦ | كتاب علامات صدق الرسول |
| ٢٩٨ | كتاب على اصم في المخلوق | ١٤٣-٤١٧-٤١٨-٤٢٠ | كتاب العلل |
| | كتاب على ابن ابراهيم بن هاشم في نوادر- | ٤٢٣ | |
| ٦٤ | القرآن | ٤٠٤ | كتاب علل الاحاديث |
| ٤٠٣ | كتاب على بن ابراهيم بن يعلى | ٥٢٦ | كتاب علل الشعر |
| ٥٤٤ | كتاب على بن اديم ومنهله | ٣٩٥ | كتاب علل الشروط |
| ٥٤٣ | كتاب على بن اسحاق وسمه | ٥٢٣ | كتاب علل العين وعلاجها |
| ٦٤ | كتاب على بن الحسن فضال | ٣٣٦ | كتاب العلل في الاستطاعه |
| | | ١٢٦-٩٢ | كتاب العلل في النحو |
| | | ٥٢٠ | كتاب علل الكلى والمثانه |
| | | ٥٢١ | كتاب العلل المهلكه |

- ٣٤١ كتاب على المعتزلة في القدر
 كتاب على المنيرية والمنصورية في قولهما
 ان الارض لا يخلو من نبي ابدأ ٣١٥
 ٣١٣ كتاب على الملحده
 كتاب على من ابي وجوب الامامة بالنص
 ٣٣٠
 كتاب على من زعم ان النبي ترك من الدين
 شيئاً وانه كان يعلم التيب ٣١٥
 كتاب على المنطقيين في توالي الحركتين ٥٠٦
 كتاب على من قال بتعذيب الاطفال ٢٩٦
 كتاب على النصارى ٢٩٦
 كتاب على النظام ٢٩٨
 كتاب على النظام في الانسان ٢٩٦
 كتاب على النظام في ان الطبيعين المختلفين
 يفعل بهما فعلاً واحداً ٣١٢
 كتاب على النظام في تجويز القدرة على الظلم
 ٢٩٦
 كتاب على النظام في خلق الشر و جوابه عنه
 ٢٩٦
 كتاب على هشام ٣١٢
 كتاب على اليهود ٢٦٩
 كتاب العمائر ١٧٢
 كتاب عمائر القبائل ١٢٤
 كتاب العمائر والربائع في النسب ١٧٦
 كتاب عمار بن معاوية الدهني العبدى ٤٠٣
 ٥٤٣ كتاب عمار وجمال و صواب
 كتاب عمال الشرط لامراء العراق ١٦٧
 ٦٣٨ كتاب العمالقة الصغير
 ٦٣٨ كتاب العمالقة الكبير
 ١٦٩ كتاب عمال النبي على الصدقات
- ٤٠٣ كتاب على بن رباب
 كتاب على بن زين النصراني في الاداب
 والامثال على مذاهب الفرس والروم و
 العرب ٥٦٠
 كتاب على بن عبدالله بن العباس ١٦٩
 كتاب على بن فرات ٤٠٣
 كتاب على بن القاسم الرشيدى ٦٣
 كتاب على ابن اليمان في نقضه (نقضه) على -
 المسمى في الهبولى ٥٣٣
 كتاب على الثنوية ٢٩٦
 كتاب على جميع من قال بالمخلوق ٣٠٣
 كتاب على حسين في الاستطاعة ٣١٢
 كتاب على حفص الفرد في فعله ويفعل ٢٩٦
 كتاب على السوقطائيه ٢٩٦
 كتاب على سهيل البلخي في تثبيت المعاد
 ٥٣٣
 كتاب على شيطان الطاق ٣٢٨
 كتاب على ضرار في قوله ان الله يفضب من فعله
 ٢٩٦
 كتاب على ضرار في المخلوق ٢٩٨
 كتاب على ضرار وجهم و ابي حنيفه و حفص
 في المخلوق ٢٩٦
 كتاب على عمار النصراني في الرد
 على النصارى ٢٩٦
 كتاب على فريد في الاستطاعة ٢٩٨
 كتاب على كلثوم واصحابه ٢٩٨
 كتاب على المجوس ٢٩٦
 كتاب على المرجئة في الاسماء ٣١٥
 كتاب على المرجئة في الشفاعة ٣١٤
 كتاب على المعتزلة ٣٤١

- كتاب عمال الهند ١٧١
 كتاب عمان ١٧١
 كتاب عمر بن ابي ربيعة وجماعه ٥٤٣
 كتاب عمر بن ابي زياد الابراري ٤٠٣
 كتاب عمر بن اذينه ٤٠٣
 كتاب عمر بن سفيان السلمى والجنيه ٥٤٥
 كتاب عمر بن عبدالله بن معمر ١٦٩
 كتاب عمرو بن الزبير ١٦٩-١٧٠
 كتاب عمرو بن زيد الطائي وليلى ٥٤٣
 كتاب عمرو بن سعيد بن العاص ١٦٩
 كتاب عمرو بن صالح وقصاف ٥٤٤
 كتاب عمرو بن ضرار وجمال ٥٤٣
 كتاب عمرو بن عجلان و هند ٥٤٣
 كتاب عمرو بن المكشوح والجنيه ٥٤٥
 كتاب عمرو بن القنفيز ونهد بن زيد مناة ٥٤٣
 كتاب عمرو بن هيثم الكوفي ٦٤
 كتاب عمرو و دقيانوس ٥٤٥
 كتاب العمرة ٣٦٢-٤١٠
 كتاب العمري والرقبي ٣٨٨
 كتاب عمل الاصياف والمداد والحبر ٦٤٣
 كتاب عمل الالة التي تطرح البنادق ٥٠٩
 كتاب عمل الاسطرلاب ٤٩٣
 كتاب العمل بالاسطرلاب ٤٨٣-٤٨٤
 ٤٩٢-٤٩٣-٤٩٤-٤٩٨
 كتاب العمل بالاسطرلاب المسطح ٤٨٦
 ٤٩١
 كتاب العمل بالاسطرلاب وهو ذات الحلق ٤٩١
 كتاب العمل بذات الحلق ٤٨٣-٤٩٦-٤٩٩
 كتاب العمل بذاب الشعبتين وغيرها ٥٠٠
 كتاب العمل بالكرة النجومية ٥٢٦
 كتاب العمل بالنار والنقطة والزرافات في الحروب ٥٥٨
 كتاب عمل الرخامات ٤٩٩
 كتاب عمل الرخامة المطبلة وصنعة البنادق وعمل الارتفاع والسموات ٥٠٢
 كتاب عمل الرخامة المنحرفة ٥٠٢
 كتاب عمل السطوح المبسوطة والقائمة و المائلة و المنحرفة ٤٩٤
 كتاب عمل العنقود ٦٣٣
 كتاب عمل الموامرات بالحضرة ٢٢٥
 كتاب عمل نصف النهار بقيسه واحده بالهندسة ٤٩٥
 كتاب عمود النحو و فصوله ١١٨
 كتاب العناصر ٦٣٥
 كتاب عناصر الاداب ٣٠٨
 كتاب العناية ٤٦٢
 كتاب العنصر ٦٣٨
 كتاب عنقاء مغرب ٢٥٠
 كتاب عنمة واذيهر و عمر و الملك ٥٤٥
 كتاب عنوان الدين ٣٥٤
 كتاب العواتك ١٦٤-١٧٠
 كتاب العفو ٢٨٥
 كتاب العفو والصفح ٢٨٥
 كتاب العود والملاهي ١٢٣-٢٤٧
 كتاب العوض ٣٢٤
 كتاب العويص ٤٠٤
 كتاب العهد ٦٣٨
 كتاب عهد اردشير ١٨٦
 كتاب عهد اردشير با بكان الي ابنه سا بور ٥٥٩

کتاب الغصب ۳۶۰-۳۷۸-۳۷۸-۳۹۸
 ۴۶۳
 کتاب الغصب والاستبراء ۳۷۷
 کتاب غلظه الحدیث ۱۶۵
 کتاب الفناء ۱۹۰

ف

کتاب فائت الجمهرة والرد علی ابن درید
 ۱۲۸
 کتاب فائت العین ۱۲۸-۱۱۶
 کتاب فائت الفصح ۱۲۸
 کتاب فائت المستحسن ۱۲۸
 کتاب الفائق - شرح المذکر والمؤنث ۱۴۶
 کتاب الفاخر ۱۱۴-۱۲۳-۶۳۸
 کتاب الفاخر فیما یلحن فیہ العامه ۱۲۴
 کتاب الفاس بن الحائل ۲۵۰
 کتاب الفاصل فی ملح الاخبار والاشعار ۱۸۷
 کتاب الفاضل ۶۳۹
 کتاب الفاضل والمفضول ۱۰۲
 کتاب الفاطمیات ۱۷۰
 کتاب الفال لاهل الفارس ۵۵۷
 کتاب الفال الفلکی ۵۵۷
 کتاب الفال النجومی ۴۹۲
 کتاب الفالج ۵۳۳
 کتاب الفتی الاحمق وشمه عاشقته ۵۴۵
 کتاب الفتی العاشق الست و ذات الخال ۵۴۵
 کتاب الفتی العاشق و صاحبته ۵۴۵
 کتاب الفتی العاشق و هند المستعجله ۵۴۵
 کتاب الفتی والمرثه التي رمت بالحصاة ۵۴۵

کتاب غریب الحدیث علی الکلمات ۱۲۸
 کتاب غریب الحدیث وتصحیح الآثار ۳۳۹
 کتاب غریب الحدیث والکلام الوحشی ۹۶
 کتاب غریب سیبویه ۹۸
 کتاب غریب شعر زید الخیل ۱۴۰
 کتاب غریب القرآن ۵۷-۶۰-۶۱-۸۴
 ۸۸-۹۳-۱۰۲-۱۰۵-۱۲۰-۱۳۸
 ۱۴۷
 کتاب غریب القرآن ابن قتیبه ۶۰
 کتاب غریب القرآن ابو عبد الرحمن ۶۰
 کتاب غریب القرآن ابو عبید القاسم ۶۱
 کتاب غریب القرآن بلخی ابو زید ۶۱
 کتاب غریب القرآن سجستانی ۶۱
 کتاب غریب القرآن طبری ۶۱
 کتاب غریب القرآن عروضی ۶۱
 کتاب غریب القرآن محمد بن دینار ۶۱
 کتاب غریب القرآن دوج سدوسی ۶۰
 کتاب الغریب الفصح ۳۵۸
 کتاب الغریب المشرق فی النوح علی الحيوان
 ۳۱۶
 کتاب غریب المصاحف ۶۱
 کتاب غریب المصنف ۱۱۵-۱۲۰
 کتاب غریب الوحشی ۸۱
 کتاب الغریض ۲۴۵
 کتاب غزاه ذات الابطیل ۱۵۳
 کتاب الغزالین ۱۹۸
 کتاب غزیه ۱۶۲
 کتاب العسل ۳۶۳
 کتاب غسل الميت ۳۶۳-۳۸۸-۳۹۸
 کتاب غش الصناعات ۳۰۹

كتاب فخر اهل الكوفة على اهل البصرة ١٦٧	كتاب فتي الكوفي مولى مسلمه وصاحبته ٥٤٣
كتاب فخر القحطانية و العدنانية ٣٠٨	كتاب فتح الابله ١٧١
كتاب فخر المشط على المرأة ٢٥٢	كتاب فتح برقه ١٧٢
كتاب فداء الاسارى والغلول ٣٦٢	كتاب فتح زابل و زابلستان ١٧١
كتاب فرائد الدر ١٣١	كتاب فتح مكران ١٧٢
كتاب الفرائض ٣٧٧-٣٧٦-٣٤٧-٥٢	كتاب الفتن ٤١٧-١٨١
٣٩٣-٣٩١-٣٩٠-٣٨٤-٣٨٣-٣٧٩	كتاب الفتوح ٤١٧-١٨١-١٥٨
٤١٦-٤١٤-٤١٣-٤١٢-٤٠٧-٣٩٨	كتاب فتوح ارمينية ٩٣
٤٣٠-٤١٧	كتاب فتوح الاهواز ١٧٢-٩٣
كتاب الفرائض عبدالرحمن ٤١٢	كتاب فتوح الباهر ١٧٢
كتاب الفرائض الكبير ٣٩٢	كتاب فتوح جرجان وطبرستان ١٧٢
كتاب فرائض السماعين ٥٩٨	كتاب فتوح الجزيرة ١٧١
كتاب الفرائض والحدود و الديات ٤٠٦	كتاب فتوح الحيرة ١٧٢
كتاب الفرارين ٩٣	كتاب فتوح خالد بن الوليد ١٦٠
كتاب الفراسة ٥٥٧	كتاب فتوح خراسان ١٧١
كتاب فراسة الحمام ٥٥٧	كتاب فتوح الري ١٧٢
كتاب فرانس السماوي ٦٣٥	كتاب فتوح سجستان ١٧١
كتاب الفرج ٢٢١	كتاب فتوح الشام ١٧٢-١٦٠-١٥٧
كتاب الفرج بعد الشده ١٨٩	كتاب فتوح الشام ايام ابي بكر ١٧١
كتاب الفرج ٩٨	كتاب فتوح شيرك ١٧٢
كتاب فردوس الحكمة ٥٢٧	كتاب فتوح طبرستان ١٧١
كتاب الفردوس في التاريخ ٥٢٥	كتاب فتوح العراق ١٧١-١٦٥-١٥٧
كتاب الفرس ١٣١	كتاب فتوح فارس ١٧١
كتاب الفرسان ١٨٧	كتاب فتوح مصر ١٧١
كتاب الفرستون ٥٢٦	كتاب فتوح النبي ١٦٩
كتاب الفرس وانسابها ١٨٨	كتاب الفتيا ٣٠٨-٢٩٣
كتاب فرض الزكوة ٣٨٨	كتاب الفتيا الكبير ٣٩٢
كتاب فرض طاعه العلماء ٣٦٢	كتاب الفتيان ٣٠٨
كتاب الفرقان بين حل الماكول و حرامه ٣٦٢	كتاب الفتيان الاربعة ١٦٣
	كتاب فحول جبل العرب ١٦٢

- كتاب الفرق ٧٨-٩٣-٩٥-١٠٠-١٠٤
 ١١٨-١٢٢-١٣٨-١٤١-١٤٣-١٤٤
 ٥١٧-٥٢٠
 كتاب الفرق اصمى ٩٥
 كتاب الفرق بين الادميين وكل ذى روح ١٠٠
 كتاب الفرق بين الامة والال ٤٠٧
 كتاب الفرق بين الكلام الخاص والعام ١٤٦
 كتاب الفرق بين النبى والمنتبى ٣٠٨
 كتاب الفرق بين الهيولا والجنس ٤٦٢
 كتاب فرقاطيا ٥٩٨
 كتاب فرق ما بين عبد شمس و بنى مخزوم
 ٣٠٨
 كتاب الفرق والرد عليهم ٢٤١
 كتاب الفرق والميعار ١٨٩
 كتاب الفرق والميعار بين الاوغاد والاحرار
 ٢٣٨
 كتاب الفرقين المسبع ٦٤٢
 كتاب فروع فرض الصوم ٢٦٢
 كتاب الفروق ٤٠٥
 كتاب الفريد ٣١٧-١٤٠
 كتاب فريقونبوس فى الخواص ٥٥٤
 كتاب فريقونبوس فى الاسماء والحفظه و
 النعائم والعود من حروف الشمس والقمر
 والنجوم الخمسه واسماء الفلاسفه ٥٤٤
 كتاب فساد الدار وتحريم المكاسب ٣١٨
 كتاب الفسخ على من اجاز النسخ لما تم شرعه
 وجل نفعه ٣٦٤
 كتاب الفسيح فى علم اللفه ومنظومها ١٣٨
 كتاب فصاح ٣٩٩
 كتاب الفصاحة ١٠٠-١٣٢
 كتاب الفصد
 ٥١٨-٥٢٦
 كتاب الفصد والحجامه ٥٢٦
 كتاب الفصل بين ابي عمر والكسائى ٥٧
 كتاب الفصل بين الكلام الخاص والعام ١٤٦
 كتاب الفصل بين النفس والروح ٥٢٦
 كتاب الفصل على راي ارسطاليس ٤٦٢
 كتاب الفصول ٥١٤-٥٢٤
 كتاب الفصول اختيار المجسطى ٤٩٩
 كتاب الفصول فى الرسائل المختاره ٢٠٣
 كتاب الفصول فى معرفة الاصول ٣٩١
 كتاب الفصول ويسمى بالمرشد ٥٢٤
 كتاب الفصيح ١٢٥
 كتاب فضائع المعتزله ٣١٨
 كتاب الفضائل ٣٥٩-٣٦٦-٤٠٧-٤١٧
 كتاب الفضائل فضائل الصحابه ٤٢٣
 كتاب الفضائل الكبير ١٦٨
 كتاب فضائل اسحاق ١٩٧
 كتاب فضائل الاعمال ٤٠٥
 كتاب فضائل الانصار ١٦٨
 كتاب فضائل امير المؤمنين على بن ابي طالب
 ١٨٩
 كتاب فضائل بغداد واخبارها ٤٧٣
 كتاب فضائل بغداد وصفتها ٢١١
 كتاب فضائل جعفر بن ابي طالب ١٦٩
 كتاب فضائل الحارث بن عبدالمطلب ١٦٩
 كتاب فضائل حلق الرأس ٢٥٠
 كتاب فضائل ربيعه ١٧٦
 كتاب فضائل الزق ٢٥٠
 كتاب فضائل عبدالله بن جعفر ١٦٩
 كتاب فضائل على
 ٣١٢-٣١٦

- كتاب فضائل الفرس ٩٣
 كتاب فضائل القران ١٢٠-٣٦٣-٤٠٥
 ٤٢٢
 كتاب فضائل قريش ١٦٩-٣٨٨
 كتاب فضائل قيس عيلان ١٦١
 كتاب فضائل كنانه ١٧٦
 كتاب فضائل الكوفة ١٨١
 كتاب فضائل مضر ١٨٤
 كتاب فضائل محمد بن الحنفية ١٦٩
 كتاب فضل بن ابي دلامه و كليم ٥٤٤
 كتاب فضل السرم على الفم ٢٥٠
 كتاب فضل السلم على الدرجة ٢٥٠
 كتاب فضل السلم على الرحه ٢٥٠
 كتاب فضل شهر رمضان ٣٤٦
 كتاب فضل صناعة الكتابة ٢٢٨
 كتاب فضل المعجم على العرب ٢١٠
 كتاب فضل المعجم على العرب و افتخارها ٢٠٤
 كتاب فضل العرب على المعجم ٢٤٢
 كتاب فضل العلم ٣٠٨
 كتاب فضل الفرس على الهلاج ٣٠٨
 كتاب فضل الفخر على الفنى ٣٤٧
 كتاب فضل المدينة على مكة ٣٧٢
 كتاب فضل نظم القران ٢١٣
 كتاب الفضله ٦٣٩
 كتاب فضلات الخمائير ٦٣٨
 كتاب فضيلة علوم الرياضيات ٢٢٨
 كتاب فضيلة علم الاخبار ٢٢٨
 كتاب فضيلة المعتزله ٣٠٨
 كتاب فضيلة مكة على سائر البقاع ٢٢٩
 كتاب الفضيلية والمحكمة في قولهم ان الناس
 على الدين و ان ظهرت منهم غير الحق
 ٣١٥
 كتاب فعلت وافعلت ٩٥-٩٩-١٠٤-١٠٥
 كتاب فعلت وافعلت على حروف المعجم ١٤٢
 كتاب فعل المنكر ٣٤٦
 كتاب فعل و افعل ٩٢-٩٣-٩٤-١١٤
 ١٢٢-١٢٣
 كتاب الفقر ٢٢٥
 كتاب فقر البلغاء ٢٠٥
 كتاب فقر كتاب الاوسط للاخش ١٠١
 كتاب فقر كتاب سيبويه ١٠١
 كتاب الفقه ٦٣٨
 كتاب الفقه الاكبر ٣٧٥
 كتاب فقه النبي ٣٤٦
 كتاب الفكاهة والدعابة ٢٤٩
 كتاب الفكر في الله على الواقعة ٣١٤
 كتاب الفلاح ٥٠٣
 كتاب الفلاحة ٢٨٥
 كتاب الفلاحة الكبير والصغير ٥٥٢
 كتاب الفلاحة و العمارة ٢٥٤
 كتاب فلاطن اصول الهندسه ٤٥٠
 كتاب فلاطن الى اقريطن في النواميس ٤٤٩
 كتاب فلاطون في آداب الصبيان ٤٤٥
 كتاب الفلسفة الاولى فيمادون الطبيعيات
 و التوحيد ٤٦٥
 كتاب الفلسفة الداخلة والمسائل المنطقية و
 المعتاصه و ما فوق الطبيعيات ٤٦٥
 كتاب الفلسفة السابعة ٣٥٤
 كتاب القلك في مختار الاخبار والاشعار ٢٥٥

- ٣٥٩ كتاب فى الاصول
 ٣٧٢ كتاب فى اصول الفقه
 ١٠٧ كتاب فى الاضداد
 ٥٣٤ كتاب فى اطعمة المرضى
 ٢٩٨ كتاب فى الاطفال على المجبرة
 كتاب فى الاعمال التى تعمل البيمارستانات
 ٥٢٠
 كتاب فى اغراض ارسطاليس فى كتبه ٤٦٢
 كتاب فى اقتناء علوم الفلسفة ٢٢٩
 كتاب فى اللات المصوته المسماة بالارغن
 البوقى والارغن الزمرى ٤٨٥
 كتاب فى امتناع الجرم الاقصى من الاستحالة
 ٤٦٨
 كتاب فى امتناع وجود مساحة الاقصى المدير
 للافلاك ٤٦٨
 كتاب فى امر طلحه والزير وعائشه ٣٢٩
 كتاب فى ان الابصار لا يكون الا بشعاعات تنبث
 من العين والرد على من قال بانبثات
 الشعاع ٤٦٢
 كتاب فى ان الاسماء لا تقاس ٣١٥
 كتاب فى ان افعال البارى جل اسمه كلها عدل
 لاجور فيها ٤٦٥
 كتاب فى ان الجسم يتحرك من ذاته و ان
 الحركة مبداء طبيعیه ٥٣٣
 كتاب فى ان جواهر لا اجسام ٥٣٣
 كتاب فى ان الحركة ليست مرثیه بل معلومه
 ٥٣٣
 كتاب فى ان الحمية المفرطة تضر بالابدان
 ٥٣٢
 كتاب فى ان الحظين اذا خرجا على اقل من
 ٥٦٦ كتاب فند
 ٢٠٠ كتاب فنون الحكم
 ٣٠١ كتاب فنون الكلام
 ٤٨٠-٢٣١ كتاب الفوائد
 ٢٣١ كتاب الفوائد ابوالحسن
 كتاب فى آثار الامام الفاضل المعصوم ٥٣٤
 كتاب فى الآثار المخيلة فى الجوالحادثة عن
 البخار المائى وهى الهالة و القوس و
 الضباب ٤٧٧
 كتاب فى الابكار ٥٢٠
 كتاب فى اخبار ابي تمام ومحاسن شعره ٢٨٣
 كتاب فى اخبار شعرا بن الرومى ٢٨٣
 كتاب فى اختلاف المصاحف ٦٢
 كتاب فى اخراج الخطين على نسبة ٥٠٦
 كتاب فى الاسباب المميلة لقلوب الناس عن
 افاضل الاطباء الى احسانهم ٥٣٢
 كتاب فى استدراك ما بقى من كتب جالينوس
 معالم يذكره حنين ولا جالينوس فى
 فهرسته ٥٣٢
 كتاب فى الاستدلال بالنظر الى اصناف البول
 ٥٤٤
 كتاب فى استفراغ المحمومين قبل النضج
 ٥٣٤
 كتاب فى الاستطاعة ٣٣٠
 كتاب فى اسر السعود واصطناعها ٤٨٣
 كتاب فى الاسراء و المحبيين ٤٨٣
 كتاب فى الاشفاق على اهل التحصيل من
 المتكلمين و المتفلسفين ٥٣٣
 كتاب فى الاشياء المتحركة من ذاتها ٥٠٩
 كتاب فى اصلاح ما فى معيار الشعر ٢٥٥

- ٤٨١ زاويتين وقائمتين يلتقيان
 كتاب في ان الذي فرض عليك القرآن لرادك
 الى معاد ٣٥٨
 كتاب في ان سورة الحمد ينوب عن جميع
 القرآن ٢٢٩
 كتاب في ان الشاعرين لا يتفق خواطرهما
 ٢٥٥
 كتاب في ان صناعة الكيمياء الى الوجود
 اقرب من الامتناع ٥٣٢
 كتاب في ان الطبيب الفاضل فيلسوف ٥١٩
 كتاب في ان الطين المنتقل به فيه منافع ٥٣٢
 كتاب في ان العرب تتكلم طبعاً لا تعلموا ١٣٨
 كتاب في ان الملل اليسيرة بعضها اعترت عرفاً
 وعلاجاً من الغليظة ٥٣٤
 كتاب في ان قوى النفس تابعة لمزاج البدن
 ٥١٩
 كتاب في ان كل جسم متناهى قوته متناهيه
 ٤٦٤
 كتاب في ان للعالم خالقاً حكيماً ٥٣٤
 كتاب في ان المبدعات في حال الابداع
 لا متحركة ولا ساكنه ٤٧٣
 كتاب في ان الموجود ليس مجنس للمقولات
 العشر ٤٦٢
 كتاب في ان النفس ليست بجسم ٥٣٤
 كتاب في انه لا يمكن ان يكون العالم لم يزل
 على مثال ما نشاهده ٥٣٣
 كتاب في اوائل الاشياء المحسوسه ٤٦٦
 كتاب في الاورام الصليه ٥٢٠
 كتاب في الاوزان والمكاييل ٥٢٦
 كتاب في اولية العالم ٤٨٩
 كتاب في الاوهام والحركات والعشق ٥٣٤
 كتاب في بحث قول المدعى ان الاشياء الطبيعية
 تفعل فعلاً واحداً بايجاب الخلقة ٤٦٦
 كتاب في البخر ٥٢٠
 كتاب في بسم الله الرحمن الرحيم ٤٢٦
 كتاب في البلاغة ٢٠٢
 كتاب في البول على طريق المسئلة و الجواب
 ٥٢٥
 كتاب في تأويل القرآن ٤٢٨
 كتاب في تدبير المسافر ٥٢٠
 كتاب في تفسح العرب في لغاتها و اشاراتها
 الى مرادها ٣٦٤
 كتاب في تفضيل شعراء رؤ القيس على الجاهليين
 ٢٥٥
 كتاب في التلطف في ايصال العليل الى بعض
 شهواته ٥٣٣
 كتاب في التين ٥٢٠
 كتاب فيثاغورس في القرعة التي يقترع بها
 عنه كل حاجة ٥٥٧
 كتاب في الجبر والقدر ٣٢٨
 كتاب في جمل فلسفة ارسطاليس في النفس
 ٤٦٣
 كتاب في جميع الاصناف ٢٩٦
 كتاب في الحساب على التحت بلامحو ٥٠٧
 كتاب في الخراج ٢١٦
 كتاب في الخريف والربيع ٥٣٢
 كتاب في الخطين ٤٨١
 كتاب في الخلاء والملاء وهما الزمان والمكان
 ٥٣٣
 كتاب في خلق الشئ عن الشئ ٢٩٦

- ٣٣٦ كتاب فى الخلق على ابي الهذيل
 كتاب فى الدوائر المماسية من طريق التحليل
 ٥٠٦
 ٢٩٣ كتاب فى الدعوة
 ٤٧٧ كتاب فى ديابطا
 ٥٢٠ كتاب فى الذكر
 كتاب فى السبب الذى صارت مياه البحر له
 مالحة
 ٥٢٥
 كتاب فى السبب فى قتل ربح السموم اكثر
 الحيوان
 ٥٣٢
 كتاب فى ستة وعشرين شكلا من المقالة -
 الاولى من اقليدس التى لا يحتاج فى شىء
 منها الى الخلف
 ٤٨٩
 ٥٣٤ كتاب فى السكر
 ٥٣٣ كتاب فى السيرة الفاضله
 كتاب فى شدة حاجة الانسان الى ان يعرف
 قدر نفسه
 ٢٥٥
 ٥٣٣ كتاب فى الشكوك التى على برقلس
 كتاب فى سفة الغضب و الرضا من الله جل
 ثناؤه
 ٢٩٦
 ٥٠٦ كتاب فى صفوف الضرب والقسمه
 ٢٩٦ كتاب فى الصوت ماهو
 ١١٠ كتاب الفيصل
 ٣٠٠ كتاب فى العالم الكبير
 ٤٦٥ كتاب فى عبارات الجوامع الفكرية
 ٢٩٩ كتاب فى العدل
 ٤٧٦ كتاب فى العقل
 ٥٢٢ كتاب فى علل النساء
 ٥١٨ كتاب فى علم بقراط بالتشريح
 كتاب فى العلة التى ترك لها بعض الناس و
 عوامهم الطيب وان كان حاذقاً
 ٥٣٤
 كتاب فى العلة التى لها يحدث الورم من -
 الزكام فى رؤس بعض الناس
 ٥٣٣
 كتاب فى العلة التى يعرض معها الفزع من -
 الماء
 ٥١٩
 كتاب فى علة جذب حجر المفاطيس
 ٥٣٤
 كتاب فى علة ديونوسوس وهو القبيح
 ٥٢٠
 كتاب فى علة الورد الموجهة بوجهين
 ٢٢٩
 كتاب فى الفاعلة والمنفعله من الطبيعيات الاولى
 ٤٦٥
 كتاب فى الفرق بين الرؤيا المنذره و بين
 سائر ضروب الرؤيا
 ٥٣٢
 كتاب فى القئى
 ٥٢٠
 كتاب فى قتال على وطلحه
 ٢٧
 كتاب فى القران ماهو
 ٣٠٠
 كتاب فى قصد ارسطاليس فى المقولات اياها
 قصد او الموضوعه لها
 ٤٦٥
 كتاب فى القوباء
 ٥٢٠
 كتاب الفيلسوف الذى بلى بالجارية قيطر
 و حديث الفلاسفة فى امرها
 ٥٦٠
 كتاب فى اللغة الفارسيه
 ٢١٢
 كتاب فى مائيه الشئى الذى لانهاية له وبأى
 نوع يقال الذى لانهاية له
 ٤٦٥
 كتاب فيما يرد به اظهار ما يدعى من عيوب -
 الانبياء
 ٥٣٤
 كتاب فيما يشترك فيه الاخلاط الاربعه
 ٥٢٦
 كتاب فيما ينبغى ان يحفظ قبل كتاب ارثماطيقى
 ٥٠٦
 كتاب فى المثل الذى قاله افلاطون فى كتابه

	المسمى غورغياس	٤٦١
	كتاب في المحال	٢٩٩
	كتاب في المد والجزر	٥٢٥
	كتاب في مراتب الادوية	٥٢٠
	كتاب في معاني الشعر واختلاف العلماء في ذلك	١٣٣
	كتاب في معرفة كمية تميز الاجرام المختلطة	٤٨١
	كتاب في المكعبات	٥٠٧
	كتاب في المروحة واسباب الريح	٥٢٦
	كتاب في معنى الاشارات الى ما ينكره العوام و غيرهم من الاسباب	٣٦٤
	كتاب في المنزلة بين المنزلتين	٢٩٨
	كتاب في ثرمايين الخاص و المنزل من معاني الشعر	٢٥٥
	كتاب في النحو	٥٨
	كتاب في النحو الكبير	١١٨
	كتاب في النسبة المحدودة	٤٨١
	كتاب في النفس	٥٣٤
	كتاب في نقض الطب الروحاني على ابن اليمان	٥٣٣
	كتاب في نقض كتاب انا بوا الى فرفور يوس في شرح مذاهب ارسطاليس في العلم الالهي	٥٣٣
	كتاب في وجوب الادعية	٥٣٣
	كتاب في وصايا حفظ الصحة	٥٢٠
	كتاب فيه ملل الهند و اديانها	٦١٧
	كتاب في الهندسة	٥٠٤
ق		
٥٤٣	كتاب قابوس ومنيه	
٤٨٠	كتاب القانون	
٥١٥	كتاب قاطيطون	
٤٥٢	كتاب قاطيفورياس	
٥٢٥	كتاب قاطيفورياس على راى ثامسطينوس	
١٧٤-١٢٨	كتاب القبائل	
١٧٦	كتاب القبائل الكبير والايام	
٣٦٢	كتاب القبالات والمزارعة	
٩٣	كتاب القبالبين	
٦٣٦	كتاب قبان	
٤٠٧-٣٩٧-٣٦٢	كتاب القبلة	
١٣٢	كتاب القبلة والزوال	
٦٣٨	كتاب القبه	
٩٣	كتاب القتال	
٣٨٨	كتاب قتال اهل البنى	
٣٦٢	كتاب قتال المشركين	
٣٩٨	كتاب قتل الخطاء	
٣٩٨	كتاب قتل العمدة	
٣٦٢	كتاب قتل المشركين	
١٠١	كتاب قحطان وعدنان	
١٦٢	كتاب القداح	
٣٢٨-٣١٥-٢٢٩	كتاب القدر	
٣٠١	كتاب القدرة على الظلم على النظام	
	كتاب قدس الطور وينبوع النور في معنى الصلوة	
٣٦٤	على النبي	
١٣١	كتاب القدور	

٣٠٩	كتاب القضاة والولاة	كتاب قرعة منسوبة الى الاسكندر بالسهام
١٧٣	كتاب قضاة اهل المدينة	٥٥٧
١٧٣	كتاب قضاة اهل البصرة	٥٢٥
٩٣	كتاب قضاة البصرة	كتاب القروح وتولده
١٦٧	كتاب قضاة الكوفة والبصرة	٣٩٨-٣٦٠
٣٦٢	كتاب القضايا و اداب الاحكام	كتاب القسامة
٣١٧	كتاب القضيب	كتاب القصر
٤٩٦	كتاب قضيب الذهب	١٤٦
٣٩	كتاب قضيه رعوث	٤٨٠-٣٩٨-٣٧٨
كتاب قطرب فيما سئل عنه الملحدون عن		كتاب القسمة الاعداد
٦٥	آى القران	٤٨٤
٤٨١	كتاب قطع الحدود على نسبة	١٦٣
٤٨١	كتاب قطع السطوح على نسبة	كتاب قسمة الارضين
٣٨٨-٣٦٣	كتاب القطع والسرقة	كتاب قسمة تحويل سنى المواليدي على درجة
٦٣	كتاب القطيبي	درجة
١٣١	كتاب القلائد	٤٨١
كتاب القلائد والقرائد فى اللغة و الشعر		٣٦٢
١٣٣		كتاب قسم الزكوة
١٧١	كتاب القلاع والاكراد	٣٩٨
١٢٣-٩٦	كتاب القلب والابدال	كتاب قسم الصدقات
٢٥٤-٤١٥	كتاب القلم	٣٦٢
٢١٠	كتاب القلم وشرف الكتابة	كتاب قسم الغنيمة والفيثى
٥٥٦	كتاب قلوبس	٣٩٨-٣٨٨
٣٦٥	كتاب قلوبطيرة الملكة	كتاب قسم الفيثى
٦٤٤-٦٣٨	كتاب القمر	كتاب قسمة المعمورة من الارض و هيئة -
٦٤٠	كتاب القمر الاكبر	الدنيا
٥٠١	كتاب القن	٥٠٢
٢٢٩	كتاب قوارع القران	كتاب القسى والنبال والسهام
٤٩٤	كتاب القواطع	١٠٠
٤٩٧	كتاب القواطع على الهيلجات	٩٣
		كتاب قصة الكعبه
		كتاب قصيدة خالد بن يزيد فى الاحداث و
		الملوك
		١٧٢
		كتاب قصيدة خيارنا مكانس
		٢٥٢
		كتاب قصيدة عبدالله بن اسحاق بن الفضل -
		ابن عبدالرحمن
		١٧٢
		قصيدة فى المنطقيات
		٥٣٤
		قصيدة فى العظة اليونانية
		٥٣٤
		كتاب القصيدة فى علم النجوم
		٣٩١
		كتاب القضاء
		٣٩٨
		كتاب القضاء على النائب
		٣٩٨
		كتاب القضاء والقدر
		٣٣٦
		كتاب القضاء والاحكام
		٣٠٩

٤٤٩	قول سماء فرمانيدس	١٠١	كتاب قواعد الشعر
٤٤٩	قول سماء فروطاغورس	١٠٤-١٠١-٩٨-٩٢-٩١	كتاب القوافي
٤٤٩	قول سماء قراطولس	١٤١-١٣٤	
٤٤٩	قول سماء قرطن		كتاب القوافي والرد على من زعم ان العرب
٤٤٩	قول سماء قيلوطوفون	١٣٨	تشتق الكلام بعضه عن بعض
٤٤٩	قول سماء لآخس	٥٥٦	كتاب قور
٤٤٩	قول سماء مانكسانس		كتاب قوى الادوية المفردة على الحروف
٤٤٩	قول سماء مانن	٥٢٩	
٤٤٩	قول سماء مينس	٥٢٨	كتاب قوى الاطعمه
٣٦٢	كتاب القول بين القولين		كتاب قوى الاطعمة ومنافعها ومضارها
٥٢٤-٥٢٦-٥٢٠	كتاب القولنج	٥٢٧-٥١٨	كتاب قوى الاغذية
٣٩	كتاب قوهلت	٥١٧	كتاب القوى الطبيعية
٤٧٤-٣٩٥-١١٨	كتاب القياس		كتاب قوى العقاقير ومنافعها ومضارها
١١٩	كتاب القياس على اصول النحو	٩٣-٧٩	كتاب القوس
١٧٣	كتاب القيافة والغال والزجر	٤٤٩	قولان سماهما القيادس
٣٤٧	كتاب قيام الليل	٤٤٩	قولان سماهما افيا
٣٤٤	كتاب قيام الليل و التهجد	٤٤٩	كتاب سماء ابرخس
٣٥٨	كتاب القيامة و القيامات	٤٤٩	قول سماء ارسطا
٢٣٩-٢٣٤-١٨٩	كتاب القيان	٤٤٩	قول سماء اطليطقوس
٢٤٤-٢٣٤	كتاب قيان الحجاز	٤٤٩	قول سماء اوثوديمس
٢٤٤	كتاب قيان مكة	٤٤٩	قول سماء اوثوفرن
٥٤٣	كتاب قيس و لنبي	٤٤٩	قول سماء اين
	ك	٤٤٩	قول سماء تا اجيس
		٤٤٩	قول سماء تا اطاطس
		٤٤٩	قول سماء خر ميدس
		٤٤٩	قول سماء سوفسطس
٥٤٤	كتاب الكاتب و منى	٤٤٩	قول سماء طيماوس
٤٩٥	كتاب الكارمهتر	٤٤٩	قول سماء غورجياس
٥٤١	كتاب الكارنامج في سيرة انوشيروان	٤٤٩	قول سماء فادن
١٣٧-١٢٦-١١٤	كتاب الكافي في النحو	٤٤٩	قول سماء فدرس

- ٥٢٤ كتاب الكسر والخلع
 كتاب كسرى الى زعماء الرعية في الشكر
 ٥٦٠
 ٤٩٣ كتاب الكسوفات
 ٤٠٧-٣٥٩ كتاب الكشف
 ٣٦٥ كتاب كشف القناع
 كتاب الكشف عن مساوى شعر المتنبي ٢٢٣
 ٣٦٥ كتاب الكشف والحجة
 ٣٦٣ كتاب الكعبة
 ٥٥٥ كتاب كعب ضب
 ٣٧٩ كتاب الكفالة
 ٣٩٨ كتاب الكفالة بالنفس
 ٢٩٨ كتاب الكفر والايمان
 ٦٣٨ كتاب الكفو
 كتاب الكلاب الاول والكلاب الثانى وهما
 ١٦٤ يومان من ايام العرب
 ١٦٣ كتاب الكلاب وهو يوم النشاس
 ٣٣١ كتاب الكلام فى الانسان
 كتاب الكلام على ابن قتيبه فى تصنيف العلماء
 ١٠٧
 كتاب الكلام فى ان الله تعالى لم يزل موجودا
 ولا شئ سواه الى ان خلق الخلق ٣٢٧
 كتاب كلام اهل العلم واهل الجهل ٣٠١
 ١٧٠ كتاب الكليات
 ٥٤٤ كتاب الكلبى وابنة عمه
 ٦٣٦ كتاب الكلمتين الاول
 ٥٢٦ كتاب الكلمتين الثانى
 ٥٤٢-٢٧٢-١٩٦ كتاب كليبه ودمنة
 ١٩٦ كتاب كليبه ودمنه - ابان لاحقى
 كتاب كمال الدين هو الابانة عن اعمال الدين
 ٢٢٨
 ٢٢٣ كتاب الكافى فى الرسائل
 ١٧٤ كتاب الكافى فى النسب
 كتاب الكافى فى مقالة المطلبى يعنى الشافعى
 ٣٩٩
 كتاب الكامل ١٠٠-٤٩٧-٥٠٦-٥٢٦-
 ٦٤٠-٦٣٨
 ١٧٣ كتاب كان يقال
 ٣٣٦ كتاب كان يكون
 ٣٠٨ كتاب الكبر المستحسن والمستقبیح
 ٣٥٨ كتاب الكبر والعظمة
 ٦٤٢-٦٣٥-٣٥٨ كتاب الكبريت الاحمر
 ٣٤٧ كتاب الكبير
 ٢٤٥-١٨٥ كتاب الكتاب
 ٢١٧ كتاب الكتاب و الصناعة
 كتاب الكتاب وسياسة المملكة وسيرة الخلفاء
 ٢١٢
 ٥١٩ كتاب كتب بقراط الصحيحه
 ١٦٩ كتاب كتب النبى الى الملوك
 ٥٤٣ كتاب كثير و عزه
 ٤٩٧ كتاب الكدخداه
 ٤٩٦ كتاب الكرة
 ٤٨٣ كتاب الكرة المتحركة
 ٤٨٠ كتاب الكرة والاسطوانة
 ٥٤٥ كتاب الكر دوحية وابنة الكاهن
 ١٠٠ كتاب الكرم
 ١٧١ كتاب كرمان
 ٥٣٥ كتاب كرمانوس بطرك روميه فى الصنعة
 ٦٦-٦٣ كتاب الكسائى
 ٦٣ كتاب الكسائى فى اجزاء القران
 ٥١٤ كتاب الكسر

٥٢٢	كتاب كيفية الاغتذاء	٥٢٦-٥٢٩	كتاب الكمال والنعام
٥٢٢	كتاب كيفية الامبار	٦٢٧	كتاب الكمال هو الثالث اليهم
٢٥٩	كتاب الكيفية بالمجاز	٥٢٨-٥٣٠	كتاب الكناش
٢٥٩	كتاب الكيفية والحقيقة	٥٢٧	كتاب كناش يوحنا الكبير
كتاب كيف يعلم ماضى من النهار من ساعة		٥٢٧	كتاب الكناش الصغير
٤٩١	من قبل الارتفاع المفروض	٥٢٧	كتاب الكناش المعروف
١٩٧	كتاب كيلهراسف الملك	٥٣٠	كتاب الكناش اللطيف
٦٢٨	كتاب كيما المعادن	٥٢٢	كتاب الكناش فى الطب
٥٦١	كتاب كيميا والطر	٥٣٦	كتاب كناش تبادورس
٥١٨	كتاب الكيموس	٥٢٧	كتاب كناش الحضرة
		٥٠٩	كتاب كناش الخف
	ل	١٦١	كتاب الكنى
		١٦٤	كتاب كنى آباء الرسول
٢١٨	كتاب لاشى الاموجود	١٦٧	كتاب كنى الاشراف
٢٥٩	كتاب لا كيف	١٧٦	كتاب كنى الشعراء
١٢٧	كتاب اللامات	٢٥٠	كتاب كنى الدواب
٦٢	كتاب اللامات لداود بن ابي طيبه	٥٦٢	كتاب الكنوز السبعة
٦٢	كتاب اللامات لمحمد بن سعيد	٥٠٧	كتاب الكواكب
٦٢	كتاب اللامات لابن الانبارى	٤٨٥	كتاب الكواكب المذنبه
٦٢	كتاب اللامات لاختى	٢٥	كتاب كورا بلاء
٢٥٢	كتاب اللامع	١٨٥	كتاب الكوفه
٥٤٢	كتاب لاهج بن ايان	٤٥٨	كتاب الكون والفساد
٦٢٨	كتاب اللاهوت	١٦٢	كتاب الكهان
٢٩٨-٢٦٢	كتاب اللباس	٥٢١	كتاب الكى
٩٦	كتاب اللباء واللبن	٢٥٨	كتاب كيد الشيطان وامر السلطان
١٠٠	كتاب اللباء واللبن والحليب	٢٥٨	كتاب كيف كان وكيف يكون
٥٢٥-٥٢٠	كتاب اللبن	٦٢٨	كتاب الكيفية
٢٦٢	كتاب لبة الصلوة	٢١٨	كتاب كيفية الاستدلال
		٢١٨	كتاب كيفية الاجماع وماهيته

۱۴۰	کتاب اللنز	کتاب الیس فی الکتب الاربعه فی المنطق-
	کتاب اللفظ المحيط بنقض ما لفظ به اللقیط	الموجود من ذلك
۲۳۸		۴۷۷
	کتاب اللقطه	۹۳
۳۸۸-۳۷۸		کتاب اللجام
۳۹۸	کتاب اللقطه والصوال	۲۳۳
	کتاب اللقوة	کتاب اللحظ والاشارات
۵۳۳		کتاب اللذة
	کتاب اللقیط	کتاب اللسان
۳۹۸-۳۸۸-۳۷۸		کتاب لسان العیون
	کتاب لم امتنع الاطباء من علاج الحوامل	کتاب اللصوص
	فی بعض مشهور حملهن	کتاب لصوص العرب
۵۲۶		۹۳
	کتاب اللمع	کتاب اللطائف
۳۳۹-۱۴۶		۴۰۵
	کتاب اللمع فی النحو	کتاب اللطف
۱۴۶		۳۰۱
	کتاب اللمع فی اصول الفقه	کتاب اللطف والتايد
۳۷۱		۳۳۶
	کتاب اللمع فی الالوان	کتاب اللطيف
۱۳۴		۴۲۵-۳۸۸-۳۱۲
	کتاب اللؤلؤ	کتاب اللطيف فی الشطرنج
۳۱۷		۲۵۶
	کتاب لؤلؤ وشاطره	کتاب اللطيف فی الفقه
۵۴۴		۴۲۵
	کتاب اللون	کتاب اللعان
۴۶۲		۳۹۸-۳۸۸-۳۶۲
	کتاب له الی انا بوا	کتاب اللعبة
۴۶۲		۶۳۸
	کتاب الهی	کتاب اللغات
۶۳۸		۷۴-۹۳-۹۵-۹۶-
	کتاب اللهو والملاهی	۱۴۱-۱۱۵-۱۱۴-۱۰۵
۴۷۳-۲۴۵		کتاب لغات القرآن
۱۴۱		کتاب لغات القرآن - لفراء
	کتاب لیس	کتاب لغات القرآن - لابی زید
۴۸۴		کتاب لغات القرآن - لاصمعی
	کتاب اللیل والنهار	کتاب لغات القرآن - للهیشم بن عدی
۳۰۲		کتاب لغات القرآن - للقطیعی
	کتاب اللین	کتاب لغات القرآن - لابن درید
۹۵		کتاب اللغات فی القرآن
	کتاب لیلہ	کتاب اللغة ومخارج الحروف و اصول النحو
۶۳۸		۵۷
	مبیم	
	کتاب المآتم	
۳۶۳		

کتاب ما افکرته الاعراب علی ابی عبید فیما
 رواه اوصفه ۱۲۸
 کتاب ما بعد الطیبه ۶۳۸-۴۶۰
 کتاب ما تکلم به العرب فکثر فی افواه الناس
 ۹۶
 کتاب ما جاء فی الشعر وما حرف عن جهته
 ۱۲۲
 کتاب ماجری بینہ و بین البصریین ۳۰۱
 کتاب ماجری بینہ و بین سبب المذانی ۵۳۲
 کتاب ماجری بینہ و بین عمرو بن عبید ۲۹۳
 کتاب ما جمعه مما خزنه المنجمون فصح فی
 الاحکام ۲۴۱
 کتاب ما حدثنا ۶۴۳
 کتاب ما خاطب الله به خلقه ۴۰۵
 کتاب ما خالف العراقیین علیا و عبدالله ۳۸۸
 کتاب ما خالف فیہ ابن کثیر ابا عمرو ۵۶
 کتاب ما خالف الکسائی فیہ حمزه ۵۳
 کتاب المأخوذات فی اصول الهندسه ۴۸۰
 کتاب ما دل علیه الكتاب و السنة و صفة -
 الکبائر و صفارها ۳۱۳
 کتاب ما ذکره فلاطن فی طیماوس ۵۱۹
 کتاب المأذون الصنیر ۳۷۸
 کتاب المأذون له فی التجاره ۳۹۸
 کتاب المأذون الکبیر ۳۷۸
 کتاب ما رواه عن الرضا ۴۰۴
 کتاب ماریة القبطیه مع حکما حین اجتمعوا
 الیها ۶۳۵
 کتاب ماریة الکبیر ۶۳۵
 کتاب ما سئل عنه الصادق من امور الملاحم
 ۴۰۹

کتاب المأثر ۴۰۵-۱۷۹-۱۶۰-۱۵۹
 کتاب مآثر العرب ۹۳
 کتاب مآثر عطفان ۹۳
 کتاب المآثر و الانساب ۱۸۰
 کتاب ما اتیح قتله للمحرم ۳۶۲
 کتاب الماء و الهواء ۵۱۵
 کتاب مائیه العلم و اقسامه ۴۶۷
 کتاب مائیه الکلام ۴۸۹
 کتاب ماء الشیر ۵۲۶
 کتاب الماء الاصفر ۵۲۰
 کتاب ما اتفقت الفاظه و اختلفت معانیه ۸۸
 کتاب ما اتفقت الفاظه و اختلفت معانیه فی -
 القرآن ۱۰۱
 کتاب ما اتفق لفظه و اختلف معناه ۹۶-۱۳۳
 کتاب ما اختلفت اسمائه من کلام العرب
 ۱۰۰
 کتاب ما اختلف فیہ المتکلمون ۳۱۲
 کتاب ما اختلف لفظه و اتفق معناه ۹۶
 کتاب ما ارتفع من قوس نصف النهار ۴۹۸
 کتاب ما استدرکه من الفصل فی الکلام فی
 القائلین بحدوث الاجسام علی القائلین
 بقدمها ۵۳۴
 کتاب ما استعجم الناس فیہ من القرآن ۱۸۵
 کتاب ما اغفله الخلیل فی کتاب العین و
 ذکرانه مهمل و هو مستعمل و ما هو مستعمل
 وقد اهل ۱۳۴
 کتاب ما امر اردشیر باستخراجه من خزائن
 الکتب التي وضعها للحکما و فی التدبیر
 ۵۶۰
 کتاب ما املت خاطری و سئلت عنها ابا علی
 ۱۴۶

- كتاب ما سئل عنه لفظا فاجاب خطأ ١٠٥
 كتاب ما سئل عنه المجيرة ٣٠١
 كتاب ما شاهده من امر المعتضد ٢٤١
 كتاب ما غس ٦٣٥
 كتاب ما غس الحكيم في الصنعة ٦٣٦
 كتاب ما فسر من جامع النطق ١٠٤
 كتاب ما قالته العرب في مخاطبة الحمام ٢٨٥
 كتاب ما قالته العرب وكثر في افواه الناس ١٣٦
 كتاب ما قيل في الخيار من الشعر والرجز ٨٦
 كتاب ما كانت الجاهلية تفعله وتوافق حكم الاسلام ١٦٢
 كتاب ما كتب به كسرى الى المرزبان واجابته اياه ٥٦٠
 كتاب مالك بن اسما وصاحبة الحص ٥٤٥
 كتاب المال يخوليا ٤٦٢
 كتاب ما نزل من القران في الحسين بن علي ٤٠٦
 كتاب ما نهى النبي عنه ١٧٤
 كتاب ما نهى عنه النبي ١٦٩
 كتاب ما وجد من تفسيره للمقالة الاولى من المخروطات ٤٩١
 كتاب ماورد في تفضيل الطير الهادي ٢٥٧
 كتاب ما يجب من الاكتساب ٣٩
 كتاب ما يحتاج اليه العمال والكتاب من صناعة الحساب ٥٠٦
 كتاب ما يحوى وما لا يحوى ١٢٥
 كتاب ما يصح من احكام النجوم ٢٨٨
 كتاب ما يعتقد رايه ٥١٩
 كتاب ما يمرض في صناعة الطب ٥٣٤
 كتاب ما يفسد به الصلوة ٣٩٨
 كتاب ما يقدم من الفواكه والاغذية وما يؤثر ٥٣٢
 كتاب ما يكره من الجمع بينهم ٣٦٢
 كتاب ما يلحن فيه العامة ٩٣-٩٦-١٠٠-١٢٥-١٣٢-١٣٩
 كتاب ما ينصرف وما لا ينصرف ١٠٤-١٢٥
 كتاب المبادئ ٣٩
 كتاب مبادئ الكل على راي ارسطاليس ٤٦٢
 كتاب المبتدا ١٤١-١٥٨-١٨١-٣٢٢
 كتاب المبتدا عبد المنعم ١٥٨
 كتاب المبتدا في النحو ١٠٨
 كتاب المبداء بالرياضة ٦٣٩
 كتاب المبخلين ١٧٩
 كتاب المبسوط ٣٧١
 كتاب المبسوط في الفقه ٣٨٨
 كتاب المبلغ الاقصى ٦٣٩
 كتاب المبانيات ١٧٨
 كتاب المبيضة في اخبار آل ابي طالب ٢٤٥
 كتاب المتبايعين ٢٤٧
 كتاب المتجرد في النساء ٥٤٥
 كتاب المتجلى ١٩٧
 كتاب المتجليات ٣٥٨
 كتاب المتحايين ٣٤٧
 كتاب المتحرك والجماد ٦٠٣
 كتاب المتردقات ١٧٠
 كتاب المتزوجات ١٥٩
 كتاب متشابه القران ٣١١-٣٣٤

۲۰۳	کتاب المجالسة والمذاكرة	۲۴۳	کتاب المتطرفات والمتطرفين
۱۳۵	کتاب المجانين الادباء	۳۹۹-۳۶۲	کتاب المنه
۱۰۵	کتاب المجتني		کتاب المنعة وتحليلها والرد على من حرّمها
۶۳۸	کتاب المجردات	۳۶۵	
۲۴۰	کتاب مجردات المفيين	۳۶۴	کتاب المنعة وما جاء في تحليلها
۳۷۹	کتاب المجرد لا ي حنيفه	۱۷۲	کتاب المتمثلين
۶۵	کتاب مجرد احكام القران	۱۰۶	کتاب المتمم
۱۸۹	کتاب مجرد الاغانى	۲۲۱	کتاب المتوج
۲۳۹	کتاب مجرد عمرو بن بانه	۳۴۶-۲۴۷-۱۸۷-۱۷۳	کتاب المتيمين
۱۴۰	کتاب مجرد الغريب	۱۸۴-۱۶۷-۱۶۲-۹۳	کتاب المثالب
۱۳۲	کتاب مجرد اللغة	۲۴۵	کتاب مثالب ابي نواس
۲۳۹	کتاب مجرد يونس	۲۲۶	کتاب مثالب ثقيف وسائر العرب
۵۲۶	کتاب مجسمه العروق	۱۶۷	کتاب مثالب ربيعه
۶۴۰	کتاب المعجمه والتشريح	۱۶۷	کتاب المثالب الصغير
۴۸۲	کتاب المجسطى	۱۶۷	کتاب المثالب الكبير
۳۴۵	مجلس التقديرية في الفزود	۱۴۳-۹۲	کتاب المثلث
۳۴۵	کتاب الديباح	۴۸۲-۴۸۰	کتاب المثلثات
۳۴۵	مجلس السحاب على اهل النار	۲۵۴	کتاب المثلث الصحيح
۳۴۵	مجلس السل'	۶۴۰	کتاب المثنى
۳۴۵	مجلس صفة الابل	۴-۳	کتاب مثنى بن اسد الخياط
۳۴۵	مجلس المرض على الله عزوجل	۱۲۲	کتاب المثنى والمبنى والمكنى
۳۴۵	مجلس في انظرونا نقبوس من نور کم	۱۰۳	کتاب المجارى
۳۴۵	مجلس في اليلى	۶۵	کتاب المجاز
۳۴۵	مجلس في الحسن	۹۳	کتاب مجاز القران
۳۴۵	مجلس في حسن الظن بالله	۳۳۰-۲۹۶	کتاب المجالس
۳۴۵	مجلس في ذكر الموت	۱۹۷	کتاب المجالسات
۳۴۵	مجلس في العينة والدين	۵۸	کتاب مجالس ثعلب
۳۴۵	مجلس في التمسة في النار	۳۲۳	کتاب مجالس الفقهاء ومناظراتهم
۳۴۵	مجلس المسجا في ذكر الموت	۲۴۵	کتاب مجالسة الرؤساء

- ٣٩ كتاب محتوى
 ٤٠٧ كتاب المحدثين
 ٥١٩ كتاب المحرك الاول لا يتحرك
 ٤٠٣ كتاب محمد بن الحسن الطار
 ٢١٣ كتاب محمد بن داود بن جراح
 ٥٤٣ كتاب محمد بن الصلت و جنة الخلد
 ٦٣ كتاب محمد بن عثمان بن ابي شيبة
 ٦١ كتاب محمد بن عيسى في النقط
 ٥٥٩ كتاب محمد بن الليث الى الرشيد يعظه
 ٥٥٩ كتاب محمد بن اللبث الى يحيى بن خالد
 كتاب محمد و ابراهيم ابني عبدالله بن حسن
 ابن حسن ٩٤-١٨٥
 ٥٤٤ كتاب محمد ودقاق
 ٦٣٩ كتاب المحنة
 ٥٢٦-٥١٩ كتاب محنة الطبيب
 كتاب محن الانبياء والاوصياء والاولياء ٣٦٥
 ١٩٧ كتاب المخاطب
 ٣٠٨ كتاب المخاطبات في التوحيد
 ٦٣٩ كتاب المخالفة
 ٦٣٩ كتاب المخايل
 ١٧٦-١٦٧ كتاب المخبر
 ١٣٧ كتاب المختار
 ١٥٧ كتاب المختار بن ابي عبيد
 ٢٣٦ كتاب مختار غني ابراهيم
 ٢٨٧ كتاب مختار الفصول والرسائل
 ٢٣٩ كتاب مختار في الاغاني
 ١٤٢-١١٨ كتاب المختصر
 ١٧٤ كتاب مختصر اسماء القبائل
 ١٨٩ كتاب مجموع الاثار وال اخبار
 كتاب مجموع قرائة امير المؤمنين علي بن
 ابي طالب ١٨٩
 كتاب مجموع في منسوبات الشطرنج ٢٥٦
 كتاب المجموع المنقول من الرقاع ٢٠٥
 ٥٤٣ كتاب مجنون و ليلي
 ٣٩٨ كتاب المحاربة
 كتاب المحاسن ١٣١-١٧٣-٢٤٥-٤٠٤
 ٤٩٢
 ٣٦٢ كتاب محاسن الاخلاق
 ٢٤٦ كتاب محاسن اشعار المحدثين
 ٣١٦ كتاب محاسن خراسان
 ٣٩٨ كتاب المحاضر
 كتاب المحاضر والسجلات ٤٢٧-٤٢٥-
 ٣٨٠-٣٨٣-٣٨٤
 كتاب المحاضر والسجلات والوثائق واليهود
 ٣٨٣
 ٣٧٩ كتاب المحافرة
 ٣٩٨ كتاب المحافرة والمعامل
 ٩٣ كتاب المحام
 كتاب محاوره اسطانس توهير ملك الهند
 ٦٣٤
 ٤٢٨ كتاب المحاوره في العرييه
 ٥٤٣ كتاب محاوره الملك مع محمد عار يوس
 ٦٤١-٣٤٦ كتاب المحبة
 ٣٦٣ كتاب محبة الاوصياء
 ٤٠٧ كتاب المحبة والوظائف
 ٦٣ كتاب محبوب ابن الحسن
 ٤٠٥ كتاب المحبوبات
 ١٧٣ كتاب المختصرين

٥٣٦ كتاب مختصر للهند في العقاقير
 ٣٦١ كتاب مختصر المختصر
 كتاب مختصر مسائل الخلاف في الكلام والنظر
 ٣٩٣
 ٣٦٢ كتاب مختصر المناسك
 كتاب مختصر نحو ٨٨-٨٩-١٠٤-١١٤
 ١٤٠
 كتاب مختصر النحو ١١٢-١١٨-١٣٧-
 ١٤٤
 كتاب مختصر نحو للمتعلمين ٩٨
 كتاب مختصر يوم وليله ٣٦٣
 كتاب مختلف الحديث ١٣١
 كتاب المختلف والمؤتلف في اسماء الشعراء
 ٢٥٥
 كتاب المخرقه ٥٥٢-٢٥٢
 كتاب المخروطات ٤٨٩-٤٨١
 كتاب المخزومي والهندي ٥٤٣
 كتاب المخلوقات ٢٩٧
 كتاب المخلوق ٦٥-٣٠٠-٣١٣-٣١٤-
 ٣٤١-٣٣٦
 كتاب المخلوق يحيى بن كامل ٣٤١
 كتاب المخلوق على حفص الورد ٢٩٦
 كتاب المخلوق على المجبره ٢٩٩-٣٠٣
 ٣١٦-٣١٢
 كتاب المخلوق على النجار ٣٠١
 كتاب المخنث و الفناء التي عشقته ٥٤٥
 كتاب المخنقه ٦٣٨
 كتاب المدائح ١٣١
 كتاب المدائني في اختلاف المصاحف وجمع
 القران ٦٢

كتاب مختصر اسماء الله عز وجل وصفاته ٢٢٣
 كتاب مختصر الجنائز ٣٦٢
 كتاب مختصر الحج ٣٩٨
 كتاب مختصر الحج الصغير ٣٨٨
 كتاب مختصر الحج الكبير ٣٨٨
 كتاب مختصر الخوارج ١٧٠
 كتاب المختصر الصغير ٣٧٢-٣٨٣-٣٩٠
 ٣٩١
 كتاب مختصر الصلوة ٣٦١
 كتاب مختصر الصوم ٣٦٢
 كتاب مختصر الطهارات ٣٦٣
 كتاب مختصر العربية ١١٨
 كتاب مختصر عوامل الاعراب ١٠٨
 كتاب مختصر الفقه ٣٩١-٣٩٥
 كتاب المختصر في علم العربية ١٣٨
 كتاب المختصر في الفقه ٥٧-٣٨٥-٤٣٠
 كتاب مختصر في الفقه ٣٩٢
 كتاب المختصر في الفقه الاكبر ٣٧٢
 كتاب مختصر في النحو ١٤٣-١٤٤
 كتاب المختصر في النحو ١٣٣-١٣٧-
 ١٤٢
 كتاب المختصر الكبير ٣٨٣-٣٩٠-٣٩١
 كتاب مختصر كتاب انا لوطيqa الاول ٤٧٣
 كتاب مختصر كتاب انا لوطيqa الثاني ٤٧٣
 كتاب مختصر كتاب بارميفاس ٤٧٣
 كتاب مختصر كتاب البطون ١٧٤
 كتاب مختصر كتاب قاطينورياس ٤٧٣
 كتاب مختصر كتاب النحل ٢٨٦
 كتاب المختصر للمتعلمين ١٤١

- كتاب المدخل الى كتاب سيبويه ١٠١
 كتاب المدخل الى كتاب العين ٩١
 كتاب المدخل الى المجسطى ٤٨٣
 كتاب المدخل الى مذهب الطبرى و نصره
 منيه ٢٣٨-٤٢٦
 كتاب المدخل الى المنطق ٥١٩-٥٢٦
 كتاب المدخل الى المنطق و هوايساغوجى
 ٥٣٢
 كتاب المدخل البرهاني ٦٤١
 كتاب المدخل التعليمى ٦٤١
 كتاب المدخل الصغير ٤٩٣-٤٩٧
 كتاب المدخل فى النحو ١٠٢
 كتاب المدخل الكبير ٤٩٣-٤٩٧
 كتاب المدرجه ٦٤١
 كتاب المدلسين ٤٢٠
 كتاب المدلسين فى الحديث ٣٣٨
 كتاب المديح ٢٢١
 كتاب مديح اهل الشام ١٦٧
 كتاب المدينه ١٧٣-١٨٥
 كتاب المدينه واخبارها ١٧٩
 كتاب المذاكرات فى الصنعة ٦٤١
 كتاب مذاهب الخطباء ٢٨٦
 كتاب مذاهب الكلدانيين فى الاصنام ٥٥٢
 كتاب مذكرو مؤنث ٥٨
 كتاب المذكرو والمؤنث ٩٦-١٠٠-١٠٢-
 ١٠٧-١١٤-١٢٠-١٢٢-١٢٣-
 ١٢٦-١٣٧-١٣٨-١٤٠-١٤١-١٤٣-
 ١٤٦-
 كتاب المذكرو والمؤنث اوجود ١٤١
 كتاب المذكرو والمؤنث خزار ١٣٨
 كتاب المداخل ١٢٨
 كتاب المداخله ٣٠٠
 كتاب المداراة ٦٣٢
 كتاب مداعى قريش والانصار فى الطوائع و
 وضع عمر الدواوين و تصنيف القبائل و
 مراتبها وانسابها ١٦٥
 كتاب المدير ٣٨٨-٣٩٨
 كتاب مدح الادب ٢٢٧
 كتاب مدح القبائل ١١٧
 كتاب مدح النبيذ ١٩٧
 كتاب مدح النبي والمثل الاعلى ٣٥٨
 كتاب المدخل ٤٩٢-٤٩٦
 كتاب المدخل ابوسهل نوبخت ٤٩٢
 كتاب المدخل الى تفسير القران ٥٩
 كتاب المدخل الى الارثماطيقى ٥٠٦
 كتاب المدخل الى الصناعات ٦٣٩
 كتاب المدخل الى صناعة التنجيم ٢٥٠
 كتاب المدخل الى صناعة الطب ٤٧٣
 كتاب المدخل الى صناعة النجوم ٤٧٣
 كتاب المدخل الى علم صناعة النجوم ٤٨٤-
 ٤٩٩
 كتاب المدخل الى علم الموسيقى ٤٧٣
 كتاب المدخل الى علم النجوم ٤٩٨-
 ٥٠٤-٥٢٦
 كتاب المدخل الى علم النجوم ابن سيبويه
 ٤٩٨
 كتاب المدخل الى علم النحو ١٢٤
 كتاب المدخل الى علم الهندسه ٥٢٦
 كتاب المدخل الى علم الهيئة ٤٩٥
 كتاب المدخل الى القياسات الحملية ٤٦٢

۱۷۰-۹۳	کتاب مزج راهط	کتاب المذکر والمؤنث محمد بن قاسم ۱۲۶
	کتاب مزج راهط و بیعة مروان ومقتل الضحاک	کتاب المنهب ۱۴۴
۱۵۷	ابن قیس	کتاب المنهب فی اخبار الشعراء و طبقاتهم
۲۱۹	کتاب المرشد	۱۷۶
۴۳۱-۴۲۷	کتاب المرشد فی الفقه	کتاب المرأة ۴۶۰
۳۶۴	کتاب المرشد و المسترشد	کتاب المراتب ۱۳۱
۴۸۳	کتاب المرض و شرب الدواء	کتاب مراتب قرائة کتب فلاطن و اسماء ما
۴۹۲	کتاب المرضى	صنعة ۴۶۵
۵۵۶	کتاب مرطوس الرومی	کتاب مراتب العلوم ۴۷۴
۵۴۳	کتاب مرقس و اسماء	کتاب المراتب و المراقب من عیون الشعر
۴۰	کتاب المرقس	۱۳۱
۱۶۲	کتاب مروان القرط	کتاب المراتب ۲۲۰
۳۶۳-۱۷۳	کتاب المروة	کتاب مراد المریدین ۳۴۴
۲۷۲	کتاب مروک	کتاب مراسلات الاخوان و محاببات الخلان
۴۷۴	کتاب مرولس	۲۴۷
۵۲۶-۵۲۰-۵۱۸	کتاب المرة السوداء	کتاب مراسلات الشریف الرضی ۲۲۲
۵۴۴	کتاب مرة و لیلی	کتاب مراسلاته لمبدالله بن المعتز ۱۹۳
۶۴۰	کتاب المریخ	کتاب المراعی و الجراد ۱۷۳
۳۹۸	کتاب المریدا	کتاب المراقبه ۳۴۷
۵۴۱	کتاب المرسن ^۲	کتاب المراكب ۱۳۱
۵۱۷	کتاب المزاج	کتاب مراکز الاکر ۵۰۶
۴۹۷	کتاب المزاجات	کتاب مراکز الدوائر علی الخطوط من طریق
۱۸۳	کتاب مزاج النبی	التحلیل دون التركیب ۵۰۶
۳۴۲	کتاب المزاج و المعاتبات	کتاب المرايا ۶۴۰
	کتاب مزاجات جواهر المعدنیه و عمل الفولاذ	کتاب المرايا المحرقة ۵۲۶-۴۹۸
۵۶۲	والخماهن و الصفر	کتاب المرئة و اخوتها و الرجل الذی هواها
۳۰۸	کتاب المزاج و الجد	۵۴۵
۳۹۸-۳۸۸	کتاب المزارعه	کتاب مرتبه هر مزمن کسری نوشیروان ۲۴۲
۳۷۸	کتاب المزارعة الصغیر	کتاب المرجان ۳۱۷-۱۲۸

- ٣١٨ كتاب المسائل على الهشاميه
 ٢٩٦ كتاب مسائل في الحركات و غيرها
 ٥٢٥ كتاب المسائل في الطب للمتعلمين
 ٣٧٠-٣٥٩-٣١٤ كتاب المسائل في الفقه
 ٤١٥
 ٤١٥ كتاب المسائل في الفقه اوزاعي
 ٣٠٨-٦٥ كتاب المسائل في القرآن
 ٣٠٨ كتاب مسائل كتاب المعرفة
 كتاب المسائل التي انفذها ملك الروم الى
 انوشروان على يد قراط الرومي ٥٦٠
 كتاب المسائل التي جرت بينه وبين جعفر بن
 حرب ٣٤١
 ١٠٨ كتاب المسائل المصلحة
 كتاب المسائل المفردات من كتاب سيبويه
 ١٧٠
 ٣٩٩ كتاب المسائل المكتومات
 ٦٥ كتاب المسائل المنثورة في القرآن
 ٤٩٨ كتاب المسائل والاختيارات
 ١٣١-٣٠١- كتاب المسائل والجوابات
 ٣٠٣
 ٣٩٥ كتاب المسائل والعلل والفروق
 ٣٨٨ كتاب مسألة الخنثى
 ٣٩٨ كتاب مسألة فيثي
 ٤٢٦ كتاب المسئلة في اقتراض الاماء
 كتاب المسئلة التي القاها على سندن علي
 ٤٨٩
 ٣٨٨ كتاب مسألة امنى
 ٣٩٩ كتاب مسلتين خالف فيه الشافعي
 ٩٤ كتاب مسائيه
 ٣٦٢-٥٠٢-٥٠٣ كتاب المساحة
 ٣٧٨ كتاب المزارعة الكبير
 ٦٣٨ كتاب مزارع الصناعات
 ٢٢١ كتاب المزخرف
 ١٩٦-٢٧٢ كتاب مزدك
 ٣٧١-١٢٥-٣٩٦-٤٠٤ كتاب المسائل
 ٤٩٧-٤٩٦-٤٩٢-٤٨٤-٤٧٣-٤١٧
 ٦٣٩
 كتاب مسائل استرعا يحس العالم و الجواب
 عنها ٥٥٩
 ٣٩٩ كتاب المسائل الاصفهانيات
 ٥٠٤ كتاب مسائل الاعداد
 ٣٩٩ كتاب المسائل البصريات
 ١٠٨ كتاب المسائل البغداديات
 ٤٧٧ كتاب مسائل ثاوفر سطق
 كتاب مسائل جرت ايضا بين سند و احمد
 ٤٨٩
 ١٠٨ كتاب المسائل الحلبيات
 ٣٧٢-٤٠١ كتاب مسائل الخلاف
 ٣٩٩ كتاب المسائل الخوارزميات
 ١٠٨ كتاب المسائل الشيرازيات
 ٣٢٤ كتاب المسائل العسكريات
 ٥٠٥ كتاب المسائل العدديه
 ٣٨١-٩١-٤٩٣ كتاب المسائل الصغير
 كتاب مسائل سئل عنها في منفعة الرياضيات
 ٤٦٦
 ٣٨١-٩١-٤٩٣ كتاب المسائل الكبير
 ٤٨٤ كتاب المسائل الكبير من كل نوع
 ٤٦١ كتاب المسائل العشر المعضلات
 كتاب المسائل على منذهب النحويين مما اختلف
 فيه البصريون و الكوفيون ١٣٧

- کتاب مساحة قسمة الاكرو قسمة الزوايا
بثلاثة اقسام متساويه و وضع مقدارين
المقدارين ليتوالى على قسمة واحده ۴۸۹
کتاب مساحة الحلقة ۵۰۴
کتاب المساحة والهندسه ۵۰۳
کتاب المسافر ۱۸۸
کتاب المسافات ۳۸۸-۳۹۸
کتاب المساكن ۴۸۴
کتاب المسالك والممالك ۲۴۵-۲۴۶-
۲۴۸-۴۷۳-۱۷۴-۲۲۸
کتاب مسالمت الاشراف ۱۰۴
کتاب المساواة ۳۱۴
کتاب مساوى العوام ۶۴۱
کتاب مساوى العوام و اخبار السفلة الاغنام
۲۵۰
کتاب المسترشد ۳۰۱-۴۲۵
کتاب المستطیع ۲۹۹-۳۳۶
کتاب المتظرف ۲۲۱
کتاب المستعذب ۳۹۳
کتاب المستقبل والمستدير ۳۹۹
کتاب المستنير ۲۱۸
کتاب المستوردین علفه ۱۵۷
کتاب المستهل و هند ۵۴۳
کتاب مسرور الاوسى ۵۵۶
کتاب مسعف الفقراء ۶۴۴
کتاب مسعود ۹۳
کتاب مسعودین عمرو ومقتله ۹۴
کتاب المسند ۴۱۷-۴۱۸-۴۲۱-
۴۲۲-۴۲۳
کتاب المسند بنوى ۴۲۳
کتاب المسند ابو عبدالله محمد بن مخلد
۴۲۲
کتاب المسند ابو خيثمه ۴۱۸
کتاب المسند ابن حنبل ۴۱۷
کتاب المسند بعله ۴۲۰
کتاب المسند فى الحديث ۴۱۷
کتاب المسوخ من بنى اسرائيل ۱۶۲
کتاب المسورين عمر بن عباد الحبطى و
عمرو بن سهيل ۱۷۱
کتاب الموسمين ۱۷۳
کتاب المسيرين ۱۷۳
کتاب مسيلمه الكذاب وسجاح ۱۶۳
کتاب المشاجرات ۱۶۲
کتاب المشاغبات ۱۶۲
کتاب المشاكل ۱۹۷
کتاب المشاكلة ۶۳۸
کتاب المشاكلة ۲۸۶
کتاب المشاهد ۱۳۱
کتاب المشاهدات ۲۴۱
کتاب المشاهدات والاخبار التى شاهدها و
رآها و رواها ۲۰۹
کتاب المشتق المختلف من المؤلف ۲۴۹
کتاب المشجر ۱۷۶
کتاب المشجر فى الطب على طريق كناش
۵۳۵
کتاب المشجى ۱۹۷
کتاب لمشرف ۲۲۰
کتاب المشرقيين من اصحاب ابي حذيفه الى
اخوانهم بالمغرب ۲۹۳
کتاب مشنا ۳۸

٢٤٥	كتاب المطابق و المجانس	٥٤١	كتاب مشك زفانه و شاه زنان
٣٣٦	كتاب المطالبات	٣٩٩-١٣١	كتاب المشكل
٤٨٠	كتاب المطالع	١٢٦	كتاب المشكل في معاني القران
٥٠٦	كتاب مطالع العلوم للمتعلمين	٤٢٢	كتاب المصاييح في الحديث
١٤٠	كتاب المطايا	١١٢-٩٦-٩٥-٩٣-٩١	كتاب المصادر
٤٩٤	كتاب المطر	٦٣٨-٢٢٩-١٣٨	
٤٩٧-٤٩٢	كتاب مطرح الشعاع	١١٤-٧٨	اقرب المصادر في القران
١٥٧	كتاب مطرف بن مغيره	٤٢٢-٥٨	كتاب المعاحف
١٢٤	كتاب المطيب	٩١	كتاب المصافنه
١٦٢-٩٣	كتاب المعاقبات	٤٠٥	كتاب المصالح
٥٦٢	كتاب المعادن و المطالب و الكنوز	٢٢٨	كتاب مصالح الابدان و الانفس
٣٠٨	كتاب المعاد و المعاش	٤٠٠	كتاب المصباح
٩٣	كتاب معارة قيس و اليمن	٦٣٩	كتاب مصححات ارسطاليس
١٣١	كتاب المعارف	٦٢٩	كتاب مصححات ارسيجانس
٣٠٢	كتاب المعارف على الجاحظ	٦٣٩	كتاب مصححات ار كاغانيس
٣٠٢	كتاب المعارف و هو المعرفة	٦٣٩	كتاب مصححات امورس
٢٤٧	كتاب المعارض	٦٣٩	كتاب مصححات حربي
٣٦٢	كتاب معارض الشعر	٦٣٩	كتاب مصححات ديمقراطيس
١٩٧	كتاب المعاقبات	٦٣٩	كتاب مصححات سقراط
٣٧٩-٣٦٢	كتاب المعائل	٦٣٩	كتاب مصححات فلاطن
٣٩٠	كتاب المعائل و الديات	٦٣٩	كتاب مصححات فيثاغورس
٥٠٣	كتاب المعاملات	٦٣٩	كتاب مصححاتنا نحن
١٩٧ - ١٣١ - ٩١ - ٨٤	كتاب المعاني	٥٤٤	كتاب المصري و المكيه
٤٩٦-٤٩٣-٤٩٢-٣٠٢		١٥٧	كتاب مصعب و ولايته العراق
١٤٦	كتاب معاني ابيات المتنبي	١٦٣	كتاب المصلين
٤٧٦	كتاب معاني ايساغوجي	١٩٧	كتاب المصون
٤٠٥	كتاب معاني الاحاديث و التحريف	١٢٥	كتاب المصون في النحو
١٣٤	كتاب معاني الحماسه	٣٨٢-٣٦٢	كتاب المضاربه
٣٠٣	كتاب معاني الاخبار و شهر حها	٣٧٨	كتاب المضاربه الصغير
٣٧٩	كتاب معاني الايمان	٣٧٨	كتاب المضاربه الكبير

- کتاب معانی الشعر ۸۱-۸۵-۹۱-۹۶-
 ۱۰۲-۱۰۷-۱۱۶-۱۱۷-۱۱۹-۱۲۵
 ۱۳۱-۱۳۹-۱۴۵-۲۸۲
 کتاب معانی الشعر ابن لرد ۱۳۹
 کتاب معانی الشعر ابی ذکوان ۱۰۲
 کتاب معانی الشعر الصغير ۱۲۲
 کتاب معانی الشعر الكبير ۱۲۲
 کتاب معانی شعر البحتری ۲۵۵
 کتاب معانی الشیب و آدابہ و فضل الوانہ
 و ترتیب معداته وما قيل نظماً و ثراً و
 الخضایات ۲۲۴
 کتاب معانی صفاة الله عزوجل ۱۰۱
 کتاب معانی العروض علی حروف المعجم
 ۱۲۱
 کتاب المعانی علی مسمر ۳۰۰
 کتاب معانی القرآن ۵۳-۶۰-۷۴-۹۲
 ۹۳-۱۰۲-۱۰۴-۱۱۰-۱۱۲-۱۱۳
 ۱۲۰-۱۲۳-۱۲۵-۱۳۷-۲۹۲-۱۳۸
 ۴۰۳-۲۹۲
 کتاب معانی القرآن ۱۳۸
 کتاب معانی القرآن و يعرف بالعسرات ۱۳۷
 کتاب معانی القرآن ابن انباری ۶۰
 کتاب معانی القرآن ابن کيسان ۶۰
 کتاب معانی القرآن ابو عبید ۶۰
 کتاب معانی القرآن ابومنہال ۶۰
 کتاب معانی القرآن ابو محمد ۶۰
 کتاب معانی القرآن اخفش مجاشعی ۶۰
 کتاب معانی القرآن اخفش ۶۰
 کتاب معانی القرآن ثعلب ۶۰
 کتاب معانی القرآن خلف نحوی ۶۰
- کتاب معانی القرآن رواسی ۶۰
 کتاب معانی القرآن دجاج ۶۰
 کتاب معانی القرآن کسائی ۶۰
 کتاب معانی القرآن فراء ۶۰
 کتاب معانی القرآن فضل بن خالد ۶۰
 کتاب معانی القرآن فضل بن سلمه ۶۰
 کتاب معانی القرآن قطرب ۶۰
 کتاب معانی القرآن مورج سدوسی ۶۰
 کتاب معانی القرآن موسی بن حبیب ۶۰
 کتاب معانی القرآن و تفسیره ۲۱۲
 کتاب المعانی فی القرآن ۱۰۷
 کتاب معانی قطعه من المقالة الثالثه من
 کتاب السماء ۴۷۶
 کتاب معاویة بن عبدالله ۱۶۹
 کتاب معاویة بن عمار الدهنی ۴۰۳
 کتاب المعبرات ۱۷۰
 کتاب المعتدین ۲۴۲
 کتاب المعتزلة ۳۲۸
 کتاب المعتل ۳۶۵
 کتاب المعجم ۳۱۸
 کتاب المعجم الاصغر ۵۸
 کتاب المعجم الاوسط ۵۸
 کتاب المعجم الصغير ۴۲۳
 کتاب المعجم الكبير ۴۲۳
 کتاب المعجم الكبير فی اسماء القراء و
 قراآتہم ۵۸
 کتاب المعجونات ۶۴۳
 کتاب معتدین عدنان و قحطان ۱۷۵
 کتاب المعذب و الفواء و الطیرہ ۵۴۴
 کتاب المعرب ۱۴۶

٦٣٩ كتاب المعنى
 ٣١٥ كتاب المعونة في الخذلان
 ٣٦٣ كتاب معيار الاخبار
 ٣١٢ كتاب المعيار والموازنة في الامامة
 ١٨١-١٦٩-١٥٨-١٥٧ كتاب المغازي
 ٢٢٠-٣٧١-٤١٢-٤١٥-٤٢١
 كتاب مغازي البحر في دولة بني هاشم و
 ذكر ابي حفص صاحب اقریطش ١٧٤
 كتاب مغازي عروة بن الزبير ١٨٢
 كتاب مغازي النبي وسراياه و ذكر ازواجه
 ١٧٤
 كتاب المغالطين ٤٧٤
 كتاب المغررين ٢٤٢
 كتاب المغررين ملك وقبول ٤٤٣
 كتاب المعنى المجيد ٢٤٠
 كتاب المغنين والفناء والمنعة ٣٠٨
 كتاب المغنين ٣٠٩
 كتاب المقيررات ١٦١
 كتاب مفاتيح القضاء و هو المائل الصغير
 ٤٩٣
 كتاب مفاخرت اهل البصرة و اهل الكوفة
 ١٧٣
 كتاب المفاخر في الاعمال ٥٥٠
 كتاب مفاخرة العرب و العجم ١٧٣
 كتاب مفاخرة العرب و منافرة القبائل في-
 النسب ٢٠٩
 كتاب مفاخرة الورد و النرجس ٢٤٢
 كتاب المفاصل ٥٢٤
 كتاب مفاوضاته مع ابي جعفر الاموي و سلامة
 بن سليمان الاخميمي في المنعة و السحر
 ٥٥٣

كتاب المعرفات من النساء في قريش ١٦٢
 كتاب المعرفة ٢٢٨-٣٢٥-٣١٣-٢٩٩
 ٣٢٩-٣٣٠-٣٥٩-٣٦٠-٣٩٩
 كتاب المعرفة ابوسهل نوبختي ٣٣٠
 كتاب معرفة اوجاع المعدة و علاجها ٥٢٥
 كتاب معرفة البيان ٣٦٤
 كتاب معرفة الخدر و علاجه ٥٢٦
 كتاب معرفة الدائرة من الفلك ٥٠٦
 كتاب المعرفة على تمامه ٣٠١
 كتاب المعرفة على الشحام ٣٠١
 كتاب المعرفة في الاجماع ٣٣٦
 كتاب المعرفة في الاصول ٣٢٢
 كتاب معرفة المراقب و الرسوم ١٧٣
 كتاب معرفة مطالع البروج فيما بين ارباع
 الفلك ٥٠٠
 كتاب معرفة الناقلين ٣٦٢
 كتاب المعرفة و التاريخ ٣٨٦
 كتاب معرفة وجوه الكلام ٣١٣
 كتاب المعروف بالسابع و العشرين ٤٩٢
 كتاب معروف بمرور الذهب و معادن الجواهر
 ٢٥٤
 كتاب المعروف و الشكر ٣١٤
 كتاب المعروفين من الانبياء ٢٤٢
 كتاب المعري ٩٤
 كتاب المعصومين ٢٤٧-١٨٤
 كتاب المعطيات ٤٨٠
 كتاب المعلمين ٣٠٨
 كتاب المعلى في فضائل القران ٢٢٠
 كتاب المعلى و سينا ٥٤٥
 كتاب المعمرين ١٦٧-١٦٢

- جهة واحدة اتقى من زاويتين قائمتين
 ٥٠٥
 كتاب مقالة في عمل ارتفاع سدس ساعة لعرض
 مدينة السلام ٤٩٤
 مقالة في مراتب قوى الانسان و كيفية -
 الانذارات التي يندربها النفس مما يحدث
 في عالم الكون ٤٧٦
 مقالة في مقدار ما يمكن ان يستدرك في احكام
 النجوم على راي الفلاسفة الطبيعيين ومن
 لم يقل منهم ان الكواكب احياء ٥٣٥
 كتاب مقالة في مقدمات صدر بها كتاب
 انالوطبقا ٤٧٥
 كتاب مقالة في النمش والكلف ٤٧٣
 مقالة يرد فيها على نسطورس ٤٦٤
 كتاب المقاييس الشرطيه ٤٧٥
 كتاب المقاييس في النحو ٩١
 كتاب المقتبس ١٠٥-١٧٣-١٧٦-٢١٩
 كتاب المقتبس الكبير ١٤٦
 كتاب المقتضب ١٠١
 كتاب مقتل امير المؤمنين على ١٧٥-١٧٩
 كتاب مقتل حجر بن عدى ١٥٧-١٥٨
 كتاب مقتل الحسين بن على ١٥٧-١٥٨-
 ١٦٥-١٧٩-١٨٩
 كتاب مقتل خالد بن عبدالله القسرى والوليد
 ابن يزيد ويزيد بن خلف بن عبدالله ١٦٧
 كتاب مقتل زيد بن على ١٧٧-١٨٩
 كتاب مقتل سعيد بن العاص ١٥٧
 كتاب مقتل عبدالله بن الزبير ١٥٧
 كتاب مقتل عثمان ٩٣-٩٤-١٧٠-١٨٥
 كتاب مقتل عمرو بن سعيد بن العاص ١٧١
 ٢٧٨ كتاب المفاوضه وهي الشركة
 ٤٩٣ كتاب المفتاح
 ٥٠٣ كتاب مفتاح الفلاح
 ٤٢٠ كتاب المفرد
 ٤٨٠ كتاب المفروضات
 ٣٩٩ كتاب المفرد والمجمل
 ٤٠٠ كتاب المفتح
 ٢٢٠ كتاب المفضل
 ١٢٧ كتاب المفضليات
 ٣٩٨ كتاب المفقود
 ٢١٨ كتاب المفيد
 ٣٩٣-٣٦٥ كتاب المفيد في الحديث
 ١٨٩ كتاب مقاتل آل ابيطالب
 ٩٣ كتاب مقاتل الاشراف
 ٦٣ كتاب مقاتل ابن سليمان
 ٢٤٢ كتاب مقاتل الشعراء
 ٢٤٢-١٧٦ كتاب مقاتل الفرسان
 ١٠٠ كتاب المقاطع والمبادئ
 ٣٤١-٣١٦-٢٩٧ كتاب المقالات
 ٥١٧ كتاب المقالات الخمس في التشريح
 ٣٩٣ كتاب المقالات في اصول الفقه
 كتاب مقالات كتب اليهود للخلفاء والامراء
 ٢٢٨
 مقالة اخرى يرد فيها على قوم اخرين ٤٦٤
 كتاب مقالة في الاجناس و الانواع ٤٧٤
 كتاب مقالة في الاخلاق ٤٧٦-٤٧٧
 مقالة في البحوث الاربعه ٤٧٥
 كتاب مقالة في البرهان على انه متى وقع
 خط مستقيم على خطين موضوعين في سطح
 واحد صير الزاويتين الداخلتين التي في

٣٤٦	كتاب مكابد الشيطان	٢٩٦	كتاب مقتل غيلان
٤٨١	كتاب المكتوم في اسرار النجوم		كتاب مقتل محمد بن ابي بكر و الاثرو
٤٠٥	كتاب المكروهات	١٥٧	محمد بن ابي حذيفه
٧٣	كتاب المكمل	١٧١	كتاب مقتل يزيد بن عمرو بن هبيرة
١٢٨	كتاب المكنون والمكتوم	١٧٦-١٠٥	كتاب المقتنى
١٨٥-١٧٣-٩	كتاب مكة	٣٩٦	كتاب المقدمات
١١٨	كتاب المكهم في النحو	٣٥٩	كتاب المنصد
	كتاب مكة و اخبارها و جبالها و اوديتها	١٤٠-٥٨	كتاب مقصور و ممدود
١٨٤			كتاب المقصور و الممدود ٨٨-٩٥-١٠٠-
	كتاب مكة و اخبارها في الجاهلية و الاسلام	١٠١-١٠٢-١٠٧-١١٤-١٢٠-	
١٨١		١٢٣-١٢٦-١٣٧-١٣٨-١٤١-	
٣٦٢-٩٣	كتاب مكة و الحرم	٢٢٣-٢٢٢-١٤٣	
٤٠٩-٣٦٣-٣٥٩	كتاب الملاحم		كتاب المقصور و الممدود اوجود ١٤١
١٠٥	كتاب الملاحن		كتاب المقصور و الممدود خزاز ١٣٨
٩٣	كتاب الملاص		كتاب المقصور و الممدود محمد بن قاسم
٦٣٣	كتاب الملاطيس	١٢٦	
٦٣٧	كتاب الملاغم البرانية	١٦٣	كتاب المقطعات
٦٣٧	كتاب الملاغم الجوانية	١٦٧	كتاب مقطعات الاعراب
٣٦٢	كتاب الملاهي	١٧٣	كتاب المقطعات المتحيرات
٩٣	كتاب الملاويات	١١٢	كتاب مقطوع القران و موصوله
٦٣٨-١٨٠-١٣٨	كتاب الملح	١٣٧	كتاب المقنع
٣٥٢	كتاب الملح و المحققين	١٣٨	كتاب المقنع في النحو
٦٤٠	كتاب الملك	٤٩٢	كتاب المقياس
	كتاب ملك بابل الصالح و ابليس كيف احتال	٤٩١	كتاب المقياس للزوال
٥٤٣	له و اغواء	١٧٠	كتاب المقيينات
	كتاب الملك البابلي و ملك المصري الباغيين	٣٩٨-٣٨٨	كتاب المكاتب
٢٤٢	و الملك الحكيم الرومي	١٩١	كتاب مكاتبات الاخون بالشعر
	كتاب الملك ذي الشيبة و ماجرى بينه و بين	٣٤٦	كتاب مكارم الاخلاق
	وزرائه و اهل مملكته من المحاوراة	٤٠٧	كتاب المكاسب
٥٥٩		٣٠٠	كتاب المكامنه

٢٤٤ كتاب المنادمين
 ١٦٣ كتاب منار اليمن
 ٥٦٢ كتاب المنازل السبعة
 كتاب منازل العرب و حدودها و اين كانت
 محلة كل قوم و الى اين انتقل منها ٢٠٩
 كتاب المناسك ٥٨-٣٤٧-٣٦٠-٣٦٢-
 ٣٧٨-٣٨٥-٣٨٨-٣٨٩-٣٩٨-
 ٤١٣-٤١٤-٤١٥-٤١٢-٤١٧-٤٤٩
 كتاب المناسك احمد بن حنبل ٤١٧
 كتاب مناظرة سيبويه للمبرد ١٠٧
 كتاب مناظرتيه للبحترى ٢٥٠
 كتاب مناظرتيه للشكاك بحضرة جعفر ٤٠٩
 كتاب مناظرات العلماء و مقاضاتهم ٦٤٢
 كتاب المنافرة ١٧٦
 كتاب المنافرات ٩٣-١٥٩-١٦١-١٧٣
 كتاب المنافرات بين القبائل و اشراف
 المشائروا قضية الحكم بينهم ١٨٨
 كتاب المنافع ٦٣٨
 كتاب منافع الاطعمة و الاشربة و العقاقير
 ٥٢٧
 كتاب منافع الاعضاء ٥١٨
 كتاب منافع اعضاء الحيوان ٤٧٦
 كتاب المنافع التي تستفاد من اعضاء الحيوان
 ٥٢٩
 كتاب المناقب ١٣١-٤٠٦-٤١٦
 كتاب مناقب باهله ٩٣
 كتاب مناقب بنى العباس ٨٩
 كتاب مناقب حنيد الخلافة و فضائل الاتراك
 ٣٠٨
 كتاب مناقب علي بن محمد بن قرات ٢٤٩

كتاب الملك الذي اشار عليه احد وزرائه
 بالنوم و الاخر باليقظة ٥٦٠
 كتاب الملك الراكب القصبه ٥٤٣
 كتاب ملك صالح من الملوك فيه جماع
 رؤس امور الملوك التي تدور عليها سياستها
 ٥٥٩
 كتاب الملك العيار و ابنة عمه ٥٤٥
 كتاب الملك المصلح و الوزير الممين ٢٤٢
 كتاب ملك من الملوك الخاليه الى ابنة في-
 التأديب ٥٥٩
 كتاب ملك الهند القتال و السباح ٥٤٢
 كتاب الملك و الضريقتن و الوزراء ٥٦٠
 كتاب الملك و المرثة التي علقها بين السماء
 و الارض يستظل تحتها الف فارس ٥٦٠
 كتاب مليكه و نعم و ابن الوزير ٥٤٣
 كتاب الملوك ٩١-٤٨٤
 كتاب ملوك الطوائف ١٦٢
 كتاب ملوك كنده ١٦٢
 كتاب الملوك و الامم السالفة و الباقيه ٣٠٩
 كتاب الملوك و اخبار الامم ١٨٠
 كتاب الملوك و اخبار الماضين ١٥٢
 كتاب الملوك و الدول و القرانات و التحاويل
 ٤٨٦
 كتاب ملوك اليمن من التباينه ١٦٢
 كتاب ملهى و تعلق ٥٤٢
 كتاب الممادح و المقابح ١٠١
 كتاب المنادمات ٢٣٤
 كتاب منادمة الاخوان و تسامر الخلان ٢٣٤
 كتاب المناديه و اختلاف الخلفاء و الامراء
 ٢٥١

- ٢٤٢ كتاب المنثور والمنظوم
 ٤٠٠ كتاب المنجح
 ٥٥٧ كتاب منحول الفراسه
 ١٦٣ كتاب المنذر ملك العرب
 ٣١٥-٢٩٣ كتاب المنزلة بين المنزلتين
 ١٤٦ كتاب المصنف في التصريف
 ٢٥٦ كتاب منصوبات الشطرنج
 ٥٣١ كتاب المنصوريه
 ١٤٠ كتاب المنضد في اللغة
 ٢٠٥-٢٠٠-١٤٣-٩٥-٣٠٠ كتاب المنطق
 ١٦٢ كتاب منطق الطير
 ٤٩٤ كتاب المنفصلات والمتوسطات
 ٤٧٣ كتاب منفعة الجيل
 ١٤٠ كتاب المنقذ في الايمان
 ٣١٥ كتاب المنقولين
 ٢٢١ كتاب المنير
 ١٧٦ كتاب من استجيب دعوته
 ١٧٣ كتاب من استجيبت دعوته
 كتاب من الاصول في الرواية على مذهب
 ٤٠٣ الشيعة
 كتاب من افترض من الاعراب في الديوان
 ١٧٢ فندم وقال شعرا
 ٢٤٢ كتاب من انشد شعراء فاجيب بكلام
 كتاب من بلغه موت رجل فتمثل بشعرا وكلام
 ١٧٢
 ١٧٠ كتاب من تزوج في ثقيف
 كتاب من تزوج من الموالى من العرب
 ١٦٧
 كتاب من تزوج من الاشراف من كلب ١٧٠
- ١٧٥ كتاب مناقب قریش
 ٢٣١ كتاب مناقب الكتاب
 ٢٤٦ كتاب المناقضات
 ٢٤٨ كتاب مناقضات الشعراء
 كتاب مناقضات الشعراء و اخبار النساء
 ١٧٠
 كتاب مناقضات من زعم انه لا ينبغي ان يقتدى
 القضاء في مطاعهم بالائمة و الخلفاء
 ٢٤٧-٢١٠
 كتاب مناقضة الجاحظ في كتابه في فضيلة
 الكلام
 ٥٣٣
 ١٦٢ كتاب المناقلات
 ١٧٠-١٦٥ كتاب المناكح
 ١٨٠ كتاب مناكح آل المهلب
 ١٦٢ كتاب مناكح ازواج العرب
 ١٦٩ كتاب مناكح زياد وولده ودعوته
 ١٧٠ كتاب مناكح الفرزدق
 ١٧٥ كتاب مناكح المهلب
 كتاب المناهل و الاعطان و الحنين الى -
 الاوطان
 ٢٥٥
 ١٣٢ كتاب المناهل والقرى
 ٢٢٩ كتاب منية الكتاب
 كتاب المنتحل من اقاويل المنجمين في -
 الاخبار و المسائل و المواليد و غيرها
 ٤٩٣
 ٢٢٧ كتاب المنتهى في الكمال
 ٤١٩ كتاب المنتمين
 كتاب المنتمين من السياح و العباد و المتصوفين
 ٣٤٨
 ٤٩٦ كتاب المنثور

- كتاب من نسب الى امه ١٧٢
 كتاب من نسب الى امه من الشعراء ١٧٢
 كتاب من نسج بيتا فتيزيه و من نسج بيتا
 فنسب اليه الكندي ٢٨٥
 كتاب من ندم على المديح و من ندم على الهجاء
 ١٧٢
 كتاب من نهيت عن تزويج رجل فزوجته
 ١٧٠
 كتاب من وصف امرئة فاحسن ١٧٠
 كتاب من وقف على قبر ١٧٢
 كتاب من وقف على قبر فتمثل بشعر ١٧٢
 كتاب من هادن اوغزا ١٧٢
 كتاب من هجاها زوجها ١٧٠
 كتاب من هاجر و ابوه ١٦٣
 كتاب المنى ٥١٨-٦٣٨
 كتاب من يكره منا كحته ٣٦٣
 كتاب موايد العارفين ٣٥٨
 كتاب موادعة التوبه ١٧٢
 كتاب الموارد ٣٦٢-٣٨٨
 كتاب موارد الحكماء ٢٣٤
 كتاب الموازنة بين ابي تمام و البحتري ٢٥٥
 كتاب الموازين ٣٦٩
 كتاب المواسم ١٦٧
 كتاب المواصلات في الاخبار و المذاكرات
 ١٠٦
 كتاب مواطن العباد ٣٤٨
 كتاب المواعظ ٣٤٧
 كتاب مواعظ العارفين ٣٤٧
 كتاب المواعظ و ذكر الموت ٢٢١
 كتاب المواقيت ٣٩٧
 كتاب من تزوج في ثيف من قريش ٧٠
 كتاب من تزوج من نساء الخلفاء ١٧٠
 كتاب من تشبه بالرجال من النساء ١٧٢
 كتاب من تمثل بشعر في مرضه ١٧٢
 كتاب من جرد من الاسراف ١٧٣
 كتاب من جمع بين اختين و من تزوج ابنة
 امراته و من جمع اكثر من اربع و من
 تزوج مجوسيه ١٧٠
 كتاب من سمى باسم ابيه من العرب ١٧٢
 كتاب من سمى بيت قاله ١٧٦
 كتاب من سمى من الشعراء عمر في الجاهلية
 و الاسلام ٢١١
 كتاب من شكت زوجها اوشكاه ١٧٠
 كتاب من شكر من العمال و حمد ٩٤
 كتاب من فخر باخواله من قريش ١٦٣
 كتاب من فضل الاعرابيات على الحضريات
 ١٧٢
 كتاب من قال بتعذيب الاطفال ٣٠١
 كتاب من قال بيتا من الشعر فنسب اليه ١٦٣
 كتاب من قال بيتا فنسب اليه ١٦٢
 كتاب من قال شعرا على البديهة ١٧٢
 كتاب من قال شعرا فاجيب بكلام ١٧٢
 كتاب من قال شعرا في الاوابد ١٧٢
 كتاب من قال شعرا فسمى به ١٧٢
 كتاب من قال في الحكومة عن الشعراء ١٧٢
 كتاب من كتب له النبي كتابا و امانا ١٦٩
 كتاب من كره منا كحته ١٧٠
 كتاب من لا يحضرهم طبيب ٥٢٠
 كتاب من لا يحضره طبيب ٥٢٧
 كتاب من ميل عنها زوجها ١٧٠

- ١٨٣ كتاب الموقيات في الاخبار
 ٣٤٦ كتاب الموقف
 كتاب مولد الحسن والحسين ومقتل الحسين
 ١٦٥
 ٢٤٢ كتاب المؤلفين
 ٥١٨ كتاب المولودين لسبعة اشهر
 ٥٢٥ كتاب المولودين لثمانية اشهر
 كتاب المؤمل بن الشريف والصورة ومظنون
 الجنى
 ٥٤٥
 ١٩٧ كتاب المومل والمهيب
 ٣٤٢-١٩٣ كتاب المونس
 ٢١٧ كتاب المؤنق
 ١٦١ كتاب المؤودات
 ٥٤٤ كتاب مؤيس وذكيا
 كتاب مهاجات عبد الرحمن بن حسان -
 للنجاشي
 ١٧٢
 ٦٣٩ كتاب المهجة
 ١٧٣ كتاب المهذب
 ٥٤٤ كتاب المهذب ولذه
 ١٩٧ كتاب مهران زاد وجشنش
 كتاب مهران وحسيس الفرمدار الى بزرجمهر
 بن المنكان
 ٥٥٩
 ١٨١ كتاب المهلب واخباره واخبار ولده
 ٤٩٢ كتاب الميالات
 ٩٥ كتاب المياه
 ٩٦ كتاب مياه العرب
 ٣٥٣-٣٢٨ كتاب الميدان
 ٦٤٠ كتاب ميدان العقل
 ١٧٥ كتاب الميدان في المثالب
 ٥٣٩-٣٢٨ كتاب الميزان
 ٣٦٣ كتاب مواقيت الظهر والعصر
 ٩٣ كتاب الموالي
 كتاب الموالي ٤٨٢-٤٨٤-٤٨٧-٤٩٢
 ٤٩٤-٤٩٥-٤٩٦-٤٩٨
 ٤٩٥ كتاب الموالي ابن خضيب
 ٤٩٢ كتاب الموالي ابوسهل نوبختي
 ٤٩٧-٤٩٣ كتاب الموالي الصغير
 ٤٨٥ كتاب الموالي على الوجوه والحدود
 ٤٩٣-٤٩٢-٤٨٧ كتاب الموالي الكبير
 ٤٩٧
 ٤٩٥ كتاب الموالي وتحويل سني الموالي
 ٦٣٨ كتاب المواهب
 كتاب مؤيدان مؤيد في الحكم والجوامع و
 الاداب
 ٥٥٩
 ١٧٦ كتاب المؤلف والمختلف في النسب
 ٣٣٩-٣٣٦-١٣٧-١٠٥ كتاب الموجز
 ٥٧ كتاب موجز التاويل عن معجز التنزيل
 ١٣٤ كتاب الموجز في النحو
 ٥٤٢ كتاب مورويانوس في الادب
 ٤٧٣ كتاب الموسيقى الصغير
 ٤٨٥-٤٧٣ كتاب الموسيقى الكبير
 ٢٤٢-١٧٦-١٤٣ كتاب الموشا
 ١٩٧-١٧٦-١٤٤-١٢٨ كتاب الموشح
 ٢٨٥-٢١٨
 ٣٦٣ كتاب الموضع
 ٤٠٠ كتاب الموضع جوابات كتاب المزني
 ٥٨ كتاب الموضع في القران ومعانيه
 ١٢٦ كتاب الموضع في النحو
 ٣٦٩ كتاب الموطا
 ١٢٥ كتاب الموقفي - في النحو

- كتاب النرد و اسبابها واللعب بها ٢٥٦
 كتاب النرد والشطرنج ٣٠٩
 كتاب نزول العرب بالسواد وخراسان ١٦٧
 كتاب النزء ١٩١
 كتاب نزهة القلوب ٤٧٣
 كتاب نزهة القلوب و زاد المسافر ٢١٥
 كتاب النساء ٣٦-١٣١-١٦٧-١٦٨
 كتاب النساء والنزل ١٣١-٢٤٧
 كتاب النساء وما جاء فيهن من الخير ومحاسن ما قيل فيهن من الشر والكلام الحسن ٢٣٨
 كتاب النسب ٩٦-١٢٠-١٦٠-١٧٦
 ١٨٥
 كتاب نسب آل ابيطالب ١٦٤
 كتاب نسب الاخض بن شريق الثقفي ١٧٥
 كتاب نسب بنى تميم بن مره ١٦٤
 كتاب نسب بنى زهره بن كلاب ١٦٤
 كتاب نسب بنى عبدشمس بن عبدمناف ١٦٤
 كتاب نسب بنى عبدالدار بن قصي ١٦٤
 كتاب نسب بنى عدى بن كعب بن لوى ١٦٤
 كتاب نسب بنى فقمس بن طريف بن اسدين خزيمه ١٧٥
 كتاب النسبة والولاء ٣٦٢
 كتاب نسبة السنين ٥٠٣
 كتاب نسب تغلب بن وائل ١٧٦
 كتاب نسب الخيل ١١٧
 كتاب نسب خندف و اخبارها ١٥٩
 كتاب نسب سعد بن عدنان ١٦٤
 كتاب نسب طى ١٦٧
 كتاب نسب عبد شمس ١٨٩
 كتاب نسب قريش ١٦٤-١٨٢
- كتاب نسب قريش و اخبارها ١٦٩-١٨٢
 كتاب النسب الكبير ١٥٩-١٦٢-١٧٤-١٨٢
 ١٨٢
 كتاب نسب كنانه ١٧٥
 كتاب نسب النمر بن قاسط ١٧٦
 كتاب نسب ولد ابي صفرة و المهلب و ولده ١٧٥
 كتاب نسب ولد اسماعيل بن ابراهيم ١٦٨
 كتاب نسب ولد العباس ١٦٤
 كتاب النسيب ١٧٤-١٨٠٠
 كتاب نسخ العهود الى القضاة ٣٢١
 كتاب نشوة النهار فى اخبار الجوار ٢٢٢
 كتاب نشوة النهار و معاقره العقار ٢٥٣
 كتاب النشوز ٣٩٨
 كتاب النشوز والخلع ٣٦٢-٣٨٨
 كتاب نصر ٦٢
 كتاب النصرانى الذى يقول ان الحكمة حكمة كاسها ٦٣٥
 كتاب النصره لسيبويه على جماعة النحويين ١٠٧
 كتاب النصيحة ٣٠١-٣٩٥
 كتاب النضال ٣٩٨
 كتاب النطق ١٣٧
 كتاب النظم ٦٤٠
 كتاب نظم القران ٢٢٩-٣٠٨-٤٢٢
 كتاب نظم القران لجاخط ٦٥
 كتاب نظم القران لابن اخشيد ٦٥
 كتاب نظم القران لابي على ٦٦
 كتاب نعت الحكمة فى اصول الفقه ٤٠٠

كتاب نقض على ارسطاليس في الكون و
 الفساد ۳۲۴
 كتاب نقض علل النحو ۱۳۷
 كتاب نقض كتاب اجتهاد الراى على ابن
 الراوندى ۳۳۱
 كتاب نقض كتاب الاراده صفة في الذات
 ۳۲۱
 كتاب نقض كتاب ابن الروندى في الامامه
 ۴۳۱
 كتاب نقض كتاب ابن شبيب في الارحاء
 ۳۰۳
 كتاب نقض كتاب ابن شبيب في الوعيد ۳۱۲
 كتاب نقض كتاب ابى بشر في ايضاح البرهان
 ۳۲۲
 كتاب نقض كتاب ابى عيسى في الغريب -
 المشرقى ۳۳۱
 كتاب نقض كتاب التاج على الراوندى ۳۳۱
 كتاب نقض كتاب الرازى في انه لا يجوز ان
 يفعل الله تعالى بعد ان كان غير فاعل ۳۲۵
 كتاب نقض كتاب الراوندى على النحويين
 ۱۰۷
 كتاب نقض كتاب الزمرد على نفسه ۳۱۸
 كتاب نقض كتاب عبث الحكمة على الراوندى
 ۳۳۱
 كتاب نقض كتاب عبيد الله الكاتب لرسالة
 الشافى ۳۹۳
 كتاب نقض كتاب المدلسين على الكرايسى
 ۳۸۳
 كتاب نقض كتاب الوجود لمنصور بن طلحه
 ۵۳۴

كتاب نعت الحكمة لسفاه الله في تكليف خلقه
 امره و نهيه ۳۱۷
 كتاب نعت الغنم ۹۵
 كتاب نعت المشافهات ۹۵
 كتاب النعوت ۶۳۸
 كتاب النعيم ۳۱۲
 كتاب نعيم اهل الجنة ۳۰۳
 كتاب النغم ۴۸۰-۲۳۹-۷۶
 كتاب النغم والايقاع ۲۴۴
 كتاب النغم والايقاع و عدمهاله ۲۳۴
 كتاب نقائص الحكم ۲۲۷
 كتاب النفس ۵۳۴-۴۶۴-۴۶۳-۴۶۲
 ۴۵۹-۴۶۰-۴۶۱
 كتاب النفقات ۳۸۱-۳۷۹
 كتاب النفقات على الاقارب ۳۸۱
 كتاب النقائص ۱۱۹-۹۳
 كتاب نقائص جرير والفرزدق ۱۷۶
 كتاب نقائص جرير بن عمر بن لجا ۱۷۶
 كتاب نقد الشعر ۲۱۵
 كتاب النقد ۶۳۸
 كتاب النقرس وعرق المدينى ۵۳۳
 كتاب نقض الامامه على ابى على ۳۳۲
 كتاب نقض رسالة الشافى ۳۳۰
 كتاب نقض الدامع ۳۱۸
 كتاب نقض الطب ۳۰۸
 كتاب نقض العباسيه ۳۶۵
 كتاب النقض على الخليل وتقليطه في كتابه
 العروض ۱۲۱
 كتاب النقض على الخالدى في الارحاء ۳۲۲
 كتاب النقض على الكيال في الامامه ۵۳۳

- كتاب نقض كلام الراوندى فى ان الجسم لا
 يجوز ان يكون مخترعا من لاشئ ونقضه
 لنقض الرازى لكلام البلخى على الرازى
 ٣٢٥
 كتاب النقض لكتاب الحسين النجار ٣١٢
 كتاب نقض مسائل ابن شنبوذ ١٢٧
 كتاب نقض المرجان ٣١٨
 كتاب نقض نقض البلخى للعلم الالهى ٥٣٣
 كتاب نقض نقض كتاب التدبير ٥٣٣
 كتاب نقضه على سهيل البلخى فيما ناقصه به
 من اللذة ٥٣٣
 كتاب النقطة والشكل ٧٦-٨٨-٩٩
 كتاب نقل اعتبار الحكم و تعقيب المواضع
 لثا مسطويوس ٤٧٥
 كتاب نقل القران ٣٢٢
 كتاب نقل كتاب البرهان النفس ٤٧٥
 كتاب نقل كتاب تفسير الاسكندر لكتاب -
 السماء ٤٧٥
 كتاب نقل كتاب الكون و الفساد بتفسير -
 الاسكندر ٤٧٥
 كتاب نقل كتاب الشعر النفس ٤٧٥
 كتاب نقل سوفسطيكا النفس ٤٧٥
 كتاب نقله اسحاق بن على بن سليمان للفرس
 فى علاج مائر الدواب والخيل و البغال
 و البقر والغنم و الابل و معرفة تمنها و
 سومها ٥٥٨
 كتاب النكاح ٣٩٨-٣٧٧-٣٦٢-١٩٧
 ٤٠٦
 كتاب النكاح لحسن بن محبوب ٤٠٦
 كتاب نكاح الممالك ٣٦٣
 كتاب النكت ٣٠٠-٣٣٦-٤٠٠-٤٩٦
 كتاب نكت الرموز ٦٤١
 كتاب نكت سيويه ١٠٧
 كتاب النكت والجواباب على المناهيه ٣١٨
 كتاب النكد ١٦٧-١٧٣
 كتاب النمودار فى الاعمار ٤٨٦
 كتاب النمر والشعب ١٩٨
 كتاب نمرود ملك بابل ٥٤١-٥٤٣
 كتاب التميمية ٤٧٦
 كتاب النوادر ٨٨-٨٤-٨٣-٨١-٨٠
 ١١٤-١٠٤-٩٩-٩٧-٩٦-٩٥-٩٢
 ١٦٧-١٥٩-١٢٨-١٢٢-١١٧-١١٥
 ٤٠٥-٣٨٣-٣٦٣-٣٦٠-٣٤٦-١٧٣
 ٤٠٦-٤٠٦
 كتاب النوادر لابي عمرو والعلاء ١٤٧
 كتاب النوادر لابي عمرو والشيبانى ١٤٧
 كتاب النوادر الكبير ٧٤-١١٢-١١٦
 كتاب النوادر الاوسط ١١٢
 كتاب النوادر الاصغر ١١٢
 كتاب النوادر الصغير ٧٤
 كتاب النوادر لاموى ٨٤
 كتاب النوادر لدهمج ٨٠
 كتاب النوادر - ويمرف بحروف الجيم ١١٦
 كتاب النوادر فى الفقه ٣٧٢
 كتاب النوادر المتحجرة ٢٣٤
 كتاب النوادر والاخبار ٢٢٩
 كتاب النوادر والمصادر ٨٣
 كتاب النوادر والمضاحيك ٢٥٣
 كتاب النوادر والشوارد ٢٥٥
 كتاب النوادر فى فنون شتى ٢٢٩

۲۵۰	کتاب نوادر القواد	۱۴۷	کتاب توادر الاصمعی
۶۳۵	کتاب نوادر الفلاسفة فی الصنعة	۱۴۷	کتاب نوادر ابی زید
۵۵۶	کتاب نوادر حجا	۱۴۷	کتاب نوادر الکسائی
۵۵۶	کتاب نوادر ابی ضمضم	۱۴۷	کتاب نوادر ابن الاعرابی
۵۵۶	کتاب نوادر ابن احمر	۱۴۷	کتاب توادر القراء
۱۷۱	کتاب نوادر قتیبة بن مسلم بخراسان	۱۴۷	کتاب نوادر اللحيانی
۱۴۸	کتاب نوادر ابن المضر حی	۱۴۸	کتاب نوادر ابی مسحل
۱۴۸	کتاب نوادر ابی الیقظان	۱۴۸	کتاب نوادر ابی محمد الیزیدی
۱۴۸	کتاب نوادر التوزی	۱۴۸	کتاب نوادر ابی شنبلی
۵۶۰	کتاب نوادر میمون بن میمون فی الادب	۱۴۸	کتاب نوادر دهمج
۲۵۲	کتاب نوادر العلماء والخصیان	۱۴۸	کتاب نوادر الاموی
۳۷۸	کتاب نوادر الصلوة	۱۴۸	کتاب نوادر الاثرم
۳۷۹	کتاب نوادر محمد	۱۴۸	کتاب نوادر الدیرین لابن اعرابی
۱۸۳	کتاب نوادر المدینین	۱۴۸	کتاب نوادر بنی قعس لابن اعرابی
۲۵	کتاب نوادره و اشعاره	۱۴۸	کتاب نوادر ابن السکیت
۲۵۱	کتاب نوادره و امالیه	۹۶	کتاب نوادر الاعراب
۵۲۶	کتاب نوادر الیونانیین	۵۵۶	کتاب نوادر ابن یعقوب
۱۶۲-۱۶۷	کتاب النواقل	۵۵۶	کتاب نوادر ابن الموصلی
۱۶۰	کتاب نواقل العرب	۵۵۶	کتاب نوادر بن علقمه
۲۴۴	کتاب النواحی فی اخبار البلدان	۵۵۶	کتاب نوادر ابی عبید الحزمی
۲۴۴	کتاب النواحی فی الارض	۵۵۶	کتاب نوادر سورة الاعرابی
۹۳	کتاب النواشز	۵۵۶	کتاب نوادر سیفویه
۹۳	کتاب النواکح	۱۱۷	کتاب نوادر بنی قعس
۱۷۰	کتاب النواکح والنواشز	۱۱۷	کتاب نوادر الدیرین
۶۳۷	کتاب النور	۳۰۸	کتاب نوادر الحسن
۶۰۳	کتاب النور والظلمة	۱۷۴	کتاب نوادر الشعر
۳۵۸	کتاب نور النور	۱۳۲	کتاب نوادر الجبر
۳۶۳	کتاب نور الیقین ونصرة المارفین	۳۳۴	کتاب نوادر التفسیر
۲۳۸	کتاب النوروز والمهرجان	۱۸۳	کتاب نوادر اخبار النسب
۵۶۰	کتاب النوم والیقظة	۲۵۰	کتاب نوادر الحوصی

۱۶۵	کتاب وفاة النبي	۳۰۸	کتاب الوکلاء و الموکلین
	کتاب وفاة معاوية و ولاية ابنه يزيد و وقعه	۴۰۰-۳۷۸	کتاب الولاء
۱۵۷	الحره و حصار ابن الزبير	۱۷۰	کتاب الولائم
	کتاب الوفاق بين راي الفلاسفة و النصارى	۳۹۸-۳۸۸	کتاب الولاء و الحلف
۴۷۷		۱۶۷	کتاب ولاة الکوفه
۱۶۹-۱۶۲	کتاب الوفود	۵۲۰	کتاب الولادة
۱۸۳	کتاب وفود النعمان على كسرى	۱۷۱	کتاب ولاية نصر بن سيار
۱۶۳	کتاب وقائع الضباب و فزاره	۱۷۱	کتاب ولاية اسد بن عبدالله القسرى
۱۷۹	کتاب وقعه صفين	۳۸۸	کتاب الولیمة
۴۲۷-۳۱۸	کتاب الوقف	۵۰۴-۵۰۳	کتاب الوصايا
۶۲	کتاب الوقف و الابتداء - حمزه	۵۰۳	کتاب الوصايا ابو يوسف
۶۲	کتاب الوقف و الابتداء الفراء	۱۳۲-۳۶۲-۳۷۷-۳۷۸	کتاب الوصايا
۶۲	کتاب الوقف و الابتداء خلف	۳۷۹-۳۸۱-۳۸۳-۳۸۸-۳۹۸-۴۰۷	
۶۲	کتاب الوقف و الابتداء ابن معدان	۴۲۵	
۶۲	کتاب الوقف و الابتداء ضرار بن صرد	۵۳۰	کتاب وصايا الاطباء
۶۲	کتاب الوقف و الابتداء الدورى	۴۶۱	کتاب وصايا فيثاغورس الذهبية
۶۲	کتاب الوقف و الابتداء هشام بن عبدالله	۳۹۸	کتاب الوصايا فى الحساب
		۴۰۴	کتاب الوصايا و الفرائض
	کتاب الوقف و الابتداء عبدالرحمن اليزيدى	۳۹۱	کتاب الوصايا و حساب الدور
۶۲		۱۶۲	کتاب وصايا العرب
	کتاب الوقف و الابتداء ابن الانبارى	۳۱۵	کتاب الوصية
۶۲		۲۲۹	کتاب وصيته
	کتاب الوقف و الابتداء ابن كيسان	۶۳۵	کتاب وصيته الى الله فى الصنعة
۶۲	کتاب الوقف و الابتداء جمدى	۳۸۹	کتاب وصية الحامل
	کتاب الوقف و الابتداء سليمان بن يحيى	۳۲۸	کتاب الوصية و الرد على من انكرها
۶۲		۳۶۲	کتاب الوطى بالملك
۵۸-۸۸-۱۰۶	کتاب الوقف و الابتداء	۳۱۴-۳۰۸-۳۰۰-۲۹۹	کتاب الوعيد
	۱۱۴-۱۲۵-۱۳۷-۱۴۶	۴۳۱-۲۹۶	کتاب الوعد و الوعيد
۱۱۰	کتاب الوقف و الابتداء الكبير	۲۹۸	کتاب الوعيد على المجبرة
۱۱۰	کتاب الوقف و الابتداء الصغير	۴۰۷	کتاب الوفاء

٦٣٨-٣٦٤ كتاب الهدى
 ١٩٨ كتاب الهذليه والمخزومي
 كتاب الهرج والمرج في اخبار المستعين و
 المعترز ٢٤٤
 ٦٣٦ كتاب هرقل الاكبر
 كتاب هرمس في النشر و التعاويذ و العزائم
 ٥٥٤
 ٦٣٣ كتاب هرمس الي ابنه في الصنعة
 ٥٤٠ كتاب هزارافسانه
 ٥٤١ كتاب هزارداستان
 ١٣٧ كتاب الهشاشة و البشاشة
 ٦٣ كتاب هشام بن عمار
 ٤٠٣ كتاب هشام بن سالم
 كتاب هل كثرة شرب الدواء في الولاة نافع
 ٥٢٠
 ٥٦٢ كتاب الهليلجة
 ١٩٩ كتاب الهليلجة في الاعتبار
 ٣٤٦-٦٣٩ كتاب الهمة
 كتاب الهمج و الرعام و اخلاق العوام -
 ٢٥٢
 ٣٤٦ كتاب الهم والحزن و الكمد
 ١٤٣ كتاب الهمز
 ٩٥-٩٢ كتاب الهمز
 ٩٥ كتاب الهمز - اصمى
 ٢٥٠ كتاب هندسة العقل
 ٥٤٢ كتاب الهند في قصة هبوط ادم
 ٥٤٤ كتاب هند وابنة النعمان
 ٥٠٤ كتاب الهندي
 كتاب الهنديين الجواد والبخيل والاحتجاج
 بينهما وقضاء ملك الهندي في ذلك ٥٦٠

٩١ كتاب وقف التمام
 ٥٧ كتاب الوقوف
 ٣٧٩ كتاب الوقوف والصدقات
 ٣٩٨ كتاب ... والمعدن

هاء

٥٧-٥٥ كتاب الهات
 ١١٢ كتاب الهات المكنى بها في القران
 ١٢٧ كتاب الهات في كتاب الله عز وجل
 ٤٠٠ كتاب الهادي
 ٥٤٢ كتاب هابل في الحكمة
 ٦٣٣ كتاب الهاريطوس
 كتاب الهاريطوس في نيران اشجار و
 الثمار والادمان والحشائش ٥٥٤
 ١٩٧ كتاب الهاشمي
 ١١٢-١٢٥-١٢٧-١٣٧ كتاب الهجاء
 ١٣٨-١٠٨-١٠٧-١٠٠-١٤٠
 ١٦٩ كتاب هجاء حسان لقريش
 ٣٦٢ كتاب الهبة
 ٣٩٨-٣٧٨ كتاب الهبة والصدقات
 ٥٥٦ كتاب هبة الله
 كتاب هبوط ادم وافتراق العرب و نزولها
 منازلها ١٦٧
 ٢٨٥-٢٤٧-٢٤٢-٢٢١ كتاب الهدايا
 ٣٠٨
 ٣٦٤ كتاب الهدايه
 ١٠٦ كتاب الهداية شرح الجرمي
 ١٤٥ كتاب الهداية وهو شرح الجرمي

كتاب يحتوى على ستة كتب فى الرد على -
 الملحدين ٣١٤
 كتاب يحتوى على ارساده و رسائل الى
 جماعة فى الارصاد ٤٩٤
 كتاب يحتوى على عشرين كتابا اول و ثانى
 و ثالث على الولاء نسخة الاقدام التى
 يكتب بها كتب الصنعة و المسحر ٦٤١
 كتاب يحيى بن الحارث ٦٣
 كتاب يحيى بن حارث النمارى ٦٤
 كتاب يحيى بن زيد ١٥٨
 كتاب يحيى بن عبدالله بن الحارث ١٦٩
 كتاب يذكر فيه اولاد ابليس و تفرقهم فى -
 البلاد و ما يختص به كل جنس منهم فى
 العلل و الارواح و الاستهلاكات و الافعال
 و انساب الجن ٥٥٠
 كتاب اليرقان ٥٢٠
 كتاب اليرقان والمرار ٥١٩
 كتاب يرد فيها على قوم لا يعترفون ٤٦٤
 كتاب يزيد بن المهلب و مقتله بالمعر ١٥٧
 كتاب يزيد و حبايه ٥٤٣
 كتاب اليزيدى فى النقط ٦١
 كتاب يعرف بالثالث ٦٣٧
 كتاب يعرف بحديث ابن الدكاني ٥٥٧
 كتاب يعرف بخاصية نفسه ٦٤٠
 كتاب يعرف بالسابع ٤٨٣
 كتاب يعقوب بن ابى شيبه ٦٣
 كتاب يعقوب الحضرمى ٦٢
 كتاب سعى الى مريبا ٦٣٥
 كتاب اليقظة و بدو الخلق ٣٥٨
 كتاب اليقين ٣٥٨

كتاب الهوام ١٣١
 كتاب الهيئه ٦٦٨
 كتاب الهيئه و علم الحساب ٤٩٣
 كتاب الهياجات و المطوف و الحلول و
 الربوط ٦٢
 كتاب هيئه العالم ٥٣٢
 كتاب هيئه الفلك و اختلاف طلوعه ٤٩٧
 كتاب هيئه القلب ٥٣٣
 كتاب هيئه العين ٥٣٣
 كتاب هيئه السماخ ٥٣٣
 كتاب هيئه الكبد ٥٣٣
 كتاب الهبولى ٤٧٧
 كتاب الهبولى الكبير ٥٣٣
 كتاب الهبولى المطلقة و الجزئية ٥٣٣
 كتاب الهوش و النوش ٩٤
 كتاب هو هو ٣٥٨
 كتاب الهياكل و العالم و العالم ٣٥٨
 كتاب الهياكل السبعه ٥٦٢
 كتاب الهيلاج ٤٩٧
 كتاب الهيلاج و الكدخداء ٤٩٣
 ي
 كتاب الياآت ٥٧-٥٥
 كتاب اليأس و الرجاء ١٩٧
 كتاب الياقوت فى اللغة ١٢٧
 كتاب الينيمة ١٩٦
 كتاب يحتوى على ثلاثة عشر كتابا فى الرد
 على المشبهه ٣١٤

كتاب يوم الغول يوم الظهر يوم ارمام	كتاب اليقين على برغوث في المخلوق ٣٠٣
يوم الكوفة غزوه بنى سعد بن مناة يوم	كتاب اليمن وامر سيف ١٦٢
منايض ١٧٧	كتاب اليمين مع الشاهد ٣٨٨-٣٦٢
كتاب يوم وليه ٣٦٥-٣٦٣	كتاب يوسع بن نون ٣٩
كتاب يهوسع ٣٨	كتاب يوم سنبل ١٧١
	كتاب يوم سنيف ١٦٣

فهرست اجزاء کتاب

۲۵۹-۴	مقاله چهارم	۱	نخستین جزء
۲۵۹-۴	فن اول	۶۸	دومین جزء با نمونه خط مصنف
۲۶۵-۴	فن دوم	۱۴۹	سومین
۲۸۹-۵	مقاله پنجم	۲۵۸	چهارمین
۲۸۹-۵	فن اول	۲۸۸	پنجمین
۳۲۶-۵	فن دوم	۳۶۷	ششمین
۳۳۵-۵	فن سوم	۴۳۲	هفتمین
۳۴۰-۵	فن چهارم	۵۳۸	هشتمین
۳۴۲-۵	فن پنجم	۵۶۳	نهمین
۳۶۸-۵	مقاله ششم	۶۲۹	دهمین
۳۶۸-۵	فن اول	۳	مقدمه مؤلف
۳۷۲-۵	فن دوم	۷-۳	مقاله اول
۳۸۶-۵	فن سوم	۷-۳	فن اول
۳۹۷-۵	فن چهارم	۳۷-۳	فن دوم
۴۰۲-۵	فن پنجم	۱۴-۴	فن سوم
۴۱۱-۵	فن ششم	۶۹-۴	مقاله دوم
۴۲۴-۵	فن هفتم	۶۹-۴	فن اول
۴۲۹-۵	فن هشتم	۱۰۹-۴	فن دوم
۴۳۳-۵	مقاله هفتم	۱۳۰-۴	فن سوم
۴۳۳-۵	فن اول	۱۵۰-۴	مقاله سوم
۴۷۸-۵	فن دوم	۱۵۰-۴	فن اول
۵۱۰-۶	فن سوم	۱۹۰-۴	فن دوم
		۲۳۲-۴	فن سوم

۵۶۴-۶	مقاله نهم	۵۳۹-۶	مقاله هشتم
۵۶۴-۶	فن اول	۵۳۹-۶	فن اول
۶۱۷-۶	فن دوم	۵۴۷-۶	فن دوم
۶۳۰-۶	مقاله دهم	۵۵۵-۶	فن سوم

فلاطنامه متن کتاب و فهرست آن

صحیح	غلط	سطر	صفحه
وله المنة	وله الحمد	۳۵	ده مقدمه
ابو ذکوان مؤلف کتاب معانی الشعراء	مؤلف کتاب معانی الشعراء	۰۸	۱۰۲
على المشبهة	على المشبه	۲۳	۱۳۱
کتاب القاب النمر	القاب النمر	۲۳	۱۷۶
عبد الحمید بن یحیی	عبد الحمید بن مروان	۱۴	۱۹۳
النوادر المتخيرة	النوادر المتخيرة في النوادر	۴	۲۳۴
کتاب الاختيار في النوادر	کتاب الاخبار والنوادر	۴	۲۳۴
والبة بن حباب	والبة حباب	۲	۲۳۸
الاشعار المختارة والصحيحة منها	الاشعار المختارة منها	۵	۲۵۵
کتاب لطيف في الشطرنج	کتاب نازكي در شطرنج	۸	۲۵۶
کتاب اللطيف	از قلم افتاده	۲	۳۰۱
در گذشت	گذشت	۱۸	۳۱۱
الصلوة و الصلوات	الصلوة والصلوة	۱۷	۳۵۸
جنید بن محمد بن نعیم	جنید بن نعیم	۱۸	۳۶۱
(۴) (المريد) ش نقطه ندارد	(۴) ش - نقطه ندارد	۲۹	۳۹۸
جوابات المزني	کتاب المزني	۸	۴۰۰
داشت	دارد	۳	۴۳۴
شده	گردیده	۱۰	۴۳۴
داده شده	داده اند	۲۲	۴۳۴
پيادشاهي	پياداهشي	۷۹	۴۳۷
اجازه دهند چند	اجاره چند	۲۵	۴۴۳
بنو موسى	بنو موسى	۸	۴۸۹
۱- ش (المروزان)	۱- (المروزان)	۲۶	۵۶۰
ابرها را ميراند	ابرها ميراند	۲۴	۵۸۸
زندان شاپور بود	زندان شاپور	۴	۵۹۶
اغلاط فهرست صفحه سطر			
درستون اول - از قلم افتاده	درستون اول	۵	۱۰
ابو محمد بن منصور ابو احمد محمد بن احمد	درستون دوم	۱۶	۲۶
مصطلحات	مصطلحات	۰۲	۷۸

فهرست مطالب

<p>۸ ارم</p> <p>۲۹۷ از اسحاب او (هدیل ءلاف)</p> <p>۱۲ از جمله نویسندگان قرآن</p> <p>از علماء هند که تألیفاتشان در نجوم</p> <p>۴۸۷ و طب بما رسیده</p> <p>۷۴ ازد فراغید</p> <p>۳۳۱ از قدیمیان</p> <p>۳۳۷ از کلایان</p> <p>۳۳۳ از متکلمان زیدیه</p> <p>۵۳ از مردم مدینه</p> <p>۵۴ از مردم مکه</p> <p>۵۴ از مردم کوفه</p> <p>۵۴ از مردم بصره</p> <p>۵۴ از مردم یمن</p> <p>۵۴ از مردم شام</p> <p>۵۵ از مردم بغداد</p> <p>۲۹۷-۲۹۱-۲۹۰ اساوره</p> <p>۶۱۱ اسباب پیدایش و سرکشیهای او (بابك)</p> <p>۶۱۰ اسحاقیه</p> <p>۶۱۰ ارطماسیه</p>	<p>۵۷۳ آب</p> <p>۳۴۱ اباضیه</p> <p>۶۱۰ اثرنیه</p> <p>۶۱۰ اجرعانیه</p> <p>۵۴۷ اخبار دعانویسان و شعبده بازان</p> <p>۶۱۱ اخبار خرمیان بابکی</p> <p>۴۱۱ اخبار فقهاء و اصحاب حدیث</p> <p>۶۳۰ اخبار کیمیاگران</p> <p>۱۴۱ اخبار گروهی از علماء شهرها</p> <p>۵۹۴ اختلاف مانویان در امر امامت</p> <p>آخرین کسیکه در عصر خود رئیس قاریان مدینه السلام بود</p> <p>۵۵</p> <p>۶۱۰ آدمیه</p> <p>۴۳۹ ادوار سنین - یا هزارات</p> <p>ادبیانی که روی اشعار او (ابونواس)</p> <p>کار کرده اند</p> <p>۲۶۷</p> <p>۵۷۷ اذار</p> <p>۵۸۸ اراکنه</p> <p>۶۱۰ ارباغوسیه</p> <p>۶۱۰ اربوسیه</p>
--	--

	۴۵۹	اسکندرانیان
	۳۰۱	اصحاب معان
	۳۷۳	اصحاب الرأی
	۲۶	اطومولوجیا
	۶۹	آغاز سخن درباره نحو و اخبار نحویان
	۵۱۰	آغاز سخن درباره طب
	۵۸۸	آغاز تناسل در مذهب مانی
	۶۱۰	افتخاریه
	۵۴۱	افسانه‌های فارسیان
	۲۶	افوسیفیادون
	۶۱۰	اقولیا رسطیه
	۳۳	آلان
	۶۰۹	الیانیه
	۶۱۰	انسیه
	۶۲۳	انشینیان
	۶۰۷	اهل خیفه السماء
	۶۴	اهل مدینه
	۶۴	اهل مکه
	۶۴	اهل کوفه
	۶۴	اهل بصره
	۶۴	اهل شام
	۶۱۰	اوطاخبه
		اول کسبکه در قدر و عدل و توحید
	۲۹۰	سخن راند
	۴۴۷	اولین سخنگو در فلسفه
	۵۱۱	اولین کسبکه در طب سخن راند
	۹	ایاد
	۵۷۲	ایار
	۵۷۳	ایلول
		این نسخه را بخط ابوعلی بن مقلد
	۲۰۶	خواندم
ب		
باب نزول قرآن در مکه و مدینه ۴۲		
۳۶۶	بابوشیه	
۳۳۵	بابیه حشویه	
۶۱۰	باکولیه	
۶۱۰	باقوریه	
۶۱۰	باو نظینیه	
۳۲	بربر	
۳۳	برغر	
۵۳۰	بر میگرددیم بکسا نیکه بعد از حنین بودند	
۲۴۱	بر میگرددیم بمصنفان مشهور	
۳۶	بردی	
۱۸۶	بلادر	
۳۳	بلقار	
۳۳	بلغر	
۲۰۷	بلیغ‌تر از همه مردم	
۲۰۷	بلیغانیکه بعد پیدا شدند	
۶۱۰	بتالوسیه	
۶۱۰	بقالیه	
۸۰	بنی اسد خزیمه	
۸۰	بنی عدی	
۸۰	بنی سعد	
۸۱	بنی عکله	
۵۷۵	بنات الماء	
۶۱۰	بوالنظریه	
۵۲۳	بولو نیسانس - پلوپونز	
۶۱۰	بولقانیه	
۶۲۰	بهار	

۵۷۴ تشریح ثانی
 ۵۳۲ تصنیفات رازی
 ۵۱۴ تفسیرهای جالینوس
 ۶۰۰ تفرغز

تک دانه کتابهاییکه مؤلفان آنها

۴۷۴ متفرقند
 ۵۷۲ تموز
 ۴۳۸-۳۶ توز
 ۹۲ تیم الرباب
 ۹۲ تیم قریش

ث

۳۴۰ ثعلبیان
 ۶۱۰ ثمانیه

ج

۵۹ جارودیه زیدیه
 ۸ جرهم
 ۶۰۴ جنجیان
 ۶۲۳ جندریه‌یکیان
 ۳۸۱ جهیه

چ

۹ چرا عرب را باین نام خواندند
 ۲۸۹ چرا معتزله را باین نام خواندند
 چگونه انسان باید باین کیش
 ۵۹۲ (کیش مانی) درآید
 ۵۹۷ چگونه روز بازگشت
 ۵۸۳ چیزهاییکه مانی آورد

۶۰۹ بهانیه
 ۲۰۷ بهترین کتابها در نظر همه
 ۱۶ بیت‌الحکمه - یا - خزانه‌الحکمه

پ

پادشاهان و رئیس‌انیکه رمی بزندقه
 ۶۰۱ میشدند
 ۲۸۷ پایان مقاله چهارم

ت

۵۷۹ تاریخ رؤساء بئیان حرثانی در اسلام
 ۵۰ تابعان
 ۴۴۹ تألیفات افلاطون
 ۴۴ ترتیب قرآن در مصحف عبدالله بن مسعود
 ۴۵ ترتیب قرآن در مصحف ابی بن کعب
 ترتیب سوره‌های قرآن در مصحف
 ۴۷ امیر المؤمنین علی
 ترتیب اجزاء کتاب که تا با امروز
 ۲۳۵ روایت میشود
 ترتیب اجزاء آن کتاب
 ۳۰۷ (کتاب‌الحيوان)
 ترتیب شانزده کتابیکه طبیبان آنرا
 ۵۱۷ میخوانند
 ترتیب کتابهای او (ارسطو) در منطقیات
 ۴۵۳ و طبیعیات و الهیات و خلقیات
 ۴۷۶ ترجمه‌های او (ابوزید) از سریانی
 ترجمه‌های او (ابن‌خمار) از سریانی
 ۴۷۷ بهریمی
 ۳۳ ترك
 ۵۷۴ تشریح اول

۲۶۸	خاندان ابو عناهیه	۵۳۴	چیزهائی را که رازی رساله نامید
۲۷۳	خاندان ابو عینیه مهلبی		چیزهائی که شکفت انگیزی که دارند
۱۱	خاندان ابو هیاج	۵۷۸	(حر نانیان)
۲۱۳	خاندان ثوابه بن یونس		چیزهائی که درباره آواز کبوتران و
۲۳۹	خاندان حمدون	۲۸۵	نسب آنها تألیف شده
۴۰۳	خاندان ذراره بن اعین		
۱۹۲	خاندان طاهر - عبدالله		ح
۲۶۸	خاندان طاهر بن حسین	۴۳۹	حادثه مغربی
۲۷۵	خاندان معذل	۶۱۰	حاحسیه
۲۳۶	خاندان منجم	۹	حدیده
۴۰۸	خاندان یقطین	۵۷۲	حزیران
۲۳۴	خبر کتاب الاغانی الکبیر	۶۱۰	حسیه
۵۳۱	خبر فلسفه بلخی	۵۸۲	حسکانیان
۴۳۸	خدنگ	۷۵	حکایت دیگر درباره کتاب العین
۳۳	خزر	۲۳۴	حکایت دیگر درباره آن (کتاب الاغانی)
	خطوطیکه معاحف را بدان می‌نوشتند ۱۱	۶۰۶	حکایت دیگر درباره صابئیان بطائح
۲۸	خط چین	۶۲۷	حکایت دیگر از غیر آن راهب
۲۸	خط مجموع	۵۸۰-۵۶۸	حکایت درباره آنان (حر نانیان)
۴۲۹-۳۴۰	خوارج	۴۴۱-۴۴۰-۳۵۲-۳۵۱	حکایت دیگر
	د	۲۳۴-۵۱۶-۵۴۸	
۱۶۸	در اخبار پیغمبر	۵۷۰	حکایت رأس
۱۷۰	در اخبار خلفاء	۴۹۴	حکایتی از روی نوشته ابن مکتفی
۷	در چگونگی لغات عرب و عجم	۶۳۲	حکایتی درباره هرمان
۵۱۲	در قدرت میان غوروس و مینس	۲۳۷	حکایتی دیگر از این خاندان (منجم)
۵۱۲	در قدرت میان فلاطن و اسقلبیوس دوم	۳۵۵	حلاج و مذاهب او
۶۰۰	دیکینیان		ح
۶۰۲	دیسانیان	۲۸۳	خالدیان
۶۱۰	دیسانیه	۲۴۳	خاندان ابو نجم
۶۱۰	دیقطانیه	۲۷۱	خاندان ابو امیه

۳۳۲	زیدیه	۲۲	دین دفیریه
		۴۴۲	دیوان
	س		ذ
۶۱۰	سابانسیه		ذکر اسباب زیاد شدن کتابهای فلسفه ۴۴۳
۶۱۰	سالیه		ذکر پاره چیز هائیکه ابن شنبوذ میخواند ۵۶
۶۱۰	ساورمیه		ذکر گروهی از معتزلیان که چیز هائی
۳۲۶	سبب نامیده شدن شیعه باین نام		از خود در آوردند ۳۱۲
۳۵۷	سبب دستگیری او (حلاج)		
۱۰	سخن درباره خط حمیری		ر
۱۶	سخن در برتری خط		
۱۶	سخن در برتری قلم		
۱۷	سخن در برتری کتاب	۶۲۴	راحمربیه
۱۹	سخن درباره قلم سریانی	۲۴	راس سهریه - یا راز سهریه
۲۰	سخن درباره قلم فارسی	۶۱۰	ردویه
۲۵	سخن درباره قلم عبری		رساله هائیکه با نام نویسندگان
۲۶	سخن درباره قلم رومیان	۲۸۶	یاد میشود
۲۹	سخن درباره قلم منانی	۶۰۵	رشیان
۳۰	سخن درباره قلم صند	۳۴۲	رؤساء اباضیه که تألیفی دارند
۳۰	سخن درباره قلم سند		رؤساء این مذهب (مانی) در دولت
۳۲	سخن درباره خط سودان	۶۰۲	عباسیان
۳۳	سخن درباره ترکان و همچنان نشان	۶۰۲	رؤساء آنان در زمان ما
۳۵	سخن درباره کیفیت تراشیدن قلم		رونوشت نسخه بخط ابوالعباس
۳۶	سخن درباره انواع ورق	۱۲	بن ثوابه
	سخن درباره توراتیکه در دست		رونوشت چیزیکه بخط ابوسعید بود ۵۷۱
۳۸	یهود است		
۳۹	سخن درباره انجیل نصاری		ز
	سخن درباره مقدار اشعار کسانیکه		
۲۶۹	محمد بن داود در کتاب الورقه آورده	۲۷۳	زنان آزاد و کنیزان
۳۴۸	سخن درباره مذاهب اسماعیلیه	۲۴	زوارشن - یا - هزوارش
۴۵۳	سخن درباره منطقیات (ارسطو)	۴۴۰	زیج شهر یاری

۶۱۰	سورانیه	۴۵۴	سخن درباره قاطیفوریاس
		۴۵۴	سخن درباره باری ارمیناس
	ش	۴۵۴	سخن درباره انالوطیقای اول
		۴۵۵	سخن درباره ابودقظیقا
۲۶۸	شاعران خاندان زربن بن سلیمان	۴۵۵	سخن درباره طوبیقا
۲۸۴	شاعران شام	۴۵۶	سخن درباره ابوطیقا
۴۷۲	شاگردان و وراقان کندی	۴۵۶	سخن درباره ریطوریکا
۵۱۴	شاگردان بقراط		سخن درباره کتاب السماع الطبیعی
۲۳	شاه دبیره	۴۵۶	بتفسیر اسکندر
۵۷۶	شباط	۴۵۶	سخن درباره سوفطیقا
۴۲۹	شراه	۴۵۷	سخن درباره کتاب السماع الطبیعی
۱۹۳	شرطه		بتفسیر یحیی نحوی
	شطر نجیانی که در بازی شطرنج		سخن درباره السماع الطبیعی
۲۵۶	کتابی تألیف کرده اند	۴۵۷	بترجمه گروهی
۵۹۹	شدهای از اخبار مانویان	۴۵۸	سخن درباره کتاب السماء والعالم
	ص	۴۵۸	سخن درباره کتاب کون وفساد
		۴۵۸	سخن درباره کتاب الاثار العلویه
		۴۵۹	سخن درباره کتاب الحس والمحسوس
۶۰۹	صامیه	۴۵۹	سخن درباره کتاب الذنسی
۵۹۴-۵۹۰	صدیقوت	۴۵۹	سخن درباره کتاب الحیوان
۵۹۱	صفت زمین و آسمان نورانی	۴۵۹	سخن درباره کتاب الحروف
۵۹۱	صفت زمین ظلمانی		سخن درباره کتاب او (اقلیدس)
	ط	۴۷۹	در اصول هندسه
		۴۸۲	سخن درباره کتاب المجسطی
۷۵	طاعریه	۵۰۷	سخن درباره آلات و سازندگان آنها
۴۵۲	طالتنن	۵۴۹	سخن درباره راههای پسندیده دعا نویسی
۲۱۱	طایفه دیگر	۵۵۱	سخن درباره طریقه نکوهیده
۴۲۴	طبری و امجاش	۵۵۳	سخن درباره شنبه و طلسمات
۴۸۷	طبقه نوآموختگان	۵۸۳	سخناتیکه - توم - با او گفت
۴۹۱	طبقه دیگر از نوآموختگان	۶۲۱	سخن درباره بد - بودا .
۵۰۲	طبقه دیگری از منجمان	۶۱۰	سمفانیه
۵۱۱	طبیعیاتی که در آن قدرتها بودند	۵۹۹-۶۱۶	سمنیه

- کتابهای او در اخبار عرب ۱۷۲
- کتابهای او در اخبار شاعران و دیگران ۱۷۲
- کتابهای او (ابن ابوطاهر) در
منتخبات اشعار شاعران ۲۴۲
- کتابهایی بدست آوردم که از طرف
گروهی در آداب تألیف شده ۲۸۵
- کتابهای جاخط که تعبیر برساله شده ۳۰۸
- کتابهایی که در اصول و فقه تألیف شده ۴۰۳
- کتابهای او (کندی) در منطقیات ۴۶۶
- کتابهای او در حسابیات ۴۶۶
- کتابهای او در کریات ۴۶۶
- کتابهای او در موسیقیات ۴۶۷
- کتابهای او در نجومیات ۴۶۷
- کتابهای او در هندسیات ۴۶۷
- کتابهای او در فلکیات ۴۶۸
- کتابهای او در طبییات ۴۶۸
- کتابهای او در احکامیات ۴۶۹
- کتابهای او در جدلیات ۴۶۹
- کتابهای او در نفسیات ۴۷۰
- کتابهای او در سیاسیات ۴۷۰
- کتابهای او در احداثیات ۴۷۰
- کتابهای او در ابعادیات ۴۷۱
- کتابهای او در تقدیمیات ۴۷۱
- کتابهای او در انواعیات ۴۷۱
- کتابهای خارج از آن شانزده
کتاب (جالینوس) ۵۱۸
- کتابهایی که در عجایب دریا و
غیره تألیف شده ۵۴۶
- کتابهای هرمس در نیرنگات ۵۵۴
- کتابهایی در بیهوشی ۵۵۶
- کتابهایی که در سوارکاری تألیف شده ۵۵۷
- کتابهایی که در فضائل قرآن تألیف شده ۶۳
- کتابهایی که در اجزاء قرآن تألیف شده ۶۳
- کتابهایی که در متشابهات قرآن
تألیف شده ۶۳
- کتابهای تألیف شده در مواردی
از قرآن ۶۳
- کتابهایی که در ناسخ و منسوخ قرآن
تألیف شده ۶۴
- کتابهایی که در عدد آیات قرآن
تألیف شده ۶۴
- کتابهای تألیف شده درهاآت قرآن ۶۵
- کتابهای تألیف شده در نزول قرآن ۶۵
- کتابهای تألیف شده در احکام قرآن ۶۵
- کتابهای قدیم در اخبار نحویان ۱۴۶
- کتابهایی که در نوادر تألیف شده ۱۴۷
- کتابهایی که در انواع تألیف شده ۱۴۸
- کتاب النسب الکبیر ۱۶۳
- کتابهای او (مشام کلبی) در احلاف ۱۶۱
- کتابهای او در مآثر و خاندانها ۶۱
- کتابهای او در اخبار گذشتگان ۱۶۲
- کتابهای او در چیزهایی که اسلام
دماهنگی با جاهلیت دارد ۱۶۲
- کتابهای او در اخبار اسلام ۱۶۳
- کتابهای او در اخبار شهرها ۱۶۳
- کتابهای او در اخبار شاعران و
سرگذشت عرب ۱۶۳
- کتابهای او در اخبار و اسما ۱۶۳
- کتابهای او (مدائنی) در اخبار
زنهای اشراف و اخبار زنان ۱۷۰
- کتابهای او در وقایع ۱۷۰
- کتابهای او در فتوحات ۱۷۱

- ۳۴۷ گروهی دیگر از صوفیان
 ۳۶۶ گروهی از این شیعیان که متفرقند
 ۵۹۶ گفتار مانویان درباره معاد
 ۶۰۴ گفتار خسرو آرزومنان
 ۶۰۶ گفتار ای و عملکما
 ۶۰۷ گفتار خولانیان
 ۶۰۷ گفتار شیلیان
 ۶۰۸ گفتار اوردجیان

ل

- ۶۱۱ لفته
 ۵۹۰ لوطیس
 ۶۱۰ لوعانیه

م

- ۶۰۷ مارییان و دشتیان
 ۶۰۹ مارونیه
 ۶۱۰ ماقادونیه
 ۶۰۴ ماهانیان
 ۸۷ مبیضه
 ۴۴۶ مترجمان از هندی و نبطی
 ۴۴۶ مترجمان فارسی عبری
 ۳۴۰ متکلمان خوارج
 محاسبان و اصحاب اعداد که
 ۵۰۲ تازه کار بودند
 ۶۱۰ محرانیه
 ۲۱۷ مخضرمیان
 ۵۸۲ مذهب مانوی
 ۶۱۰ مذاهب خرمیه و مزدکیه

- کتابهای ایرانیان و هندیان
 ۵۵۷ رومیان و عربان در تخیلات درونی
 کتابهاییکه در بيطاری و معالجه
 جارپایان و صفات اسب و انتخاب
 آنها تألیف شده ۵۵۸
 کتابهاییکه ایرانیان و رومیان و ترکان
 و عربان درباره مرغان شکاری و
 شکار با آنها تألیف کرده اند ۵۵۹
 کتابهاییکه در تعبیر خواب تألیف شده ۵۶۰
 کتابهاییکه در عطریات تألیف شده ۵۶۱
 کتابهاییکه در طبیخ تألیف شده ۵۶۱
 کتابهاییکه در سمیات و داروسازی
 تألیف شده ۵۶۱
 کتابهاییکه در تعویذات ورقی تألیف شده ۵۶۲
 کتابهای هرمس در صنعت کیمیا ۶۳۳
 کتانیه ۶۰۹
 کتابیکه از مجبره بودند و کتابی
 تألیف نکرده اند ۳۳۷
 کتابیکه از ابو ثور آموختند ۳۸۹
 کتابیکه از هیشم آموخته و تألیفی
 داشتند ۱۶۷
 کشتج - یا - کسج ۲۳
 کشانیان ۶۰۶
 کلدانیان ۵۶۴
 کلنگایان تریان ۶۲۴
 کوارکیه ۶۱۰
 کیش که مانوی آورد ۵۹۲

ک

که در آوردگان قرآن در زمان پیغمبر ۴۲

۱۵	نام تذهیب‌کنندگان قرآن	مذاهبیکه در زمان اسلام از مجوس
۶۱۸	نام جاهائیکه در هند عبادتگاه بود	و خرمیان در خراسان پیدا شد ۶۱۴
۲۰۶	نام خطباء	۶۱۶ مذاهب سمنیه
۴۷	نام راویان قرائت ابو عمرو	۶۱۷ مذاهب هند
۴۸	نام راویان از نافع	۶۲۵ مذاهب مردم چین
۴۹	نام راویان ابن کثیر	۳۴۱ مردمان پرهیزکار خوارج
۴۹	نام راویان از عاصم	۶۰۳ مرقبونیان
۵۰	نام راویان ابن عامر	۶۱۰ مرقیونیه
۵۲	نام راویان از حمزه	۶۱۰ مرمیه
۵۲	نام راویان کسائی	۶۱۵ مسلمیه
۳۸۹	نام راویان از شافعی	۱۱۴ مشاهیر اصحاب فراء
۲۶۰	نام راویان قبائل	۴۵۱ مشائیین
۵۹۸	نام رساله‌های مانبی	۹ مضر
۶۰۱	نام رؤساء مانویان	معتزلیانیکه بجز نام چیزی
۳۴۵	نام زاهدان و صوفیانی که تصنیف داشتند	از آنان نمیدانیم ۳۲۲
	نام سایر عاشقانیکه درباره آنان	۶۱۰ مقدمه
۵۴۴	کتابی تألیف شده	۶۰۹ ملکیه
۵۰۸	نام سازندگان آلات	۶۱۰ ملوریه
	نام شاعرانیکه سکری اشعارشان	۶۱۰ منانیه
۲۶۰	را جمع کرده	۲۰۸ موضوعاتیکه در آنها کتاب نوشته شده
۶۳۷	نام شاگردان جابر	۶۱۰ مولیانیه
۲۷۷	نام شعراء کاتبان	۶۲۲ مهاکالیان
۳۴۴	نام عابدان و زاهدان و صوفیان	مهندسان و اعدادیان و منجمان تازه کار ۵۰۵
	نام عاشقانیکه در دوره جاهلیت و	
۵۴۳	اسلام عشق‌بازیها داشتند	
	نام عاشقانیکه حکایاتشان در افسانه‌های	
۵۴۴	شب آمده	نام آدمیزادگان که عاشق جنیان شدند ۵۴۵
	نام عفریتانیکه بر سلیمان بن	نام افسانه‌هائیکه بنقب معروف بود ۵۵۵
۵۴۹	داود در آمدند	نام بلیغان ۲۰۶
۲۶۳	نام فرزندان جریر که شاعر بودند	نام پریوشان هوس پرور ۵۴۴
		نام تألیفات فارسیان درباره سیرت ۵۴۱

	و	۱۰	نمونه خط مکی ومدنی
		۲۳-۲۴-۲۵	نمونه خط فارسی
۱۷۳	واز تألیفات او (مدائنی)	۲۹	نمونه خط چینیان
۱۶۲	واز کتابهای هشام	۲۹-۳۰	نمونه خط منانی
۱۶۴	ونیز از کتابهای اوست (هشام)	۳۰	نمونه خط سفید
۳۹۰	واز کسانیکه از شافعی آموخته بودند	۳۱	نمونه خط سند
۳۳۹	واز مجبره	۳۴	نمونه خط روسیه
۱۶۶	و باز از اصحاب واقدی	۳۲	نمونه حروف حبشیان
۱۰۲	وراقان مبرد	۲۵	نمونه قلم عبری
۲۶۵	ورق سلیمانی	۵۲۴	نوآموختگان
۲۶۶	ورق طلحی	۱۴	نوشته کسان دیگر غیر از ابن توابه
۵۹۵	وصالات	۵۲۳	نوشته ثابت درباره بقراطها
۴۵۲	وصیت ارسطو	۵۷۸	نوشته دیگران درباره آنان
	وصیت کامل ارسطو - در آخر همین کتاب	۶۱۰	نولیه
۲۲	ویش دیریه	۱۲	نویسندگان قرآن
	و این سخنانیست از جاحظ که ما	۱۹۳	نویسندگان و همجنسانشان
۳۰۵	آنها پسندیده‌ایم	۵۷۱	نيسان
	ی	۲۳	نیم کشتج
۵۵۶	یاوه گوئیهاییکه مؤلف آن معلوم نیست		ه
۶۰۹	یعقوبیه		
	یکی از دلایل دیگر که پایه گذار		
۷۱	نحو ابواسود دوئلی است		
۶۱۰	یماسیه	۳۵	هماه دیباب
۶۱۰	یونانیه	۶۱۰	هیلانیه

نام کسانیکه از ابواسود دوئلی	نام فرقه‌هاییکه میان عیسی و محمد
۷۲ نحورا فرا گرفتند	۶۰۹ (ص) بودند
نام کسانیکه از عبید بن شریه روایت	۴۶۴ نام فلاسفه طبیعیین
۱۵۲ کرده‌اند	نام فلاسفه‌ایکه در کیمیا سخن گفته‌اند ۶۳۴
نام کسانیکه زیر از آنان روایت کرده ۱۸۳	نام قاریانیکه از خود قرائتی داشتند ۵۳
نام کسانیکه عمر از آنان روایت کرده ۱۸۶	نام قبیله‌هاییکه سکری جمع کرده ۲۶۴
نام کسانیکه جریر آنرا نقص کرده ۲۶۳	نام قلمهای موزون ۱۳
نام گروهی از شاعران متأخر که کاتب	نام کتابهاییکه علماء در قرائت
۲۸۱ نبودند	کسانی تألیف کرده‌اند ۵۳
نام گروهی را بخط ابن کوفی بدست	نام کاتبان مترسل که نامه‌هایشان را
۱۷۹ آوردیم	روایت کرده‌اند ۲۰۰
نام و اخبار کسانیکه در صدر اسلام	نام کتابهایی که ابوالحسن علی
مآثر و انساب و اخبار از آنها	بن عیسی در کلام تصنیف کرده ۳۲۲
۱۵۱ گرفته شد	نام کتابهای حلاج ۳۵۸
نام گروهی از طبیبان باستانی ۵۲۱	نام کتابهاییکه در حرکات تألیف شده ۵۰۹
نام مترجمان بزبان عربی ۴۴۵	نام کتابهای بقراط ۵۱۴
نام مشاهیر جلد کنندگان قرآن ۱۶	نام کتابهای جالینوس ۵۱۶
نام مشاهیر فصحاء اعراب ۷۶	نام کتابهای فارسیان در طب ۵۳۶
نام مصنفان اسماعیلیه ۳۵۳	نام کتابهای هند در طب ۵۳۶
نام دبیره ۲۴	نام کتابهای هند در افسانه و اسرار ۵۴۲
نامهای حدود ۱۱۴	نام کتابهای روم در اسرار و تاریخ ۵۴۲
نام هفت نفری که اینان از	نام کتابهای ملوک بابل ۵۴۳
فرزندانشان بودند ۵۵۰	نام کتابهاییکه در مواعظ و آداب و
نیط ۱۹	حکم تألیف شده ۵۵۹
نسبهای بزرگ که در حکم بک نسب است ۱۶۴	نام کتابهاییکه ایرانیان و رومیان
نسطوریه ۶۰۹	تألیف کرده‌اند ۵۵۹
نسیان ۳۳۷	نام کتابهاییکه مفرد است ۵۶۲
نفسانیه ۶۱۰	نام کتابهاییکه حکما تألیف کرده‌اند ۶۳۵
نفسطونیه ۶۱۰	نام کتابهای جابر ۶۳۷
نقائص جریر و فرزوق ۲۶۳	نام کتابهای مانی ۵۹۸
نمونه خط حمیری ۱۰	نام کتابهای او (کندی) در فلسفه ۴۶۵